



گذشتش های رفیق برک کارمل

به
پلینوم های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
(۲۰ جلدی ۱۳۵۸-۷ جلدی ۱۳۶۵)

بازنایب و تدوینش و بچینتال: قاسم آسمایر

بازنشر: انتشارات رادو پرچم شور ۱۳۹۹

شناسنامه کتاب:

عنوان: گذارش‌های رفیق ببرک کارمل به پلینوم‌های کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان (۲۰ جدی ۱۳۵۸ - ۷ حمل ۱۳۶۵)

بازتایپ و تدوین دیجیتال: قاسم آسمایی

بازپخش: انتشارات راه پرچم ماه می ۲۰۲۰

در بارهٔ این مجموعه و انگیزهٔ بازپخش اسناد و مدارک در بارهٔ حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان

ارتجاع منطقه به کمک ارتجاع عرب در هم‌نوایی با جهان‌خوران جهانی، توسط عمال منطوقی خویش، پاکستان و ایران و از طریق خادمین محلی در وجود تنظیم‌های هفتگانه و هشتگانه بیش از چهارده سال جنگ اعلان‌ناشدهٔ را بر علیه مردم و وطن ما پیش بردند.

در اثر این جنگ ویرانگر، توأم با کشته شدن ده‌ها هزار مدافع وطن و افراد ملکی، ثروت‌های متعلق به مردم چون فابریک‌ها، کارخانه‌ها، پل‌ها، سرک‌ها، دستگاه‌های برق، کانال‌های آبیاری، مکاتب، شفاخانه‌ها و غیره موسسات عام‌المنفعه از بین برده شد و کشور برای ده‌ها سال از پیشرفت و ترقی باز ماند.

نکتهٔ جالب در این جنگ و جنایت این است که این همه دشمنی‌ها با مردم و وطن، بنام دفاع از اسلام، تحت شعار اسلام و جنگ بر علیه "قوای اشغالگر" و "کسب آزادی" صورت می‌گرفت. اما با بیرون رفتن قوای اتحاد شوروی و سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان و تشکیل "دولت اسلامی"، این جنگ نتنها خاتمه نیافت، بلکه شدت و حدت بیشتری پیدا کرد و هموطنانی بیشتری قربانی آن گردیدند و بر علاوه زمینه ساز آن شد که قوای تا دندان مسلح امریکا، ناتو و سایر شرکا و دولت‌های وابسته به آن بر همه هست و نیست وطن ما مسلط و مصروف امر و نهی شدند که پیامدهای ویرانگر آنرا از تبدیل شدن وطن به حیث مرکز کشت و پروسس مواد مخدر تا فساد عالمگیر و ده‌ها عیب دیگر، همه شاهدیم.

یکی از ابعاد جنگ ارتجاع منطقه و امپریالیزم جهانی بر علیه حزب و جمهوری

دموکراتیک افغانستان، پیشبرد جنگ تبلیغاتی در اشکال و انواع گوناگون بود که با سقوط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب این تبلیغات، تنها از شکل فعال به شکل پاسیف تغییر شکل نمود.

در قدم نخست همزمان با سقوط دولت در سال ۱۹۹۲ و چور "اسلامی"، غارت موسسات و تأسیسات دولتی از جمله آرشیفها و کتابخانه ها، بخش اعظم اسناد و مدارک دولتی و حزبی مربوط به دوران کار و پیکار حزب د.خ.ا و دولت ج.د.ا از بین برده شد و به این ترتیب منابع بسیار مهم تحقیق و تتبع برای نسل های آینده وطن، بصورت هدفمند ضایع شد.

در مرحله بعدی، عمدتاً طی سالیان اخیر، سازمانها و تشکیلات گوناگون تحت امر "دولت امریکایی داد" تلاش نموده اند تا به شکلی از اشکال در باره زدودن صفحات تاریخ مربوط به جمهوری دموکراتیک افغانستان و حزب دموکراتیک خلق افغانستان سکوت نمایند و یا هم تنها ضعفها و نکات منفی آنرا با "مرچ و مصالح" دروغ، افترا و تهمت، برجسته سازند.

برای ادای دین در مقابل نسل های آینده و مقابله با این وضع، تلاش صورت گرفته تا اسناد، مدارک و نشراتی پراکنده که اینجا و آنجا از چور و چپاول و آتش در امان باقی مانده است، جمع آوری و به شکل دیجیتال تدوین و در اختیار علاقمندان و دانش پژوهان تاریخ گذاشته شود.

در همین راستا، اسناد مربوط به دایرشدن پلینومهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از مجموعه روزنامه حقیقت انقلاب ثور و سالنامه های جمهوری دموکراتیک افغانستان جمع آوری، تایپ مجدد و به شکل دیجیتال تدوین گردیده که پیشکش هموطنان میگردد.

در بارهٔ این مجموعه:

در این مجموعه گزارش‌های مربوط به نخستین پلینوم (۲۰ جدی ۱۳۵۸) تا پلینوم هفدهم (۷ حمل ۱۳۶۵) که از جانب رفیق ببرک کارمل منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و صدر هیئت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به جلسات پلینوم‌ها ارائه شده، گردآوری گردیده است.

پلینوم یعنی جلسهٔ که در آن اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی حزب شرکت می‌کنند و در آن مسائل حیاتی و وظایف حاد سیاسی مورد بحث قرار گرفته و تصامیم و رهنمودهای برای کار و پیکار عملی اعضای حزب، اتخاذ می‌گردد.

با مرور بر گزارش‌های ارائه شده در هفده پلینوم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا، دیده می‌شود که در جریان این جلسات، داغ‌ترین و مهم‌ترین مطالب مربوط به زندگی مردم و تلاش حزب و دولت برای تأمین امنیت و برقراری صلح و ساختمان و آبادانی وطن، مورد بحث قرار گرفته و جلسات وقف موضوعات خاص و حاد روز شده و بعد از شور و بحث تصامیم و فیصله‌های صادر و در پلینوم‌های بعدی چگونگی تعمیم و اجران آن ارزیابی مجدد شده است.

از جمله در جهت مبارزه با فساد، در بخش از پلینوم چهارم مطالبی مطرح و رفیق ببرک کارمل ضمن تماس با فساد اداری به صراحت در مورد گفته اند:

«به کمیتهٔ مرکزی اطلاعاتی می‌رسد که بعضی از کارمندان به گروه‌بندی، رشوه‌ستانی، اختلاس، قانون شکنی، تطمیع و تهدید، وعده و وعید و بکارهایی نامطلوب و خارج از صلاحیت خود دست می‌زنند، درین باره چه میتوان گفت؟ انقلاب ثور بخاطر آرمان‌ها و رفاه خلق صورت گرفته است نه بخاطر اقتناع بلند پروازی‌ها، خودخواهی‌ها، توطئه‌گری‌ها، گروه‌پرستی‌ها، مقام‌پرستی‌ها، شهرت‌طلبی‌ها، گروه‌بندی‌ها، محل‌پرستی‌ها و ثروتمند شدن بعضی افراد و خانواده‌ها. چنین افراد با اعمال خود به وحدت حزب به اعتبار و حیثیت حزب در نزد مردم لطمه

مستقیم وارد میکنند. با این وضع سازش غیرممکن است و ما باین سازش نخواهیم کرد. کمیسیون کنترول و نظارت کمیته مرکزی حزب و دیگر مقامات مسوول موظف اند تا موارد چنین رفتار و کردار را تفتیش نموده و فیصله هایی لازم را اتخاذ نماید و حزب، دولت و مردم را از آن ذخیره فعال حزب افزایش دهیم.»

ذکر این نکته ضرور است که در تمام تاریخ حزب دموکراتیک خلق افغانستان، (از بدو ایجاد، در مرحلهٔ اپوزسیون و بعداً حاکمیت دولتی) مبارزه با فساد، قانون شکنی و استفاده سوء از صلاحیت وظيفوی، موضوع بسیار مهمی شمرده شده و بر تقوا، خدمتگذاری به مردم و برتر دانستن منافع ملی تاکید صورت گرفته است و بر اساس همین سیاست انسانی و مترقی، اکثریت نزدیک به مطلق اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سمبول تقوا و دارنگان دست پاک شهرهٔ سراسر وطن اند. حتی مخالفین ایدئالوژیک و دشمنان وطن معترف به این صفت حزبی ها، بودند و هستند.

همچنان رفیق کارمل در پلینوم چهاردم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا گفته اند:

«مردم افغانستان سرشار از غرور مناعت طبع و عزت نفس اند. بایست در برخورد با آنها سخت متواضع، فروتن و صادق بود. باید در عمل ثابت کرد که حزب خدمتگزار مردم خود است، نه باداران.»

موجودیت قوای شوروی، دستاویزی بود برای تمویل، تسلیح و صدور ترور یستهای "جهادی" بمنظور قتل و ویرانی در وطن ما که با بیرون رفتن آن نتنها جنگ خاتمه نیافت بلکه تا حال با گذشت نزدیک به سه دهه، ابعاد قتل و کشتار با شدت ادامه دارد. رفیق ببرک کارمل در پلینوم هفتم و هفدهم کمیته مرکزی در بارهٔ رعایت اکید اصول اسلامی و برقراری مصالحه گفته اند:

« ما در افغانستان اسلام را به مثابه دین مقدسی که عدم مساوات، سودخوری و استثمار انسان بوسیله انسان را تقبیح مینماید میشناسیم بنابراین ما از شما

دعوت مینماییم که متحد شوید و قاطعانه علیه دشمنان اسلام مبارزه نمایید. برای آنکه همه شما به خاطر آرام زندگی و کار نمائید و وطن عزیز ما را شگوفان و سعادت‌مند سازید، ضرورت به صلح است ما مخالف آنیم که انسان‌ها بالای یکدیگر آتش کنند ما باید ضمن تحقق پیگیر و مصرانه مشی استراتژیک حزب در اجرای وظایف تاکتیکی، انعطاف‌پذیری نشان دهیم. در این امر می‌توان و حتی باید هم به مصالحه، البته در حدود مجاز و معقول با حفظ وفاداری به اصول پرداخت. این امر با همه بخش‌های فعالیت ما منجمله مسایل ملی و قبیله‌وی و مخصوصاً با ارتباطات و تماس‌های ما با گروه‌های مختلف که وظایف مترقی را در برابر خویش قرار داده‌اند، رابطه دارد.

در سراسر افغانستان فقط سردسته‌گان باندهای جنایت پیشه اند که صلح را نمی‌خواهند و عملاً آنرا برهم می‌زنند. آنان به صلح ضرورت ندارند. زیرا فقط در جنگ است که به ثروت خود می‌افزایند.

- ما حق نداریم و نباید مصالحه را رد کنیم اگر موجب رسیدن به هدف عمده یعنی استقرار صلح سراسری و امنیت می‌گردد. این مشی کاملاً با احکام و نتیجه گیری‌های برنامه عمل حزب ما و مشی اصولی ما مطابقت دارد. تنها احزاب نیرومند به مصالحه تن میدهند. ما با اصول تجارت نمی‌کنیم و تصمیم نداریم تجارت کنیم. این امر باید هم به دوستان و هم بدشمنان روشن باشد!»

در باره فعالیت‌های تخریبی تنظیم‌های جهادی، حفظ ثروت و دارایی عامه در پیام کنفرانس سرتاسری حزب و پلی‌نوم آمده است:

«باید ثروت‌های متعلق به مردم اعم از فابریکها، کارخانهها، پلها، سرکها، دستگاه‌های برق، کانال‌های آبیاری، مکاتب شفاخانهها و غیره را از تعرض دشمنان مصئون ساخت. دشمنان آنها را تخریب میکنند تا بکمک ویرانی وضع جنگ را ادامه دهند. آنان در برابر رنج، بدبختی و فقر مردم بی تفاوت اند، نجات وطن محبوب

از غارت و ویرانی امر مربوط به شرف، حیثیت و ناموس همه مسلمانان و وطنپرستان نجیب افغانستان است.

- باندهای مسلح ضدانقلاب با کمک و پشتیبانی وسیع و همه جانبه امپریالیزم و ارتجاع منطقه به سپاهکاری‌های خویشی ادامه می‌دهند. این نیروها تلاش می‌ورزند بینظمی اقتصادی را به میان آورند. تولید و تأمین کالاها را مختل سازند. گرسنگی را ایجاد نمایند، یا به اختصار بگوییم می‌خواهند به قیمت بدترساختن شرایط زنده‌گی مردم، اعتماد آذترا نسبت به حاکمیت انقلابی زحمتکش‌شان و توانایی این حاکمیت را برای عادی ساختن اوضاع، تضعیف نمایند.

- خساراتی که به وسیله ضدانقلاب مسلح وارد شده است بالغ بر بیست و چارمیلیارد افغانی می‌گردد و شاید هم بیشتر. این خسارات حتماً تأثیرات منفی را بر پلان‌های ما وارد آورده، پیشرفت را کند نموده و مردم را از حصول آنچه که پیش بینی شده بود، محروم ساخته است.»

خدمت به مردم، برخورد احترام کارانه نسبت به دین مقدس اسلام، عنعنات و سنن مذهبی همه خلق‌ها و ملیت‌های ساکن کشور جز اصلی و اساسی سیاست ح.د.خ. افغانستان بود. در رابطه در گزارش به پلینوم نهم چنین آمده است:

«دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حفظ مساجد، زیارتگاه‌ها و دیگر اماکن مقدس مسلمانان و مساعدت به روحانیون وطنپرست را از لحاظ مادی و معنوی پشتیبانی میکند.»

- در سال ۱۳۶۰ کمک فوق‌العاده به روحانیون و مؤسسات مذهبی، مبلغ بیش از بیست و شش ملیون افغانی را تشکیل میداد و در سال ۱۳۶۱ این رقم افزایش خواهد یافت. دولت انقلابی مصئونیت زمین‌های موقوفه را حفظ نموده، به ترمیم مساجد تخریب شده به وسیله ضدانقلاب و اعمار مساجد جدید توجه زیاد می‌نماید. به

این منظور در سال ۱۴۶۰ مبلغ پنجاه و یک ملیون افغانی به مصرف رسید و در بودجه سال ۱۴۶۱ مبلغ پنجاه و سه ملیون تخصیص داده شده است.»

بزرگترین تفاوت کار و پیکار دوره جمهوری دموکراتیک افغانستان با دولت‌های مابعد آن اینست که در آن دوران، باوجود پیشبرد جنگ اعلان نشده و ویرانگر، کارهای تهادبی و دورنمایی در همه عرصه‌ها صورت میگرفت. پروژه‌های بزرگ و طول‌المدت احداث و پیش‌برده می‌شد. برای کسب معلومات بیشتر و داوری بهتر در باره حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان، مرور دقیق اسناد پلینوم‌های کمیته مرکزی ح.د.خ. ضرور است.

انتشارات راه پرچم از همه موسسات و افرادی که این اسناد و مدارک را حفظ و همگانی ساخته و یا هم‌در اختیار ما قرار داده‌اند، صمیمانه اظهار شکران می‌نماید و موفقیت بیشتر آنها را در دریافت و همگانی ساختن آن آرزو مینماید.

قاسم آسمایی

اولین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

اولین پلینوم (مجمع عمومی) کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ساعت پنج بعد از ظهر بیستم جدی ۱۳۵۸ در تالار عمارت چهلستون تحت ریاست بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل جلسه داد و تصاویب آتی را براساس مصوبه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مورخ ۸ جدی ۱۳۵۸ بعمل آورد:

۱. اسمای اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی اعلام شود.
۲. اسمای اعضای دارالانشاء کمیته مرکزی مرکزی اعلام گردد.
۳. اسمای اعضای دارالانشاء کمیته مرکزی اعلام گردد.
۴. اسمای اعضای جدید حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان که از طرف کمیته مرکزی نامزد شده اند پس از تصویب شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام گردد.
۵. اسمای اعضای شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام شود.
۶. اسمای اعضای هیات رئیسه شورای انقلابی بار دیگر اعلام گردد.

در جلسه پلینوم کمیته مرکزی فیصله بعمل آمد که مطابق به موازین اساسنامه و برحسب شایستگی در شرایط لازم کمیته مرکزی، دفتر سیاسی کمیته مرکزی و دارالانشاء کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همچنان شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان با انتخاب و انتصاب اعضای جدید توسعه یابند.

در شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و در دستگاه اداره دولت تناسب لازم از لحاظ جبهه ملی پدروطن جداً رعایت گردد.

در قدم اول بحیث مقدمه کار جبهه، سه عضو غیرحزبی وزرای زراعت، تجارت و صحت عامه در حکومت و هم در شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

عضویت حاصل نمایند و در زمان لازم بر تعداد اعضای غیر حزبی شورای انقلابی افزایش بعمل آید.

در اداره امور دولت، تمام اشخاص با تجربه و پاك، متخصصان و دانشمندان و روشنفکران غیر حزبی بدون تبعیض وسیعاً جلب شوند.

مقامات رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تمام اشخاص محافل و سازمان‌های ملی و دموکراتیک، ترقی خواهان اسلامی و روحانیون وطنپرست مطابق به خط مشی حزب و دولت مذاکرات دوستانه را آغاز نمایند. حزب و حکومت به منظور تأمین آزادی و امنیت مردم، احیای صلح و آرامش در کشور و ایجاد شرایط کار صلح آمیز برای مردم و همچنان به منظور امحای تجاوزات تروریست‌ها، قطاع‌الطریقان، راهزنان و آدم‌کشان، متجاوزان ارتجاع امپریالیستی و نوکران دشمنان استقلال ملی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و دشمنان ضد مرحله نوین انقلاب کبیر ثور، تمام تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

برای هموطنانی که بنابر ظلم و ستمگری باندامین و امینی‌ها از وطن به خارج رفته اند شرایط بازگشت مصنون به وطن تدارک دیده شود.

کمیته مرکزی: ح.د.خ افغانستان

اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ افغانستان، به ترتیب حروف الفبا:

۱. ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
۲. اسد الله سروری
۳. اناهیتا راتب زاد
۴. سلطانعلی کشتمند
۵. صالح محمد زیری
۶. غلام دستگیر پنجشیری
۷. نور احمد نور.

اعضای دارالانشاء کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به ترتیب حرف الفبا:

۱. ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
۲. صالح محمد زیری
۳. نور احمد نور

اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به ترتیب حروف الفبا:

۱. ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.
۲. اسدالله سروری
۳. امتیاز حسن
۴. اناهیتا راتبزاد دوکتور
۵. حبیب الله منگل دوکتور
۶. خلیل الله جگرن
۷. راز محمد پکتین دکتور
۸. سلطان علی کشتمند
۹. سید محمد گلاب زوی
۱۰. شاه محمد دوست

۱۱. شیر جان مزدوریار جگرن
۱۲. صالح محمد زیری دوکتور
۱۳. عبدالرشید آرین
۱۴. عبدالظهور رزمجو انجنیر
۱۵. عبدالقادر جنرال
۱۶. عبدالقیوم نورزی
۱۷. عبدالمجید سربلند
۱۸. عبدالوکیل
۱۹. غلام دستگیر پنجشیری
۲۰. فدامحمد دهنشین
۲۱. فیض محمد دگرمن
۲۲. گل آقا دگرمن
۲۳. گل داد
۲۴. محمد اسلم وطنجار دگرمن
۲۵. محمد اسماعیل دانش انجنیر
۲۶. محمد حسن پیمان
۲۷. محمد رفیع دگرمن
۲۸. محمد هاشم دگرمن
۲۹. محمود بریالی
۳۰. نجم الدن اخگر کاویانی انجنیر
۳۱. نجیب الله. دکتور
۳۲. نظام الدین تهذیب
۳۳. نظر محمد دگرمن
۳۴. نظر محمد انجنیر
۳۵. نور احمد نور
۳۶. نیاز محمد دوکتور

اعضای علی البدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، به ترتیب
حروف الفبا:

۱. جمیله پلوشه
۲. دوست محمد جگرن

۳. سلیمان لایق
۴. سید امیر شاه ذره دوکتور
۵. سید اکرام پیگیر
۶. سید طاہر شاہ پیکارگر
۷. محمد حسن بارق
۸. ہنر غیرت

شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان، به ترتیب
حروف الفبا:

۱. ببرک کارمل، رئیس شورای انقلابی
۲. اسدالله سروری معاون شورای انقلابی
۳. سلطانهلی کشتمند معاون شورای انقلابی
۴. نوراحمد نور
۵. جنرال عبدالقادر
۶. دگرمن محمد اسلم وطن جار
۷. دگرمن گل آقا

اعضای شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، به ترتیب حروف الفبا:

۱. ببرک کارمل رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان.
۲. اسدالله سروری معاون شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان.
۳. سلطانهلی کشتمند معاون شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان
۴. نوراحمد نور
۵. بریدجنرال عبدالقادر
۶. دگرمن محمد اسلم وطنجار
۷. دگرمن گل آقا
۸. امتیاز حسن
۹. اناهیتراتب زاد دوکتور
۱۰. ثریا
۱۱. جمیله پلوشه
۱۲. حبیب منگل. دوکتور
۱۳. خلیل الله جگرن
۱۴. خلیل الله کوهستانی
۱۵. دوست محمد جگرن
۱۶. راز محمد پکتین دوکتور
۱۷. سید اکرام پیگیر
۱۸. سید داود مصباح

۱۹. سید امیر شاه ذره. دوکتور
۲۰. سید طاہر شاہ پیکارگر
۲۱. سید محمد گلاب زوی
۲۲. سلیمان لایق
۲۳. شاہ محمد دوست
۲۴. شیر جان مزدوریار دگرمن
۲۵. صالح محمد زیری. دوکتور
۲۶. عبدالرشید آراین
۲۷. عبدالظہور رزمجو. انجنیر
۲۸. عبدالصمد اظہر
۲۹. عبدالقیوم نورزی
۳۰. عبدالمجید سر بلند
۳۱. عبدالوکیل
۳۲. عزیز الرحمن سعیدی
۳۳. غلام دستگیر پنجشیری
۳۴. غلام سرور یورش
۳۵. غلام فاروق. دوکتور
۳۶. فضل الرحیم مومند
۳۷. فدامحمد دہنشین
۳۸. فیض محمد دگرمن
۳۹. گل آقا دگرمن
۴۰. گل داد
۴۱. محمد ابراہیم عظیم پوہاند
۴۲. محمد اسماعیل دانش. انجنیر
۴۳. محمد حسن باریق
۴۴. محمد حسن پیمان
۴۵. محمدخان جلالر
۴۶. محمد رفیع دگرمن
۴۷. محمد عیان عیان
۴۸. محمدنبی عظیمی دگرمن
۴۹. محمدہاشم دگرمن

۵۰. مفتاح الدين صافى
۵۱. محمود بريالى
۵۲. نجم الدين اخگر كاويانى انجنير
۵۳. نجيب الله دوكتور
۵۴. نظام الدين تهذيب
۵۵. نظر محمد دگرمن
۵۶. نظر محمد انجنير
۵۷. نياز محمد مومند دوكتور
۵۸. هنر غيرت

دومین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

جلسه اول و دوم اجلاس دومین پلینوم تاریخی با عظمت و سازنده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب پیروزمند ثور، دموکراسی، صلح و آزادی در یک فضای مملو از صمیمیت و همبستگی به تاریخ ۳۴ حمل ۱۳۵۹ در مقر شورای انقلابی برگزار گردید.

جلسه اول پلینوم که از ساعت ده قبل از ظهر تا ساعت یک ونیم بعد از ظهر ادامه یافت با بیانیه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان افتتاح گردید و بعد ببرک کارمل گزارشی به پلینوم ارائه کردند.

درین جلسه اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که از طرف بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران پیشنهاد شده بود؛ بعد از غور و تأیید به اتفاق آراء تصویب و غرض تصویب نهایی به شورای انقلابی راجع شد.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان حاوی احترام به دین مقدس اسلام، سنن و عنعنات ملی کشور، حقوق و آزادی‌های وسیع مردم و تأمین دموکراسی میباشد.

در جلسه دوم پلینوم تاریخی، با عظمت و سازنده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که از ساعت دونیم تا چهارونیم بعد از ظهر ادامه داشت اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصویب و یک سلسله تصاویر دیگر در زمینه حیات داخلی حزب بعمل آمد.

در جلسه قبل از ظهر و بعد ظهر پلینوم اعضای بیروی سیاسی و بعضی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با ارتباط موضوعات مورد بحث بیانیه‌هایی ایراد کردند.

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې دریم پلینوم

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې دریم پلینوم د ۱۳۵۹ کال د اسد په لومړۍ نیټه جوړ شو.

په دغه پلینوم کې د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې عمومي منشی د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس او صدراعظم ببرک کارمل د انقلاب ضد قوتونو پر خلاف مبارزې د زیاتیدو او د وسله وال پوځ او د دولتي امنیتي قوتونو او ټولنیز نظام د بیاوړتیا په خاطر د گوند او دولت د وظیفو په باره کې یوه وینا وکړه.

په پلینوم کې د مرکزی کمیټې یوشمیر غړيو د ولایتي کمیټو منشیانو د دولتي اطلاعاتو د خدمتونو او څارندوی ځینې مسنولینو، افسرانو او گوندی کدورنو په پوره دموکراتیکه او آزاده فضا کې په مسالو او ستونزو باندې د خبرو په ترڅ کې د ببرک کارمل د وینا په تأیید ویناوی وکړی او د هغو وظیفو د تطبیق په برخه کې پیشنهادونه وړاندې شول چې د ببرک کارمل په وینا کې منعکس شوی وی.

پلینوم د پوره او ټینګ یووالی په فضا کې جوړ شو. د ببرک کارمل د وینا مطالب او استنباطونه د پلینوم د غړيو له خوا په انقلابی شور او احساساتو او پرله پسې چکچکوسره د رایو په اتفاق پوره تأیید شول او په دې برخه کې په پلینوم کې یوه مصوبه د رایو په اتفاق تصویب شوه.

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټې دریم پلینوم د انقلاب ضد پر خلاف او د وسله وال پوځ، د دولتي امنیت د مقاماتو او د ټولنیز انتظام د مقاماتو د بیاوړتیا په لاره کې د گوند او دولت د مبارزې د زیاتیدو مهمې مسالې وڅیړلې.

پلینوم د پوره یووالی او پیوستون په فضا کې جوړ شو. د پلینوم ټولو برخه والو په وینا کې درج شوی مسالې او استنباطونه پوره او بیخي تأیید کړل.

په پلینوم کې ټینګار وشو چې د ثور انقلاب د دویم پړاو له پیل څخه تر اوسه پوری د انقلاب د سیاسي، اقتصادي او ټولنیزو بنیگو د ټینګتیا او پراختیا په لاره کې گټور

کارونه شوی.

په گوندی سازمانونو کې ورځ په ورځ د یووالی او پیوستون روحیه ټینګ کبیری او د هغوی د مبارزی ظرفیت لورببزی، له گټی اخیستی او ستم څخه د خلاصی نوی ټولنی د جوړولو په خاطر په بویه غبنتلی قوت باندی د افغانستان د ټولو دموکراتیکو او وطن پالو قوتونو تمرکز دوام لری، د هیواد د اقتصادی پرمختیا پلانونه د عمل په ساحه کی پللی شوی او د بنوونی او روزنی، عامی روغتیا، فرهنگ او هنر د پرمختیا له پاره نوی امکانات برابر شوی دی، دا فغانستان ټولو خلکو او قومونو او زموږ د ټولنی ټولو وطنپالو طبقو د دی امکان پیدا کړ چی آزادانه په سوله او امنیت کی د خپلو دودونو په ساتلو سره ژوند وکړی، دولت د اسلام د مقدس دین مصئونیت او د مذهبی مراسمو د اجرا آزادی تضمینوی، د افغانستان د خلق دموکراتیک گوند پرله پسې دموکراتیکو اصولو او انقلابی قانونیت د سیاست جدی مراعات کوی.

د افغانستان د دموکراتیک جمهوری حکومت د سیمی هیوادو د ترمنځ روابطو د بڼه والی او د افغانستان د سرحدونو په ساحه کی د انقلابی ضد باندونو د اډو د لغوه کولو په برخه کی په نوبتونو لاس پوری کړ چی د نری ټولو مخکښو قوتونو بی ننگه وکړه او مینه بی ورسره وبنوده.

د ثور انقلاب د دویمی کالبیری په مناسبت د مرکزی کمیټی په تیزسونو کی چی زمونږ د گوند د مرام حیثیت لری. د افغانستان د خلکو او ټولو نری والو په وړاندی د گوند هدفونه او وظیفی اعلام شوی زمونږ ډیر لوړ هدف د خلکو د مادی او معنوی ژوندانه د سطحی لوړول او د افغانستان د هری کورنی د نیکمرغی او سوکالی تأمین دی. زمونږ خلکو په غوڅه توگه د دموکراسی او ټولنیزی ترقی لاره د نوی او عادلانه ټولنی د جوړولو لاره غوره کړی ده. دا چی د خلکو پراخه پراگنی د نوی ټولنی د جوړولو او د انقلاب د بنیگنو د دفاع په لاره کی هلی خلی او مبارزه کوی د پورتنی خبری مصداق دی.

د بنوونکو کنگره، د بنار او کابل ولایت د گوندی فعالینو او کنرونو غونډه، د طب د کارکوونکو کنگره او د عالمانو او روحانیونو جرگه او د افغانستان د وزارتونو، ادارو او دولتی موسسو، د گتور توب او فعالیت د لوړتیا جرگه او د گوند او دولت

د تگلاری د تأیید په خاطر په بنارونو او کلیو کی د خلکو غونډی او میتونگونه دغه کار په ډیر ښه توگه تأیید وی.

هغه مثبت سیاسی، ټولنیز او اقتصادی بدلونونه چی په افغانی ټولنه کی راخی د خلکو د پراخو پراخو له دیموکراتیکو او ملی ارمانونو سره بیخی سم دی.

ټول مترقی بشریت د افغانستان د خلکو د ډیرو ښو بچیانو په قهرمانیو باندی چی د ترقی او پرمختگ په لور ټینگ گامونه اخلی خوشحالیږی.

د افغانستان خلک ډیر ښه پوهیږی چی زموږ د ثور انقلاب د ښیگنو د دفاع په برخه کی دغه بریالیتوبونه د خپل گاونډی او ستر دوست شوروی اتحاد انترناسیونالیستی مرسته را په برخه شوی دی. خو د ثور انقلاب بریالیتوبونه د امپریالیستی ټولنو او د سیمی د ار تجاع له هدفونو او نقشو سره سم نه دی نو له دی امله دوی زموږ د خلکو او زموږ د انقلاب د ښیگنو پر خلاف نه اعلام شوی جگړه پیل کړیده خکه د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د سیاسی ټولنیزو بنسټونو ټینگیدو زغم نه شی کولی.

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی په پلینوم کی په خوبی سره وویل شول چی د انقلاب ضد سړی وژونکو سترو باندونو ته مرگونی گوزارونه ورکړ شویدی او د هغو گن شمیر بیخی له منځه تللی دی، د هغوی لاس و هونکو او انډیوالانو ته د سر بی شمیره زیان رسیدلی دی.

په عین حال پلینوم وویل چی له انقلاب ضد سره په مبارزه کی چی د امپریالیستی دولتونو او د سیمی د ارتجاعی رژیمونو له خوا په وسلو سمبالیری ډیر کارونه پاتی دی.

د انقلاب ضد باندونه د فیوډالانو د حکمیت د بیا رامینځته کیدو او د ثور انقلاب د ښیگنو د زندگی کولو په خاطر، د خلکو په ترور، لوټماری، او وړانکاری لاس پوری کوی.

انقلابی ضد قوتونه پدغه شان انسانی ضد کارونو باندی په لاس پوری کولو سره غواری زموږ د زیارایستونکو خلکو سوله او آرامی گډه وډه کړی. د افغانستان د خلکو د سوکالی او نیکمرغی په لاره کی د گوند د ټولنیزو او اقتصادی پلانونو او

هدفونو د تحقق په لاره کی خنډ شی.

پدغه شان شرایطو کی د انقلاب ضد پر خلاف وسله واله بریالی مبارزه او د هغوی غوڅه ماتې زموږ د گوند او ټولو خلکو له پاره زیات ارزښت پیدا کوی.

هغه تدبیرونه چی د مرکزی کمیټی له خوا د انقلاب ضد پر خلاف مبارزی د زیاتیدو او په هیواد کی د انقلابی نظام د ټینگیډو له پاره طرحه شوی وو ضرور او پرځای وو.

د خلکو د پرگنو له ملاتړ سره یوځای د دغو تدبیرونو عملی کول د دی امکان پیدا کوی چی وسله واله سری وژونکی بانډونه له مینځه لار شی او د افغانستان د خلکو د ژوندانه د سطحی د لوړولو په خاطر د هیواد اقتصاد او فرهنگ بریالی پرمختیا وکړی.

د مرکزی کمیټی پلینوم د وسله والو بانډونو او د انقلاب ضد پټو سازمانونو د بیخی ماتې په لاره کی د گوند او خلکو ټول قوت منظمول په اوسینو شرایطو کی د افغانستان د خلک د دموکراتیک گوند ډیره مهمه وظیفه وبلله.

دغه راز پلینوم څرگنده کړه چی د گوندی کمیټو او لومړنیو سازمانونو او دولتی مقاماتو ټول سازمانی او سیاسی فعالیتونه باید د انقلاب ضد د پوره له مینځه وړلو په لاره کی د گوند او خلکو د ټول قوت منظمولو، تر شعار لاندی تنظیم شی.

پلینوم له ټولو ولایتی، ښاری، ناحیوی کمیټو، او گوندی لومړنیو سازمانونو څخه وغوښتل چی د گوند د صفوفو کلک یووالی ټینگ کړی او هغه فرکسیون بازی چی د گوند یووالی او یوموتی والی ته زیان رسوی له مینځه یوسی.

د گوند یو شمیر غړی چی د گوند یووالی گډوډوی او د گوند له هغی کړنلاری څخه چی د مرکزی کمیټی په دویم پلینوم کی تدوین شوی سر غړوی د گوند له اساسنامی سره سم د هغوی د مقام له په پام کی نیولو پرته باید جزا ووینی او له گوند څخه وویستل شی.

اوس ز موږ په گوند کی د هغه د پوره یووالی د تأمین او ټینگښت له پاره ټول لازم شرایط شته د گوند غړی په پخوانی کوم اړخ پوری د هغوی د تیر ارتباط له په پام

کي نیولو پرته چی په افغانستان کی د انقلابی بدلونونو په لاره کی د رښتینو مبارزینو په توگه یی څرگنده برخه درلوده، کولی شی د غچ اخیستلو له ویری او فشار له ویری څخه پرته د گوند او خلکو د گټو په لار کی په مصنونه توگه کار او مبارزه وکړی.

د مرکزی کمیټی پلینوم د گوند غړی گوند نه د نویو ملگرو له هغو څخه د کارگرانو، بزگرانو او د وسله وال پوځ د زرورو سربازانو او نورو زیارایستونکو طبقو د استازیو د منلو په لاره کی موظف کړل.

دغه راز د گوند اساسنامه د هر اصلی او آزمایشی غړی له پاره د یوه لوړ قانون په توگه وڅیړل شوه.

دغه شان پلینوم څرگنده کړه چی په گوند کی د ننه او د پرگنو په منځ کی سیاسی او سازمانی فعالیتونه پراخه شی باید د گوند د هر غړی سیاسی شعور لوړ شی او دا ټکی هیڅکله هیر نه شی چی د گوند قوت د هغه په یووالی او تشکل کی دی او له کلک او وسپنیز انضباط څخه پرته د انقلابی گوند شته والی ناممکن وی.

د مرکزی کمیټی پلینوم گوندی کمیټی، وزارتونه او موسسی مؤظفی کړی چی د کادرونو په ټاکلو او انتخابولو کی دی دهغوی یوازی اصلی سیاسی و اداری لیاقت په پام کی ونیسی او د کادرونو بی خایه بدلول، بیروکراتیسم او د لیکونو بی خایه لیبرل او رالیبرل چی اقتصادی چاری په تیره بیا د انقلاب ضد قوتونو پر خلاف د مبارزی مسالی د گوند او دولتی دستگاه قوت کمزوری کوی له منځه یوسی. باید هڅه وشی چی د گوند هر غړی په خپل خای کی د گوند، انقلاب او خلکو د دښمنانو پر ضد مبارزه کی فعاله برخه واخلي.

وسله وال پوځ د دولتی امنیت او عمومی انتظام مقامات د انقلاب د ارزښتونو په دفاع او د انقلاب ضد باندونو په پوره رانسکورولو کی ټاکونکی رول لری.

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی په پلینوم کی په وسله وال پوځ، د دولتی امنیت او ټولنیز انتظام په ارگانونو او د سرتیرو د ژوند په شرایطو او د هغوی د محاربوی لورتیا د سطحی په لوړوالی کی د گوندی نفوذ او رهبری ښه والی ته کلکه پاملرنه وشوه.

د مرکزی کمیټې په پلینوم کې زیاته شوه د ولایتی، ښاری، ناحیوی او د ولسوالی گوندی کمیټی باید د څارندوی د امنیتي ارگانو د پیاوړتیا له پاره مشخص تدبیرونه ونیسی د گوند اصلی او آزمایشی غړی او د انقلاب زورور مدافعین دغو موسسو ته د کار له پاره ولیری.

د انقلاب د ارزښتونو د دفاع د ټولنیز نظام د پیاوړتیا له پاره په مبارزه کې د خلکو ملاتړ او همکاری زیات اهمیت لری له دی امله ولایتی او د ولسوالی کمیټی د کورنیو چارو وزارت د ځوانانو د سازمان اجرائیه کمیټه او والیان باید د انقلاب د دفاع د ډلو جوړولو او د هغوی پوځی بنوونی ته خاصه پاملرنه وکړی. دغه ډلی باید په یو رښتینانی قوت بدلی شی چې وکولای شی د انقلاب ضد برخلاف له څارندوی سره اوږه په اوږه مبارزه وکړی.

د پرگنو او په تیره بیا د وسله وال پوځ د دولتی امنیت او ټولنیز انتظام د مقاماتو ترمنځ د سیاسی فعالیت پراختیا د گوندی کمیټو او سازمانونو ستړی او اساسی وظیفی دی، د سیاسی او تبلیغاتی کار له ټولو لارو چارو څخه په کار اخستلو سره باید سرتیرو او خلکو ترمنځ د وطن پالنې لوړه روحیه د شور انقلاب ایډیالونو ته وفاداری، د انقلاب له دښمنانو څخه کرکه او نفرت او د انقلاب د ارزښتونو د دفاع له پاره د پیوستون تیاری وروزل شی. په وسله وال پوځ کې خدمت باید د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د هر تبعه شریفه وظیفه وشمیرله شی.

باید هڅه وشی چې ټول پوځیان د گوند سیاست او د اوسنی حالت ستونزی او له هغو څخه د خلاصون عینی لاری درک کړی. هغوی باید زموږ د مبارزې په شریفو او عادلانه هدفونو وپوهیږی او په دی ټکی پوه شی چې زموږ د گوند او دولت سیاست د اسلام د مقدس دین د اساساتو په اتکا تدوین کیږی، له دی امله باید د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د اساسی اصولو او د مرکزی کمیټی د تیزسونو په باب تبلیغ ښه شی. گوند د هیواد له ټولو وطن پالو قوتونو څخه غواړی چې په پوره وینښتیا د دښمن دروغ او د تبلیغاتو سیاسی هدفونه رسوا کړی د هغوی د نفوذ مخه ونیسی دا نور د گوند او دولت گډه وظیفه ده.

د افسرانو د روزنی او پالنې ښه والی او د روزنی په کار کې د هغوی فعال گډون، په وسله وال پوځ د دولتی امنیت په مقاماتو د ټولنیز انتظام په ارگانو کې د سیاسی

کار د کیفیت زیاتوالی مهم شرط دی باید د کدرنو د غوره کولو، ټاکنی او روزنی حالات بڼه شی او په وخت لایق وړ او فداکار کارکنان په لوړو مقامونو وټاکل شی.

د وسله وال پوځ افسران باید په خپل ځان په دایمی توگه سیاسی پوځوالی، انقلاب ته د وفاداری روحیه ویننیا، گوندی گرانیت، لیاقت، له وظیفی سره مینه او سیاسی او محاربوی لوړ صفتونه او د سربازی له مسلک سره مینه وروزی.

مرکزی کمیټه او د افغانستان دموکراتیک جمهوری حکومت د اردو کادرونو، د دولتی امنیت د مقاماتو د ټولنیز انتظام د ارگانونو درندو مسئولیتونو ته ټینگه پاملرنه کوی. پدی برخه کی له لازمی سختی څخه کار اخلی او د وطن د ساتونکو او په تیره بیا د افسرانو د اعتبار په زیاتوالی او د هغوی د ژوندانه د شرایطو په بڼه والی کی لازم کو بڼن کوی.

هغه و وظیفی چی د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی د پلینوم له خوا ټاکل شوی ډیری ستړی او له مسئولیت نه ډکی دی. گوندی کمیټی لومړی سازمانونه او سیمه ییز دولتی مقامات باید خپل ټول سازمانی، سیاسی او اقتصادی قوت د هغو د تطبیق په لاره کی په کار واچوی. باید د خلکو ټولو قشرونو، د اردو سرتیرو د دولتی اطلاعاتو خدماتو او د کورنیو چارو وزارت ته د پلینوم د لارښوونو د پراخه څرگندونی له پاره له ټولو امکاناتو څخه کار واخیستل شی او د هیواد ټول وطنپال قوتونه د هغو د تطبیق په لاره کی تنظیم شی.

د رواجونکو او ویونکو په شفاهی ویناوو کی باید د انقلاب په او سنی پړاوکی په هیواد کی د آزادی او دموکراسی سترکار بریالیتوب بیان شی او د انقلابیونو ضد او د امریکایی، چینایی مدافعینو او د سیمی د ارتجاع وحشیانه څیری له واقعی پېښو څخه په استفادی سره رسوا شی. باید زموږ د انقلاب او د گوند او د نیکمرغی او ترقی په لاره کی زموږ د خلکو د مبارزی او د افغانستان د دموکراتیک جمهوری حکومت د بهرنی سیاست د سوله غوښتونکو نوښتونو په باره کی حقیقت خپور شی او ډاډ ورکړ شی چی زموږ انقلابی گوند او پټمن خلک، انقلابی ضد وینی څښونکی بانډونه له منځه یوسی.

د دښمنانو پټ سازمانونه به له مینځه یوسی او د نوی او نیکمرغه ژوندانه په لور روښانه لاری پرا نیزی.

د افغانستان د خلك دموكراتيك گوند د كارگرى طبقى او ټولو زيارايستونكو مخكښ د وطنپالو سربښدونكو او زرورو انقلابيونو گوند د انترناسيوناليسټانو گوند، زموږ د خلكو د برى ضامن دى. زموږ د گوند او زموږ د هيواد نورو وطنپالو قوتونو قهرمانه او بى امانه مبارزه د شوروى اتحاد او د سوسياليستى اردوگاه د نورو هيوادو او د نړى د ټولو مترقى قوتونو بيغرضه او د ورورولى مرستى او ملاتړ او دغه راز ټينگ عزم، قاطعيت او د انقلاب او د پرگنو ټينگه وفادارى زموږ د خلكو د برى ضامنه ده.

وړاندې د انقلاب ضد د پوره رانسكورولو په لاره كى د گوندى او خلكو د ټولو قوتونو د تنظيمولو په لور.

چهارمین جلسه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۳ عقرب ۱۳۵۹

طبق اطلاع دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان چنانچه قبلاً به هموطنان عزیز ابلاغ شده بود، بیست عقرب پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا جهت بررسی نتایج بازدید رسمی و دوستانه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان از اتحادشوروی که بنابه دعوت کمیته مرکزی حزب کمونسنت اتحاد شوروی، هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و حکومت شوروی صورت گرفت در مقر شورای انقلابی دایر گردید.

حین ورود ببرک کارمل به سالون جلسه پلینوم که با بیرق‌ها و نشان‌های حزبی مزین شده بود، همه اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی حزب به پا خاسته و با شور و شغف و کف زدن‌های ممتد، منشی عمومی کمیته مرکزی را استقبال نمودند.

در آغاز جلسه پلینوم کمیته مرکزی که ریاست آنرا ببرک کارمل بعهده داشت پیشنهاد گردید تا پیشبرد کار پلینوم و هیات رئیسه آن به بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان سپرده شود. این پیشنهاد به اتفاق آرا پذیرفته شد. بحث آجندای جلسه که شامل گزارش ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره نتایج بازدید رسمی و دوستانه هیات عالی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان از اتحاد شوروی، بحث پیرامون گزارش و تصویب قرار پلینوم در مورد آن بود قرانت گردید اجندا به اتفاق آراء تصویب شد و طرز کار پلینوم تعیین گردید.

سپس ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان گزارش مفصل و همه جانبه خودرا که حاوی تحلیل عمیق و علمی از جوانب مختلف

مناسبات دوستی، برا دری، همکاری بی شایبه بزرگ و تاریخی میان احزاب، دولت‌ها و مردمان جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی و دورنماهای بسط و تکامل آن و وظایف حزب و دولت ما در شرایط مشخص تاریخی کنونی بود ارائه نمود.

اعضای محترم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رفقای عزیز!

ما در چهارمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از مرحله دوم انقلاب ثور جمع شده ایم تا نتایج نخستین بازدید رسمی و دوستانه خویش را از اتحادشوروی که در سطح عالی حزبی، دولتی بنا بدعوت کمیته مرکزی حزب کمونسنت اتحادشوروی هیات رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و حکومت شوروی بعد از آغاز مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور صورت گرفت، بررسی نماییم.

ما باید وظایف انقلابی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت خود را در ارتباط با نتایج بازدید از اتحادشوروی معین سازیم و بکار فعال برای تحقق موافقت‌های حاصله در زمان سفر و جلب توده‌های وسیع مردم باین امر دست بزنیم.

ولی در آغاز میخواستیم در باره جریان بازدید و فضای مذاکرات و ملاقات‌های رهبران افغانستان و اتحادشوروی در سطح عالی صحبت نمایم، شما از طریق نشرات، رادیو و تلویزیون افغانستان و راپورتاژهای که از مسکو تهیه شده بود، اطلاعات وسیعی نسبت به سفر دارید اما مفصل‌ترین مقاله یا راپورتاژ یا نشرات دیگر قادر نیست فضای صمیمت، صراحت رفیقانه، صداقت و حسن تفاهم کامل روحیه برادری، دوستی و احترام میان رهبران دو کشور، میان دو خلق ما را که در هرگام خود هنگام اقامت در کشور بزرگ شوراها احساس مینمودیم کاملاً منعکس سازد.

در هر جا که هیات ما گام میگذاشت، در پایتخت پرجلال اتحادشوروی شهر قهرمان مسکو، در تغلیس زیبا و یا در مهد انقلاب اکتوبر، لنین گراد، در تاشکند پایتخت بزرگ ازبکستان شوروی، در میان کارگران، با کیهان‌نوردان در میان دهقانان،

کلخوزیان، با علما و شخصیت‌های فرهنگی، همه جا و همه جا ما را با شور و شوق و نشاط دوستانه با دست فشردن انقلابی، با دروهای گرم و آتشین به مردم قهرمان افغانستان با آرزوی پیروزی‌ها و موفقیت‌ها در تکامل بیشتر انقلاب ثور استقبال مینمودند، همه اینها حقیقت کاملاً صریحی را یکبار دیگر به اثبات میرساند که بین مردمان اتحادشوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان روابط طراز عالی و نوین دوستی بی شائبه، خدشه ناپذیر و برادرانه مبتنی بر همبستگی انقلابی و اصول انترناسیونالیزم ایجاد شده و بیش از پیش تحکیم مییابد.

در جریان مذاکرات و مصاحبات با رهبران اتحادشوروی جوانب اساسی و پروسه رشد و تکامل مناسبات افغانستان و اتحادشوروی مورد بررسی قرار گرفته، ما با رضایت عمیق رشد موفقانه و ثمربخش این مناسبات را بر اساس معاهده دوستی همسایگی نیک و همکاری سال ۱۳۵۷ خاطر نشان ساختیم، ما در باره کاری که در جمهوری دموکراتیک افغانستان در جهت تحقق تصامیم پلینوم‌های دوم و سوم صورت میگیرد، درباره استقرار وضع سیاسی داخل کشور و وحدت حزب، در باره تدابیر به منظور تشدید مبارزه با تجاوز خارجی و اعمال نیروهای ضدانقلابی داخلی و جریان اجرای تحولات بنیادی، اقتصادی و اجتماعی معلومات ارائه نمودیم، ما نسبت پشتیبانی و کمک‌های همه جانبه ای که حزب لنینی کمونست اتحادشوروی و خلق بزرگ شوروی در همه عرصه‌های زندگی در مبارزه مردم ما علیه تجاوز ضدانقلابی از خارج، علیه مداخله امپریالیستی در امور داخلی و بخاطر تحقق وظایف و اهداف انقلاب ثور مبذول میدارند، سپاسگزاری ابراز داشتیم.

از جانب دیگر ما در جریان مذاکرات و ملاقات‌ها با رهبران شوروی و سفر در اتحاد شوروی، در باره آمادگی حزب و مردم شوروی جهت استقبال شایسته از کنگره بیست و ششم حزب کمونست اتحاد شوروی، در باره دورنماهای رشد اقتصادی اتحادشوروی، در باره شور و شعف و اعتلای بی نظیر سیاسی و زحمتکشی خلق شوروی در سال نهایی پلان پنجساله دهم آگهی وسیع یافتیم.

ضرب المثل مردم افغانستان است که میگویند: «یکبار دیدن، به از صدبار شنیدن» ما به رای‌العین معتقد گشتیم و دیدیم که زحمتکشان اتحادشوروی تحت رهبری حزب پرافتخار خود به پیروزی‌های بزرگ و بی مانند در عرصه‌های مختلف اعم

از تحکیم قدرت اقتصادی، بلند بردن سطح زندگی مردم و اعمار زندگی سعادت‌مند نایل شده‌اند.

در هنگام مذاکرات هر دو جانب ابراز علاقمندی نمودند که بعد از این نیز همکاری دوستانه میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب دموکراتیک خلق افغانستان رشد و توسعه یابد. اشکال همکاری‌های تکنیکی، اقتصادی و تجارتي بین کشورهای مان بسط و تکامل حاصل کند و روابط اتحاد شوروی و افغانستان در عرصه‌های فرهنگ معارف، صحت عامه و سپورت عمیقتر و وسیعتر گردد.

عین وحدت و اشتراك نظریات و موقف‌ها ضمن بررسی مسایل مبرم مربوط به اوضاع بین‌المللی منجمله وضع منطقه ما نیز بخوبی دیده میشود.

تمام ملاقات‌های ما در اتحاد شوروی، غور و بررسی روی مسایل مختلف نهایت مفید، پر محتوی و دلچسپ بود. ملاقات و صحبت با رفیق لیونید ایلیچ بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بزرگترین تأثیر و خاطره واقعاً فراموش ناشدنی به ما گذاشت، شخصیت برجسته معاصر مبارز خستگی ناپذیر راه صلح، رهبر طراز لنینی رفیق لیونید ایلیچ بریژنف واقعاً از خود درك عمیق علمی را در باره مسایل انقلاب ثور و پروبلم‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان نشان داد، مشوره‌های برادرانه و خردمندانه، تعمیمات و استنتاجات علمی شان که بیانگر اراده حزب لنینی و تجارب دستجمعی آنست، به ما کمک مینماید تا فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در جهت حصول وحدت واقعی و ارگانیک آن به نفع تکامل موفقانه انقلاب شکوهمند ثور غنای عظیم بخشیم.

ارزیابی کلی ما از بازدید چگونه است؟ این بازدید با موفقیت بزرگ پایان یافت و بدون شك مرحله تاریخی بزرگتر دیگر در بسط و تعمیق بیشتر دوستی و همکاری همه جانبه و برادرانه بین احزاب، دولت‌ها و مردمان ما بشمار میرود.

برای وطنپرستان افغانستان این امر که توافقی‌های حاصله و اسناد مرتبه مرحله نوین و عالی ترین نسبت به هر وقت دیگر را در مناسبات افغان شوروی منعکس میسازد، اهمیت بخصوص دارد، با اطمینان کامل میتوان گفت که دیگر هیچ عرصه‌های بزرگ یا کوچک در مناسبات ما وجود ندارد که در نتیجه بازدید ما

شالوده و زمینه جدید، محکم و مؤثری برای رشد و تکامل خود نیافته باشد. این نه تنها بدان معناست که پروبلم‌های مورد بررسی ما و دوستان شوروی ما کاملاً قابل حل میباشد، بلکه بدین معنی نیز است که مواضع جمهوری دموکراتیک افغانستان در عرصه بین‌المللی تحکیم و تقویت مییابد، اعتبار بین‌المللی کشور ما ارتقا حاصل میکند و روابط آن با کشورهای سوسیالیستی و تمام دولی که از سیاست صلح‌آمیز مبتنی بر اصول مساوات، احترام به حاکمیت، رعایت منافع متقابل، عدم مداخله در امور یکدیگر پیروی میکنند رشد و توسعه می‌یابد.

تصمیم و قاطعیت که از طرف اتحادشوروی و افغانستان برای دادن پاسخ قطعی به هرگونه تلاش تجاوزگرانه امپریالیزم نشان داده شد، هوشیارباش پرقوتی به نیروهای است که به جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان آزاد و مستقل ادامه میدهند، اتحادشوروی و افغانستان با افشا کردن و دادن پاسخ به توطئه‌ها و تفتین‌های ارتجاع بین‌المللی طرفداری خود را از حل صلح‌آمیز اوضاعی که در اطراف، افغانستان ایجاد شده اعلام داشتند. مبارزه بخاطر عادی شدن اوضاع در منطقه ما جزء لاینفک مبارزه بخاطر دیتانت و صلح در سراسر جهان است و اهمیت بین‌المللی بازدید ما از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی هم درین نکته مهم تجلی مینماید.

رفقا!

اکنون در کدام جهات کار باید توجه عمده خود را معطوف سازیم، تا توافق‌های حاصله در جریان بازدید از اتحادشوروی را پیروزمندان در عمل پیاده کنیم.

ما باید برای پیشرفت موفقانه وظایف انقلاب ما از همه اولتر توجه عمده خود را به مسایل ذیل تمرکز بخشیم:

۱- تحکیم و نیرومندی همه جانبه حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور.

۲- تشدید مبارزه با ضدانقلاب و ایجاد شرایط آرام برای حیات و کار صلح‌آمیز در افغانستان.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان نقش رهبری کننده را در همه عرصه‌های زندگی جامعه اعم از تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دفاع از وطن و دستاوردهای انقلاب در برابر ضدانقلاب، اتحاد و بهم پیوستگی تمام نیروهای سالم، مترقی و وطنپرست کشور و ارتقای سطح زندگی و فرهنگ مردم دارد، تحقق موفقانه همه این وظایف و اهداف بطور قطعی مربوط به وضع درونی حزب، وضع سازمانی و انضباط در حزب، سطح پختگی سیاسی و آبدیده‌گی اعضای آن میباشد.

باید صادقانه مساعی خود را در جهت تأمین وحدت واقعی حزب، در مبارزه و کار بر اسباب تیوری علمی انقلابی، در جهت تحکیم دسپلین حزبی، تعمیل پیگیری مهمترین معیارهای حیات حزبی یعنی سنترالیزم دموکراتیک رهبری دستجمعی، ایجاد فضای اعتماد رفیقانه و همکاری و کار مشترک و مؤثر بعد قابل ملاحظه افزایش بخشیم.

اکنون بعد از سفر به اتحادشوروی ما به تمام اعضای کمیته مرکزی، همه کادرهای رهبری و تمام اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تمام صراحت و اصولیت میگوییم که شرایط حاد مبارزه طبقاتی علیه نیروهای ضدانقلاب، وظایف عظیم و مغلق احیا، ارتقا و رشد اقتصاد کشور و بالاخره اعتمادبزرگ و کمک همه جانبه ای که حزب کمونیست لنینی اتحادشوروی و کشور کبیرشوراها مبذول میدارد، ما را موظف میسازد که بیشتر از هر وقت دیگر واحد و یک پارچه چون فولاد آبدیده باشیم، میخواهم بطور خاص خاطر نشان سازم که مسأله بر سر قبول وحدت در حرف نیست، بلکه هدف ما وحدتی است که در عمل و در کار جهت تحقق اهداف انقلاب ما و اجرای تصامیم حزب ضروری میباشد، بنابر این با قاطعیت اعلام میگردد که دیگر معیار عمده حزبیت ارزیابی از فعالیت کادرهای رهبری حزب و دولت تعلقات و خدمات گذشته شان نمیباشد، بلکه در وضع کنونی مبارزه فعال شان بخاطر تحقق آرمانهای انقلاب ثور و مبارزه علیه ضدانقلاب از یکطرف و از جانب دیگر اجرای موفقانه وظایفی که حزب در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی پیش میکشد، تحکیم دوستی همیشگی با حزب لنینی کمونیست اتحادشوروی، دوستی بین کشورها و خلق‌های ما معیارهای اساسی ارزیابی کار هر عضو حزب و هر کارمند حزبی و دولتی به حساب میروند.

این خواست کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را باید همیشه

منشی‌های کمیته‌های حزبی تمام اپارات حزبی، همه منشی‌های سازمان‌های اولیه و بالاخره هر عضو حزب بدانند.

به صراحت باید گفت که بسیاری از رفقای ما هنوز طوری که باید و شاید و آنطور که اوضاع و احوال می‌طلبد مؤثر و مثمر کار نمیکنند. البته این وضع علل عینی نیز دارد ما هنوز تجربه کافی در زمینه اعمار اقتصادی نداریم و تعداد اعضای حزبی مطمئن و آزموده که در عین زمان در عرصه‌های مختلف کار دولتی و تولیدی مهارت و قابلیت لازم داشته باشند کافی نیست، اما بیابید با واقعیت‌ها روبرو شد و صریح و روشن حرف بزنیم، آیا همیشه از امکاناتی که در دست داریم بحد کافی استفاده مینماییم؟

اتحادشوروی بنابر تقاضای ما مشاوران و متخصصین خود را تقریباً برای تمام حلقه‌های دستگاه دولتی، برای وزارت‌ها و ادارات افغانستان فرستاده است. ما باید ازین کمک بی‌آلایش استفاده مؤثرتر نموده، تجربه و دانش فنی رفقای شوروی را فراگیریم و از آنها میتود کار و سازماندهی امور را بیاموزیم، متأسفانه بعضی از کارمندان ما این امکانات را نادیده میگیرند و بعضی‌ها حتی تمام سنگینی و مسئولیت کار عملی را به شانه‌های مشاوران می‌اندازند. این کار غیرمجاز و از حزبیت بدور است.

کار را باید آموخت.

اینست یکی از شعارهای مرحله کنونی که باید کادرهای حزبی و دولتی از آن پیروی نمایند.

انتخابات و انتصاب درست و معقول کادرها در همه عرصه‌های فعالیت حزبی دولتی و نظامی براساس ارزیابی خصوصیات و ممیزات سیاسی و عملی آنان بررسی و کنترل اجرای تصامیم و فیصله‌های حزبی معیار اخلاق سیاسی انقلابیون مترقی شمرده میشود که استفاده صحیح از آن در پراتیک مبارزه انقلابی از یک طرف بما حق میدهد که خود را متعلق به اردوی کبیر نیروهای انقلابی مترقی جهان بشماریم و از جانب دیگر امکان میدهد که وظایف انقلابی خود را از لحاظ دگرگونی و نوسازی جامعه افغانستان در جهت ترقی موفقانه انجام دهیم.

ما نمیتوانیم در مورد یک نقیصه دیگر سکوت کنیم؛ بعضی کارمندانی که حزب پست‌های بزرگ و پرمسئولیت را به ایشان اعتماد نموده است، از موقف و مقام خود سوء استفاده میکنند. به کمیته مرکزی اطلاعاتی میرسد که بعضی از کارمندان به گروه‌بندی، رشوه ستانی، اختلاس، قانون شکنی، تطمیع و تهدید، وعده و وعید و بکارهایی نامطلوب و خارج از صلاحیت خود دست میزنند، درین باره چه میتوان گفت؟ انقلاب ثور بخاطر آرمان‌ها و رفاه خلق صورت گرفته است نه بخاطر اقناع بلند پروازی‌ها، خودخواهی‌ها، توطئه‌گری‌ها، گروه‌پرستی‌ها، مقام‌پرستی‌ها، شهرت‌طلبی‌ها، گروه‌بندی‌ها، محل‌پرستی‌ها و ثروتمند شدن بعضی افراد و خانواده‌ها. چنین افراد با اعمال خود به وحدت حزب به اعتبار و حیثیت حزب در نزد مردم لطمه مستقیم وارد میکنند. با این وضع سازش غیرممکن است و ما باین سازش نخواهیم کرد. کمیسیون کنترول و نظارت کمیته مرکزی حزب و دیگر مقامات مسئول موظف اند تا موارد چنین رفتار و کردار را تفتیش نموده و فیصله‌هایی لازم را اتخاذ نمایند و حزب، دولت و مردم را از آن ذخیره فعال حزب افزایش دهیم.

توسعه پایگاه اجتماعی حزب، رشد صفوف آن و بیش از همه جذب کارگران و دهقانان، سربازان و افسران آگاه و پیشرو برای تحکیم حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت بزرگ و مهمی را حایز است، در دو ماه اخیر در حزب صدها نفر عضو آزمایشی و اصلی پذیرفته شده اند، افزایش صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سعی افراد برای پیوند دادن سرنوشت خود با این حزب، بیانگر ارتقای حیثیت و اعتبار حزب و اعتماد مردم نسبت به آن است، کمیته مرکزی به پذیرش اعضای جدید به حزب ارزش بزرگی را قایل است و آنرا بمثابة جز لاینفک کادر در جهت افزایش نفوذ حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در بین توده‌ها و تحکیم رابطه آن با مردم می‌شمارد. کمیته‌های ولایتی، شهری، ناحیوی، و سازمان‌های اولیه باید به پذیرش اعضای جدید به حزب توجه دایمی مبذول داشته و براساس انتخاب دقیق انفرادی اشخاص سازمان‌های حزبی را بحساب بهترین نمایندگان زحمتکشان توسعه بخشمنند. باید به جذب جوانانی که از سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان پشتیبانی میکنند و داوطلبانه و آگاهانه در صفوف مدافعان قرار میگیرند توجه دایمی داشت، مخصوصاً این امر در رابطه با اعضای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان که مدرسه سیاسی، آبدیگی و مبارزه را در

آن سپری نموده اند و پختگی ایدیالوژیک خود را در پراتیک روزمره ثابت ساخته اند در نظر گرفته شود.

این کار بما کمک خواهد کرد تا حیثیت و اعتبار سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و نفوذ آنرا در بین جوانان ارتقا بخشیم و مسئولیت آن سازمان را بمثابه کمک کننده پیکار جو و ذخیره فعال حزب افزایش دهیم.

رفقا!

ما به ارتقای سطح آمادگی سیاسی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بهبود فعالیت ایدیالوژیک حزب بطور کلی و کار تربیتی و تبلیغی در میان توده‌ها توجه دایمی داریم، نتایج مسافرت به اتحاد شوروی امکانات جدیدی را برای توسعه و تعمیق بیشتر این کار میسر میسازد.

وظیفه وطنپرستانه ما است تا از امکانات پر توان سیاسی و ایدیالوژیکی که سفر به اتحادشوروی در اختیار گذاشته است استفاده کامل بعمل آوریم.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی وظیفه دارند تا کار سازمانی و توضیحی لازم را در بین اعضای ملکی و نظامی حزب، در میان قشرهای وسیع و مختلف مردم گسترده‌تر تنظیم نمایند، نتایج بازدید و وظایف عملی ناشی از آنرا باید در جلسه‌ها و اجتماعات فعالین حزبی ولایات شهرها در سازمان‌های اولیه و همچنان در سازمان‌های جوانان، زنان و اتحادیه‌های صنفی از نقطه نظر تحکیم بازهم بیشتر دوستی و همکاری بین حزب کمونست اتحاد شوروی و حزب دموکراتیک خلق افغانستان بین مردمان کشورهای ما بصورت همه جانبه وسیع و دقیق مورد غور و بررسی قرار داد.

کار درستی خواهد بود اگر درس‌هایی برای اعضای اصلی و آزمایشی حزب، اعضای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان اتحادیه‌های صنفی و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان جهت مطالعه اعلامیه افغانستان و اتحاد شوروی و دیگر اسناد مربوط به بازدید تنظیم و ترتیب گردد، در فابریکه‌ها و کارخانه‌ها در محلات کار ساختمانی در موسسات ترانسپورتی، در موسسات تعلیمی در قطعات اردو و خارندوی و همچنان در دهات باید مواد تبلیغاتی مصور صحبت‌ها و

سخنرانی‌های مبلغین و اعضای کمیته مرکزی حزب و شورای انقلابی جهت توضیح در باره نتایج سفر و مسایل مربوط به دوستی افغان - شوروی، کمک عظیم و بی شائبه اتحادشوروی در امر دفاع از حاکمیت ملی و استقلال جمهوری دموکراتیک افغانستان، رشد اقتصادی و ارتقای سطح رفاه مادی و معنوی مردم افغانستان سازمان داده شود.

در این امر نقش فعالی را وسایل اطلاعات جمعی دارد، این وسایل با سرعت اخبار مربوط به سفر را پخش نموده و یک تعداد مقالات، مصاحبات انعکاسات و پروگرام‌های جالب را نشر کردند. اکنون باید جلوتر بروند در روزنامه‌ها و مجلات در نشرات رادیو و تلویزیون باید ستون‌ها و پروگرام‌های اختصاصی بوجود آید که بطور منظم دوستی برادرانه و همکاری افغان - شوروی اهمیت آن و تأثیر مثبت و مفید آن را بالای واقعیت‌های جامعه ما و انجام وظایف انقلابی ملی و دموکراتیک انعکاس دهد.

باید به تبلیغ در باره کار موسسات صنعتی و تعلیمی که به کمک اتحادشوروی اعمار گردیده است و همچنان شناسایی کارگران و کارمندان هموطن ما درین موسسات که سعی می‌ورزند تجربه و مهارت برادران شوروی خود را بیاموزند و از آن بخاطر آبادی وطن محبوب مان افغانستان انقلابی و رشد اقتصادی و فرهنگی آن استفاده کنند، توجه بیشتر مبذول داشت، دوستی برادرانه همبستگی انقلابی و همکاری همه جانبه افغان - شوروی عناوین و سوژه های شایسته و شری فانه برای ژورنالیستان، نویسندگان، شاعران و دیگر کارمندان عرصه هنری کشور محسوب میشوند.

این دوستی و همکاری دست آورد کبیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام نیروهای مترقی کشور افتخار ملی تمام خلق ماست، به همین سبب وظیفه مقدس و جویبه پرافتخار و عالی هر عضو حزب، هر وطنپرست کشور ماست تا این دست آورد بزرگ و افتخار ملی را تحکیم و توسعه بخشید.

همزمان با آن باید هشیار بود و شجاعانه و صمیمانه به تلاش‌های دشمنان پاسخ ندادن شکن داد و دروغ و افترای آنان را که تلاش می‌ورزند در بین ما تخم عدم اعتماد بپاشند افشاء نموده، تلاش‌های دشمنان ما و کسانی که دروغ پراگنی میکنند

مذبوحانه است، دوستی برادرانه همبستگی و همکاری افغان شوروی خدشه ناپذیر است.

مهمترین وظیفه حزب و قرارگاه آن کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبارزه با ضدانقلاب است، در پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب ما این مسئله وسیعاً مورد بررسی قرار گرفت و مجموعی از تدابیر نظامی و سیاسی در جهت پاک کاری مناطق کشور از وجود اشرار و استقرار حاکمیت پایدار دولتی در تمام قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان و همچنان جلب توده‌های وسیع مردم با اشتراک فعال در امر تحولات اقتصادی، اجتماعی و حل مسایل ترانسپورتی، غذایی و یک سلسله پروبلم‌های مبرم دیگر اتخاذ گردید.

امروز با صراحت میتوان گفت که ایجاد هشت زون و تقرر نمایندگان صلاحیتدار مرکزی حزب و شورای انقلابی برای رهبری امور مربوط به عادی ساختن اوضاع حقیقت خود را کاملاً ثابت میسازد. بعد از پلینوم سوم کار قابل ملاحظه‌ای در جهت تشدید مبارزه با باندها و گروه‌های مخفی ضدانقلاب، توسعه کار تربیتی و سیاسی سازمان‌های حزبی و ایجاد ارگان‌های حکومتی در ولسوالی‌ها و علاقه داری‌های آزاد شده صورت گرفته است.

مثلاً از کار زون شرق و جنوب شرق میتوان ارزیابی مثبت نمود، بررسی نتایج اقداماتی که در جهت سرکوب ضدانقلاب صورت گرفته است برای قرارگاه عمومی این مطلب را روشن ساخت که بطور کلی ارگان‌های حزبی و دولتی درین زون‌ها در راه درست حرکت میکنند. بطور عمومی ایجاد کندک‌های خارندوی، گروه‌های فعالین حزبی، گروه‌های تبلیغی و ترویجی در زون‌ها و تشکیل شعبات خدمات اطلاعات دولتی در تمام ولایات و همچنان ایجاد ارگان‌های حکومتی در بعضی ولسوالی‌ها و علاقه داری‌ها را میتوان نتایج با اهمیت تلقی کرد.

ضمن مذاکرات در مسکو هیات افغانی سهم عظیم قطعات محدود نظامی اتحادشوروی را در امر مبارزه علیه تلاش‌های نیروهای ارتجاع، امپریالیزم، و هژمونیزم در افغانستان بسیار عالی ارزیابی نمود، ما قدردانی صمیمانه خود را بخاطر اجرای شجاعانه وظایف انترناسیونالیستی افراد نظامی شوروی ابراز داشتیم، ما از فرزندان پرافتخار کشور کبیر شوراها بخاطر کمکی که به مردم

ستمیدیده افغانستان میدارند، عمیقاً سیاسگزاریم و برای همیشه خاطره قهرمانی‌های آنانرا جاویدان خواهیم داشت.

اکنون با گذشت تقریباً یک سال از آغاز مرحله دوم انقلاب ثور در برابر ما وظیفه انجام مستقلانه سرکوب و اضمحلال ضدانقلاب و سازماندهی حیات کار صلح آمیز در کشور قرار دارد، در اوضاع و احوال کنونی عساکر محدود اتحادشوروی از حاکمیت و استقلال ملی و تمامیت ارضی افغانستان در برابر تجاوز خارجی ضمانت میکند. با اتکاء بر کمک آنان باید نیروهای مسلح، اورگان‌های امنیتی، خارندوی و گروه‌های مقاومت ما توجه اساسی خودرا به محو باندهای مسلح ضدانقلاب و گروه‌های مخفی آنان و بستن تمام طرق تأمین اشرار از خارج معطوف سازند. درین رابطه ضرور است تا افزایش قابلیت رزمی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، تکمیل ارگان‌های امنیتی و ایجاد کندک‌های خارندوی و گروه‌های مقاومت در هر ولایت جذاً مورد بررسی قرار گیرد، فعالیت تمام این نیروها باید در جهت تحقق فیصله‌ها و تصامیم پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب سیر نمایند، بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب نه تنها کمک لازم را در امر تشدید مبارزه با ضدانقلاب به ارگان‌های حزبی و دولتی خواهد نمود؛ بلکه بطور جدی از آمران ارگان‌های مرکزی و محلی خواهان نتایج مشخص در اجرای تصامیم پلینوم خواهد بود.

اقتصاد نقش قاطع را در امر اجرای وظایف اساسی انقلاب ملی و دموکراتیک دارا میبا شد. بدون رفع عقب ماندگی اقتصادی افغانستان، بدون رشد سریع نیروهای مولده کشور نمی توان وظایف مربوط به ارتقای سطح زندگی مردم، تحقق تحولات عمیق اجتماعی و اعمار جامعه نوین عاری از استثمار انسان از انسان و مبتنی بر اصول برابری و عدالت اجتماعی را اجرا نمود.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از پیروزی انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین تکامل آن به اجرای تدابیر و اقداماتی جهت رشد اقتصاد ملی و تحقق تحولات اجتماعی - اقتصادی پرداختند.

نتایج این اقدامات میتوانست بی‌حد بزرگ باشد؛ اگر فعالیت‌های خرابکارانه امپریالیزم بین‌المللی و ارتجاع و مقاومت استثمارگران محروم شده از قدرت و

خاینین به مردم افغانستان وجود نمی داشت. تنها به برکت سعی و کوشش مردم زحمتکش افغانستان و کمک عظیم انترناسیونالیستی اتحاد شوروی کاهش حجم تولید در بعضی رشته‌های اقتصاد ناشی از اعمال نیروهای ضد انقلاب جلوگیری گردید و یا نسبتاً ناچیز بود.

مردم افغانستان در سال ۱۳۵۸ و نیمه اول سال ۱۳۵۹ به موفقیت‌های معینی در رشد اقتصاد ملی خود نایل شدند. امسال نتایج خوبی در زراعت پیشینی میشود، حاصلات گندم، تولید گوشت و پوست قره‌قل بیشتر از سال گذشته بوده و برای سکتور خصوصی تجارت خارجی و داخلی و فعالیت بانکی شرایط مساعدی بوجود آمده است.

در نیمه اول امسال در تولید انرژی برق ۶،۲ فیصد، گاز ۶،۹ فیصد و کانسرو شکر ۰،۸ فیصد نسبت به نیمه اول سال ۱۳۵۸ تزئید بعمل آمده است.

همچنان تولید سمنت و مواد ساختمانی افزایش یافته است. در نتیجه رونق تجارت درآمد گمرکی بطور قابل ملاحظه از دیاد یافته و پلان عایدات بودیجه دولت در نیمه اول سال جاری موفقانه اجرا شده است.

باید بطور خاص خاطر نشان سازیم که بعضی موفقیت‌های حاصله در اقتصاد به برکت کمک بیشانیه اتحاد شوروی و یکتعداد کشورهای سوسیالیستی ممکن و میسر گردیده است. در حال حاضر همکاری اقتصادی و تخنیکی افغان شوروی به عامل تعیین کننده در رشد اقتصادی افغانستان مبدل گشته است. اتحاد شوروی در طی سال‌های متمادی کمک صمیمانه و بی شایبه را به افغانستان مبدول میدارد.

به کمک اتحاد شوروی (۱۳۰) پروژه مختلف یا تکمیل شده است و یا در حال ساختمان میباشد. از این جمله (۴۹) پروژه در حال اعمار است و از (۵۲) پروژه دیگر آن با کمک متخصصان شوروی همین اکنون بهره برداری میشود. درین موسسات بیشتر از نصف محصولات سکتوردولتی تولید میگردد. قابل یادآوری است که این موسسات علی‌الرغم وضع دشوار داخلی بطور منظم کار میکنند و پلان‌های پیش بینی شده را اجرا و حتی بیشتر از پلان تولید میکنند.

مثلاً دستگاه‌های برق نغلو، پلخمیری، فابریکه کودکمیای مزار شریف، تأسیسات

گاز خواجه گوگردک، کارخانجات جنگلک، سیلوی مرکز، فابریکه خانه سازی کابل و غیره.

در نتیجه کار منظم و دایمی موسساتی که با کمک اتحادشوروی اعمار و بهره برداری میشود، سکتور دولتی نسبت به سکتور خصوصی بهتر کار میکنند. در سال ۱۳۵۸ کاهش تولید در سکتور دولتی فقط ۴،۵ فیصد بود در حالی که در سکتور خصوصی به ۲۶ فیصد رسید. اکنون که کشورهای سرمایه داری و بعضی کشورهای دیگر مساعدت اقتصادی را به جمهوری دموکراتیک افغانستان قطع نموده اند سهم اتحادشوروی در کمک‌های خارجی که مورد استفاده افغانستان قرار میگیرد به ۸۰ فیصد رسیده است.

من امروز در پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان گزارش داده میتوانم که در نتیجه بازدید از اتحادشوروی و مذاکراتی که با رفیق لیونید ایلچ بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسنت اتحادشوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و سایر رهبران اتحادشوروی بعمل آمد تمام مسایل اقتصادی و اجتماعی که از طرف ما طرح گردید با بهترین وجه و حسن نیت کامل مورد توجه قرار گرفته و حل گردید و همکاری اقتصادی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به مرحله عالی‌تر ارتقا یافته خصلت پایدار و طویل‌المدت بخود گرفته و از محتوای نوین سرشار گردید.

همه ما باید درک نماییم که اکنون تمام امور مربوط به قابلیت ما، مربوط به توانایی حزب و حکومت ما میباشد تا از منابع و امکانات مادی و سازمانی خود که در اختیار داریم برای انجام موفقانه وظایف مربوط به احیا و رشد اقتصاد استفاده نماییم و مطابق به طرح‌ها و تصامیم سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و طنپرستانه و شجاعانه به نفع و به خاطر سعادت مردم افغانستان به اجرای تمام مسئولیت‌های خود پردازیم.

موفقیت در امر تحقق تحولات اجتماعی، اقتصادی بیش از همه مربوط به مساعی و کار پرشدهت مردم افغانستان، سازماندهی و توانایی ما در استفاده معقول از کمک برادرانه میباشد.

همه چیز مربوط به کار ماست و درین امر جنبه عمده را سازماندهی پلان شده تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان تشکیل میدهد.

بدهی است که وظیفه اساسی انقلاب ملی - دموکراتیک و تحولات عمومی دموکراتیک عبارت از حل مسأله ارضی میباشد که با منافع کثیر العدهترین طبقه دهقانان ارتباط دارد. بدون محو مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی در دهات نمیتوان رشد بیشتر نیروهای مولده در زراعت را تأمین نموده و کشور را از شر گرسنگی و فقر نجات داد.

حزب بعد از انقلاب ثور به اجرای تحولات ارضی آغاز نمود که باید پایه‌های مناسبات فیودالی را در زراعت محو میساخت. اگرچه تصمیم گرفته شد که در نتیجه مرحله اول اصلاحات ارضی زمین به (۲۹۶) هزار خانواده دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین داده شود اما برخورد ولنتاریستی، چشم پوشی از عقاید، سنن و عنعنات مذهبی و ملی مردم، عدم شناخت وضع مشخص جامعه و سطح آمادگی اجتماعی سیاسی و سازمانی دهقانان علیه زمینداران همراه با قانون شکنی‌های فاحش و دهشت افگنی‌ها تعقیبات و تضییقات بی مورد سبب گردید تا نتایج برعکس بدست آید. مرحله اول اصطلاحات ارضی مبارزه طبقاتی را در دهات حاد ساخت.

نیروهای ارتجاع و امپریالیزم جریان غیرقناعت بخش اصلاحات ارضی را در دهات به نفع خود مورد سوء استفاده قرار دادند که در نتیجه آن اکنون برای ما مشکل است تا تصویر روشنی از مناسبات ارضی در دهات ترسیم نماییم. بعد از ۶ جدی در مرحله دوم انقلاب ثور ما از جانب حزب با صراحت پروگرام اصولی دگرگونی های ارضی خود را اعلام داشتیم و جهت تشویق، تولید محصولات زراعتی و ارتقای سطح زندگی دهقانان یکسلسله تصامیمی اتخاذ نمودیم؛ چنانکه معلوم است دولت در سال جاری قیم خرید پخته، لبلبو و گندم را افزایش بخشیده و قیم کودکیمیای و وسایل زراعتی را تنزیل داد.

اتحادشوروی به زراعت جمهوری دموکراتیک افغانستان کمک قابل ملاحظه‌ای نمود و برای کشت بهاری و خزانی سال ۱۳۵۸ بطور بلاعوض مقدار هفت هزار تن گندم بذری، دو هزار تن تخم بذری پخته، ده هزار تن کودکیمیای و همچنان وسایل زراعتی مساعدت کرد. در جریان بازدید اتحادشوروی ما به توافق رسیدیم که

صدور تخم بذری، گندم، پخته و لبلبو و انواع مختلف کودکیمیایی بر اساس بلاعوض در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت. ما موضوعات مربوط به مساعدت اتحادشوروی را در ایجاد لابراتوارها و ستیشن‌های تجربی زراعتی، فارم‌های دولتی جهت پرورش تخم‌های اصلاح شده، ایجاد مراکز سیار و ترنری، ساختمان مراکز پرورش مرغ و تولید انواع ساده وسایل زراعتی مورد مطالعه قرار داده ایم.

اتحادشوروی در زمینه آباد ساختن و آبیاری زمین‌های جدید، پیشبرد امور ترمیم سیستم‌های که به وسیله اشرا ر تخریب شده تجدید ساختمان سیستم‌های آبیاری کهنه و ابتدایی بر اساس تخنیک جدید و حفر چاه‌های ارتزبان و چاه‌های عادی در مناطق کم آب کمک خواهد کرد. بنابر تقاضای ما تعداد بیشتر متخصصان برای کمک به موسسات ما و بررسی و مطالعه تمام شرایط و طرح اقدامات مشخصی به افغانستان فرستاده خواهند شد.

ما به صراحت میدانیم که زراعت ما عقبمانده و برپایه میتودهای کهنه استوار است. ما باید خود کار عظیمی انجام دهیم تا محصولات زراعتی، بهره دهی حیوانات و تولید اجناس دهقانان را افزایش بخشیم و بدین ترتیب سطح زندگی آنانرا بالا برده و تأمین مردم را از جهت مواد غذایی و تأمین منابع را از جهت مواد خام بهتر سازیم. این مسأله که علی‌الرغم تدابیر حکومت تولید پخته و لبلبو در سال‌جاری بازهم تنزیل می‌یابد و برای صنایع مربوط دشواری ایجاد مینماید و امکانات صادرات کشور را کاهش و توریید شکر را افزایش میدهد موجب نگرانی جدی است:

باوجود آنکه حاصلات گندم در سال‌جاری بیشتر از سال گذشته است بازهم خریداری گندم توسط ریاست ارزاق از داخل صورت نمی‌گیرد. این وضع را نمیتوان عادی شمرد و رهبری وزارت تجارت موظف است تا تدابیر عاجل جهت تنظیم خریداری غله از داخل اتخاذ نماید.

نقایص بسیار جدی در کار وزارت زراعت و اصلاحات ارضی وجود دارد این وزارت هنوز وضع حاصلات را بخوبی نمیداند و در طرح مسایل زراعتی در برابر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری

دموکراتیک افغانستان تعلل بخرچ میدهد.

باید مسئولیت کادر رهبری وزارت زراعت و اصلاحات ارضی را در زمینه تحقق علمی مسایل مربوط به رشد زراعت افزایش بخشید و سطح رهبری این مهمترین رشته اقتصاد ملی را ارتقا داد. ما باید همه اقدامات ممکن را جهت رشد زراعت با آهنگ سریع و تبدیل دهقانان بطرفداران معتقد حکومت مردمی خود انجام دهیم. باید پروگرام طویل‌المدت رشد و عصری ساختن زراعت را بر پایه‌های علم و تخنیک معاصر ایجاد مراکز تخنیکی، فارم‌های دولتی جدید و مساعدت به دهقانان برای تشکیل کوپراتیف‌ها طرح و عملی ساخت، همه این امور را ما بر اساس پلان دقیق و سنجیده شده مرحله دوم اصلاحات ارضی که برای چند سال طرح خواهد شد و هدف از آن ایجاد سیستم معقول و پایدار مناسبات ارضی خواهد بود انجام خواهیم داد. پلان باید طوری طرح شود که به دهقانان امکان استفاده حداکثر مقدار زمین را جهت تأمین شرایط عادی کار و زندگی خانواده‌های شان و افزایش قابل ملاحظه تولیدات زراعتی کشور ما را فراهم سازد.

در رابطه با این مسأله می‌خواهم چند سخنی هم در مورد رشد و توسعه کوپراتیف‌های زراعتی بگویم؛ اگر قبل از انقلاب در کشور فقط ۱۳۵ کوپراتیف وجود داشت اکنون تعداد آنها به ۱۲۱۷ می‌رسد که ۱۸۳ هزار خانواده دهقانی را متحد می‌سازد. دولت به جنبش ایجاد کوپراتیف‌ها اهمیت زیاد را قایل بوده و کمک‌های همه جانبه را برای آن مبذول میدارد.

اتحاد داوطلبانه دهقانان بمنظور افزایش تولید محصول، معمول ساختن میتودهای جدید پیشبرد امور زراعتی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان ده، نیروی عظیم اجتماعی را ایجاد میکند. فعالیت کوپراتیف‌ها باید به حصول اهداف ملی دولتی، رشد اقتصادی و اجتماعی کمک نماید. ما در نظر داریم در آینده نزدیک کنگره نمایندگان کوپراتیف‌ها را دایر کنیم و اتحادیه سراسری کوپراتیف‌های افغانستان و اتحادیه‌های ولایتی و منطقوی را ایجاد نماییم.

بدین ترتیب کثیرالعهده ترین طبقه جامعه ما، سازمان اجتماعی خود را تشکیل خواهند داد که بخش بسیار مهم جبهه ملی پدروطن را ایجاد میکند.

رفع عقب‌ماندگی کشور مستلزم آهنگ سریع رشد صنایع است افغانستان منابع فنی

و فراوان طبیعی دارد و ما باید این ثروت‌های بزرگ را بکار انداخته و به نفع رفاه مردم از آن استفاده نمائیم. من می‌خواستم فقط یک مثال را بیان دارم تا نشان داده باشم استفاده معقول ثروت‌های طبیعی چه اهمیت بزرگی را برای اقتصاد افغانستان دارد؟ منابع گاز که با کمک اتحادشوروی کشف و از آن بهره برداری میشود استخراج ۳، ۲ تا ۲،۵ میلیارد متر مکعب گاز را در سال تأمین می‌نماید.

فروش گاز به اتحادشوروی بر اساس قیمت جهانی و با شرایط بسیار مساعد برای رشد و تقویه اقتصاد کشور ما صورت می‌گیرد ازین مدرک ما اکنون تقریباً سی فیصد بودجه دولتی را تمویل مینماییم، متخصصان اتحادشوروی بنابر تقاضای ما کارهای تفحصاتی را شدت بخشیده و اکنون اکتشاف دقیق در معادن نفت و گاز خواجه گوگردک، خواجه بولان و غیره صورت می‌گیرد همه اینها در آینده باید شرایط مساعد را برای افزایش صدور گاز مهیا سازد.

در نتیجه فعالیت‌های باند‌های ضدانقلاب دشواری‌های در تأمین انرژی و مواد سوخت ایجاد شده است. استخراج زغال سنگ بشدت تنزیل یافته است یعنی از ۳۶،۹ هزار تن در سال ۱۳۵۷ به ۲۱،۸ هزار تن در نیمه اول سال ۱۳۵۹ رسیده است. پلان‌های پیشبینی شده استخراج نفت نیز عملی نمی‌شود وضع موجود وزارت معادن و صنایع را موظف می‌سازد تا تدابیر عاجل و فوری اتخاذ نماید.

اتحادشوروی به ما در زمینه تفحص اکتشاف و تثبیت ذخایر صنعتی نفت و گاز و معادن جامد احیای صنایع نفت و آغاز مجدد استخراج نفت در شمال کشور در ساختمان کمپلکس انرژی‌تیک و حرارتی بر اساس معدن شاباشک در تهیه وسایل تخنیکی جهت افزایش تولید زغال سنگ در معادن موجود کمک خواهد کرد.

رشد اقتصاد ملی افغانستان براساس علم و تخنیک معاصر در نتیجه سطح پائین، برقی ساختن صنایع با کندی مواجه است. افغانستان دارای منابع قابل ملاحظه انرژی می‌باشد؛ اما بکار انداختن آن زمان و وسایل زیاد را می‌خواهد. برای تأمین انرژی برق در نظر است از مدرک قرصه‌های مساعد و سهل اتحادشوروی لین انتقال برق از آن کشور تا کابل با ستیشن‌ها و شبکه‌های مربوط احداث گردد، در حال حاضر تأمین برق اتحادشوروی سریعترین و واقعی ترین امکانی است که میتوان بمنظور رفع کمبود انرژی از آن استفاده نمود. ما از حکومت اتحادشوروی

بخاطر درک دشواری‌ها و مشکلات افغانستان و آمادگی برای مساعدت در جهت رفع آن صمیمانه ممنون هستیم.

اتحادشوروی موافقت نمود تا به ما در رشد صنایع سبک و غذایی نیز مساعدت نماید. اهمیت خاصی را کمک اتحادشوروی در رشد صنایع نساجی خواهد داشت. افغانستان همه امکانات آنرا دارد که تولید منسوجات را افزایش بخشد و لباس مردم از محصولات داخل وطن ما شد، متخصصان شوروی در استفاده از امکانات تولیدی توسعه انواع و بهبود کیفیت محصولات فابریکه‌های نساجی موجود مخصوصاً در کابل و کندهار مساعدت خواهند نمود.

در نیمه اول سال آینده اعمار فابریکه جدید نانپزی در کابل به پایان خواهد رسید و ساختمان سیلوی در مزار شریف و پلخمری ادامه خواهد یافت. تحقق تدابیر متذکره اجازه خواهد داد تا تأمین مردم کشور از لحاظ مواد و اجناس مورد ضرورت اولیه بهبود حاصل نموده و وابستگی کشور به توريد کالاهای مذکور کاهش یابد.

میخواهم یک پرابلم مهم دیگر را نیز مورد بررسی قرار دهم، در حال حاضر سهم سکتور دولتی و مختلط در تولیدات صنعتی کمی بیشتر از چهل فیصد است در آینده سهم سکتور دولتی در صنایع افزایش خواهد یافت، این امر برای تشکل طبقه کارگر معاصر در موسسات تخنیکی برای تقویت اساسات پلانگذاری در رشد اقتصاد ملی و افزایش درآمدهای دولت اهمیت بزرگی را دارد.

در عین زمان نادرست خواهد بود اگر به امکانات سکتور خصوصی کم بهاداده شود، در تزه‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور که اصول مرامی حزب ما را در ین مرحله تاریخی انعکاس میدهد خاطر نشان گردیده است که ترقی اقتصادی کشور ما بالا بردن سطح رفاه مردم افغانستان میتوان از طریق رشد پلان شده و دینامیک سکتورهای دولتی، مختلط و خصوصی که یکدیگر را تکمیل نمایند حاصل گردد. این حکم در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز انعکاس یافته است، رشد سکتور خصوصی و منجمله سرمایه خصوصی ملی اجازه میدهد تا منابع داخلی، انباشت و وسایل سرمایه گذاری توسعه یابد، سطح اشتغال مردم بالا رفته و در تولید امتعه و کالاها بمنظور مصرف داخلی و صدور به خارج افزایش بعمل آید.

اما باید خاطر نشان ساخت که تا کنون سکتور خصوصی در اجرای وظایف مربوطه به اعتدای اقتصادی کشور سهم غیر کافی میگیرد. مثلاً در سال ۱۳۵۸ برای اعمار و تجدید ساختمان موسسات صنعتی عمدتاً در صنایع سبک غذایی در سکتور خصوصی کمتر از ۱۵۰ میلیون افغانی به مصرف رسیده است در حالیکه مصارف انکشافی دولت در صنایع تنها از درک منابع داخلی به ۸۰ میلیارد افغانی میرسد.

ما محدودیت‌های غیر معقول و غیر مستدل را که در راه رشد سکتور خصوصی وجود داشت لغو قرار دادیم. برای تأمین همکاری سازنده و منطقی با سکتور خصوصی شورای مشورتی اقتصادی در چوکات شورای وزیران ایجاد گردید که شامل نمایندگان دولت و سکتور خصوصی می باشد. طرح مصوبه شورای انقلابی درباره رشد سکتور خصوصی جمهوری دموکراتیک افغانستان آماده شده است. عنقریب بتصویب خواهد رسید لازم است تا وزارت معادن و صنایع رشد صنایع فابریکی و موسسات صنایع دستی و پیشه وری خصوصی را نظارت نموده و به آنها در سازماندهی تولید و تأمین مواد خام فروش محصولات و همچنان ایجاد کوپراتیف‌های پیشه وران و کسبه کاران مساعدت نماید و عین کار را باید در رشته های دیگر اقتصادی چون ترانسپورت، تجارت خارجی و داخلی و عرصه خدمات انجام داد.

در شرایط حاضر پروبلم کار ترانسپورت جدیت به خصوصی کسب نموده است کار نامطلوب ترانسپورت در سال ۱۳۵۸ و نیمه اول سال ۱۳۵۹ باعث دشواری‌هایی در زمینه تأمین کشور از لحاظ مواد سوخت، سکتگی در تأمین مواد غذایی در کابل و دیگر شهرها گردید. علل عمده این طرز کار ترانسپورت عبارت از اعمال خرابکارانه نیروهای ضدانقلاب و در بعضی موارد کارشکنی صاحبان وسایل ترانسپورتی میبا شد.

در رابطه با این مسأله ایجاد ترانسپورت دولتی و تقویت نقش آن برای حمل و نقل تضمین شده‌ای مهم ترین محمولات و بدرجه اولی مواد سوخت و مواد غذایی اهمیت بسزایی دارد. درین رشته نیز اتحادشوروی مساعدت قابل ملاحظه‌ای خواهد نمود.

در سه سال آینده، اتحادشوروی بیش از دو هزار موتر باربری برای ما خواهد فرستاد و بر علاوه بعضی کشورهای سوسیالیستی دیگر نیز کمک خواهند کرد.

ضمن مذاکرات در مسکو فیصله شد که اتحادشوروی در اعمار و بهره برداری موسسات خدمات برای ۲۵۰۰ متر تجدید ساختمان کارخانجات جنگلک و ترمیم و تجدید ساختمان قسمت‌های جداگانه شاهراه کابل حیرتان مساعدت خواهد کرد.

باید در نظر داشت که در حال حاضر نقش اساسی را در حمل و نقل بارها صاحبان وسایل ترانسپورتی ایفا می‌نمایند. به همین سبب ما باید این افراد را در امر حمل و نقل محمولات دولتی فعالانه جلب نماییم و در عین زمان منافع شانرا در نظر گرفته و در سازماندهی امور مربوط به ترمیم و تأمین پرزده‌های وسایل و موادسوخت و همچنان تشکیل کوپراتیف ایشان کمک کنیم.

صنعت ساختمان و اعمار تعمیرات نقش بسزایی را در اجرای وظایف مربوط به اعتلای اقتصادی و فرهنگی افغانستان خواهد داشت اعمار موسسات صنعتی و زراعتی، سیستم‌های آبیاری، سرک‌ها، مکاتب و شفاخانه‌ها از سال تا سال توسعه و افزایش خواهد یافت.

همراه با این، حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصمیم دارد به ساختمان وسیع منازل رهائشی عصری برای مردم بپردازد، در سال‌های نزدیک مکرورین جدید در کابل، دهکده رهائشی در شبرغان و همچنان یکسلسله بناهای مهم اجتماعی و فرهنگی با کمک اتحادشوروی اعمار میگردد.

افزایش حجم ساختمان‌های صنعتی و فرهنگی و منازل رهائشی ضرورت ایجاد و توسعه موسسات ساختمانی و تولید مواد ساختمانی داخلی را پیش میکشد.

ما همراه با حجم بسیار وسیع کمک‌های بلاعوض کشور دوست و برادر اتحادشوروی مقدار لازم قرضه‌های این کشور را نیز برای تمویل پروگرام تحولات انقلابی خود جهت رشد عرصه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی در اختیار خواهیم داشت. باید یادآور شد که برای استفاده مؤثر از یک روبل مساعدت اتحادشوروی لازم است تا در حدود سی افغانی از منابع داخلی مصرف گردد. سطح نازل رشد اقتصادی باعث محدودیت منابع مالی داخلی بمنظور انکشاف اقتصادی و تحقق پروگرام‌های وسیع اجتماعی میگردد وضع مالی کشور با وجود آنکه نسبت به سال گذشته بهبود حاصل نموده ولی باز هم متشنج است. وزارت‌ها، ادارات و ارگان‌های محلی حکومت مکلف اند تا حصول بموقع مالیات و تمام درآمدهای دیگر دولت و

استفاده معقول و درست از بودجه دولتی و نظارت جدی شدید را بر مصارف مالی تأمین نمایند.

فعالیت بانک‌ها، نگرانی جدی را بوجود می‌آورد در پالیسی کریدت‌دهی آنها بر خورد تجارتهای سابق هنوز هم رجحان دارد. فرضیه‌ها عمدتاً در عرصه تجارت داده میشود تا بازپرداخت سریع آن تأمین گردد و برای سرمایه‌گذاری به نفع رشد نیروهای مولده بحد کافی قرضه در اختیار گذاشته نمیشود.

ما باید بطور جدی بالای این مطلب فکر کنیم که سیاست مالی و کریدت به تحقق وظایف انقلاب ملی دموکراتیک، تسریع رشد اقتصادی تحولات مترقی در ساختمان اقتصاد ملی و تشویق انکشاف سکتور دولتی و کوپراتیوی کمک نماید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که حزب طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور است، هدف عمده حزب ما هدف انقلاب ما که بیانگر منافع توده‌های وسیع مردم است عبارت از بهبود شرایط زندگی زحمتکشان میباشد. علی‌الرغم امکانات محدود کشور، علی‌الرغم دشواری‌هایی که ارتجاع داخلی و بین‌المللی ایجاد نموده باز هم ما درین عرصه کارهای زیادی نموده ایم در حال حاضر شورای وزیران کمیسیون مخصوصی را جهت غور و بررسی مسأله مربوط به افزایش دستمزد کارگران و مستخدمین موسسات دولتی ایجاد نموده است.

اتحادشوروی با در نظر داشت مشکلات و دشواری‌های موجود درین زمینه در سال‌های نزدیک معادل بشکل صدور کالاهای مصرفی به افغانستان کمک خواهد کرد و بدین ترتیب ما میتوانیم تدابیری جهت افزایش دستمزد کارگران موسسات دولتی و ارتقای سطح زندگی آنان اتخاذ نماییم، ما بنام طبقه کارگر کشور به حزب کمونسنت لنینی اتحادشوروی به رفیق لیونید بریژنف بخاطر این مساعدت نجیبانه و مشخص به زحمتکشان افغانستان سپاسگزاری عمیق خود را ابراز می‌داریم.

اجرای وظایف پیچیده و با مقیاس وسیعی که در برابر افغانستان در عرصه رشد اقتصاد و فرهنگ قرار دارد به تربیت تعداد کثیر متخصصان و کادرهای ماهر نیازمند است. در سال‌های اخیر تعداد پسران و دختران جوان افغان که در اتحادشوروی تحصیل می‌نمایند، بصورت قابل توجه افزایش یافت حکومت شوروی بنا به تقاضای ما در تأسیس موسسه متوسط تعلیمی زراعتی و کورس‌های

قصیرالمدت برای تربیت سه صد نفر در ایور و کارگران ترمیم موتر در هر سال مساعدت خواهد نمود. بر علاوه هر سال پنجصد نفر در ایور افغان در ازبکستان و تاجکستان شوروی تربیت خواهد شد. همچنان اتحادشوروی آمادگی نشان داد تا متخصصان رشته‌های مختلف اقتصاد افغانستان را جهت فراگرفتن تجارب این کشور در عرصه پیشبرد امور تولیدی و سپری نمودن ستاژ بپذیرد باید پسران و دختران جوان و متخصصانی برای آموزش و ستاژ به اتحادشوروی فرستاده شوند که وفادار به امر انقلاب و مردم بوده و سهم خود را در امر اعمار جامعه نوین آزاد و مستقل افغانستان سالانه انجام دهند.

کشور ما مرحله تحولات بنیادی اجتماعی، اقتصادی و انقلابی را سپری میکند، ما در فعالیت خود در جهت محو مناسبات و نظام کهنه و ایجاد جامعه شگوفان و نوین رفع عقبماندگی اقتصادی و ارتقای سطح زندگی زحمتکشان از کمک و پشتیبانی دایمی بزرگ و انترناسیونالیستی همسایه کبیر شمالی خود اتحادشوروی و حزب لنینی کمونست اتحادشوروی برخوردار هستیم. ما از رهبری شوروی و شخص رفیق لیونید ایلیچ بریژنف به خاطر پشتیبانی دایمی و همه جانبه از امر انقلاب ثور بخاطر کمک سخاوتمندانه، بی شایبه و برادرانه سپاسگزاری مینماییم. موجودیت اتحادشوروی و کمک اقتصادی برادرانه آن اطمینان راسخ و محکم را در ما ایجاد مینماید که تلاش‌های ارتجاع داخلی و بین‌المللی بغرض توقف پیشروی وطن محبوب ما از عقب ماندگی بسوی ترقی با شکست مواجه میشود.

در جریان مذاکرات در مسکو تمام تقاضاهای ما با فهم کامل استقبال شد. بیشتر از آن خاطر نشان گردید که موازی به محو باندهای ضدانقلاب و تأمین شرایط مصوون کار و آرامش در مناطق جداگانه کشور، اتحادشوروی کمک اضافی را بمنظور احیای اقتصاد تخریب شده و ساختمان پروژه‌های جدید مبذول خواهد داشت.

رفیق لیونید ایلیچ بریژنف منشی عمومی کمیته حزب کمونست اتحادشوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در ضیافتی که شام ۲۴ میزان در قصر کریملین ترتیب یافته بود گفت: «افغانستان در مبارزه بخاطر جامعه نوین در امر دفاع از دستاوردهای انقلاب خود به این نیز میتواند بر پشتیبانی مردم شوروی اتکا داشته باشد.» این حرف‌های رفیق بریژنف عقیده ما را به پیروزی نهایی آرمان‌های انقلاب ثور و به پیروزی امر عادلانه ما محکمتر

میسازد.

کمک عظیم و بی‌شائبه اتحاد شوروی تمام شرایط و مقدمات لازم را برای تسریع آهنگ رشد اقتصادی، ارتقای سطح زندگی مردم زحمتکش افغانستان، رشد صحت عامه و معارف کشور ما مهیا می‌سازد.

برای اینکه از این کمک به مؤثرترین شکل استفاده گردد ما باید طرز و میتود کار دستگاه دولت را بطور ریشه‌یی بهبود بخشیم. درین باره در جلسه کارمندان رهبری وزارت‌ها و ادارات جمهوری دموکراتیک افغانستان در ماه سرطان صحبت کردیم. مسأله بر سر ارتقای مسئولیت هر آمر، هر عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر امر سپرده شده، تحکیم نظم و دسپلین دولتی، تشدید کنترول و نظارت بر اجرای امور، تعمیل اصولیت و برخورد حزبی حین حل مسایل اقتصادی میباشد. باید کار با کادرها را بطور منظم بهبود بخشید با عدم فعال بودن، بیکاری و بیروکراتیسم مبارزه کرد و اصول مرکزیت دموکراتیک را در فعالیت اورگان‌های دولتی معمول ساخت در همه کارهای دولتی یا حزبی باید رهنمای ما منافع انقلاب، تأمین رفاه مردم، تحکیم دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، نیروهای مسلح آن، استقلال و شگوفانی وطن محبوب مان افغانستان انقلابی و قهرمان باشد.

رفقا! حزب مادر برابر خود این وظیفه را قرار داده است که قوانین عام انقلاب‌های اجتماعی را که استدلال علمی آنرا ایدیالوژی طبقه کارگر بدست میدهد در شرایط مشخص و خاص جامعه افغانستان مورد استفاده خلاق قرار دهد، ولادیمیر ایلیچ لنین در آثار پرنبوغ خود به مسایل انقلابی آسیای بیدار شونده توجه خاص مبذول داشت.

لنین در بیانیه خود در کنگره دوم سازمان‌های انقلابی مترقی مربوط خلق‌های شرق گفت:

«درینجا در برابر شما وظایفی قرار دارد که در گذشته در برابر دیگر جهان قرار نداشت برای شما لازم است که با اتکا بر تیوری و پراتیک عمومی انقلابی ترقی با در نظر داشت شرایط مخصوصی که در کشورهای اروپایی وجود ندارد توانایی آنرا داشته باشید که این تیوری و پراتیک را در شرایطی که دهقانان توده اساسی را تشکیل میدهند هنگامی که باید وظایف مبارزه... علیه بقایای قرون انجام داده شود

انقلاب ثور که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنا بر اراده و پشتیبانی خلق افغانستان و اشتراک افسران و سربازان شجاع و وطن پرست صورت گرفت، از لحاظ ماهیت و خصلت خود انقلاب ملی دموکراتیک است. درین باره در سند کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد خطوط اساسی مشی انقلابی ما که دو هفته بعد از انقلاب ثور اعلام شد با صراحت گفته میشود که در برابر انقلاب و وظایف عمومی دموکراتیک ذیل قرار دارد: از بین بردن تمام بقایای فیودالی و ماقبل فیودالی در مناسبات اجتماعی و ملی، تجدید ملکیت بزرگ زمین داری ملاکی و توزیع زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین و کارگران زراعتی، اعتلای اقتصاد ملی، ارتقای سطح زندگی مردم، رشد معارف و محو بیسوادی، رشد فرهنگ ملی مردمان ساکن افغانستان و دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و سیاسی کشور.

همراه با این، انقلاب ثور عمیقاً ملی است، برای حزب ما در نظر داشت خصوصیات ملی کشور سنن و عنعنات اقوام و قبایل مختلف، احساسات مذهبی عمیق مردم بسیار مهم است تا بتواند توده‌های مردم را بخاطر انجام وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک بسیج و متشکل سازد. برای حصول موافقانه این اهداف نجیبانه انسانی و وطنپرستانه ما، پاسخ دادن با این سوال مهم بسیار اهمیت دارد که کدام نیروهای اجتماعی - سیاسی جامعه می‌توانند و باید عاملین فعال آرمان‌های انقلاب ثور باشند و حزب در بین چه کسانی باید برای سازماندهی تجدید تربیت ایدیالوژیک توده‌ها و جلب آنان به مواضع انقلاب ثور و درک واقعی از اهداف آن کار کند. درین شرایط تاریخی پاسخ ما فقط میتواند یکی باشد قشرهای انقلابی و دموکراتیک نمایندگان پیشرو جامعه افغانستان کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی که در مواضع ایدیالوژیک طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار گرفته اند و یا قرار میگیرند، باید عرصه کار حزب را تشکیل دهند.

بدون در نظر داشت این شرایط تعمیم علمی آن و تعیین طرق استفاده درست از آن به نفع انقلاب نمیتوان وظایف سیاسی اجتماعی و اقتصادی خویشرا موافقانه انجام داد.

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور بنابر خصلت خود نوع جدید قدرت دولتی را ایجاد کرد، پایه قدرت ایجاد کارگران و دهقانان با اشتراك و پشتیبانی همه زحمتکشان کشور است.

تیوری سوسیالیسم علمی می آموزد و تجربه انقلابی ثابت میسازد که رژیم واقعا انقلابی آن رژیمی است که بالای توده‌های وسیع مردم اتکا داشته باشد. حکومت انقلابی نه تنها بیانگر منافع زحمتکشان و تمام نیروهای وطنپرست است بلکه امکانات واقعی را برای اشتراك وسیع این نیروها در حیات اجتماعی و سیاسی بخاطر اعمار جامعه نوین تأمین مینماید. پس اصل مطلب اینجاست که چگونه میتوانیم راه‌های انجام عملی این وظایف را در این شرایط تاریخی افغانستان دریابیم.

یعنی چه اشکال مشخص سازمانی را جهت فراهم‌آوری امکانات عملی برای کارگران، دهقانان، روشنفکران روحانیون وطنپرست، اقشار و طبقات کوچک و متوسط، کسبه کاران، تاجران و کارفرمایان ملی، افراد قبایل، کوچی‌ها و خلاصه اینکه تمام زحمتکشان افغانستان مورد استفاده قرار دهیم تا آنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشور، در راه اعمار افغانستان نوین و شگوفان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان هرچه کاملتر و هر چه مؤثرتر اشتراك ورزند. حل درست این وظیفه بدون شك به توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب كمك خواهد کرد از جانب دیگر این وضع به زحمتکشان ما به تمام نیروهای دموکراتیک اجتماعی و ملی وطنپرست كمك خواهد کرد تا مقام شایسته خویشرا در کار خلاق بخاطر اعمار جامعه نوین وشگوفان دریابند و از لحاظ سیاسی در سیستم اجتماعی سیاسی انقلابی که در نتیجه پیروزی انقلاب ثور ایجاد شده و رشد مییابد، تبارز داشته باشند.

بدین ترتیب جبهه ملی پدر وطن آن سیستم سیاسی و اجتماعی است که تمام گروه‌های زحمتکشان کشورما، تمام نیروها و گروه‌های اجتماعی و ملی وطنپرست را در وجود سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطشان باهم متحد میسازد. این سازمان‌ها عبارتند از اتحادیه‌های صنفی و کوپراتیف‌ها، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، سازمان‌های کارمندان خلاق چون اتحادیه‌های نویسندگان و ژورنالستان و همچنان کمیته‌های صلح همبستگی وانجمن‌های دوستی،

اتحادیه‌های تاجران و سرمایه‌داران ملی و پیشه‌وران، جرگه سران و افراد قبایل، جرگه‌های اقوام افغانستان و دیگر سازمان‌های که منافع صنفی، ملی، اجتماعی و مذهبی گروه‌های مختلف مردم را انعکاس می‌دهد. نیروهای رهبری کننده و هدایت کننده جبهه ملی پدروطن مانند تمام جامعه افغانستان، حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. البته باید خاطر نشان کرد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان بالاتر از جبهه نه بلکه در داخل جبهه همراه با سازمان‌های دیگر بمثابة پیشاهنگ سیاسی نیروهای شامل جبهه و نیروی توانای که قادر است بنمایندگی از قدرت سیاسی نوین یعنی اتحاد کارگران و دهقانان رهبری تمام جهات زندگی جامعه را بدوش گیرد خواهد بود.

ایجاد جبهه ملی پدروطن بمثابة شکل و مبنای حقوقی اتحاد تمام نیروهای انقلابی جامعه بمنظور توسعه پایگاه اجتماعی سیاسی انقلاب ملی و دموکراتیک از اهداف نزدیک ما بشمار میرود.

بدین ترتیب نیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تمام مسایل مربوط به تحقق بخشیدن پیروزمندانه وظایف مرحله نوین تکامل انقلاب ثور را جهت غور و بررسی پلینوم پیش میکند.

اهمیت مذاکرات افغان - شوروی در سطح عالی تا حدود زیادی از چارچوب لحظه حاضر خارج می‌گردد. در بعضی عرصه‌ها این مذاکرات از چارچوب روابط دوجانبه بین اتحادشوروی و جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز خارج می‌گردد.

بدون مبالغه میتوان گفت که در جریان مذاکرات و ملاقات‌های دو ستانه و صریح بر تمام مسایل مهم مربوط به اوضاع جهان و منطقه روشنی انداخته شد و ابتکارات سازنده و پیشنهادات مشخصی که راه را برای حل دموکراتیک و عادلانه این مسایل به نفع تمام خلق‌ها و همه بشریت باز میکند؛ صورت گرفت.

این مطلب بیش از همه به پروبلم عمده معاصر یعنی مبارزه بخاطر تأمین دیتانت، علیه تلاش‌ها بغرض متشنج ساختن وضع بین‌المللی مربوط میشود. وحدت موقف‌های ما درین مسایل ناشی از اشتراک عمیق منافع و وحدت اراده خلق‌ها، احزاب و دولت‌های ما بخاطر صلح و جلوگیری از تهدید جنگ است.

این امر به معنی شکست تلاش‌ها و مساعی دشمنان ما به غرض تجرید افغانستان انقلابی و خارج ساختن آن از سیر اساسی سیاست جهانی و قرارداد افغانستان بیرون از چارچوب مبارزه خلق‌های سراسر جهان بخاطر صلح، آینده بهتر و آزادی ملی و اجتماعی است. در نتیجه به برکت مذاکرات و توافقی‌های حاصله در مسکو و تهیه و نشر اسناد مربوط جمهوری دموکراتیک افغانستان توانست سهم نوینی و مثبتی در حل عادلانه و دموکراتیک پروبلم‌های اساسی که برای خلق‌های جهان اهمیت حیاتی دارد بگیرد.

درین رابطه نمیتوان بر نزدیکترین و قابل توجه ترین پروبلم برای ما یعنی اوضاع منطقه تماس نگرفت. جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی با قاطعیت موقف خود را علیه تحریک تشنج در منطقه خلیج و سواحل آن بطرفداری از قطع جنگ، برادرکشی و خونریزی بین ایران و عراق و حل سیاسی موضوعات را اعلام داشتند. این موقف جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نه تنها حاکی از برخورد اصولی مشترک نسبت به پروبلم‌های منطقه است بلکه به کشور ما اجازه میدهد که تلاش‌ها و مساعی مصرانه و طولانی امپریالیزم و ارتجاع را در جهت تشدید و دایمی ساختن اختلافات بین کشورهای شرقمیانه خنثی سازد.

ما با صفای قلب و اراده نیک و تصمیم خلل ناپذیر یکبار دیگر نظر خود را برای حل صلح آمیز مسایل مربوط به مناسبات افغانستان و ایران و افغانستان و پاکستان بر اساس ابتکاراتی که ما در اسناد مهمی چون تزه‌های کمیته مرکزی بمناسبت سالگرد دوم انقلاب ثور، پیشنهادات مورخه ۲۴ ثور ۱۳۵۹ و اعلامیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی مورخه ۲۴ میزان سال جاری نموده ایم، تأیید و تکرار میکنیم.

در اعلامیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی موقف اراده نیک، عقل سلیم، منطوق و سعی صمیمانه در رابطه با پاکستان برای حل سیاسی و عادلانه مسایل مورد مناقشه و حل ناشده ابراز میگردد، هیچکس نباید این موقف ما را ناشی از ضعف و یا عدم توانایی و غیر مصمم بودن تلقی نماید.

بر عکس این موقف ما ناشی از نیروی نظام نوین و انقلابی افغانستان، ناشی از

پشتیبانی توده‌های هرچه وسیعتر مردم از این نظام، ناشی از پیروزی‌های نظمی حاصله و تقویت یابنده در برابر باندهای ضدانقلاب و مداخله‌گران خارجی میباشد سخن آرام و مطمئنی که در اعلامیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی دیده میشود و اعلام میدارد که «هیچ پلانی که به حاکمیت مردم افغانستان لطمه وارد سازد و یا حکومت قانونی آنرا نادیده گیرد به موفقیت نخواهد انجامید.»

به نخستین دستاوردهای و پیروزی‌های مهم و تشویق‌کننده در تمام جبهه‌های مبارزه بخاطر اعمار جامعه نوین عادلانه و عاری از استثمار انسان از انسان اتکا دارد. با آنچه گفته شد با این نتیجه میرسیم که مذاکرات ما در مسکو و اسناد که در جریان این مذاکرات طرح و تهیه گردید ضربه نیرومند و جدی به تلاش‌ها و پلان‌های ارتجاع و امپریالیزم که میخواهد وطن محبوب ما را به گذشته سوق دهد میباشد. در عین زمان این يك عمل بزرگ و عظیم و بیانگر همبستگی بین‌المللی بود که اطمینان به پیروزی را نه تنها در مردم شریف افغانستان بلکه در تمام مبارزان راه آینده شگوفان آزادی و استقلال ملی تقویت و تحکیم بخشید.

برای مردم افغانستان، برای جمهوری دموکراتیک افغانستان که در مبارزه سخت و بی‌امان دستاوردهای بزرگ انقلابی خود را تحکیم میبخشد مشی فعال سیاست خارجی لنینی حزب کمونیست و حکومت اتحادشوروی اعتبار و تأثیر عظیم بین‌المللی این کشور روز تا روز شرایط مساعد بین‌المللی را برای پیروزی نهایی و تحقق کامل آرمان‌های مرحله نوین تکامل انقلاب ثور فراهم می‌آورد.

رفیق لیونید ایلچ بریژنف در ضیافتی که بافتخار هیات ما ترتیب یافته بود گفت: موقع آنست تا آنهایی که بر جمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوز میکنند بدانند که پلان‌های ماجراجویانه آنها محکوم به ناکامی است و روند انقلابی در افغانستان برگشت ناپذیر است. در کار زحمتکشانشان افغانستان و حکومت افغانستان پشتیبانی و همبستگی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سایر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی سراسر جهان قرار دارد.

ما قاطعانه در موضع حفظ منافع امنیتی هر دو کشور قرار داریم و ماموریت انترناسیونالیستی خود را در برابر مردم افغانستان و حکومت افغانستان که توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان رهبری میشود و مطابقت کامل با معاهده افغان -

شوروی و منشور سازمان ملل متحد انجام خواهیم داد.»

ما خطاب به همسایه بزرگ شمالی، دوست و برادر خود اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به دو ست بزرگ خلق افغانستان رفیق لیونید ایلیچ بریژنف با اطمینان و قاطعیت اعلام میداریم از راهی که انتخاب نموده ایم بر نمی‌گردیم؛ اهدافی را که معین ساخته ایم تحقق می‌بخشیم، به پیروزی قطعی بر اجیران امپریالیزم و ارتجاع و هژمونیکسم توسعه طلب دست می‌یابیم و در سرزمین مقدس و باستانی خود افغانستان محبوب و انقلابی، قهرمان و پرافتخار آزاد و مستقل جامعه نوین و عادلانه را ایجاد میکنیم.

گزارش ببرک کارمل که در هر قسمت با کف زدن‌های ممتد اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان استقبال می‌گردید و با توجه و دقت عمیق شنیده شد.

بعد از ختم گزارش، تعدادی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضمن ابراز نظر در باره گزارش ببرک کارمل در جلسه پلینوم تأکید و پشتیبانی عمیق و همه جانبه خود را از گزارش و نتایج عظیم بازدید هیات عالی حزبی و دولتی از اتحاد شوروی، از مشی رهبری حزب و دولت مبنی بر تحکیم هر چه بیشتر وحدت حزب، تشدید مبارزه علیه نیروهای ضدانقلاب و محو کامل آن ایجاد شرایط کاملاً مصنوعی و صلح آمیز حیات و کار برای مردم افغانستان، تحقق تحولات بنیادی اجتماعی اقتصادی و رشد و توسعه همه جانبه و باز هم بیشتر مناسبات و دوستی برادرانه با حزب دولت و مردم اتحاد شوروی اظهار داشتند.

بحث و مذاکره پیرامون گزارش ببرک کارمل در فضای کاملاً آزاد، دموکراتیک و رفیقانه صورت گرفت که بیانگر وحدت اراده و نظر رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌باشد.

در پایان جلسه اعضای پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اتفاق آراء گزارش ببرک کارمل و نتایج بازدید ایشان از اتحاد شوروی را مورد تأیید و پشتیبانی کامل قرار داده و در این مورد سندی را تصویب نمودند.

مصوبه پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مورخ ۲۰ خرداد ۱۳۵۹

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پس از ارزیابی سفر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان رفیق ببرک کارمل به اتحادشوروی نظریات، نتیجه‌گیری‌ها و دستاویز مندرج در بیانیه رفیق ببرک کارمل را به صورت عام و تام تأیید نموده و آنها را به مثابه رهنمود جدی برای اجرای پذیرد.

کمیته مرکزی اهمیت سفر را در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی عالی ارزیابی نموده و آنرا مرحله تاریخی در تکامل و تعمیق هرچه بیشتر دوستی برادرانه و خلل ناپذیر میان احزاب ما کشورها و مردمان مامی شمارد. پلینوم خاطر نشان می‌سازد که مناسبات سنتی دوستانه بین کشورهای ما با پیروزی انقلاب ثور در افغانستان، بخصوص در مرحله دوم آن به مناسبات برادری همبستگی انقلابی و همکاری همه جانبه ارتقا یافته است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعالیت رفیق ببرک کارمل را در وقت سفر در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بصورت کامل تأیید کرد. ازینکه مذاکرات و مباحثات در فضای صمیمیت و صراحت رفیقانه و تفاهم کامل گذشت و جوانب اساسی مناسبات افغان شوروی و رشد هر چه بیشتر آن بر مبنای قرارداد دوستی همسایگی و همکاری سال ۱۳۵۷ و همچنین پرابلم‌های مبرم وضع بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گرفت اظهار رضایت می‌نماید.

پلینوم بخصوص به بیانیه مشترک جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی که در آن وحدت نظر کامل در تمام مسایل مورد بحث خاطر نشان گردیده و طرق نیل به حل و فصل سیاسی اوضاعی که در اطراف افغانستان بوجود آمد بیان شده اهمیت زیادی قایل است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با در نظر داشت این مطلب که در بیانات عمیق و پر محتوای رفقا ببرک کارمل و لیونید ایلچ بریژنف جهات اساسی سیر پیشرونده انقلاب ثور تعیین گردیده است مندرجات و نتیجه‌گیری‌هایی را که

در این بیانات اظهار شده بصورت عام و تام تأیید می نماید.

پلینوم اظهارات منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی رفیق لیونید ایلچ بریژنف را درباره اینکه اتحاد شوروی ماموریت انترناسیونالستی خود را در برابر مردم افغانستان و حکومت افغانستان که توسط رفیق ببرک کارمل رهبری می شود انجام خواهد داد. به مثابه الهام اصولی و پراهمیت برای تمام اعضای حزب و همه وطنپرستان واقعی افغانستان در جهت نابودی قطعی مداخلات ضدانقلابی نیل به وحدت ارگاتیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پیکار مجدانه به خاطر تحقق آرمان های انقلاب ثور ارزیابی می نماید. پلینوم باکمال رضایت متذکر میگردد که سفر رفیق ببرک کارمل به اتحاد شوروی نتایج و پذیرایی صمیمانه که از رهبری حزب و دولت ما توسط دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و مردم شوروی به عمل آمد مورد تحسین گرم مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان واقع شده و از جانب اقشار مختلف جامعه افغانستان پشتیبانی گردید.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر درک عمیق پرابلم های تکامل انقلاب ثور پشتیبانی و افعلاً انترناسیونالستی از کشور ما کمک بی شباهه و همه جانبه به جمهوری دموکراتیک افغانستان و مساعدت به ارتقای سطح رفاه مادی مردم ما سپاس عظیم خود را به کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی، حکومت شوروی و شخصاً به رفیق لیونید ایلچ بریژنف ابراز می دارد.

کمیته مرکزی از عساکر شوروی به خاطر انجام قهرمانانه و وظیفه انترناسیونالستی شان عمیقاً سپاسگزار است. پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان متذکر می گردد که حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پس از پیروزی انقلاب ثور و خصوصاً مرحله دوم آن در مبارزه علیه دشمنان انقلاب تحکیم حزب و تحولات اجتماعی و اقتصادی به پیروزی های معینی نایل گردیده است.

باوجود این هم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تذکر میدهد که اکثر کمیته های حزبی، ارگان های قدرت دولتی، وزارت خانه ها، ادارات، سازمان های اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان در حل مسایل مبرم حیاتی کشور ما از خود بطانت نشان میدهند.

از جانب ارگان‌های قدرت دولتی، وزارتخانه‌ها و ادارات جهت استقرار و اعتلای اقتصادی افغانستان، بهبود امور سکتورهای دولتی مختلط و خصوصی صنعتی، ازدیاد محصولات زراعتی، انکشاف تجارت داخلی و خارجی استفاده مؤثر از ثروت‌های طبیعی کشور ما تاکنون تدابیر کافی و قناعت بخش اتخاذ نمی‌گردد اکثر موسسات کمتر از امکانات دست داشته خویش کار و فعالیت می‌نمایند.

وظایف محوله در استخراج زغال سنگ، نفت و دیگر انواع محروقات و همچنان خریداری محصولات زراعتی از ده‌اقلین اجرا گردیده و نواقص بی‌نهایت زیادی در امور ساختمانی ترانسپورت و مخابرات موجود است.

علل عمده که شرایط موجوده را به میان آورده عبارتند از عدم فعال بودن کافی اکثر کمیته‌های حزبی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، ارگان‌های خدمات اطلاعات دولتی و خاندنوی در مبارزه علیه عناصر ضدانقلاب و باندیت‌ها، عدم اعتماد بالای یکدیگر در بین بعضی از اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، عدم مطالبات جدی مقامات مافوق از مادیون، ضعف کار تربیه سیاسی در بسیاری از سازمان‌های حزبی و در بین توده‌های وسیع زحمتکش.

بمنظور بسیج تمام نیروی‌های ملی و وطنپرست کشور در کار آفریننده جهت اعمار افغانستان نوین و شگوفان، پلینوم ضرور میدانند تا از پیشنهاد بیروی سیاسی در مورد ایجاد جبههٔ پدروطن در آینده نزدیک پشتیبانی و تأیید گردد.

کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصویب می‌نماید:

۱- کمیته‌های حزبی، ریاست عمومی امور سیاسی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، ریاست‌های سیاسی سایر دوایر و سازمان‌ها باید مطالعه وسیع نتایج سفر رفیق ببرک کارمل را به اتحادشوروی بوسیله تمام اعضای اصلی و آزمایشی حزب سازمان داده، در مورد بیانیه مشترک جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحادشوروی و بیانات رفیق ببرک کارمل و رفیق لیونید ایلچ بریژنف توجه خاص مبذول دارند، کمیته‌های حزبی باید یکجا با ارگان‌های وزارت اطلاعات و کلتور جمهوری دموکراتیک افغانستان از وسایل اطلاعات جمعی، تمام اشکال و میتودهای تبلیغاتی و کار سیاسی توده‌یی بمقصد توضیح هرچه وسیعتر

نتایج سفر رفیق ببرک کارمل در اتحادشوروی اهمیت عظیم داخلی و بین‌المللی این سفر برای همه مردم حداکثر استفاده بعمل آورند تا افتراآت و اتهامات دشمنان که سعی می‌ورزند دوستی بین کشورهای ما را بدنام سازند به صورت قاطعانه افشا گردد.

۲- پلینوم مجدداً با تمام قدرت تذکر می‌دهد که وظایف عمده حزب و دولت در مرحله کنونی انقلاب مانند سابق عبارت اند از: نیل به وحدت واقعی و ارگانیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان یک پارچگی و تحکیم صفوف آن و طرد هرگونه مظاهر فرکسیون بازی و محفل بازی.

مبارزه بی امان علیه دشمنان انقلاب ثور، محو کامل مداخله گران ضدانقلاب و گروه‌های باندیت‌ها، پاک‌کاری و تصفیه تمام ساحات جمهوری دموکراتیک افغانستان در ماه‌های نزدیک.

۳- جدیت در فعالیت‌های کلیه سازمان‌های حزبی، بلند بردن روحیه رزمی و تقویه مؤثریت آنها در تمام جوانب حیات جامعه یکی از عمده ترین وظایف آنها شمرده می‌شود. درین شرایط لازم است تا فعالیت در جهت افزایش کمی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بدرجه اول پذیرش کارگران و دهقانان وفادار به آرمان‌های انقلاب تقویه گردد.

باید به خاطر داشت که حزب فقط در ارتباط ناگسستگی با مردم نیرومند می‌گردد و با انتخاب و برگزیدن نیروها از بین آنان صفوف خود را با بهترین نمایندگان شان تکمیل می‌نماید. باید تلاش شود تا هر عضو اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در امر پیشبرد سیاست حزب در حیات روزمره رزمنده ثابت قدم و آگاه حزب بوده و مدافع صدیق و فعال آرمان‌های انقلاب پر افتخار ثور باشد.

کمیته‌های حزبی موظف اند به صورت جدی مشی حزب را در سیاست انتخاب و انتصاب کادرها پیش برده تغییر و تبدل بی اساس و غیرمعقول کارمندان رهبری کننده را اجازه ندهد و به صورت فعالانه تمام وطنپرستان صادق یعنی کسانی را که از تجارب و دانش شان میتوان در راه انقلاب و مردم استفاده کرد؛ بکار جلب نمایند. ضرور است تا دسپلین حزبی را تحکیم بخشیده و در این امر نقش کمیسیون کنترول و نظارت حزبی را تقویه نموده و از آن اعضای اصلی و آزمایشی حزب

که مطالبات اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مصوبات ارگان‌های حزبی و مکلفیت‌های محوله خود را اجرا و ایفا نمی‌نمایند صرف نظر از موقف‌شان قاطعانه و مجدانه باز خواست به عمل آید.

۴- ضرور است تا وزارت‌های دفاع ملی، امور داخله، خاد و مقامات ذیصلاح کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در زون‌ها و کمیته‌های حزبی به منظور اجرای کامل وظایف احضار در اردو، تکمیل پرسونل ارگان‌های خاد و خاندنوی و گروه‌های مدافعین انقلاب تدابیر لازمه اتخاذ نموده و تطبیق فیصله‌های پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تأمین نمایند.

۵- پلینوم با درک این مطلب که در مرحله کنونی تکامل انقلاب مسایل رشد اقتصادی کشور اهمیت بارزی را دارا می‌باشد بدین لحاظ به بیروی سیاسی، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، وزارت خانه‌ها و ادارات کمیته‌های حزبی و سازمان‌های حزبی هدایت داده می‌شود تا توجه خود را در جهت اعتلای اقتصاد جمهوری دموکراتیک افغانستان، تحقق تحولات بنیادی اجتماعی و ارتقای همه جانبه سطح زندگی مردم متمرکز سازند.

روی این منظور بایست به حل مسأله ارضی مو مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی و رشد جنبش کوپراتیوی در دهات توجه خاصی مبذول داشته و بر مبنای آن سطح زندگی و رفاه دهقانان را بلند برده، تأمینات مواد ارتزاقی اهالی کشور را بهبود بخشیده و در بخش صنایع تکافوی مواد خام را تأمین نمایند. در حل تمام این مسایل باید از کمک‌های بزرگ اتحادشوری و سایر کشورهای برا در که به جمهوری دموکراتیک افغانستان مبذول میدارند استفاده مؤثر صورت گیرد.

۶- کمیته‌های حزبی و سازمان‌های حزبی بایبست توجه دایمی را به بهبود فعالیت‌های ایدیالوژیک، ارتقای سطح دانش و آمادگی سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی و موثریت امور تبلیغی و ترویجی بین اقشار مختلف مردم معطوف دارند.

تمام امور تربیتی باید خصلت پیشرونده را دارا بوده و برای قشرهای کم سواد و بیسواد مردم کشور ماقابل فهم باشد، اهداف و وظایف انقلاب ثور و ماهیت تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور برای مردم توضیح گردد، باید تبلیغات دروغین دشمن به صورت قاطعانه افشا شود، باید باین هدف توصل ورزیم که هر فرد

هموطن ما به صورت آگاهانه در امر دفاع و گسترش دست آورد های انقلاب ثور و ساختمان جامعه و واقعاً عادلانه در افغانستان سهم فعالانه بگیرد.

ضرور است تا از تمام اشکال میتوذهای تنویر سیاسی شیوه‌های اقناع توده‌ها در وحله اول میتنگ ها، صحبت‌های شفاهی و بیانات، خطابه‌های گروه‌های تبلیغاتی، اوراق تبلیغاتی مصور، اخبار، رادیو تلویزیون، سینما، وسایل تخنیکی و سایر وسایل تبلیغی و ترویجی استفاده اعظمی بعمل آید.

توضیح سیاست حزب و کار بین توده‌ها و وظیفه هر عضو اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. این اظهارات صادقانه و تجهیز کننده حزب است که رسالت پیوند و بسیج مردم را در حل وظایف مرحله دوم انقلاب ثور دارد.

۷- کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضرور میداند تا نتایج پلینوم هذا در اجتماعات فعالین کمیته‌های حزبی، ولایتی و شهری، در سازمان‌های اولیه حزبی و همچنان در جلسات عمومی و همگانی شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی، کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، کمیته اجراییه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مورد بررسی قرار گیرد.

۸- کنترل از اجرای مصوبه هذا بدوش دارالانشا و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان محول می گردد.

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

ببرک کارمل

بعد از تصویب مصوبه چهارمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جلسه با بیانیه اختتامیه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در فضای شور و شغف زاید الوصف و همبستگی عالی رفیقانه رهبری حزب پرافتخار ما پایان یافت.

ببرک کارمل ضمن بیانیه اختتامیه خود گفتند ما وحدت حزب را در تمام عرصه‌ها اعم از رهبری ایدیالوژیک سیاسی و سازمانی بر مبنای کار و پیکار واحد، فشرده و دست بدست هم در راه امحای کامل دشمنان و ضدانقلاب، در راه حل تمام مسایل

مربوط به حزب و دولت، انقلاب و جامعه، در راه ساختمان اقتصادی، اجتماعی افغانستان نوین و در راه ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی توده‌های وسیع مردم قهرمان افغانستان انقلابی تأمین نموده و بازهم بیشتر و بیشتر تأمین می‌نماییم. وحدت ارگانیکی و اصولی حزب خود را واقعاً بمثابه شرف و وجدان، عقل و قلب خود، چشم و روان خود در عرصهٔ ملکی و نظامی بسط و توسعه و استحکام می‌بخشیم این موقف ما را رفیق بریژنف باحرارت انقلابی و صمیمانه با مسرت برادرانه و با آرزوی پیروزی ما در راه وحدت، امنیت، رشد اقتصادی و سعادت مردم افغانستان استقبال نمود.

پنجمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۷ صحت ۱۳۵۹

بیانیه ببرک کارمل در پنجمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان:

رفقا! شما میدانید که هیات حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کار کنگره نوبتی حزب کمونسٹ اتحاد شوروی اشتراک ورزیده و حالا ما در پلینوم کمیته مرکزی نتایج سفر، خاطرات و نتیجه گیری های خود را گزارش میدهیم. کنگره به تاریخ ۲۳ فبروری در شهر ماسکو دایر گردید و الی سوم مارچ ادامه داشت حزبی که بنیانگذار آن ولادیمیر ایلیچ لنین است برای بیست و ششمین بار جهت ارزیابی راه طی شده و تعیین مشی عمومی و اعمار جامعه عادلانه کنگره خود را دایر نمود.

بیشک این کنگره یعنی کنگره بیست و ششم مقام استثنایی و برجسته را در سلسله کنگره ها، هم برای دولت شوروی و هم برای تمام پروسه انقلابی جهان خواهد داشت؛ پنج هزار کمونسٹ کشور شوراها به نمایندگی از حزب هفده میلیونی در کنگره اشتراک ورزیدند. هیات ما با فعالترین و شایسته ترین بخش جامعه شوروی با آنانی که در کنگره سرنوشت کشور خود و مسایل عمومی انکشاف بشریت را مورد بحث و مذاکره قرار میدادند، تماس حاصل نمود. آنان نمایندگان طبقه کارگر، دهقانان کوپراتیفها و روشنفکران میباشند.

آنان کادرهای حزبی و دولتی، روسای موسسات و کارمندان سازمانهای اجتماعی اند. آنان فضانوردان، دانشمندان، نویسندگان و منسوبین اردوی اتحاد شوروی هستند. از جمله نمایندگان یک چهارم را زنان تشکیل میداد. در کار کنگره نمایندگان ۱۶ ملیت اتحاد شوروی اشخاص دارای سنین و مشاغل گوناگون شرکت داشتند و تقریباً همه نمایندگان به خاطر خدمات شایسته خود به دریافت نشانها و مدالها مفتخر شده بودند.

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونست اتحادشوروی ۱۲۳ هیات احزاب کمونستی کارگری و ملی و دموکراتیک و دیگر احزاب و سازمان‌های مترقی از ۱۰۹ کشور جهان حضور داشتند. در کنگره حزب پرافتخار لنین، انقلابی‌ترین حزب کمونست اتحاد شوروی و مترقی‌ترین نیروهای سیاره ما گرد هم آمده بودند. هیات ما نتایج کار کنگره را بسیار عالی ارزیابی می‌نماید.

محتوی گزارش رفیق ل. ای بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، راپور کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحادشوروی و وظایف نوبتی حزب در عرصه سیاست داخلی و خارجی تأثیر عظیمی بر ما گذاشت، نتایج رشد جامعه شوروی در تمام عرصه‌های زندگی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سازمانی، ایدئولوژیکی، تربیوی حزب و همچنان اوضاع معاصر جهان مورد تحلیل و ارزیابی عمیق و همه جانبه قرار گرفته است.

اجازه بدهید بنام پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنام تمام حزب ما و مردم زحمتکش جمهوری دموکراتیک افغانستان به کشور همسایه و دوست مطمئن و صدیق خود اتحادشوروی موفقیت‌های عظیمی را در تحقق فیصله‌های بیست و ششمین کنگره حزب آرزو نمایم، موفقیت‌های کشور شوراها موفقیت امر صلح و ترقی اجتماعی است.

گزارش کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی به کنگره، سند دارای اهمیت بزرگ میباشد و در آن بسط و تکامل خلاق تئوری علمی با طرح و اهداف وظایف مبرمی که در برابر حزب و مردم اتحادشوروی قرار دارد، تلفیق یافته است.

گزارش رفیق ل. ای بریژنف نه تنها برای حزب کمونست اتحادشوروی و مردم شوروی دارای اهمیت و ارزش فوق‌العاده میباشد بلکه در آن مسایل مربوط به رشد سیستم جهانی سوسیالیستی، مناسبات با دول نو آزاد شده و جهان سرمایه داری و وضع جنبش بین‌المللی کمونیستی از مواضع تئوری علمی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

بخش قابل ملاحظه گزارش وقف به تحلیل پروسه تکامل کشورهای نو آزاد شده و مناسبات متقابل اتحادشوروی با این کشورها گردیده است. ما با استنتاجات گزارشی

که در آن جریانات اساسی تکامل کشورهای نو آزاد شده در راه ترقی تعمیم یافته است کاملاً موافق میباشیم.

این استنتاجات به درک درست و بهتر جریان تکامل اجتماعی در این کشورها کمک مینماید. طبعاً این کشورها با در نظر داشتن شرایط داخلی و مناسبات دول در منطقه و جهان همسان و همگون نیست. اما جهات اساسی رشد آنها بسوی ترقی مشابه و همگون می باشد و رفیق ل. ای بریژنف در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی به کنگره این جهات اساسی را خاطر نشان ساختند.

این خطوط اساسی که در گزارش مشخص گردیده است کدامها اند؟ بصورت اختصار به آنها اشاره مینمائیم:

آنها عبارت اند از تضعیف و محو تدریجی مواضع و قدرت انحصارات امپریالیستی بورژوازی بزرگ و فیودالها و محدود ساختن فعالیت سرمایه خارجی و تأمین مواضع مسلط دولت مردمی در اقتصاد ملی کشور، گذار به رشد پلان شده نیروهای مولده و تشویق جنبش کوپراتیفی در دهات و ارتقای نقش توده‌های زحمتکشان در حیات اجتماعی، تحکیم تدریجی دستگاه دولت با کادرهای ملی وفادار به مردم و سمت گیری و خصلت ضد امپریالیستی سیاست خارجی دولت‌ها در این کشورها، احزاب انقلابی که بیانگر منافع زحمتکشان اند، تحکیم می‌یابد.

درست خواهد بود اگر بگویم که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی به بیست و ششمین کنگره آن اساسی ترین و عمده ترین قانونمندی‌های اعمار جامعه نوین و مترقی در کشورهای نو آزاد شده، مطابق به آرزوها، خواسته‌ها و منافع اساسی توده‌های وسیع زحمتکشان فورمولبندی شده است.

در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی موضع و موقف دولت شوروی در برابر خواست دول جوان در جهت تحکیم قدرت دفاعی شان واضح و صریح ارائه شده است. مخصوصاً در مورد کشور ما این موضعگیری انترناسیو-نالیستی و برادرانه با صراحت کامل و بطور قناعتبخش بیان شده است، یک قسمت گزارش را که بیانگر نقطه نظر کنگره در مورد کشور ما میباشد اقتباس می‌نمایم:

«امپریالیزم جنگ اعلام نشده واقعی را علیه انقلاب افغانستان برافروخته است.

این امر خطر مستقیم را برای امنیت سرحدات جنوبی ما نیز بوجود آورده است چنین وضع ما را مجبور ساخت کمک نظامی را که یک کشور دوست تقاضا داشت مبنول داریم».

رفیق بریژنف گفت:

«پلان‌های دشمنان افغانستان نقش برآب شده، سیاست سنجیده شده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت افغانستان تحت رهبری رفیق ببرک کارمل که مطابق به منافع ملی میباشد؛ حکومت مردم را تحکیم بخشید. آنچه که مربوط به قطعات محدود نظامی اتحادشوروی میشود، ما حاضر خواهیم بود که بنابر موافقت حکومت افغانستان آنرا خارج سازیم. برای اینکار باید ارسال باندهای ضدانقلاب به افغانستان کاملاً قطع گردد. این امر باید به وسیله موافقتنامه‌هایی میان افغانستان و همسایگان آن تحکیم یابد؛ ضمانت‌های مطمئن لازم است که مداخله از نو بعمل نیاید. چنین است موضع اصولی ما و ما آنرا با استواری تعقیب خواهیم کرد.»

تمام نمایندگان و مهمانان کنگره حرف‌های رفیق ل.ای برژنف را با کف زدن‌های گرم استقبال نمودند این موقف اتحادشوروی کاملاً به نفع انقلاب ما و مردم زحمتکش افغانستان میباشد.

خطوط اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی برای سال‌های ۱۹۸۱ - ۱۹۸۵ و برای مدتی الی سال ۱۹۹۰ به اتفاق آراء تصویب گردید. رفیق ن. تیخونوف رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در مورد گزارشی به کنگره ارائه داشت، همچنان گزارش کمیسیون مرکزی تفنیش حزب کمونست اتحادشوروی را نیز مورد تأیید قرار داد و مقامات رهبری حزب را انتخاب نمود.

کنگره بیست و ششم که ما در آن افتخار حضور داشتیم کنگره حزب بزرگ لنین و اسناد تصویب شده در آن یک بار دیگر به اثبات رسانید که از مسکو اندیشه‌های حیات بخش صلح و برادری خلق‌ها، عدالت و ترقی اجتماعی به همه جهان پخش میگردد. ما از صمیم قلب به کمیته مرکزی، اعضای انتخاب شده حزب کمونست اتحادشوروی در راس رفیق ل.ای بریژنف موفقیت‌های بزرگ را در امر تحقق پلان‌ها و طرح‌های تعیین شده در کنگره آرزو مینمائیم.

این امر که بیانیه ما در کنگره با توجه عمیق استماع گردید و قاطعیت مصمم بودن ما در راه تحقق کامل آرمان‌های ثور با فهم و پشتیبانی گرم کنگره بیست و ششم حزب کمونست اتحادشوروی مواجه شد، موجب احساس غرور و سربلندی مردم ما، کشور ما و حزب ما می‌باشد. مخصوصاً اینکه در جریان کار کنگره بتاریخ ۲۷ فبروری مطابق ۸ حوت در کرملین ملاقات من با رفیق ل. ای بریژنف صورت گرفت خاطره مطبوعی برای ما باقی گذاشت. در جریان مذاکره که در فضای گرم و برادرانه صورت گرفت مسایل مربوط به رشد بیشتر روابط میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب کمونست اتحادشوروی و تعمیق همه جانبه همکاری افغان - شوروی مورد بررسی قرار داده شد.

تبادل افکار در مورد بعضی مسایل بین‌المللی نیز صورت گرفت؛ تلاش‌ها و دسایس نیروی‌های امپریالیستی، هژمونیستی و ارتجاع منطقه بر علیه انقلاب افغانستان قاطعانه تقبیح شده و عزم راسخ در راه دفاع از استقلال و حاکمیت افغانستان ابراز گردید.

تمایل استوار برای مساعدت به حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان براساس اصول مطروحه در پیشنهادات ۲۴ ثور و اعلامیه مشترک افغان - شوروی مورخ ۲۴ میزان ۱۳۵۹ اظهار شد.

در جریان ملاقات، من یکبار دیگر از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان توافق کامل را با پیشنهادات و طرح‌های مندرج در گزارش رفیق لیونید ایلیچ بریژنف به بیست و ششمین کنگره در جهت تحکیم صلح و امنیت بصورت عموم و در بعضی مناطق جهان و منجمله خلیج فارس ابراز داشتم. ما پیام رفیقانه لیونید ایلیچ بریژنف و ن. ا. تیخونوف را عنوانی رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت شصتمین سالگرد انعقاد قرار داد دوستی ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ افغانستان و روسیه شوروی بسیار عالی ارزیابی میکنیم. درین پیام بار دیگر موقف اتحاد - شوروی مبنی بر جانبداری قاطعانه از مردم افغانستان در مبارزه آن علیه عملیات تجاوزکارانه و خرابکارانه دشمنان انقلاب و ارتجاع علیه مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان از خارج و به خاطر حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان تأیید شده است و اطمینان کامل اظهار شده که مناسبات دوستی و همکاری میان احزاب دول و مردمان ما در آینده نیز به نفع خلق‌های هر دو کشور و صلح

عمومی بطور دائمی تحکیم و توسعه خواهد یافت. چنین مثنی انترناسیونالیستی و پیگیر اتحادشوروی خواهان مساعی جدید حزب دموکراتیک خلق افغانستان و زحمتکشان جمهوری دموکراتیک افغانستان در جهت اعمار جامعه نوین و عادلانه بوده و موجب احساسات متقابل نسبت به کشور شوراها، خلق‌ها و حزب آن میگردد. برای اینکه هر افغان و تمام مردمان کره زمین حقیقت نقش اتحادشوروی را در لحظه بحرانی برای انقلاب ما بدانند ما دایم و همیشه حرفی را که در کنگره بیست شش گفته ایم تکرار میکنیم اگر کمک به هنگام شوروی بزرگ به افغانستان قهرمان نمی بود امروز افغانستان انقلابی و آزاد مستقل و غیر متعهد وجود نمیداشت.

بدین جهت است که نسل موجوده و آینده افغانستان در برابر کشور شوراها با افتخار و سپاس جاودان احترام میگذارد و حزب وطنپرست انترناسیونالیست ما و خلق افغانستان هیچگاه این کمک برادرانه را فراموش نخواهند کرد.

در جریان اقامت در اتحادشوروی هیات افغانی در ملاقات‌ها و میتنگ‌ها، مصاحبه‌ها و صحبت‌های متعدد با زحمتکشان شوروی، نمایندگان مطبوعات، علما، دانشمندان و محصلان، نمایندگان مطبوعات و ژورنالیستان سایر کشورهای جهان اشتراک ورزیده، منجمله میتوان از ملاقات با استادان و محصلان انستیتوت علوم اجتماعی، اکادمی علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونسنت اتحاد شوروی، ملاقات با فعالین جمعیت دانش که متشکل از علما و دانشمندان معروف اند، دیدار از موزیم لنین، دیدار از کارخانه دارای سنن پرافتخار انقلابی در شهر کیف یعنی کارخانه ارسینال و ملاقات با کارگران آن، اشتراک و سخنرانی در میتنگی فعالین حزبی شهر کیف، دیدار از مکتب عالی کسمول و مطبعه نمبر ۷ مسکو یادآور شد.

اکنون به بررسی بعضی از وظایف مبرم حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مردم افغانستان می پردازیم.

وضع بین‌المللی کشور ما با رشد عمومی اوضاع در جهان و منطقه ارتباط ناگسستنی دارد. دهه‌های که گذشت مشحون از تغییرات عمیق و مثبت در عرصه بین‌المللی پیدایش و رشد دیتانت بین‌المللی بود که امکان کاهش سطح وخامت و متشنج بین‌المللی را تا حد قابل ملاحظه در زمان معین میسر ساخت. این تحولات

مثبت خود بخود و به یکبارگی بوقوع نه پیوسته بلکه در نتیجه تغییرات تناسب نیروها در عرصه بین‌المللی به نفع سوسیالیزم جهانی و به ضرر سرمایه داری، در نتیجه مبارزه پیگیر و شجاعانه اتحاد شوروی، سایر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلحدوست و بخاطر صلح پایدار ممکن گردیده بود.

به برکت دیتانت بین‌المللی، تجربه پرارزشی در ساحه حل پرابلم‌های نظامی سیاسی بر اساس مذاکرات و با در نظر داشت منافع قانونی جوانب مختلف اندوخته شده است.

درین دوران فضای تفاهم و اعتماد متقابل بوجود آمد و همکاری بین‌المللی تقویه یافت همه اینها موانع پر قدرتی را در برابر اعمال تجاوز کارانه امپریالیزم بوجود می آورد. اگر دستاوردهای این سال‌ها وجود نمیداشت امروز هنگامی که اعمال تجاوز کارانه امپریالیزم خصلت وسیع و خطرناک را بخود گرفته است. اوضاع بین‌المللی به نقطه اوج بحران و مرحله بسیار داغ و وخیم میرسید و جهان کنونی باصطلاح با یک رشته موی بر فراز گودال تصادم اتومی آویزان میبود.

باوجود آن هم نیروهای تجاوزکار موفق شدند وضع بین‌المللی را پیچیده و مغلق بسازند. در اعمال و اقدامات امپریالیزم امریکا، ارتجاع بین‌المللی و منطقه، اوانتوریزم، استفاده از میتودها و وسایل تروریستی بیش از پیش به نظر میخورد. امپریالیزم امریکا به مثابه بزرگترین تروریست که در همه جا تخم تصادم، بیرحمی جنگ و خونریزی را میپاشد عرض اندام می کند و بالای سیاهترین، تجاوزکارترین و مرتجع ترین نیروها اتکا مینماید. به همین سبب نیز اوضاع در جهان و منطقه ما به پیچیدگی گرانیده، این وضع حکم مینماید نه تنها باید به توضیح واقعیت پیچیدگی اوضاع بین‌المللی به پردازیم بلکه اقدامات و تدابیر فعالی را در جهت دفاع از صلح و حقوق خلق‌ها، برای تعیین سرنوشت بوسیله خودشان اتخاذ نموده و ابتکارات مثبت و جدیدی را پیش بکشیم.

بسیار طبیعی و منطقی است که پروگرام صلح سال‌های ۸۰ که در گزارش رفیق لیونید ایلیچ بریژنف در کنگره بیست و شش فورمولبندی شده و خلق‌های جهان آنرا بمتابه یگانه الترناتیف درست و مطمئن در برابر سیاست تشدید مسابقات تسلیحاتی امپریالیستی و افزایش خطر جنگ ارزیابی میکنند سرشار از چنین ابتکارات و تدابیر میباشد.

ما در فعالیت سیاست خارجی خویش مندرجان و محتویات این پروگرام صلح دهه جاری را کاملاً تأیید و پشتیبانی نموده و در مبارزه مشترك با دوست بزرگ نیرومند و مطمئن خود اتحادشوروی بخاطر تحقق آن، همه مساعی لازم را به خرج خواهیم داد.

مدتها قبل ثابت گردیده است که صلح قابل انقسام و انشقاق نیست. اگر تهدید به امر صلح در یکی از مناطق جهان افزایش میابد و تدابیر لازم علیه منبع تهدید اتخاذ نمیگردد دیر یا زود این امر به پیچیدگی و خرابی اوضاع بین‌المللی بطور کلی می انجامد. امروز بازهم یکبار دیگر حقانیت و تردید ناپذیری این امر به اثبات میرسد. واقعاً چندسال قبل امپریالیزم امریکا به آمادگی برای دور جدید مسابقات تسلیحاتی پرداخت. نمونه‌ها و حتی سلسله جدید سلاح‌های امحای گروهی انسان‌ها بوجود آمدند؛ به اصطلاح نیروهای گسترش سریع ایجاد شد و مصر، سومال، کینیا و عمان پایگاه‌هایی را در خاک خود در اختیار ایالات متحده امریکا و انگلستان قرار دادند. پایگاه‌های نظامی در جزیره ماسیری در خلیج فارس و دیگوگارسیا در بحر هند ایجاد و یا تجدید ساختمان میشوند. چین به کمک کشورهای غربی قدرت نظامی خود را همه جانبه رشد میدهد و همچنان با مساعدت نظامی، تکنیکی و مالی امپریالیزم غرب و هژمونیت‌های پیکنگ قدرت نظامی پاکستان با سرعت سرسام‌آوری افزایش مییابد. با وضاحت دیده میشود که هم واشنگتن و هم پیکن با تقویت پاکستان از لحاظ نظامی تلاش دارند وضع خطرناک و وخیم را در سرحدات شرقی و جنوبی ما حفظ نموده و بدین ترتیب کشور ما را تحت فشار نظامی نگهدارند.

ضمناً باید گفت که اوضاع در منطقه خلیج رو به وخامت گذاشته است. جنگ، برادرکشی در ایران و عراق صدمات شدیدی به هر دو کشور وارد نموده و ضایعات و ضررهای آن افزایش می‌یابد. دوام جنگ فقط به نفع نیروهای تجاوزکار امپریالیستی میباشد؛ زیرا آن‌ها خوبی میدانند که این جنگ پیشرفت خلق‌های هر دو کشور را در راه ترقی ملی و اجتماعی به تعویق انداخته و می‌اندازد.

در اوضاعی که بوجود آمده است ما بیش از همه موقف استوار مشی سیاست خارجی خود و ابتکارات مثبتی را که قبلاً پیش کشیده ایم یکبار دیگر پیش و تأکید مینمائیم.

تقریباً یکسال قبل اسناد بنیادی مرحله نوین انقلاب ثور یعنی اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و تزه‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور نشر شدند. ماده ۱۲ اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام میدارد که:

جمهوری دموکراتیک افغانستان بمثابه یک کشور صلحدوست برای حفظ و تحکیم مناسبات دوستانه با سایر ممالک بخصوص با ممالک همسایه و تمام مال و دول مسلمان بر اساس احترام متقابل، به استقلال ملی و حاکمیت ملی تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور یکدیگر مجدانه سعی نموده و جهت توحید مساعی مسلمانان و سایر خلق‌ها در تلاش عمومی برای صلح آزادی، ترقی و همکاری بین ایشان مساعدت میکند.

در تزه‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان آمده است که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان باور دارد که شرق‌میانه، قسمت مرکزی، جنوبی و جنوب شرقی آسیا مانند تمام ساحات اوقیانوس هند نباید به مرکز جنگ و منبع خطرات جنگ برای خلق‌های منطقه و همه بشریت در مجموع مبدل گردد.

بر همین اساس در اعلامیه تاریخی ۲۴ ثور ۱۳۵۹ حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان پروگرام مشخص اقدامات جهت عادی ساختن اوضاع در منطقه و پیش از همه در مناسبات میان افغانستان و کشورهای همسایه، ایران و پاکستان پیشنهاد میگردد ما یک سلسله پیشنهادات سازنده و تکمیل‌کننده اعلامیه ۲۴ ثور را در نشرات و مطبوعات و همچنان در پیام رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در جلسه طایف اشتراک داشتند و بیانیه وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در کنفرانس وزرای خارجه دول غیرمنسلك در دهلی مطرح ساختیم. هیچکس نمیتواند ادعا کند که ما در جهت عادی شدن وضع منطقه از تمام امکانات خویش استفاده نکرده ایم و یا کوشش‌های غیرکافی نموده ایم هیچکس در این مورد بیشتر از ما سعی به خرج نداده است.

امروز ما کاملاً حق داریم بگوئیم که متأسفانه بنابر آنکه همسایگان مورد بحث نه

تنها پیشنهادات متقابله و سازنده مطرح نموده اند بلکه پیشنهادات ما را نیز لاجواب گذاشتند؛ بناءً اراده نیک ما با انعکاس لازم و مثبت مواجه نشد.

در روشنی آنچه که گفته شد میخوایم با واقعه چند روز قبل طیاره بوئینگ (۷۲۰) پاکستانی تماس بگیریم در روابط افغانستان و پاکستان نسبت با این واقعه تاسف انگیز در برخورد کاملاً متضاد به مشاهده رسید. ما از همان آغاز موقف اصولی انسان دوستانه و سنجیده شده اتخاذ نمودیم که بیش از همه متوجه نجات جان افراد بیگناه بود. همراه با این وضع، جانب پاکستانی و منجمله ملاحظات مربوط به پرستیژ دولتی آنرا نیز مد نظر داشتیم. ما همه اقدامات ممکن را برای حل قضیه با وسایل سیاسی انجام دادیم.

با اطمینان میتوان گفت که در نتیجه و به برکت همین موقف درست ما امکان جلوگیری از واقعه دلخراشی یعنی از بین رفتن مسافران و طیاره در میدان هوایی کابل میسر گردید. اما درین باره نیز جانب پاکستانی از امکان آغاز دیالوگ با ما استفاده نکرده بیشتر از آن در اسلام آباد اراده نیک و حسن تمایل ما را بدرستی و بطور لازم ارزیابی ننموده و بلاتفاوتی کامل نسبت به سرنوشت مسافران طیاره نشان داده و اعلام داشتند که در صورت به واقعیت پیوستن سانحه تمام مسئولیت جانب پاکستانی با کنار رفتن از حل قضیه مسئولیت سنگین را بدوش گرفت. اما هرچند رهبری اسلام آباد از ضرورت حل و فصل سیاسی مناسبات با جمهوری دموکراتیک افغانستان شانه خالی کند؛ باز هم ما و پاکستان همسایه باقی خواهیم ماند.

با ایران همیشه همسایه بوده ایم و خواهیم بود؛ هیچکس نمیتواند بعوض ما و همسایگان ما پرابلیم‌های موجود بین ما را حل نماید و ما بالاخره باید با ترک ملاحظات ذهنی، سوء تفاهات و تلقینات نادرست و غیره اینکار را انجام دهیم. پیشنهادات ما به حکومت پاکستان و همچنان حکومت ایران درین زمینه بسیار واضح و روشن و به همه معلوم است. ما مانند سابق حاضریم مسایل مربوط به حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان را بر اساس دوجانبه، مورد غور و رسیدگی قرار دهیم. همچنان ما حاضریم موضوع را در ارتباط با مسایل مربوط به امنیت خلیج فارس مورد مذاکره قرار دهیم. ما چنین ارتباط را در اعلامیه ۲۴ ثور ۱۳۵۹ حکومت افغانستان پیشنهاد نموده بودیم اما بدیهی است که توافق ما با چنین

ارتباط دادن به هیچ وجه ضرورت دیالوگ دو جانبه با پاکستان را رفع نمی سازد. تا جاییکه به افغانستان ارتباط دارد باید گفت که ما برای رفع دشواری‌های مربوط به سازماندهی چنین دیالوگ قسمت قابل ملاحظه را طی نموده ایم و یک سلسله تمایلات جانب پاکستانی را مد نظر گرفتیم؛ اکنون دیگر حرف با اسلام آباد است که چه عکس‌العملی نشان میدهد.

جمهوری دموکراتیک افغانستان اظهارات چندروز قبل مقامات بلند پایه ایالات متحده آمریکا و منجمله رئیس جمهور ریگن را که حاکی از تصمیم ایالات متحده برای تهیه سلاح، به اجیران ضدانقلاب است با شدت تقیح نموده و مینماید.

مردم افغانستان و اردوی قهرمان کشور باین تحریکات با تشدید ضربات بر ضدانقلاب پاسخ میدهند و هیچ کمکی از خارج امر محکوم به زوال آنان را نجات داده نمیتواند. سیاست تحریک آمیز اداره آمریکا فقط ممکن است موجب اختلال و ممانعت حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان گردد.

ضمن یادآوری از پروبلم‌های وسیعتر منطقوی ما باید رابطه و برخورد خود را نسبت به تأمین امنیت و همکاری در منطقه خلیج فارس و بخرهند بطور کلی واضحاً مشخص و معین نماییم، کاملاً روشن است که این پروبلم‌ها بر اساس افزایش حضور نظامی امپریالیزم قابل حل نمیباشد. ما از فیصله سازمان ملل متحد مبنی بر دعوت کنفرانس بین‌المللی در باره بخرهند در کولمبو در سال ۱۹۸۱ و اعلام بخرهند بحیث منطقه صلح قاطعانه پشتیبانی میکنیم. ما همچنان پیشنهادات سه کشور هند و چین، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری دموکراتیک توده‌ای لاوس و جمهوری مردم کمپوچیا را در باره اعلام منطقه هند و چین و کشورهای آسیا و تمام بحر هند بحیث منطقه صلح کاملاً پشتیبانی مینمائیم.

در مورد پرابلم‌های خلیج فارس باید گفت که این پروبلم‌ها را فقط براساس توافقات بین‌المللی که منافع تمام جوانب را مدنظر گرفته و استقرار اوضاع و امنیت تمام کشورهای خلیج و راه‌ها و مواصلات بحری آنرا تضمین نماید میتوان حل نمود. ما پیشنهادات اتحادشوروی را درین زمینه که در کنگره ۲۶ یکبار دیگر از طرف رفیق لیونیدایلیچ بریژنف تأیید گردید؛ بلاقید و شرط پشتیبانی مینمائیم.

با استفاده از فرصت، ارزیابی عالی حکومت و مردم افغانستان را در رابطه با وضع همکاری و تفاهم متقابل در مناسبات با هند ابراز میدارم؛ به رشد و تحکیم بیشتر این همکاری امیدوار و مطمئن بوده و از جانب خود تمام مساعی لازم را بخرج خواهیم داد.

ما مصمم هستیم در آینده نیز در عرصه رشد مناسبات با کشورهای غیرمنسلك و همچنان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که کشور ما یکی از بنیاد - گذاران و عضو فعال آن بوده و باقی خواهد ماند، کار پیگیر و دوامدار نمایم. بگذار نزد هیچکس تردیدی باقی نماند که جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ ابتکار صلح جویانه و مثبت را از هر جایی که منشا گیرد بدون توجه و مساعدت نخواهد گذاشت.

رفقا!

خصوصیت متمیزه مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک ما عبارت از آنست که مشخصات دموکراتیک ملی، ضد فیودالی و ضد امپریالیستی آن هر چه بیشتر و با قوت‌تر تبارز مینماید. در حال حاضر ما در آستانه اجرای مهمترین وظایف عمومی دموکراتیک یعنی تحقق اصلاحات ارضی، تحکیم و رشد اقتصاد ملی مبارزه با بیسوادی و رشد معارف و فرهنگ، رفع بقایای فیودالی در شعور و طرز زندگی مردم، تعمیل تدریجی عناصر اساسی دموکراسی سیاسی در حیات روزمره و بالاخره ارتقای سطح زندگی مردم قرار داریم.

انقلاب ما حین اجرای تمام این وظایف ممیزات ملی، خصوصیات زراعتی کشور، پابندی عمیق اهالی کشور بدین اسلام، تفاوت ها در سنن و طرق رشد اقوام و قبایل ساکن کشور را مدنظر دارد.

طبعاً انقلاب واقعی ملی دموکراتیک در عین زمان نمیتواند ضد فیودالی و ضد امپریالیستی نباشد.

منطق انقلاب و پراتیک مبارزه سیاسی، اقتصادی، ایدیالوژیک و مسلحانه علیه ضدانقلاب داخلی و خارجی تمام وطندوستان واقعی وطن ما را با قوت بیشتر بدور حزب دموکراتیک خلق افغانستان متحد ساخته و مساعی آنرا از طریق نیروهای

مسلح پرافتخار سازمان‌های مختلف دولتی، اجتماعی، توده‌ای در جهت سرکوب قطعی ضدانقلاب و پیروزی کامل انقلاب ثور تمرکز می‌بخشد.

بالاخره با در آستانه تشکیل جبهه ملی پدروطن این سازمان سیاسی جامعه که ضرورت آنرا ما همیشه و در تمام اسناد اساسی از همان لحظه انتشار مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال ۱۳۴۴ خاطر نشان ساخته ایم قرار داریم، عملاً فعالیت عظیم در جهت ایجاد سازمان‌های اجتماعی توده‌ای و اتحادیه‌های کارمندان مبتکر که باید عناصر اساسی جبهه ملی پدروطن را تشکیل دهند به پایان رسیده است.

در مورد وضع اقتصادی کشور باید گفت که ما سال ۱۳۵۹ را بطور کلی با نتایج و شاخصهای نسبتاً خوب به پایان میرسانیم. انتظار می‌رود که محصول ناخالص در مقایسه با سال ۱۳۵۸ به اندازه یک اعشاریه چار فیصد و در آمد ملی حتی به اندازه چهار اعشاریه یک فی‌صد از دیاد یافته باشد.

در سال رو به اختتام محصول نسبتاً خوب انواع اساسی مواد زراعتی بدست آمده و در ساحه مالداري استقرار وضع حفظ شده است.

نتایج معین و مثبتی را در ساحه صنایع، ترانسپورت، مخابرات و مواصلات و تجارت داخلی و خارجی بدست آورده ایم. وضع مالی کشور استقرار و پایه داری لازم را داشته و پول ملی ما افغانی هم در بازار داخلی و هم خارج از اعتماد لازم بر خوردار است.

موفقیت‌های اقتصادی ما باز هم بزرگتر و قابل ملاحظه تر می‌بود، در صورتی که عملیات مسلحانه ضدانقلاب که از خارج منشا گرفته و مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد و نیروها و وسایل مادی بسیاری را ضایع می‌سازد. وجود نمداشت و وزارت‌ها و ادارات مربوط کار خوبتر مینمودند.

در هر صورت ضمن صحبت از وضع اقتصادی کشور می‌خواهم یک چیز را خاطر نشان سازم. علی‌الرغم جنگ بی‌امان اعلام نشده که عملاً در جریان سه سال از طرف امپریالیست‌های امریکا و هژمون‌یست‌های چین در اتحاد با ارتجاع منطقه علیه نظام مردمی ما پیش برده می‌شود باز هم در کشور ما گرسنگی و محدودیت

بالای فروش مواد مورد ضرورت اولیه وجود ندارد و نیازمندی‌های کشور از لحاظ مواد خوراکی و محصولات نفتی کاملاً تأمین است. و نیروهای مسلح ما تمام وسایل لازم را برای پاسخ گفتن به دشمن در اختیار دارند.

در سال آینده در برابر ما وظایف باز هم بزرگتر قرار دارد چنانکه میدانید بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای وزیران پلان انکشافی و بودجه دولتی سال ۱۳۶۰ را مورد بررسی و تصویب قرار دادند و عنقریب پلان و بودجه مذکور به شورای انقلابی تقدیم میشود.

در رابطه با این موضوع چه میتوان گفت، بیش از همه باید گفت که بودجه دولتی کاملاً متعادل بوده و در آن تخصیص‌های کافی برای فعالیت نورمال دستگاه دولتی، موسسات صنعتی، بخش‌های دولتی و مختلط اقتصادی، کمک بیشتر به زراعت، رشد معارف و فرهنگ تمام ملیت‌ها و اقوام و قبایل و تحکیم قدرت دفاعی کشور مدنظر گرفته شده است.

در پلان دولتی رشد اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در همه عرصه‌های اقتصاد ملی در نظر گرفته شده است، در پلان بطور کلی رشد قابل ملاحظه اقتصادی هم در مقایسه با سال رو به اختتام و هم در مقایسه با سال ۱۳۵۹ قبل از انقلاب پیش بینی میشود.

در سال آینده در برابر ما ادامه اصلاحات ارضی دموکراتیک که محور اساسی تحولات اجتماعی اقتصادی را در کشور عمدتاً زراعتی ما تشکیل میدهد قرار دارد. اگر هدف عمده ادامه اصلاحات ارضی را بطور مختصر فورمولبندی نمایم باید بگوئیم که اصلاحات مذکور در گام اول عبارت از بذل کمک به زراعت و دهقانان ما بخاطر افزایش حاصلدهی تولید زراعتی و ارتقای سطح زندگی دهقانان میباشد.

بمنظور بهبود وضع زندگی طبقه کارگر حکومت تصمیم گرفت که از آغاز سال نو دستمزد آنان را بطور متوسط بیست و شش اعشاریه شش فیصد افزایش دهد که این ازدیاد برای کارگران کم درآمد تا چهل الی پنجاه فیصد میرسد. تدابیری جهت ساختمان منازل مسکونی برای کارگران و بهبود خدمات صحتی و تأمین آنان از لحاظ مواد خوراکی و دیگر اشیای مورد ضرورت اولیه اتخاذ میگردد.

ما ضمن جمع‌بندی کاری که حزب و دولت در عرصه اجتماعی و اقتصادی انجام داده اند و طرح و تدوین پلان‌های آینده بازم و بازم با ندای رسا کمک انترناسیونالیستی بزرگ و همه جانبه‌ای را که اتحادشوروی بزرگی به مردم ما مبدول میدارد یادآور میشویم و خاطر نشان میکنیم هیچ عرصه‌ای در زندگی ما یافت نمیشود که در آن همه روزه و هر ساعت تا ثیرات مفید این کمک‌ها محسوس نباشد.

البته که همه اینها واضح است اما در عین زمان این کمک عظیم و همه جانبه مسئولیت ما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در برابر همه امور در کشور رفع نمی نماید و بیشتر از آن وظیفه مقدس هر یک ماست تا بخاطر منافع ملی افغانستان محبوب و سعادت مردم کشور بیشتر و بهتر کار کنیم.

رفقا!

اجازه دهید اکنون بالای مسایل مربوط به تحکیم حزب ما مکتب نماییم؛ این مسأله مرکزی کار ما را تشکیل میدهد زیرا اجرای وظایف اجتماعی اقتصادی و نظامی که در برابر وطن ما قرار دارد تا حد تعیین کننده مربوط به نیرو و استحکام حزب است.

ما در باره وضع حزب، در پلینوم چهارم کمیته مرکزی بطور مفصل صحبت نمودیم از آن تاریخ تاکنون بیش از چهارماه گذشت و حزب در این مدت توانست کار عظیمی را انجام دهد با رضایت میتوان خاطر نشان ساخت که روند تحکیم حزب با سرعت و شدت ادامه دارد و خصلت همه جانبه کسب نموده است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان از لحاظ سازمانی تحکیم مییابد، صفوف اعضای آن رشد میکند، ترکیب کیفی آن بهتر میشود، پایه اجتماعی آن توسعه مییابد، مهارت کارمندان حرفه‌ای آن ارتقا حاصل مینماید. صفوف فعالین آگاه از لحاظ سیاسی توسعه حاصل میکنند و اعتبار آن در بین توده‌های وسیع فزونی میگیرد. حزب به وارد نمودن تأثیر بالای تعداد کثیری از مسایل رشد اقتصادی و اجتماعی کشور آغاز مینماید.

اکنون حزب ما مرحله فعال افزایش را سپری مینماید. این امر حاکی از آنست که حزب اعتماد مردم را بخود جلب مینماید. حزب توانست به بهترین فرزندان کشور

ثابت سازد که یگانه نیروی قادر به بردن کشور بسوی پیروزی عدالت اجتماعی و محو ستم، ارتجاع، فیودالی و عقب ماندگی میباشد.

اهمیت استثنایی را این مسأله دارد که پذیرش در ماه های اخیر تغییرات معین کیفی را در ترکیب اجتماعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وارد میسازد.

همین اکنون ۲۰ الی ۳۰ فیصد اعضای جدید از میان کارگران و دهقانان پذیرفته شده اند؛ آنچه که موجب خوشنودی بیشتر میگردد این است که اعضای جدید در دوران دشوار مبارزه با ضدانقلاب به حزب ما می پیوندند تا وفاداری خود را بوطن و امر انقلاب ثابت سازند.

اما رفقا! برای ما جایز نیست که از نتایج بدست آمده سرگیجه شویم. ما باید به امر تشدید پذیرش کارگران، پیشه‌وران و دهقانان مترقی و پیشگام توجه بزرگ داشته و درین جهت کار دایمی نماییم. کار همین مبارزان ساده حزب در بین توده‌های وسیع مردم بهترین نتایج را ببار خواهد آورد. کار در جهت پذیرش اعضای جدید به حزب در قطعات اردو نیز توجه بزرگ را میخواهد.

رفقا!

کادرهای های حزبی ما با سرعت در برابر دیدگان ما رشد می‌یابند؛ ما تعداد زیادی از کارمندان حرفوی از سطح کمیته مرکزی تا کمیته‌های ولسوالی داریم. آنان نباید کارمندان زیر سقف باشند بلکه باید هر چه بیشتر به محلات بروند؛ با اعضای ساده حزبی، اعضای سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان و دیگر سازمان‌های اجتماعی با دهقانان، کارگران، پیشه‌وران و دیگر اقشار زحمتکش تماس وسیع حاصل نمایند.

تنها بدین ترتیب میتوان از خواست ها، اندیشه ها و نگرانی های مردم با خبر شده تنها بدین ترتیب میتوان حرف زدن با آنان را آموخت و حسن تفاهم را ایجاد نمود.

شش‌مین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۱ جوزا ۱۳۶۰

ابتدا ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان گزارشی راجع به جبهه ملی پدروطن و کارهای که در زمینه صورت گرفته است به پلینوم ارائه داشته، بعد پیرامون ضرورت درخواست تحریری پلینوم کمیته مرکزی به کمیسیون عالی تدارک امور کنگره موسس جبهه ملی پدروطن به خاطر اشتراك حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحیث نیروی رهبری کننده و سازمان‌دهنده جامعه و یکی از موسسین تشکیل جبهه صحبت نمودند.

پلینوم با تائید گفتار ببرک کارمل درخواست تحریری را عنوانی کمیسیون عالی تدارک کنگره موسس جبهه ملی پدروطن ارائه داشت، بعداً پلینوم کمیته مرکزی مسایل تشکیلاتی را مورد بحث قرار داد.

ببرک کارمل در باره ضرورت توسعه کمیته مرکزی، نیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان صحبت مفصل نموده، پلینوم با تائید کامل سخنان ببرک کارمل خاطر نشان ساخت که در مدت زمانی که از آغاز مرحله نوین انقلابی پر افتخار ثور میگذرد، وظایفی که باید حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی در شرایط پیچیده و دشوار اجرا نماید به حد قابل ملاحظه‌ای ارتقا یافته است. اپارات کمیته مرکزی، ارگان‌های اداره دولت کمیته‌های حزبی و سازمان‌های اولیه حزبی با موفقیت عمل نموده و تجربه می‌اندوزند. رابطه حزب با توده‌های وسیع مردم تقویت یافته است. نقش و اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور دایمی بالا می‌رود. در ظرف شش ماه اخیر هزارها تن از بهترین نمایندگان، کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، مستخدمان، روشنفکران، محصلان، متعلمان و دیگر اقشار اجتماعی به حیث اعضای آزمایشی به حزب پذیرفته شده‌اند. در مجموع سیستم سیاسی کشور نقش و اهمیت اتحادیه‌های صنفی، کوپراتیف‌های دهقانان، سازمان‌های دموکراتیک جوانان و زنان، اتحادیه‌های

روشنفکران مبتکر و اتحادیه‌های دیگر افشار مردم افزایش می‌یابد، جبهه ملی پدر وطن که در این روزها کنگره موسس آن دایر خواهد گردید؛ مساعی تمام وطنپرستان واقعی، سازمان‌های اجتماعی کشور، تمام مبارزان راه آزادی و تکامل سعادت‌مند وطن پرافتخار ما را تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان متحد میسازد.

وظایف افزایش یابنده در مبارزه با ضدانقلاب و ارتجاع منطقه، با امپریالیزم و هژمونیزم در راه تسریع حل معضلات اجتماعی سیاسی و تأمین رشد صنایع ترانسپورت زراعت و دیگر عرصه‌های اقتصاد کشور مستلزم تشدید نقش رهبری کننده حزب است.

پلینوم، اعضای جدید اصلی و علی‌البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی و دارالانشای کمیته مرکزی را به اتفاق آرا به شرح زیر انتخاب نمود:

اعضای جدید بیروی سیاسی به ترتیب الفبا:

۱. محمد اسلم وطنجار
۲. محمد رفیع
۳. نجیب الله

اعضای جدید علی‌البدل بیروی سیاسی به ترتیب الفبا:

۱. محمد اسماعیل دانش
۲. محمود بریالی.

منشی‌های جدید کمیته مرکزی به ترتیب الفبا:

۱. محمود بریالی
۲. نیاز محمد مهمند

پلینوم اعضای جدید اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به اتفاق آرا به شرح زیر انتصاب نمود:

اعضای جدید اصلی کمیته مرکزی به ترتیب الفبا:

۱. برهان‌الدین غیائی
۲. سلیمان لایق
۳. شازار لیوال
۴. محمد حسن باریق شفیع
۵. محمد فاروق
۶. محمد یاسین صادقی
۷. میر صاحب کاروال

اعضای جدید علی‌البدل کمیته مرکزی به ترتیب الفبا:

۱. بابہ جان
۲. حشمت اللہ کیهانی
۳. خداینور باور
۴. عبدالرشید وزیری
۵. عبدالستار پردلی
۶. عبدالصمد ازهر
۷. عبدالغفار لکنوال
۸. محمد اللہ صافی
۹. محمد انور فرزام
۱۰. نور الحق علمی

کار پلینوم در فضای گرم انقلابی و وحدت و یکپارچگی کامل پایان یافت.

هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۱۴ ترمس ۱۳۶۰

گزارش به پلینوم هفتم کمیته مرکزی

رفقای عزیز!

هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان روی مسایل فوق العاده مهمی بحث می نماید. ما باید با در نظر داشت وضع موجود کشور، وظایف نوبتی حزب را در عرصه بهبود هرچه بیشتر امور کمیته‌های حزبی، ارگان‌های قدرت دولتی و همه سازمان‌های اجتماعی معین سازیم و در مورد پیشنهاد مبنی بر دعوت کنفرانس سرتاسری حزبی تصمیم اتخاذ نماییم.

تجربه کار و مبارزه ما گواه آنست که پروسه انقلابی در افغانستان به اوجگیری خویش ادامه میدهد. اندیشه‌های انقلاب شکوهمند ثور، پشتیبانی بیشتری را در بین هموطنان ما کسب نموده است. پایه اجتماعی انقلاب رشد و توسعه می‌یابد. پشتیبانی از مبارزه برحق مردمان افغانستان از جانب نیروهای مترقی نیز رو به تزاید است. برگزاری جلسه هیات رئیسه سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و افریقا در کشور ما، مظهر درخشان و تازه این امر است.

امروز حزب و دولت انقلابی ما، در چنان مرحله‌یی از تکامل خویش قرار دارد که به ما امکان میدهد تا همه مسایل مربوط به تحکیم حزب و ارگان‌های قدرت دولتی و جلب توده‌ها در جهت انقلاب، اداره اقتصاد و غیره را مسؤولانتر و ماهرانتر حل نماییم. ما با حفظ احترام نسبت به کادرهای خویش وظیفه داریم تا انضباط و دسپلین در قسمت کارهای محوله شان را بالا ببریم. ما مبارزه واقعی را علیه هرگونه بی مسؤولیتی، بی‌دسپلینی، مظاهر فرکسیونبازی و عدم ابتکار اعلام میداریم. ما مسؤولیت عظیمی را به خاطر سرنوشت وطن متقبل گردیده ایم. این امریست پرزحمت و سنگین؛ مگر شریفانه. همانا این امر باید معیار انضباط ما را

نسبت به کادرها و مسؤولیت‌های شان در برابر چگونگی کارها تعیین نماید. باید ما در روشنایی همین امر در پلینوم وظایفی را که در برابر حزب و دولت قرار دارد، بررسی نماییم.

در ساحة سیاسی مهمترین وظیفه عبارت است از استحکام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور که پروسه مثبت تحکیم و یکپارچگی صفوف آن جریان دارد.

در جریان شش ماه اول سال جاری، در حدود ده هزار عضو آزمایشی به حزب دموکراتیک خلق افغانستان پذیرفته شده اند و همچنان در طی همین مدت یک‌عده اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بنابر دلایل گوناگون از تشکیل حزب بیرون شده اند.

بخشی از این رفقا در راه وطن، انقلاب و حزب، قهرمانانه جان‌های شیرین و پاک خویش را فدا نموده اند. مردم، وطن و حزب هیچگاه قهرمانی و جانبازی این سرسپردگان راه انقلاب را فراموشی نمی‌کنند. روان شان شاد باد!

بخشی هم نسبت اعمالی که مغایر اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مرتکب شده بودند از عضویت حزب اخراج گردیدند.

بالاخص این امر مهم است که تعداد نمایندگان و طبقات پیشرو جامعه ما در حزب زیاد گردیده است. چهل فیصد کسانی را که در نیمه اول امسال به صفوف حزب قبول گردیده اند، کارگران، پیشه‌وران و دهقانان تشکیل می‌دهند. در ولایاتی که از نگاه صنعت و زراعت پیشرفته اند، این رقم از پنجاه فیصد تا هفتاد و پنج فیصد بالا می‌رود. ضرور است تا کمیته‌های حزبی و سازمان‌های اولیه در آینده نیز کار در جهت رشد صفوف حزب و بهبود ترکیب کیفی آنها با توجه خاص به پذیرش کارگران و دهقانان و پیشه‌وران تکمیل نمایند و بهبود بخشند. در اردو و خاندوی صفوف حزب باید عمده‌تأ به حساب پذیرش سربازان و خردصابطان رشد یابد. در موقع پذیرش اعضای جدید به صفوف حزب، کمیته‌های حزبی و ادارات امور سیاسی کار را به خاطر برگزیدن اشخاص وفادار به امر انقلاب ثورانهایی که در مبارزه به خاطر استقرار قدرت مردمی از خود پامردی نشان داده، مکتب تربیه سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان، اتحادیه‌های صنفی و

کوپراتیف‌ها را گذرانده اند، شدت بخشند.

مبارزه به خاطر وحدت حزب، بخش مهم کار حزبی را تشکیل میدهد. متأسفانه عناصر و مظاهر فرکسیونبازی و محفل‌بازی هنوز هم به نظر می‌خورد، که همیشه از جانب حزب بررسی و ارزیابی اصولی نمی‌گردد.

ما همه در راه امر مشترك و واحد پیکار مینماییم. به خاطر خوشبختی خلق افغانستان و ترقی وطن می‌رزمیم و باید این کار را با صفوف یکپارچه انجام دهیم. لازم می‌افتد تا باز هم متذکر شویم که فعالیت فرکسیون و تخریبی با بودن در حزب توافق ندارد و این قانون را باید به صورت جدی و حتمی تطبیق کرد.

همزمان برماست تا کار تربیت، پختگی سیاسی و ورزیده‌گی ایدیولوژیک اعضای حزب را شدت بخشیم. این کار از آنجا ضرور است که اولاً: حزب دموکراتیک خلق افغانستان هم از لحاظ تجربه تاریخی و هم از لحاظ تجربه سن اعضای خویش جوان است. ثانیاً: از جهتی که صفوف حزب سریع رشد می‌یابد. ضرورت است تا اعضای جوان اصلی و آزمایشی حزب را به صورت فعالتر به کار روزمره حزبی و اجتماعی جلب نمود، کیفیت پیکار جوانان را در امر اجرای وظایف و دستورهای مشخص ارتقا بخشید و این کیفیت را در وجودشان پرورانید.

رفقا!

در این اواخر کار زیادی به خاطر بالا بردن سطح امور سازماندهی سازمان‌های حزبی، تقویت رهبری کمیته‌های حزبی و لسوالی، ناحیوی، شهری، ولایتی و تکمیل ساختار ارگان‌های حزبی صورت گرفته است. نفوذ و اعتبار کمیته‌های حزبی رو به افزایش است و اکنون مسایل مربوط به تثبیت و تحکیم قدرت دولتی، عملی ساختن جلب و احضار به قوای مسلح، بهبود کار مؤسسات و ادارات را به صورت عینی‌تر بررسی می‌گردد و فعالین حزبی در همه تدابیر و اقدامات مربوط مبارزه با ضدانقلاب نقش پیشاهنگ را ایفا میکنند.

به برکت تدابیر اتخاذ شده، طی مدت اخیر ثبات کادرها تقویت یافته، اما کار بزرگی، دقیق و پر زحمتی در جهت توسعه کنترول کمیته‌های حزبی در امر انتخاب، تقرر و تربیه کادرها در همه حلقه‌های حزب و دستگاه دولتی پیش روست.

مصوبه بیروی سیاسی، حلقه کارمندان رهبری را که شامل مقامات مورد منظوری کمیته مرکزی اند معین می سازد. کمیته‌های حزبی ولایتی، شهری، ناحیوی و ولسوالی نیز چنین کاری را باید انجام دهند. این کارمندان صرف با فیصله ارگان‌های حزبی تغییر و تبدیل شده می‌توانند. همچنان بسیار مهم است، تا آن‌های که در کمیته مرکزی، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته‌های ولایتی چنین مسؤولیتی را در این بخش عمده فعالیت، به عهده دارند، از خود مهارت و پشتکار در برقراری نظم واقعی در امر انتخاب و تقرر کادرها نشان دهند. در موقع انتصاب در این یا آن مقام رهبری، تنها و تنها کیفیت سیاسی و جدیت در کار کارمندان را و همچنین سعی و کوشش آنانرا در جهت انجام کارها در راه خیر خلق و حزب به وجه شرافتمندانه و حزب، ملاک قضاوت خویش قرار دهند.

بیروی سیاسی ضرور میداند که به منظور دموکراتیزه ساختن هرچه بیشتر کار کمیته‌های حزبی، بالابردن سطح کار دسته جمعی، اعتبار و صلاحیت ترکیب کمیته‌های ولایتی، شهری، ناحیوی و ولسوالی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را توسعه بخشید. پیش کشیدن آمران مؤسسات و سازمان‌ها، نمایندگان صدیق طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران، قوای مسلح اعم از اردو، خاندوی و خاد، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که خودرا کارمندان خوبی نشان داده اند، ترکیب ارگان‌های رهبری ما را از لحاظ کیفیت غنا بخشیده اند، تحرک جدیدی را در کار کمیته‌های حزبی به وجود آورده و ارتباطات با مردم را وسیعتر ساخته اند. برای بالا بردن جدیت و پشتکار در امور، مناسب است تا در یک سلسله کمیته‌های ولایتی و شهری حزب، سازمان‌های اولیه‌یی که تعداد اعضای زیاد دارند، از جمله اعضای کمیته‌های حزبی یک بیرو یا کمیته اجرائیه به تعداد پنج تا هفت نفر انتخاب گردند. بیروی سیاسی در مورد این مسایل فیصله‌ها و تصامیم بخصوص صادر مینماید.

جبهه ملی پروطن و سازمان‌های اجتماعی که با حقوق اعضای دسته جمعی جبهه شامل آن میباشند و تحت رهبری حزب کار می کنند، جای بس مهمی را در سیستم موزون سیاسی ایجاد شده در کشور ما، اشغال میکند. کمیته‌های حزبی باید توجه دائمی به فعالیت شان نمایند و از آنان بخواهند تا سطح جدیت و فعالیت خویش را بالا ببرند. ارتباطات با توده‌های وسیع زحمتکشان، جوانان، زنان و با همه اهالی

کشور را عملی سازند. حزب و دولت را در به سر رساندن تحولات اجتماعی یاری رسانند و صلح سراسری ملی پایدار را برای اهالی وطن مشترك ما تأمین نمایند.

رفقا!

در شرایطی که تبلیغات خصمانه به کمک دروغها و افتراها متوجه گمراه ساختن محافل اجتماعی افغانستان و جهان نسبت به ماهیت تحولات انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد و سعی دارد وحدت صفوف حزب و ارتباط آنرا با توده‌های مردم ضعیف سازد، کار ایدیولوژیک در زمینه سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت فوق‌العاده عظیمی کسب مینماید.

وظیفه آنست که تا ندای حزب و انقلاب را به گوش هر باشندۀ افغانستان، تا هر نقطه مسکونی رسانید. همه اقشار مردم و هر شخص مسلمان را در جهت زندگی آگاهانه فعال و بیدار ساخت. در حال حاضر کار فعال سیاسی حزب در میان توده‌های دهقان و در قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان اهمیت به سزایی کسب نموده است و موجودیت و عدم موجودیت دولت دموکراتیک منوط به کسب اعتماد توده‌هاست. به این منظور اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، مقامات رهبری حزبی، سازمان‌های اجتماعی، همه اعضای حزب باید به کار سیاسی در میان توده‌ها جلب شوند. بر ماست تا در این امر ابتکارات زیادی از خود نشان داده و سرانجام دشمن را به شکست کامل ایدیولوژیکی مواجه سازیم.

ورزیده‌گی فکری اعضای حزب در این شرایط اهمیت به سزایی دارد. کمیته مرکزی حزب چندی قبل مصوبه راجع به بالابردن آمادگی ایدیولوژیک و تیوریک اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان صادر کرد و در نظر گرفته شد تا در حلقه‌ها و سیمینارهای تیوریک مسایل مربوط به سیاست داخلی و خارجی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ساختمان حزب و جنبش‌های آزادیبخش ملی عمیقاً فراگرفته شود. هر عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید خوب درک کند که وی بعد از آموزش این مسایل، موظف است تا به صورت روزمره اندیشه‌های تیوری علمی و سیاست حزب و دولت را به گوش جمعیت زحمتکش و ساکنان اطراف خویش برساند. حال لحظه‌یی فرا رسیده که این خواست به پیمانۀ کامل توسط اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعم از رهبری تا صفوف، انجام

داده شود.

رفقا!

ما تجربه کار گروه‌های تبلیغاتی را مثبت بررسی مینماییم. نظر به فیصله کمیته مرکزی، قرارگاه رهبری آنها تحت ریاست رفیق زیری منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد گردید. سه گروه تبلیغاتی سرتاسری کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی، تشکیل شده است. اما کار این گروه‌ها هنوز برنامه و ترتیب لازم ندارد و همیشه به صورت مؤثر عمل نمیکند. برما لازم است تا نقش کمیته‌های حزبی را در ارتقای مؤثریت این زاده‌های انقلاب که عملاً نقش بخش‌های حزب را عهده دارند بالا ببریم و برای رهبری آنها کادرهای حزبی تحصیل یافته و دارای فهم سیاسی را گسیل نماییم. چنین گروه‌ها در چارچوب وزارت دفاع و وزارت امورداخله جمهوری دموکراتیک افغانستان ایجاد گردیده اند. وظیفه ماست تا آنها را کمک نماییم و فعالیت شانرا با پلان مشترک و موافق با پلان کمیته‌های حزبی جهت دهیم.

حزب باید همه سازمان‌ها و کمیته‌های خود را، سازمان‌های دولتی و اجتماعی را برای بهبود کار ایدیولوژیک سیاسی و تربیوی بسیج نماید.

سخنرانان کمیته‌های حزبی کارهای زیادی در این جهت میتوانند انجام دهند و ما چنین تجربه‌ی داریم، به طور مثال: بیانیه‌های سخنرانان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته شهری کابل در هنگام ایجاد جبهه ملی پدروطن، انعکاس وسیعی به وجود آورد. اما با صراحت باید گفت که سخنرانی‌های ایشان جنبه موقتی داشت. برخی از مقامات رهبری حزبی و دولتی لجوجانه نمی خواهند در میان توده‌ها بروند و کمیته‌های حزبی نیز اصولیت لازم را درین مسئله از خود نشان نمیدهند. باید کار سیاسی دامنه دار در میان توده‌ها معیار زندگی، خصلت و سبک حزبی هر عضو و مقام حزبی گردد. ضرورت مبرم به امر تشدید تبلیغ و ترویج به وجود آمده است. لازم است تا بهترین کادرهای حزبی به این کار سوق داده شوند.

باید با تمام اشکال و میتودهای کارسیاسی فیصله‌های حزب را در مورد منافع مبرم و حیاتی زحمتکشان منجمله در مورد اصلاحات ارضی، مذهب، پشتیبانی دولت از

روحانیون وطنپرست برابری واقعی همه ملیت‌ها و اقوام در میان توده‌ها هرچه وسیعتر توضیح نمود. باید ماهیت ضد مردمی امپریالیزم، هژمونیزم چین، ارتجاع بین‌المللی و ضدانقلابیون داخلی را به صورت فعال و جدی برملا ساخت. لازم است تا تریبه و وطنپرستانه و انترناسیونالیستی توده‌های زحمتکش و خصوصاً جوانان را از ریشه بهتر ساخت.

رفقا!

وسایل اطلاعات جمعی و وظایف فوق‌العاده پر مسؤولیتی دارد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در این ساحه کار هرچه بیشتر را در جهت افزایش نقش مطبوعات، رادیو و تلویزیون در تعمیق پروسه انقلابی به پیش برده و خواهد برد. درین مورد نیز کار بسیار باید صورت گیرد. در آینده نزدیک آژانس باختر به حیث یک بخش مستقل در سطح وزارت و با حقوق وزارت مبدل خواهد شد که تحت رهبری مستقیم کمیته مرکزی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان کار خواهد کرد. در نظر است تا شعبات آن در داخل و در خارج کشور توسعه یابد. ما در نظر داریم تا اداره نشرات رادیو تلویزیون را چون کمیته دولتی مستقل جدا ساخته و امور اداره آنرا بهبود بخشیم.

اکنون در این ساحه عمده آنست تا حزبیت عالی در مطبوعات، نشرات رادیو و تلویزیون تأمین گردد. لازم است کار بسیار صورت گیرد تا کیفیت عالی فعالیت همه وسایل اطلاعات جمعی ارتقا یابد.

کمیته‌های ولایتی حزبی به طور قابل ملاحظه‌یی رهبری مطبوعات و نشرات رادیویی محل را که طی یک سال ونیم ارگان‌های مستقیم ایشانند و مستقیماً جوابگوی کار آن نزد کمیته مرکزی حزب میباشد، بهبود بخشند.

رفقا!

پروسه احیا و رشد مطبوعات نوین انقلابی آنقدرها ساده نیست. این پروسه در آینده نیز خواستار تمرکز مساعی کمیته‌های حزبی و همه کارمندان ایدیولوژیک میباشد. برای اینکه در کشور سیستم واحد دولتی رساندن و پخش مطبوعات که چندی قبل ایجاد شده، بتواند به صورت منظم وظایف را انجام دهد، هنوز کار بسیار باید

صورت گیرد. این امریست سیاسی و ما تحمل آنرا نداریم که سخنان پیکارجویانه حزب ما با تأخیر زیاد برای توده‌ها برسد و گاهی هم به کلی نرسد. نظر به فیصله کمیته مرکزی، وزارتخانه‌ها و اداراتی که رساندن و پخش مطبوعات را تأمین می‌کنند، باید به صورت فوری تدابیر عملی را جهت از بین بردن نارسایی‌ها و کمبودی‌ها در این امر فوق‌العاده مهم، اتخاذ کنند.

رفقا! به این ترتیب طوری که در اسناد رهبری کننده حزب ما تذکر یافته است، همه کار ایدیولوژیک باید جهت به انجام رساندن مبارزه با ضدانقلاب و مداخلات خارجی تقویت و تشدید گردد. این کار باید موجب اوج شور و شوق انقلابی در وجود توده‌ها شود و در آخرین تحلیل، پشتیبانی اکثریت باشندگان کشور را از قدرت انقلابی در افغانستان تأمین نماید. باید سطح آگاهی ایدیولوژیک اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را ارتقا بخشید و نقش سازمان‌های حزبی را در کار ایدیولوژیک و تربیوی بالا برد.

رفقا!

درین اواخر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت یک سلسله تدابیری را جهت تحکیم و بالابردن قدرت محاروبی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در ساختن تشکیلات نظامی اتخاذ نمودند. به خاطر هماهنگی مساعی ارگان‌های حزبی، دولتی، اردو، خاندوی و خدمات اطلاعات دولتی در مبارزه با ضدانقلاب، شورای دفاع تشکیل گردید.

فیصله نامه در مورد جلب و احضار دوره‌های احتیاط به خدمت عسکری عملی می‌گردد. به منظور تکمیل کادرهای صاحب‌منصبان پایین رتبه، ضمیمه‌یی در مورد اعطای رتبه‌های دریم بریدمن، دوهم بریدمن و لومری بریدمن به کارمندان نظامی و اشخاصی که در عملیات جنگی با اشرار پایمردی و جدیت به خرج داده اند بدون در نظر داشت درجه تحصیل شان، به تصویب رسیده است، کار در جهت باقیماندن داوطلبانه سربازان و خردضابطان برای مدت اضافه تر از موعد و همچنان جلب و جذب شان جهت خدمت در خاندوی گسترش یافته است. جلسه فعالین حزبی و قوماندانی عالی قوای مسلح با اشتراک رهبران حزب و دولت دایر گردید. برگزاری جلسات فعالین حزبی به خاطر شدت بخشیدن مبارزه با ضدانقلاب در همه ساحات

صورت گرفته است.

وظیفه دیگر ما در امر تحکیم قوای مسلح عبارت است از بالا بردن آماده‌گی پیکار جویانه و سیاسی همه کتگوری‌های نظامیان، بالا بردن مهارت و ابتکار حربی افسران، بهبود همه جانبه کار حزبی و سیاسی با افراد اردو و خاندوی. این است مسئله مرکزی در امر بالا بردن قدرت محاربوی قوای مسلح. این مسئله خواستار مساعی مشخص، پیگیر و با پشتکار نه تنها مقامات فرماندهی، سیاسی سازمان‌های اولیه قوای مسلح، بلکه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، همه کمیته‌های محلی و ارگان‌های قدرت اداری میباشد.

ریاست عمومی امور سیاسی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان، ادارات و شعبات سیاسی موظف اند تا توجه بخصوص خویش را به ایجاد نزدیکی روحی و فکری افسران، خردضابطان و سربازان معطوف سازند. باید همه روزه کار سیاسی فعال و پیشرونده میان همه طبقات و اقشار جامعه و همه مردمان و اقوام ساکن جمهوری دموکراتیک افغانستان با روحیه وطنپرستی و برادری، با در نظر داشت موازین دین مقدس اسلام و کار در جهت مبارزه با بیسوادی پیش برده شود.

رفقا!

در ارتباط با وضع اقتصادی کشور باید گفت که با وجود مقاومت شدید از طرف ارتجاع داخلی و خارجی، تحولات معین اجتماعی و سیاسی در کشور تحقق می پذیرد.

با عملی نمودن فیصله‌های پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مورد پرابلم‌های ساختمان اقتصادی در سیاست اقتصادی خصوصاً در ساحه سیاست ارضی و در رابطه با سکتور خصوصی یک سلسله اصلاحات وارد گردید. مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در مورد اصلاحات ارضی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به تصویب رسید. تدابیر و اقدامات جهت تحکیم سکتورهای دولتی و کوپراتیفی در زراعت اتخاذ گردید. کمک‌ها به شکل دادن تخم‌های بنری، کودکیمیایی و وسایل طور قرضه به دهقانان صورت می‌گیرد.

دستمزد کارگران و کارمندان کم درآمد بالا برده شد، ماکولات کارگران و مامورین سکتور دولتی از دیداد حاصل نمود. تدابیر جهت ساختمان منازل مسکونی مجهز، بهبود خدمات صحتی کارگران، تدارک موادخوراکی و دیگر مواد مورد ضرورت اولیه، اخذ میگردد، تجدید و تعویض سیستم اداره دولتی عملی میگردد. قانون شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب شده و یک سلسله فعالیت‌های قانونگذاری در مورد کمیته دولتی پلان گذاری، بعضی وزارت‌ها و ادارات صورت گرفته است. همچنان قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی به معرض قضاوت افکار عامه گذاشته شده است.

طی سال جاری حاصلات خوب مواد عمده زراعتی جمع آوری شد. وضع مالداري به حال استقرار حفظ گردید. طی نیمه سال اول پلان استخراج زغال سنگ، تولید کود، مواد آهن کانکریت، ترمیم موتر و وسایل تخنیکي راه سازی، تولید انساج پنبه، گوشت، روغن نباتی و طبع کتب عملی گردید. از مقدار بارهای حمل ناشده از بندر حیرتان به طور قابل ملاحظه کاسته شد. حجم خدمات و وسایل مخابراتی کمی فزونی یافت یک سلسله پروژه‌های اقتصادی به کار آغاز کرد.

در پهلوی آن، مشکلات زیادی در اقتصاد موجود است. صدمات مادی که توسط اعمال ضدانقلاب به صنعت، زراعت، ترانسپورت و مخابرات وارد گردیده زیاد میباشد. عوامل عینی چون نفوق سکتور خصوصی در تولیدات ملی، عدم موجودیت تجربه رهبری در شرایط جدید، کمبود کادرهای ماهر نیز نقش خود را دارد. وظایف عمده در ساحه اقتصاد امروز از نیازمندی‌های مبرم کشور در مرحله فعلی تکامل آن ناشی می گردد. بر ماست تا در زمینه اعتلای تولیدات صنعتی ملی و تولید محصولات در سکتور دولتی و مختلط موفق گردیم. ضرورت است تا توسعه تولید محصولات صنعتی که اقتصاد ملی سخت به آن نیازمند است، افزایش منابع صادراتی و حصول اسعار خارجی و همچنان افزایش درآمدهای بودجه دولتی به حساب ارتقای مؤثریت اقتصادی و از دیداد سود مؤسسات صنعتی تأمین گردد. در یک، یک و نیم سال آینده ضرور است تا تمرکز اعظمی منابع مالی، مادی و نیروی کار در مهمترین رشته‌ها و مؤسسات اقتصادی دولت و عمدتاً در پروژه‌های تحت ساختمان و تجدید ساختمان صورت گیرد.

در ساحه ترانسپورت وظایف اساسی را کار نورمال جاده‌های بزرگی مواصلاتی،

ساختمان و ترمیم سرک‌ها، اعمار مؤسسات دولتی خدمات تخنیکي برای موترها تشکیل میدهد. لازم است تا تدابیر مشخص جهت جلب وسیع ترانسپورت خصوصی در امر انتقال بارهای دولتی اتخاذ گردد.

مطابق به اوضاع واقعی باید مسئله از نو آغاز نمودن و توسعه حجم کارهای جیولوژیکی و انکشاف گاز، نفت و معادن جامد، احیا و رشد بیشتر مؤسسات استخراج زغال، نفت، نمک، مواد ساختمانی، تولید سمنت و اعمار مؤسسات جدید تولید انرژی و تصفیه نفت مدنظر گرفته شود.

پرابلم مهم رشد صنایع ماشینی و دستی را در سکتور خصوصی که نقش قابل ملاحظه در رفع نیازمندی‌های مردم کشور به کالاهای مورد مصرف وسیع و تأمین اشتغال اهالی دارد، نباید فراموش کرد. به این منظور باید از تخفیف‌ها مزایایی که بنابر تصمیم دولت برای رشد سکتور خصوصی داده میشود، استفاده وسیع به عمل آید.

رفقا!

طوری که شما میدانید کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت يك سلسله اقداماتی به منظور تسریع اجرای اصلاحات ارضی نموده، پروگرام تحقق عملی آن تصویب شده و مراحل کار و وظایف وزارت‌ها و ادارات مشخص گردیده است. همراه با آن نتایج حاصله هنوز کم است. اوضاع موجود خواهان فعالترساختن این کار و اجرای هدفمند و سیستماتیک آنست. لازم است تا توجه خود را معطوف به آن سازیم که تا اخیر سال ۱۳۶۰ اشتباهاتی که در مرحله اول سر زده بود، تصحیح گردد.

آهنگ و مؤثریت اصلاحات ارضی تا حد قابل ملاحظه‌یی مربوط به قانون توزیع آب و استفاده از آن، تنظیم مناسبات اجاره داری زمین است که تنظیم آن تا کنون مطابق به سنن قدیمی صورت می‌گیرد باید تکمیل طرح و تصویب این قانون را سرعت بخشید.

در حال حاضر کمیته دولتی پلان گذاری طرح پلان رشد اقتصادی و اجتماعی کشور را در سال ۱۳۶۱ تهیه می‌نماید. این امر مهمی در زندگی اقتصادی کشور

است و وزارت‌ها و ادارات باید حین طرح مسوده‌های پلان‌ها تصامیم و فیصله‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان را در مورد رشد اقتصاد، رهنمای عمل خویش قرار دهند. وظایف پرشدت ولی واقعی را در ساحه تولید محصولات صنعتی و زراعتی مطرح نمایند.

رفقا!

کاملاً بدیهی است که تکامل بعدی انقلاب ثور، جلب هرچه بیشتر توده‌های زحمتکش به سوی آن تا حد زیادی مربوط به حل موفقانه مسایل اجتماعی و فرهنگی میباشد. حزب سیاست خود را در سمت رفع نیازمندی‌های مردم به مسکن، مؤسسات فرهنگی و تنویری، امحای بیسوادی، رشد علوم، صحت عامه و ورزش به صورت پلان شده تحقق خواهد بخشید.

چنانکه روشن است امحای بیسوادی و بالا بردن سطح تعلیمات عمومی مردم اهمیت فراوانی برای اعمار موفقان جامعه نوین در افغانستان دارد. کار بزرگی برای تجدید بنای سیستم تعلیم و تربیه ملی در پیش روست. باید این سیستم واحد، دموکراتیک برای همه اقشار و طبقات اجتماعی و ملیت‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان یکسان قابل دسترسی باشد.

در عرصه فرهنگی لازم است ایجاد و توسعه بیشتر شبکه مؤسسات فرهنگی و هنری که تأمین کننده اعتلای دایمی سطح سیاسی و فرهنگی مردم باشد، ادامه داده شود. یکی از مهمترین وظایف در سطح عمومی دولت عبارت از بهبود خدمات طبی و تنویر اهالی از لحاظ حفظ الصحه میباشد. باید به تدریج شبکه وسیع و گسترده مؤسسات تداوی، معاینه، وقایه، حفظ الصحه، مؤسسات ضد اپیدمی و ادویه فروشی‌های دولتی مخصوصاً در دهات، ایجاد گردد.

رفقا!

در مرحله کنونی تکامل انقلاب مناسبات ملی و قبیله‌وی اهمیت بخصوص کسب مینماید. حزب و حکومت انقلابی مشی مبنی بر رشد مساویانه همه ملیت‌ها و اقوام و قبایل و جلب اقلیت‌های ملی را به تحولات انقلابی کشور به طور پیگیر تحقق می

بخشند. حزب در ساحه سیاست ملی خود را مؤظف دانسته تا اصول عمده این سیاست را طی سند جداگانه‌یی طرح کند و اعلام بدارد. این امر برای استقرار اوضاع سیاسی در داخل کشور و تکامل جامعه نوین اهمیت به سزای سیاسی خواهد داشت. با در نظر داشت اهمیت این مسئله مسودات اعلامیه‌های خطاب به ملیت‌ها و اقوام و قبایل کشور طرح گردیده به پلینوم حاضر جهت بررسی ارائه میگردد.

حزب در فعالیت عملی خود بعد از این نیز تدابیر مشخص عملی را در جهت تأمین احترام و دفاع از دین مقدس اسلام و آزادی تضمین شد، اجرای مناسک مذهبی که در «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» اعلام شده است و اتخاذ خواهد کرد. در عین زمان حزب از هرگونه تلاش به غرض سوء استفاده از مذهب را به مقصد اهداف غرض آلود ضد دولت و ضد مردم، جلو گیری مینماید.

ما باید ضمن تحقق پیگیر و مصرانه مشی استراتژیک حزب در اجرای وظایف تاکتیکی، انعطاف پذیری نشان دهیم. در این امر می توان و حتی باید هم به مصالحه، البته در حدود مجاز و معقول با حفظ وفاداری به اصول پرداخت. این امر با همه بخش‌های فعالیت ما منجمله مسایل ملی و قبیله‌وی و مخصوصاً با ارتباطات و تماس‌های ما با گروه‌های مختلف که وظایف مترقی را در برابر خویش قرار داده اند، رابطه دارد.

علی‌الرغم اختلافات در اشکال و میتودهای مبارزه، ما باید نقاط مشترک را دریابیم و آنها را در اجرای وظایفی که در برابر وطن واحد ما قرار دارد و در مبارزه به خاطر صلح سراسری ملی فعالتر جلب نماییم. تمایلات و مساعی ما در راه جلب به خاطر انجام وظایف مترقی به یک مسیر مبارزه به خاطر آینده تابناک مردم ما از طرف آنها به درستی درک و قبول خواهد شد و امکان خواهد داد تا تا ماسک «مدافعین مردم و اسلام» از چهره دشمنان واقعی، کینه توز و مکار انقلاب و وطن محبوب ما برداشته و دریده شود.

رفقا!

طوری که می بینید در برابر ما وظایف بسیار بزرگ و پرمسئولیت در جهت تحکیم هرچه بیشتر حزب، یکپارچگی صفوف آن، تحکیم و ارتقای اوتوریتته ارگان‌های محلی دولت، افزایش مسؤولیت‌های شان به خاطر همه امور در

جمهوری دموکراتیک ما، موجود است. باید کوشش جدی‌تری به خاطر جلب اقبال و وسیع مردم خصوصاً دهقانان، در جهت انقلاب، در کشور به خرج داد. این امر اساسیست که به ما اجازه میدهد تا به صورت هرچه مؤثرتر به حل پروبلم‌های اقتصادی و تأمین تدریجی شرایط بهتر زندگی برای مردم بپردازیم.

خود زندگی، پروسه رشد انقلاب شکوهمند ما، اجزای و فعالیت‌های حزب و دولت ضرورت تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در دستور روز قرار میدهد.

از زمان تدویر نخستین کنگره حزب دموکراتیک خلق افغانستان تقریباً هفده سال می‌گذرد. در طول این مدت حزب راه طولانی، پیچیده و دشوار و پیکارجویانه تشکیل، رشد و تحکیم را پیمود. تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کشور ما انقلاب شکوهمند ثور به پیروزی رسید، که امکانات وسیعی را برای خلق‌های وطن ما در امر دموکراتیزه ساختن پیگیر زندگی اجتماعی و اداره دولتی رشد و توسعه سریع اقتصاد و فرهنگ ملی به میان آورد و وظیفه عمده ستراتیژیک پروگرام اول حزب یعنی به دست گرفتن قدرت سیاسی و انتخاب راه رشد دموکراتیک و ملی کشور به انجام رسید. در ظرف سال‌های که از کنگره اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان گذشت، حزب از حالت یک سازمان اپوزیسیونی و نسبتاً محدود برآمد و به حزب بر سراققدار، پیشاهنگ سیاسی شناخته شده طبقه کارگر و همه زحمتکشان، نیروی رهبری کننده سیستم جدید سیاسی جامعه و دولت ما، مبدل گردید.

طی این سال‌های مبارزه بی‌امان به خاطر آینده تابناک وطن ما، حزب در فعالیت عملی خویش مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سند مصوبه سال ۱۳۵۹ یعنی «تشریح کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشواز دومین سالگرد انقلاب ثور» را که حیثیت برنامه را دارا بوده، ملاک عمل قرار داده است. این اسناد نقش عظیم و مثبتی را در رشد درک تیوریک و فعالیت عملی حزب ایفا کرد. بر مبنای این اسناد کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان سیاست خویش را استوار ساخته، فیصله‌های مهمی صادر کرد. کار عملی را به خاطر ساختمان و تحکیم حزب، رهبری سازمان‌های اجتماعی و ارگان‌های اداری دولتی سازمان داده و تحولات اقتصادی و اجتماعی را در کشور انجام داد. محتوای اساسی

این اسناد همین حال نیز در دستور روز قرار دارد.

در عین حال زندگی و تجربه مبارزه انقلابی، وظایف جدیدی را در مقابل حزب قرار داده، خواستار حل اصولی و دسته جمعی سلسله مکمل مسایل مهمی که تعیین کننده خط مشی سیاسی و فعالیت عملی حزب در مرحله کنونی انقلاب است، میباید.

طی زمانی که از تصویب «تزهای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیشواز دومین سالگرد انقلاب ثور» گذشت، حزب ما تجربه جدید و پرارزشی در امر رهبری امور اجتماعی و دولتی کسب نموده است. همه میدانیم که همراه با آن ما مشکلات بزرگ، مسایل حل نشده زیادی در کار سازماندهی و سیاسی میان توده‌ها، در راه تأمین ارتباط ناگسستنی حزب با اقشار وسیع مردم و تکمیل روابط اجتماعی و اقتصادی در کشور داریم. اینها همه باز هم به بحث و فیصله دسته جمعی ضرورت دارد. مسئله عمده برای حزب و دولت انقلابی در شرایط کنونی همانا فعالیت سازنده کار سازماندهی و سیاسی پرتحرک و زنده در میان توده‌ها، جهت بهبود زندگی مردم و دستیابی به پیشرفت و ترقی همه جانبه وطن میباید.

در این ارتباط ضرورت عینی برای تدویر کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش آمده است، تا «برنامه عمل» آینده نزدیک را طرح نماید. همچو برنامه که با تفکر دسته جمعی آماده میگردد، اساسیست برای یکپارچگی هرچه بیشتر صفوف حزب به دور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، و تحکیم وحدت حزب همچنان این برنامه امکان آنرا می دهد تا شعارهای مشخص و روشن طرح و اهداف طویل‌المدت و جهات کار حزب با اقشار مختلف اجتماعی کشور ما تعیین گردد تا بر اساس آن همه اقشار جامعه برای حل پلان شده و پیشرونده وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک در مرحله کنونی و تکامل آن، متحد ساخته شوند.

از این جهت بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای حل اینهمه مسایل پیشنهاد مینماید، تا در ماه‌های نزدیک کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر گردد. لازم است در این کنفرانس روی تحکیم سازمانی و سیاسی هرچه بیشتر حزب و تأمین ارتباط ناگسستنی آن با توده‌های وسیع مردم بحث صورت گرفته وظایف معین گردند. تصویب برنامه عمل برای

آینده نزدیک در کار کنفرانس جای مرکزی را خواهد داشت.

طی مدتی که از تدویر پلینوم دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تصویب اساسنامه حزب ما گذشت، حزب ما تجربه معینی اندوخته، در سازمان‌های حزبی اشکال و میتودهای جدید کار نمایان گردیده است. پروژه تکمیل ستروکتور سازمان‌های حزبی ادامه دارد. کمیته‌های ولایتی و در شهرهای بزرگ کمیته‌های ناحیوی حزب ایجاد شده است، تغییرات در حقوق و وظایف کمیته‌های حزبی دارای صلاحیت‌های مختلف به وجود آمده است. ضرورت می‌افتد تا این همه در سند اساسی حزب که تنظیم کننده زندگی داخل حزبی یعنی اساسنامه حزب است، تجسم یابد. به این منظور به نظر ما مفید است تا در این کنفرانسی یک سلسله تعدیلات و تکمیلات در اساسنامه موجود حزب، وارد آید.

در این کنفرانس اسناد دیگری که اهمیت بزرگی برای کشور ما و حزب ما دارد، میتواند به تصویب برسند. آماده‌گی برای کنفرانسی سرتاسری و برگزاری آن باید به تبلیغات وسیع سیاسی که وظیفه دارد هرچه فشرده‌تر صفوف حزب ما را یکپارچه سازد، بهترین نمایندگان وطن ما و توده‌های وسیع زحمتکش را به دور آن متحد نموده و اوج جدید پیمردی انقلابی را در وجود اعضای اصلی و آزمایشی حزب برانگیزد، مبدل گردد. به سررساندن این امر وظیفه اساسی همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و همه اعضای حزب میباشد.

رفقا!

در اخیر لازم می‌افتد، تا باردیگر تذکر داده شود که برگزاری این مجمع مهم سیاسی که در مورد آن امروز باید تصمیم بگیریم، باید رشد هرچه بیشتر سطح همه امور را در حزب و دولت تأمین نماید و به تحکیم وحدت حزب و ارتقای نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت کمک نماید و وسیله نیرومندی برای یکپارچگی حزب و مردم به دور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باشد.

مصوبه، هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

مصوبه هفتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که توسط سلطانهلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان از طریق رادیو و تلویزیون قرائت شد.
۲۸ قوس ۱۳۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

خطاب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به همه ملیت‌ها و اقوام جمهوری دموکراتیک افغانستان:

هموطنان گرامی اعم از پشتون‌ها، تاجیک‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، هزاره‌ها، بلوچ‌ها، نورستانی‌ها و تمام اقلیت‌های ملی دیگر ساکن کشور ما افغانستان واحد و آزاد، مستقل و غیرمنسلك!

انقلاب ظفر آفرین ثور به خاطر سعادت و ترقی وطن محبوب و ستم دیده ما بخاطر رفاه و شگوفانی فرهنگ تمام ملیت‌ها و اقوام ساکن افغانستان به خاطر تمام فرزندان کشور صورت گرفت، دستاوردهای انقلاب متعلق به همه مردم افغانستان صرف نظر از محل، تولد و وابستگی آنان به ملیت‌ها و اقوام برادر ساکن وطن واحد مان افغانستان محبوب می باشد.

ما به برکت پیروزی انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین تکاملی آن برای نخستین بار در تاریخ کشور رسماً تساوی حقوق سیاسی تمام ملیت‌ها کشور را اعلام میداریم.

حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان یگانه نیروی سیاسی در کشور ماست که همیشه و به طور پیگیر علیه سیاست غیر عادلانه و تبعیضی رژیم‌های استثمارگری گذشته در ارتباط با مسأله ملی که حاصل آن نفاق و بدبینی، ظلم و ستم و عدم مساوات بین ملیت‌ها و اقوام کشور بود برخاسته و رفع آنرا خواسته است.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان حتی در زمان تسلط رژیم ظاهرشاه از تریبیون پارلمان خواستار پایان بخشیدن به ستم ملی در برابر ملیت‌ها و اقوام ساکن کشور و تأمین تساوی واقعی حقوق برای آنان گردید.

همه‌ی شما اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان بدون در نظر داشت تعلق به ملیت‌ها و اقوام برادر و برابر افغانستان در برابر قانون باهم یکسان هستید. این حق شما در سند عمده قانونی کشور ما اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تسجیل و تثبیت گردیده است. این حق شما به وسیله قانون تضمین شده به وسیله دولت حفظ می‌گردد و به هیچکس اجازه داده نمی‌شود آنرا زیر پا گذارد.

حزب و حکومت به طور متداوم و پیگیر اصلاحات دموکراتیک ارضی را که کاملاً به نفع دهقانان و کارگران زراعتی بدون در نظر داشت ملیت و قومیت آنان است، تحقق می‌بخشند. ما به دهقانان زمین و آب می‌دهیم. این زمین و آب تنها متعلق به کسانی خواهد بود که زحمت میکشند نه به کسانی که در آن بغرض ثروتمند شدن بیشتر خود و فقیر شدن بیشتر دیگران استفاده می‌نمایند:

فقط انقلاب ثور شرایط و مقدمات لازم را برای بهبود بنیادی زندگی توده‌های میلیونی دهقانان و تحقق آرزوهای دیرینه آنان در باره آزادی و عدالت، زمین و آب برای همه فراهم آورد.

حزب و حکومت بیک سلسله اقدامات وسیعی در جهت بهبود وضع مادی زحمتکشان متشکل از اقوام و ملیت‌های مختلف کشور دست زده است. دستمزد کارگران و مستخدمان افزایش یافته پروگرام وسیع ساختمان خانه‌های رهاشی تحقق می‌یابد و به رشد تعلیم و تربیه مردم و صحت عامه توجه زیاد صورت می‌گیرد و مبارزه با بیسوادی جریان دارد، به برکت تدابیر اتخاذ شده اکنون جرایدی بزبان‌های ازبکی، ترکمنی و بلوچی به چاپ می‌رسد و برای نشر جراید بزبان‌های ملیت‌های مختلف در مراکز و ولایاتی که قبلاً در آنها چنین جرایدی نبود آمادگی گرفته میشود. تدریس در مکاتب و نشرات رادیویی به زبان‌های ملیت‌های افغانستان آغاز شده است. از طریق تلویزیون و رادیو و مطبوعات فرهنگ ملیت‌های ساکن افغانستان معرفی و تبلیغ می‌گردد و پایه‌های سیستم جدید تعلیم و تربیت با در نظر داشت منافع ملیت‌ها

و اقوامی که از این حق قبلاً محروم بودند بوجود آمده و بسط و گسترش می‌یابد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به موقع می‌شمارند بر علاوه آنچه که عملی شده است تدابیر جدیدی در جهت تأمین تساوی حقوق و همکاری میان ملیت‌ها و اقوام کشور ما بعمل آید. برای این منظور سیستم وسیعی از تدابیر اقتصادی و اجتماعی - سیاسی طرح و تحقق خواهد پذیرفت. در عرصه سیاسی، حزب و حکومت مصمم اند مشی خود را در جهت افزایش فعالیت سیاسی و اجتماعی تمام ملیت‌ها بدون استثنا در جهت تأمین و توسعه نمایندگی آنان در جرگه‌های ولایتی که در طرح قانون ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره پیشینی میشود در جهت تأمین و توسعه نمایندگی آنان در سازمان‌های حزبی و ارگان‌های دولتی در کمیته‌های اجراییه و کمیته‌های ولایتی جبهه ملی پدروطن و در تمام سازمان‌های اجتماعی شامل جبهه ملی پدروطن در وجود نمایندگان شایسته و با احترام و با اتوریته این ملیت‌ها و اقوام به طور پیگیر تعقیب نمایند. در محلاتی که اکثریت اهالی مربوط به ملیت و یا قوم معین است رهبری و متناسب با آن تعداد لازم کرسی‌ها در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و اجتماعی متعلق به نمایندگان همان ملیت یا قوم خواهد بود. در عین زمان حقوق مدنی عنعنات و ارزش‌های تاریخی، مذهبی و فرهنگی آن ملیت‌ها و اقوام که در محلات مذکور اقلیت را می‌سازند، بوسیله قانون تضمین شده و بشکل لازم مراعات می‌گردد.

در شرایط لازم در تشکیل اداری کشور بر اساس ملیت‌ها و اقوام ساکن و به منظور حل بنیادی مسأله ملی تجدید نظر اساسی بعمل خواهد آمد.

در ساحه اقتصادی حزب و حکومت توجه خود را به رشد سریع مناطق زیست آن ملیت‌ها و اقوامی معطوف خواهد ساخت که در وضع کنونی از لحاظ اقتصادی کمترین رشد یافته‌اند.

برای بهبود تأمین مناطق بودوباش ملیت‌ها و اقوام مختلف کشور از جهت اموال مورد ضرورت اولیه، تسهیل فروش محصولات عنعنوی آنان و استقرار قیم عادلانه برای آنان تدابیر لازم اتخاذ خواهد شد.

در عرصه فرهنگی ما حفظ و رشد همه عناصر خوب و با ارزش را در میراث

سنن فرهنگی تمام ملیت‌ها و اقوام تأمین و تضمین می‌نماییم. به همه ملیت‌ها حق آموزش زبان مادری بر اساس انتخاب آزادانه داده میشود. حزب و دولت تمام تدابیر لازم را جهت رشد زبان‌ها و لهجه‌های ملیت‌ها و اقوام افغانستان برای حفظ رسم‌الخط، تاریخ و فرهنگ آنان نزدیکی و همکاری تمام ملیت‌ها و اقوام به منظور رشد همه جانبه آنان اتخاذ مینماید.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام میدارند که آنها سیاست ملی را که در این اعلامیه رسماً ابراز شده است بطور پیگیر و مصرانه در عمل تحقق خواهند بخشید. ما اطمینان داریم که ملیت‌ها و اقوام افغانستان درین امر به حزب و حکومت انقلابی خویش کمک و پشتیبانی لازم را مبذول خواهند داشت.

هموطنان گرامی!

امپریالیسم امریکا، هژمونیزم چین و رژیم‌های ارتجاعی بعضی از کشورهای منطقه با تمام نیرو تلاش می‌ورزند تا دستاوردهای تاریخی انقلاب ما را محو و نابود نمایند و پروسه اعمار جامعه نوین را در افغانستان متوقف سازند. همین‌ها بودند و هستند که جنگ برادر کشی را در افغانستان تحریک نمودند و تحریک می‌نمایند و همه تلاش‌ها را بعمل می‌آورند تا ملیت‌ها و اقوام کشور را بهم اندازند و علیه یکدیگر برانگیزند.

آنها بغرض بر آوردن اهداف شوم امپریالیستی و هژمونستی خود تلاش می‌ورزند با تمام طرق ممکن اساسات دین مقدس اسلام را در کشور ما تضعیف و تحریف نمایند تا مردم ما را از داشتن ارزش‌های واحد معنوی محروم سازند. آن‌ها با استفاده از باندهای رنگارنگ ضدانقلاب خون مسلمانان وطنپرست را میریزند. شخصیت‌های مذهبی را تهدید میکنند و به قتل میرسانند و مساجد و مدرسه‌ها را به آتش می‌کشند.

هموطنان شرافتمند:

بنابر آن این وجیبه وطنی و ملی شماست تا به صفوف نیروهای مسلح دلیر کشور بپیوندید و در امر تحکیم آن فعالانه سهم گیرید و در انجام رسالت شرافتمندانه آن

یعنی دفاع از وطن مان افغانستان عزیز هرگونه كمك و مساعدت لازم را مبذول دارید.

ما در افغانستان اسلام را به مثابه دین مقدسی که عدم مساوات، سودخوری و استثمار انسان بوسیله انسان را تقبیح مینماید میشناسیم؛ بنابراین ما از شما دعوت مینماییم که متحد شوید و قاطعانه علیه دشمنان اسلام مبارزه نمایید. برای آنکه همه شما به خاطر آرام زندگی و کارنمائید و وطن عزیز ما را شگوفان و سعادت مند سازید، ضرورت به صلح است ما مخالف آنیم که انسان‌ها بالای یکدیگر آتش کنند.

شما بمثابه افراد کامل‌الحقوق کشور ما باید هر چه فعالتر و شجاعانه‌تر شیوه‌های اداره دولت را بیاموزید و در کار ارگان‌های محلی قدرت دولتی چه در مرکز و چه در ولایات ولسوالی‌ها علاقه‌داری‌های که آن ملیت‌ها و اقوام ساکن کشور ما که توده اساسی اهالی را می‌سازند، سهم گیرید.

كمك شما در تجدید و تنظیم کار موسسات اقتصاد ملی اعم از فابریکه‌ها، کارخانه‌ها، معادن و سیستم‌های آبیاری که بوسیله ضدانقلاب تخریب و مختل شده است پرارزش می‌باشد.

تنها کسانی در وطن ما قابل احترام، تحسین و افتخار اند که با کار و مبارزه خود وطن را آباد میکنند و از سیاست حزب و حکومت انقلابی خویش یعنی تضمین خوشبختی و آرامش توده‌های وسیع زحمتکشانش پشتیبانی می‌نمایند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان معتقدند که راه دیگری برای حل عادلانه و دموکراتیک مسایل ملیت‌ها و اقوام افغانستان بجز همین راهی که درین اعلامیه توضیح شده است وجود ندارد. تنها به صورت مشترك با هم متحد و در يك صف واحد ما میتوانیم به پیروزی قطعی دست یابیم. از آزادی خود دفاع کنیم و صلح را تأمین نماییم.

حزب و حکومت انقلابی از همه هموطنان عزیز اعم از پشتون، تاجیک، ازبیک، ترکمن، هزاره، بلوچ، نورستانی و دیگر ملیت‌ها و اقوام افغانستان دعوت میکنند تا علیه دشمنان وطن و انقلاب ما که تلاش می‌ورزند افغانستان را به دیروز به دوران قرون وسطایی به وضع فلاکت، فقر، عقب ماندگی و بدبختی بازگردانند

متحدانه مبارزه نمایند.

شما افراد آزاد و دارای حقوق کامل کشور ما، شما مسلمانان با ایمان باید بطور آگاهانه و بدون تزلزل در صف مشترك مدافعان انقلاب مانند هزاران وطن پرست دیگر قرار گیرید. به صفوف قوای مسلح دلیر و قهرمان خاندوی مردمی، مدافعان شجاع انقلاب برای مبارزه علیه دشمنان مردم و وطن، علیه دشمنان اسلام و آزادی، علیه دشمنان عدالت و ترقی ببیوندید. بدین ترتیب شما سعادت و شگوفایی وطن، آینده شاد و آرام اطفال خود، این سازندگان افغانستان نوین را تأمین مینمایید.

حزب و دولت انقلابی ما از همه وطن پرستان دعوت مینماید تا براساس پلاتفرم یا مرام مشترك مبارزه و کار بخاطر آینده درخشان و پر فروغ بنام ترقی، شگوفانی، خیر و رفاه وطن محبوب مان متحد شوند.

زنده باد وطن واحدمان افغانستان انقلابی؛ ما پیروز میشویم.

هشتمین پلینوم نوبت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان روز پنجشنبه ۲۰ حوت ۱۳۶۰ هشتمین پلینوم نوبتی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی افتتاح نمود.

رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در بیانیه پر محتوای شان دایر شدن هشتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در این مقطع زمانی بخاطر اینکه برای اولین بار در حیات هفده ساله حزب ما طرح برنامه عمل و تعدیلات در اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد بررسی قرار گرفته و جهت ارائه به کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آماده می گردد، عالی و پراهمیت ارزیابی نمود.

رفیق ببرک کارمل در بیانیه شان در باره برنامه، طرح تعدیلات در اساسنامه و اهمیت دایر شدن کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وظایف خطیری که در برابر اشتراک کننده گان هشتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان قرار دارد تأکید نمود. تحکیم یکپارچگی صفوف حزب و تعمیق و گسترش روابط حزب را با توده ها یکی از وظایف اساسی حزب بر شمرده، بعد گزارش اساسی و مسوده برنامه عمل و طرح تعدیلات در اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان بصورت جدا گانه در پلینوم ارائه شد که پس از بحث و اظهار نظر در فضای کاملاً آزاد و دموکراتیک باتفاق آراء مورد تائید و تصویب قرار گرفته و آماده ارائه به کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان گردید.

و همچنان طرح قطعنامه مربوط به کنفرانس در باره وظایف مبرم و تأخیر ناپذیر حزب و پیام حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خلق افغانستان با تفاق آراء مورد تائید و تصویب قرار گرفت.

در پایان، قطعنامه هشتمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تاریخ برگزاری کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد تأیید و تصویب قرار گرفت.

کنفرانس شاندار و باشکوه سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان روز یکشنبه ۲۳ حوت ۱۳۹۰ با بیانیه افتتاحیه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان رسماً در جمنازیوم انستیتوت پولیتخنیک کابل گشایش یافت.

در آغاز کار این کنفرانس بعد از آنکه اعضای بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جمله اعضای هیات رئیسه به محل معینه قرار گرفتند، ببرک کارمل طی بیانیه افتتاحیه‌ی شان گفتند:

امروز درین سالون شایسته‌ترین فرزندان و گل‌های سرسید حزب ما بهترین نمایندگان که در جلسات و کنفرانس‌های حزبی انتخاب شده اند حضور دارند. اینها کسانی اند که به امر حزب انقلاب و مردم وفاداری بی پایان دارند؛ حزب به برکت مساعی آنان و کارو پیکار قهرمانانه و خستگی ناپذیر و از خود گذری ده‌ها هزار عضو خود با اتکاء بر پشتیبانی و کمک همه وطنپرستان کشور با اطمینان و سربلند رسالت تاریخی خویش را انجام داده و مردم ما را در راه ترقی ملی و اجتماعی رهبری میکند. تدویر کنفرانس سرتاسری حزب انعکاس روشن و قانع کننده رشد ایدیولوژیک سیاسی و سازمانی حزب، تحکیم بیشتر وحدت صفوف آن و افزایش نقش آن در جامعه و دولت است.

در طول سال‌های متمادی، ما در مبارزات و پیروزی‌های خود تنها نبوده ایم. حزب ما بخش انفکاک ناپذیر روند نوسازی انقلابی جامعه است که در مقیاس سراسری جهان گسترش می‌یابد. دوستان واقعی ما قبل از همه دوست و برادر بزرگ ما اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی همه و در همه حالات بطور بلاغتیبیر و انحراف ناپذیر از کمک نجیبانه و شریفانه انترناسیونالیستی خود بما دریغ نکرده اند. و توجه آنها به مبارزات ما پشتیبانی و مساعدت مادی و معنوی آنها بما کمک مینماید تا در برابر نیروهای متحد دشمنان که (جنگ اعلام نشده) را علیه ما براه انداخته اند و میخواهند وطن ما را به گذشته، به نظام قرون وسطائی عقب رانند و

مردم ما را از مهمترین حق اجتماعی یعنی حق انتخاب آزادانه طرز زندگی محروم سازند مقاومت کنیم و پیروز شویم.

در کار این کنفرانس تاریخی و پراهمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان هشتصد و سی و شش نماینده منتخب از سراسر سازمان‌های حزبی کشور اشتراک ورزیده اند.

نخستین جلسه کنفرانس تحت ریاست دکتور صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان صورت گرفت.

در آغاز کار کنفرانس پیشنهادات جلسه مشورتی نمایندگان هیات‌های نمایندگی در زمینه ترکیب ارگان‌های رهبری کننده کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان غرض ارزیابی ارائه گردیده و متعاقباً پنجاه و یک نفر از نمایندگان کنفرانس به اتفاق آرا عضویت هیات رئیسه کنفرانس را حاصل نمودند.

همچنان در جلسه قبل از ظهر تاریخی ۱۳۶۰/۱۲/۲۳ ارگان‌های رهبری کننده کنفرانس چون اعضای سکرتریت، کمیسیون تحریر و کمیسیون اعتبارنامه بر اساس پیشنهادات جداگانه معرفی و پس از رای گیری به اتفاق آراء تائید شدند.

اجندا و طرز کار کنفرانس سرتاسری حزبی در مورد مسوده برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وظایف در زمینه تحکیم حزب و تقویت روابط آن با مردم و درباره تعدیلات و تکمیل اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان به معرض رای گیری قرار داده شد که به اتفاق آرا مورد تائید و تصویب قرار گرفت.

سپس ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان گزارش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در مورد مسوده برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و وظایف در زمینه تحکیم حزب و تقویت روابط آن با مردم ارائه کردند.

کار کنفرانس تحت ریاست سلطانه علی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ادامه یافته و پس از ارائه گزارش، ظهور رزمجو عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و منشی کمیته حزبی شهر کابل، عبدالستار پردلی عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی افغانستان و امان الله دهقان نماینده کوپراتیف‌های زراعتی کندز پیرامون گزارش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بیاناتی ایراد کرده و آنرا تأیید نمودند.

متعاقباً نجم‌الدین کویانی عضو کمیته مرکزی و مسئول شعبه تشکیلات کمیته مرکزی حزب گزارش کمیسیون اعتبارنامه را قرائت نمود که پس از رای گیری مورد تأیید و تصویب قرار گرفت.

جلسه دوم کنفرانس تحت ریاست نور احمد نور عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از ظهر آغاز گردید و طی آن دکتر صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب و نماینده سازمان حزبی قوای هوایی وزارت دفاع ملی و شش تن دیگر از نمایندگان شامل کنفرانس به تأیید و پشتیبانی از گزارش اساسی بیاناتی ایراد نمودند.

همچنان جلسه تحت ریاست نیاز محمد مومند منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دایر گردیده و در آن سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و رئیس شورای وزیران و نماینده سازمان حزبی قرارگاه وزارت دفاع ملی بشمول شش تن دیگر از نمایندگان شامل کنفرانس سخنرانی نمودند.

در ختم این سخنرانی‌ها یکتعداد از نمایندگان سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بمنظور ابراز تهنیت به کنفرانس سرتاسری حزبی وارد تالار گردیده دروهای رفیقانه شانرا به شرکت کنندگان کنفرانس ابراز نمودند.

در جریان کار تاریخی ۱۲/۲۳ / ۱۳۶۰ کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عنوانی کنفرانس توسط ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرائت گردید.

همچنان پیام‌های شادباش از طرف کمیته‌های مرکزی احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونستی و کارگری، احزاب و جنبش‌های انقلابی و دموکراتیک سازمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جبهه ملی پروطن و موسسات و سازمان‌های اجتماعی کشور جهت کنفرانس سر تاسری مواصلت نمود.

پیام کنفرانس سرتاسری دموکراتیک خلق افغانستان به مردم افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز برادران و خواهران مسلمانان و وطنپرستان شریف و نجیب گوشه‌های دور و نزدیک کشور!

ما نمایندگان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، این پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان کشور، کار کنفرانس حزبی خود را که در آن مسایل مهم مورد ارزیابی قرار گرفت به انجام رسانیدیم. همه این مسایل را در یک جمله میتوان خلاصه کرد و آن اینکه چه باید کرد تا به تحقق آرمان‌ها و آرزوهای حیاتی و دیرینه مردم ستم کشیده ما که انقلاب ثور بخاطر آنان صورت گرفت، سرعت بخشیده شود.

توفان انقلاب، فیودالان و همدستان آنان را که به حساب مردم عادی و ساده کشور زندگی بیشرمانه و طفیلی خود را به پیش می بردند، سرنگون ساخته و سرزمین مقدس ما را از وجود آنان پاک کرد. وطن ما دیگر کشور دموکراتیک است که سرنوشت آنرا مردم تعیین میکنند.

برادران و خواهران!

کشور ما لحظات حساس و دشواری را سپری میکند. بیش از سه سال است که جنگ اعلام نشده و خرابکارانه نیروهای متحد ارتجاع داخلی و بین‌المللی امپریالیزم امریکا، هر مونیزم چین و متحدینشان علیه وطن محبوب ما ادامه دارد. انقلاب ما با منافع آنان تطابق ندارد. زیرا راه را برای تکامل مردم ما از عقب‌ماندگی به سوی ترقی باز کرده و وطن ما را به کشور نیرومند و مستقل مبدل می سازد. ارتجاع از لحاظ سرشت و طبیعت خود نمی تواند با پایان یافتن قدرت و حاکمیت ستمگران و تحقق اصلاحات دموکراتیک ارضی به نفع دهقانان و کارگران زراعتی سازش و آشتی کند.

در نتیجه جنگ جنایتکارانه امپریالیزم و ارتجاع علیه کشور ما، تعداد زیادی از هموطنان بیگناه و زحمتکش بقتل رسیده است و لطمه شدیدی به اقتصاد کشور وارد

شده، در برخی از موسسات صنعتی که محصولات مهم و حیاتی را برای مردم تولید می کنند جریان کار قطع گردیده، شبکه های آبیاری صدمه دیده و محصولات گندم، پنبه و لبلبو کاهش یافته است.

و اگر تا کنون آزادی وطن حفظ گردیده و مردم ما از گرسنگی نمرده اند و به برکت مردانگی، دلیری و قهرمانی بی پایان سرسپردگان اردو، ارگان های امنیتی، گروه های مدافعین انقلاب، اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، اتحادیه های صنفی، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و سایر سازمان های اجتماعی و همه وطنپرستان شریف است که مردانهوار و سلاح بدست در دفاع از شرف، ناموس، آزادی، استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور ما جانباخته قرار گرفته اند.

انقلاب ما از پشتیبانی همه نیروهای مترقی جهان و در راس اتحادشوروی بزرگ برخوردار است، دفاع برادر بزرگ اتحادشوروی از استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان قلب های همه ما را سرشار از احساس سپاس و امتنان کرده است.

کنفرانس ما (برنامه عمل) را بتصویب رسانید و ما می خواهیم همه مسلمانان شریف و همه وطنپرستان از محتوای آن آگاه باشند و اطمینان داریم که حتی یک فرد آنان نیز نمیتواند از کار در جهت تحقق این برنامه کنار مانده و شانه خالی کند.

ما چه می خواهیم و چه پیشنهاد میکنیم، ما می خواهیم که تدابیر و پلان های ما در جهت تأمین کار برای همه زحمتکشان، تثبیت مزد عادلانه کار، آغاز کار وسیع اعمار سرپناه برای زحمتکشان، کنترل قیمت، بهبود خدمات طبی برای مردم و تأمین تعلیمات ابتدائی عمومی هرچه زودتر و سریعتر عملی گردد.

انقلاب ما درفش مبارزه قاطع و پیگیر را بخاطر حقوق انسان به اهتزاز در آورد. در افغانستان هیچکس نباید خود را تحقیر شده، فراموش شده و آزار دیده احساس کند. زمان بیدادگری و زورگویی در برابر مردمان ساده که شیوه دائمی عمل فیودالان گذشته را تشکیل میدهد بطور بازگشت ناپذیر سپری شده است و ما به هیچ وجه اجازه نمی دهیم که تکرار گردد.

حاکمیت جدید انقلابی قبل از همه به وضع کارگران و دهقانان که رژیم های سابق
ستمگر به نیازمندی هایشان وقعی نمی گذاشتند، توجه میکند.

با رشد صنایع، دستمزد کارگران افزایش مییابد و شرایط کار و زندگی آنان بهبود
کسب میکند. حزب و حکومت همه تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا طبقه کارگر
نقش فزاینده را در حیات سیاسی و اجتماعی کشور ایفا کند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی
بخرج میدهند تا در مدت هرچه کوتاه هر دهقان صاحب زمین و آب شده و از
کمک های مادی دولت به منظور رهایی از اسارت سودخوران مستفید گردند.
حکومت انقلابی می خواهد برای رهایی دهقانان از تاریکی مساعدت کند و اطفال
آنانرا تعلیم و تربیت دهد.

دهقانان، پر عهده ترین اشتراک کنندگان در نوسازی انقلابی وطن هستند و حزب
دموکراتیک خلق افغانستان اطمینان دارد که آنان به مبارزه فعال بخاطر انقلاب و
سعادت خود هرچه بیشتر جلب میگردند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان تصمیم کامل دارد که امکانات ابتکار و خلاقیت
روشن فکران افغانستان را توسعه دهد و اشتراک آنانرا در حل پروبلم های مبرم
کشور تشویق کند. مردم به روشنفکران وطنپرست خود اعتماد و اطمینان داشته و
از آنان انتظار کمک را دارند. تاجران کوچک و پیشهوران کشور باید مطمئن باشند
که حزب و حکومت مردمی در فعالیت تولیدی و تجاری آنان عمیقاً ذینفع میباشند.
ما تاجران کوچک و پیشهوران شریف را، اشتراک کنندگان روند انقلابی کشور می
شماریم و هرگونه کمک را به آنان میدول خواهیم داشت.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان آنعده از تاجران ملی و سرمایه داران ملی را که
به امر شگوفانی افغانستان مساعدت می نمایند؛ نیز در جمله سهم گیرندگان پروسه
انقلابی میشمارد. دولت به آنان کمک کرده و از ایشان در برابر رقابت سرمایه
خارجی دفاع میکند و شرایط مساعد را جهت همکاری متقابلاً مفید با سکتوردولتی
به وجود می آورد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان پلان هایی را جهت ایجاد شرایط که در آن همه

جوانان افغانستان بدون استثنا امکان رشد آزادانه استعدادهای خود و اشتراك وسیع در تحولات انقلابی کشور را داشته باشند طرح میکند. دولت از اطفال و کودکان کارگران و دهقانان مواظبت و از مساعی جوانان شان برای تحصیلات عالی در رشته های انجینیری، طب، حقوق، نظامی و سایر رشته ها پشتیبانی خواهد کرد.

ما از جوانان زحمتکش کشور دعوت میکنیم که به صفوف سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بپیوندند تا در آن با سرعت به وظایف و امور اجتماعی آشنایی حاصل کرده و انرژی، ابتکار، توانایی و استعداد خود را به نفع وطن مان بکار اندازند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه خود می شمارد تمام شرایط لازم را برای اشتراك داوطلبانه زنان در حیات اجتماعی و سیاسی کشور فراهم سازد، حکومت انقلابی نه تنها دفاع از حقوق زنان افغانستان، بلکه حفظ صحت آنان، مساعدت به ارتقای سطح فرهنگی و سیاسی و کمک به تربیت اطفال آنان و غیره را نیز وظیفه خود می داند. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان وظیفه دارد به زنان کشور در امر تأمین حقوق آنان مساعدت دایمی کند.

در قبال مسایل ملی و در رابطه با قبایل، مشی مبتنی بر تساوی واقعی حقوق و برابری، امکانات برای همه با رعایت اصل آزادی اراده و اقلان تعقیب خواهد شد. ما به تسریع روند نزدیکی، همکاری، تفاهم متقابل دوستی و برادری میان آنان مساعدت خواهیم کرد. بدون این امر افغانستان نیرومند و شگوفان نمی تواند وجود داشته باشد.

مسلمانان شرافتمند، وطنپرستان نجیب!

شما می بینید که حزب دموکراتیک خلق افغانستان میخواهد آنچه را که حاکمان سابق از دادن آن به مردم امتناع می ورزیدند و مسلمان نمایان دروغین که امروز تلاش میکنند جای حاکمان رانده شده را بگیرند و آنرا بخود اختصاص دهند، به مردم بسپارد. مردم باید آنچه را حاکمیت انقلابی به ایشان میدهد بدست خود گیرند. برای این کار شما باید در مبارزه علیه ضدانقلاب در کار ارگان های محلی قدرت انقلابی و کمیته های جبهه ملی پدروطن که باید در همه ولایات، شهرها و ولسوالی ها و علاقه داری ها ایجاد گردد، با جسارت بیشتر و فعالانه تر اشتراك کنید. مردم با

پشتیبانی دولت نیرومند است و دولت با پشتیبانی مردم.

مردم باید همراه با حکومت انقلابی خود در راه بر آوردن مامول عمده کنونی یعنی تأمین صلح و آرامش در وطن محبوب مان سعی ورزند و در سراسر افغانستان فقط سردسته‌گان باندهای جنایت پیشه اند که صلح را نمیخواهند و عملاً آنرا برهم میزنند. آنان به صلح ضرورت ندارند. زیرا فقط در جنگ است که به ثروت خود می افزایند. با ختم جنگ و برقراری صلح، امپریالیست‌ها و هژمونیست‌ها دیگر به آنان چیزی نخواهند پرداخت و آنان هم نخواهند توانست دیگر بدون مجازات به قطاع الطریقی، غارت و چپاول دهقانان، پیشه‌وران و تاجران کوچک بپردازند. باید هرچه زودتر باندهای اشرار و تجاوزگران را سرکوب نمود باید در هر ولسوالی و علاقه‌داری گروه‌های داوطلب مدافعین انقلاب و مقاومت را سازمان داد، حکومت باین گروه‌ها از لحاظ مهمات، البسه، وسایل ارتباط و ترانسپورت کمک میکند.

اشرار، این مسلمان نمایان را به شهرها و دهات خود راه نمی دهیم. بگذار، زمین زیر پای دزدان، غارتگران و زورگویان آتش گیرد.

مسلمانان! ما یکبار دیگر رسماً اعلام میداریم که احترام به دین مقدس اسلام جزء اساسات سیاست حزب و حکومت انقلابی ما است، این فعالیت جنایتکارانه ضدانقلاب است که مخالف اسلام می باشد نه سعی حکومت مردمی در راه بر آوردن آرزوهای دیرینه توده‌های زحمتکش مسلمان که در قرآن مجید ذکر گردیده است.

بنابراین ما اشتراک‌کنندگان کنفرانس همه مسلمانان، عالمان، ملایان، امامان، خطیبان و خلاصه همه روحانیون را فرامیخوانیم که بنام خداوند بزرگ برای مبارزه قاطع و بی‌امان علیه دشمنان دین مقدس و مردم رنجیده‌ی ما بنام دعوت تاریخی اسلام به عدالت، برابری و ضدیت با استثمار متحد گردند.

نیروهای مسلح شجاع و قهرمان ما با درک وظایف و وطنپرستانه خویش با از خودگذری و ایثار، مبارزه قهرمانانه را علیه دشمنان داخلی و خارجی انقلاب براه انداخته و از دستاوردهای انقلاب دفاع میکنند. این اردوی نوین اردوی مردم است، عالی ترین افتخار آن خدمت ب مردم است نه دفاع از مشتی ستمگران در برابر خشم مردم. ما همه کارمندان اردو، خاندوی و نیروهای امنیتی را به بهبود و تکمیل همه جانبه مهارت و دسپلین و قرار داشتن همیشگی در کنار مردم فرامیخوانیم.

دوستان و رفقای گرامی؛

به صفوف نیروهای مسلح قهرمان ما بپیوندید، تا روز استقرار کامل صلح و آرامش در فضای وطن هرچه زودتر فرارسد.

وطنپرستان شریف! سهم شما در امر مشترك مبارزه بخاطر جامعه نوین در کشورما کمک به ارتقای سطح اقتصاد، بکار انداختن مجدد موسسات غیرفعال و اعمار پروژه‌های جدید پراج است. این امر کار، نان و سرپناه را برای صدها هزار هموطن ما مهیا خواهد ساخت. این امر وسایل ضروری را برای تحقق پلان‌های مطروحه در جهت بهبود سطح زندگی مردم فراهم میسازد که نخستین گام در راه شگوفانی افغانستان و برآوردن آرزوی دیرینه هر فرد وطن پرست، مسلمان و شریف وطن ما خواهد بود. باید ثروت‌های متعلق به مردم اعم از فابریکه‌ها، کارخانه‌ها، پل‌ها، سرک‌ها، دستگاه‌های برق، کانال‌های آبیاری، مکاتب شفاخانه‌ها و غیره را از تعرض دشمنان مصئون ساخت. دشمنان آنها را تخریب میکنند تا بکمک ویرانی وضع جنگ را ادامه دهند. آنان در برابر رنج، بدبختی و فقر مردم بی تفاوت اند، نجات وطن محبوب از غارت و ویرانی امر مربوط به شرف، حیثیت و ناموس همه مسلمانان و وطنپرستان نجیب افغانستان است.

ما اعتقاد راسخ داریم و می دانیم که ضدانقلاب هر قدر وحشیگری و غارتگری کند و امپریالیست‌های امریکایی و هژمونست‌های چینایی در پشتیبانی از دشمنان ما هر قدر طلا به مصرف رسانند باز هم پلان‌های شوم و آرزوهای پلیدشان محکوم به شکست است. آنها قادر نیستند بار دیگر یوغ بردگی فیودالی و استثمار را بگردن مردم ما بگذارند.

مردم شرافتمند و نجیب افغانستان!

حزب منافع دیگری بجز خدمت در راه آرامی و رفاه مردم وطن محبوب ما ندارد. حزب برای مردم آن چیزی را آرزو دارد که هر فرد افغان میخواهد: صلح، کار و نان!

اما پیروزی بر نیروهای ضدانقلاب، بر زورگویان و باندیت‌ها خود بخود حاصل نمیشود. این پیروزی تمرکز کامل همه نیروهای ما و امکانات مادی، مردانگی

پایداری، استواری و مقاومت را می‌طلبد. ما باید بطور دایمی وحدت صفوف و یکپارچگی و همبستگی همه وطنپرستان کشور را تحکیم بخشیم.

پیروزی را وقتی میتوان بدست آورد که همه یکجا متحده و مشترکاً برای آن مبارزه کنیم.

فرزندان وطن محبوب مان افغانستان!

ما از شما دعوت میکنیم که بدور حزب دموکراتیک خلق افغانستان متحد شوید و تحت رهبری آن سرکوب ضدانقلاب را که در راه سعادت مردم ما سنگ اندازی میکند بسرانجام رسانید.

بگذار در سر زمین محبوب و مقدس ما صلح و آرامش استقرار یابد.

بگذار، در وطن ما کرامت و ارزش‌های انسانی حکمفرما باشد.

تحت درفش انقلاب ثور به پیش. در راه اعمار افغانستان سعادت‌مند مستقل و شگوفان.

مرگ بر ضدانقلاب، ارتجاع و امپریالیزم.

ما پیروز میشویم.

پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

«در باره وظایف حزب در باره مسائل ایدئولوژیک و تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها»

۱۳۶۱۵

رفقا!

کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در ماه حوت سال گذشته دایر گردید، حادثه بس مهم و برجسته در تاریخ حزب، جامعه و دولت ما بود.

در تصامیم کنفرانس، در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اسناد مصوبه، تحلیل همه جانبه و عمیق از مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک به عمل آمده، تدابیر لازم جهت سرکوبی ضدانقلاب تعیین گردیده و وظایف عمده رشد اقتصادی و اجتماعی افغانستان، ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم، تحکیم بیشتر وحدت حزب و افزایش نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت طرح و تدوین شده است. کنفرانس سرتاسری حزب، تجربه فعالیت ایدئولوژیک سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در مرحله نوین انقلاب تعمیم بخشید، هم جهات مثبت و نیرومند آن و هم نقایص آن را خاطر نشان ساخت.

در طی مدتی که از کنفرانس سپری شده در سازمان‌های حزبی جلسات و گردهمایی‌های متعدد اعضا و فعالین حزبی تشکیل گردیده که در آنها فیصله‌های کنفرانس مورد غور و ارزیابی قرار گرفته است. اعضای حزب نتایج کار کنفرانس را عالی ارزیابی می‌کنند و پیشنهادها و نظریات خود را جهت تحقق بخشیدن سریع فیصله‌های آن و بهبود کار سیاسی در میان توده‌های مردم به مثابه یکی از شرایط عمده پیشروی مؤفّقانه ما مطرح می‌سازند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با قایل بودن اهمیت درجه یک به این امر، تصمیم گرفت تا در این پلینوم مسئله «وظایف حزب در رابطه با تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها» را جهت بررسی، طرح نماید. ضمناً باید خاطر نشان

ساخت که اتخاذ این تصمیم بر مبنای یک سلسله احکام اصولی تیوری پیشرو انقلابی که رهنمای عمل ماست، تجربه روند انقلابی جهان و واقعیت انقلابی موجود افغانستان استوار است.

بدیهی است که وظیفه جلب توده‌های مردم، پیشبرد کار فعال و دایمی در میان آنها از خصلت حزب واقعاً انقلابی ناشی می‌گردد. زیرا چنین حزبی اراده و خواست توده‌ها و منافع اساسی آنانرا به شکل تمرکز یافته منعکس می‌سازد. بنابر همین خصوصیات نیز است که چنین حزبی می‌تواند پیشاهنگ و رهبر سیاسی مردم باشد.

احزاب طراز نوین بنابر اعتماد، خوشبینی و پشتیبانی فعال توده‌ها، نیرومند و پرتوان اند و همین امر نیز ضامن همه پیروزی‌ها و موفقیت‌های آنها به شمار می‌رود.

آیا تجربه حزب بزرگ کمونیست اتحادشوروی که بر توده‌های وسیع مردم اتکاء داشت و در پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات تاریخ خویش به برکت پشتیبانی و فداکاری همین توده‌های مردم پیروزی را کسب نمود، مؤید این حرف نیست؟ و آیا مثال حزب کمونیست ویتنام حاکی از حقانیت این نتیجه‌گیری نیست؟

تنها پشتیبانی توده‌ها به این حزب، کمک نمود تا نیروهای به مراتب بزرگتر، نخست فرانسوی‌ها و بعد امریکایی‌ها را باشکست کامل مواجه سازد و تا اکنون با موفقیت در برابر سیاست تجاوزگرانه هژمونیست‌های پیکنگ مقاومت نماید. تاریخ و زمان معاصر مثال‌های زیادی از اینگونه را نشان میدهد.

اما جانب دیگر پروبلم «حزب و توده‌ها» نیز وجود دارد که باید آن را برای همیشه در نظر داشته باشیم، حرف برسر اینست که اعتماد، خوشبینی و پشتیبانی توده‌ها از حزب انقلابی حاکم به یکباره گی و برای همیشه به دست نیاید. حزب موظف است تا هر روز سزاوار بودن و شایستگی خود را برای این اعتماد مردم ثابت سازد. اگر حزب خود برای توسعه و تقویت پایه اجتماعی خویش و بهبود هرچه بیشتر کار سازمانی و سیاسی در میان توده‌ها سعی نکند، از پشتیبانی آنان محروم خواهد شد. در آن صورت حزب نمی‌تواند پیروز گردد، رسالت تاریخی خود را انجام دهد و آرزوها و خواست‌های مردم را بر آورده سازد.

رفقا!

نباید فراموش کرد که در تاریخ جنبش‌های انقلابی جهان از اینگونه مثال‌ها فراوان وجود دارد. ما باید از آنها نتیجه‌گیری نماییم و همیشه به یاد داشته باشیم که قابلیت و قادر بودن حزب برای کار در میان توده‌ها یکی از مهمترین معیارهای جدی بودن و احساس مسؤولیت حزب و مهمترین شرط پیروزی نهایی آنهاست.

رفقا!

به من اجازه دهید، تا با قوت تمام خاطرنشان سازم که این امر برای ما اعضای حزب و انقلابیون افغانستان اهمیت استثنایی و فوق‌العاده دارد. به ارتباط آنکه چگونه انقلاب ثور پیروز گردید یکبار دیگر حقانیت این حرف‌های رهبر زحمتکش جهان به اثبات میرسد که میگفت:

«در شرایط معین و در صورت اوضاع و احوال مساعد (چنانکه هفتم ثور در کشور بود) حزب کاملاً کوچک کافی است تا توده‌های مردم را به دنبال خویش بکشد. در لحظات معین احتیاجی به سازمان‌های بزرگ نیست. اما برای پیروزی هواداری توده‌ها را باید با خود داشت.» با غور و تفکر عمیق بر این حرف‌ها ما حوادث گذشته نزدیک خود را بهتر درک می‌نماییم.

به یاد بیاورید که در نخستین روزهای انقلاب، کابل و سراسر کشور چگونه سرشار از شور و هیجان مردم بود. به یاد بیاورید که چه فضای فراموش‌ناشدنی و پر از سرور و امیدواری در کوچه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها و در خانواده‌های انسان ساده هموطن ما حکمفر ما بود.

چنین اوضاع از آن سبب به وجود آمد که مردم ما از دیر زمانی منتظر و خواهان تغییرات بودند و احساس می‌نمودند که مبارزات حزب ما به خاطر این تحولات بوده است.

چنین برخورد مردم باعث پیروزی انقلاب ثور گردید. اما برای اداره کشور و تحقق تحولاتی که مردم از دیر زمان بر حق انتظار آنرا دارند پشتیبانی دایمی، زنده و فعال توده‌های وسیع براساس درک اهداف و سیاست ما ضرور است.

ولی این امر، کار پیگیر، مصرانه و دقیق در میان توده‌ها را میطلبد. حزب باید به زحمتکشان بازهم نزدیکتر گردد. باید فعالیت حزب عمیقاً به توده‌ها تفهیم گردد. تنها در این صورت حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌تواند امر پیشرفت بعدی مردم ما را رهبری کند. بازهم به حرف‌های رهبر زحمتکشان جهان مراجعه می‌نماییم که خاطر نشان می‌ساخت:

«حزب انقلابی باید تمام فعالیت خود را در میان توده‌ها پیش ببرد. از میان توده‌ها بلا استثنا بهترین نیروها را جلب نماید و در هر گام با دقت و به طور عینی امتحان نماید که آیا رابطه با توده‌ها حفظ شده و این رابطه زنده است یا خیر؟»

ما نمیتوانیم هیچ یک از مسایلی را که در برابر ما قرار دارد، چه این مسایل بین‌المللی و نظامی و چه مسایل اقتصادی و اجتماعی و یا فرهنگی باشد، بدون پشتیبانی توده‌ها حل نماییم.

عواملی که تقویت کار سیاسی را در میان توده‌ها ضرور میسازد عبارت انداز:

۱- انقلاب ما در شرایط عقب مانده‌گی شدید رخ داده است و لازم می‌افتد تا در جریان تحولات انقلابی اضافه بر پروبلم‌های عام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و معضلات مذهبی، قومی، قبیله‌وی و غیره نیز حل گردند. تعداد بیش از حد پروبلم‌ها ضرورت اشتراك وسیعتر توده‌های مردم را در حل آنها به وجود می‌آورد. بر علاوه توده‌ها باید از لحاظ سیاسی آگاه و از لحاظ سازمانی تربیت یافته باشند.

۲- جامعه ما از لحاظ اجتماعی غیرمتجانس بوده و در آن مبارزه بسیار حاد طبقاتی در جریان است. این وضع جلب همه زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم را به طرف حزب و انقلاب می‌طلبد.

۳- انقلاب در شرایط پیچیده بین‌المللی و داخلی تکامل می‌یابد. ضدانقلاب، ارتجاع منطقه و امپریالیزم اوضاع متشنج سیاسی و نظامی را در افغانستان و در پیرامون آن ایجاد نموده اند که این وضع خواهان تحکیم بازهم بیشتر وحدت ملی و وطنپرستانه و اتحاد تمام مردم به دور حزب است.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در فعالیت پراتیک خود همه این اوضاع و احوال

را در نظر داشته و مشی آگاهانه تقویت وحدت و هماهنگی فعالیت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و تربیتی و ارتقای مؤثریت تمام جهات مبارزه و کار را پیش می‌برد.

در نظرگرفتن و تعمیم همه جانبه تجارب نوین اجتماعی و تحلیل همیشگی نیازمندی‌های مبرم مادی و معنوی تکامل جامعه، اساس و مبنای کار ایدیولوژیک، تیوریک و کار عملی حزب را تشکیل میدهد.

در این امر، تمایل و مساعی حزب برای به کار بستن خلاق تیوری انقلابی در شرایط مشخص کشور و انقلاب ما منعکس می‌گردد.

اکنون برخی از جنبه‌های اوضاع موجود و بیش از همه وضع نظامی و سیاسی را مورد بررسی قرار میدهیم.

به برکت تدابیری که اتخاذ شده، باندهای بزرگ سرکوب و بسیاری از مناطق کشور از وجود شان پاک گردیده است. در اردوگاه خود دشمنان نیز شکست به مشاهده می‌رسد. تعداد زیادی از سرکردگان باندها برای مذاکره به نمایندگان دولت انقلابی مراجعه نموده و از مخاصمت مسلحانه علیه دولت دست می‌کشند. صدها نفر از اشرار با درک این واقعیت که آنها فریب خورده اند می‌خواهند به آغوش خانواده‌ها و به کار صلح آمیز باز گردند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی از تصمیم چنین افراد استقبال می‌نمایند. از همین جهت نیز فرمان عفو چنین افراد نافذ گردید. اما فاکت‌ها نشان میدهد که در موارد زیادی محتوای این فرمان به گوش افراد مربوط نرسیده است. آیا ماهمه کارهای لازم را انجام داده ایم تا حقیقت این فرمان و موقف حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در این مسئله مهم برای افراد فریب خورده و گمراه که در باندها تعداد شان کم نیست واضح و روشن گردد؟ و آیا کار لازم توضیحی در قراء و دیگر نقاط مسکونی، جایی که وابسته گان و خویشاوندان این عناصر وجود دارند و میتوانند در باره شرایط دولت انقلابی با آنان صحبت نمایند صورت گرفته است یا نه؟ از همه این امکانات در محلات باید استفاده وسیعتر نمود و کار توضیحی راقوی‌تر و فعالتر به پیش برد.

توده‌ها هر قدر نتایج و ثمرات واقعی این سیاست و مواظبت و توجه حزب و دولت را نسبت به خود سریعتر و زودتر احساس نمایند به همان اندازه سیاست ما را خوبتر و بهتر درک نموده، خواهند پذیرفت. باید ضربات خود را بر دشمنان تشدید بخشید. موفقیت‌های حاصله را تحکیم و توسعه داد و آن را قطعی و برگشت ناپذیر ساخت. همه اینها با تحکیم بیشتر نیروهای مسلح ما، تأمین و اکمال آن از لحاظ تعداد افراد شایسته، ارتقای مورال جنگی و آگاهی سیاسی سربازان، خردصایبان و افسران ارتباط مستقیم و ناگسستگی دارد.

علی‌الرغم دشواری‌های ناشی از فعالیت ضدانقلاب، در رشد اقتصادی کشور نتایج معین مثبت وجود دارد. مثلاً در سال ۱۳۶۰ درآمد تولید شده ملی به اندازه سه اعشاریه چهار فیصد نسبت به سال ۱۳۵۹ افزایش یافته و رقم نود و چهار اعشاریه سه میلیارد افغانی را تشکیل میداد. مؤسسات و پروژه‌های جدید در ساحة صنایع گاز و مواد غذایی و مخابرات، انرژی و صحت عامه به فعالیت آغاز نموده و مؤسسات بزرگی چون فابریکه کودکیمیای مزار شریف، خانه‌سازی کابل، کارخانه جات جنگلک، فابریکه‌های نانپزی و غیره بهتر و با ثبات بیشتر کار می‌کنند. تولید انرژی برق، زغال، سمنت، مواد ساختمانی و انواع دیگر محصولات افزایش یافته است.

تحلیل اجرای پلان سال ۱۳۶۰ نشان میدهد که جریان کاهش حجم تولید محصول ناخالص ملی که در سال‌های گذشته به مشاهده می‌رسید قطع گردیده است.

باید متذکر شد که تجدید ساختمان ارگان‌های اداره دولتی تحقق می‌پذیرد. سطح رهبری رشته‌های اقتصادی ارتقا مییابد. پلان گذاری بهبود حاصل می‌کند. کنترل بر فعالیت وزرات‌ها و ادارات در امر اجرای پلان رشد اقتصادی کشور و تصامیم حزب و حکومت تقویت یافته است. سیاست عمومی اقتصادی حزب در برنامه عمل، توضیح شده است. ما پلان‌های سالانه سنجیده شده و واقعینانه‌یی برای رشد اقتصاد کشور به طور کل داریم و اکنون پلان‌های کمپلکس برای هر ولایت که تدابیر معینی را در عرصه اقتصادی نیز در برمی‌گیرد وجود دارد. به این ترتیب برای همه باید واضح باشد که چه کارهایی را انجام دهند. اکنون وظیفه اینست که تمام میکانیزم اداره دولتی وزرات‌ها، ادارات، کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و بالاخره سراسر حزب به طور پیگیر، مصمم و استوار در راه تحقق عملی اهداف

مطروحه و حصول نتایج لازم سعی و تلاش نمایند. ما همه باید کار را بیاموزیم، در وجود خود تحمل ناپذیری و آستی ناپذیری نسبت به مظاهر بیروکراتیزم و پراکنده‌گی، بی انضباطی، اسراف، بی تفاوتی و بی‌کاره‌گی را که متأسفانه هنوز هم دیده می‌شود، پرورش دهیم. گرچه همه این معایب مولود نظام‌های گذشته استعماری می‌باشد، اما بقایای آن هنوز هم در ذهن بخشی از کارمندان قویاً زنده است. سرشت انقلاب، حزب و دولت ما با این امراض سازگار نیست. آن مسؤلیت تاریخی که حزب به عهده گرفته است، برخورد نوین و آهنگ دیگر حرکت را می‌طلبد. تحقق رسالت کبیر ما باید در زمان هرچه کوتاه تر صورت گیرد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان کارمندان سهل انگار را شدیداً مورد بازپرس قرار خواهند داد. ما حتماً باید به این امر نایل آییم و بدون شك نایل خواهیم آمد که احساس عالی مسؤلیت، دسپلین محکم و سطح بلند مطالبات نسبت به انجام وظایف به صورت پایدار و مستحکم در زندگی حزب و دولت استقرار یابد. تنها درین صورت مشی ما مؤثر و کار ما مشخص خواهد بود و تنها به این ترتیب ما تأثیر و نفوذ واقعی را بر توده‌ها خواهیم داشت.

البته تا هنگام سرکوبی کامل و قطعی ضدانقلاب مشکلات زیادی وجود خواهد داشت. بنابراین مردم باید بدانند که: اگر وضع مادی آنان بهبود نیافته است و برعکس، در بعض موارد زندگی شان پیچیده شده ناشی از اعمال جنایتکاران و ضدانقلابی و مزدوران ارتجاع و امپریالیزم است که فابریکه‌ها، کارخانه‌ها و معادن را صدمه می‌زنند، راه‌ها را تخریب می‌کنند و شفاخانه‌ها، مساجد و مکاتب را به آتش می‌کشند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان هر اقدام ممکن را جهت رشد و تحکیم اقتصاد، انجام خواهند داد تا کار صنایع زراعت و تمام رشته‌های تولید اجتماعی و خدمات اجتماعی با ثبات بوده مردم کشور بهتر زندگی نمایند.

رفقا!

قبل از همه وضع حزب، وضع داخلی سازمان آن و درجه رشد وحدت صفوف آن

تأثیر قاطع را بالای کارسیاسی در میان توده‌ها دارد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان با وجود شرایط دشوار مبارزه، رشد و تحکیم می‌یابد. اکنون تعداد اعضای اصلی و آزمایشی حزب بیش از هفتاد هزار نفر می‌باشد. ترکیب کیفی حزب بهبود یافته و سهم کارگران و دهقانان در بین اعضای حزب از بیست و سه به بیست و هشت فیصد رسیده است.

بعد از کنفرانس سرتاسری حزب این شاخص در میان اعضای آزمایشی جدیدالشمول به چهل و هشت فیصد بالا رفته و حتی در بعض ولایات به شصت الی هشتاد فیصد می‌رسد. روند بهبود کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فوق‌العاده پراهمیت است. این پروسه را باید رشد داد و تشویق نمود. کمیته‌های حزبی موظف اند به این جهت کار توجه دائمی و فزاینده داشته باشند.

مسئله تنها بر سر آن نیست که افراد جدیدی به حزب جذب می‌گردند، بلکه اهمیت آن قبل از همه در اینست که آنان مستقیماً نمایندگان وسیعترین قشرهای توده‌های زحمتکش می‌باشند.

جلب تعداد قابل ملاحظه کارگران و دهقانان تا حدودی پدیده جدیدی در تاریخ حزب ماست و البته تعدادی از کارمندان حزبی طوری که لازم است همه جهات آن را به خوبی و روشنی درک نمی‌کنند، در واقعیت امر جذب کارگر، دهقان و سرباز به حزب فقط آغاز کار است. جلب آنان به اشتراک فعال در زندگی سازمان‌های حزبی و دولتی، به کار وسیع سیاسی در میان توده‌ها که خود بخشی از آن می‌باشند، ضرورت کاملاً جدی و روشن است. در حالیکه آنان روحیه طرز تفکر، آرزوها و امیدهای مردم را بهتر و خوب تر میدانند و احساس می‌کنند و برایشان حرف زدن با مردم سهلتر است. اعضای کارگر و دهقان حزب امکانات بزرگی برای تأثیر بالای توده‌ها دارند، زیرا مردم به حرف آنان بهتر گوش فرا میدهند، در حزب به صورت قطع باید برخورد توأم با ناباوری و عدم اطمینان نسبت به این بخش از اعضای حزب از بین برده شود.

اکنون در باره یک روند مهم دیگر صحبت می‌کنیم. ساختار سازمانی حزب به طور متداوم بهبود و توسعه می‌یابد. کمیته‌ها و سازمان‌های جدید منجمله سازمان‌های اولیه‌یی که در اعماق مردم فعالیت می‌کنند ایجاد گردد. نسبت به سال

۱۳۶۰ صدها سازمان جدید ایجاد گردیده و این افزایش هنوز هم ادامه دارد. کمیته‌های حزبی باید به افزایش تعداد سازمان‌های حزبی مخصوصاً در ولسوالی‌ها، علاقه داری‌ها، قرا، در مؤسسات تعلیمی و بهبود رهبری فعالیت و تحکیم این سازمان‌ها توجه دایمی داشته باشند. به هر اندازه بی که تعداد آن‌ها بیشتر باشد و از استحکام بهتر برخوردار گردند، به همان اندازه حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای کار در میان توده‌ها امکانات بیشتری خواهد داشت. به یک جمله رفقا هر روز باید راه‌ها و طرق جدید بسط و توسعه نفوذ سیاسی حزب را در جامعه جستجو نمود و دریافت.

یک پروبلم دیگر زندگی درون حزبی نیز وجود دارد که باید روی آن صحبت شود و آن عبارت است از پرابلم وحدت.

در این مورد بارها و منجمله در پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و در کنفرانس سرتاسری حزب صحبت صورت گرفته است. در این زمینه تغییرات مثبت به وجود آمده است، ولی کافی نمی باشد. ما هنوز به این امر توفیق نیافته ایم که در تمام حلقه‌های حزب فضای اعتماد کامل، تفاهم متقابل و صمیمیت کامل و کار مشترک دوستانه به وجود آمده باشد. ما میدانیم که عواقب و بقایای ناگوار عدم توافق چندین ساله، رنجش‌های متقابل و بی حوصله گی را نمیتوان فوراً از بین برد. اما نباید گذاشت که این احساس بر معقولیت مسلط گردد. آن چه که دیروز ما را از هم جدا می نمود، امروز دیگر وجود ندارد و گذشته هیچگاه باز نمیگردد. برای انقلابی اصیل و حزبی واقعی منافع حزب و امر حزب باید بالاتر از همه چیز باشد و این به آن معنی است که امروز ما اعضای حزب باید متحد تر و یکپارچه تر از همیشه باشیم. برای اعمال کسانی که به وحدت لطمه وارد می کنند هیچگونه توجیه وجود داشته نمی تواند. اما هنوز هم چنین افرادی وجود دارند که تلاش می ورزند هرگونه واقعیت و حتی فاکت های مثبت را به صورت مسخ شده توضیح و تفسیر نمایند تا باعث تشویق احساسات و هیجانات غیرضروری گردیده، توجه اعضای حزب را از مسایل عمده برگردانند. بگذار همه بدانند که ما با اصولیت، پیگیری و قاطعیت فیصله کنفرانس سرتاسری حزب را در این مورد عملی خواهیم ساخت. یعنی آنانی را که اشتباه می نمایند، تربیت خواهیم کرد و آنانی را که نمیخواهند از تلقینات و طرز تفکر گذشته امتناع ورزند،

مجازات خواهیم نمود.

رفقا!

اکنون بعضی جهات مشخص کار در میان توده‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در حال حاضر بعد از انقلاب ثور رابطه متقابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان با توده‌های مردم مختصات نوین را کسب نموده و باید رهبری توده‌ها را طور دیگری سازمان داد. امروز سعی باید نمود تا امر حزب واقعاً به امر تمام مردم مبدل گردد و توده‌های مردم به طور آگاهانه و در همه جا به کار اعمار افغانستان نوین و شگوفان و دفاع از آن جلب گردند. چنانکه رهبر زحمتکشان جهان خاطر نشان می‌ساخت: «توجه دایمی به ارتقای متداوم سطح آگاهی و فعالیت توده‌ها پایه و محتوای عمده کار حزبی» می‌باشد.

کار سیاسی حزب در میان توده‌ها باید بیش از همه متوجه توضیح ماهیت و مفهوم سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تبلیغ و ترویج دستاوردهای ما، ضرورت تقویت مبارزه با ضدانقلاب، رفع پراکنده‌گی و استقرار مناسبات دوستی و همکاری میان ملیت‌ها، اقوام و قبایل باشد. ما دشواری‌های موجود را از توده‌ها پنهان نمی‌کنیم و نخواهیم کرد. حقیقت، نیرومندترین سلاح در امر جلب توده‌های مردم است و همیشه چنین خواهد بود، حقیقت همیشه راه خود را در قالب انسان‌ها باز می‌نماید و آنان را در راه انجام اعمال درست و نیک رهنمایی می‌کند.

ما باید هنگام پیشبرد کار سیاسی در میان توده‌ها دقیقاً بدانیم که با چه کسانی مواجه هستیم؟ خصلت، پسیکولوژی طبقاتی و روحیه آنان چگونه است؟ موفقیت کار تا حد زیادی مربوط به آن نیز است که کدام یک اشکال، می‌تودها و وسایل برای پیشبرد کار سیاسی در میان توده‌ها انتخاب شده است. باید آموخت که چگونه قابل قبول‌ترین می‌تودها و اشکال کار برای گروپ‌های اجتماعی مختلف اعم از دهقانان، کارگران و پیشه‌وران روشنفکران و غیره جستجو گردد. این وضع باید بالای نتایج کار تربیت سیاسی و اخلاقی تأثیر به‌سزایی نماید.

یکی از مهمترین اهداف کار سیاسی در میان دهقانان باید کمک به آنان جهت درک منافع اساسی شان در انقلاب روشن شدن مفهوم اصلاحات ارضی و آب برایشان و جلب دهقانان به اشتراك فعال در این اصلاحات باشد. ضرورت است که خود

توده‌ها در حل این پرابلم‌ها سهم فعال گیرند. اینکار فعالیت بزرگ سازمانی و سیاسی کمیته‌های ولایتی حزبی و ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی را می‌طلبد. متأسفانه بعضی از مسئولین کمیته‌های حزبی ولایتی و والیان هنوز چگونگی استفاده از زمین و زمینداری را عمیقاً تحلیل ننموده کار سازمان‌های حزبی و دولتی ولسوالی‌ها و علاقه داری‌ها را در این زمینه کنترل درست نمیکنند. قرار معلوم بعضی از رفقای ما هنوز اهمیت بزرگی سیاسی و اجتماعی و نقش طبقاتی اصلاحات ارضی و آب را در امر جلب دهقانان به سوی انقلاب و پشتیبانی از سیاست حزب و دولت مردمی به قدر کافی درک نکرده اند.

در این موضوع از آن جهت نیز ضروری است که در نتیجه فعالیت‌های ضدانقلاب اصلاحات ارضی در بعض مناطق کشور بطی و یا کاملاً متوقف گردیده است. در بعضی از ولایات تعداد زیادی از خانواده‌های دهقانان تحت تأثیر ترور، تهدید و دروغبافی‌های ضدانقلاب و زمینداران بزرگ از قطعات زمینی که بعد از انقلاب دریافت نموده بودند، محروم شده اند. نتیجه گیری فقط یکی است. باید به صورت پیگیر و دایمی مناطق اجرای اصلاحات ارضی و آب را توسعه داد و اینکار را طوری سازمان داد تا دهقانان بدانند و بفهمند که حزب و دولت در کنار آنان است و دولت انقلابی دولت خودشان میباشد.

رفقا!

نیروی پیگیر انقلابی جامعه ما عبارت است از طبقه کارگر پرافتخار کشور که تعداد آن رو به افزایش می باشد. اکنون در افغانستان در سه صد مؤسسه کارگری به تعداد یکصد و پنجاه هزار کارگر وجود دارد. نقش کارگران در تولید اجتماعی و همه عرصه‌های حیات اجتماعی کشور را به افزایش است. سرعت تحولات انقلابی کشور تا حد زیادی مربوط به درجه فعالیت و پختگی سیاسی طبقه کارگر است. این روند خواهان تقویت کارسیاسی حزب در میان کارگران میباشد. سطح آگاهی سیاسی و فعالیت کارگران باید مطابق به نقش عینی باشد که آنان بنابر سازمان پذیری، روحیه کار دسته جمعی و سنن مبارزه ضد استثمار دارند. باید به کارگران کمک شود تا امکانات اشتراک خود را در رشد تحولات انقلابی و دفاع از آن بهتر و کاملتر درک کنند.

ما باید به هریک از کارگران تفهیم نماییم که امروز کار وی برای همه کشور اهمیت حیاتی دارد و جبهه اقتصاد اهمیت کمتری از جبهه جنگ ندارد. اکنون باید نسبت به وجایب و تعهدات تولیدی خود و ملکیت اجتماعی برخوردار غیر از دیروز داشت و ثروت عامه را حفظ و نگهداری نمود. همه این وظایف از مسؤولین مؤسسات تولیدی و سازمان‌های حزبی، اجتماعی و حرفوی می‌طلبد تا کار سیاسی در میان گروه‌های کارگری را دایماً تقویت بخشند.

پیشهوران از لحاظ خصلت کار و موقف خود در جامعه به طبقه کارگر قرابت دارند. در شرایط کشور ما پیشهوران نقش قابل ملاحظه‌یی را در اقتصاد ایفا می‌نمایند که آنرا نباید فراموش کرد. بنابراین باید با آنان نیز مانند کارگران کار سیاسی را پیشبرد. اما درین صورت ضرورت است تا از اشکال متداول و سنتی سازماندهی فعالیت پیشهوران استفاده بیشتر کرد.

ما باید در این باره فکر کنیم که چگونه این اشکال را بسط و تحکیم بخشیم و از آنها در کار سیاسی با پیشهوران استفاده نماییم. در کار سیاسی ما جای مهمی را کار با تاجران کوچک و سرمایه داران ملی دارد، ما متکی بر آن مینای اصولی هستیم که در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و در تزه‌های پلینوم کمیته مرکزی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب نور انعکاس یافته است. در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان این موقف تأیید و تکمیل گردیده است. به این ترتیب ما در رابطه خود با سکتور خصوصی ملی در تجارت و صنایع از سیاست پیگیر و طویل‌مدت که هم منافع دولت و جامعه و هم منافع این سکتور را مد نظر میگیرد، پیروی میکنیم.

کار کمیته‌های حزبی، ارگان‌های دولتی و رسانه‌های گروهی دایم باید متوجه توضیح این سیاست و همکاری شرافتمندانه باشد. نتیجه سیاسی که به دست می‌آید باید افزایش نقش و فعالیت سکتور خصوصی ملی (تاجران، سرمایه داران و صاحبان وسایل ترانسپورتی) در امر عمومی تحکیم وحدت ملی و وطنپرستانه باشد. البته این وضع پاسخگوی منافع اساسی همه جامعه است.

رفقا!

همه ما از نقش بزرگ روشنفکران وطنپرست در زندگی معنوی و فرهنگی جامعه

و رشد جریان‌ات مترقی و دموکراتیک در آن بسیار خوب آگاهی داریم. در افغانستان نوین و انقلابی برای روشنفکران امکانات جدید جهت به کار انداختن نیرو و استعداد خلاق شان فراهم گردیده است. دانش و کار روشنفکران از شناسایی و احترام عالی برخوردار است. اما سوال در اینجا است که سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی ما تا چه حد کار دایمی، هدفمند و عمیق را در میان روشنفکران به پیش می‌برند.

باید ارگان‌های حزبی کار تربیت سیاسی روشنفکران را نظم و ترتیب بهتر دهند. استادان، معلمان، کارمندان، ژورنالیستان، نویسندگان، هنرمندان، متخصصان و دوکتوران و دیگران که مفهوم زندگی و کار شانرا خدمت به ترقی جامعه می‌سازد، باید با وضاحت و روشنی ببینند و به خوبی بدانند و درک نمایند که فقط بر اساس سیاست حزب ما این ترقی به طور مطمئن تأمین شده واقعاً تحقق می‌پذیرد و افغانستان به کشور پیشرفته و شگوفان مبدل میگردد.

کمیته‌های حزبی باید با گروه‌های مختلف روشنفکران به طور دقیق، با توجه و مصممانه کار نمایند. پروبلم‌های خاص شانرا بدانند و در جهت حل آن کمک کنند. توسعه اشتراك روشنفکران و وطنپرست و سالم را در امر پیشبرد نه تنها کار تنویری و فرهنگی، بلکه فعالیت بسیار ضروری یعنی کار سیاسی و ترویجی مدنظر داشته باشند.

ضرورت است تا کار سیاسی در میان استادان بهبود یابد. به افزایش و فعالیت اجتماعی آنان مساعدت گردد و خودشان با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب ثور تربیت یابند.

رفقا!

کار سیاسی در میان توده‌ها در عین زمان کار در میان جوانان نیز است. جوانان نه تنها پرمعده‌ترین کتگوری اهالی ما را بلکه فردای مردم ما را می‌سازند. فردای جامعه ما مربوط به آنست که امروز ما چگونه جوانان را تربیت میکنیم. بنابراین کار با جوانان بخش ضروری مهم امر عمومی حزب است.

در کار با جوانان ضرورت به میتودها و اشکال خاصی است که با در نظر داشت

خصوصیات آنان چون هیجانی بودن، احساساتی بودن و تحمل ناپذیری در برابر بیعدالتی و دروغ، سازش ناپذیری، سعی برای تثبیت شخصیت، خون گرم بودن در حرکات و سکنات، کمبود تجربه سیاسی و غیره باید در پیش گرفته شود. اینها فقط بعضی از عوامل عام است که خصوصیات کار با جوانان را معین می سازد.

قبل از همه کمیته‌های حزبی موظف اند فعالیت کمیته‌های سازمان دموکراتیک جوانان را در جهت توسعه صفوف آن از کارگران، دهقانان، سربازان و پیشه‌وران در جهت گسترش کارسیاسی با آنان سوق دهند.

شاگردان مکاتب، لیسه‌ها، محصلان تخنیک‌ها و مؤسسات عالی گروه نسبتاً کثیرالعدد جوانان ما را تشکیل می‌دهند. خصوصیت این بخش جوانان در آنست که با داشتن دانش معین و فعالیت اجتماعی قابل ملاحظه، ولی نداشتن تجربه سیاسی لازم، زود در دام تمایلات و احساسات خام و انجام اعمال اشتباه آمیز می‌افتند. درین جا برخورد بخصوص و کاملاً سنجیده شده در کار است. باید دلایل و براهین در برابر آنان واضح و عمیق و پاسخ به مسایل مورد نظر شان روشن و صریح باشد و مهمتر از همه نیرو، انرژی و فعالیت آنانرا باید در جهت درست و معقول سوق داد. واقعیت انقلابی ما وسیعترین امکانات را به وجود می آورد تا جوانان خودرا اشتراك کننده گان بلاواسطه روند انقلابی احساس نمایند و همراه با تمام مردم رشد یابند و پختگی لازم را کسب کنند.

سازمان‌های حزبی و جوانان و مسؤولین مکاتب، لیسه‌ها، تخنیک‌ها و مؤسسات عالی تعلیمی و وزارت‌های مربوط موظف اند تا این امکانات را تحقق بخشند و محتوا و مفردات کارتعلیمی و تربیتی را با مسایل و وظایف مبرم تکامل انقلابی پیوند دهند.

کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان باید اشتراك وسیع شاگردان و محصلان جوان را در حل و اجرای این مسایل و وظایف تأمین نماید.

رفقا!

توضیح و ترویج سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی در رابطه با اسلام و کار در میان روحانیون و توده‌های مؤمن باید به موضوع مورد

توجه دائمی حزب مبدل گردد.

حزب ما وظیفه خدمت به همه مردم را دارد. فقط همین وظیفه هم به تنهایی خود از ما بر خورد احترام کارانه نسبت به عنعنات و سنن مذهبی همه خلق ها و ملیت های ساکن کشور را می طلبد.

در مرحله نوین انقلاب ثور در این جهت کار عظیمی صورت گرفته است و اساس های قانونی و حقوقی دولت و اصول سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه با اسلام و روحانیون افغانستان طرح و تدوین و در عمل پیاده میگردد. با تفاهم با بخش دموکراتیک روحانیون و جلب آنان در جهت انقلاب توجه جدی صورت میگیرد. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حفظ مساجد، زیارتگاه ها و دیگر اماکن مقدس مسلمانان و مساعدت به روحانیون وطنپرست را از لحاظ مادی و معنوی پشتیبانی میکند. در سال ۱۳۶۰ کمک فوق العاده به روحانیون و مؤسسات مذهبی، مبلغ بیش از بیست و شش میلیون افغانی را تشکیل میداد و در سال ۱۳۶۱ این رقم افزایش خواهد یافت. دولت انقلابی مصئونیت زمین های موقوفه را حفظ نموده، به ترمیم مساجد تخریب شده به وسیله ضدانقلاب و اعمار مساجد جدید توجه زیاد می نماید. به این منظور در سال ۱۳۶۰ مبلغ پنجاه و یک میلیون افغانی به مصرف رسید و در بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ پنجاه و سه میلیون تخصیص داده شده است.

شمار این فاکت های انکارناپذیر را میتوان ادامه داد. اما باز هم سوال به میان می آید که آیا ما همه مساعی لازم را به خرج میدهیم که این فاکت ها به گوش همه گان برسد؟ آیا مسلمانان مؤمن کشور ما از همه اقدامات که حزب و دولت برای آنان انجام میدهد، اطلاع و آگاهی دارند؟ و آیا ما کار کافی را انجام میدهیم تا توده ها از واقعیت اعمال جنایتکارانه و خونریزی های به اصطلاح «مدافعین اسلام» باخبر گردند؟ همین عناصر اند که مساجد و زیارت ها را تخریب میکنند. همین عناصر بعد از انقلاب ثور بیش از صد نفر روحانی و ملای مورد احترام را به شهادت رسانده اند که در میان آنان میتوان از مولوی نصرالله گردیزی، شیخ علی حسین نطاق، مولوی اسدالله نصرت و دیگران نام برد. اعمال این جنایتکاران و قاتلان نابخشودنی است. بگذار خشم و نفرت مردم همیشه بر آنان فرود آید!

در رابطه با به اصطلاح «دفاع از اسلام» از جانب آنها ما باید به توده‌های مردم تفهیم نماییم که این شعار فقط روپوش و بهانه برای خفه ساختن انقلاب ماست. در همه این سروصداهای که تبلیغات ضدانقلاب در باره به اصطلاح تعقیب و آزار مؤمنان در افغانستان کنونی به راه انداخته است، ذره‌یی از حقیقت وجود ندارد و سراسر دروغ است.

توده‌ها باید ببینند و بدانند که شعار به اصطلاح «دفاع از اسلام» با دورویی و فریبکاری از جانب همان نیروهای امپریالیستی پخش می‌گردد. اگر صحبت بر سر منافع خودشان باشد فوراً دفاع از اسلام را فراموش می‌کنند. آیا همین ایالات متحده امریکا نیست که تجاوز اسرائیل علیه کشورهای اسلامی را تشویق و ترغیب می‌کند؟ آیا همین‌ها نبودند که علیه انقلاب اسلامی در ایران قرار گرفتند؟ و آیا عین کار را نوکران و اجیران امپریالیزم و ارتجاع در سرزمین ما انجام نمی‌دهند؟

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی هیچگاه با تلاش‌هایی سازش نخواهد کرد که از طریق استفاده از دین مقدس اسلام به غرض مجبور ساختن مردم افغانستان به ترک راهی که انتخاب نموده است به عمل می‌آید.

رفقا!

ما باید همراه با گسترش کارسیاسی در میان توده‌ها نقش و اهمیت عوامل ملی و قبیله‌وی را در تاریخ و ساختار اجتماعی موجود جامعه خود به طور کامل مد نظر داشته باشیم. این یک امر بسیار مهم و جدی است و نه فقط به آن سبب که در کشور ما تعداد زیاد ملیت‌ها، اقوام و قبایل زندگی می‌کنند، بلکه مخصوص به خاطر اینکه رژیم‌های استثمارری و استبدادی گذشته به منظور اهداف خودخواهانه خویش همیشه در بین آنها دشمنی و مخاصمت ایجاد نموده یکی را علیه دیگر برمی‌انگیختند. اکنون بقایا و میراث این سیاست شوم برای ما باقیمانده است. برخورد اصولی با نسبت به ایجاد مناسبات نوین عادلانه و برابر میان ملیت‌ها، اقوام و قبایل و طن واحد و محبوب با افغانستان در نخستین اسناد بنیادی مرحله نوین انقلاب ثور یعنی اصول اساسی جدا و تزه‌های قبلاً یادآوری شده انعکاس یافته است.

ما این موقف را در خطاب به ملیت‌ها و اقوام جمهوری دموکراتیک افغانستان و خطاب به قبایل، در برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اسناد و

مواد کنفرانس سرتاسری حزب و در یک سلسله اقدامات قانونگذاری بسط و تکامل بخشیدیم.

اگر بخواهیم ماهیت برخورد خویش را نسبت به این پروبلم به صورت مختصر و فشرده بیان نماییم، می‌توانیم بگوییم که:

۱ - حزب و دولت انقلابی معتقد به این اصل است که همه ملیت‌ها، اقوام و قبایل افغانستان در تمام ساحات و منجمله در امر نیل به ترقی اقتصادی، اجتماعی و معنوی و استفاده از دستاوردهای انقلاب ثور دارای حقوق مساوی میباشند.

ماهیت شریفانه و نجیبانه انقلاب به طور یکسان مربوط به همه گان است. این اصل برابری و تساوی حقوق نه تنها رسماً به وسیله حزب و دولت انقلابی اعلام شده است، بلکه به وسیله قوانین کشور و فعالیت عملی حزب و دولت به طور مطمئن نیز تضمین گردیده است.

۲ - ما روند تکامل ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور و رسیدن آنها را به ترقی همه جانبه به مثابه روند طولانی، از لحاظ تاریخی دوامدار و کاملاً داوطلبانه می‌شماریم. در این امر مهم و دقیق به شتاب و بی حوصله‌گی اجازه داده نخواهد شد و تلاش به غرض تسریع بی‌موجب و تحمیل مقررات و نظم غیرواقعبینانه بر انسان‌ها صورت نخواهد گرفت. ارزش‌ها، سنن، عنعنات و عادات تاریخی و معنوی با اقدامات اداری از بین برده نخواهد شد. برعکس حزب و حکومت انقلابی احترام و برخورد محتاطانه نسبت به این سنن و ارزش‌ها را تضمین می‌نماید.

۳ - روند تکامل و ترقی همه جانبه و تدریجی همه ملیت‌ها و اقوام و قبایل کشور متوجه ایجاد و استقرار مناسبات نوین، اعتماد، همکاری، تفاهم متقابل، دوستی و برادری میان آنها و تحکیم وحدت ملی و وطنپرستانه است.

چنانکه می‌بینیم برخورد ما کاملاً روشن است. اکنون می‌بینیم که در رابطه با این موضوع وظایف عمده ارگان‌های حزبی و دولتی کدام اند؟

فکر میکنم قبل از همه باید به این هدف نایل آمد که در قریه‌ها و دهات و در میان قبایل ماهیت و محتوای مشخص سیاست ملی به درستی درک گردد. برای این کار موازی با استفاده وسیع از مطبوعات، رادیو تلویزیون، اوراق تبلیغاتی و سایر

وسایل باید به جلب افراد و نمایندگان صاحب نفوذ و محترم ملیت‌ها، اقوام و قبایل در وجود سران و بزرگان قبایل، علما و روحانیون، بزرگان دهات، معلمان و سایر افراد با تجربه و موسفید اهمیت بیشتر داده شود. درینجا نیز مانند دیگر عرصه‌های کار سیاسی حقیقت، مؤثرترین و قوی‌ترین سلاح ماست. به همین سبب کار آن کمیته‌های حزبی که با افراد محترم و متنفذ رابطه قایم نموده آنرا برای بحث پیرامون مسایل مبرم و مورد علاقه دعوت میکنند به ایشان اطلاعات و مشوره‌های لازم را میدهند و به تعمیم تقاضای شان مساعدت می‌نمایند، درست و مورد تأیید است.

بر علاوه در محلات باید سیستم مشخصی از تدابیر جهت ایجاد مناسبات نوین و محو بقایای منفی عدم اعتماد و خصومت به میان آید و کاملاً عملی گردد. باید کار پرحوصله، پیگیر و مصرانه را انجام داد تا در ترکیب سازمان‌های حزبی و دولتی و ارگان‌های رهبری جبهه ملی پدروطن، آن ملیت‌ها، اقوام و قبایل که اکثریت را در مناطق مربوط میسازند به ترتیب لازم نماینده گی داشته باشند. هنگامی که انسان‌ها ببینند و در عمل معتقد گردند که حزب و دولت ما در عمل بیانگر منافع اساسی شان بوده و این منافع را به طور کامل در نظر میگیرد با نفرت و غضب ادعاهای دروغین ضدانقلاب را رد نموده نمی گذارند که این عناصر، مناسبات لازم و عادلانه همه وطنپرستان را از هم بپاشد.

همچنان سیاست ما در رابطه با مسایل ملی باید مشخص و دربرگیرنده همه جهات باشد. در این امر تنها به کار تبلیغی، ترویجی و توضیحی اکتفا نباید کرد. باید اینکار را با تدابیر اقتصادی و اجتماعی مشخصی که امروز میتوان عملی نمود، پیوند داد. مثلاً به مناطقی که شدیداً نیاز دارند قطارها و کاروان‌های مواد غذایی، البسه و ادویه فرستاده شود. کمک‌های صحتی جهت جلوگیری از شیوع اپیدمی و مبارزه با آن صورت گیرد. و به مردم در امر اعمار مجدد راه‌ها، سرک‌ها، شفاخانه‌ها، مکاتب، مساجد و غیره کمک به عمل آید. هنگامی که انسان‌ها نتایج مشخص و زنده سیاست حزب و دولت را در مناطق خویش مشاهده نمایند خود در اجرای آن خواهند کوشید.

به یک کلمه، در این امر نیز باید مانند دیگر مسایل حیاتی و اساسی عمل نمود، جستجو کرد و دریافت، مبارزه نمود و پیروز شد.

حین صحبت دربارهٔ تحکیم رابطه با مردم و تقویت کارسیاسی باید ضرورت ارتقای سطح رهبری حزبی سازمان‌های اجتماعی را نیز خاطر نشان نمود. فعالیت اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و سایر سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی باید در مرکز توجه حزب قرار داشته باشد. سازمان‌های اجتماعی هم اکنون در فعالیت خویش موفقیت‌های زیادی را به دست آورده‌اند و بدون مبالغه می‌توان گفت که این سازمان‌ها به سازمان‌های واقعه‌توده‌یی مبدل شده‌اند. حالا لازم است تا این سازمان‌ها بر اساس تصامیم و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به خاطر تربیت سیاسی فعال اعضای خود با روحیه وفاداری به آرمان‌های انقلاب مؤظف گردند تا آبدیده‌گی و پخته‌گی جنگی، تولیدی و اخلاقی اعضای خود را تقویت بخشند و در بین آنان آماده‌گی برای فعالیت اجتماعی و تولیدی دفاع از انقلاب و سعی برای کسب دانش و ارزش‌های فرهنگی را پرورشی دهند.

در مورد فعالیت جبههٔ ملی پروطن تأکید بخصوصی باید نمود. این سیستم سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی که وظیفه دارد مساعی همه وطنپرستان را متحد و هماهنگی سازد روز تا روز قوت می‌گیرد. در جبههٔ ملی پروطن پانزده عضو دسته جمعی و صدها هزار عضو انفرادی شامل می‌باشند. هم اکنون کمیته‌های جبههٔ ملی پروطن در بیست و سه ولایت، پانزده ولسوالی و سه شهر وجود دارد و در کابل هفتاد و هشت شورای آن تشکیل گردیده است.

اکنون که ساختار سازمانی جبهه تقریباً شکل گرفته است، باید آنرا از محتوای عملی و مشخص برخوردار ساخت. جبهه باید با پروبلم‌های زمان و مردم، زندگی و پیکار کند. توده‌های اعضای جبهه را باید برای اجرای مبرمترین و حادثترین وظایف بسیج نمود. قبل از همهٔ این وظایف باید با استقرار صلح سراسری و همه‌گانی در کشور بر اساس سرکوبی ضدانقلاب مسلح، رابطه داشته باشد. بر علاوه انرژی و نیروی اعضای جبهه باید در جهت عادی ساختن اوضاع در مناطق آزاد شده و کمک به دولت در تأمین مصنوعیت و امنیت مطمئن مؤسسات و اهالی سوق داده شود.

بالاخره در چارچوب خود جبهه باید به تفاهم عمیقتر و عمل متقابل بهتر و هماهنگتر بین سازمان‌های اجتماعی عضو نایل آمد. جبهه باید به آنچه که ضرورت است مبدل گردد. جمع میخانیکی سازمان‌های عضو نه، بلکه سیستم ارگانیک واقعاً واحد

و یکپارچه و بیانگر و مظهر وحدت ملی و وطنپرستانه در عمل باشد. بنابراین ضرورت شدید احساس می‌گردد که تأثیر و نفوذ حزب همه اعضای سازمان‌های اجتماعی و جبهه را دربر گیرد و آنان درست سمندھی گردند و به اشتراك فعال در تحقق تحولات انقلابی و دفاع از این تحولات جلب شوند.

رفقا!

امروز درین پلینوم می‌خواهم در باره یک‌عده مسایل دیگری مربوط به کارسیاسی در میان توده‌ها نیز صحبت نمایم. از آنجمله در باره آژیتاسیون (تبلیغ) سیاسی یعنی صحبت‌ها و گفتگوهای شفاهی و نظایر آن در بعضی از ولایات چنین معمول شده است که در یکی از روزهای معین و بر طبق پلان قبلاً تهیه شده کارمندان حزبی و دولتی و نمایندگان نیروهای مسلح در برابر زحمتکشان و اهالی صحبت و سخنرانی می‌نمایند این تجربه مفید است و آنرا باید در همه جا توسعه بخشید.

کار گروه‌های سیار تبلیغی و ترویجی نیز مثبت است. تجربه کار این گروه‌ها در بلخ، پروان و یک‌عده دیگر ولایات نشان دهنده مفید و مؤثر بودن کار آنهاست. این گروه‌ها به ارگان‌های محلی حزبی و دولتی کمک بزرگی می‌نمایند. آنها لکچرها، صحبت‌ها و گفتگوهای نمایشگاه‌ها، کنسرت‌ها و نمایش فلم‌ها را سازمان می‌دهند. ورقه‌های تبلیغاتی و سایر مواد مطبوع را پخش می‌نمایند و همچنان کمک‌های طبی و مادی را به مردم می‌رسانند. ما باید فعالیت و تعداد این گروه‌ها را هرچه بیشتر توسعه و افزایش بخشیم.

می‌خواهم خاطر نشان سازم که میتود آزمایش شده و نیرومند تأثیر بالای توده‌ها عبارتست از صحبت و ملاقات شخصی و گفتگوی مستقیم و رویاروی عضو حزب با آنان. بنابراین امروز در پلینوم مسئله ضرورت پیشبرد کار تربیتی در میان توده‌ها را به وسیله هر عضو حزب بدون در نظر داشت موقف، مقام، نوع فعالیت، شغل و غیره مطرح می‌سازیم. هر سازمان حزبی مکلف است تا شکل و نحوه این کار را برای اعضای خویش معین ساخته به آنان برای پیشبرد کار تبلیغی، ترویجی، توضیحی و دادن لکچرها و غیره وظایف مشخص بسپارد. حتی اگر اعضای حزب وظایف و مسؤولیت‌های دیگر حزبی دارند، باز هم مکلف اند در تماس دائمی با توده‌ها بوده، با آنان ملاقات نمایند. در برابر شان صحبت کنند و اعتقاد و حرف

حزبی را به آنان برسانند.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضمن دعوت به این امر توجه کمیته‌های حزبی را به تأمین کیفیت عالی کار معطوف می‌نماید. زیرا متأسفانه بعضی فقط به تعداد میتینگ‌ها، صحبت‌ها، ملاقات‌ها و سایر فعالیت‌ها توجه بی‌مورد و اضافی، می‌گردد. در سخنرانی‌های بعضی از مبلغین و صحبت‌کننده‌گان، فاکت‌ها و مواد ثابت‌کننده، کمتر و جنبه عام بیشتر به نظر میرسد که این سخنرانی‌ها اغلب شکل اعلامیه و بیانیه عام را دارد بعد از چنین سخنرانی‌ها غالباً سامعین سوالاتی ننموده و به موضوعات مطروحه علاقه‌مندی نشان نمیدهند. تأثیر چنین صحبت‌ها و سخنرانی‌ها غالباً ضعیف و زودگذر است.

کمیته‌های حزبی موظف اند، جهت ارتقای سطح تبلیغ سیاسی، تعمیق محتوای آن و بهبود بیشتر اشکال و میتودهای پیشبرد آن تدابیر مؤثر را اتخاذ نمایند. باید به مبلغین و مروجین کمک همه جانبه صورت گیرد و مواد و اطلاعات لازم جهت آماده‌گی برای سخنرانی و صحبت و مشوره‌های میتودیک لازم در اختیارشان گذاشته شود. مفید خواهد بود اگر برای کار سیاسی با توده‌ها، محلات معین و مجهز وجود داشته باشد و برای اینکار از مکاتب، مهمانخانه‌ها، چاپخانه‌ها و غیره مؤسسات اجتماعی استفاده گردد. تبلیغ سیاسی شفاهی باید با پخش دایمی ورقه‌های تبلیغی، پلاکات‌ها، سایر مواد مطبوع و مصور، ترتیب ویتزین‌ها، ستندها و غیره تقویت گردند.

شکل مهم دیگر کار را تنویر سیاسی و در درجه اول تنویر سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب می‌سازد. ارتقای متداوم سطح دانش سیاسی، فراگیری تیوری علمی - انقلابی و اسناد حزب، و وظیفه هر عضو حزب میباشد که در اساسنامه حزب درج گردیده است. این وظیفه را هر عضو حزب باید بدون در نظر داشت سابقه حزبی، سطح آماده‌گی عمومی، مقام و مسؤولیت انجام دهد.

حزب ما همیشه و حتی در دشوارترین مراحل تاریخ خویش به این امر توجه جدی داشته است. در شرایط کنونی آموزش سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اهمیت باز هم جدی تر کسب مینماید. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با درک اهمیت این موضوع یک سلسله مصوبات

و منجمله مصوبه ماه سنبله ۱۳۶۰ را درباره آموزش سیاسی اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال تعلیمی ۱۳۶۰-۱۳۶۱ پذیرفته است. این مصوبه تأثیر بزرگ و مثبتی بالای بهبود کار تنویر سیاسی نمود.

در حال حاضر اکثریت اعضای اصلی و آزمایشی حزب در حلقه‌های مختلف سیاسی مسائل مبرم سیاست داخلی و خارجی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. اعضای جوان حزب اساسنامه و اسناد پروگرامی حزب را مطالعه می‌کنند. کمیته‌های حزبی ولایتی، لوی ولسوالی، شهری و ناحیوی، سیمینار تیوریک درباره اساس‌های ساختمان حزب دایر گردیده است.

درس سیاسی در بعضی از قطعات و جزوات‌های اردو و خاندوی به شکل جالب و دلچسپ پیش برده میشود. با در نظر داشت اوضاع پیچیده سیاسی - نظامی کنونی در کشور، در ضمن این درس‌ها مسایل مربوط به خصلت نیروهای محرکه، دورنمای انقلاب ثور، نقش حزب در رهبری جامعه، سیاست اجتماعی - اقتصادی و نظامی حزب و غیره مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت بذل کمک مؤثر و مشخص به کمیته‌های حزبی، گروه‌های تبلیغی و ترویجی را سازمان داده بود که به ولایات کشور سفر مینمودند. اعضای این گروه‌ها جلسات مشورتی، سیمینارها و صحبت‌های توضیحی را با مبلغین و مروجین محل تشکیل داده و در برابر فعالین ایدیولوژیک سخنرانی نموده اند. فکر میکنم که چنین شکل مساعدت عملی به سازماندهی کار تبلیغی و ترویجی در محلات باید در آینده نیز ادامه یابد. کمیته‌های حزبی در روشنی مصوبات کمیته مرکزی به کار مبلغین توجه بیشتر را مبذول میدارند. در جلسات کمیته‌های حزبی مسایل مربوط به انتخاب مبلغین، سازماندهی آموزش و اطلاعات برای آنان مورد بررسی قرار گرفته و در بسیاری جاها سیمینار مبلغین دایر گردیده است.

در سال جاری تعلیمی پایه آموزش میتودیک، سیستم آموزش سیاسی تقویه یافته و تهیه پروگرام‌ها و مفردات برای همه حلقه‌های آموزشی بهبود حاصل نموده است. نخستین ممد درسی برای مطالعه اساسنامه حزب و همچنان ده رساله در مورد مواد کنفرانس سرتاسری حزب تهیه گردیده است. این کار تحت رهنمایی شعبه تبلیغ،

ترویج و آموزش کمیته مرکزی به وسیله جمعی از استادان انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام یافته است.

امروز در آموزش و تعلیمات سیاسی اعضای حزب نکات جدید و مهمی بروز نموده است. در سال‌های اخیر هزاران نفر عضو اصلی و آزمایشی جدید از میان کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، سربازان و خردضابطان اردو و خارتدوی و نمایندگان روشنفکران انقلابی به صفوف حزب پذیرفته شده‌اند. این افراد از میان مبارزات گرم و انقلاب البته با اعتقاد عمیق به آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بادرک از سیاست و اهداف آن به سوی ما آمده‌اند. ولی بنابر شرایط موجود همه آنها نتوانسته‌اند آمادگی لازم تیوریک را منجمله در بخش ساختمان حزبی کسب نمایند. عده‌یی از آنان نتوانسته‌اند تعلیمات و تحصیلات خود را به پایان رسانند و هنگام سازماندهی آموزش سیاسی این وضع را باید در نظر داشت تا تجربه زندگی این افراد با دانش در باره حزب، درک و فهم مقررات و نورم‌های زندگی درون حزبی و محتوای اسناد اساسی حزب یعنی برنامه عمل و اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوند یابد و همراه گردد.

در باره یک چیز دیگر هم باید صحبت کرد. ضمن سازماندهی آموزش حزبی در حال حاضر باید به فردا و به دورنمای کار نیز فکر کنیم. به نظر ما زمان آن فرارسیده است تا پیشنهاد‌های مربوط جهت بهبود و تکمیل بیشتر تعلیمات و آموزش اساس‌های تیوری پیشرو انقلابی طرح و تدوین گردد. البته این کار ساده نبوده و برای انجام آن کادرهای ورزیده، مواد درسی و مدد آن ضرور است. اما ما باید در این عرصه به فردا فکر کنیم و آمادگی لازم را اتخاذ نماییم.

کمیته‌های حزبی با مصروفیت در امر ارتقای سطح آگاهی و تنویر سیاسی اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان هیچگاه نباید مسایل مربوط به ارتقای سطح تعلیمی، فرهنگی و سیاسی توده‌های مردم را از نظر دور نگهدارند. یکی از وظایف درجه یک، امحای بیسوادی است. انقلاب باید به مردم روشنی و نور دانش را بدهد. طور دیگری نمیتواند باشد.

در حال حاضر در کشور بیست و هفت هزار کورس و مرکز مبارزه با بیسوادی سربازان اردو و خارتدوی فعالانه پیش برده میشود. ما در حین سازماندهی این امر

مسئله را اینطور طرح مینماییم که هر باسواد حداقل سه تا پنج بیسواد را مورد آموزش قرار دهد. البته در اینجا نیز حوصله فراخ و رعایت خواست و تمایلات انسان‌ها ضرور و لازمی است و باید از میتودهای اجباری جداً امتناع به عمل آید. اعضای اصلی و آزمایشی حزب در امر امحای بیسوادی نقش بزرگی دارند. ما اشتراك فعال جوانان را نیز در پیشبرد این وظیفه بزرگ مدنظر داریم. فکر میکنم که تحقق پلان مشخص مبارزه با بیسوادی از طرف سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان سهم بزرگی را در حل این پروبلم خواهد گرفت.

رفقا!

در عین زمان میخواستم خاطر نشان نمایم که جنبش امحای بیسوادی را نباید محدود به فراگرفتن خواندن و نوشتن نمود. در این جریان باید انسان‌ها، مجموع معینی از دانستنی‌ها و قدرت فهم و درک درست پروسه‌ها و پدیده‌های جاری در کشور و جهان را فراگیرند. دشمنان از این وضع شدید در هراس افتیده اند؛ آنها میدانند به هر اندازه بی که افراد باسواد در کشور بیشتر باشند، به همان اندازه تعداد بیشتر افراد اوضاع را درک نموده و فریب دادن مردم و سیاه را سفید جلوه دادن مشکلتر میگردد. اندک مدتی قبل در ولایت ارزگان سه نفر مرد را در آتش سوختند. زنی را سنگ باران نمودند و نوجوانی را کشتند. مقتولان افراد حزبی نبودند و به فعالیت سیاسی هم دست نزده بودند. گناه آنان فقط همین بود که جرأت نمودند خواندن و نوشتن را فراگیرند اما هرچند دشمنان وحشت و دهشت را به راه اندازند قادر نخواهند بود تمایل و سعی مردم را به سوی دانش و ترقی متوقف سازند.

رفقا!

وسایل اطلاعات جمعی یا رسانه‌های گروهی باید نقش بزرگی را در کار سیاسی با توده‌های مردم ایفا نمایند. در حال حاضر در کشور یازده روزنامه و جریده مرکزی و هجده روزنامه ولایتی و چهل و دو مجله به چاپ میرسد، پروگرام‌های رادیو افغانستان به شمول نشرات برای اقلیت‌های ملی و نشرات خارجی بیست و هفت ساعت را دربر میگیرد. تلویزیون جوان افغانستان نیز نیرو میگیرد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان محتوای ایدیولوژیک، سیاسی و سمت فعالیت مطبوعات، رادیو و تلویزیون را معین میسازد. در این اواخر نشرات

این ارگان‌ها مشخصتر و پرمحتوا و اپراتیفی گردیده است و خصوصیات زبانی، حرفوی و سنن اهالی را بیشتر مد نظر میگیرند.

رسانه‌های گروهی در فعالیت خود توجه عمده را به ترویج سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت انقلابی معطوف مینماید. جهت مهم کار رسانه‌های گروهی را تربیت وطنپرستانه، نظامی و بسیج مردم به مبارزه با ضدانقلاب، تبلیغ قهرمانی‌های سربازان و عملیات قطعات و جزوات‌های قوای مسلح تشکیل میدهد. در صفحات روزنامه‌ها، در نشرات رادیو تلویزیون درباره کار سازمان‌های حزبی، دولتی، اجتماعی و مؤسسات تولیدی مطالب زیادی وجود دارد.

نشر مواد انتقادی که وضع نامساعد و نادرست بعضی از مؤسسات، ادارات و سازمان‌های حزبی را بر ملا میسازد نیز عملی میگردد. مثلاً روزنامه «حقیقت انقلاب ثور» مقالات انتقادی را به نشر سپرده، همچنان رادیو صدای مردم شکایات و انتقادات مردم را پیوسته به اطلاع مقامات حزبی و دولتی می‌رساند. ضرورت ایجاب میکند که همه رسانه‌های گروهی باجرات و شجاعت کمبودها و نقایص قابل ملاحظه را بر ملا سازند و ارگان‌های حزبی و دولتی با سرعت و به موقع تدابیر لازم را جهت رفع آن اتخاذ نمایند.

وسایل تبلیغ، ترویج و اطلاعات ما هنوز به تریبون همه مردم مبدل نگردیده است. علت آن تا حدود زیادی کار غیرقناعت‌بخش هیات‌های تحریر مسئولین این ارگان‌ها میباشد. آنان موظف اند مبارزات مردم ما را به خاطر آرمان‌های انقلاب ثور و موفقیت در امر اعمار جامعه نوین بهتر و روشنتر انعکاس دهند. برای اینکار ژورنالیست‌ها باید زندگی را خوبتر بشناسند و عمیقتر مورد مطالعه قرار دهند. باید حجم اطلاعات از ولایات را افزایش بخشید و تعداد مصاحبه‌ها با افراد ساده و عادی را بیشتر ساخت و مواد نشراتی را با ارائه فاکت‌ها و مثال‌های روشن بیش از پیش قابل فهم برای وسیعترین قشرها ساخت.

سطح نشرات روزنامه‌های ولایتی باید تا حد قابل ملاحظه بالا برده شود و تعداد بیشتر نویسندگان به کار آن جلب گردند. جلب کارمندان حزبی، مسئولین و کارمندان امور اقتصادی، اعضای سازمان‌های جوانان و زنان دیگر سازمان‌های

اجتماعی زحمتکشان به کار رسانه‌های گروهی، مؤثریت و قدرت رزمنده گی این وسایل را تقویت میبخشد. باید کار تربیت نامه‌نگاران و خبرنگاران را از میان کارگران و دهقانان و آموزش آنانرا فعالتر و بهتر ساخت.

در کشور ما عملاً هنوز کار چاپ کتب و رسالات، نظم و ترتیب لازم و دایمی نیافته است. طبع آنها به وسیله موسسه «بیهقی» خصوصیت تصادفی و غیرپلان شده دارد، کنترل بالای فعالیت‌های چاپ و نشر کتب و هماهنگ ساختن این امر تقریباً وجود ندارد، زمان آن فرا رسیده است که در این امر مهم نظم و نسق واقعی به میان آید.

زمان آن فرا رسیده است که بالاخره سیستم مطمئن انتقال و توزیع مطبوعات منظم ایجاد گردد. درین ساحه، وضع نهایت خراب است. انتقال مطبوعات مرکزی به ولایاتی چون کندز، بدخشان، بغلان، کندهار، فراه و غیره کاملاً غیرقناعتبخش است. وظیفه و هدف آنست که سطح کار مطبوعات، رادیو و تلویزیون ارتقای قابل ملاحظه حاصل نماید و ندای حزب هر چه نیرومندتر طنین اندازد تا به دور افتاده ترین نقاط کشور و به گوش هر فرد هموطن ما برسد.

رفقا!

موفقیت کارسیاسی، به طور قطع به کادرهای ایدیولوژیک، انتخاب انتصاب و تربیت آنان وابسته گی دارد. امروز اردوی بزرگ کارمندان حزبی، مبلغین، مروجین، لکچردهنده گان و ژورنالیستان حرف حزب را به توده‌های انقلابی می رسانند. در مرحله کنونی تکامل روند انقلابی در جمهوری دموکراتیک افغانستان سطح توقعات از کادرهای ایدیولوژیک به طور قابل ملاحظه بالا رفته است. شرایط امروز خواهان اعتقاد، شور و شوق و صلاحیت آنان است. کارمندان جبهه ایدیولوژیک باید دارای دانش عمیق باشند و درک مسایل مربوط به سیاست داخلی و خارجی حزب و زندگی اقتصادی و فرهنگی جامعه تسلط کامل داشته باشند و ترویج اندیشه‌های انقلابی و آرمان‌های انقلاب را با وظایف عملی موفقانه پیوند دهند. آنان همیشه باید پدیده‌های اجتماعی را به درستی روشنی توضیح دهند و از موقف و موضع حزبی ارزیابی و از دستاوردهای انقلابی دفاع نمایند. ناروایی اعمال ضدانقلاب داخلی و خارجی را با پیگیری و به طور مستدل افشا کنند.

بدیهی است که رزمندهٔ پرتجربه سیاسی شدن کار ساده و سهل نیست، چنانکه رهبر زحمتکشان جهان می‌آموخت: «چنین کارمندان را باید به طور فوق‌العاده انتخاب نمود، رشد داد، کارشناس ساخت و حفظ نمود.»

حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار معینی را درین جهت به پیش میبرد. انستیتوت علوم اجتماعی کمیتهٔ مرکزی حزب در کابل به مرکز شناخته شده تربیت کادرهای حزبی مبدل گردیده است. هم اکنون بیش از دو هزار و پنجصد نفر از اعضای حزب درین انستیتوت آموزش حزبی را فرا گرفته اند. نقشی انستیتوت در این امر مهم باید به طور دائمی افزایش یابد. در این رابطه باید خاطر نشان نمود که کمیته‌های حزبی و ارگان‌های مربوط قوای مسلح موظف اند به امر انتخاب افراد برای انستیتوت علوم اجتماعی و همچنان تقسیم فارغان آن با مسؤلیت بیشتر برخورد نمایند. هر فارغ انستیتوت از دانشی که فرا گرفته است برای بهبود کار حزبی در محلات باید به طور کامل استفاده نماید. و این بهبود تنها با کدام بخش علیحده و جداگانه کار ارتباط ندارد. همه جهات فعالیت سازمان‌های حزبی اعم از سیاسی، تربیتی، سازمانی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید در یک نقطه به هم پیوند یابد. یک دیگر را تکمیل نموده غنای کیفی بخشید و منتج به اجرای مجموع وظایفی که در برابر ما قرار دارد، گردد. ما باید چنین برخورد را بیاموزیم و عمیقاً درک نماییم که هر موفقیت و یا ناکامی به طور ناگزیر بالای نتیجهٔ کار در مجموع تأثیر می‌اندازد. به همین سبب بهبود کار سیاسی در میان توده‌ها امر صرف مربوط به کارمندان ایدیولوژیک نیست. این امر مشترک سراسر حزب، هر کمیته حزبی، هر سازمان حزبی و بالاخره هر عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

رفقا!

ما باید در کار سیاسی خود بر علاوه اوضاع داخلی، وضع منطقه و جهان را نیز مدنظر داشته باشیم. اوضاع بین‌المللی متشنج باقی مانده است، مداخله مسلحانه از خارج کشور که خصلت جنگ اعلان‌ناشده واقعی را به خود گرفته و همچنان کمپاین خصمانه و دروغین علیه افغانستان انقلابی قطع نگردیده است. امپریالیزم جهانی از تلاش‌های خود به غرض استفاده از به اصطلاح «مسئله افغانستان» جهت تشدید تشنج بین‌المللی صرف نظر نکرده است.

ولی امروز به هر انسان دارای افکار سالم کاملاً واضح است که امپریالیسم، ارتجاع منطقه و هژمونیزم چین قادر نیستند انقلاب افغانستان را بدنام و خفه کنند و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در عرصه بین‌المللی تجرید نمایند.

کشور ما هر روز پشتیبانی و شناسایی بیشتر نیروهای مترقی و صلح‌خواه جهان را کسب مینماید. اکنون جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیش از شصت کشور جهان روابط دیپلماتیک دارد. مناسبات ما با همسایه بزرگ شمالی اتحادشوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی مخصوصاً مفید ثمربخش و همه‌جانبه می‌باشد. بازدید رسمی و دوستانه هیات عالی‌رتبه حزبی و دولتی کشور ما از جمهوری دموکراتیک آلمان که اخیراً صورت گرفت مظهر روشن این مناسبات است.

مناسبات با بسیاری از کشورهای در حال رشد و مخصوصاً هند، سوریه، جمهوری دموکراتیک مردم یمن، ایتوپیا، لیبیا و امثال آنها با موفقیت رشد و توسعه می‌یابد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان روابط و همکاری خود را با جنبش بین‌المللی کارگری، احزاب و سازمان‌های مترقی و دموکراتیک و جنبش آزادیبخش ملی با موفقیت رشد و توسعه می‌بخشد. ما حق داریم بر همه اینها افتخار نماییم.

مخصوصاً می‌خواهیم اهمیت مجموع مناسبات با اتحادشوروی را که در همه عرصه‌ها اعم از سیاسی، تجارتي، اقتصادی، علمی، تخنیکی، فرهنگی و غیره با موفقیت بسط و توسعه می‌یابد، خاطر نشان سازیم.

جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اجلاس‌های اسامبله عمومی ملل متحد و سایر جلسات و گردهمایی‌های بین‌المللی همکاری نزدیک داشته اقدامات و گام‌های خود را در ساحه حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان و تحکیم صلح و امنیت در منطقه شرق میانه و جنوب شرق آسیا هماهنگ ساخته توحید می‌بخشند.

روابط رشد یابنده و استحکام پذیرنده میان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب کمونیست اتحادشوروی مهمترین عنصر مناسبات افغان شوروی را تشکیل میدهد. ما به نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و تمام مردم افغانستان از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، حکومت شوروی و از شخص لیونید ایلچ بریژنف به

خاطر کمک‌های همه جانبه و پشتیبانی وسیع از جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز امتنان عمیق و صمیمانه مینماییم. خاطرهٔ سپاسگزار همهٔ وطنپرستان افغانستان این کمک‌ها را به مثابه مثال درخشان تبارز همبستگی برادرانه و انتر-ناسیونالیستی هیچگاهی فراموش نخواهد کرد.

با ارزیابی عالی و ابراز رضایت کامل از سطح مناسبات با اتحادشوروی و کمک همه جانبه، برادرانه، حیاتی، ضروری و انترناسیونالیستی شوروی به افغانستان، ما باید از جانب خود همه اقدامات مربوط را برای ارتقای مؤثریت هرچه بیشتر همکاری افغان شوروی انجام دهیم وظیفه و وجوب هر عضو حزب و هرکارمند دستگاه دولت است تا سعی نماید که کمک عظیم اتحادشوروی کاملاً مورد استفاده قرار گیرد و مردم ما دربارهٔ آن همه چیز را بدانند و اهمیت آنرا ارزیابی درست نمایند.

رفقا! ما بارها اظهار نموده ایم و باز هم اعلام میداریم که آرزوی ماست تا بر مبنای ارادهٔ نیک، تعقل و خردمندی و از طریق مذاکرات سازنده مناسبات متقابل خود را با همسایه‌های شرقی و غربی یعنی پاکستان و ایران عادی و حتی دوستانه سازیم. ما به طور پیگیر و مصمم به مساعی خویش جهت حل و فصل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان و عادی ساختن مناسبات با کشورهای همسایه ادامه میدهیم.

ما بارها پیشنهادهای سازنده و مفید را که هم منافع کشور ما و هم منافع دیگران را مد نظر داشته است، مطرح ساخته ایم. در مذاکرات اخیر وزرای خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان در ژنیو از طریق نماینده خاص سرمنشی ملل متحد ما با پیشنهادهای مفید اشتراک ورزیدیم. مذاکرات نشان دادند که اساس‌های جهت حصول توافقات قابل قبول برای هر دو طرف در مجموع مسایل مربوط به حل و فصل سیاسی همه جانبه وجود دارد و فقط ارادهٔ نیک و حسن تفاهم لازم است تا اختلافات موجود را حل نمود. ما حاضریم تا آنجایی که مربوط به جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌گردد نیمه راه مربوط به خود را به خاطر بهبود اوضاع در منطقه و عادی ساختن مناسبات با پاکستان و ایران طی نماییم.

ما با پیروی از مشی سیاست خارجی خود در برابر مسایل مربوط به شرق نزدیک موقف روشن و صریح داریم. چنانکه معلوم است جهان در چند هفته اخیر شاهد

تجاوز جدید و خونین صهیونیست ها و الهام دهنده‌گان و کمک کننده‌گان مستقیم شان یعنی امپریالیست‌های امریکا علیه لبنان و مردم عرب فلسطین بودند. در عقب تجاوز اخیر اسرائیل طرح‌های استراتژیک تل ابیب و واشنگتن جهت مطیع ساختن کشورهای عربی به تسلط و حکمروایی امپریالیستی یکی بعد از دیگر، تضعیف و پراکنده گی باز هم بیشتر عرب‌ها، خفه ساختن مبارزات رهایی‌بخش ملی خلق‌ها درین منطقه پنهان است.

مردم افغانستان همراه با همه نیروهای مترقی جهان رهنی و تجاوز بیشرمانه اسرائیل را در لبنان و مشی ماجراجویانه ایالات متحده امریکا را در شرق نزدیک شدیداً تقبیح نموده، قطع فوری تجاوز و خروج کامل و بدون قید و شرط عساکر اسرائیلی را از خاک لبنان می‌طلبند.

افغانستان انقلابی که خود آماج تجاوز و مداخله مسلحانه نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی قرار گرفته است، همبستگی و پشتیبانی کامل خود را با خلق لبنان، نیروهای ملی و وطنپرست آن کشور، جنبش مقاومت فلسطین و دیگر خلق‌های عرب در مبارزه عادلانه شان به خاطر حقوق قانونی خود، علیه امپریالیزم و صهیونیزم اعلام میدارد.

رفقا!

ما با رضایت میتوانیم خاطر نشان سازیم که کشور ما در حل مثبت پروبلم‌های منطقه و جهان نقش کوچک ولی شایسته خود را ایفا میکند این سهم ما تنها در ارائه ابتکارات سیاست خارجی تبارز نمیکند، بلکه تحکیم و توسعه دستاوردهای انقلابی ما، تکامل بیشتر انقلاب ثور، استحکام نظام نوین در افغانستان و تأمین برگشت ناپذیری از راهی که انتخاب نموده ایم، عمده ترین مظاهر این سهم میباشد.

به پیش در این راه پرافتخار و رهایی بخش، بدون تزلزل و هراس!

رفقا ما مسلماً پیروز میشویم!

مصبوبه نهمين پلینوم کړنه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

مضمون عمده کارسیاسی در بین توده‌ها عبارت از تبلیغ ترویج و توضیح هرچه عمیق‌تر سیاست حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ماهیت اقدامات نظامی، اقتصادی، اجتماعی و کلتوری، اسناد کنفرانس سرتاسری حزبی، افشای فعالیت ضد مردمی، افتراآت و اتهامات دروغین و تبلیغات خصمانه ضدانقلاب می‌باشد.

فعالیت سیاسی حزب در بین توده‌ها باید به طور جدایی‌ناپذیر با انجام پیگیرانه و متداوم دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، به نفع مردم توأم باشد.

مهمترین شرط تقویت کار سیاسی در بین توده‌ها عبارت است از استحکام حزب و اعتلای اثر بخشی فعالیت آن، این امر بیانگر تحکیم ارگانیک وحدت ایدیالوژیک و سازمانی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تأمین پیوند متقابل جداناپذیر کار سازمانی و سیاسی حزب و افزایش و مؤثریت نقش رهبری کننده آن در دولت و جامعه است.

پلینوم تأکید می‌ورزد که تعمیق و گسترش بعدی کار سیاسی در بین توده‌ها جلب اعضای اصلی و آزمایشی حزب به اشتراک فعالانه درین کار، رفع کمبودی‌ها و نواقص درین زمینه به درک عمیق و کامل توده‌ها از اهداف حزب و دولت یاری میرساند و اتوریته حزب را به مثابه پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان بلند می‌برد.

سازمان‌های حزبی و کمیته‌های حزبی باید به طور قاطع کار سیاسی را در بین توده‌ها و پیوند خود را با آنها تقویت بخشند.

باید خصوصیات مشخص بودن ثمر بخش بودن و حالت تعرض کار سیاسی توده‌ای را به طور پیگیر تقویت نمود؛ تمام فعالیت سیاسی سازمان‌های حزبی در بین توده‌ها باید در جهت رشد هرچه بیشتر فعالیت مردم در دفاع از دست آوردهای انقلاب ساختمان جامعه نوین در افغانستان، فشرده‌گی به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان و کمیته مرکزی متمرکز گردد. اشکال کار آزمون شده مکمل تر گردد،

باید راه‌های عملی نوین پیوسته در زمینه تربیت سیاسی توده‌ها جستجو گردد تا زمینه تماس مؤثر با تمام اقشار مردم با هر یک از اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان امکان پذیر گردد.

در جریان کار سیاسی با توده‌ها سازمان‌های حزبی، اجتماعی و موسسات ایدئولوژیک کشور باید خصوصیت اقشار و گروپ‌های اجتماعی مردم را مدنظر گرفته و با آنها برخورد متنوع داشته باشد. به صورت پیگیر باید اصول اعلام شده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نسبت به دین مقدس اسلام، سنن و عنعنات مردم، ارزش‌های تاریخی و فرهنگی ملیت‌ها و اقوام افغانستان مراعات گردد.

باید نقش و اهمیت سازمان‌های اجتماعی و توده‌ی جمهوری دموکراتیک افغانستان جبهه ملی پدر وطن، اتحادیه‌های صنفی، کوپراتیف‌های دهقانی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و سایر سازمان‌ها بلند برده شود. تربیت سیاسی اعضای آنها بر پایه روحیه وقف و فداکاری به آرمان‌های انقلاب شور تشدید یابد و به طور دائمی صفوف خود را تحکیم بخشد. روحیه رزمجویی، عشق به کار در مردم اعتلاداده و مردم را با معیارهای اخلاق مترقی پرورش دهند. در آنها روحیه آمادگی، دفاع از انقلاب، گرایش و علاقمندی به فراگیری دانش و فرهنگ را تشویق و ترغیب نمایند.

پلینوم اعتقاد راسخ دارد که سازمان‌های حزبی، کار سازمانی رزمجویانه هدفمند و کار سیاسی را به خاطر تعمیل این مصوبه سازمان خواهند داد. ارتقای کیفیت و ثمربخشی کار سیاسی را در بین توده‌ها و حل موفقانه وظایف ساختمان جامعه نوین در جمهوری دموکراتیک افغانستان دفاع از دست آورد های انقلابی مردم افغانستان را تأمین خواهند کرد.

میان‌رشته‌های برک کارل در پیمان کارپلینوم نم‌کیمت مرکزی ح.خ.و

رفقا! کار پلینوم ما به پایان می‌رسد. همه ما اشتراک‌کننده‌گان این پلینوم مهم دریافتیم که مسئله مورد بحث «درباره وظایف حزب در رابطه با تقویت کار سیاسی در میان توده‌ها» واقعاً هم بسیار مهم و مبرم است. اضافه بر آن این مسأله برای ما اهمیت حیاتی را دارد، زیرا مسأله مذکور با پروبلم کشانیدن و جلب توده‌ها بسوی خود، بسوی انقلاب دارای ارتباط و پیوند محکم و ناگسستگی می‌باشد. جلب توده‌ها بسوی خود به معنی پیروزی در جبهات نظامی، اقتصادی و فرهنگی بمعنی پیروزی در سیاست است. رهبر زحمتکشان جهان خاطر نشان می‌کرد: «تنها توده‌ها می‌توانند سیاست را بمفهوم جدی کلمه عملی سازند.»

امروز سیاست ما، سیاست رشد و تعمیق انقلاب ملی دموکراتیک و دفاع از آنست که برای زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم زندگی نوین شایسته و آبرومند را نوید میدهد. بنابراین اگر باز هم وصیت رهبر زحمتکشان جهان را بیاد آوریم ما باید «... توده‌های وسیع را که حالا هنوز در اکثریت موارد خواب رفته، بی‌علاقه، با انجماد فکری و بیدار نشده اند؛ به وضع جدیدشان رهنمایی کنیم. یا دقیقتر بگوئیم قادر باشیم نه تنها حزب خود بلکه این توده‌ها را نیز در جریان نزدیک شدن آنها، گذار آنها به موقف جدید رهبری نماییم.»

البته این کلمات در ارتباط با افغانستان گفته نشده است؛ اما مفهومی را که بیان میدارد کاملاً بحال کشور ما صدق می‌کند. پلینوم ما خاطر نشان نمود که سازماندهی کارسیاسی در میان زحمتکشان و اهالی جمهوری دموکراتیک افغانستان هنوز مطابق به نیازمندی‌ها و مطالبات کنونی وضع کشور نمی‌باشد. بارها به مشاهده رسیده است که کار سیاسی در میان توده‌ها بدون در نظر داشت خصوصیات گروه‌های مختلف اهالی و پیچیده‌گی‌های روند جاری انقلابی در کشور صورت می‌گیرد. ما باید جهت رفع نقایص و کمبودهای بالا، تدابیر جدی اتخاذ نماییم. در پلینوم مسئله کمبودها در طرز کار ما با حدت بخصوصی بر ملا گردیده؛ ما باید طرز کار غیرانتقادی را که متأسفانه هنوز هم بمشاهده میرسد؛ کاملاً ترک گوئیم و دایماً به تحلیل و ارزیابی همه جانبه اشتباهات خویش بپردازیم. زیرا فقط بدین

ترتیب میتوان از تکرار آنها جلوگیری بعمل آورد. مخصوصاً این طرز کار در رابطه با کار سیاسی در میان توده‌های مردم مهم است. زیرا هرگونه اشتباه در حین پیشبرد این امر، بالای تمام فعالیت بعدی تأثیر جدی می‌نماید.

یک مسئله دیگر قابل توجه را باید ذکر نمود؛ موفقیت مبارزه و نبرد بخاطر جلب عقول و قلوب مردم تنها با برخوردهای عام میسر شده نمی‌تواند. در اینجا ضرورت است تا برخورد سازمان‌های حزبی و اجتماعی نسبت به مسایل مربوط به تربیت کمپلکس همه‌جانبه و در عین زمان مشخص باشد.

رفقا!

پلینوم ما در فضای حاکی از فهم و درک عمیق و ظایف مطروحه در برابر ما دایر گردید و جریان یافت. سخنرانی‌های رفقا، بیانیه اساسی را غنا بخشیده و با پیشنهادات و نظرات جدید تکمیل نمود. در همه این سخنرانی‌ها مواظبت و توجه جدی نسبت به بهبود کار با توده‌ها و تقویت فعالیت سیاسی آنان به مشاهده می‌رسید. اکنون و وظیفه آنست تا تصامیم پلینوم در عمل و در زندگی تحقق یابند. قبل از همه ما باید توجه خود را معطوف به این امر سازیم تا تصامیم و فیصله‌های پلینوم به اعضای حزب و کسانی که با تربیت سیاسی توده‌ها ارتباط دارند هرچه کاملتر و دقیق‌تر برسد. باید در همه سازمان‌های حزبی جلساتی ترتیب گردند که در آنها نتایج پلینوم مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و تصامیم لازم اتخاذ شود.

بنظر ما سازمان‌های اجتماعی جبهه ملی پدروطن، اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه‌های کوپراتیف‌های زراعتی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و اتحادیه‌های روشنفکران مبتکر نیز باید همینطور عمل نمایند. ضرورت است تا سازمان‌های حزبی و اجتماعی اتحادیه‌های روشنفکران مبتکر، وسایل اطلاعات و ترویج توده‌یی و همچنان وزارت‌ها و ادارات مربوط پلان‌های دورنمایی را جهت تقویت کارسیاسی در میان توده‌ها، ارتقای مؤثریت آن و بهبود اشکال و میتوده‌های آن طرح و تدوین نمایند. بسیار مهم است تا در جریان اجرای تصامیم پلینوم به ارتقای قابلیت رزمندگی سازمان‌های حزبی و یکپارچگی بازهم بیشتر صفوف حزبی نایل آئیم. باید سطح احساس مسئولیت و دسپلین آگاهانه همه اعضای حزب ارتقای بازهم بیشتر یابد، نقش پیش‌آهنگ بودن آنان تقویت مزید

حاصل نماید و این امر تأمین گردد که هر عضو حزب به کار سیاسی در میان توده‌ها مجدانه اقدام ورزد. در رابطه با این موضوع باز هم می‌خواهم توجه شما را به سه مسأله‌ای که باهم پیوند بسیار نزدیکی دارند، جلب نمایم. اینها عبارتند از:

۱- هر عضو حزب باید بطور پیگیر، دایمی و مصرانه در کسب تئوری علمی انقلابی بکوشد و سطح آماده‌گی تئوریک خود را ارتقا بخشد. در غیر آن عضو حزب نمی‌تواند سرباز و رزمنده کامل حزب باشد.

۲- هر عضو حزب باید به اندازه لازم قابلیت، هنر و قدرت کار سیاسی خود را بطور پیگیر دایمی و مصرانه ارتقاء بخشد. تنها دانستن حقیقت کافی نیست؛ باید قدرت آنرا داشت که دیگران را با حقیقت آشنا نمود و بشکل ساده قابل فهم و قانع کننده با دیگران درینباره صحبت کرد.

۳- حزب ما پیش‌آهنگ سیاسی زحمتکشان و تمام مردم می‌باشد. حزب متشکل از بهترین نماینده گان مردم است. این امر همه اعضای حزب را موظف میسازد تا یک مسئولیت دیگر را هیچگاه فراموش نکرده و همیشه بیاد داشته باشند و آن اینکه ضمن آموختن بمردم، ما خود باید از آنها بیاموزیم. به مردم گوش فرادهید؛ با نظرات، تمایلات و آرزوی شان آشنا شوید و آن وقت خواهید دانست که چه باید کرد تا مردم بشما اعتماد نمایند و از دنبال تان بروند.

رفقا!

در اخیر میخواستیم خاطر نشان نمایم که هر عضو حزب با گسترش کار در جهت اجرای تصامیم پلینوم و اشتراك در امر مهمی چون کار سیاسی در میان توده‌ها، موظف است که یکبار دیگر همه فعالیت‌های خود را با وظایفی که حزب در مرحله کنونی انقلاب ثور مطرح میسازد، مقایسه نماید. برای ما ابتکار، برخورد خلاق نسبت به کار سیاسی، غنی ساختن دایمی محتوی آن و جستجوی دایمی و خستگی ناپذیر اشکال و میتودهای نوین لازم است.

اجازه دهید ابراز اطمینان کامل نمایم تا انرژی و شور و شوق که پلینوم امروزی به ما داد، کار هر سازمان و گروه حزبی را غنا بخشیده و همه اعضای حزب بیکار جو و انقلابی ما کار هدفمند و سازمانی را در جهت تحقق فیصله‌های پلینوم

هرچه بیشتر خواهند ساخت و دانش، اراده عقل و قلب خود را به امر ارتقای کیفیت و مؤثریت کارسیاسی در میان توده‌ها وقف خواهند کرد و مبارزه بخاطر اعمار جامعه نوین و شگوفان در افغانستان عزیز را هرچه فعالتر گسترش خواهند داد.

زنده باد حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

رفقا دست بدست هم در راه پیروزی کامل و قطعی ما به پیش!

دہمین پلینوم کمیٹہ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دربارہ تکامل و استحکام، ہرچہ بیشتر حزب

۲۱ قوس ۱۳۶۱

رفقا!

در مدت زمانی کہ از کنفرانس سرتاسری حزب سپری شدہ در حزب، جامعہ و دولت تغییراتی معین و مثبتی رخداده است. نفوذ و اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان بہ طور متداوم ارتقا و افزایش مییابد. بر مبنای «برنامہ عمل» و فیصلہ‌های نهمین پلینوم کمیٹہ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار سیاسی و سازمانی در میان تودہ‌ها تقویت می‌یابد و عادی شدن اوضاع در کشور ادامه دارد. بہ نیروهای ضدانقلاب ضربات ہرچہ قوی‌تر وارد شدہ است و ناگزیری شکست قطعی آنان با وضاحت ہرچہ تمامتر آشکار می‌گردد. مؤسسات صنعتی، ترانسپورتی و ساختمانی با ثبات بیشتر کار میکنند و انتظار میرود کہ سال جاری از لحاظ وضع زراعت با موفقیت انجام یابد. مواضع بین‌المللی کشور ما نیز استحکام می‌پذیرد. علی‌الرغم تلاش‌ها و توطئہ‌های نیروهای ارتجاعی، روند حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان آغاز شدہ است. ہمہ اینها با وضاحت و صراحت حقانیت مشی سیاسی ما را بہ اثبات میرساند. ما بہ آیندہ با اطمینان و خوشبینی می‌نگریم.

رفقا!

موفقیت‌ها و دستاوردهای ما و همچنان عدم موفقیت‌ها با جریانات ساختمان حزبی یعنی با این کہ حزب ما تا چہ اندازہ سازمان یافته، با دسپلین، متحد و یکپارچہ است، ارتباط ناگسستگی داشته و دارد. بہ همین سبب نیز مسئلہ تکامل و استحکام ہرچہ بیشتر حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پلینوم حاضر مطرح می‌گردد، ضمناً می‌خواستیم نکات اصولی ذیل را خاطر نشان سازم:

نخست اینکه مشی سیاسی، خود به خود نمی تواند موفقیت امر را تأمین نماید. برای تحقق آن در عمل اشکال متناسب سازمانی و میتودهای معین فعالیت عملی حزب لازم است. همه زندگی و کار حزب باید به نحوه لازم و مطابق به شرایط مشخص تاریخی سازمان داده شود.

رهبر کارگران جهان می گفت:

«حزب بخش آگاه و پیشرو طبقه، پیشاهنگ آن است، نیروی این پیشاهنگ ده، صد مرتبه و بیش از آن بزرگتر از تعداد آن است. آیا این ممکن است؟ آیا نیروی صدتن میتواند بیشتر از نیروی هزار تن باشد؟ البته میتواند و بزرگتر هم میتواند باشد، در صورتی که صدتن سازمان یافته باشند. سازمان، نیروی ما را ده برابر می سازد.»

میخواهم يك قول دیگر از انقلابی کبیر عصر ما را نیز بیان نمایم:

«آگاهی گردان پیشرو بر علاوه سایر موارد در این امر تبارز مییابد که توانایی سازمان یافتن را دارد و با سازمان یافتن خود صاحب اراده واحد می شود و این اراده واحد صدها، هزاران و میلیون ها به اراده طبقه، اراده مردم مبدل می گردد.»

گردان پیشرو، پیشاهنگ سیاسی جامعه فقط و فقط به این ترتیب می تواند به اهداف مطروحه برسد و ترقی ملی و اجتماعی را تأمین نماید.

وضع دیگری که ارزیابی مسایل استحکام سازمانی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را می طلبد عبارتست از تکامل خود حزب و حل پروبلم های ناشی از آن.

یک نکته دیگر نیز وجود دارد و آن اینکه سطح عمومی کار سازمانی و سیاسی در حزب ما با ایجابات زمان و اوضاع، مسؤولیت ها و جدیت وظایف مطروحه در برابر حزب تطابق ندارد. این سطح به حد کافی بلند نیست و اگر ما وضع را اصلاح نکنیم آنچه را که طرح نموده ایم انجام داده نخواهیم توانست. به یاد داشته باشید که لنین چه میگفت:

«در باره احزاب سیاسی نباید بر اساس نامها، اعلامیه ها و برنامه ها بلکه باید بر اساس عمل آنها قضاوت نمود.»

اکنون بیایید، به کار و عمل خود رجوع کنیم. من قصد ندارم آنچه را که واقعاً انجام

پذیرفته است، نادیده بگیرم و یا کوچک جلوه دهم؛ اما حقایق نشان میدهد که کمتر از آنچه که باید میشد عملی گردیده است و آنهم دیرتر از آن وقتی که باید صورت می گرفت.

کمیته مرکزی با وضع امور در محلات به خوبی آشناست. در جریان مسافرت‌های اخیر خویش در کشور، من یکباردیگر معتقد شدم که اوضاع آنقدر بد نیست که تحولات اعلام شده و ضروری برای مردم عملی نگردد و کار در مؤسساتی که قطعاً صدمه ندیده است، جریان نداشته باشد. البته فعالیت ضدانقلاب مسلح و مداخله آشکارا از خارج کشور مانع تحقق کامل پلان‌ها می گردد. اما در آن جاهایی که زندگی عادی صلح آمیز استقرار یافته و تلاش‌های جدا گانه دشمنان نیز به وسیله اهالی و مدافعین دلیر با موفقیت دفع می گردد، باز هم متأسفانه ارگان‌های حزبی و دولتی وظایف متعلق به خود را به صورت همیشه گی و لازم به طور شاید و باید اجرا نمی نمایند.

این بود بعضی از ملاحظات دارای خصوصیت اصولی که به نظر بیروی سیاسی باید برخورد ما را نسبت به مسئله مورد بحث یعنی تقویت کار سازمانی سیاسی حزب معین سازد. اکنون اجازه بدهید، به تحلیل پروبلم‌های مشخص زندگی و فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جریان ساختمان حزبی بپردازم.

رفقا!

یکی از مسایل بنیادی تیوری و پراتیک ساختمان حزب را مسئله عضویت در حزب، اصول و طرق تکمیل صفوف حزبی تشکیل میدهد.

ما با رضایت می‌توانیم خاطر نشان سازیم که مخصوصاً در مرحله نوین تکامل انقلاب ثور، سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه فعالیت آن که بیانگر منافع اساسی کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکشان است، امکان داد تا توده‌های وسیع مردم به سوی حزب جلب گردند، این روند با قوت فزاینده ادامه دارد.

اکنون در حزب ما بیش از هشتاد هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارند. تنها در نیمه اول سال جاری بیش از پانزده هزار نفر به عضویت آزمایشی حزب پذیرفته شده اند.

این نتایج خوبی بود و با صراحت شاهد آنست که زحمتکشان افغانستان به حزب ما اعتماد دارند و اندیشه ها و سیاست آنرا فعالانه پشتیبانی می نمایند و به همین سبب به آن می پیوندند.

ما رشد سریع صفوف حزب را به مثابه پدیده مثبت و ارزشمند ارزیابی می کنیم که ثابت می سازد جریان تکامل اجتماعی در جهت درست سیر می نماید. زیرا سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان سالم، درست و اصولی است. ما بعد از این نیز به رشد صفوف حزب توجه جدی مبذول خواهیم داشت. زیرا افزایش تعداد اعضای حزب توسعه و تأثیر و نفوذ آنرا در میان توده ها تأمین می نماید.

در عین زمان ما نباید به این جریان اهمیت بیش از حد قایل باشیم. برای ما همیشه باید امر عمده، بهبود ترکیب کیفی حزب باشد. در رابطه مصوبه هشتمین کنگره حزب کمونیست سراسری روسیه (بلشو یک) که در زمان حیات و ای لنین در مورد مسایل سازمانی پذیرفته شده بود بسیار آموزنده است. در قسمتی از مصوبه آمده است که:

«توسعه ترکیب عددی سازمان های حزبی به هیچ وجه نباید به بهای بدتر شدن ترکیب کیفی تمام گردد.» حزب ما نیز چنین روشی را اتخاذ نموده و کنفرانس سرتاسری نیز بر آن صحنه گذاشته است.

برای بهبود ترکیب کیفی حزب به چه چیزی نیاز وجود دارد؟ قبل از همه باید بهبود دایمی و پیگیر ترکیب اجتماعی حزب مد نظر باشد. بنابراین هنگام پذیرش به حزب لازم است تا توجه اساسی به کارگران و دهقانان آگاه و پیشرو و سربازانی که منشاء کارگری و دهقانی دارند صورت گیرد. به همین منظور نیز کنفرانس سرتاسری حزب شرایط جدید را که حاوی یک سلسله سهولت ها و امتیازات برای زحمتکشان است به تصویب رسانید.

البته تدابیر حزب نتایج محسوسی را به بار آورد. در ترکیب اعضای آزمایشی که جدیداً در نیمه اول سال ۱۳۶۱ پذیرفته شده است (۴۷/۷) فیصد آن کارگران و دهقانان می باشند و در ولایات بغلان، بدخشان، بلخ، هرات، ننگرهار، تخار و بعض دیگر این نسبت بیشتر از پنجاه فیصد است. در نیروهای مسلح نیز کار پذیرش به حزب فعالانه پیش برده می شود و بیشتر از (چهل و نه) فیصد اعضای آزمایشی

جدیدی که پذیرفته شده اند، قبل از خدمت در اردو، خاندوی و خاد، کارگر و یا دهقان بوده اند.

کمیته‌های حزبی و سازمان‌های اولیه حزب موظف اند در آینده نیز به برآوردن مطالبات کنفرانس سرتاسری در مورد بهبود ترکیب اجتماعی صفوف حزبی توجه دایمی داشته باشند. در ضمن نباید به افراط‌گرایی و از ورود بهترین و شایسته‌ترین نمایندگان روشنفکران و وطنپرست و اقشار اجتماعی دیگر به حزب جلوگیری کرد.

اکنون در باره مسئله بسیار مهم دیگر در رابطه با کار در جهت بهبود ترکیب کیفی حزب دموکراتیک خلق افغانستان یعنی در باره پذیرش جوانان به عضویت حزب صحبت می‌نماییم. مشی اصولی ما در این رابطه روشن و بلاانحراف است. ما پذیرش جوانان را به حزب به مثابه بیان توالی و توارث نسل‌ها، روحیه انقلابی حزب و سنن پیکارجویانه آن و همچنان اطمینان به فردای حزب ارزیابی می‌کنیم. جوانان باید کار انقلابی نسل کنونی را ادامه دهند.

تصمیم در باره آن که جوانان تا سن بیست ساله گی تنها از طریق سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به حزب پذیرفته شوند، متوجه آنست تا نیروهای جوانی که به حزب می‌آیند قبل بر آن مدرسه مبارزه سیاسی و کارسازمانی را در چارچوب سازمان جوانان سپری نمایند.

کمیته‌های ولایتی حزب و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان باید در آینده نیز کار آماده ساختن فعالین جوان را برای شمول به صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان با توجه و دقت تحت مواظبت گرفته در جلسات خود طرق بهبود این کار و تدابیر لازم در زمینه را مورد مطالعه قرار دهند.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید کار در جهت پذیرش زنان به حزب را نیز تقویت بخشند.

کار در زمینه پذیرش پیشروترین نمایندگان ملیت‌ها، اقوام و قبایل مختلف کشور ما به حزب نیز نیازمند بهبود و توجه بیشتر است. تکمیل صفوف حزب نه تنها بر اساس طبقاتی، بلکه بر مبنای انترناسیونالیستی در کشور کثیرالملیت چون افغانستان نیز، یکی از اصول مهم ساختمان حزبی است. انترناسیونالیزه ساختن حزب، وسیله

مطمئن تحکیم و توسعه روابط با توده‌های مردم و مظهر مشخص سیاست حزب مبنی بر تساوی، دوستی و برادری خلق‌های وطن محبوب مان افغانستان است. انترناسیونالیزه ساختن حزب به اعتبار آن میافزاید و نقش رهبری کننده آنرا در جامعه و دولت تقویت می بخشد.

رفقا!

کمیته مرکزی معتقد است که تشدید کار در زمینه پذیرش اعضای جدید به حزب و نتیجه آن یعنی رشد سریعتر صفوف حزبی وظایف جدی را در برابر حزب، در برابر کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و در برابر هر عضو حزب قرار میدهد، که قبلاً با این وسعت و حجم طرح نشده بود.

قبل از همه هنگام پذیرفتن اعضای جدید باید خصوصیات سیاسی، عملی و اخلاقی آنان مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و به نفوذ عناصر غیرآماده و تصادفی و اپورتونیست‌های مقام پرست به حزب اجازه داده نشود. البته سختگیری در انتخاب افراد برای عضویت در حزب همیشه ضرور است و اساسنامه ما نیز آنرا پیشبینی می نماید.

نخست به این دلیل که هم تاریخ و هم تجربه خود ما نشان میدهد معمولاً عناصر بیگانه یعنی افراد مقام طلب و سازشکار و حتی دشمنان تلاش می ورزند در حزب حاکم نفوذ نمایند.

دلیل دوم اینست که هنگام زیاد بودن تعداد کسانی که به حزب پذیرفته میشوند و احتمال اشتباه ما در ارزشیابی خصوصیات آنان افزایش می‌یابد.

بر علاوه، کمیته‌های حزبی و سازمان‌های اولیه باید سعی همه جانبه ورزند تا نقش و اهمیت دوره عضویت آزمایشی ارتقا یابد. این دوره واقعاً هم باید جدی‌ترین آزمایش و امتحان واقعی خصوصیات عضو آزمایشی باشد، نه اینکه به صورت فورمالیته و شکلی سپری میگردد. این مطالب از آن جهت نیز مهم است که برای بخش قابل ملاحظه اعضای آزمایشی دوره عضویت آزمایشی شش ماه تعیین شده است. برای اینکه عضو آزمایشی در ظرف شش ماه آماده شمول به عضویت اصلی حزب گردد، ضرورت به صرف مساعی پیگیر و هدفمند است. کار را باید طوری

تنظیم نمود که عضو آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از نخستین روزهای شمول خویش مدرسه واقعی آبدیده‌گی حزبی و سیاسی را سپری نماید. یک وسیله آزمایش شده و مطمئن تربیت اعضای جوان حزب وجود دارد و آن جلب ایشان به کار فعال روزمره حزبی و اجتماعی و امتحان کردنشان در امور عملی و در اجرای وظایف مشخص می باشد. رابطه و برخورد با وظیفه حزبی، اجرای مسؤولانه و وجدانی آنست که آماده‌گی افراد را برای عضویت در حزب و مبدل شدن به پیکارجوی واقعی آن، نشان میدهد. وظیفه مهم هر سازمان اولیه حزبی اینست که همه اعضای آزمایشی حزب را تحت توجه قرار داده به آنان کمک نماید تا خود را برای عضویت اصلی در حزب آماده سازند.

کمیته مرکزی کار با اعضای آزمایشی و جوان حزب را یکی از مهمترین جهات فعالیت درون حزبی می شمارد. توجه همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، باید به این جهت کار متمرکز گردد. البته در این کار نباید با معیارهای سابق برخورد نمود. در هر سازمان اولیه باید فضای بذل توجه و علاقمندی به این امر را ایجاد کرد که عضو آزمایشی چگونه رفتار می نماید و چطور خود را برای کسب عضویت اصلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان آماده می سازد.

میخواستم یک مطلب دیگر را نیز خاطر نشان سازم و آن اینکه ضرورت است تا به موازات تأثیر دسته جمعی سازمان اولیه، مسؤولیت هر عضو حزب را نیز در امر رشد و آبدیده‌گی سیاسی اعضای جوان حزب ارتقا بخشید. درینجا نقشی معرفی کننده‌گان، مخصوصاً مهم است. تضمین و معرفی هنوز آغاز امر است. میتوان گفت که معرفی کننده پدر سیاسی، مربی و آموزنده هر عضو جوان حزب است و باید در برابر سرنوشت حزبی وی جداً احساس مسؤولیت کند.

اکنون در حزب تعداد زیاد عضو آزمایشی وجود دارد که تقریباً نصف کمیته آنرا می سازد. و اعضای آزمایشی حزب تنها در صورتی خواهند توانست وجایب و حقوق خود را به روشنی درک کنند و نام پرافتخار عضو حزب را با شایسته‌گی نگهدارند که هر عضو اصلی به کار فعال برای تربیت آنان بپردازد و سهم خود را در این امر مهم ایفا نماید.

چنین است خواست و مطالبه حزب و باید کار به این ترتیب انجام پذیرد. اما ببینیم

در عمل چگونه است؟ این مهمترین پروبلم‌ها هنوز هم در فعالیت روزمره بسیاری از کمیته‌های حزبی به طور لازم منعکس نمی‌گردد. مسایل پذیرش در حزب و کار با اعضای آزمایشی در جلسات و گردهم‌آیی‌های سازمان حزبی به ندرت مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد. در آن حالاتی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، تصامیم اتخاذ شده به حد کافی عمیق و مشخص نمی‌باشد و در نهایت این تصامیم بنابر ضعف کنترل بر بهبود کار در سازمان‌های اولیه حزبی تأثیر لازم را وارد نمی‌کند چنین وضع بعد از این قابل تحمل نیست. زیرا مسئله بر سر جریان نیروی حیاتی به حزب و مبنای اولیه رشد و تحکیم آنست.

رفقا!

مسئله رشد شبکه سازمان‌های حزبی، ایجاد سازمان‌های جدید و بهبود رهبری آنها با توسعه کمی حزب و افزایش تعداد اعضای جدید آن نیز ارتباط دارد. ارتقای بیشتر مؤثریت کار حزب و تقویت تأثیر آن در میان توده‌ها با تکمیل و بهبود ساختار سازمانی ارتباط ناگسستگی دارد.

میخواهم در رابطه با مطلب بالا توجه را به کرکترستیکی که لنین از مفهوم «حزب» از نظر ساختار آن بیان داشته است، جلب نمایم. لنین می‌نویسد: «حزب مجموعه‌ای از سازمان‌هایی است که با هم پیوند واحد یافته‌اند.»

در عین زمان وی توضیح می‌نمود که این «مجموعه، ساده نیست و چون در یک واحد با هم پیوند یافته است به همین سبب نیز حزب خود سازمان واحد و یکپارچه سیاسی است که به شبکه کامل انواع سازمان‌های محلی، اختصاصی، مرکزی و عمومی تقسیم می‌گردد.»

امروز حزب ما یک ارگانیزم بزرگ و دارای شبکه وسیع سازمان هاست. در ترکیب آن سی کمیته ولایتی، دو کمیته لوی ولسوالی، هفتاد کمیته شهری و ناحیوی، یکصد و چهل و چهار کمیته ولسوالی علاقه‌داری و بیش از دو هزار سازمان اولیه وجود دارد. به نظر ما چنین ساختار به طور کلی مطابق به محتوا و خصوصیات مرحله جاری تکامل انقلابی و اوضاع و شرایط مشخص فعالیت حزب است.

اما پراتیک اجرا و تحقق وظایفی که کنفرانس سرتاسری حزب طرح نموده است،

ضرورت بهبود و تکمیل هرچه بیشتر این ساختار را مسلم می سازد امکانات آنرا نیز نشان میدهد. این مسئله از همه بیشتر به سازمان های ولسوالی و علاقه داری و همچنان سازمان های اولیه حزبی ارتباط می گیرد.

باید اعتراف نمود که بنابر یک سلسله علل ما تا هنوز نتوانسته ایم توجه لازم را به کمیته های حزبی ولسوالی و علاقه داری مبذول داریم. وضع در این بخش کار غیر قناعت بخش است.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که حزب به طور جدی و عملی به این امور بپردازد. اهمیت این ارگان ها هم از لحاظ کار در ولایات و هم از لحاظ اجرای وظایف مبرم ما بسیار عظیم است.

باید از آغاز این امر را در نظر داشت که این ارگان ها در محلات و دهات جایی که اکثریت قاطع اهالی کشور در آن زندگی دارند، تشکیل می گردد و فعالیت می نماید. این ارگان ها نظر به موقعیت و وضع طبیعی خود نسبت به کمیته های حزبی سطوح دیگر، به توده های مردم نزدیکتر است. آنها فعالیت سازمان های اولیه را که در میان انبوه مردم کار می کنند، مستقیم رهبری می نمایند کمیته های حزبی ولسوالی ها و علاقه داری ها از این جهت نیز حایز اهمیت است که آنها دو برسه تعداد همه کمیته های حزبی منطقه وی را می سازند.

اکنون در باره سازمان های اولیه صحبت می کنم، ما بارها، در کنفرانس سرتاسری حزب و در پلینوم های کمیته مرکزی در باره اهمیت فوق العاده کار سازمان های اولیه حزبی اشاره نموده ایم، اما باز هم تأثیرات و فعالیت آنها غیرکافی است. علل زیادی وجود دارد و یکی از آن این وضع است که شبکه سازمان های اولیه، همه مناطق و مؤسسات تولیدی لازم را در بر نمیگیرد. در نتیجه از امکانات توسعه نفوذ حزب در بین توده های مردم استفاده به عمل نمی آید. گرچه تعداد عمومی سازمان های اولیه افزایش می یابد، اما اکنون تقسیم و آرایش درست نیروهای حزبی اهمیت به سزایی دارد تا در بخشی های مهم و حیاتی تأثیر و نفوذ حزب تأمین گردد. مثلاً، یکی از مهمترین جهات فعالیت حزب را عرصه اقتصاد تشکیل می دهد.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ارگان های محلی حزبی وظیفه

دارند برای تحکیم سازمانی - سیاسی و ارتقای سطح رزمنده گی سازمان های اولیه و تکمیل و بهبود شبکه و ساختار آنها تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. باید به سازمان های اولیه در تنظیم کار درون حزبی و گسترش فعالیت توده ای سیاسی در میان اقشار وسیع زحمتکشان و اهالی کمک صورت گیرد. در رابطه با این موضوع چه وظایف مبرم را باید اجرا کرد؟

نخست اینکه باید امکانات ایجاد سازمان های اولیه در بین گروه های تولیدی و زحمتکشان به جدی ترین شکل مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. کار را باید طوری تنظیم نمود که اعضای موجود حزب در یک مؤسسه تولیدی عمدتاً شامل سازمان اولیه حزبی خود باشند. اگر تعداد اعضای حزب برای تشکیل سازمان اولیه کافی نباشد، پس باید کار فعال و هدفمند در جهت جذب بهترین کارمندان مؤسسه به حزب دموکراتیک خلق افغانستان سازمان داده شود. این کار به حزب امکان خواهد داد تا در آن مؤسسه سازمان اولیه داشته باشد. و اساساً در همین کار هدفمند هم تأثیر تنظیم کننده حزب بالای رشد صفوف آن انعکاس می یابد. در ضمن ایجاد سازمان های حزبی در قرا و قصبات نیز باید عین برخورد صورت گیرد.

تکرار می کنم، هر سازمان حزبی که جدیداً ایجاد می گردد، توسعه نفوذ حزب و امکانات آنرا برای جلب بیشتر مردم در مبارزه به خاطر تحقق آرمان های انقلاب ثور در بر دارد. شعبه تشکیلات کمیته مرکزی موظف است اینکار را تحت کنترول دائمی قرار دهد.

دوم اینکه، باید ترکیب منشی های سازمان های اولیه تقویت گردد و از تغییرات و تبدلات غیر ضروری آنان جلوگیری به عمل آید. تاکنون تعداد تغییرات و تبدلات بسیار زیاد است و تقریباً نیمی از منشی های سازمان ها کسانی اند که مدت اشتغال شان به این وظیفه کمتر از یکسال بوده است.

در چنین وضع افراد موفق نمیشوند تجربه لازم را فرا گیرند. بر کار خویش مسلط گردند و اوضاع را مورد مطالعه دقیق قرار دهند. خلاصه اینکه نمی توانند به مسئولین واقعی حزبی مبدل گردند.

سوم اینکه، باید به ارتقای سطح کار درون حزبی جدی ترین و دقیقترین توجه صورت گیرد. به این منظور باید سعی ورزید تا کار پیشبرد و جریان جلسات حزبی

بهبود قابل ملاحظه حاصل نماید، تا این جلسات به مدرسه واقعی تربیت اعضای حزب مبدل گردد. ضرور است تا اجرای دقیق فیصله‌های اتخاذ شده کنترل جدی بر آن سازمان داده شود. باید این امر را تأمین نمود که همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب به عرصه‌های متنوع کار عملی جلب گردند و قبل از همه از طریق اشتراك فعال در حیات سازمانی خویش، گسترش انتقاد و انتقاد از خود و اشتراك در طرح و تدوین نظر دسته جمعی سازمان، تربیت حزبی حاصل نمایند. بالاخره، کمیته‌های حزبی باید رهبری سازمان‌های اولیه را بهبود بخشند. در این رابطه می‌خواهم خاطر نشان سازم که بهبود رهبری سازمان‌های اولیه را نباید به حیث اقدام مهم مؤقتی تلقی نمود. این روند باید دایمی باشد. زیرا رشد آن با تکمیل و بهبود فعالیت حزب در مجموع ارتباط دارد. کارمندان کمیته‌های حزبی موظف اند از کار و فعالیت سازمان اولیه به خوبی مطلع باشند. به کثرت از آنها دیدن نمایند و در حل پروبلم‌های شان کمک مشخص کنند. در مجموع باید کمیته‌های حزبی با سازمان‌های اولیه ارتباط محکمتر و بهتر داشته باشند و بیشتر بر آنها اتکا نمایند.

باید با فعالین و مخصوصاً منشی‌های سازمان‌های اولیه کار منظم صورت گیرد. درست خواهد بود که کمیته‌های حزبی در هنگام تعیین این یا آن عضو حزب به مقامات معین، نظر مسؤولان سازمان اولیه را هرچه کاملتر مد نظر داشته باشند.

رفقا!

حزب ما تنها از طریق افراد مورد اعتماد و دارای توانایی واقعی برای انجام وظایف دشوار می‌تواند سیاست خود را در عمل تحقق بخشد. رهنمای ما حکم مشهور است که برای تحقق سیاست انسان‌هایی لازم اند که ضرورت این سیاست را درک کنند و بتوانند آنرا با موفقیت در عمل پیاده نمایند. هیچ سیاستی را بدون انعکاس و تجلی آن در تعیین و تبدیل افراد نمیتوان به پیش برد. به همین سبب نیز انتخاب، جابجا ساختن، تعیین، تقرر و تبدل درست کادرهای رهبری کننده، امر حیاتی حزب و یکی از با اهمیت ترین و فوق‌العاده ترین وظایف است. به همین سبب نیز تحقق سیاست کادرها یکی از عمده ترین مسایل را در فعالیت بیروی سیاسی و دارالانشا کمیته مرکزی و سایر ارگان‌های حزبی تشکیل میدهد. بدون درک دقیق و روشن این موضوع از جانب فعالین حزبی و کارمندان رهبری دستگاه دولت، عملی ساختن درست سیاست کادرها نیز ممکن نیست. به نوبه خود بدون

این امر حصول اهداف ما، تکامل انقلاب و دفاع موفقانه از آن نیز امکان پذیر نیست. به این ترتیب بین سیاست و فعالیت کادرها ارتباط متقابل و وابستگی متقابل محکم و گسست ناپذیر وجود دارد.

همه ما میدانیم که در جریان سال‌های متمادی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان اصطلاح «کادرها»، به گروه بالنسبه محدود اعضا و فعالین حرفه‌ی‌ی دارای زیادترین سابقه عضویت یا ستاژ حزبی اطلاق می‌شد که وظایف پراهمیت و پرمسؤولیت حزب را به دوش داشته خدمات ارزنده بزرگ را برای حزب انجام میدادند. چنین تفسیر از کلمه «کادرها» در آن زمان درست، طبیعی و قابل فهم بود. اما اکنون که حزب دموکراتیک خلق افغانستان مبدل به حزب حاکم شده و هرچه بیشتر خصلت توده‌ی‌ی را به خود می‌گیرد، هنگامی که نفوذ و تأثیر آن بر همه عرصه‌های زندگی جامعه ما، بر همه طبقات و اقشار گسترش می‌یابد، به تعداد هرچه بیشتر کارمندان رهبری که سیاست حزب را درست درک نمایند و به طور بلاانحراف در عمل پیاده کنند، ضرورت جدی احساس می‌گردد. اکنون اصطلاح و مفهوم «کادرها» نیز مملو از محتوای نوین گردیده و توسعه بیشتر یافته است. با اتکا بر احکام تیوری علمی-انقلابی و تجربه عملی احزاب حاکم انقلابی مفهوم «کادرها» را میتوان چنین تعریف کرد:

کادرها عبارت از ترکیب اساسی کارمندان دارای آماده‌گی در کار رهبری در ارگان‌های حزبی، دولتی و اقتصادی است که وظیفه دارند تحقق مشی سیاسی مطروحه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را سازمان دهند. به اساس این تعریف ما باید «سیاست کادرها» را به حیث عملی ساختن اصول، اشکال و میتودهای انتخاب، جا به جا ساختن، تعیین و تربیت کادرهای رهبری در شرایط مشخص تاریخی فعالیت حزب درک نماییم.

پیروزی انقلاب ثور و سیاست کادرها که به وسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح و تدوین شده است، امکانات و شرایط اساساً نوین را برای بالاکشیدن کادرها در کار رهبری و تربیت کادرها به وجود آورد. این امکانات و شرایط چگونه است؟

اکنون نمایندگان همه اقشار زحمتکشان می‌توانند در همه ارگان‌های رهبری بدون

استثنا قرار داشته باشند. اکنون حزب با اتکا بر برخورد طبقاتی در حل پروبلم‌های مربوط به کادرها به این امر آغاز نموده و باید آنرا با پیگیری ادامه بدهد تا سازمان دهندگان پر استعدادی که از میان توده‌های مردم بر خاسته اند، هرچه بیشتر در مقامات رهبری بالا کشیده شوند. اینان نمایندگان طبقه کارگر و دهقانان و روشنفکران اند که آبدیده‌گی انقلابی حاصل نموده و وفاداری به امر انقلاب و توانایی کار را در خود به هم پیوند داده اند.

اکنون محدودیت‌های قومی و ملی که در گذشته مانع رسیدن نمایندگان تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل و طن ما به مقامات رهبری می گردید دیگر وجود ندارد. سیاست ما در این زمینه روشن و مبتنی بر حل پیگیر مسایل کادرها از موقف برابری همه ملیت‌ها و اقوام افغانستان است. حزب این سیاست را به مثابه اساس مطمئن برای متحد شدن تدریجی زحمتکشان ملیت‌های مختلف کشور ارزیابی می کند.

اکنون معیارهای عمده برای انتخاب کادرها را خصوصیات سیاسی و عملی افراد تشکیل میدهد. حالا این اصل در حزب ما شهرت یافته و در اسناد و دستورالعمل‌های آن درج و اعلام گردیده است. اما متأسفانه مواردی زیادی از عدم رعایت آن نیز وجود دارد و مفهوم «خصوصیات سیاسی و عملی» به طور دلخواه و اکثراً نادرست توجیه و تفسیر می گردد. پس بیایید، در رابطه با این وضع به یگانه درک درست این مفهوم که و.ای. لنین ضمن طرح و اساسگذاری اصول انقلابی سیاست کادرها، توضیح میدارد، مراجعه کنیم. لنین تحت مفهوم خصوصیات سیاسی، وفاداری به انقلاب و حزب را مد نظر داشت و خصوصیات عملی را عبارت از توانایی سازمان دادن کار دوستانه، رفیقانه، صمیمانه و مشترک، داشتن صلاحیت کار و تسلط بر امور میدانست.

تاریخ، مؤثریت و عملی بودن این معیارها را به اثبات رسانیده است و ما حق نداریم یک گام هم از آن عقب رویم، هدف عمده بی که با سیاست حزب در مورد کادرها تعقیب می گردد عبارت از اینست که همه بخش‌های کارحزبی، دولتی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی را کسانی رهبری کنند که به حزب و مردم وفادار و به امور مربوط وارد بوده و استعداد لازم را داشته باشند. در مرحله نوین انقلاب در این جهت کار قابل ملاحظه صورت گرفته است.

اپارات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته‌های ولایتی، لوی ولسوالی، شهری، ناحیوی و ولسوالی، ایجاد و با تعدادی از کادرها تکمیل گردیده است. تعداد زیادی از اعضای شایسته حزب برای کار رهبری در ارگان‌های اداره دولت و به سازمان‌های اجتماعی- توده‌یی فرستاده شده اند.

اما کار در زمینه ایجاد و رشد ترکیب کیفی لازم کادرهای رهبری کننده به تکمیل و بهبود دائمی و توجه روزمره کمیته مرکزی، کمیته‌های ولایتی و سایر کمیته‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضرورت دارد.

مسئله استقرار کادرها و باقی ماندن آنها در مقام معین برای مدت لازم هنوز هم حل نشده باقی مانده است. هویداست که هر سازمان و مخصوصاً سازمان حزبی و اجتماعی فقط در صورت پایدار ماندن معین ترکیب اساسی کادرهای که با امور سازمان آشنایی داشته با اطمینان به آن می پردازند، میتواند به طور عادی کار کند. دقت و نظم در کار همه حلقه‌ها یکباره گی نه، بلکه با مرور زمان و آشنایی مسؤولان به وظایف و به هم جوش خوردن گروه کارمندان و ایجاد رابطه محکم، اعتماد و تفاهم متقابل بین مسؤولان و کارمندان به وجود میاید.

در رابطه با تغییر و تبدیل کادرها باید گفت اینکه: یا کادرها درست و باغور و بررسی عمیق بر خصوصیات و امکانات شان انتخاب نمی شوند یا اینکه در تبدیلی آنان شتابزده گی بی موجب صورت می گیرد. به این ترتیب به افراد موقع داده نمی شود تا به نخستین نتایج کار خود برسند. در نخستین عدم موفقیت به جای اینکه به ایشان کمک صورت گیرد، سعی به عمل می آید تا آنرا تبدیل نمایند.

اکثر شنیده می شود که دشواری عمده در حل مسایل مربوط به کادرها، عدم کفایت کارمندان دارای آمادگی لازم است. البته از لحاظ عینی چنین دشواری واقعاً هم وجود دارد، ولی ما نباید ضمن جستجوی کادرها به یک گروه محدود افراد اکتفا نماییم. آیا ما افراد جدیدی را که صفوف حزب را تکمیل می‌نمایند، به خوبی می شناسیم؟ در حزب ما که اکنون چندین هزار عضو دارد بدون تردید تعداد قابل ملاحظه سازمان دهنده گان با استعداد که می توانند بخش‌های از کار را رهبری کنند وجود دارد.

وظیفه شعبات کمیته مرکزی، کمیته‌های ولایتی و سایر کمیته‌های حزبی است تا

چنین افراد را جستجو کنند و دریابند و با جسارت و دلیری و مواظبت بیشتر آنانرا رشد دهند و به کار بگمارند.

چنانکه در کنفرانس سرتاسری حزب خاطر نشان گردید ضرورت است تا به منظور تحقق موفقانه سیاست کادرها سیستم منظم آماده ساختن و تجدید آمادگی کادرها طرح گردد. البته هم اکنون این سیستم بوجود می آید.

انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب به ایفای نقش هر چه فعالتر در آماده ساختن کادرهای سطوح متوسط ارگان‌های حزبی، ارگان‌های محلی دولتی، سازمان‌های جوانان و زنان و اتحادیه‌های صنفی آغاز نموده است. یک تعداد قابل ملاحظه کادرها دوره آمادگی را در اتحاد شوروی، بلغاریا، جمهوری دموکراتیک آلمان و چکوسلواکیا و سایر کشورهای سوسیالیستی سپری می‌نمایند. کمیته‌های حزبی موظف اند تا کار انتخاب افراد را برای شمول به مؤسسات تعلیمی حزبی بهبود بخشند. استفاده درست تر و بهتر از فارغان این مؤسسات نیز اهمیت کمتر ندارد. متأسفانه تا کنون به این مسئله توجه لازم صورت نگرفته است.

شعبه تشکیلات کمیته مرکزی موظف است تا همراه با کمیته‌های حزبی مربوط، نظم و ترتیب جدی را در این عرصه برقرار سازد.

قادر بودن به انتخاب درست و تربیت کارمندان جدید مهمترین جهت کار حزبی و شرط حتمی رهبری مؤثر را تشکیل می‌دهد. برخورد دقیق، پر مواظبت و توجه به کادرهای حزب باید همراه با سطح عالی مطالبات خواست جدی نسبت به امر سپرده شده و اجرای تصامیم حزب و دولت باشد.

رفقا!

برای رهبری موفقانه تکامل جامعه و کشور ضرور است تا حزب ما کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و تمام فعالین حزب نسبت سازماندهی فعالیت خود و ارزیابی نتایج آن برخورد جدید و متفاوت از گذشته داشته باشند اشکال، طرق، اسلوب و میتودهای نوین کار را که امکان حصول موفقیت را به بهترین وجه تأمین می‌نماید، فراگیرند.

مشخصه بارز فعالیت همه حلقه‌های حزبی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

خلق افغانستان تا سازمان اولیه را باید نظم و ترتیب در کار، فهم امور، برخورد خلاق و در عین زمان واقع‌بینانه نسبت به حل مسایل حیات اجتماعی-سیاسی، ارتقای دایمی سطح مطالبات نسبت به کادرها و همه اعضای حزب و رشد متداوم سطح کار سازمانی و ایدئولوژیک تربیتی، در بین توده‌ها، تشکیل دهد. این موضوع محتوای عمده و روح شیوه انقلابی کار را که امروز از ما مطالبه می‌گردد، می‌سازد. در شرایط کنونی درین شیوه کار خصوصیات و مشخصاتی چون پیروی بلاانحراف از تیوری انقلابی در برخورد با همه پدیده‌های حیات اجتماعی، فهم امور و احساس مسؤولیت عالی در قبال تحقق سیاست حزب و جلب هرچه بیشتر اعضای حزب در طرح و عملی ساختن تصامیم و فیصله‌های حزبی برجسته‌تر و متبازتر می‌گردد. منجمله مصوبه دارالانشاء کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در باره توسعه ترکیب کمیته‌های حزبی که چندی قبل پذیرفته شد متوجه این هدف است.

انقلاب از ما می‌خواهد که هر عضو حزب حامل خصوصیات عملی نوین و کرکتر نوین باشد. در محیط ما میراث گذشته چون بیروکراتیزم، عدم فعالیت، عدم توجه و بی تفاوت بودن نسبت به نیازمندی‌ها و توقعات انسان‌های ساده وطن غیرقابل تحمل است.

مسئله تنها بر سران نیست که از لحاظ تیوریک ماهیت انقلاب درک و روشن گردد، بلکه باید با پیگیری و توانایی و به طور مصرانه همه مطالبات آنرا در تمام عرصه های زندگی اجتماعی اعم از سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی برآورده ساخت.

رفقا!

مسئله وحدت صفوف حزبی را باید به طور خاص خاطر نشان ساخت. این مسئله، اساس تمام کار ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی حزب است. کمیته مرکزی و حزب در مجموع اهمیت درجه یک را به آن قایل بوده میتوان گفت که همه ما مصروف آن هستیم. این حرف مبالغه نیست. وضع وحدت صفوف ما شاخص سلامت همه حزب و قدرت پیکار جویی آن است.

وحدت صفوف حزب قبل از همه در کارانقلابی مشترك اعضای حزب تحکیم می‌یابد. به همین سبب نیز کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از

کسانی که خوب کار نمی کنند، و از خود ضعف دسپلین و عدم احساس مسؤولیت در اجرای فیصله‌های حزبی نشان می دهند با جدیت تمام و پیگیری لازم بازپرس به عمل خواهد آورد. نه تنها تعداد زیاد فیصله‌های سازمان‌های اولیه و کمیته‌های حزبی ولایتی بلکه حتی بعضاً مصوبات دارالانشا و بیروی سیاسی کمیته مرکزی نیز مورد اجرا قرار نمی گیرد. باید اجرای بلاقید و شرط و حتمی فیصله‌های اتخاذ شده به قانون انحراف ناپذیر برای همه حزب و به نیازمندی درونی هر عضو حزب مبدل گردد.

مظهر دیگر بی انضباطی، انحراف از معیارهای حیات حزبی و تخلف از اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

بسیار درست است که سختگیری و سطح مطالبات نسبت به متخلفین از دسپلین حزبی که با اعمال و رفتار خویش نام عضو حزب را لکه دار می سازند، ارتقا می‌یابد. اما این مسئله باید ما را وا دارد تا برای بهتر شدن وقایه و کار تربیتی در سازمان‌های حزبی فکر کنیم.

ما باید کار در جهت ارتقای هرچه بیشتر سطح ایدئولوژیک اعضای حزب را گسترش دهیم. توجه به مطالعه و آموزش آثار کلاسیک‌های تیوری علمی انقلابی و پروبلم‌های میرم تیوری انقلابی را تقویت بخشیم و اجرای تصامیم نهمین پلینوم کمیته مرکزی را تأمین نماییم.

شعبه تبلیغ، ترویج آموزشی کمیته مرکزی وظیفه دارد وضع این کار را در سازمان‌های اولیه به طور منظم کنترل نماید و به کمیته‌های حزبی کمک لازم میتودیک را مبدول دارد.

از نظر تأمین وحدت عمل در حزب لازم است تا فعالیت توده‌های حزبی تقویت یابد. کمیته مرکزی حزب ضرور می شمارد که در کار کمیته‌های حزبی باید گزارشدهی منظم از فعالیت خویش به سازمان حزبی معمول گردد. این کار یک نوع بازرسی از آنست که کمیته‌های حزبی منشی‌های سازمان‌های حزبی چگونه کار خود را مطابق فیصله‌های کنفرانس حزبی، پلینوم‌ها و جلسات فعالین پیش برده و تا چه حد در فعالیت خویش نظرات اعضای حزب را مد نظر می گیرند. این گزارشدهی به فعال شدن توده‌های حزبی و توسعه دموکراسی درون حزبی مساعدت

خواهد کرد.

اما مطلع ساختن به موقع اعضای حزب از ماهیت و انگیزه های فیصله‌های اتخاذ شده، یقین حاصل کردن به آنکه این فیصله‌ها درست درک و پذیرفته شده به آن معنی است که به موقع و در عمل از انواع شایعات، آوازه‌ها، تعبیرات و تفسیرات ذهنی گرانه و غیرمسئولانه جلوگیری می شود که در غیر آن ممکن است وحدت سازمان مربوط، توافق و اراده و عمل مشترک اعضای آن تضعیف گردد. در عین زمان باید گفت که لنین بزرگ خاطر نشان می نمود و هم تجربه به اثبات می رساند که بدون بررسی حزبی و علنی مسایل وحدت حزبی آگاهانه در عمل تأمین شده نمی تواند. لنین مسئله را چگونه مطرح می نمود؟ او می آموخت که قبل از همه باید مسئله مورد بررسی عمیق و همه جانبه قرار گیرد. نظرات مختلف بیان و شنیده شود. نظر اکثریت اعضای حزب روشن گردد. و این نظر در تصمیم عمومی بیان گردد این فیصله از روی وجدان و با مسؤولیت اجرا شود. لنین نتیجه گیری میکرد که: «اینست آنچه که همه جا در جهان، در میان انسان‌های معقول به نام وحدت یاد می شود. همه اینها برای ما نیز ضرور است و اهمیت حیاتی دارد تا بتوانیم وحدت حرف و عمل را تأمین نماییم. وظیفه تمام کار ایدئولوژیک تربیتی و سازمانی سیاسی ما امروز در آنست که این حقیقت های بزرگ و ساده به طور ارگانیک داخل زندگی حزبی ما گردد و به شیوه بلاانحراف کار حزبی ما مبدل شود.

ما باز هم به این مسئله بر میگردیم که مبارزه به خاطر یکپارچگی ایدئولوژیک و سازمانی حزب بر مبنای اصول تیوری انقلابی یکی از مهمترین قانونمندی‌های تکامل حزب بوده و باقی خواهند ماند. اما باز هم به این مسئله بر می گردیم. زیرا حزب با سعی در جهت استحکام هرچه بیشتر صفوف خود امکان می‌یابد تا اهمیت و سطح همه فعالیت خویش را ارتقا بخشد. بیایید مطالباتی را که زمان و مردم ما مطرح می سازند در عالیترین سطح ممکن برآورده سازیم.

رفقا!

امروز ما درین باره به خاطر تکرار صحبت نمی کنیم. بلکه قصد ما تقویت فعالیت عملی درین جهت است.

تربیت اعضای حزب با استواری ایدیولوژیک، جلب همه اعضای اصلی و آزمایشی به امور عملی سازمان‌های حزبی خودشان، بازپرسی از رعایت مطالبات اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان وسایل آزمایش شده‌یی است که با استفاده از آنها حزب ما می‌تواند صفوف خود را به خاطر پیروزی آرمان‌های انقلاب ثور هرچه بیشتر مستحکم و یکپارچه سازد.

رفقا!

مسایل استحکام سازمانی حزب ما از لحاظ اهمیت خویش تنها در چارچوب مسایل ساختمان حزبی باقی نمی‌ماند. تحکیم سراسر نظام انقلابی ما و تکامل هرچه بیشتر انقلاب ملی و دموکراتیک ثور نیز با حل مثبت و درست این مسایل ارتباط دارد.

اما این مسایل برای حل پروبلم‌هایی که راساً و مستقیماً در برابر ما قرار دارد، نیز حائز اهمیت حیاتی است. تقویت فعالیت سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی در محلات و بالنتیجه تقویت عمومی نفوذ حزب نیز به آنها بسته‌گی دارد. فعال شدن بیشتر گروه‌های دفاع از انقلاب، گروه‌های مقاومت و دفاع خودی و جلب هرچه بیشتر توده‌های وسیع برای اشتراک در امور عاجل و مبرم چون کمک به قطعات اردو، خاردنوی و مساعدت به ارگان‌های محلی قدرت انقلابی در اعمار مجدد سرک‌ها، پل‌ها، مکاتب، مساجد، پروژه‌های تولیدی و غیره نیز به مسایل استحکام سازمانی حزب بستگی دارد. بهبود کار سازمان‌های محلی جبهه ملی پدروطن، همه سازمان‌های اجتماعی- توده‌یی عضو آن نیز به این مسایل ارتباط می‌گیرد.

بالاخره تقویت کار سازمانی حزب و استحکام سازمانی آن موجب ارتقای مؤثریت فعالیت سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی در وزارت‌ها و ادارات، در ارگان‌های مرکزی و محلی دولتی، در اردو، خاردنوی و خاد می‌گردد. خلاصه همه حلقه‌های سیستم سیاسی، نیرو و انگیزه مهم برای اجرای موفقانه تر و سریعتر وظایف مطروحه می‌یابند.

صریح حرف می‌زنیم. ما میتوانیم و باید هم این وظایف را هرچه سریعتر و هرچه بهتر عملی سازیم. فراموش نکنید که در تعداد زیاد و سوالی‌ها، علاقه داری‌ها، قرا و قصبات تا هنوز مردم اهمیت پیروزی انقلاب ثور و مزیت‌های نظام انقلابی را احساس ننموده اند. آنان هنوز آزادی از قید باندهای ضدانقلاب، استقرار پایدار

قدرت انقلابی و تحقق تحولات ضرور به نفع زحمتکشان را انتظار دارند. به مفهوم وسیع کلمه، این موضوع نه تنها مربوط به ساحات و مناطقی می شود که در آن امحای باندهای ضدانقلاب صورت می گیرد، بلکه مناطق وسیعتر کشور را که ما هنوز فرصت نیافته ایم مجموع تحولات ذکر شده در بالا را در آنجاها عملی سازیم و تحکیم بخشیم، نیز در بر می گیرد. البته ما تصمیم اداره ریگن را برای توسعه بیشتر مداخله امریکا در امور داخلی کشور و امور منطقه نیز فراموش نمی کنیم و برای لحظه بی هم نادیده نمی گیریم.

همه این اوضاع چنان تدابیر سازمانی و سیاسی را خواهان است که نظام ملی و دموکراتیک را دفاع و تضمین نماید و امکان تحقق برنامه اعلام شده تحولات را تأمین کند. ما اکنون بیش از هر وقت دیگر به وحدت، یکپارچگی و قاطعیت ضرورت داریم. ما به وحدت استوار، مؤثر و پایدار صفوف حزبی، اقدامات متحدانه و توافق یافته همه حلقه های دستگاه دولت و وحدت خلل ناپذیر ملی و وطنپرستانه بر اساس اصول تکامل ملی و دموکراتیک نیازمند می باشیم. دوست بزرگ و فراموش ناشدنی ما لیونید ایلیچ بریژنف می گفت:

«برای انقلابیون نه تنها هنگامی که انقلاب را آماده می سازند نه تنها هنگامی که توده ها را برای یورش به نظام کهنه اجتماعی رهنمایی می کنند وحدت ضرور است، بلکه در روند ساختمان حیات نوین ضرورت وحدت کمتر از آن نمی باشد.»

رفقا!

اجازه بدهید، ابراز اطمینان نمایم که کار و تصامیم دهمین پلینوم کمیته حزب دموکراتیک خلق افغانستان سهم جدی و عملی در تحکیم وحدت صفوف حزبی و وحدت ملی و وطنپرستانه مردم ما در مجموع خواهد بود. همچنان ابراز اطمینان نمایم که ساختمان بعدی و تکامل حزب ما با مطالبات زندگی و تکامل اجتماعی-سیاسی کشور ما در مجموع مطابقت هرچه بیشتر خواهد داشت. و بالاخره ابراز اطمینان و اعتقاد راسخ نمایم که با استحکام هرچه بیشتر حزب از لحاظ سازمانی و سیاسی ما وظایف مطروحه و رسالت تاریخی خود را در عالیترین سطح و به صورت کامل انجام خواهیم داد.

رفقا!

یکبار دیگر اعلام میداریم که ما با قاطعیت انقلابی در سنگر عظیم صلح، آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی، در سنگر استوار و در همبستگی بین‌المللی با کشورهای جامعه سوسیالیستی، جنبش‌های مترقی و کارگری و آزادیبخش ملی و اجتماعی، در مبارزه علیه ارتجاع، استعمار و امپریالیزم بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا دلیرانه و بی‌هراس قرار داریم و به انترناسیونالیزم پرولتری و به تیوری علمی انقلابی وفادار باقی خواهیم ماند.

رفقا!

در فرجام اجازه بدهید، به نماینده‌گی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و همه حزب ما، عمیقترین و صمیمانه‌ترین امتنان و سپاسگزاری را به حزب کمونیست اتحادشوروی و حکومت شوروی به خاطر کمک و پشتیبانی بینظیر و همه‌جانبه انترناسیونالیستی که به ما در مبارزه به خاطر ترقی ملی و اجتماعی نیرو و الهام می‌بخشد، ابراز نمایم.

ما در آینده نیز به سنن خلل‌ناپذیر دوستی افغان- شوروی پابند و وفادار بوده سعی خواهیم ورزید آنرا به مثابه ثروت بینظیر و گرانبها حفظ و هرچه بیشتر تقویت نمایم.

پیروزی از آن آرمان‌های ملی و دموکراتیک انقلاب ثور است.

رفقا! در جهت هدف غایی ما به پیش!

پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

در باره وظایف تاخیر ناپذیر حزب

در زمینه تطبیق سیاست اقتصادی مطروحه در برنامه عملی دوخ.و.

۲۸ صحت ۱۳۶۱

رفقا!

مسئله بی که امروز در پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطرح می گردد، برای کشور و حزب ما اهمیت عظیم و حتی میتوان گفت حیاتی دارد. من میخواهم فقط بر بعضی از جوانب اصولی قضیه و در گام نخست مستقیماً بر فعالیت حزب در عرصه اقتصاد و کار کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی در این ساحه صحبت نمایم.

مسائل اقتصادی مبرم انقلاب ما، سیاست حزب در عرصه اقتصاد، در کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور جدی، همه جانبه، دقیق و مشخص مورد بررسی قرار گرفت. این موضوع در اسناد کنفرانس و قبل از همه در سند اساسی آن یعنی برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یافته است. در پلینوم‌های نهم و دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید که تشدید کار اقتصادی حزب، تحقق پیگیر و بلاانحراف تدابیری در جهت بهبود زندگی مردم، به مثابه عامل ضروری توسعه پایه اجتماعی رژیم انقلابی و تجرید اجتماعی و سیاسی نیروهای ضدانقلابی به شمار می رود. به این ترتیب واضح است که ما ساحه مهم و پرمسئولیتی چون اقتصاد و کار اقتصادی حزب را هیچگاه از نظر دور نداشته ایم.

چرا بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مسئله تقویت

و رشد اقتصاد کشور و ارتقای نقش حزب را در فعالیت اقتصادی غرض بررسی به یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی پیشنهاد مینماید؟

زیرا، وضع اقتصاد برای ما به هیچوجه قناعتبخش نیست و همچنین وضع کنونی اقتصاد نیازمندی‌های دولت و مردم را از لحاظ محصولات زراعتی و صنعتی و عواید مالی به اندازه لازم مرفوع نمی‌سازد. البته در طی پنجسال بعد از انقلاب کارهای زیاد صورت گرفته است؛ اما بدون تقویت، توسعه و رشد بیشتر اقتصاد یعنی پایه مادی جامعه ما، چون هر جامعه مترقی دیگر، که انقلاب میکند، بدون رشد تولید زراعتی و صنعتی و تجارت، ترانسپورت، امور ساختمانی و استخراجی و غیره، ایجاد زندگی نوین و بهتر از گذشته برای مردم امکان پذیر نیست.

آیا ممکن است مردم از خوراک و پوشاک بیشتر و ارزانتر مستفید گردند در حالی که حاصلات گندم و سایر حبوبات کچالو، سبزیجات، میوه‌جات، پنبه و غیره تعداد حیوانات کمتر گردد؟

آیا دولت می‌تواند دستمزد زحمتکشان را افزایش بخشد، فابریکه‌ها و کارخانه‌ها، سرک‌ها و جاده‌های جدید اعمار نماید و تعداد مکاتب و شفاخانه‌ها را بیشتر سازد، در حالیکه عواید مالی دولت و حجم تجارت خارجی کاهش یابد؟ جواب روشن است: در صورت کاهش تولید در کشور، وضع زندگی مردم خرابتر می‌گردد. اینست دلایلی که بنابر آن اقتصاد باید به حیث وظیفه مبرم در مرکز توجه همیشگی حزب و حکومت قرار گیرد. عطف توجه و مواظبت نسبت به ترقی اقتصادی در عین حال توجه و مواظبت نسبت به سرنوشت انقلاب، توسعه پایه اجتماعی آن، توجه و مواظبت نسبت به مردم و فردای آنست. این امر باید جداً کار هر روز و هر لحظه سراسر حزب، همه کمیته‌ها و سازمان‌های آنرا تشکیل دهد.

بعضاً ما به نکته و اصلی مواجه می‌گردیم که می‌گویند اکنون سرکوب ضدانقلاب امر عمده است، به اقتصاد بعد از امحای باندها می‌پردازیم. چنین طرح مسئله یعنی موکول ساختن وظایف اقتصادی به سرکوبی کامل ضدانقلاب از ریشه نادرست است. این کار انقسام مصنوعی دو وظیفه متقابلاً بهم مرتبط و ناگسستنی یعنی سرکوبی ضدانقلاب و رشد اقتصاد است که هر دو پیوند ضروری و ارگانیک با هم دارند. زیرا مبارزه با ضدانقلاب خواهان بسیج نه تنها نیروهای بشری، بلکه

منابع اقتصادی و مادی نیز است. به این مفهوم هر دستاورد اقتصادی ما نیز ضربه‌یی است به دشمن که در بسیاری حالات اهمیت کمتری از عملیات موفقانه نظامی ندارد. در نظر اول چنین معلوم می‌شود که همه چیز روشن و واضح است؛ لیکن ما باید صریح و نقادانه اعتراف نماییم که هنوز کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی شعبات آپارات حزبی و قبل از همه شعبات اقتصادی و بالاخره همه حزب طوری که شاید و باید به امور اقتصادی نمی‌پردازند و نقش و مسؤولیت خود را در تحقق سیاست اقتصادی و این امر که باید در زمینه توجه و مساعی لازم معطوف گردد، درست و به صورت انقلابی درک نمی‌کنند. رفقای ما هنوز عادت نکرده اند که به فعالیت اقتصادی بپردازند. اهمیت واقعی حیاتی آنرا برای حزب و انقلاب به صورت علمی و عملی تشخیص نمی‌دهند و میدانند چگونه با این مسایل برخورد اصولی شود و با صلاحیت حل و فصل گردد. جداً باید گفت که این پدیده در حزب و حکومت ما بسیار و بسیار منفی است و از ریشه نادرست است. عضو حزب، با گذشت پنجسال از انقلاب ثور که هنوز هم نداند و یا نخواهد بداند که پیروزی ما بدون حل و فصل درست، پیگیر و هرچه کاملتر پروبلم‌های حاد اقتصادی که مستقیماً با منافع میلیون‌ها زحمتکش ارتباط دارد، امکان پذیر نیست، چنین عضو حزب مخصوصاً اگر به وی مقام پر مسؤولیت اعتماد شده باشد، باید تحت مؤاخذه و بازخواست جدی قرار گیرد. متوجه ساختن فکر و عمل همه اعضای حزب به سوی اقتصاد به معنی متوجه ساختن همه حزب به مردم و نیازمندی‌ها و آرزوهای اساسی آنها در عمل است و نه در حرف.

تیوریسن و سازمانده بزرگ انقلابی و رهبر پرولتاریای جهان می‌آموخت که اقتصاد، بهره‌دهی کار، تأمین رشد همه جانبه نیروهای مولده در آخرین تحلیل، مهمترین و عمده ترین مسئله برای پیروزی نظام اجتماعی نوین و پیشرو، برای محو عقب مانده‌گی و رسیدن به ترقی همه جانبه به شمار می‌رود. به اقتصاد، نقش و اهمیت فعالیت اقتصادی باید اینطور نگریست، و من صریحاً می‌گویم: اگر ما قبل از انقلاب ثور نتوانستیم کادرهای خود را با شیوه درست تفکر بر مسایل اقتصادی و برخورد سالم نسبت به مسؤولیت اقتصادی حزب برای بعد از پیروزی انقلاب مجهز سازیم، اکنون دیگر این وضع غیر قابل تحمل است. منجمله باید گفت که در کار سازمان‌ها و کمیته‌های حزب هنوز هم مسایل اقتصادی مقام لازم را اشغال نکرده است. نتایج بررسی نشان داده است که در مجموع مسایل مورد بررسی در

سال جاری در بیست و یک کمیته ولایتی حزب مسایل اقتصادی فقط شش فیصد را تشکیل میدهد.

رفقا!

منشی‌های کمیته‌های حزبی ولایتی توجه شان جداً به این امر معطوف می‌گردد و کمیته‌های ولایتی لوگر، پروان، غور، وردک، پکتیا، ننگرهار، بغلان، بدخشان یا اینکه یک یا دو مسئله اقتصادی را مورد بررسی قرار داده و یا اینکه هیچ مسئله اقتصادی را مطرح نساخته‌اند. در صورت چنین وضع معلوم می‌شود که کمیته‌های حزبی نمی‌توانند مسایل مهم مربوط به بهبود شرایط زندگی زحمتکشان را حل نمایند. درین صورت وظیفه مقامات رهبری حزبی است که در زمینه، تصمیم لازم در مورد چنین اشخاص و کمیته‌ها اتخاذ نماید.

در رابطه با این موضوع بجاست تذکرات رهبر پرولتاریای جهان را یادآوری کرد. هنگامی که وی اطلاع یافت که در جلسات ارگان‌های حزبی و دولتی اکثریت مسایل مورد بررسی را صرفاً مسایل سیاسی و تبلیغاتی می‌سازد گفت: «باید برعکس، باشد. واقعاً هم مسایل اقتصادی در کار کمیته‌های حزبی مقام پایینتر از آنچه را که در زندگی مردم دارد نباید داشته باشد. در غیر آن مردم ما، حزبی‌ها را درک نخواهند کرد. در رابطه با این موضوع صریحاً باید گفت که کار شعبات اقتصادی حزب به بهبود قطعی ضرورت دارد. این شعبات هنوز به قرارگاه‌های رزمی حزب در امر تحقق سیاست اقتصادی آن در محلات، به مراکز کار در جهت بسیج مردم برای بازسازی مؤسسات، سرک‌ها، پل‌ها، افزایش تولید، بهبودی تأمین احتیاجات مردم و حفظ آنچه که تولید میشود و انتقال می‌یابد، مبدل نشده‌اند. درینجا تجدیدنظر قطعی در امر برخورد رفقای مسؤول و کارمندان شعبات اقتصادی کمیته‌های حزبی نسبت به امور مربوط و نسبت به وظایف شان در برابر حزب و مردم ضروری است. و بالاخره از کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی جداً خواسته می‌شود که در برخورد خود نسبت به سازماندهی و تحقق کنترول بر اجرای تصامیم اتخاذ شده تجدید نظر قطعی نموده تغییر ریشه‌یی وارد سازند. این سخن که بسیاری از تصامیم اتخاذ شده تحقق نمی‌پذیرد یک واقعیت دردناک است. عدم موجودیت کنترول مؤثر بر اجرای تصامیم اتخاذ شده در فعالیت اقتصادی ما پدیده کاملاً غیرقابل تحمل است. این پدیده نشانه ضعف کار اپارات حزبی و دولتی می‌باشد. فقط با مبارزه آشتی‌ناپذیر با این

پدیده و برخورد جدی و قاطع با آن میتوانیم این نقص بزرگ و مرگ آور را رفع نماییم.

اینک تذکری در باره یک موضوع دیگر: بعد از این کار ایدئولوژیک باید مجدانه و به مراتب بیشتر از گذشته با حیات اقتصادی و فعالیت حزب و دولت در عرصه اقتصاد، ارتباط داشته باشد. سیاست حزب باید برای توده‌های وسیع مردم قابل فهم باشد و به جلب آنان در امر احیا و رشد اقتصاد مساعدت کند. تجارب سازمان‌های حزبی پیشرو، ابتکارات و دستاوردها در عرصه کار باید دائماً از طریق رسانه‌های گروهی پخش و معرفی گردد. زمان آن فرارسیده است که آموزش منظم و پلان شده مبادی دانش اقتصادی هم از لحاظ تیوریک و هم از لحاظ عملی مشخص برای کادرهای حزبی سازمان داده شود. شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موظف است همه این مسایل را بررسی و مجموعی از تدابیر را در زمینه طرح نماید.

رفقا!

به یک سوال جدی برمی‌خوریم، باید به صراحت لهجه گفت که موضع ما از لحاظ اقتصادی موضع انقلابی است، طوری که در دیگر شئون حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اداری، حقوقی، فلسفی و غیره و غیره منحنی یک سیستم جامعه به آن معتقدیم و لیکن با کمال تأسف باید اعلان بدارم که عده‌یی از رفقا هستند که هنوز با آموزش اقتصادی تیوری علمی انقلابی بیگانه هستند. تا ما این آموزش را عمیقاً فرا نگیریم، نمی‌توانیم وظایف جدی و انقلابی خود را از لحاظ تنوری و پراکتیک در اوضاع و احوال و شرایط بخصوص جامعه افغانستان و کشور ما و بخصوص در وضع مبرم روز درک و تشخیص نماییم. وقتی که ما وظایف مبرم اقتصادی را درست درک و تشخیص ندهیم و بخصوص کرکترستیک و خصوصیات جامعه خود را درست درک نکنیم، چگونه می‌توانیم اهداف ستراتیژیک اقتصادی حزب و انقلاب را درک کنیم و به آن تحقق ببخشیم.

رفقا!

همه میدانند که اعمار اقتصادی جامعه ما در شرایط پیچیده و دشوار جریان دارد. باندهای مسلح ضدانقلاب با کمک و پشتیبانی وسیع و همه جانبه امپریالیزم و ارتجاع

منطقه به سیاهکاری‌های خویشی ادامه می‌دهند. این نیروها تلاش می‌ورزند بینظمی اقتصادی را به میان آورند. تولید و تأمین کالاها را مختل سازند. گرسنگی را ایجاد نمایند، یا به اختصار بگوییم می‌خواهند به قیمت بدتر ساختن شرایط زندگی مردم، اعتماد آنانرا نسبت به حاکمیت انقلابی زحمتکشان و توانایی این حاکمیت را برای عادی ساختن اوضاع، تضعیف نمایند.

خساراتی که به وسیله ضدانقلاب مسلح وارد شده است بالغ بر بیست و چار میلیارد افغانی می‌گردد و شاید هم بیشتر به این خسارات حتماً تأثیرات منفی را بر پلان‌های ما وارد آورده، پیشرفت را کند نموده و مردم را از حصول آنچه که پیش بینی شده بود، محروم ساخته است. همه اینها واضح است. اما، اگر وضع را از لحاظ محاسبات کلی و عمومی نظامی، سیاسی امپریالیزم بررسی کنیم، با اطمینان می‌توان گفت که این محاسبات و پلان‌های آنان نقش بر آب شده است. ما یقین داریم که تاکتیک باندیتیزم اقتصادی خرابکاری نیز با شکست مواجه خواهد شد. آنان موفق نشدند تولید زراعتی و صنعتی و کار ترانسپورت و مواصلات را فلج و جریان زندگی اقتصادی کشور را مختل سازند. ما توانایی آنرا داریم که وظایف جدی را در عرصه اقتصاد مطرح سازیم و به اجرای موفقانه آن نایل آییم.

امروز در پلینوم ما، یعنی در پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه بازسازی صنایع و زراعت را به مثابه وظیفه عمده سال‌های نزدیک مطرح می‌سازد تا در جریان سال‌های ۱۳۶۲-۱۳۶۳ در رشته‌های اساسی اقتصاد به پیشرفت‌هایی نایل آییم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همه اعضای حزب، تمام وطنپرستان و همه زحمتکشان کشور دعوت به عمل می‌آورد که نیرو و انرژی خودرا صرف حصول این هدف شریفانه و انقلابی سازند.

اتحادشوروی بزرگ و نیرومند، کمک اقتصادی عظیم و گرانبهایی به کشور ما می‌بخشد. دشمنان ما مذبحخانه سروصداهایی را درباره موجودیت قطعات محدود نظامی اتحادشوروی در کشور ما به راه می‌اندازند. آنان گلوی خویش را پاره خواهند کرد، ولی موفق نخواهند شد حقایق را بپوشانند. کمک اقتصادی و علمی-تخنیکی اتحادشوروی به کشور ما تأثیرات مثبت و مفید را بر عادی ساختن اوضاع و حل پروبلم‌های حاد اقتصادی بجا می‌گذارد.

من از این امکان استفاده نموده، سپاسگزاری و امتنان عمیق قلبی خود را به دوست بزرگی ما رفیق یوری ولادیمیر ویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر کمک واقع حیاتی و مهم به افغانستان ابراز میدارم. مردم افغانستان و نسل‌های آینده جمهوری دموکراتیک افغانستان و فرزندان مردم زحمتکش افغانستان هیچگاه این کمک و همکاری را فراموش نخواهند کرد. وظیفه و وجیبه ماست تا این کمک شریفانه و بی‌شایبه و برادرانه به طور کامل و مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

من در این باره برای آنانی صحبت می‌نمایم که در نزد بعضی‌شان چنین تصویری وجود دارد که گویا کمک‌های اتحاد شوروی خود به خود همه پروبلم‌های ما را حل می‌نماید این موضوع نادرست است. آری، اتحاد شوروی به ما در امر دفاع از حاکمیت ملی و استقلال کشور کمک همه جانبه مبذول میدارد. از لحاظ اقتصادی پشتیبانی حیاتی و مهم می‌نماید و تجارب پیشرفته و مهم را در عرصه کار حزبی و دولتی در اختیار ما می‌گذارد، لیکن باز هم کمک دوستان تنها می‌تواند به رشد انقلاب مساعدت کند. وسیله عمده مساعی و کار خود ما و شما است. ما خود باید در مورد حل مسایل رشد اقتصادی تصمیم بگیریم و مسؤولیت این تصمیم نیز به عهده خود ماست. کمک دوستان مسؤولیت ما را سبکتر نمی‌سازد، بلکه برعکس افزایش میدهد. بنابراین هر عضو اصلی و آزمایشی حزب باید این مسؤولیت را واقع احساس و عمیقاً درک نماید و چنان کار کند که شایسته‌گی خود را برای این اعتماد دوستان ما ثابت سازد.

به همین سبب، رفقا یک بار دیگر از شما و از طریق شما از همه حزب دعوت به عمل می‌آید تا در حل پروبلم‌های اقتصادی از خود فعالیت ابتکار، خلاقیت شجاعانه و حتی از جانگذاری نشان بدهید.

رفقا!

مسایل اقتصادی حل نشده ما بسیار است و همه آنها حاد و مبرم بوده و تمام زحمتکشان و توده‌های وسیع مردم حل درست و به موقع آنها را انتظار دارند. اما توجهی که از جانب کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، دستگاه دولتی، وزارت‌ها و ادارات و سازمان‌های اقتصادی به این پروبلم‌ها صورت می‌گیرد، واضحاً

غیرکافی است. در نتیجه ما موفق به حل یک سلسله پروبلم‌های حاد اقتصادی نمی‌گردیم. منحصراً مثال مسئله بازسازی و فعال ساختن مؤسسات اقتصادی تخریب شده یعنی فابریکه‌ها، کارخانه‌ها، دستگاه‌های تولید و لاین‌های انتقال برق، خطوط مخابراتی، تأسیسات آبیاری و غیره را متذکر می‌شویم. من خودم در جریان مسافرت‌ها به نواحی مختلف کشور و دیدار با زحمتکشان متیقن شدم که آنان آماده اند سهم خود را در امر میرم و نزدیک به خودشان ایفا نمایند و هم در محلات امکانات لازم وجود دارد. در عین زمان بازسازی و فعال ساختن مؤسسات تخریب شده و یا متوقف شده به طور غیرقابل تحمل بطی و در مقیاس محدود صورت می‌گیرد. بازسازی بسیاری از مؤسسات مذکور تحت آتش دشمن صورت می‌گیرد و این مسئله را نمیتوان نادیده گرفت. اما تعداد زیاد این مؤسسات در مناطقی غیرفعال اند که در آنجا هیچ باندی وجود ندارد و ضمن این وضع مدت مدیدی است ادامه دارد. یکی از علل این وضع عدم احساس مسؤلیت انقلابی و وطنپرستانه، عدم نظم و ابتکار، بی تفاوتی و سهل انگاری، تنبلی و بی‌علاقه‌گی، عدم توانایی و یا نداشتن روحیه انقلابی و آرزو برای کار به شکل شاید و باید است. من فکر می‌کنم اعضای کمیته مرکزی توافق دارند که چنین کارمندانی را نمیتوان دیگر مجازات نکرد. بگذار دیگر هیچ کسی امیدوار نباشد که با ناکامی در یک عرصه کار به عرصه دیگر با حفظ امتیازات و یا حتی ارتقای مقام و افزایش معاش تبدیل می‌گردد. چنانچه متأسفانه تاکنون موارد زیادی از این قبیل به نظر می‌رسد، اما بعد از این دیگر چنین نخواهد بود.

دیگر اینکه تقویت فعالیت اقتصادی در محلات باید همراه با تحکیم دفاع خودی و جلب زحمتکشان به آن صورت گیرد. تا هنوز نتوانسته ایم این حقیقت ساده را در عمل پیاده نماییم. دهقانی که به کشت غله و چوپانی که به تربیه حیوانات می‌پردازد، ضرورت دارند که غله حیوانات و محصولات حیوانی شان از شر باندیت‌ها و دزدان مصئون باشد و به صورت محفوظ به بازار عرضه گردد. کسانی که به تولید محصولات می‌پردازند، خواه کارگر، خواه دهقان و یا چوپان باشد، در حفظ آن عمیقاً ذینفع اند. هر قدر هم درینجا نقش اردو و خاندوی بزرگ باشد، باز هم متصور نیست که هر کشتزار و هر رمه حیوانات فقط به وسیله نیروهای مسلح نظامی حفظ گردد. وظیفه ارگان‌های حزبی، دولتی و نظامی است که به زحمتکشان در این امر مهم کمک نموده گروه‌ها و گروپ‌های دفاع خودی را وسیعتر و با

شجاعت تنظیم کنند و مولدین را برای دفاع از آنچه که خود تولید می کنند، سازمان دهند. این کار هم بالای تولید و هم بالای تأمین اهالی از لحاظ محصولات اثر مفید و مثبت می گذارد. این وظایف تنها اهمیت اقتصادی ندارد و اجرای آن به نفع انقلاب به طور عموم نیز است.

رفقا!

اکنون در باره بعضی از پروبلم های مشخص اقتصاد کشور و وظایف حزب و دولت در این عرصه صحبت می کنیم.

در این رابطه قبل از همه در باره وظایف مبرم در ساحه تولید صنعتی مطالبی بیان میداریم. اگر تولید انرژی برق، گاز، نفت، سمنت، محصولات صنایع سبک و خوراکی را افزایش نبخشیم، ما به رشد اقتصادی نایل نخواهیم شد. همه این محصولات را سکتور دولتی تهیه میدارد که ما برای رشد آن اهمیت بخصوص را قایل هستیم. آینده اقتصاد ما به طور کاملاً گسست ناپذیر با این سکتور ارتباط دارد. حزب این وظیفه را مطرح می سازد که به تأمین رشد فزاینده، تقویه و پیشرفت سکتور دولتی رجحان داده شود و ساختار آن، بهبودی حاصل نماید. در این جهت منابع مالی و مادی ضروری و کمک های سخاوتمندانه اتحادشوروی و سایر کشورهای برادر تخصیص داده می شود.

رفقا!

مسئله سکتور دولتی یکی از مسایل جدی، مبرم، اصولی، تیوریک و پراتیک ماست. مسئله تقویه سکتور دولتی یکی از وظایف عمده و اساسی ما طوری که قبلاً گفتیم، اساس مادی و فنی بزرگی تحولات اجتماعی را بعد از به پیروزی رساندن انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضدامپریالیستی تشکیل میدهد. حزب ما ارتقای سطح و رشد بیشتر و پلان شده سکتور دولتی را در ساحه اقتصاد ملی وسیله قاطع برای ارتقای سطح رفاه مادی و رشد ثروت اجتماعی به طور کل می شمارد. همه این وظایف خواهان آنست که کار کمیته ها و سازمان های حزبی و ارگان های دولتی با آن اهمیتی که سکتور دولتی در حال حاضر و در آینده دارد، مطابقت نماید. و این کار البته قبل از همه وابسته به توانایی و استعداد ما و صلاحیت ما در پیشبرد امور و حل پروبلم های سکتور دولتی است. ما باید بیاموزیم که چگونه پیشبرد امور

اقتصادی را مطابق به منافع مردم، با تأمین صرفه جویی در منابع دولتی، حفظ ثروت دولتی و تحکیم دسپلین حزبی و دولتی انجام دهیم. برای کمیته‌های حزبی این امر در عمل به معنی آنست که از وضع تولید باخبر باشند، علل دشواری‌هایی را که به وجود می‌آید، درک نمایند و حزب و همهٔ زحمتکشان را برای رفع آن بسیج سازند. توجه بخصوصی باید به تقویت رهبری اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان و سایر سازمان‌های اجتماعی مبذول گردد تا نقش آنها در تأمین کار بلاوقفه مؤسسات ارتقا حاصل نماید. بدیهی است که همهٔ این مسایل باید در رابطه محکم و نزدیک و همکاری با اداره حل گردد. کار مؤسسات مربوط سکتور دولتی، اشتراك سازمان‌های حزبی و اجتماعی این مؤسسات در امور تولیدی باید همیشه مورد توجه جدی کمیته‌های حزبی قرار داشته باشد. در این زمینه تأکید می‌نمایم که مورد توجه جدی و دایمی قرار داشته باشد. متأسفانه تاکنون اینطور نیست. خود قضاوت نمایید: از یکصد و ده مسئله اقتصادی که در طی سال جاری در بیست و یک کمیته ولایتی حزبی مورد بررسی قرار گرفته، بیشتر از ده موضوع آن مربوط فعالیت مؤسسات سکتور دولتی نبوده و باوجود آن یکبار هم مورد کنترول و بازرسی مجدد بر آنها صورت نگرفته است.

در باره یک مسئله دیگر می‌خواستم صحبت کنم. متأسفانه در نزد بسیاری از رفقا نسبت به سکتور دولتی برخوردی وجود دارد که بنابر آن سکتور دولتی منبعی است که از آن همه نعمات را میتوان حاصل نمود ولی به صرف نیرو، توانایی و تجربه نمی‌ارزد. این برخورد و طرز تلقی از ریشه نادرست است. سراسر حزب باید بداند که رشد مؤفّقانه سکتور دولتی فقط در صورت اشتراك فعالانه و علاقمندی وسیع آنها امکان پذیر است.

با مسایل مربوط به تولید صنعتی در سکتور مختلط و خصوصی نیز نمیتوان تماس نگرفت. یادآوری می‌کنم که در رابطه با آنها در اسناد حزب سیاست دقیق و واقع‌بینانه‌یی طرح ریزی شده است. با پیروی از این سیاست، کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی باید مواظب آن باشند تا سطح تولید در این سکتورها کاهش نپذیرد و آنها محصولات ضروری کشور و مردم را تأمین نمایند. از جانب دیگر این ارگان‌ها، وظیفه دارند اجازه ندهند که به منافع جامعه و دولت لطمه وارد گردد از هرگونه سوء استفاده صاحبان و مسؤولین این سکتورها جلوگیری به عمل آید.

همکاری اقتصادی باید و به صورت واقعی متقابلاً مفید باشد.

اکنون در بارهٔ پلان گذاری اقتصادی: روشن است که پلان گذاری کار پیچیده و دشوار است و ماهم تا کنون تجربه زیادی در این عرصه نداریم و بر علاوه دشواری‌های عینی موانع زیادی را به وجود می آورد.

اما باید با صراحت اعتراف نمود که ما هنوز به طور واقعی نیاموخته ایم که چگونه پلان گذاری نمود و حتی آینده نزدیک را پیشبینی کرد. همچنان توانایی کنترل بر جریان اجرای پلان هارا نیز نداشته ایم. رفقا! ضرورت است که هرچه زودتر و هرچه جدی تر این امور را بیاموزیم. نواقص ما در ساحه پلان گذاری و امور مالی و اجرای پلان‌های پیشبینی شده را مختل می سازد و از پیشرفت جلوگیری می کند. ما اشد ضرورت به پلان گذاری معقول و واقعینانه داریم. اما برخورد نسبت به آن همیشه این طور نیست. آمران و روسای بعضی از وزارت‌ها و ادارات اجرای پلان را تأمین نموده نمی توانند، در عین زمان خوش دارند از دولت تقاضاهای اضافی و بیش از حد کنند.

رفقا!

ما به نام مردم افغانستان، بنابر ارادهٔ آنان و به خاطر منافع شان انقلاب نموده ایم تا زندگی مردم بهتر گردد. نمیتوان در برابر صعود قیم، وقفه‌ها و اختلالات در تأمین مردم از لحاظ مواد غذایی و بعض محصولات صنعتی و مواد سوخت و غیره بی تفاوت باقی ماند.

البته در شرایط پیچیده مبارزه با ضدانقلاب هنگامی که روابط اقتصادی عادی بین مناطق مختل شده است، یک اندازه صعود قیم از لحاظ اقتصادی ناگزیر و قابل توجیه و توضیح است. اما آیا همین یک علت وجود دارد؟ روشن است که فعالیت ما، کنترل ما در این ساحه کاملاً غیرکافی میباشد. نباید فراموش کرد که زحمتکشان عمدتاً با در نظر داشت مشخصاتی چون سطح قیم و تأمینات در باره حکومت ما قضاوت می نمایند. مسئله قیم نه تنها در کشور ما بلکه در تمام کشور های جهان در رابطه با زندگی مردم یکی از مسایل عمده و اساسی است. موجودیت خرد ترین نوسان در قیمت‌ها بخصوص در کشورهایی که انقلاب ها به پیروزی رسیده باشد و از آن جمله در کشور ما سبب نارضایتی های بزرگ مردم میگردد.

وظیفه ما است که از همه امکانات و منابع استفاده نماییم تا وضع آنانرا سهولت بخشیم. کمیته‌های حزبی ولایتی و شهری، سازمان‌های اولیه، ارگان‌های دولتی در مرکز و محلات همه باید مستقیماً و به طور مشخص به این مسئله بپردازند.

ضمناً باید یادآور شد که در این عرصه باید سیستم کاملی از تدابیر که برای امروز و آینده مدنظر گرفته شده باشد، طرح و عملی گردد، زیرا در کشور ما امکانات کافی برای تأمین مردم از لحاظ کالاهای داخلی منسوجات و پاپوش، غله و میوه جات و خوراک‌های کنسرو شده، شکر و نمک و وسایل کارآمد روزمره وجود دارد. ما باید منابع مواد غذایی، انرژی و سوخت، ترانسپورت و مواصلات و غیره را بسیج نماییم و در صورت لزوم برای بهبود تأمینات و استقرار قیم از تدابیر اداری استفاده کنیم.

از اشکال و انواع تأمین خودی استفاده ضعیف صورت می‌گیرد و تجربه آن خوب گسترش نمی‌یابد، در حالیکه در بعضی از مؤسسات نتایج خوبی را به بار آورده است. چندی قبل، هنگامی که من از کارخانه جنگلک دیدن نمودم از کارگران شنیدم که در آن کارخانه مغاز فروش مواد غذایی ایجاد شده است. مواد غذایی برای مغازه قبلاً به طور مستقیم از محلات زراعتی و اکنون از طریق اتحادیه کوپراتیف‌های دهقانی جمهوری دموکراتیک افغانستان خریداری می‌شود و به کارگران به قیمت نازلتر از بازار عرضه می‌گردد. این تجربه قابل عطف توجه جدی و پشتیبانی است. خوب است که این ابتکار در محیط کارگری صورت گرفته است.

ضروری است که در باره یک سلسله ابتکارات از جانب حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز فکر شود. مثلاً در باره ایجاد ذخایر مخصوص حکومتی که به کمک آن میتوان بر سطح قیم بعضی از کالاهای مورد ضرورت اولیه تأثیر بیشتر و بهتر وارد نمود. ضروری است تا تدابیر جدی جهت تنظیم مصارف اسعاری و خریداری تجهیزات، مواد و کالاهای خارجی اتخاذ گردد. مسایل مربوط به رشد منابع انرژی کشور نیز نیازمند توجه جدی است. عقب مانده‌گی صنایع سبک و صنایع غذایی را ازین بیشتر نمیتوان تحمل نمود. همه این تدابیر و تدابیر دیگری باید به طور عاجل و فوری طرح و تنظیم گردد و بدون عقب ماندن از وضع موجود اقتصادی به شکل اپراتیفی با اشتراك وسیع و فعال ارگان‌های حزبی، سازمان‌های اجتماعی و توده‌های وسیع زحمتکشان تحقق یابد.

اکنون در باره ترانسپورت: به مثابه رشته حیاتی و مهم اقتصاد ما صحبت می کنیم. من درینجا در باره پروبلمها و دشواریهای خالص تخنیکی حرف نمی زنم. فقط خاطر نشان می سازم که اکنون موفق شده ایم کار بزرگ دارای اهمیت حیاتی برای تأمین صنایع و مردم و برای همه اقتصاد کشور را آغاز نماییم. برای نخستین بار در کشور سکتور دولتی در ترانسپورت موثر ایجاد شده است. به برکت کمک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکیا، جمهوری مردم بلغاریا و سایر کشورهای برادر سوسیالیستی چند هزار عراده موثر باربری قوی، تانکرتیل و سایر وسایل ترانسپورتی به کار انتقالات بارها و اموال ضروری آغاز نموده اند. اما سهم موثرهای سکتور دولتی در مجموع انتقالات اموال و بارها هنوز بسیار پایین بوده و مؤثریت کار آن باید به مراتب بهبود حاصل نماید. و بر علاوه همه اینها کمیته های حزبی، شعبات اقتصادی آنها، ارگان های دولتی هم در مرکز و هم مخصوص در ولایات هنوز به این امر مهم، نو و ضروری مواظبت و توجه لازم مبذول نمی دارند، در حالیکه وظیفه این ارگان هاست که باید علاقمندی بخصوصی را نسبت به ایجاد شرایط برای کار بلاوقفه ترانسپورت دولتی نشان دهند.

رفقا!

اکنون در باره وضع اصلاحات ارضی و آب صحبت می نمایم: این اصلاحات از لحاظ ماهیت خود بیان و تجلی تراکم یافته سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و قدرت انقلابی نسبت به دهقانان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک است. ما همه اسناد حزبی مربوط به اصلاحات ارضی و آب را بر مبنای چنین درک مسئله طرح و تدوین نموده ایم و همه فعالیت عملی ارگان های حزبی و دولتی در تحقق سیاست حزب نیز باید بر درک این مسئله استوار باشد.

ولی ناگزیر باید اعتراف نمود که هنوز چنین نیست. اصلاحات ارضی و آب در ولایات بسیار بطی و کاملاً غیرقناعتبخش، پیش می رود. هنوز نه ارگان های دولتی چون وزارت زراعت و اصلاحات ارضی و وزارت آبیاری و نه کمیته های حزبی هیچکدام در محلات به طور واقعی در پیشبرد اصلاحات سهم نگرفته اند. گرچه اینها اند که باید الهام دهنده گان و رهبران سازمانده اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب باشند. اما ببینید که دهقانان از ما انتظار زمین و آب و انتظار کمک را دارند

و وظیفه مقدس ماست تا آنچه را که وعده نموده ایم به آنان بدهیم.

چه چیزی مانع آن می‌گردد که ما وعده‌های خود را به طور کامل برآورده سازیم؟
به چه چیزی باید در درجه اول توجه نمود؟

یک - باید پراگنده‌گی، عدم هماهنگی و عدم توافق بین ادارات مختلف سهیم در این امر، به طور قطع از میان برداشته شود. بر علاوه باید آنها در تماس نزدیک با ارگان‌های حزبی کار نمایند. تا کنون چنین به نظر می‌رسد که علاقه‌مندی واقعی به تحقق اصلاحات ارضی وجود ندارد.

دو - به صراحت دیده می‌شود که در این عرصه کار پیگیر، پایداری و حالت تعرضی کافی وجود ندارد. حتی کارهای تخنیکی و مقدماتی چون مطالعه اسناد، بررسی وضع در محلات بدون دلایل موجه با کندی و تنبلی بسیار زیاد و در مقیاس بسیار کوچک پیش می‌رود.

سه - پیشبرد و تحکیم موفقانه اصلاحات ارضی و آب مستقیم با استحکام ارگان‌های قدرت محلی ارتباط دارد. پایداری و اتوریته این ارگان‌ها نه تنها به پیشبرد عملیه اصلاحات مساعدت می‌کند، بلکه اعتماد دهقانان به برگشت ناپذیری اصلاحات را تأمین و به جلب توده‌های دهقانی در رشد بعدی و تعمیق اصلاحات و دفاع از نتایج آن نیز کمک می‌نماید.

چهار - هنوز هم کار توضیح اهداف و محتوای اصلاحات به طور ضعیف پیش برده می‌شود. به این مسئله که اقدامات و تدابیر درستی چون اصلاحات باید درست درک گردد کمتر اهمیت داده می‌شود. در حالی که این امر برای پیروزی و موفقیت حتمی می‌باشد.

در شرایط ما نه تنها عواقب نادرست گذشته، تلقینات و بی‌سوادی توده‌های اساسی باشندگان دهات، بلکه تبلیغات خصمانه و پلان شده دشمن نیز موانعی را بر سر راه درک درست مسایل ایجاد می‌کند. در آنجایی که مستقیماً و عملاً سرنوشت اصلاحات ارضی و آب مطرح است، ما باید با تمام قوت ندای حقیقت و ندای حزب را بلند کنیم و همه وظایفی را که نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیش کشیده است، انجام دهیم.

پنج - هنوز هم اصلاحات ارضی و آب عمدتاً براساس اصل «از بالا به پایین» صورت می‌گیرد. جلب توده‌های وسیع دهقانان در اینکار هنوز کافی نیست. روشن است که نمی‌توان اصلاحات را فقط با میتوذهای اداری پیش برد. از این جا هم وظیفه دیگر نشأت می‌کند: با تمام وسایل موجود و تدابیر ممکن باید دهقانان را به اشتراک در تحقق مستقیم اصلاحات جلب نمود. اجرای این وظیفه به معنی فیصله سرنوشت و مقدرات مجموع کار اصلاحات است.

در ارتباط با این موضوع به تحلیل مسایلی که در جلسات کمیته‌های حزبی ولایتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، باز می‌گردیم. باید گفت که وضع اصلاحات ارضی تقریباً در همه جا مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته است. این واقعیت خود به خود بد نیست، ولی متأسفانه باید اعتراف و انتقاد نمود که تاکنون نتایج بحث و ارزیابی رضایت‌بخش نبوده است.

رفقا!

هر مسئله اقتصادی را که مطرح نمایم، کلید حل آنرا کادرها می‌سازند، زیرا آنان باید سیاست اقتصادی حزب را در عمل پیاده نمایند. همه چیز مربوط به آماده‌گی حرفه‌وی و پختگی سیاسی آنان است. البته ما با کمبود کارگران، تخنیکران و انجینیران ماهر و کارشناسان ماهر زراعت و وترنری مواجه هستیم. اما، باید اعتراف نمود که از امکانات موجود نیز استفاده کافی و معقول صورت نمی‌گیرد.

منجمله این وضع در مورد تربیت کادرها در خارج از کشور، قبل از همه در اتحادشوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی صدق می‌نماید. درینجا چند پروبلم وجود دارد. بعضاً در انتخاب آنها به قدر کافی فکر نمی‌شود و بدون در نظر داشت ضرورت و نیازمندی به این یا آن رشته صورت می‌گیرد. بعضاً کسانی برای آموزش به خارج فرستاده می‌شوند که توانایی آنها ندارند و فقط در نتیجه تصادف و یا براساس روابط شخصی و خویشاوندی و دیگر عوامل غیرمفید انتخاب می‌گردند. وزارت‌ها و ادارات مربوط برای جذب و به کار انداختن مؤثر متخصصانی که بعد از فراغت از تحصیل باز می‌گردند، آماده‌گی ندارند.

بعضاً امکان استفاده از آنان در اقتصاد ملی وجود ندارد. به این وضع باید خاتمه بخشید. دولت باید پلان دقیق تربیت و تقسیمات متخصصان را داشته باشد و آنرا با

پیگیری عملی سازد. ارگان‌های حزبی هم نباید از این کار به دور مانند.

در رابطه با تربیت کارگران و متخصصان دارای سطح متوسط و عالی تعلیمات در داخل کشور نیز پروبلم‌های مبرم و حل نشده کم نیست. فکر می‌کنم که باید وزارت تحصیلات عالی و مسلکی و وزارت تعلیم و تربیه همراه با سایر وزارت‌های ذی‌علاقه پیشنهادهای خود را در زمینه حل این مسایل طرح و به شورای وزیران تقدیم نمایند.

در باره یک مسئله دیگر باید صحبت نمود، من در جریان ملاقات‌ها و صحبت‌ها با کارگران دریافتم و متیقن شدم که مسایل مربوط به تکمیل قوانین کار سخت مورد نیاز و دلچسپی و علاقه‌مندی‌شان قرار دارد و حتی ازین رهگذر تشویش‌ها و پریشانی‌هایی دارند. علاقه‌مندی آنان کاملاً قابل درک است. طرح و تدوین مسوده‌های این قوانین جریان دارد و حتماً در آنها برخورد و رابطه‌نویس نسبت به انسان زحمتکش افغانستان انعکاس خواهد یافت. باید کار طرح و تدوین قوانین مذکور را سرعت بخشید. جانب دیگر این پروبلم نیز وجود دارد. برخی از قوانین غیرعادلانه و مقررات که از گذشته، از زمان پیش از انقلاب باقی مانده با اینکه در تضاد با واقعیت موجود قرار گرفته و کهنه شده باز هم نافذ است. زمان آن فرارسیده است که همه سیستم قانونی و قانونگذاری کشور را مطابق به نیازمندی‌های مردم و واقعیت انقلابی و باز هم با در نظر داشت شرایط موجود در کشور عیار ساخت.

رفقا!

تنها داشتن ستراتیژی اقتصادی درست و کمک سخاوتمندانه دوستان و برادران ما کافی نیست. برای پیروزی در جبهه اقتصادی باید میکانیزم جدید، مؤثر و واحد اقتصادی داشت. وزارت‌ها، ادارات، سازمان‌های اقتصادی هنوز میکانیزم واحد نیست، این مهمترین اجزای آنست. همه ما می‌بینیم و میدانیم که این اجزا هنوز با عدم توافق، پراکنده و جدا از هم به وسیله موانع اداری، زیر بار سنگین بیروکراتیسم و میراث گذشته کار می‌نمایند.

ارتقای سطح مسؤلیت و دسپلین در ارگان‌های دولتی باید به قانون بلانحراف فعالیت آنها مبدل گردد. ضرورت است تأثیر و رهبری حزبی بالای آنها تقویت

گردد. تنها اراده حزب می تواند این اجزای متشکله موجود را در یک سیستم واحد در آورد و با هم پیوند محکم دهد تا به طور مؤثر و با نظم و اتفاق کار نمایند. سیاست کادرهای حزب نقش بزرگی را در این امر ایفا می نماید. حزب باید به طور دائمی امور را به طرف ایجاد چنین میکانیسم اقتصادی انقلابی در افغانستان هدایت کند. چه چیزی برای اینکار لازم است؟ چه کاری باید همین امروز صورت گیرد؟

اجازه بدهید، با صراحت کامل یکباردیگر خاطرنشان سازم که حزب باید نقش خود را در زندگی اقتصادی کشور درست و انقلابی ایفا نماید. اگر یک وزارت یا اداره تنها پاسخگوی کار در عرصه و جهت خود و در حدود وظایف و خصوصیات مربوط به خود است، کمیته‌های حزبی و لایتهی، شهری، ولسوالی و علاقه‌داری در امر حل درست و به موقع مسایل اقتصادی در محلات مربوط به خود، در امر تحقق درست سیاست اقتصادی حزب در این محلات، در امر حفظ و حراست منافع زحمتکش و ارضای به موقع و هرچه بیشتر و کاملتر نیازمندی‌های آنان در حدود امکانات موجود مسؤلیت دارند.

چنانچه همیشه خاطرنشان ساخته ایم ارگان‌های حزبی نباید اداره را تعویض نمایند و نباید مستقیماً «اداره» تولید را به دست گیرند. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و وظیفه دارند در ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها، علاقه داری‌ها و مؤسسات تولیدی به بهبود همه جانبه حیات اقتصادی مساعدت نمایند و نقش تعیین کننده را در تأمین رشد اقتصادی از لحاظ سیاسی، تربیتی، تبلیغاتی و سازمانی ایفا کنند.

رفقا!

آموزش، طرز تفکر و عمل در امور اقتصادی باید بدون قطع و همراه با مبارزه اصولی ما به خاطر تحکیم وحدت حزب، به خاطر تحقق کامل و پیگیر سیاست آن در عمل، به خاطر تحقق مشی عمومی آن که در اسناد کنفرانس سرتاسری حزبی، پلینوم‌های نهم و دهم آن بیان شده است، صورت گیرد. بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با دقت جریان اجرای تصامیم حزب را تعقیب نموده و رشد حیات درون حزبی را به طور عمیق مورد مطالعه و بررسی قرار داده و میدهد.

حزب ما روز تا روز قوت می گیرد. استحکام سازمانی، تجربه و آماده‌گی

ایدیولوژیک آن رشد می‌یابد. اکنون ما می‌توانیم به حل پروبلم‌های بزرگ بپردازیم و همه مقدمات ضروری برای حل موفقانه آنها وجود دارد. ما در مبارزه، در کار و پیکار انقلابی خود تنها نیستیم، اتحادشوروی بزرگ، سایر کشورهای برادر، دول دوست و نیروهای مترقی بشریت با ما اند. خلق قهرمان و پرافتخار افغانستان از ما انتظار کارنامه‌های بزرگ و قهرمانانه را دارند، زیرا این مردم زحمتکش افغانستان است که تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پیشاهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان، این حزب قهرمانان و شهیدان پس از سیزده سال تأسیس خود علی‌الرغم شرایط عقبمانده کشور توانست بیرق انقلاب آزادیبخش خلق را در افغانستان برافرازد. لذا تکرار می‌کنیم خلق قهرمان و پرافتخار افغانستان از ما انتظار کارنامه‌های بزرگ و قهرمانانه را دارند و ما باید این خواست آنان را که براساس اراده آنان انقلاب کرده ایم، برآورده سازیم. حتماً برآورده سازیم و حتماً برآورده خواهیم ساخت!

مصوبه پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در مورد تدلیس تاخیر ناپذیرانگامهای حزب و
دولت در عرصه مسایل مبرم اقتصادی در پرتو فیصله های کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان،

۲۸ حوت ۱۳۶۱

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. خاطر نشان میسازد که احیاء و انکشاف اقتصادی
جمهوری دموکراتیک افغانستان برای تکامل انقلاب در کشور ما، سرنوشت و وطن
محبوب و مردم ما دارای اهمیت بزرگ حیاتی می باشد.

بیانیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای
انقلابی ج.د.ا. و بیانیه رفیق سلطانعلی کثمنند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران ج.د.ا. و ابراز نظرهای
اشتراک کنندگان پلینوم حاوی ارزیابی عمیق و عینی از وضع اقتصادی کشور می
باشد. علی الرغم دسایس ارتجاع خارجی و نیروهای ضدانقلاب داخلی و تلاش آنها
به خاطر بی نظم ساختن حیات اقتصادی در کشور، تحقق دگرگونی های عمیق
اقتصادی و اجتماعی ادامه داشته و اعتماد مردم به دولت انقلابی بیشتر میگردد.

عادی شدن و وضع نظامی و سیاسی در کشور، کمک های برادرانه بی شایبه
اتحاد شوروی سوسیالیستی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی به حزب و دولت
امکان آنها فراهم میسازد تا تدابیر تأخیر ناپذیر را جهت احیاء و انکشاف هر چه
بیشتر اقتصاد و ارتقای سطح رفاه مردم طرح و تحقق بخشند.

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. تصویب مینماید:

ا- رهنمودهای مندرج بیانیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی

ح.د.خ.ا.، به مثابه سند اساسی رهبری کننده پذیرفته شده و در عمل بلاانحراف
تطبیق گردد.

- گزارش رفیق سلطانعلی کثمتند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی و رئیس شورای وزیران ج.د.ا مورد تأیید است.

۲- به منظور تطبیق سیاست اقتصادی حزب مطروحه در برنامه عمل ج.د.خ.ا، جهت رفع عقب ماندگی اقتصادی کشور، ارتقای سطح زندگی زحمت کشان، پلینوم یازدهم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا، رشد سطح تولیدات صنعتی و زراعتی را در سال های نزدیک (۱۳۶۲-۱۳۶۳) بمثا به وظیفه عمده مطرح میسازد.

به سازمان ها و کمیته های حزبی و ارگان های دولتی وظیفه داده میشود تا توده های وسیع مردم را بخاطر نیل به اهداف ذیل بسیج نمایند:

در عرصه های صنعت، ساختمان، ترانسپورت و مخابرات:

- احیای هرچه زودتر تأسیسات و پروژه های اقتصادی که توسط ضدانقلاب تخریب گردیده است.

- آغاز مجدد تولید در موسسات غیرفعال.

- تأمین کار منظم و بلندبردن حجم تولید در موسسات و پروژه های فعال. بدین منظور به مسایل ذیل اهمیت درجه اول داده شود:

ازدیاد استخراج گاز، نفت، ذغال و افزایش تولید انرژی برق، سمنت، محصولات صنایع خفیف.

- انکشاف صنایع ساختمانی.

- تأمین فعالیت مطمئن و متداوم ترانسپورتهی در شاهراه های مواصلاتی عمده بین مراکز ولایات کشور و هم در داخل ولایات، انکشاف ترانسپورت دولتی و جلب وسیع ترانسپورت های خصوصی به خاطر انتقال اموال و مردم.

- توسعه تمام انواع خطوط مواصلاتی و ارتباطی، تأمین کامل خدمات قناعت بخش مواصلاتی به غرض رفع نیازمندی های اقتصاد ملی و مردم.

در عرصه زراعت:

- پیشبرد پیگیر و بلاانحراف اصلاحات ارضی و آب با رعایت جدی قوانین و عدالت در زمینه توزیع و استفاده از زمین و آب.
- احیای سیستم ساختمان‌های آبیاری تخریب شده و احداث ساختمان‌های جدید بخاطر توسعه زمین‌های آبی.
- تشدید هرچه بیشتر کمک‌های دولت به دهاقین از طریق دادن قرضه، کودکیمیای، تخم‌های بذری اصلاح شده، ماشین آلات زراعتی و غیره.
- بلندبردن حجم خریداری محصولات زراعتی با در نظر داشت اتخاذ تدابیر اضافی جهت تشویق مولدین آن.
- مساعدت همه جانبه جهت تحکیم کوپراتیف‌های دهقانی موجوده و ایجاد کوپراتیف‌های دهقانی جدید.

در عرصه پلانگذاری، مالی و تجارت:

- تشدید اصل رهبری پلان گذاری به منظور انکشاف سکتور دولتی اقتصاد، ارتقای سطح طرح پلان‌های واقعی و بلند بردن سطح مسئولیت از اجرای آن.
- تأمین تنظیم دولتی بر انکشاف تولیدات صنعتی، ترانسپورتی، خدماتی و نظارتی در سکتورهای خصوصی بر اساس نفع متقابل دولت و متصدیان خصوصی از طریق تطبیق سیاست‌های پولی، مالیاتی قرضه گمرکی و سیاست قیم.
- تجسس و انکشاف منابع اضافی داخلی، افزایش عواید دولت، استفاده معقول و درست از اقلام بودجوی، رعایت دسپلین مالی، تشدید مبارزه به خاطر صرفه جویی در مصارف بر علیه اصراف، اختلاس و ضعف اداری.
- ایجاد نظم در مصرف اسعاری و خریداری تجهیزات مواد و سایر اموال و ارداتی.

در عرصه قانون گذاری:

- قانون کار و قوانین که فعالیت‌های اقتصادی وزارت خانه‌ها، موسسات، ادارات و سایر ارگان‌ها را تنظیم مینماید با در نظر داشت منافع انقلاب و مردم تکمیل گردد.

- ارتقای نقش قراردادهای و تعهدات متقابل در عرصه اقتصاد.

- تشدید کنترل بر اجرای قوانین دولت، رهنمودهای حزب و حکومت.

۳- بیروی سیاسی، دارالانشاء کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و شورای وزیران ح.د.ا، باید مسئولیت وزارت خانه‌ها و ادارات را به خاطر اجرای رهنمودهای حزب و حکومت، پلان‌های دولتی و انجام وظایف در موسسات و سازمان‌های بخش مربوطه شان ارتقا بخشند.

وزارت خانه‌ها و ادارات باید تدابیر لازم را بخاطر ارتقای مؤثریت کار، صلاحیت و عملکرد خود اتخاذ نموده و در برابر شیوه‌های بیروکراتیک و قاطعانه مبارزه نمایند.

کارمندان وزارت خانه‌ها و ادارات موظف گردند تا بصورت منظم از موسسات بازدید بعمل آورده و جهت اجرای پلان‌های معینه برای شان کمک عملی مبذول نمایند.

وزارت خانه‌ها و ادارات باید در کار خود با کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و ارگان‌های محلی قدرت دولتی در تماس نزدیک باشند.

لازم دیده میشود تا کمیته دولتی پلانگذاری، احصائیه مرکزی، وزارتخانه و ادارات سیستم دقیق احصائیه و گذارشدهی را که امکان ارزیابی جدی، عمیق و دایمی نتایج فعالیت مالی و تولیدی موسسات و ادارات و شرکت‌های مختلط و خصوصی را به صورت جداگانه و به مقیاس وزارت خانه‌ها فراهم مینماید طرح و عملی نماید.

پلینوم کمیته مرکزی جداً خاطر نشان مینماید که امر هر اداره موسسه و تصدی در برابر حزب، دولت و مردم از اجرای بلاقید و شرط پلان‌ها و قراردادهای معینه و مکلفیت‌های شان جداً جوابده می‌باشند. بدین منظور ادارات و موسسات موظف اند تا سازماندهی تولید را همه جانبه تکمیل نموده و شرایط کار و زندگی کارمندان را بهبود بخشند.

- توجه وزارت خانه‌ها، ادارات و موسسات به ضرورت تشدید مبارزه به خاطر

مصرف درست و صرفه جویانه منابع مادی، مالی و تولیدی جلب گردد.

آمرین وزارت خانه‌ها، ادارات، موسسات و تصدی‌ها در کلیه فعالیت خود به خاطر احیاء تحکیم و انکشاف هر چه بیشتر اقتصاد باید به سازمان‌های حزبی، اتحادیه صنفی و سایر سازمان‌های اجتماعی اتکا نموده آنها را به پیشبرد تداوم سازماندهی تخنیکی و غیره جلب نمایند. باید در پلان‌های خود در نظر گیرند که با اقوام و قبایل کشور عمیقاً همکاری متقابل داشته باشند و به خاطر تحقق دگرگونی‌های مترقی اجتماعی و اقتصادی در نواحی مسکونی‌شان از امکانات اقتصادی و غیره امکانات آنها استفاده بعمل آورند. تدابیر اقتصادی و مالی را بخاطر بهبود تأمین مواد اولیه به آنها و فروش محصولات عنعنوی مساعدت نموده و قیمت عادلانه مواد و غیره را تعیین نمایند.

وجوبه شریفانه هر کارمند باید نیل به سهمگیری آنها در امر احیاء و انکشاف هر چه بیشتر اقتصاد، تحکیم قدرت دفاعی کشور و ایجاد شرایط به خاطر زندگی مطمئن و مرفه مردم شجاع و نجیب ما باشد.

۴- کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.خاطر نشان میسازد که در شرایط مبارزه حاد با ضدانقلاب، تخریبیات بلاانقطاع آنها و روابط برهم خورده اقتصادی بین مرکز و ولایات، مراکز ولایات و ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها فعالیت جدی و هدفمند ارگان‌های محلی قدرت دولتی در امر احیاء و رشد اقتصادی کشور اهمیت خاص دارد.

شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، کمیته‌های حزبی ولایتی، لوی ولسوالی و شهری باید نقش و مسئولیت دولتی ولایات، شعبات، شاروالی‌ها، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها را ارتقاء بخشیده و کمک‌های لازم عملی به آنها مبذول دارند.

در محلات جهت احیاء و انکشاف اقتصادی وظایف ذیل عمده محسوب گردد:

- احیاء و انکشاف ساختمان‌های سیستم‌های آبیاری توسعه ساحه قابل کشت و افزایش مواشی.

- عادی ساختن کار موسسات صنعتی، ترانسپورتی، مخابراتی و دستگاه‌های

ساختمانی.

- احیاء و ساختمان سرک‌ها، پل‌ها و سایر خطوط مواصلاتی.

- احیاء عادی ساختن کار مکاتب، شفاخانه‌ها و مساجد - تأمین کار بلاوقفه تجارت مواد ارتزاقی و مواد ضرورت او لیه و محروقات.

- سهم فعال در ایجاد محلات جدید استخدام و ارتقای سطح اشتغال اهالی مستعد بکار.

بذل مساعدت و کمک لازم جهت شمولیت زحمتکشان در کوپراتیف‌ها.

بذل مساعدت:

الف - به خاطر بدست آوردن تخم بذری و کودکیمیای، ادویه ضد آفات زراعتی، ماشین آلات و تجهیزات زراعتی و غیره به دهاقین.

ب - به خاطر بدست آوردن مواد خام و پخته جهت تولید اجناس مورد نیاز انکشاف صنایع دستی و مستظرفه برای پیشه وران.

ج - به مالکین و تاجران خصوصی که فعالیت آنها ارتباط به رفع نیازمندی‌ها و ضروریات جامعه و مردم داشته باشند.

د - به مؤلدين در فروش محصولات تولیدی و فروش محصولات اضافی زراعتی و مالدارى به دولت.

پلینوم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا از کارمندان ارگان‌های دولتی محلی، دعوت بعمل می آورد تا در حل این مسایل پرمسئولیت و حایز اهمیت حیاتی برای کشور فعالانه سهم گیرند.

۵ - وزارت دفاع ملی، داخله، ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی، ج.د.ا کمیته‌های حزبی ولایتی، لوی ولسوالی، ناحیوی، و لسوالی، علاقه‌داری و ارگان‌های محلی قدرت دولتی، تأمین امنیت اهالی زحمتکش و تأسیسات اقتصاد ملی را از وظایف مهم خود بدانند.

۶- پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا بنا بر اهمیت ساختمان اقتصادی لازم میداند تا تمام فعالیت های حزب در جهت امور اقتصادی نه تنها در گفتار، بلکه در عمل به خاطر رفع نیازمندی ها و خواست های مردم سمت داده شود.

۷- مسایل اقتصادی عام، پرابلم های مشخص انکشاف سکتورها و واحدهای اقتصادی و اداری، فعالیت تولیدی و اقتصادی موسسات و ادارات و تأمین کار مؤثر کارمندان باید در مرکز توجه کمیته ها و سازمان های حزبی قرار داشته باشد و دائماً در پلینوم ها و بیروهای اجرائیوی کمیته های حزبی جلسات فعالین حزبی و سازمان های اولیه حزبی مورد بحث قرار گیرد.

در این امر باید وحدت ارگانیک فعالیت سیاسی و اقتصادی به مثابه یکی از پرنسیپ های اساسی رهبری حزبی به امور اقتصاد در نظر گرفته شود. کار سیاسی نباید از وظایف مشخص اقتصادی مجزا گردد. زیرا در این صورت کار حزبی فاقد محتوی بوده و صرفاً خصلت تجربیدی را بخود کسب مینماید.

همچنان نباید اجازه داد که سازمان های حزبی تنها و صرفاً مصروف، امور اقتصادی گردد و کار سیاسی را در بین زحمتکشان و اهالی از پیش نبرد که درینصورت منجر به تضعیف ارتباط سازمان های حزبی با توده ها گردیده و به منافع حزب لطمه وارد نماید.

حین بررسی هر مسئله اقتصادی ارگان های حزبی و سایر ارگان ها موظف اند تا با در نظر داشت سیاست عمومی اقتصادی حزب برخورد نموده انحراف از آن را مجاز ندانسته و همچنان نه تنها نظر محدود اقتصادی بلکه سیاسی را نیز ملاک عمل قرار دهند.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. خاصناً خاطر نشان میسازد که مسئولیت پیشبرد سیاست اقتصادی حزب در محلات به عهده سازمان های حزبی ولایات می باشد. در پهلوی وزارت خانه ها و ادارات، کمیته های حزبی ولایتی نیز در برابر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. از کار موسسات و ادارات ولایات جوا بده میباشند. آنها باید توجه خود را در رهبری امور اقتصادی به نکات ذیل معطوف دارند:

- سازماندهی کنترول دایمی و مؤثر از اجرای رهنمودهای حزب و حکومت در

زمینه مسایل اقتصادی.

- در تشدید تأثیر حزبی بر امور اقتصادی ارگان‌های قدرت مردمی در محلات، ارتقای فعالیت، صلاحیت و مسئولیت فردی هر کارمند ارگان دولتی ولایات در وظایف محوله.

- در بلند بردن مسئولیت سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی مادون و همچنان اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های اجتماعی از اجرای وظایف تولیدی اقتصادی.

- در انتخاب، جابجا نمودن و تربیه کادرهای رهبری کننده اقتصادی شامل فهرست مقامات مورد منظوری کمیته‌های حزبی.

- در تحکیم تشکیلاتی، سیاسی و ارتقای نقش سازماندهی سازمان‌های اولیه حزبی در اجرای وظایف تولیدی اقتصادی که در برابر موسسات و ادارات قرار دارد.

منشی‌ها و کارمندان شعبات اقتصاد، زراعت و اصلاحات ارضی، کمیته‌های حزبی موظفند تا از جریان امور در موسسات و سازمان‌ها آگاهی کامل داشته و بطور منظم از آنها بازدید بعمل آورند. با کارمندان موسسات و ادارات و همچنین با وزارت خانه‌ها در تماس نزدیک باشند و در اجرای وظایفی که در برابر آنها قرار دارد کمک نموده نواقص در کار موسسات و سازمان‌ها را بر ملا ساخته جهت رفع این نواقص سعی نمایند.

کمیته‌های حزبی ولایتی موظف اند تا کار شعبات اقتصاد و زراعت را بهبود بخشند و در عمل آنها را به قرارگاه واقعاً انقلابی که انکشاف اقتصادی را در ولایت رهنمائی و در بلند بردن آن فعالانه کمک نماید، مبدل سازند.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، در احیاء و انکشاف اقتصاد کشور نقش عمده را به سازمان‌های اولیه حزبی قایل میباید. آنها بمتابه اساس حزب که در بین توده‌های مردم کار و فعالیت مینماید، باید رهنما و سازنده واقعی تعمیل سیاست اقتصادی ح.د.خ.ا در زندگی باشند. سازمان اولیه حزبی و کمیته حزبی آن موظف است تا همیشه سعی بعمل آورند که هر عضو حزب وجبیه عالی انقلابی خود را در اجرای صاد قانه مکلفیت‌های وظیفوی خویش در جلب وسیع زحمتکشان غیرحزبی در مبارزه بخاطر اجرای موفقانه وظایف معینه تولیدی، مساعدت جدی به آمریت

اداره جهت برملا ساختن نواقص در فعالیت موسسات و ادارات، دانسته، یکجا با آنها تدابیر در زمینه رفع این نواقص طرح و تطبیق نموده، اجرای این تدابیر را جداً تحت کنترل قرار داده و درین امر خود را بعوض امریت اداره قرار نداده و امور تولید را قومانده ندهد.

در صورت عدم موافقت سازمان‌های حزبی با فعالیت اداره سازمان حزبی نباید فعالیت آنرا متوقف سازد بلکه نظر خود را به ارگان‌های بالائی حزبی و اقتصادی به خاطر اتخاذ تدابیر ارائه نماید.

سازمان‌های حزبی وزارت خانه‌ها و ادارات موظفند تا نواقص کارمندان، شعبات و ادارات را بصورت جدا گانه خاطر نشان سازند و از کمبودها در این و یا آن وزارتخانه و موسسه به آمرین آن‌ها و کمیته مرکزی ح.د.خ.ا بخاطراتخاذ تدابیر جهت بهبود امور اپرات دولتی اطلاع دهند.

سازمان‌های حزبی و کمیته‌های آنها باید خصوصیات وظیفوی و سیاسی کارمندان رهبری کننده ادارات و موسسات را (بدون در نظر داشت عضویت در حزب) مطالعه نموده و از آن آگاهی کامل داشته باشند، و جهت ارتقای سطح دانش سیاسی و مسلکی آنها مساعدت بعمل آورند. نظر سازمان اولیه باید حین تبدیل این و یا آن کارمند رهبری کننده توسط اداره موسسات، کمیته‌های مافوق حزبی و ارگان‌های دولتی حتماً در نظر گرفته شود.

۷- کمیته مرکزی ح.د.خ.ا در امر سمت دهی حزب و مردم غرض حل پر ابلم‌های اقتصادی به اهمیت آمادگی ایدیالوژیک آنها توجه خاص مبذول میدارد، تمام کار ایدیالوژیک باید با حیات اقتصادی کشور ارتباط نزدیک داشته تأسیسات اقتصادی حزب به توده‌های وسیع قابل فهم بوده و به جلب آنها در احیاء و انکشاف اقتصادی کمک نماید.

بدین ترتیب با استفاده از تمام وسایل و اشکال ممکن وسیع توضیح گردد که پیروزی در جهت اقتصادی نسبت به موفقیت در مبارزه مسلحانه با ضدانقلاب دارای اهمیت کم نبوده و با هم ارتباط ناگسستنی دارند.

۸- کمیته مرکزی ح.د.خ.ا لازم میدانند تا در تطبیق پروگرام اقتصادی پیش بینی

شده باید سازمان‌های وسیع توده‌های کشور سهم فعال بگیرند و هر يك از آنها نقش و جای خود را در این امر پراهمیت تعیین نموده و در آن سهم ارزنده گیرند. بدین منظور پلینوم توصیه مینماید:

شورای مرکزی جبهه ملی پروطن باید از امکانات اقتصادی و سایر امکانات سازمان‌های شامل جبهه ملی، پروطن و تمام وطنپرستان وطن محبوب ما جهت احیاء و انکشاف هر چه بیشتر اقتصاد ملی و ارتقاء سطح رفاه مردم استفاده مؤثر بعمل آورد.

شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی جداً فعالیت شوراهای اتحادیه‌های صنفی سازمان‌های اولیه اتحادیه‌های صنفی را جدی‌تر ساخته و در جهت ارتقای سهمگیری طبقه کارگر و تمام زحمتکشان در احیاء و رشد اقتصاد باساست توسعه هر چه بیشتر ابتکار آنها و مسابقات کار، جلب هر چه بیشتر زحمتکشان در رهبری تولید اجتماعی، ارتقای مهارت مسلکی، بهبود شرایط اجتماعی و زندگی کارکنان سوق دهد. کنترل جدی بر رعایت قوانین کار، و پرداخت درست مزدکار به کارگران و ما مورین دولت را تحقق بخشند.

کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و ارگان‌های رهبری کننده سایر سازمان‌های اجتماعی باید سهمگیری اعضای خویش را در تحکیم اقتصاد ملی فعال سازند.

۹- شورای وزیران ج.د.ا، وزارتخانه‌ها و ادارات ج.د.ا و کمیته‌های حزبی ولایتی باید تدابیر جهت احیاء و رشد اقتصاد ملی را طرح و تحقق بخشند و مطالبات یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی را در عمل تطبیق نمایند.

(منشی عمومی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا.)

ببرک کارمل

پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

درباره وضع در کشور وظایف مبرم حزب و قدرت دولتر

۱۲ سرطان، ۱۳۶۲

رفقا!

بیروی سیاسی حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان عقیده دارد که زمان آن فرارسیده است تا ما راهی را که بعد از کنفرانس سرتاسری حزب طی نموده ایم، مورد ارزیابی قرار دهیم و وظایف تأخیر ناپذیری را که در برابر حزب و دولت قرار دارد فوراً مولبندی نماییم.

قبل از همه باید گفت که زندگی صحت و حقانیت نتیجه گیری‌ها و احکام برنامه عمل و فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب را به طور عام و تام به اثبات رسانید. کمیته مرکزی حزب ما، بیروی سیاسی و دارالانشاء آن، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ارگان‌های محلی حزبی و دولتی، مشی عمومی حزب را که در کنفرانس فوراً مولبندی شده است با پیگیری تحقق بخشیده و بر اساس آن به عادی ساختن بیشتر اوضاع در کشور نایل آمده اند.

راه طی شده و وضع موجود چگونه ارزیابی می‌گردد و خصوصیات اساسی آنها چیست؟

قبل از همه باید گفت که ضدانقلاب در تلاش برای تغییر جریان تکامل انقلابی کشور ناکام شده است. مردم هرچه بیشتر اهداف مترقی انقلاب ما را درک نموده به دشمنان وطن پاسخ دندان شکن میدهند. مردم از حکومت خود پشتیبانی می‌نمایند زیرا این حکومت، حکومت عدالت و صلح است که همه وطنپرستان افغانستان خواستار آن اند. ضدانقلابیون نمی‌توانند این واقعیت‌ها را با موجی از دروغ، افترا و تهمت پوشانند.

بر علاوه ما همیشه تأکید نموده ایم که با انقلاب ثور و به دست گرفتن قدرت دولتی کارهای را برای حل پروبلم‌های اساسی مردم و وطن انجام داده ایم. اکنون ما با رضایت خاطر می‌توانیم بگوییم که بازسازی و رشد مؤسسات و پروژه‌های صنعتی و زراعتی تا حد زیادی به عرصه مقدم فعالیت حزبی و دولتی پیش کشیده میشود که در این امر عامل مهم پیروزی کامل و نهایی ما نهفته است.

درینجا باید به طور خاص خاطر نشان ساخت که در زندگی اجتماعی - سیاسی ما عامل نوین یعنی سیستم گسترده سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی ایجاد شده فعالیت می‌نماید و نقش آن دائماً ارتقا مییابد. همین سازمان‌ها و کمیته‌ها سیاست حزب را در عمل پیاده نموده رابطه حزب را با مردم تحقق می‌بخشند. باید گفت که اکثریت این سازمان‌ها و کمیته‌ها وجایب عالی خود را درست درک کرده اند، هرچه مؤثرتر و مشخص‌تر کار می‌نمایند و واقعاً هم مهمترین مسایل زندگی ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها را بررسی و حل میکنند.

اینکه امپریالیزم و ارتجاع موفق نگردید افغانستان انقلابی را در عرصه جهانی تجرید نماید نیز اهمیت اصولی دارد. باید قدرت همبستگی انترناسیونالیستی توطئه‌های نیروهای دشمن را نقش بر آب ساخت. این همبستگی تنها به کمک نظامی و اقتصادی خلاصه نمی‌گردد. برای ما نیروی نمونه دوستان ما در اعمار جامعه نوین تجربه عظیمی که آنان اندوخته اند، مشوره‌های خردمندان و بموقع شان اهمیت واقعاً حیاتی دارد.

رفقا!

بدون کم بها دادن و نادیده گرفتن آنچه که به دست آمده است باید با صراحت بگوییم که هنوز در برابر حزب و کشور وظایف پیچیده و دشواری در جهت تأمین شرایط صلح آمیز زندگی و ارتقای سطح رفاه مردم، قرار دارد. آیا همه اقدامات لازم را برای اجرای این وظایف متقابلاً مرتبط انجام داده ایم؟

با صراحت و وضاحت کامل میتوان گفت: نه، واضحاً که همه اقدامات لازم صورت نگرفته است. هم زندگی و هم اوضاع کشور چیزی به مراتب بیشتر را می‌طلبد. دستورهای حزب که در فیصله‌ها و تصامیم کنفرانس سرتاسری و پلینوم‌های نهم، دهم و یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انعکاس یافته متوجه

این امر است.

ضمناً باید گفت که این فیصله‌ها و تصامیم نیز کاملاً اجرا نشده است. فقدان کفایت یکپارچگی و سازماندهی خود ما، عدم کفایت، سختگیر بودن در مطالبات نسبت به خود، سرعت عمل و دسپلین غیرکافی و نظائر آن، عوامل موجد این وضع و مانع اجرای کامل این وظایف است. در این باره تاکنون بارها صحبت نموده ایم. اما هنوز مبارزه لازم با نواقص صورت نمیگیرد. امر انقلاب خواهان آنست که به طور قطعی به این نواقص خاتمه داده شود. اکنون مهم است که توجه سراسر حزب، حکومت و ارگان‌های قدرت دولتی به امور مشخص معطوف و متمرکز گردد.

بیروی سیاسی طرح گسترده‌ی پلان تدابیر جهت اجرای مهمترین و مبرمترین وظایفی را که در برابر وطن قرار دارد، ترتیب نموده است. امروز ما باید این سند را به طور عمیق و همه‌جانبه بررسی کرده، بعد تمام حزب و همه وطنپرستان را برای عملی ساختن این تدابیر تأخیر ناپذیر بسیج نماییم. از آن جایی که اعضای کمیته مرکزی طرح تدابیر مذکور را با خود دارند، اجازه دهید، بالای مهمترین جوانب کاری که باید انجام یابد، صحبت نمایم.

رفقا!

تحکیم و تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و ارتقای نقش آن در جامعه و دولت محتوای عمده حیات سیاسی کشور ما را ساخته و می‌سازد. ما با رضایتمندی، خاطر نشان می‌سازیم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان هرچه بیشتر به سازمانده و رهبری کننده واقعی توده‌ها مبدل می‌گردد.

در این امر خدمات و تلاش‌های سراسر حزب و همه سازمان‌ها و کمیته‌های آن تجلی می‌یابد. کارزار گزارشدهی که برای نخستین بار در حزب ما صورت گرفت به طور روشن و قانع کننده این مسأله را نشان داد. این کارزار بر غنای تجربه نوین کار حزب افزود، چهارچوب دموکراسی درون حزبی را توسعه بخشیده امکان داد تا فعالیت کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی به طور انتقادی ارزیابی گردد.

اکنون در حزب ما در حدود بیش از نود هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارد. در طی سال ۱۳۶۱ تعداد اعضای حزب تقریباً سی و پنج فیصد افزایش یافته و این

افزایش ادامه دارد. این امر شاهد ارتقای اعتبار و اتوریته حزب و استحکام بیشتر روابط آن با توده‌هاست. اکنون در صفوف حزب ما نمایندگان بیش از سی قوم و ملیت وجود دارند. شصت و پنج فیصد اعضای حزب دارای سنین تا سی سال می‌باشند. نیروهای نو و جوان دایم صفوف حزب را تکمیل میکنند و آینده نیز مربوط به آنان است. در سال ۱۳۶۱ در حدود سی و یک هزار نفر جدید به عضویت آزمایشی حزب پذیرفته شده‌اند. در بین آنان کارگران، شانزده اعشاریه نه فیصد و دهقانان سی و سه اعشاریه سه فیصد را می‌سازند. اما هنوز کارگران و دهقانان در مجموع حزب بیست و هشت اعشاریه چهار فیصد اعضای آنرا تشکیل می‌دهند و این رقم را باید افزایش بیشتر بخشید. ترکیب حزب هرچه بیشتر باید ترکیب اهالی زحمتکش کشور را منعکس سازد. کمیته مرکزی به این مسأله اهمیت درجه یک را قایل است. همه مسائل مربوط به ساختمان و تکامل حزب در دهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب به طور سیاسی و دقیق مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت.

چندروز قبل بیروی سیاسی گزارش احصائیوی سال ۱۳۶۱ را مورد تأیید قرار داده در مورد این مسأله مصوباتی را تصویب نمود. در رابطه با این موضوع لازم می‌شمارم سه نکته مهم را خاطر نشان سازم:

نخست اینکه ما باید در آینده نیز متوجه رشد کمی حزب باشیم. باید به مسایل انتخاب شایسته‌ترین، آگاه‌ترین، فعال‌ترین و وفادارترین افراد به انقلاب، برخورد هرچه دقیق‌تر و هرچه جدی‌تر صورت گیرد.

دوم اینکه، در حال حاضر در سازماندهی پذیرش دهقانان، پیشه‌وران و بعض دیگر از گروه‌هایی زحمتکشان به حزب دشواری‌های معین به وجود آمده است. واقعاً هم دهقان و یا پیشه‌ور چگونه میتواند به حزب شامل گردد در صورتی که در آنجا سازمان اولیه حزبی و اشخاص معرفی کننده وی به حزب وجود نداشته باشند؟ بنابراین باید توجه جدی به ایجاد سازمان‌های حزبی در قرا یا سازمان‌های منطقوی یعنی سازمان‌هایی که در محلات زیست زحمتکشان فعالیت نماید، معطوف گردد.

باید بیروی سیاسی در این مورد تصاویب لازم را به عمل آورد. سوم اینکه، کمیته‌های حزبی باید توجه بیشتر را به بهبود ترکیب کیفی صفوف حزب، افزایش تعداد کارگران، دهقانان، سربازان و پیکارجویان گروه‌هایی مدافعین انقلاب در

پذیرش به حزب معطوف سازند. اکنون مسأله تنظیم سنجیده شده و پلان شده ترکیب کمی و کیفی حزب در دستور روز قرار می گیرد.

رفقا!

چنانچه شما میدانید، ما در این پلینوم نیز باید به مسأله تحکیم وحدت صفوف حزبی باز هم پردازیم. یکپارچگی صفوف حزبی تقویت می یابد. این واقعیتی است که در نتیجه کار طولانی و پیگیر همه سازمان ها و کمیته های حزبی و همه اعضای حزب در جهت رفع بقایای مبارزات فراکسیونی به میان آمده است. ولی باز هم چنانکه در دهمین پلینوم خاطر نشان گردید، ما هنوز هم به وحدت ارگانیک نایل نشده ایم. این هم واقعیت است. تا هنوز هم ما به شکایات بیشماری از جهت فعالیت فراکسیونی برمی خوریم که در عقب آن عدم آرزو و عدم توانایی برای تنظیم کار مشترک و روابط دوستانه و رفیقانه نهفته است.

اما اکنون به ماهیت قضیه می پردازیم. «فراکسیون» و «فراکسیون بازی» که اکثر در باره آن صحبت میکنند، چیست؟ «فراکسیون» عبارت از یک بخش مجزای حزب سیاسی است که دارای پروگرام سیاسی خویش بوده و این پروگرام با احکام اصولی و اساسی پروگرام همه حزب ضدیت دارد. در همه احزاب انقلابی این اصطلاح را چنین درک میکنند. اکنون واقعیت موجود حزب خویش را ارزیابی می کنیم.

برنامه عمل و اساسنامه حزب برای همه ما مشترک است. همه سازمان های حزبی برای رعایت و اجرای این اسناد کار میکنند. اعضای حزب ما در درک و تفسیر این اسناد تفاوت نظر و اختلاف ندارند. پس دلیل چیست؟ مسأله برسر اینست که مظاهر موجود طایفه پرستی، خانواده پرستی، گروه بازی، محافل گرم رفاقت بازی شخصی، مقام پرستی و عدم اعتماد متقابل در بین حزب به وحدت آن لطمه وارد می کند. این وضع ناشی از عقبماندگی و عدم پختگی سیاسی بعضی رفقاست که با استفاده از اعتبار شخصی و مقام رسمی، گروهی از افراد وفادار به خود و یا به اصطلاح ناراض را به دور خویش جمع نموده آنان را در جریانات درون حزبی به نفع تمایلات و علاقمندی های شخصی خود می کشانند.

افرادی که منافع، علاقمندی ها و خواست ها و ادعاهای شخصی خود را در برابر

حزب قرار میدهند، نمی‌خواهند و قادر نیستند کار دوستانه و با نظم را سازمان دهند و آرزو ندارند تابع دسپلین حزبی باشند، چنین اشخاص در شرایط کنونی و در ماهیت امر به مثابه فراکسیون بازان میباشند.

آنان مانع اجرای مؤثر و هدمند رسالت عالی حزب به مثابه نیروی رهبری کننده و هدایت کننده جامعه می‌گردند آنان نباید در حزب ما جا داشته باشند. موقف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه با این مسأله با وضاحت و صراحت کافی در فیصله‌های دهمین پلینوم آن انعکاس یافته است و در برابر سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی وظایف روشن مطرح شده است. به این معنی که با عمل خویش وحدت صفوف حزبی را تحکیم بخشیده با کار تربیتی و هنگامی که لازم باشد به وسیله تدابیر سازمانی تا سرحد اخراج از حزب بالای اخلاط‌گران وحدت حزبی تأثیر اندازند. شش ماه از پلینوم دهم گذشته است و امروز مجبوریم اعتراف نماییم که تعداد زیادی از سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی، بسیاری از کارمندان مسوول حزبی فیصله‌های دهمین پلینوم را به مثابه برنامه عاجل و پیکارجویانه عمل نپنداشته و نسبت به آن از خود عکس‌العمل ضعیف، تنبلی، برخورد سطحی و فورمالیته نشان داده و نتیجه گیری‌های عملی جدی نکرده اند. در نتیجه، وضع یا اصلاً بهبود حاصل نکرده و یا بهبودی بسیار بطنی صورت گرفته است. با این وضع نمیتوان سازش نمود!

باید نقش و مسوولیت کمیسیون‌های کنترول و نظارت کمیته‌های حزبی و شعبات سیاسی و کمیسیون کنترول کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتقا یابد. کمیته‌های حزبی در همه سطوح تا سرحد کمیته مرکزی و همچنان بیروی سیاسی و دارالانشاء کمیته مرکزی حزب باید به این مسأله به طور مشخص تر و جدی تر بپردازند.

به یاد داشته باشیم که: بدون وحدت، حزب وجود ندارد و بدون حزب پیکارچه، پیروزی ممکن نیست.

اکنون درباره بعضی از مسایل مربوط به سیاست کادرها صحبت می‌کنیم. اهمیت این مسأله روشن است، زیرا حزب نقش رهبری کننده خویش را در جامعه از طریق کادرها عملی می‌سازد.

قبل از همه می‌خواهم دربارهٔ ضرورت، بهبود و تکمیل بیشتر کار انتخاب و جابجا ساختن کادرها صحبت کنم، خاطر نشان می‌سازم که این کار باید تکمیل و بهبود یابد و دائماً به طور پلان شده بهتر گردد. اما باید گفت که ما در این عرصه بارها و به کثرت، نه با پیشنهادها و شیوه‌های درست و نضج یافته، آماده شده و مستدل، بلکه با تبدلات و تغییرات عجولانه، بدون سیستم و سنجش افراد بر می‌خوریم.

البته تغییر و تبدیل کادرها یک ضرورت است و در شرایط کنونی هنگامی که ما با کمبود کادرهای مجرب و آماده مواجه هستیم، مجبوریم افراد را بالا کشیده و خصوصیات عملی و سیاسی آنان را مستقیماً در جریان کار آزمایش کنیم. ما باید رفقای جوانی را که در جریان کار عملی شایسته‌گی خویش را به اثبات رسانیده اند، با جرأت و دلیری پیش بکشیم، در عین زمان نباید فراموش کرد که در سیاست کادرها باید استقرار وجود داشته باشد. یعنی به افراد فرصت و زمان لازم داده شود تا بدون شتاب زده‌گی و عجله غیرمعقول، کار محوله را فرا گیرند. از جانب دیگر باید به طور دائمی و گسست ناپذیر با دلسوزی و مواظبت برای ایجاد ذخیره کادرهای که در آینده بالا کشیده خواهند شد، کار کرد. بر علاوه در سیاست کادرها رفتار غیراصولی مجاز نیست. اشخاصی که نمی‌توانند امور محوله را اجرا نمایند باید تنزیل مقام یابند و به کاری گماشته شوند که از عهدهٔ آن برآمده بتوانند.

تعقیب پیگیر و دائمی اصل انتخاب و جابجا ساختن کادرها بر اساس خصوصیات عملی و سیاسی شان شرط ضرور یکپارچگی حزب و افزایش مؤثریت همه فعالیت آن است.

در عرصهٔ کار با کادرها ضرورت است تا خصوصیات جامعهٔ افغانی ما، سنن و عادات ملی، فرهنگی و مذهبی آن هرچه بهتر و بیشتر مدنظر گرفته شده و هرچه کاملتر مورد استفاده قرار گیرد. در محلات باید حتماً نمایندگان ملیت و قومی که اکثریت را در آن محل می‌سازد به کار حزبی و اداری پیش کشیده شوند. باید با دلیری بیشتر بر منتفذین و معتمدین محل و روحانیون که از انقلاب و دولت پشتیبانی میکنند تکیه صورت گیرد و افراد محترم و منجمله حتماً نمایندگان زحمتکشان به اشتراک در ادارهٔ امور هرچه وسیع‌تر جلب گردند. به این اشخاص باید اعتماد صورت گیرد و مقامات پرمسئولیت در ارگان‌های قدرت محلی سپرده شود. بر علاوه ما باید در تحقق سیاست کادرها، پیش کشیدن کادرهای جدید، جوان و

انقلابی را با کار پرحوصله، دقیق، درست، پیگیر و دوامدار برای تجدید تربیت کادرها و متخصصان سابق که در دستگاه دولتی ما کار می‌نمایند، به طور معقول تلفیق دهیم. ما درباره شکستن آبی ماشین دولتی نه، بلکه درباره دگرگون ساختن تدریجی آن تحت کنترل حاکمیت انقلابی دموکراتیک خود سخن می‌گوییم.

طرز کار دستگاه دولتی، برخورد و روابط کارمندان آن نسبت به زحمتکشان، نباید مانند گذشته باشد. افراد باید در هر مؤسسه دولتی فضای علاقمندی و دلسوزی، توجه و مواظبت نسبت به نیازمندی‌ها و تقاضاهای خود را احساسی نمایند. کمیته‌های حزبی وزارت خانه‌ها، ادارات و مؤسسات باید ایجاد چنین فضا را وظیفه و وجیبه خویش بشمارند. درین باره چندین بار صحبت شده است. اما تأثیرات واقعی کمیته‌های حزبی بالای وضع در ارگان‌های دولتی هنوز غیرکافی است.

شعبات کمیته مرکزی و کمیته‌های حزبی وزارت خانه‌ها و ادارات وظیفه دارند این کار را با پیگیری و هدفمندی پیش ببرند. این کار اهمیت بزرگ سیاسی دارد همیشه باید حرف‌های رهبر پرولتاریای جهان را به یادداشت که می‌گفت: «رهبران انقلابی وظیفه دارند اعتماد بی‌پایان توده‌های مردم را با برخورد رقیقانه و مواظبت در رفع و ارضای نیازمندی‌های آنان حل کنند.»

رفقا!

ما با تحلیل اوضاع کشور و راه‌های عادی ساختن بیشتر آن با روشنی و صراحت، ضرورت استحکام حاکمیت انقلابی را به مثابه عامل عمده تأمین صلح و ترقی وطن احساس میکنیم. اساسی‌ترین امر در سیاست «عبارتست از ساختمان قدرت دولتی»

ما دائماً امر تحکیم قدرت دولتی را مورد توجه و مواظبت قرار داده ایم. در مرکز، در ولایات و در اکثریت ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها ارگان‌های قدرت دولتی ایجاد شده و فعال اند.

علی‌الرغم همه نواقص در فعالیت جاری، مهم اینست که این ارگان‌ها وجود دارند و اصولاً قادر به اجرای وظایف خویش میباشند. ارتقای سطح تأثیرات حزبی بالای این ارگان‌ها و رهبری آنها به وسیله حزب به امر اجرای وظایف ارگان‌های

موصوف هرچه بیشتر مساعدت خواهد کرد. اما به نظر من در کار ساختمان دولتی عدم تناسب معین بین وضع در مرکز و در محلات به وجود آمده است. ایجاد، اعمار، رشد و تکامل ارگان‌های محلی قدرت دولتی واضحاً با مطالبات زندگی و اوضاع واقعی تناسب ندارد. من درین باره در پلینوم‌های قبلی نیز صحبت کرده ام اما تدابیری که درین مدت عملی شده است، کافی نمیباشد امروز ضرورت است که ارگان‌های مرکزی و ولایتی حزبی و دولتی به طور جدی و با پشت کار قطعی به تقویت ارگان‌های محلی قدرت دولتی پردازند. در رابطه با این امر ضرور می‌شمارم نکات ذیل را خاطر نشان سازم:

اول: در شرایطی که کادرهای ما مخصوصاً در محلات هنوز تجربه کافی کار سازمانی و پلانگذاری را ندارند، تأمین و هماهنگی در اقدامات کمیته‌های حزبی، ارگان‌های قدرت دولتی، سازمان‌های توده‌یی و اجتماعی، اردو، خاندنوی و خاد اهمیت بخصوصی دارد. چنین هماهنگی قبل از همه برای حل مسأله اساسی یعنی استقرار و تحکیم پایدار حاکمیت انقلابی در محلات ضرور است. به موازات آن ایجاد هماهنگی امکان خواهد داد تا سایر مسایل محلی نیز به وجه بهتر حل گردد. برای تأمین همین مقصد نیز قرارگاه‌ها در زون‌ها و ولایات تشکیل شده اند. در ترکیب قرارگاه‌ها رؤسا و آمرین ارگان‌های فوق‌الذکر شامل می‌باشند. البته قرارگاه‌ها، ارگان‌ها و سازمان‌های محلی حزبی و دولتی را تعویض ننموده بلکه به فعالیت هرچه پلان شده و هدفمندتر این ارگان‌ها مساعدت کرده و آنها را به کار مشترک در حل مهمترین پروبلم‌های تأخیرناپذیر هدایت می‌کند. جلسات این قرارگاه‌ها باید به طور منظم دایر گردد. مهمترین امر درینجا تعداد جلسات نه، بلکه اثر بخشی و نتایج آنست. جلسات قرارگاه می‌تواند بنابر تقاضای هر یک از اعضای آن در صورت بروز مسایلی که اقدامات مشترک و هماهنگی را ایجاب کند، دایر گردد. رهبری کار قرارگاه، معمولاً باید از جانب آمر و یارنئیس ارگان محلی قدرت دولتی صورت گیرد.

البته، آنان موظف اند همه اقدامات خود را با کمیته‌های حزبی به توافق برسانند. زندگی می‌آموزاند که چنین قرارگاه‌هایی در ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها نیز باید ایجاد شده و به مدرسه کار مشترک، توافق یافته و دوستانه مبدل گردند. شعبه دفاع و عدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موظف است در ظرف

کوتاه ترین مدت، مقررہ قرارگاہا را طرح، ترتیب و جهت بررسی به بیروی سیاسی تقدیم کند.

دوم: در سیستم قدرت محلی دولتی، ارگان‌های اداره ولسوالی‌ها و علاقہداری‌ها حلقہ با اهمیت را می‌سازند. چنین اهمیتی ناشی از آنست که این ارگان‌های قدرت، کثیرالعدہ ترین بخش دستگاہ دولتی را تشکیل میدهند. در اعماق تودہ‌های مردم کار نموده حلقہ اتصال مرکز با محلات به شمار رفته و رابطه متقابل سیاست عمومی دولت را با منافع محلات عملی می‌سازند.

ریاست عمومی ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره، شعبه تشکیلات کمیته مرکزی حزب، کمیته‌های حزبی و لایتی حزب و والیان ولایات باید به تکمیل ارگان‌های محلی در ولسوالی‌ها و علاقہداری‌ها با کادرهای وفادار به انقلاب، کمک مشخص، بموقع و مؤثر نمایند و به رفقای که در ولسوالی‌ها و علاقہداری‌ها کار میکنند، توجه درجه یک را معطوف سازند. باید نقش و مسؤلیت ریاست عمومی ارگان‌های محلی قدرت دولتی و اداره در حل مسایل مربوط به کادرها هم در مرکز و هم در سطوح پایین تر ارتقا نماید.

سوم: پیروزی قطعی انقلاب ما بدون پشتیبانی فعال اکثریت اهالی کشور ناممکن است و این اکثریت را دهقانان تشکیل میدهند. قریه و قشلاق جایی است که حکومت انقلابی باید مستقیماً در آنجا وجود داشته تودہ‌های دهقانان را به امر بهبود زندگی خودشان جلب نماید.

نماینده عنعنوی دولت در قریه و قصبه، قریه دار است که به وسیله اهالی انتخاب می‌گردد. در حال حاضر مقصد در اینست که مقامات دولتی در ولسوالی و علاقہداری باید به طور عاجل، فوری و قاطع تلاشی ورزند که در همه قریه‌ها قریه دار انتخاب گردد. لازم است که با این قریه داران روابط و تماس‌های پایدار و محکم ایجاد گردد و اختیارات و صلاحیت‌های شان بموقع به رسمیت شناخته شود. به قریه داران مذکور در حل مسایل تأخیر ناپذیر مربوط به کمک به اهالی قریه مساعدت فعال و عملی با علاقمندی صورت گیرد. کاملاً روشن است که رهبری ولسوالی و علاقہداری نباید اجازه دهند که قدرت در قریه به دست فیودال‌ها، ضدانقلابیون و یادست‌نشاندهگان شان افتد. ارگان‌های قدرت دولتی در ولایات،

ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها باید از اشکال عنعنوی خودگردانی به نفع عادی ساختن اوضاع و تقویت و تحکیم نفوذ دولت در محلات استفاده کنند.

حاکمیت انقلابی باید در اشکال عادی و قابل درک برای مردم تبارز نماید. و شورای انقلابی باید مسأله را عمیقاً مورد مطالعه قرار داده اقدامات تقنینی مناسب را اجرا کند. همهٔ امور مربوط به ایجاد و تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات باید با در نظر داشت و محاسبهٔ خصوصیات و عنعنات محلی صورت گیرد. بر علاوه لازم است تا در مناطقی که قبایل ساکن اند، کار عمیق با پیگیری هرچه بیشتر از گذشته صورت گیرد. باید برای قبایل برنامهٔ روشن و مؤثر همکاری و رشد مبتنی بر علاقمندی متقابل و طویل‌المدت هردو جانب، طرح گردد. اساس‌های اصولی سیاست ما در این عرصه در برنامهٔ عمل حزب، فیصله‌های پلینوم‌های کمیتهٔ مرکزی و یک سلسله اسناد حکومت طرح گردیده است. این سیاست باید با در نظر داشت تجربه موجود و خواست‌های مشروع طرف مقابل عملی گردد. ما معتقدیم که منافع قدرت انقلابی و منافع قبایل نمی‌توانند با هم مطابقت نداشته باشند. ما علی‌القاعده طرز زندگی عنعنوی و ادارهٔ قبایل افغانستان و سهم آنها را در تاریخ و دفاع از استقلال وطن قبول داشته مورد احترام قرار می‌دهیم. اما، باید گفت که امروز در حفظ و تحکیم حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان، در ترقی اقتصادی و بهبود عمومی وضع زندگی در کشور همه وطنپرستان و همه قبایل ذینفع و ذیعلاقه اند. به نظر ما یگانه اساس طبیعی مناسبات با قبایل را وفاداری آنان به وطن، اشتراك شان در حفظ سرحدات مقدس آن و همکاری صادقانه با حاکمیت انقلابی تشکیل می‌دهد. درین امر ما سهم آنان را در این مناسبات می‌بینیم.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از جانب خود بعد ازین نیز مساعدت‌های مادی و معنوی را در جهت بهبود زندگی قبایل، تأمین آنان از لحاظ اموال و کالاهای ضروری، رساندن کمک‌های تخنیکی طبی، و ترنری و ایجاد شرایط برای آموزش و پرورش اطفال و نوجوانان شان در مؤسسات تعلیمات متوسط و عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان و خارج از کشور مبذول خواهد داشت.

ما تصمیم داریم که به منظور استفاده بهتر از منابع موجود در جهت مساعدت اقتصادی به قبایل در زمینه هماهنگی اقدامات همه وزارتخانه‌ها، ادارات و ارگان‌های دولتی در محلات، بهبود اساسی را به وجود آوریم. ضرور است تا کار

کمیسیون هماهنگی کار با قبایل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور قطعی بهبود یابد. به نظر، زمان آن فرارسیده است که منابع خاص مالی و مادی برای حل عملی مسایل اقتصادی در مناطق قبایلی تخصیص داده شود.

در عرصه سیاسی مفید خواهد بود اگر توافقاتی که با قبایل به امضا میرسد دارای نیروی حقوقی بوده و در آن هم وجایب و تعهدات حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و هم وجایب و تعهدات قبایل منجمله در حفظ و حراست سرحدات دولتی مدنظر گرفته شود. لازم است که ریش سفیدان و بزرگان قبایل به کار در ارگان‌های محلی دولتی هرچه وسیعتر جلب گردند و برایشان حیثیت مأمور دولتی را قایل شده معاش منظم تعیین گردد. به نظر ما باید با اعتبارترین و مشهورترین افراد شان را در ترکیب شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و جبهه ملی پدروطن شامل سازیم.

فکر می‌کنم که در ظرف دو سال آینده تدویر جرگه‌های قبایل و همچنان آماده‌گی برای تشکیل جرگه عالی با اشتراک مشران قبایل پشتون ساکن افغانستان مثلاً در سال ۱۳۶۴ ممکن خواهد شد. همه این اقدامات امکان خواهد داد تا مجموع مسایل مربوط به مناسبات میان قبایل و قدرت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را بر مبنای استوار بر قرار ساخته و حل متقابلاً مفید آنرا تأمین نمود.

رفقا!

همه کار در عرصه استقرار و استحکام قدرت دولتی در محلات باید با اتکا بر اهالی و جلب منتفدین، ریش سفیدان، روحانیون و افراد محترم، مشهور، شایسته و وطنپرست صورت گیرد. بعضاً هنگام حل مسایل اداری مثل اینکه ما می‌ترسیم تا از سنن و نظمی که مردم به آن عادت نموده و میتوان گفت که خود مردم آنرا در زمان گذشته به میان آورده است، استفاده نماییم. در عین زمان باید به یادداشت که حزب انقلابی برده سنن گذشته نیست. حزب با پشتیبانی از سنن پسندیده و اتکا بر این سنن آنها را مملو از محتوای نوین می‌سازد، درینجا چه چیزی مدنظر ماست؟

اصل مقصد در آنست که اشکال سنتی سازماندهی زندگی و قدرت دولتی در دهات مطابق به نیازمندی‌های انقلاب عیار شده و به حل پروبلم‌های موجود در برابر مردم و وطن مساعدت کند. یکی از مهمترین وظایف کمیته‌های حزبی و لسوالی‌ها،

علاقه‌داری‌ها و سازمان‌های حزبی دهات نیز همین است. این وظیفه باید با پیگیری، صبر و حوصله و شکیب، بدون شیوه‌های خشک اداری، با توضیح ماهیت تصامیم و تدابیر اتخاذ شده به دهقانان، انجام داده شود. چندی قبل دارالانشاء کمیته مرکزی مصوبه‌یی را در باره ارتقای نقش و تحکیم بیشتر کمیته‌های حزبی ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها به تصویب رسانید. در مصوبه تدابیری در جهت این امر مدنظر گرفته شده است که این حلقه‌های اساسی حزب از لحاظ سیاسی قدرت انقلابی را در محلات تحکیم نمایند و ارتباط آنرا با توده‌ها توسعه و استحکام بخشند. حین اجرای این وظایف کمیته حزبی باید نقش رهبری کننده سیاسی را ایفا نموده نمایندگان حکومت محلی را کمک و پشتیبانی و در وقت لزوم تصحیح کند.

در همه این امور اهمیت تبلیغ و ترویج حزبی بسیار بزرگی است. من اکنون در باره تمام مجموعه پروبلم‌های که مربوط این عرصه فعالیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌گردد، صحبت نمی‌کنم. چنانکه شما میدانید نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان کار ایدیولوژیک و تبلیغاتی حزب را در مجموع به طور مفصل ارزیابی نموده فیصله‌های لازم را در مورد اتخاذ کرد، ولی به صراحت اعلام میدارم که جریان اجرای این فیصله‌ها و تصامیم به هیچ وجه مطابق به مطالبات اوضاع کشور نیست.

توده‌های وسیع اهالی و مردم در محلات درباره محتوای واقعی تصامیم و اقدامات ما هنوز هم به حد کافی و بموقع اطلاع کامل حاصل نمیکند.

نهادهای ایدیولوژیک حزب و دولت باید وظایف مطروحه پلینوم نهم را در عمل اجرا نمایند. مهمترین و تأخیر ناپذیرترین وظایف در این ساحه در پلان تدابیر که نزد شما وجود دارد، طرح شده است.

باید خاطر نشان سازم که اقسام و اشکال کار ایدیولوژیک باید متوجه توده‌های وسیع مردم بوده و به آنان کمک کند تا اوضاع را درک نموده به اشتراك کننده گان فعال و آگاه روند انقلابی مبدل گردند.

عمده ترین وسیله درینجا کار مستقیم، بلاواسطه و رو در رو با مردم، صحبت و مفاهمه کارمندان حزبی و دولتی همه سطوح با آنان و کار خستگی ناپذیر توضیحی و تبلیغی در محلات است. حرف زنده، صریح و راست حزب باید در همه جا،

دائماً و به طور مؤثر بلند گردد. تا وقتی که به این امر نایل نشده ایم نمی‌توانیم در عقول و قلوب توده‌های مردم نیز جا بگیریم.

در این امر نقش سازمان‌های توده‌یی - اجتماعی بسیار بزرگ و پر از مسؤلیت است. در مدت سپری شده هریک از آنها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، کوپراتیف‌ها، اتحادیه‌های روشنفکران مبتکر و غیره توسعه و تحکیم یافته است. جبهه ملی پدروطن به مثابه سیستم واحد متشکل از چنین سازمان‌ها و به مثابه وسیعترین و توده‌یی‌ترین این سازمان‌های ایجاد شده رشد می‌یابد. با ابراز رضایت از کاری که صورت گرفته است، می‌خواهم در مورد دو مسأله اصولی صحبت نمایم:

اول: سازمان‌های توده‌یی بخش انفکاک ناپذیر و متشکله سیستم سیاسی جامعه ماست. در آخرین تحلیل وظیفه اساسی این سازمان‌ها تحکیم همین سیستم سیاسی با وسایل و طرق مختص به آنست، به طور مشخص این حرف ما چه مفهوم دارد؟ این بدان معنی است که سازمان‌های اجتماعی - توده‌یی باید مطابق با منافع مردم زندگی نمایند، در میان توده‌ها کار کنند و آنان را از لحاظ سیاسی تنویر نمایند، سازمان دهند و در امر تکامل و دفاع از انقلاب جلب کنند. فعالیت این سازمان‌ها باید متوجه توسعه پایه‌های اجتماعی رژیم انقلابی، تجرید و محو ضدانقلاب، بازسازی و بهبود کار مؤسسات اقتصادی، تحکیم هرچه بیشتر یکپارچگی حزب و تحکیم حاکمیت انقلابی زحمتکشان کشور باشد. اگر ما فعالیت سازمان‌های اجتماعی را از موضع این یگانه نظر درست ارزیابی کنیم، باید اعتراف نماییم که اکثریت آنها به اجرای این وظایف آغاز نکرده و در مجموع هنوز از چارچوب فورم و شکل‌گیری تشکیلاتی خویش خارج نشده‌اند. در حالیکه وقت آن فرارسیده تا این سازمان‌ها با جرات بیشتر، با قاطعیت بیشتر و با مؤثریت بیشتر نقش خویش را در جامعه و سهم خود را در تحکیم سیستم سیاسی انقلابی ارتقا و افزایش بخشند.

دوم: نیروی سازمان‌های اجتماعی در تأثیر حزب و رهبری حزبی بالای آنهاست. این امر جهت‌گیری درست اقدامات و اعمال سازمان‌های ذکر شده و هماهنگی لازم بین آنها را تأمین میکند. باز هم خاطر نشان می‌سازم که تنها موجودیت خود به خود سازمان‌های اجتماعی کافی نیست، بلکه لازم است که این سازمان‌ها مشترکاً و متفقاً باهم کار نمایند. آنها باید مانند انگشتان دست گره خورده باشند.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید دائماً از فعالیت اتحادیه‌های صنفی، کوپراتیف‌ها، سازمان‌های جوانان و زنان و جبهه ملی پدروطن اطلاع و معلومات عمیق داشته و همیشه از اعضای حزب که در این سازمان‌ها کار می‌کند درباره وضع و سطح فعالیت آنها باز پرس جدی به عمل آورند.

رفقا!

مسایل رشد اقتصاد همیشه در مرکز توجه حزب و قدرت انقلابی قرار داشته است. پلینوم قبلی یعنی یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی وقف این مسأله شد و اکنون کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی به اجرای فیصله‌ها و تصامیم این پلینوم آغاز نموده اند. زندگی شاهد آنست که وظیفه مطروحه از جانب پلینوم کاملاً واقعینانه و عملی میباشد. مثلاً در صورت اجرای پلان مطروحه در سال ۱۳۶۲ نسبت به سال ۱۳۵۷ در تولید انرژی برق به اندازه سی و سه فیصد، استخراج گاز طبیعی ده فیصد، تولید سمنت یازده فیصد، منسوجات پشمی شش فیصد و آرد گندم به اندازه سی و هشت فیصد، افزایش به عمل خواهد آمد. امسال کمپاین کشت بهاری با موفقیت سپری شده حاصلات بهتر از سال‌های گذشته انتظار برده میشود. وظیفه آنست که اکنون کمیته‌های حزبی، ارگان‌های محلی قدرت دولتی، همه وزارت خانه‌ها، ادارات و سازمان‌های اجتماعی، زمینه کار منظم و دوستانه همه زحمتکشان را فراهم آورده اجرای وظایف و اهداف مطروحه را به طور بلاقید و شرط تأمین نمایند.

من ازین فرصت استفاده نموده به نمایندگی از بیروی سیاسی از آن عده رؤسا و آمرین وزارت خانه‌ها، سازمان‌ها و ولایات که تدابیری را جهت استفاده مؤثرتر از نیروهای تولیدی و تأمین کار بلاوقفه مؤسسات انرژی، آبیاری، ترانسپورت و مخابرات طرح و عملی نموده اند، ابراز امتنان می‌کنم.

در عین زمان نمیتوان یادآور شد که در بعض ولایات در طرح و عملی ساختن تدابیر ناشی از تصامیم پلینوم کندی صورت می‌گیرد. این امر بسیار مهم است که از منابع و امکانات محلی استفاده کاملتر به عمل آید. بدون انتظار دستور مقامات بالایی در امر بازسازی مؤسسات تخریب شده و به انجام رساندن پروژه‌های که اعمار شان آغاز شده است، ابتکار، پیگیری و پشتکار نشان داده شود.

باید به اشکال مختلف کوپراسیون و همکاری توجه بیشتر معطوف گردد. این امر

وسيله مهم فعال تر ساختن زندگى اقتصادى در محلات است. بيروى سياسى به طور خاص در مورد اين مسأله سندی را تصويب نموده که برای عملی ساختن آن باید کمیته‌های حزبی، ارگان‌های قدرت دولتی و سازمان‌های اجتماعی کار بسیار جدی را انجام دهند.

لازم است تا کار در جهت جلب امکانات و وسایل سرمایه خصوصی و ایجاد همکاری عملی و مفید با آن به شرط اجرای بلاقید و شرط و جایبی که در برابر دولت قرار می‌گیرد بهتر سازمان داده شود. باید در مدت کوتاه اقدامات مخصوص تقنینی و تدابیر دیگر در جهت فعال ساختن سکتور خصوصی و جلب آن به رشد اقتصاد کشور طرح و اتخاذ گردد.

ناگزیرم درباره پروبلم انتقال بارها و اموال به ولایات و ولسوالی‌ها به طور اخص یادآوری نمایم. این امر مهم و حیاتی است ولی آنرا به طور بسیار بد و به مشکل انجام میدهیم. چاره فقط یکی است: اردو، خاردنوی و خاد باید محافظت مطمئن قطارهای ترانسپورتی را سازمان داده و وسایل ترانسپورتی خود را در امور انتقال مهمترین اموال و بارها سهیم ساخته و پلان مشترک انتقالات ماهانه را ترتیب و در عمل تحقق بخشند.

اکنون درباره مسأله بسیار مهم یعنی اصلاحات ارضی - آب صحبت کنیم. ما به این مسأله توجه زیاد مبذول میداریم، در باره آن زیاد سخن می‌گوییم، ولی به طور بسیار غیرقناعت بخش عملی می‌گردد. درین جا هم علل عینی و هم ذهنی وجود دارد. بدون پرداختن به جزئیات فقط می‌خواهم بگویم که در ظرف دو سه ماه آینده مدارک قانونی موجود و نافذ و پراتیک تحقق اصلاحات مورد تحلیل و ارزیابی عمیق قرار گرفته تغییرات لازم در آنها به وجود خواهد آمد.

اما امر عمده یکی است و آن همیشه عبارتست از منافع توده‌های زحمتکش دهقانی در وجود قوانین و اسناد تقنینی مربوط به اصلاحات ارضی - آب که باید جداً جریان اجرای این اصلاحات تأمین گردد.

جهت گیری ضد فیودالی اصلاحات باید با صراحت و وضاحت بیشتر تبارز نموده در عمل با پیگیری بیشتر تحقق پذیرد. همچنان ضرورت است تا جانب مالی این امر نیز از ریشه تغییر یابد. مثلاً، اکنون دهقانی که بیست و یک تا بیست و پنج

جریب زمین یعنی در حدود نصاب قانونی دارد برای ثبت حصول سند رسمی باید بیشتر از بیست هزار افغانی بپردازد. این بخش از قوانین سابق اقتباس شده و میراث مانده است. این مسأله را نیز باید به نفع دهقانان زحمتکش حل و فصل نمود. به طور عموم باید به این امر نایل آمد تا طرق، میتودها، طرز العمل و همه میکانیزم اجرای اصلاحات ارضی - آب با ماهیت دموکراتیک آن کاملاً مطابقت داشته باشد برای دهقانان از نزدیک قابل درک و فهم باشد و شرایط خاص زمینداری و آبیاری در ولایات مختلف کشور را مدنظر گیرد. دارالانشاء کمیته مرکزی حزب باید کنترل بسیار جدی را بر فعالیت وزارت خانه‌ها و اداراتی که در این کار اشتراک دارند برقرار سازد.

رفقا!

ما وظایف تأخیرناپذیر خویش را در عرصه‌های اعمار دولتی، اقتصادی و فرهنگی در شرایط بسیار دشوار و پیچیده اجرا می‌نماییم.

در مدتی که از کنفرانس سرتاسری حزب سپری شده است، امپریالیزم و ارتجاع منطقه فشار را بر سرحدات ما افزایش داده و مداخلات را در امور داخلی ما توسعه بخشیده است. بخشی از اهالی کشور بنابر ترس و فریب ضدانقلاب هنوز هم در تردد قرار دارند و یا به طرفداری از این نیروها ادامه می‌دهند به همین سبب عرصه فعالیت صفوف حزب و حاکمیت انقلابی در بعضی از ولسوالی‌ها موقتاً محدود شده است.

در چنین شرایط حزب، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و همه وطنپرستان مجبور اند توجه بخصوصی را به استحکام نیروهای مسلح معطوف سازند.

دفاع از انقلاب و وطن و جیبه مقدس ماست. در شرایط جنگ اعلان ناشده تحمیلی، خدمت در صفوف قوای مسلح و مساعدت و کمک همه جانبه به آن وظیفه و وجیبه شریفانه همه سازمان‌های حزبی، دولتی و اجتماعی کشور و همه وطنپرستان است. بهترین فرزندان وطن باید در صفوف نیروهای مسلح قرار داشته و در دفاع از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و تحولات انقلابی اشتراک ورزند.

ما به موفقیت‌های مهمی در امر دفاع از وطن و تحکیم نیروهای مسلح خویش نایل شده ایم. سربازان و افسران قهرمان اردو، خاندنوی و کارمندان خاد ضربات نیرومندی بر باندهای مسلح ضدانقلاب، اجنت‌های امپریالیزم و ارتجاع منطقه که از خارج اعزام می‌گردند وارد ساخته اند. در ظرف پنج ماه اخیر تعداد زیادی از اشرار از بین رفته، مقادیر بزرگ سلاح و مهمات به دست آمده و تعداد زیاد پایگاه‌ها و نقاط اتکای ضدانقلاب محو شده است، اکنون در افغانستان دیگر کدام باند مسلحی که باند بزرگ دشمن حساب شود، وجود ندارد.

نیروهای مسلح ما با همه وسایل ضروری برای اجرای وظایفی که در برابر شان قرار دارد، مجهز می‌باشند. امور سازمانی آنها بهبود حاصل نموده و مهارت جنگی، قدرت آتش و سطح تجهیز تخنیکی آنها افزایش یافته است. کادر افسران و قوماندانان ما رشد و پختگی حاصل نموده اند، کارمندان سیاسی پرافتخار ما حرف حقیقت، حرف حزب را در میان توده‌های سربازان برده، روابط اردو، خاندنوی و خاد را با زحمتکشان و وطنپرستان کشور تحکیم می‌بخشند. در همه این موفقیت‌ها کمک بزرگ و واقع بینظیر متحد بزرگ و پر توان ما، دوست و برادر ما اتحادشوروی وجود دارد.

اکنون اجازه دهید تا بالای بعض از مسایل کلیدی ساختمان نظامی و قبل از همه بالای آن مسایلی که برای همه بخش‌های نیروهای مسلح ما مشترک و عام است، صحبت کنیم. تقویت رهبری حزبی نیروهای مسلح، ارتقای سطح فعالیت جنگی اردو، خاندنوی و خاد در مبارزه با باندهای ضدانقلاب موضوع مورد توجه همیشگی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است.

ما بر این رهنمایی رهبر پرولتاریای جهان متکی می‌باشیم که: سیاست اداره نظامی مانند همه ادارات و مؤسسات دیگر بر اساس رهنمودها و دستورهای عامی که از طرف حزب در وجود کمیته مرکزی و تحت کنترل مستقیم آن داده میشود، عملی می‌گردد. پیروی دقیق از این حقیقت ضامن پیروزی ما و یگانه راه درست دفاع از وطن محبوب ماست.

وزارتخانه‌های دفاع و داخله، ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی، کمیته‌های ولایتی حزبی و ارگان‌های دولتی در محلات باید تدابیر همه جانبه را برای اجرای

بلافاصله و شرط مشی حزب در جهت تحکیم نیروهای مسلح اتخاذ نمایند.

در رابطه با این موضوع می‌خواهم خاطر نشان سازم که بین ادارات و مؤسسات نظامی، بین همه انواع و صفوف قوای مسلح، بین اردو، خاندوی و خاد و همچنان بین آنها و قطعات نظامی و وطنپرستان که برای نخستین بار در کشور ما ایجاد شده است، باید مناسبات درست همکاری و عمل متقابل رزمی به وجود آید. این امر بسیار مهم است.

برای ما نه تنها تقویت و تحکیم نیروهای مسلح ضرور است، بلکه ایجاد هماهنگی دقیق و عمل متقابل و همکاری بین آنها هم از لحاظ اپراتیفی و هم از لحاظ عمومی سیاسی نیز مطرح می‌باشد. تنها به این ترتیب می‌توانیم سیستم مطمئن دفاع از وطن را ایجاد نماییم که بر ارتباط ارگانیک اردو و مردم استوار بوده و به وسیله نیروی تأثیر و نفوذ حزبی با هم جوش خورده باشد.

با تدابیر مشخصی که در ساحه نظامی از طرف بیروی سیاسی برای سال جاری طرح شده است و نسخه آن نزد شما موجود میباشد، نیز باید از این موقف و موضع برخوردار نمود. چنانکه می‌بینید این سند سیستم گسترده‌ی از تدابیر را برای تأمین جلب و احضار در اردو و خاندوی، بهبود تأمینات مادی، تحکیم قوای سرحدی، تقویت محافظت مؤسسات اقتصادی و قبل از همه مؤسسات همکاری افغان شوروی را که حیثیت مؤسسات کلیدی را در اقتصاد ما دارد و همچنان ارتقای سطح آماده‌گی جنگی قطعات نظامی و وطنپرستان را دربر می‌گیرد.

در تمام فعالیت جهت تحکیم نیروهای مسلح نقش مهم را تقویت بیشتر کار حزبی سیاسی و تربیتی با منسوبین آن ایفا می‌نماید.

لازم است تا رشد دایمی پختگی سیاسی سربازان و افسران، وفاداری آنان به امر انقلاب و مردانگی و شجاعت شان در جنگ، تأمین گردد. این امر در فعالیت ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی قوای مسلح جهت عمده را تشکیل می‌دهد. بنابر این هم باید توجه دایمی به تحکیم سازمان‌های حزبی نمود و هم تعداد هرچه بیشتر سربازان و خردضابطان را به حزب پذیرفت. زیرا هنوز هم در میان آنان تعداد اعضای حزب کم است. نباید فراموش کرد که تقویت کار حزبی سیاسی مهمترین عامل تحکیم دسپلین و احضارات محاروبی است.

ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی نیروهای مسلح باید در امر تحکیم روابط با سازمان‌های حزبی منطوقی از خود ابتکار و پافشاری بیشتر نشان دهند. در عین زمان سازمان‌های حزبی و ارگان‌های محلی دولتی، سازمان‌های اجتماعی به نوبه خویش وظیفه دارند کار وسیع سیاسی و سازمانی را جهت بهبود تربیت نظامی و وطنپرستانه جوانان و آماده ساختن ایشان برای خدمت در نیروهای مسلح گسترش دهند ضمناً باید گفت که هنوز پیشرفت این کار قناعتبخش نیست. پلان مخصوصی که برای این مسأله طرح شده و مقصد از آن هماهنگ ساختن مساعی سازمان‌های دولتی، حزبی و اجتماعی در این بخش است، به صورت بطنی عملی می‌گردد، باید به این وضع خاتمه داده شود.

رفقا!

منافع اساسی مردم ما و خواست و تمایل آنها برای قطع خونریزی و استقرار صلح پایدار حکم میکند که نیروهای مسلح ما استحکام بیشتر یابد. اکنون ما به این هدف بسیار نزدیک شده ایم. صدها گروه و گروه مسلح که در گذشته مصروف جنگ برادرکشی و در سنگر دشمنان واقعی وطن بودند، اکنون سلاح به زمین گذاشته به مذاکرات با قدرت انقلابی پرداخته و به کار صلح آمیز و اعمار جامعه برگشته اند و در بسیاری موارد اینها با حصول ایقان به حقانیت حزب، انقلاب و دولت ما و بی فایده بودن مقاومت به صفوف نیروهای مسلح پیوسته و اشتباهات گذشته خود را جبران میکنند. در اوضاع و احوالی که برتری نیروهای ما و ناگزیر بودن پیروزی ما برای هر کسی که چشم دارد هرچه بیشتر روشن و ثابت می‌گردد. لازم می‌شمارم نکات آتی را خاطر نشان سازم:

قبل از همه، تحکیم نیروهای مسلح ما به هیچ وجه به این معنی نیست که ما تصمیم داریم در آینده نیز بر نیروی نظامی اتکا کرده مسایل مربوط به عادی ساختن اوضاع کشور را تنها با میتوذهای نظامی حل نماییم به هیچ وجه چنین نیست.

پیروزی کامل و قطعی انقلاب بر ضدانقلاب در افغانستان در نتیجه تلفیق و استفاده منطقی و معقول از اشکال، میتوذهای و وسایل مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز به وسیله قدرت انقلابی حاصل می‌گردد. ما قاطعانه طرفدار طریق مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز می‌باشیم شاهد این موقف ما اندیشه صلح و آرامش سراسری ملی

در افغانستان است که به وسیله حزب طرح شده و کنفرانس سرتاسری حزب ما آن را تأیید نموده است. این اندیشه مبتنی بر دعوت برای قطع خونریزی و خودداری از استعمال سلاح هنگام حل و فصل اختلافات موجود است. عمل ما نیز شاهد این مدعای ماست: اعلام عفو برای کسانی که از مبارزه مسلحانه علیه وطن و انقلاب دست کشیده اند، برخورد انسانی نسبت به کسانی که بنابر تهدید، تخویف و یا فریب ضدانقلاب به این مبارزه کشانیده شده اند و بالاخره تعداد زیاد موافقات با سرکردگان گروه‌هایی مسلح قبلی که همیشه از طرف حاکمیت انقلابی ما رعایت شده و اطمینان آنرا به برتری و پیروزی نهایی حق و عدالت بر باطل و دروغ به روشنی نشان می‌دهد. در آینده تا جایی که با ما مربوط است، به این راه رجحان خواهیم داد.

اما مطلب درینجاست که انتخاب راه‌ها، میتودها و وسایل مبارزه به خاطر عادی ساختن اوضاع و استقرار صلح کامل تنها مربوط به ما نیست. اگر نیروهای خصم جنگ را بر ما تحمیل می‌کنند، ما باید این چلنج را بپذیرفته و در این جنگ برنده شویم.

هدف عمده ساختمان نظامی ما تأمین دفاع مطمئن از استقلال و تمامیت ارضی وطن محبوب ماست. همه تدابیری که به منظور تحکیم نیروهای مسلح اتخاذ می‌گردد نیز متوجه همین امر است. این تدابیر اجباری می‌باشد. این پاسخ ما به جنگ اعلان نشده و مداخله وسیع و سازمان یافته در امور داخلی ماست.

اکنون در جهان وظیفه مهمتر از دفاع از صلح، این بزرگترین ارزش برای همه بشریت و در آخرین تحلیل حفظ حیات در سیاره ما، وجود ندارد. به همین سبب کاملاً قانونمند است که در این روزها جنبش ضد جنگ، مبارزه علیه سیاست غیرمنطقی و تجاوزکارانه امپریالیزم در همه قاره‌ها و کشورها گسترش بینظیر یافته و صدها و صدها میلیون انسان را جلب کرده است. در پیشاهنگ این مبارزه به خاطر صلح جامعه کشورهای سوسیالیستی به سرکرده‌گی علمبردار صلح - اتحادشوروی قرار دارد. مظهر درخشان قاطعیت و تصمیم به خاطر دفاع از صلح در کره زمین، چنانکه میدانید اسامبله جهانی «به خاطر صلح و زندگی علیه جنگ هستوی» بود که چند روز قبل در پراگ تشکیل گردید. هیأت نماینده‌گی جمهوری دموکراتیک افغانستان که از لحاظ ترکیب و تعداد خود وسیع بود در این اسامبله در

امر مشترك مبارزه به خاطر صلح سهم شایسته خود را ادا نمود.

جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه کشور دارای حاکمیت و غیرمنسک در آینده نیز سیاست فعال صلح، تحکیم و رشد همکاری بین‌المللی را تعقیب خواهد کرد. ما مناسبات دوستی برادرانه و همبستگی انقلابی را با همسایه بزرگ شمالی خود اتحاد شوروی، با سایر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای مترقی جهان تحکیم و تقویت بخشیده و در آینده نیز خواهیم بخشید.

ما با افتخار و غرور به حق خاطر نشان می‌سازیم که انقلاب ما و جمهوری دموکراتیک افغانستان از پشتیبانی و شناسایی هرچه بیشتر در عرصه بین‌المللی برخوردار می‌گردد. تنها در ظرف سال گذشته با سه کشور دیگر، نیکاراگوا، گرینادا و لاوس مناسبات دپلماتیک را برقرار ساختیم. امروز کشور ما با تقریباً هفتاد کشور مناسبات دپلماتیک دارد. همچنان روابط بین‌المللی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تقریباً پنجاه حزب کمونیستی، کارگری و دموکراتیک - انقلابی، جنبش‌ها و سازمان‌های آزادیبخش ملی با ثمر بخشی رشد می‌یابد.

ما آماده هستیم روابط و همکاری متقابلاً مفید و متساوی الحقوق را با همه کشورهای بدون در نظر داشت نظام اجتماعی و سیاسی آنها، بر مبنای اصول همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار کنیم و رشد دهیم. این موقف در رابطه با کشورهای همسایه پاکستان، ایران و چین نیز صدق می‌کند. اما متأسفانه استفاده فعال از قلمرو این کشورها به غرض تجاوز مسلحانه به افغانستان انقلابی و مداخله آشکار در امور داخلی کشور ما، ادامه دارد. سازمان دهنده و الهامبخش عمده جنگ اعلان نشده علیه مردم و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارت از ایالات متحده امریکاست. اداره ریگن عملاً مداخله بیشرمانه در امور داخلی کشور ما را به سطح سیاست دولتی ارتقا داده است.

این وقایع و سایر وقایع منفی، اوضاع اطراف افغانستان و وضع منطقه را در مجموع جداً وخیم می‌سازد. ما اعتقاد عمیق داریم که راه واقعی حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان در پیشنهاد های صلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مؤرخ ۲۶ ثور ۱۳۵۹ (مطابق چهارده می ۱۹۸۰) و ۲ سنبله ۱۳۶۰ (۲۴ اگست ۱۹۸۱) نشان داده شده است.

زمان، مبرم بودن و واقعی بودن این پیشنهادهای را نشان داد. ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار می‌کنیم که راه دیگری به جز حل همه پروبلم‌های موجود در پشت مذاکره وجود ندارد.

مؤثرترین طریقه حل مسایل مربوط به اوضاع اطراف افغانستان، تأمین صلح و استقرار در منطقه مذاکرات جدی و عملی با حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان است. تا جایی که به ما مربوط است ما حاضر به اینکار هستیم و قاطعیت سیاسی و حسن نیت لازم را برای آن داریم.

رفقا!

وظیفه عمده پلینوم ما اینست که بر اساس تحلیل عمیق و بحث و بررسی جدی، همه جانبه و عملی پلان کامپلکس تدابیر جهت حل پروبلم‌های تأخیرناپذیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دفاعی را طرح و تصویب کند. در نهایت، این پلان کامپلکس همه امور در عرصه عادی ساختن اوضاع و استقرار صلح و آرامش سراسری ملی در کشور در این مرحله است.

تعمیل این پلان وظیفه مقدس همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، شورای وزیران، وزارت خانه‌ها و ادارات ارگان‌های قدرت دولتی در محلات است. در این حال بسیار مهم است که کار دوستانه و مشترک سازمان داده شود، زیرا تنها همکاری همه روزه ارگان‌های حزبی و دولتی در کار می‌تواند اجرای پلان را در مجموع تأمین نماید.

کمیته‌های حزبی موظف اند که بر اجرای این پلان کنترول جدی و شدید را برقرار ساخته و از کسانی که بدون ابتکار فعالیت می‌نمایند و در بخش خود به نتایج مشخص و قابل لمس نایل نمی‌گردند، بازپرسی جدی و اصولی به عمل آورند.

عمده اینست که اکنون همه توجه به کار سازمانی پرتحرک و زنده تمرکز یابد. ارگان‌های حزبی و دولتی ما اکثراً تصامیم بسیار اتخاذ می‌نمایند، اما بسیج انسان‌ها برای تحقق بدون قید و شرط و کنترول بالای اجرای این تصامیم چیزهاییست که ما هنوز نتوانسته ایم کاملاً تأمین کنیم. این وضع ما را مکلف می‌سازد تا طرز کار و فعالیت خود را، دایماً بهبود و تکمیل نماییم و اصل بهتر کارکردن، انقلابی کار

کردن و مشخص کارکردن را بیاموزیم.

رفقا!

اجازه دهید، برای همه تان موفقیت در اجرای وظایف عالی و پرمسئولیت آرزو کنم.

حزب ما - حزب دموکراتیک خلق افغانستان علی‌الرغم دشواری‌ها به پیش می‌رود!

ما پیروز می‌شویم!

رفقا!

پلینوم ما به کار خود پایان می بخشد. این پلینوم در زندگی حزب دارای اهمیت زیاد است، زیرا تجربه و نتایج کار حزبی و دولتی ما را بعد از کنفرانس سرتاسری حزب ارزیابی انتقادی نمود و تعمیم بخشید. این امر نیز مهم است که پلینوم از کارزار بزرگ سیاسی یعنی جلسات گزارشدهی سازمان‌های اولیه حزبی و کمیته‌های حزبی درباره کار انجام یافته در اجرای فیصله‌های کنفرانس، نتیجه گیری می کند. این کارزار مرحله مهمی در تحکیم حزب ما، پر تحرك شدن حیات حزبی و تشدید فعالیت سازمان‌ها و ارگان‌های حزبی بود. برای حزب همیشه مهم است که هریک از سازمان‌های حزب و هر عضو حزب بتوانند آراء، نظریات، طرز تفکر و پیشنهادهاى خویش را نسبت به هر مسأله مربوط به کار خودشان و یا کار حزب در مجموع صادقانه ابراز نمایند. این مظهر پختگی سیاسی حزب دموکراتیزم آن، رابطه واقعی آن نه تنها با توده حزبی بلکه با توده‌های وسیع مردم و خود زندگی، می باشد. ما در آینده نیز پراتیک تشکیل جلسات گزارشدهی را بهبود خواهیم بخشید تا عقل جمعی حزب راه پیشرفت ما را روشن سازد.

باید بگویم که کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته‌های حزبی، ارگان‌های سیاسی نیروهای مسلح نتایج کارزار گزارشدهی را تعمیم بخشیده و کار زیادی را برای تحقق عملی پیشنهادها و تذکرات انتقادی اعضای حزب انجام داده اند. ضمناً باید با صراحت و روشنی بدانیم که کار عمده هنوز در پیش رو است. محتوا و جهات اساسی آن که همه عرصه‌های فعالیت حزبی و دولتی را دربر گرفته و نظریات و پیشنهادهاى سازمان‌های حزبی را مدنظر می گیرد در «پلان تدابیر در زمینه بهبود کار سازمانی و سیاسی حزب و قدرت دولتی در روشنی وظایف و وضع کنونی جمهوری دموکراتیک افغانستان» انعکاس یافته است. اکنون امر عمده بسیج همه حزب برای اجرای این وظایف است. کار برای اجرای آنها آزمایش جدی توانایی ما برای عمل مشترک، دوستانه، منظم و متفق است.

قبل از همه این مطلب به عرصه روابط درون حزبی مربوط می گردد. اجرای

وظایف مطروحه باید حزب را به هم جوش داده وحدت آنرا تحکیم و تقویت بخشد.

همه این روایت مشهور مردمی را می دانند که یک تیر را حتی طفلی هم می تواند بشکند، اما دسته یی از تیرها را پهلوانی هم نمی تواند بشکند. اما متأسفانه در عمل این روایت در همه جا و به وسیله همه کس مدنظر گرفته نمی شود. بر علاوه باید گفت که نقش رهبری حزب در جامعه و دولت به معنی قوماندانی نه بلکه رهبری واقعاً سیاسی است. این چنین رهبری شامل طرح همه جهات اساسی کار سیاسی و سازمانی، تربیت و جابجا ساختن کادرها، بسیج و یکپارچه ساختن همه زحمتکشان و همه وطنپرستان برای اجرای وظایف مطروحه است. هیچ یک از ارگان‌های دولتی، هیچ یک از سازمان‌های اجتماعی، هیچ یک از اعضای حزب در هر مقامی که باشد، حق ندارد خودرا در برابر عقل و اراده جمعی حزب قرار دهد. وقت آن فرارسیده است که ما هم این قانون خدشه‌ناپذیر زندگی هر حزب حاکم و بالغ انقلابی را درک نموده بیاموزیم و مراعات نماییم.

ارگان‌های قدرت دولتی، سازمان‌های اجتماعی - توده‌یی باید در چارچوب مشی عمومی واحد حزب که برای همه شان حتمی است، عمل نمایند و اینها تیرهای راستی اند که باید به هدف اصابت نمایند. حکومت مردمی حکم می کند که تیر کج به هدف و منزل نرسد.

در باره یک چیز دیگر نیز می خواهم صحبت کنم، ما باید بزرگترین توجه را به ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات معطوف داریم. اکنون عمده است تا سازمان‌های حزبی و ارگان‌های قدرت دولتی و سازمان‌های اجتماعی در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها ابتکار بیشتر، پشت کار بیشتر و مسؤولیت بیشتر در اجرای وظایف مطروحه نشان دهند.

می خواهم یکبار دیگر خاطر نشان سازم که همه ارگان‌ها و سازمان‌های مرکز باید مساعی خودرا متوجه بهبود کار سازمان‌های تحت اثر در محلات سازند. زیرا بدون قدرت پایدار در محلات و بدون پشتیبانی توده‌های وسیع زحمتکشان از این قدرت نمیتوان از اجرای واقعی و بدون قید و شرط وظایف انقلاب مطمئن بود.

رفقا ما باید بیاموزیم که در همه امور برخورد عمیق و تحلیل علمی را با صراحت و وضاحت در امر سازماندهی تصامیم اتخاذ شده، تلفیق دهیم. مثال و نمونه روشن

برای ما کار و فیصله‌های پلینوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در ماسکو دایر گردید و بیانیه دوست بزرگ ما، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رفیق یوری ولادیمیرویچ اندروپوف در این پلینوم است. به من اجازه دهید تا با استفاده از تریبون عالی دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی، به همه احزاب انقلابی برا در اطمینان دهم که ما امر انقلاب ثور را به سرحد پیروزی کامل رسانده و سهم شایسته را در امر تحکیم دوستی افغان شوروی و پیروزی امر صلح در سراسر جهان ادا خواهیم کرد.

پیروزی از آن حزب ما، از آن خلق ماست!

ما پیروز می شویم!

مصوبه پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی ح. د.خ. افغانستان گزارش رفیق ببرک کارمل را در این زمینه استماع و مورد بررسی قرار داده، احکام و نتیجه‌گیری‌های آنرا بصورت کل تائید مینماید و از حزب و مردم دعوت بعمل می آورد تا آنها را ملاک عمل قرار داده و بخاطر رشد انقلاب، سعادت و شگوفانی وطن دوست داشتنی مان آنها را در نظر داشته و به صورت پیگیر و تا پایان در عمل پیاده نمایند.

پلینوم با اظهار رضایت خاطر نشان میسازد، که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان علی‌الرغم دشواری‌ها و موانع ایجادشده توسط اعمال تخریبی ضدانقلاب و ارتجاع بین‌المللی پس از تدویر کنفرانس سرتاسری حزب با اشتراک و پشتیبانی فعال توده‌های مردم در زمینه عادی شدن اوضاع در کشور به پیروزی‌های هرچه بیشتر نایل گردیده است. حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه رشد و تحکیم مییابد، یکپارچگی و ارتباط آن با مردم افزایش کسب مینماید.

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان سیستم نوین سیاسی انقلابی ما که در برگیرنده سازمان‌های وسیع اجتماعی یعنی جبهه ملی پدروطن، اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان، اتحادیه‌های کوپراتیفی و غیره می باشد، هرچه مطمئن‌تر فعالیت می‌نمایند.

کار ارگان‌های قدرت دولتی چه در مرکز و چه در محلات مؤثرتر و ثمر بخش تر میگردد. کمیته‌های حزبی ارگان‌های دولتی و سازمان‌های اجتماعی به مسایل اقتصادی، احیاء و اعمار پروژه‌های تولیدی، سازماندهی امور انتقالات ترانسپورتی تازه بصورت بهتر و مشخص‌تر دست بکار شده اند، مسئولیت شان بخاطر اجرای وظایف پلان شدن بالا میرود در نتیجه سعی و جدیت حزب، دولت و خلق، تهدید از هم پاشیدن اقتصاد رفع گردیده است. سطح معین تولیدات صنعتی و زراعتی و تأمین احتیاجات عامه باوجود مشکلات عظیم حفظ گردیده است کمک و همکاری‌های بی شایبه اقتصادی اتحاد شوروی این دوست بزرگ و متحد ما درین امر به پیمان و سیعی یاری میرساند.

ضدانقلاب و ارتجاع بین‌المللی نتوانستند جریان تکامل افغانستان را بسوی ترقی همه جانبه که با پیروزی انقلاب ثور بوجود آمده تغییر دهند. حزب و دولت انقلابی ما بخاطر تحکیم پیروزی های بدست آمده تقویت قوای مسلح، جلب توده‌های وطنپرست در امر دفاع از انقلاب و تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات بصورت پیگیر و هدفمند کار مینماید.

در عین حال پلینوم ضرورت تمرکز سعی و کوشش حزب، ارگان‌های قدرت دولتی و کلیه سازمان‌های اجتماعی توده‌یی را در جهت حل مسایل تأخیر ناپذیر در برابر مردم و وطن قرار داد. جهت رفع نواقص و نارسایی‌های که در ساختمان حزبی، دولتی، اقتصادی و نظامی و در سبک و شیوه کار ما موجود اند، خاطر نشان میسازد که فاکتهای حاکی از عدم اعتماد، همکاری غیرموجه و بی اساس هنوز هم تا حدودی موجود است.

بعضی از کمیته‌های حزبی هنوز هم با فاکتهای عدم تمایل و عدم توانائی بعضی از اعضای حزبی در زمینه سازماندهی کار مشترک دوستانه در جهت تحقق مشی حزب، فیصله ها و تصمیم کنفرانس سراسری حزب و پلینوم‌های کمیته مرکزی ح. د.خ. افغانستان از در سازش پیش می آیند.

وضع کار سیاسی در حزب خصوصاً کار توضیحی و تبلیغی در بین توده‌ها با مطالبات کنونی مطابقت ندارد، اکثر سازمان‌های حزبی و اجتماعی کارمندان رهبری کننده و ارگان‌های حزبی و دولتی مانند گذشته در امر تحکیم ارتباط حزب با توده‌ها توجه و فعالیت لازم از خود نشان نمیدهند.

وضع در بعضی از مناطق کشور هنوز هم متشنج باقی مانده است. کمیته‌های حزبی و ارگان‌های قدرت دولتی تا هنوز نتوانسته اند کار شکست ضدانقلاب مسلح را کاملاً بپایان رسانند و برای اهالی شرایط صلح آمیز و امنیت را تأمین نمایند.

مسایل مربوط به تشکل ارگان‌های قدرت دولتی در قشلاق‌ها از لحاظ قانونی و سازمانی عملاً حل و فصل نشده و روی این ملحوظ ارتباط روزمره و مشخص ارگان‌های رهبری کنند حزبی و دولتی با بخش اعظم از اهالی بحد کافی خصلت پایدار را کسب نه نموده است، نفوذ و تاثیر حزبی در امر حل و فصل پروبلم‌های تأخیر ناپذیر اقتصادی تاکنون هم ضعیف است.

کمیته‌های حزبی، سازمان‌های حزبی و وزارتخانه‌ها و ادارات، سازمان‌های اجتماعی نسبت به حل مسایل اقتصادی برخورد غیرفعالانه داشته و در زمینه تحقق فیصله‌های پلینوم یازدهم کمیته مرکزی ح.د.خ. افغانستان و تدابیری که جهت احیا و رشد تولید و بهبود وضع احتیاجات عامه اتخاذ گردیده اند کهنوت بیمورد از خود نشان می‌دهند.

فعالیت محاروبی حزب و دولت و سازماندهی کار در زمینه ایجاد و تقویت سیستم مطمئن دفاع از انقلاب و وطن خواستار بهبود قطعی و تحکیم هرچه بیشتر اردو و خارتندی و خدمات اطلاعات دولتی میباشند.

نارسایی‌های جدی در کار سیاسی، تربیتی میان افراد قوای مسلح و تحکیم ارتباط و همکاری متقابل بین آنها و توده‌های مردم، گروه‌های مدافعین انقلاب و گروه‌های دفاع خودی تاکنون موجود است. قوت‌های منطوقی قبایل هنوز هم بطور کامل در امر دفاع از انقلاب و میهن جلب نمی‌گردند.

کمبودی‌ها و نواقص در کار ما نتیجه سطح پایین بازپرسی و تقاضا نسبت به کادرها بخاطر امر محوله از جانب کمیته‌های حزبی و شعبات کمیته مرکزی که ضعف سازماندهی و انضباط در اکثر سازمان‌های حزبی بوده برخورد غیرانتقادی نسبت به ارزیابی نتایج فعالیت‌ها کماکان ادامه دارد. عدم مجازات در حالات تخلف از نورم‌های حیات حزبی بخاطر تخریب وحدت حزب و همچنان در ارتباط با عدم فعالیت هنوز هم مشهود است.

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ. افغانستان تصویب می نماید :

۱- احکام و نتیجه‌گیری‌های گزارش رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ملاک عمل قرار گیرد و بدون قید و شرط به منصفه اجرا گذارده شود. تمام کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و اجتماعی، کلیه اعضای حزب مکلف اند تا شرایط غرض تعمیل پلان تدبیر در زمینه بهبود کار سازمانی و سیاسی حزب و قدرت دولتی را که به صورت کل متکی بر احکام مندرج گزارش رفیق ببرک کارمل میباشند، تأمین نماینده پلان تدابیر منظور است (ضمیمه است).

۲- سعی و توجه همه حزب، حکومت ج.د.ا سازمان‌های اجتماعی توده‌ای و ارگان‌های محلی حزبی و دولتی بحل مسایل مبرم و تأخیر ناپذیر جهت نیل بر عادی شدن وضع در کشور طی کوتاهترین موعد ممکنه متمرکز گردد.

بدین منظور :

- کار در زمینه تحکیم هرچه بیشتر حزب، وحدت و انضباط صفوف آن و ارتقای نقش رهبری کننده آن در جامعه و دولت بطور پیگیر ادامه یابد.

- مشی تحکیم ارگان‌های قدرت دولتی، چه در مرکز و چه در محلات به صورت هدفمند به پیش برده شود. فعالیت اپرات دولتی پیوسته تکمیل گردد و چنین تشکیلاتی در آن فراهم آید که هرچه بیشتر پاسخگوی نیازمندی‌ها و تقاضاهای زحمتکشان باشد و آنرا با کادرهای وفادار به امر انقلاب استحکام بخشیده و از اهل سنن و عادات فیودالی، بیرو کراتیک پاک ساخته شود.

- رشد مداوم تأثیر و کنترول حزب بر فعالیت اپرات دولتی و ارگان‌های قدرت دولتی در محلات تأمین گردد.

- به امر تشکل قدرت دولتی در قشلاق‌ها و کمک مؤثر به نمایندگان شایسته آن توجه خاص مبذول شود.

به خاطر پیش کشیدن نمایندگان شایسته اقوام، ملیت‌ها و قبایل به ارگان‌های قدرت دولتی کار مداوم و پیگیر صورت گیرد.

- نقش و مسئولیت کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و اجتماعی، ارگان‌های دولتی در امر حل مسایل مبرم و ضروری احیاء و رشد تولیدات صنعتی و زراعتی، ترانسپورت، مخابرات، پروژه‌های اجتماعی و کلتوری بطور قاطع ارتقاء یابد. بایست از ذخایر و امکانات اقتصادی موجود در محلات استفاده هر چه کاملتر بعمل آید.

- قوای مسلح به مثابه سپر مطمئن میهن تقویت یابد. سعی گردد تا آنها به پیمانانه کامل با هدف عالی خود مطابقت داشته باشند. اعتبار و اتوریته مدافعین وطن افزایش یابد و ارتباط زنده و ارگانیک شان با مردم مستحکم گردد. مسایل مربوط

به کار دفاعی و تربیت نظامی وطن پرستانه جوانان باید پیوسته در مرکز توجه و فعالیت کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی قرار داشته باشد.

۳ - فعالیت کمیته مرکزی ح.د.خ. افغانستان و حکومت ج.د افغانستان در عرصه سیاسی خارجی تأیید است. مبارزه پیگیر و هدفمند بخاطر تأمین شرایط مطمئن صلح آمیز برای تحقق اهداف و وظایف انقلاب ثور بخاطر دستیابی برای عادی شدن اوضاع اطراف افغانستان از طریق صلح آمیز و سیاسی بر مبنای سیاست همزیستی مسالمت آمیز عدم انسلاک و حسن همجواری در آینده نیز به پیش برده شود.

کمیته مرکزی ح.د.خ. افغانستان اطمینان کامل دارد که حزب و مردم صفوف خویش را بدور کمیته مرکزی و دولت ج.د. افغانستان هر چه فشرده‌تر ساخته و همه امکانات را بخاطر عملی نمودن فیصله‌ها و تصامیم پلینوم بکار می‌بندند.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
ح.د.خ افغانستان

در بخش دوم کار پلینوم مطابق اجنداء در مورد تاریخ تدویر پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب فیصله به عمل آید، که پلینوم‌های کمیته مرکزی حزب در هر سال دوبار دایر گردد.

در بخش سوم کار پلینوم مطابق اجنداء پیرامون مسایل تشکیلاتی بحث و تبادل نظر صورت گرفته اعضای جدید اصلی، علی‌البدل به عضویت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اتفاق آراء انتخاب گردیدند.

اعضای ذیل از ترکیب اعضای علی‌البدل کمیته مرکزی حزب به عضویت اصلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتقاء نمودند:

سیداکرام پیگیر مسئول شعبه اسناد و ارتباط کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، عبدالستار پردلی رئیس شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی، عبدالغفار لکنوال وزیر زراعت و اصلاحات ارضی، محمد انور فرزام منشی هیأت ریشه شورای انقلابی، نورالحق علومی قوماندان قول اردوی نمبر (۲)

اعضای ذیل جدید به عضویت اصلی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انتخاب گردیدند:

احمد شاه سرخابی وزیر آبیاری، سرور منگل وزیر تحصیلات عالی و مسلکی، شهنواز تتی قوماندان قول اردوی نمبر (۱)، عبدالغفار آزاد منشی کمیته ولایتی هرات، عبدالواسع کارگر، کارگر وزارت معادن و صنایع.

اعضای ذیل جدیداً به عضویت علی‌البدل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انتخاب گردیدند:

آدینه سنگین کابل شاروال، خدایاد بشرمل آمر زون شرق، سید نسیم میهنپرست آمر زون شمال، عبدالقادر آشنا رئیس کمیته دولتی کلتور، عبدالعزیز مجیدزاده معاون کمیسیون نظارت و کنترول حزبی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، عبدالفتاح قوماندان قوای هوایی، غلام فاروق یعقوبی معاون ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی، فضل احمد طغیان والی کابل، فرید مزدک منشی کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، محمد اسرانیل راسی منشی کمیته حزبی ولایتی بدخشان، محمد افضل لودین قوماندان قول اردوی نمبر (۳). محمد عوض نبی زاده معین وزارت اقوام و قبایل، محمد فاروق قوماندان قوای سرحدی، محمد کبیر کارگر کارگر برق مزار شریف، نعمت الله آمر زون مرکزی و یاری قلیچ دهقان

در اخیر بیرک کارمل طی صحبت اختتامیه شان کار پلینوم را مثبت و سازنده ارزیابی نمودند.

پلینوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «دوباره تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولت»

۱۱ صحت ۱۳۶۲

رفقا!

دو موضوع برای بررسی به پلینوم کمیته مرکزی پیش می‌گردد. این دو موضوع عبارت اند از تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی که در شرایط کنونی عمیقاً باهم پیوند دارند و در ماهیت امر مسأله واحدی را تشکیل می‌دهند زیرا هنوز ضدانقلاب کاملاً سرکوب نشده است. به حکم قانونمندی انقلاب این وضع را دگر نمیتوان تحمل کرد. پلینوم ما باید تصامیم لازم، قاطع و مشخص را اتخاذ نماید و ارگان‌های حزبی، دولتی و سازمان‌های اجتماعی را از جا تکان دهد تا به فعالیت جدی انقلابی بپردازند و حرف آتشین انقلابی و تمام تصامیم حزبی و دولتی را در عمل زنده انقلابی پیاده کنند.

این فرمان انقلاب، خلق و وطن است و تمام شرایط لازم برای اجرای این وظیفه وجود دارد. اکنون تجربه لازم در امور حزبی، دولتی و نظامی موجود است و باید موجود باشد. من فکر میکنم که از لحاظ روانی نیز ما اکنون بهتر و کاملتر از گذشته درک و تشخیص مینماییم که حزب حاکم بودن، حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان بودن یعنی چه و چه مسؤولیت‌های عظیمی را در قبال دارد. همه اینها از ما جداً می‌طلبد که کار انقلابی خود را به سطح نوین ارتقا بخشیم و در پلان جامعتر، وسیعتر و عامتر، فاز نوین را به منظور تسریع پروسه تحولات ملی و دموکراتیک در افغانستان آغاز نماییم و انقلاب را به شیوه تعرضی طوری که رهبر پرولتاریای جهان گفته است به پیش سوق و اداره نماییم.

رفقا!

مفهوم «فاز نوین» تصادفی به وجود نیامده است. ما در این جا با ماهیت هر انقلاب

واقعی بر می‌خوریم که حتماً باید رشد و تکامل یابد و محتوای اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی خود را غنا و تعمیق بخشد. این رشد و تکامل به طور متداوم و پی در پی، از یک مرحله به مرحله دگر و در چارچوب هر مرحله، از فاز یا دوره اولیه به فازها یا دوره‌های بعدی آن رخ می‌دهد.

و ای. لنین بارها، منجمله در آثاری چون «چه باید کرد؟»، «بیماری کودکان» «چپروی» در کمونیزم، در این باره زیاد صحبت کرده است. او خاطر نشان می‌کرد که هر فاز در تکامل روند انقلابی، از فاز قبلی بیش از همه و به طور عمده نظر به درجهٔ پختگی حزب حاکمیت دولتی، سازمان‌های اجتماعی و همه ارگانیزم سیاسی و اقتصادی و ارتقای شعور خلق تفاوت دارد.

ناگفته پیداست که نیل به یک هدف بزرگ تاریخی گذار از دوره‌ها، مراحل، فازها، منازل، صورت‌ها و اشکال مختلف را ایجاب می‌کند. بزرگترین گناه و چپروی درین است که هر مرحله در اجزای خود به صورت دقیق درک و تشخیص نشود و از یک مرحله یا دوره یا یک شکل، به مرحله، دوره یا شکل بعدی جهشی صورت گیرد. این یکی از شیوه‌های خصلت‌نمای مائوویست‌ها بوده است.

تشخیص و درک این مطلب، از اهم مباحث تیوریک و پراتیک حزب ما می‌باشد و امیدوارم که ارگان مرکزی حزب ما «حقیقت انقلاب ثور» و سایر نشرات، تغییراتی را که در جامعه رخ می‌دهد و مراحل مختلف رشد و تکامل انقلاب را از طریق تحقیقات دقیق علمی توضیح نمایند.

اگر دربارهٔ مرحله جاری انقلاب صحبت کنیم، با اطمینان می‌توانیم بگوییم که همهٔ ما، در مقایسه با زمان آغاز آن کاملاً تغییر و فرق کرده ایم و باید تغییر کرده باشیم و انقلابی فرق کرده باشیم. با صراحت اظهار میدارم که باید متناسب با مرحله، دوره یا فازهای مختلف انقلاب، تمام انقلابیون، در شخصیت، خصایل و سجایای خود تغییر وارد کنند. تاریخ جنبش‌های انقلابی بین‌المللی نشان می‌دهد که آنهایی که توأم با پروسهٔ رشد انقلاب تغییر نکرده اند و در شخصیت دیروز خود باقی مانده اند یا مرتکب اشتباهات جبران‌ناپذیر میشوند یا حتی مرتکب خیانت می‌گردند و از صحنه مبارزه و سیاست محو و نابود میشوند.

فیصله‌های کنفرانس سرتاسری حزب، کار در جهت تحقق آنها و تجربه جدیدی که

در نتیجه حاصل شده است بنیاد واقعی و اصولی را برای بهبود همه فعالیت‌های ما ایجاد کرده است. با تکیه بر همین بنیاد هم ما قادر هستیم که به صورت قاطع و با بانگ رسا ضرورت تحکیم حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به مثابه حزب طراز نوین وفادار به انترناسیونالیزم پرولتری، در رأس اتحاد شوروی، حزب با دسپلین و وحدت آهنین و همچنین ضرورت تحکیم دسپلین دولتی، کار و فعالیت پیگیر انقلابی، ارتقای سطح مسؤلیت و مطالبات، صلاحیت و رشد ابتکار را اعلام بداریم. در گذشته نیز ما این امر را می‌خواستیم. اما اکنون این شعارها و خواست‌ها باید واقعاً قابل تحقق باشند و به طور پیگیر در عمل زنده پیاده گردند. حزب برای این کار پخته شده است و رهبری حزب تصمیم قطعی دارد تا بهبود اسلوب و شیوه کار را تأمین کند. همین امر فاز نوین است و ما در بیروی سیاسی آنرا این طور درک میکنیم.

من فکر میکنم که از نظر ساختمان حزبی و تکامل حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه پیشاهنگ سیاسی جامعه و دولت، مشخصه فاز نوین قبل از همه باید این باشد که برخورد اعضای حزب نسبت به آنچه که در حزب و پیرامون آن می‌گذرد در جهت تکاملی تغییر یابد. مسأله برسر ضرورت اجرای کامل و بلاقید و شرط وظیفه حزبی و همه وجایب ناشی از برنامه عمل، اساسنامه حزب و فیصله‌های پلینوم‌های کمیته مرکزی است. مسأله بر سر مهمترین امر برای حزب یعنی تأمین وحدت ارگانیک آن، محو مظاهر عدم شور و شوق و عدم علاقه برای همکاری، امحای نفع طلبی محفلی و گروهی، امحای شیوه‌های کار شکنی، عدم همکاری، جاه طلبی، خودخواهی و لجابت کورکورانه که متأسفانه هنوز به نظر می‌خورد، است. صریح و به تأکید خاطر نشان می‌سازیم: تا کنون درباره مبارزه با این مظاهر بیشتر حرف زده میشد تا عمل. فاز نوین همین معنی گذار از حرف به عمل، به کار عملی مشترک در جهت اجرای فیصله‌های حزب را دارد. و آن کسی که یکدل و یکجا با تمام نیرو در این کار اشتراک نمیکند، تحت هر ماسکی که خود را بپوشاند به حیث انشعابگر و فرکسیونباز در حزب ما شناخته خواهد شد. به این ترتیب او خود را افشا نموده حق باقی ماندن در حزب را از دست میدهد، از حزب اخراج میشود و از مقامات دولتی طرد میگردد.

تمام تجربه بین‌المللی نشان میدهد، که حزب انقلابی مخصوصاً حزب انقلابی حاکم

باید نمونه سازمان‌پذیری و دسپلین باشد، که بدون آنها نمیتواند وحدت واقعی به میان آید. طرح وحدت به صورت مجرد آن نمیتواند وحدت را تأمین کند. وحدت آهنگین فقط میتواند از طریق انضباط آهنگین تأمین گردد، طور دیگری نمیتواند باشد و حزب حاکم انقلابی به گونه‌ی دیگر نمیتواند پیروزی‌های خود را حفظ کند، از انقلاب دفاع نماید و قدرت حاکمه را در دست خود نگهدارد و بخصوص نمیتواند به ساختمان جامعه‌نویین نایل آید. ببینید که کمیته مرکزی حزب لنین در دشوارترین و پرمخاطره‌ترین هنگام برای سرنوشت انقلاب، در سال ۱۹۱۸ به کمونیست‌های روسیه چه میگفت: «لازم است درک گردد که بدون حزب محکم و بهم پیوسته که مانند شخص واحد عمل کند، ما نمیتوانیم وظایفی را که در برابر ما قرار دارد، انجام دهیم. ما همه اعضای حزب را به دوستانه‌ترین و پر تحرک‌ترین کار در امر تحکیم سازمان حزبی، ارتقای دسپلین و یکپارچگی صفوف خود در سطح عالی لازم دعوت میکنیم.»

همه اینها بموقع بودن، درستی و ضرورت این چنین طرح مسأله را به اثبات میرساند و ما را بیشتر به آن متیقن میسازد. در فاز کنونی انقلاب وقت آن رسیده است که بهتر و بیشتر کار صورت گیرد، آنچه که در وجود تصامیم درست و معقول ما انعکاس یافته است به مردم داده شود و اجرای پیگیر و کامل این تصامیم به وسیله کاری که مردم را در عمل و نه در حرف در حل مسائل موجود کمک کند، تأمین گردد.

باید خاطر نشان کرد که مطالبات فانونین تنها متوجه حزب نیست، بلکه اهمیت عام دارد. ما باید در عرصه اداره دولت، تحولات اجتماعی - اقتصادی، در اجرای اصلاحات ارضی و آب، در تأمین امنیت و بهبود شرایط زندگی مردم، در کار صنایع، زراعت، تجارت، تنزیل قییم، ترانسپورت و مخابرات در جهت ارتقای سطح زندگی زحمتکشان به صورتیکه در ظرف یکسال برای شان محسوس و قابل لمس باشد، نیز از حرف به عمل بگذریم. باید حتماً و حتماً در ظرف یکسال چیزی قابل لمس و احساس به مردم داد.

بالاخره فانونین باید چرخش قاطع را در عرصه مبارزه علیه ضدانقلاب مسلح و تسریع سرکوب آن نه تنها از طریق بهبود عملیات اردو، ژاندوی و خاد، بلکه از طریق جلب هرچه وسیعتر توده‌های مردم در این امر ضروری نیز به عمل در

آورد.

اجازه دهید، اکنون به ارزیابی و تشخیص مفصلتر جهات اساسی کار ما در رابطه با پروبلم‌های مبرم حل نشده و نزدیکترین و عاجل ترین دورنما و وظایف انقلاب ثور بپردازم.

رفقا!

جهت اساسی و محتوای عمده کار حزب، حکومت، نیروهای مسلح، مؤسسات ملکی، سازمان‌های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن و همه وطنپرستان کشور عبارتست از تشدید مساعی مشترك در مبارزه علیه ضدانقلاب مسلح. این مسأله عمده و تعیین کننده زندگی ماست و همه چیز مربوط به آن است.

بیروی سیاسی معتقد است، بین آنچه که ما توانایی آنرا داریم و آنچه که حاصل نموده ایم فاصله یی به میان آمده و هنوز رفع نگردیده است. در نتیجه تدابیری که حزب و حکومت اتخاذ کرده اند، نیروهای مسلح ما بدون تردید رشد نموده و تحکیم پذیرفته است. آنها با همه انواع ضروری تخنیک محاربوی و تجهیزات مطمئن مجهز گردیده اند. حزب بهترین نمایندگان خود را به نیروهای مسلح می فرستد اکنون بیش از شصت فیصد اعضای حزب در اردوی خاندوی و خاد خدمت میکنند. بر علاوه تعداد زیاد اعضای حزب و سازمان دموکراتیک جوانان هسته گروه‌هایی مدافعین انقلاب، دفاع خودی، و سپاهیان انقلاب را تشکیل میدهند. ما با سرفرازی و افتخار میگوییم که حزب ما از لحاظ ترکیب خود، حزب واقعاً جنگنده و رزمنده است و در راس مبارزه به خاطر دفاع از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی وطن قرارداد. اما باید در نظر داشت که پیروزی در این مبارزه نه فقط با نیروی حزب و قوای مسلح، بلکه بیش از همه و به طور عمده در نتیجه پشتیبانی توده‌های مسلح و سازمان یافته مردم حاصل میشود.

این امر را رهبر پرولتاریای جهان دوازده سال قبل از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر پیشبینی نمود. او نوشت که بعد از حصول پیروزی تراکم عظیم انرژی انقلابی همه طبقات پیشرو لازم است، تا از این دستاورد دفاع گردد. او در زمان بعد از انقلاب، این اندیشه را رشد داده خاطر نشان میکرد که در تحلیل نهایی بلشویک‌ها به این سبب پیروز شدند که اعتماد و پشتیبانی توده‌های عظیم مردم را حاصل کردند،

توده‌ها را از جنگ ضدانقلاب رهایی بخشیدند، ضدانقلاب را از اتکای اجتماعی آن محروم ساخته و در جامعه تجرید کردند.

چنانکه در نهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان خاطر نشان گردید تقویت کار حزب در میان توده‌ها، جذب آنان به طرف ما، جلب آنان در تکامل انقلاب و دفاع از آن، عمده ترین وظیفه حزب و حاکمیت انقلابی است.

امروز ما میتوانیم خاطر نشان سازیم که گرچه در این مهمترین امر تنها گام‌های نخستین را برداشته ایم، باز هم تغییرات معین رخ داده و رخ میدهد. هزاران نفر به طور داوطلبانه شامل گروه‌هایی دفاع خودی، مدافعین انقلاب و قطعات محلی و قومی گردیده اند. آنها با این کار خود به طور آگاهانه به استقبال خطرات میروند و زندگی خود را در معرض آن قرار میدهند. اما سیل داوطلبان کاهش نیافته بلکه افزایش حاصل میکند. برعلاوه، تعداد زیادی از باندها، از اعمال خویش نادم و پشیمان گردیده اکنون با ارگان‌های حاکمیت دولتی همکاری میکنند و در مبارزه علیه دشمنان انقلاب اشتراک می‌نمایند. به این ترتیب، روند پیوستن بخش‌های هرچه بیشتر مردم به انقلاب جریان دارد. هنوز وقت است بگوییم که این روند خود به خود امحا و اضمحلال ضدانقلاب را تعیین میکند، اما مردم بهتر میبینند و درک میکنند که در عمل چه کسی دوست شان و چه کسی دشمن شان است. باید به این نکته توجه کرد که امروز زنان افغان نیز در مبارزه علیه ضدانقلاب مسلح چون شیرمردان می‌رزمند، خواهران و مادران ما در دفاع از سرزمین مقدس خود، در جنگ علیه باندیت‌ها و تجاوزات اجنت‌های ارتجاع منطقه و امپریالیزم امریکا حماسه‌های جاویدان می‌آفرینند. خاطره حماسه‌ی که زنان دلیر جاجی میدان آفریدند، در تاریخ پرافتخار حزب ما جاویدان خواهد بود. از همه اینها چه نتیجه گیری میتوان کرد؟

نتیجه گیری یکی میتواند باشد و آن اینکه: ما نیرومندتر از دشمنان خود هستیم. ما بهتر و خوبتر مجهز و مسلح هستیم. ما از آنچه که دشمنان تنها در حرف وعده دروغین میدهند، در عمل بیشتر برای مردم فراهم آورده و مهیا میسازیم. هم مبارزه انقلابی ما عادلانه است، هم حق و هم نیرو به طرف ماست. اما دشمنان ما به چه اتکا میکنند؟

بباید در مورد این مسأله کمی مفصل تر صحبت کنیم. ما می بینیم که سازمان‌های ضدانقلابی به چه اعمالی دست می زنند. فقط بعضی مثال‌ها و حقایق را بیان میدارم. به همه گان معلوم است که یکتعداد قابل ملاحظه‌ی ملاحاها و روحانیون وطنپرست کشور، معلمان و دکتوران قربانی خونریزی وحشیانه و دمنشانه آنان شده اند. آنان ده‌ها مسجد، یکصد و سی شفاخانه و مرکز صحتی و یکهزار و هشتصد و چهارده مکتب یعنی تقریباً نصف همه مکاتب کشور را تخریب کرده و یا سوختانده اند. کی میتواند ضرری را که به دهقانان در نتیجه از بین رفتن سرپناه، حاصلات زراعتی و مواشی و غیره که از طرف ضدانقلاب به غارت برده شده و یا تخریب گردیده است، محاسبه کند؟

ضدانقلاب، ترقی اقتصادی وطن را مانع میشود و تلاش می‌ورزد تا کشور ما فقیر و عقب مانده باقی ماند و نظام قرون وسطایی احیا گردد. برای اینکار همه اعمال شوم ممکن را انجام میدهد. و همین ضدانقلاب است که به افغانستان معادل سی و پنج میلیارد افغانی خساره وارد نموده است. این رقم براساس یک تخمین ارتجالی نصف همه سرمایه گذاری در رشد اقتصاد کشور را در ظرف بیست سال اخیر میسازد.

لذا ضدانقلاب نیروی شر و تخریب است. این چیزی است که مشخصه آنرا میسازد. سرکردگان ضدانقلاب به خاطر منافع شخصی خود مبارزه میکنند. زیرا آنچه که آنها انجام میدهند، نمیتواند با منافع مردم، با منافع انسان‌های شرافتمند و ساده کشور، مطابقت داشته باشد. بنابر این سرکردگان ضدانقلاب نه تنها با مردم بلکه با یکدیگر خود نیز نمیتوانند زبان مشترک داشته باشند. آنها هیچگاه موفق نمیگردند جبهه واحد نامقدس را علیه افغانستان انقلابی بسازند. اگر به ریشه و ماهیت اشیا و پدیده‌ها نگریسته شود، معلوم میگردد که وحدت آنها نه تنها به خاطر تمایلات حریصانه، خودخواهی‌های وحشیانه و خودپرستی‌هایشان که مشخصه درجه یک آنها را می سازد ممکن نیست، بلکه قبل از همه وحدت شان به خاطر آن میسر و امکان پذیر نمیگردد که آنها چیزی به مردم پیشنهاد کرده نمیتوانند، به خواست مردم پاسخ مثبت داده نمی‌توانند و نمیخواهند و قادر نیستند به مردم آنچه را که نیازمند است، بدهند. خونریزی، فریب، ترور، اختناق و ظلم قرون وسطایی هیچگاه آنها را به پیروزی نمی‌رساند. جریان تکامل تاریخ به نفع ماست و ما به طور بلاقطع علیه آنها مبارزه

میکنیم.

اما این مسأله نیز روشن است که پیروزی خود به خود حاصل نمیشود. ارزیابی عینی اوضاع و استراتژی و تاکتیک درست و پیگیر لازم است. در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که تعداد ضدانقلابیون "آرمانی" که دارای به اصطلاح مواضع ایدیولوژیک اند، آنقدر زیاد نیست. عمده چیز دگریست؛ عده زیادی از مردم هنوز به امر دفاع از انقلاب جلب نشده اند. این واقعیت تلخی است که رفع آن ایجاب درک و عمل را میکند. این وضع تا حد زیادی ناشی از اشتباهات، عدم توانایی و بعضاً هم عدم آرزومندی برای کار همیشگی و پر حوصله با توده‌های مردم و ناشی از عدم اجرای کامل تحولاتی که اعلام شده و خواست مردم است، می باشد. اما این هم واضح است که این عده که در کنار ما نیستند، با ضدانقلاب نیز نمی باشند و به دنبال آن نرفته اند. تحلیل ترکیب اعضای سابق باندها که به ما پیوسته اند یا تسلیم شده اند، چه چیزی را روشن میسازد؟ اینرا که بخش قاطع آنان در نتیجه فریب و یا ارعاب ضدانقلاب به باندیت ها پیوسته بودند. در این جا همه چیز واضح میگردد. باز هم دروغ و خونریزی جباران ضدانقلاب، دروغ پراگنی رنیلانه ارتجاع و امپریالیزم، تعدادی از افراد ساده وطن را موقتاً به اردوگاه ضدانقلاب پیوند داده است. چه نتیجه گیری باید کرد؟

قبل از همه باید به پخش حقایق در باره انقلاب ثور، سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، افشای جعلیات، دروغ ها و اتهامات دشمنان توجه بزرگی صورت گیرد و اینکار بهتر از امروز عملی گردد. باید ضدانقلاب را از لحاظ اندیشه زهرآگین و عمل وحشیانه آن افشا و سرکوب نمود، تعرض وسیع، منسجم و هماهنگ ایدیولوژیک را هم در چارچوب پلان‌های کمپلکس که متوجه آزادی و پاکسازی این یا آن منطقه است و هم در مقیاس همه کشور، گسترش داد. این امر ضامن سرکوبی نظامی آن نیز است.

در اسناد پلینوم نهم و پلینوم‌های بعدی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به طور وسیع و کامل وظایف ارگان‌های تبلیغ و ترویج حزبی، وسایل اطلاعات جمعی، ارگان‌های فرهنگی، مؤسسات نشراتی، اتحادیه‌های روشنفکران ایجادگر و غیره و همچنان وظایف تمام اعضای حزب، سازمان‌های اجتماعی، ارگان‌های دولتی و نظامی و جبهه ملی پدروطن طرح و تشریح گردیده است، اما

تصامیم اتخاذ شده در عمده ترین بخش اجرا نگردیده است، یعنی هنوز به پیمانہ ضروری کار صورت نگرفته و هماہنگی لازم، سیستماتیک، پیگیر و ضرور در فعالیت عرصہ ایدیولوژیک وجود ندارد. حقیقت انقلاب ما هنوز بہ اکثریت قاطع دہا و مراکز زیست نرسیدہ است و در نتیجہ جمعیت زیاد مردم از آن بی خبر اند. وقت آن رسیدہ است کہ درک گردد کہ ہر عضو حزب از پایین تا بالا، ہر عضو سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، ہر کارمند ارگانہای حاکمیت دولتی، ہر افسر و بخصوص ہر کارمند سیاسی و ہر سرباز، ہر کارمند خاندنوی و خاد باید حامل و پخش کنندہ این حقیقت و مبارز راہ آن باشد. ہمہ تدابیر حزب و دولت در جہت استحکام حاکمیت دولتی در محلات باید از لحاظ ایدیولوژیک نیز تأمین گردد. اگر بہ طور خلص گفته شود، باید ہم افراد و ہم وسایل تخنیک لایم کاملاً آمادہ باشند تا فوراً در جریان عملیات بہ مردم از طریق میتنگہای وسیع، پخش اوراق، بہ وسیلہ بلندگوہا و حرفہای سادہ، مفہوم انقلاب، سیاست حزب و حکومت، وظایف خود مردم در ساحہ دفاع خودی و در عرصہ حل پروبلہمہای مبرم محلی، توضیح و تشریح گردد. رہبران حزبی و دولتی، افسران نظامی، شعبات کمیٹہ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ریاستہای سیاسی قوای مسلح، وزارتخانہہا و ادارات مربوط و کمیٹہہای حزبی مؤظفند بہ این امر توجہ کنند. این کار توضیحی را باید در جہت جلب مردم برای شرکت در روند انقلاب و دفاع از آن سمت داد.

رفقا!

حزب ما و حاکمیت انقلابی بہ ساختمان نیروہای مسلح و وضع آن بہ مثابہ ہستہیی اساسی و قلعہ استوار و پیشتاز مبارزہ علیہ ضدانقلاب توجہ زیاد دارد. چنانکہ شما میدانید این پروبلہمہا بارہا در پلینومہا و جلسات بیروی سیاسی کمیٹہ مرکزی حزب بررسی و ارزیابی گردیدہ و در مورد تصامیمی اتخاذ شدہ است و همچنان یک تعداد جلسات مشورتی کارمندان حزبی، ارگانہای دولتی، قوماندانان و کارمندان سیاسی قوای مسلح وقف این موضوع گردیدہ است. اما اوضاع حکم می کند کہ بار دگر بہ این مسألہ پردازیم. ما اردو، خاندنوی و خاد را تحکیم بخشیدہ و تحکیم می بخشیم، این کار فقط برای سرکوب کامل و قطعاً ضدانقلاب، دفاع از آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و دفاع از انقلاب ضرور است. ما ہدف دگری

نداریم. من به نمایندگی از حزب و مردم يك بار دیگر اعلام میدارم: که جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچگاه منبع تهدید به کشورهای همسایه یا سایر کشورها نخواهد بود. اما دشمنان انقلاب ما هنوز سلاح به زمین نگذاشته اند. این وضع ما را مجبور می سازد تا به طور پیگیر و با اصرار به کار دفاعی بپردازیم. ما تجدید لازم ساختمان مؤسسات نظامی سابق را تحقق بخشیده اردو، خاندوی و خدمات امنیتی نوین را ایجاد کردیم. کمیت آنها افزایش می یابد، تأمین مادی و تخنیکی و قابلیت و آمادگی رزمی آنها بهبود حاصل می کند. در سال جاری عملیات های موفقانه نظامی بسیار صورت گرفته است که ضربات قابل ملاحظه یی را برضد انقلاب وارد کرده و پلان های آنان را در جهت وخامت اوضاع در کشور خنثی نموده است. نیروهای خاندوی بارها حمله اشرا را بر قسمت زیادی از مناطق زیست و مؤسسات اقتصادی و اداری دفع نموده اند. خاد سهم قابل ملاحظه و افزایش یابنده را در مبارزه علیه ضدانقلاب می گیرد. امروز ما با اطمینان و افتخار میتوانیم بگوئیم که انقلاب ما در برابر هرگونه سوء قصد دشمنان از خود دفاع میکند. بگذار هیچ یک از آنان امیدوار به عدم مجازات نباشند، اما هر کسی که بیهوده گی مبارزه علیه انقلاب، خلق و وطن را درک کند، میتواند امیدوار ترحم و عدالت باشد. شمشیر بران انقلاب فقط آنانی را محو و نابود خواهد کرد که به نفع دشمنان وطن انقلابی ما آگاهانه علیه خلق و وطن عمل میکنند.

رفقا!

سیاست ما صلحجویانه است. ما از تمام پیشنهادها و پروگرام های صلح اتحاد شوروی که از طرف مقامات رهبری حزبی و دولتی شوروی صورت گرفته و در اسناد کنگره ها و پلینوم ها بسط و توسعه یافته است پشتیبانی میکنیم.

سیاست صلحجویانه به این معنی نیست که ما در دفاع از کشور و وطن خود سیاست پاسیف داشته باشیم. ما سیاست فعال، پرتحرک و زنده سیاسی صلحجویانه را تعقیب مینماییم. کشور ما، کشوری کوچک نیست. کشور ما در یک نقطه تاریک و دور افتاده جهان قرار ندارد. کشور ما بزرگ و کبیر است. بعد از انقلاب ثور نقش و تأثیر کشور و مردم ما بر پروسه های جهانی قابل ملاحظه گردیده است.

ما افتخار داریم که انقلاب ما، انقلاب ثور خصومت تمام دشمنان طبقه کارگر و

زحمتکشان و دشمنان پرولتاریا و جهان سوسیالیستی را جلب نموده است. این خود نمایانگر آنست که راه ما راه درست، راه حق و شرافت است.

باید توجه داشت که جهان در حال حاضر بر سر دوراهی خطیر جنگ و صلح قرار دارد. امروز راه سومی وجود ندارد، یا دفاع از صلح یا افتادن در دامن فاجعه جنگ. این جنگ در تفاوت با تمام جنگ‌های گذشته به شمول جنگی متجاوزانه اشغالگران فاشیزم هتلری جنگی بس وحشتناک خواهد بود که موجودیت و هستی تمدن بشری را جدأ تهدید میکند. بنابراین حزب ما به مثابه پیشتاز صلح و رهبر انقلاب، مردم، جامعه و دولت باید افق دید خود را فوق‌العاده وسیع سازد.

سیاست فعال ما، هم به مثابه وظیفه ملی و وطنپرستانه، هم به مثابه وظیفه انترناسیونالیستی، بازو به بازوی اتحادشوروی و جهان صلح و سوسیالیزم قرار دارد.

در حال حاضر نه تنها وظایف انقلابی ما و ایجابات ساختمان جامعه نوین حکم میکند که ما توده‌های عظیم مردم خود را به طرف انقلاب جلب کنیم و یک قوای مسلح طراز نوین، جنگنده، مبارز و مدافع وطن و مردم داشته باشیم، بلکه به مثابه وظیفه انترناسیونالیستی خود نیز به نام بشریت، به نام حفظ تمدن بشری باید یک نیروی مسلح قوی و نیرومند یکجا با مردم تحت رهبری حزب ایجاد کنیم که در صورت مواجه شدن با جنگ مستقیم در برابر حملات نخستین به سرزمین مقدس ما با مشت‌های آهنین پاسخ داده بتواند. البته ما تنها نیستیم، هم اکنون قطعات محدود قهرمان قوای مسلح اتحادشوروی در کنار و دوش به دوش ما برای حفظ آزادی و استقلال می‌رزمند. ما باید به پای خود ایستاده شویم و با داشتن قوای مسلح منظم و سازمان یافته، در برابر دشمنان تجاوز کار، بی‌امان و بی‌ترس، قهرمانانه و شجاعانه برزیم. اینجاست که اهمیت عظیم تقویت قوای مسلح و جلب توده‌های مسلح مردم در امر دفاع از انقلاب، آزادی و استقلال کشور به مثابه یک وظیفه جدی و اساسی با برانزنگی خاص تبارز میکند.

اکنون درباره بعضی مسایل مشخص ساختمان نظامی خود صحبت میکنیم. قبل از همه برای ما لازم است تا مساعی خود را متوجه بهبود کار در ساحه اکمال نیروهای مسلح ساخته، نه تنها کمیت پرسونل، بلکه کیفیت، آماده‌گی جنگی و روحیه‌عالی و

پر شور و وطنپرستانه را تأمین کنیم. باید تمام کار مربوط به اعمال نیروهای مسلح و اجرای کامل و بموقع پلان‌های جلب و احضار بهتر سازمان داده شود.

البته به خاطر عدم اجرای فیصله‌های پلینوم و پلان‌های جلب و احضار قبل از همه مسؤولین مربوط ادارات نظامی و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان پاسخگوی اند.

رفقا باید جدی‌ترین نتیجه‌گیری‌ها را هم برای ارگان‌های مربوط و هم برای شخص خود نمایند. اما باید صریحاً گفت که بعضی افراد مقامات مسؤول حزبی و دولتی طوری که لازم است به مسأله جلب و احضار توجه نمیکنند. کمیساری‌های نظامی در این جهت کار درست نمیکنند و ارگان‌های عدلی از کار در ساحة جلب و احضار کاملاً بر کنار مانده اند. تصویر بسیار نامطلوب و نادرستی به میان می آید. اردو که باید روزتاروز ضربات خود را بر اشرار تقویت بخشد، مجبور است بخشی قابل ملاحظه نیرو و وسایل را جهت سازماندهی و تأمین جلب و احضار مصروف سازد. چنین استفاده غیرمعقول از نیروهای نظامی منظم درست نیست. من درین باره که این کار به پرورش حس احترام و دوستی نسبت به اردو و خدمت عسکری در میان مردم و مخصوصاً جوانان مساعدت ننموده، بلکه به آن لطمه وارد میکند، هنوز صحبت نمی کنم.

عملی ساختن جلب و احضار و اكمال نیروهای مسلح را از لحاظ افراد باید قبل از همه ارگان‌های حاکمیت دولتی، کمیساری‌های نظامی با اشتراك مستقیم و فعال سازمان دموکراتیک جوانان، سایر سازمان‌های اجتماعی تحت رهبری و کنترل سازمان‌های حزبی و همچنان مسؤولان زون‌ها و کمیسیون فوق‌العاده جلب و احضار و مسؤولان آن در زون‌ها به عهده داشته باشند. در آنجایی که این کار به طور واقعی صورت میگیرد موفقیت نیز حاصل میگردد. در عین زمان باید به صورت فعالتر ساحة جلب و احضار را توسعه داد و با جرأت بیشتر به قریه‌ها، علاقهداری‌ها و ولسوالی‌ها رفت و در آنجا ارگان‌های حاکمیت انقلابی، سازمان‌های حزب و جوانان را ایجاد کرد و تحکیم بخشید و مردم را در امر دفاع از وطن جلب کرد. نباید در زمینه جلب و احضار کار خود را به چند شهر محدود ساخت. این امر تمام نظم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما را برهم میزند. از شهرها باید جداً به طرف ده‌ها رفت. باز هم خاطر نشان می‌سازم که نیروهای مسلح انقلابی باید بموقع

و مطابق به پلان جلب و احضار اکمال گردد. کمیساری‌های نظامی در برابر این مهمترین امر پاسخگوی می باشند. باید بهترین و وطنپرست ترین اشخاص به حیث کمیسارهای نظامی در ولایات تعیین شوند. وظیفه و وجبیه ارگان‌های حزبی و دولتی است تا همه شرایط لازم را برای کمیساری‌های نظامی جهت اجرای وظایف شان تأمین نمایند.

درینجا من باید روی مفهوم «کمیساری نظامی» صحبت کنم که ماهیت دموکراتیک انقلاب ما و حاکمیت انقلابی را نشان میدهد. اصطلاح «کمیساری» تقریباً دو صد سال قبل در فرانسه در جریان انقلابی که فیودالیزم و نظام شاهی را برانداخت به وجود آمد. این کلمه مفهوم کاملاً نوینی را داشت یعنی تنظیم و اکمال اردوی انقلابی و تحقق حاکمیت در محلات نه به مامور بیروکرات، بلکه به فرد انقلابی دارای صلاحیت‌های خاص سپرده میشود. در شرایط ما، کمیساری نظامی ارگانی مهم و باصلاحیت است، که مسؤول ثبت و محاسبه همه افراد تحت جلب عسکری و احضار بموقع شان برای خدمت و انجام وظیفه مقدس و وطنپرستانه در نیروهای مسلح و دفاع از انقلاب و وطن میباشد. جای هر قهرمان شهید را باید با صد نفر پر کرد، هر فردی که ترخیص میشود باید به هنگام به محل بودباش خود انتقال داده شود و بجایش فرد دیگری در خدمت نظامی قرار گیرد و بموقع به محل وظیفه نظامی انتقال داده شود. وزارت دفاع باید کمیساری‌های نظامی را با بهترین کارمندانی که قادر به سازماندهی کار اکمال نیروهای مسلح در محلات باشند، اکمال کند.

باید در کوتاه ترین مدت مراکز جلب و احضار و تجمع اعمار و مجهز شود و برای سربازان آینده شرایط لازم زندگی مادی و معنوی و معیشت آماده گردد. چنانکه شما میدانید، چندی قبل بیروی سیاسی درباره مسایل جلب و احضار مصوبه خاصی را به تصویب رسانید. ارگان‌های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در محلات باید همه تدابیر را جهت حل و فصل این مهمترین مسأله برای انقلاب اتخاذ نمایند.

رفقا!

قابلیت رزمی نیروهای مسلح با سطح و مؤثریت کار حزبی سیاسی در قطعات و جزوات‌ها ارتباط مستقیم دارد. نیروی اردوی انقلابی در آگاهی و اعتقاد سربازان

آنست. رهبر پرولتاریای جهان می آموخت: «در جایی که کار سیاسی در میان عساکر با بیشترین توجه پیش برده میشود عدم انضباط در اردو نیست، نظم و روحیه بهتر است، پیروزی بیشتر است.» این حقیقت از بوته آزمون زمان پیروزمند بیرون آمده است و در صحت آن همه اردوهای انقلابی جهان یقین کامل یافته اند. این حقیقت به حال ما نیز صدق میکند. در حال حاضر کدام وظایف در ساحه کار حزبی سیاسی در میان قوای مسلح عمده شمرده میشود؟

نخست اینکه: منسوبین نظامی بدانند که به خاطر چه می رزمند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت انقلابی برای چه مبارزه میکنند و سعی دارند چه چیزی را به مردم بدهند. حقیقت درباره سرشت، اهداف و وظایف انقلاب ثور و حاکمیت انقلابی مولود آن باید به گوش هر سرباز اردو، ثارندوی و خاد و به گوش هر فرد از منسوبین قوای مسلح برسد. این وظیفه درجه یک کارمندان سیاسی ما و تمام اپرات سیاسی قوای مسلح است اما در کار تربیت سیاسی و آموزش پرسونل باید همه اعضای حزب در ترکیب قوای مسلح، همه افسران و خردضابطان مجدانه شرکت نمایند. البته کار سیاسی در میان منسوبین قوای مسلح، تنها وظیفه کارمندان سیاسی نیست، باید فرد فرد اعضای قوای مسلح کشور ما، تمام قوماندانان از کوچکترین تا بزرگترین و احد نظامی درین کار سهیم گردند.

دوم اینکه: کار سیاسی در قطعات نظامی، مؤسسات و ادارات نظامی باید به طور مشخص پیش برده شود. سربازان و منسوبین قوای مسلح را باید با مثالها و نمونه‌های مشخص قهرمانی و شجاعت، با اتکا بر بهترین سنن مبارزه آزادیبخش خلق ما، تربیت کرد. ما هیچگاه از لحاظ موجودیت قهرمانان که حاضر به فدا کردن زندگی خود به خاطر شرف و آزادی وطن محبوب ما اند کمبودی نداشته ایم، اما هنوز درباره قهرمانی‌ها و فداکاری‌های آنان کمتر و با محجوبیت بی مورد حرف می زنیم. مردم اکثر نام‌های قهرمانانی را که در دفاع از خود مردم، در دفاع از انقلاب و وطن شهید شده اند، به خوبی نمیدانند. ما در امر تبلیغ و ترویج خود هنوز نیاموخته ایم که چگونه قهرمانی و شهامت قهرمانان را به مدرسه تربیت دلیری و قهرمانی برای توده‌های وسیع مبدل سازیم. جوانان را باید با این مثالها و نمونه‌ها تربیت کرد.

سوم اینکه: کار حزبی - سیاسی در نیروهای مسلح باید در خدمت وظیفه عمده یعنی

ارتقای قابلیت رزمی قطعات، تحکیم دسپلین، ارتقای مهارت و توانایی رزمی هر فرد از منسوبین نیروهای مسلح و فراگرفتن بهتر استفاده از سلاح و تاکتیک جنگی معاصر باشد. ثمردهی کار سیاسی باید در امور مشخص انعکاس و تبارز یابد. در جایی که این کار به خوبی پیش می‌رود، قطعه نظامی خوب جنگی میکند. در آنجایی که سر و وضع و سیمای سربازان درست و منظم است و سلاح شان پاک است و سلاح خود را چون ناموس خود حفظ میکنند، دسپلین عالی و سازمان‌پذیری عالی وجود دارد و امر قوماندانی به شکل نمونه اجرا میشود.

چهارم اینکه: در کار حزبی سیاسی عمده است که کارمندان سیاسی، سربازان را بشناسند، بتوانند به هر کدام برسند و همیشه در میان توده سربازان باشند. باید سربازان را شناخت، وضع روانی و حالت آنانرا درک کرد و بموقع و درست بر آنان اثر گذاشت. باید از سربازان مواظبت کرد، شرایط مناسب معیشتی را برایشان مهیا ساخت، در آموختن سواد و فراگرفتن حرفه و مسلک مفید به آنان کمک کرد. من در بین باره دگر صحبت نمی‌کنم که در اردوی نوین انقلابی به خود خواهی و بلند پروازی و از همه بدتر به برخورد توهین آمیز و تحقیر آمیز نسبت به سربازان، لت و کوب و غیره نباید اجازه داده شود. متأسفانه این چنین حوادث شرم آور بعضاً هنوز به مشاهده میرسد.

به این ترتیب، هنگامی که ما کار حزبی سیاسی را در سطح لازم برسانیم تمام اردو، همه خاندوی و خاد عوض خواهند شد و بهتر از امروز وظایف خود را انجام خواهند داد. ماهیت مسأله در این امر نهفته است که کار حزبی سیاسی به سطح مطالبات کنونی حزب ارتقا یابد. نیروهای مسلح را به دور حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تحت رهبری آن باید متحد و یکپارچه ساخت و منسوبین نیروهای مسلح را با روحیه دوستی خلل ناپذیر و برادرانه افغان شوروی، همبستگی رزمجویانه انترناسیونالیستی با منسوبین اردوی قهرمان شوروی و نفرت نسبت به دشمنان انقلاب، تربیت نمود.

برای اردو، برای نیروهای مسلح به طور عموم، افزایش بیشتر فعالیت و رزمندگی ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی اهمیت خاص دارد. مسأله بر سر آنست که کارمندان سیاسی در اعماق همه جهات زندگی و فعالیت جنگی منسوبین قوای مسلح وارد شده نسبت به کمبودها و نقایص آشتی ناپذیر باشند. در انتخاب و جابجا ساختن

کادرهای نظامی تأثیر فعالتر داشته و در همه حلقه‌های ارگانیزم نظامی اسلوب و شیوه حزبی کار را با پیگیری پیاده کنند. بدون این امر ممکن نیست که خوب، درست، ثمربخش و سازنده کار کرد. در عین زمان باید خاطر نشان کرد که همین مسأله نیز یکی از نقاط ضعف فعالیت بعضی از ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی و قوماندانی نیروهای مسلح را تشکیل می‌دهد.

همه این مسایل در نخستین جلسه مشورتی سرتاسری منشیان سازمان‌های اولیه اردو که نظر به فیصله بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ماه عقرب سال جاری دایر گردید، مورد بحث و ارزیابی همه جانبه قرار گرفت. اکنون بسیار اهمیت دارد که اجرای بلانحراف دستورالعمل‌های که در اسناد جلسه مشورتی انعکاس یافته است، تحقق یابد. این اسناد برنامه کوتاه مدت و درازمدت سازمان‌های حزبی اردو را در جهت بهبود همه جانبه کار حزبی در میان منسوبین عسکری می‌سازد.

یکی دیگر از مسایل مربوط به بهبود و تکمیل کار حزبی سیاسی در میان منسوبین نیروهای مسلح مبارزه به خاطر تحکیم وحدت صفوف حزبی و ارتقای سطح دسپلین آهین حزبی و نظامی است.

بعد از دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سازمان‌های حزبی منجمله در نیروهای مسلح روند رشدیابنده یکپارچگی نیرومند صفوف حزبی و تحکیم دسپلین حزبی جریان دارد. این روند را باید هرچه بیشتر رشد داد و تحکیم بخشید. عمده اینست که بین قوماندانان و کارمندان سیاسی، قرارگاه‌ها و سازمان‌های حزبی، کار دوستانه، رفیقانه و وطنپرستانه و بر اساس توافق، هماهنگی و همکاری و در مناسبات بین اعضای حزب حسن نیت، احساس اعتماد، اطمینان و اصولیت تأمین گردد. در عین زمان باید علیه کسانی که به عوامفریبی، تهمت زنی، افترا، عصبانیت‌ها و هیجانات بیمورد و راپوردهی بدون حقایق، اعمال و گفتار تحریک آمیز و خلاف اصول رفاقت می‌پردازند و فعالیت شان به تحکیم وحدت صفوف حزبی، ایجاد فضای سالم در بین کلکتیف حزبی لطمه وارد میکند، بی‌امان و قاطعانه مبارزه کرد. وقت آن رسیده است که همه کس بدانند که حزب ما، حزب حاکم است و اکنون وحدت با دسپلین، با توسعه و تحکیم حاکمیت خلق، با ارتقای قدرت جنگی نیروهای مسلح و با پیروزی قطعی انقلاب ثور ارتباط

مستقیم و بلاواسطه دارد. کسی که به وحدت حزب بخصوص در قوای مسلح مساعدت نمیکند در واقعیت امر آگاهانه یا ناآگاهانه آب به آسیاب ضدانقلاب میریزد و در خدمت دشمنان اندیشه ما قرار دارد. حزب را باید هرچه با جرأت‌تر از این عناصر پاک ساخت. چنین است مطالبه دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب. حکم اصولی این پلینوم ما یعنی سیزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز باید چنین باشد و چنین است.

با اینها، یکی از مسایل مهم دگر کسب پیروزی بر ضدانقلاب مسلح نیز ارتباط دارد. مسأله بر سر ضرورت انکارناپذیر تکمیل، بهبود و فعال ساختن تاکتیک ماست. درینجا باید با صراحت گفت که علی‌الرغم همه اهمیت و جدیت آن، ما هنوز به این مسأله توجه لازم را مبذول نداشته ایم. مانند گذشته، حالت انفعالی و پاسیف رفع نشده و طرق مؤثرتر و جدید مبارزه کشف و عملی نگردیده است. هنوز قاطعیت و برش در اداره و ابتکار جنگی ناکافی است.

مبارزه علیه باندهای ضدانقلاب به داشتن قدرت عالی تحرك و مانور، پختگی نظامی و فعالیت دایمی تعرضی ضرورت دارد. متأسفانه قوماندانان، کارمندان سیاسی و قرارگاه‌ها این خصوصیات را به حدکافی مدنظر نمی‌گیرند. یک عده از آنها تکتیک دفاعی را ترجیح داده در قلعه‌ها محصور میمانند. سعی نمیکنند از دشمن سبقت جویند، اراده خود را تحمیل کنند و آنها را محاصره کنند و حتماً سرکوب سازند. اگر از عملیات نتایج غیرقناعتبخش سیاسی و نظامی به دست آید این را نه باید معلول برتری تناسب نیروهای دشمن دانست، بلکه عامل آن، پاسیف بودن و عدم قاطعیت نیروهای مسلح، متحدالشکل بودن تاکتیک‌ها و عدم رعایت قواعد بسیط ستر و اخفا است. باید فن کمین گرفتن، دیسانت کردن و جنگ کوماندویی علیه باندتیزم را ماهرانه و قهرمانانه آموخت و اجرا کرد. امر کشف و تأمین اطلاعات از دشمن امر جدی و حیاتی است که باید صحیح، تأمین گردد.

وظیفه آنست که باید عطالت و پاسیف بودن را رفع کرد و به نیروهای ضدانقلاب چنان تاکتیکی را تحمیل نمود که آنان را در موقعیت نامساعد قرار دهد و در جریان امسال و سال آینده چرخش بنیادی در تمام اوضاع نظامی - سیاسی کشور تأمین گردد. همین موضوع هم جان مطلب را میسازد، ضدانقلاب قوی‌تر نشده است، بلکه آخرین نفس‌ها را میکشد و عنقریب از پا می‌افتد. سرکردگان شان قادر نیستند

عملیات بزرگ نظامی را سازمان دهند. تاکتیک آنان حمله بر مواصلات، خرابکاری در مؤسسات و ارعاب و شانتاژ مردم است. ما همه امکانات را برای آن داریم که شکست قطعی را به نیروهای ضدانقلاب وارد کنیم و شرایط را برای توسعه حاکمیت دولتی در سرتاسر قلمرو کشور فراهم آوریم. سال ۱۳۶۳ باید سال قاطع پیروزی ما علیه ضدانقلاب باشد.

واضح است که ما بدون قوای مسلح طراز نوین انقلابی، اردوی مردمی، خارندوی مردمی و خاد مردمی قوی و گروه‌هایی نیرومند دفاع از انقلاب نمی‌توانیم وظیفه دفاع از انقلاب در برابر تجاوز ارتجاع منطقه و امپریالیزم را انجام دهیم بنابراین مسأله تحکیم نیروهای مسلح و افزایش قابلیت رزمی آن امریست مربوط به همه سازمان‌های حزبی، دولتی و اجتماعی.

در اخیر این موضوع به آنانی که بدون وظایف محوله و مشخص با مداخله و تماس های بیجا و بیمورد که ساحه کار و فعالیت شان نیست، اخطار داده میشود که با این رفتار خود سبب دسپلین شکنی و بی انضباطی در قوای مسلح یعنی اردو، خارندوی و خاد نگردند. همچنان به هر سه بخش قوای مسلح ابلاغ میگردد که با هم اشتراك مساعی، همکاری و هماهنگی رفیقانه را تأمین نمایند.

رفقا!

اکنون درباره یک مسأله مهم دیگر صحبت میکنیم که نه تنها برای حصول پیروزی بر ضدانقلاب مسلح، بلکه برای آنکه پیروزی به طور استوار و محکم حفظ گردد و ضدانقلاب مسلح دیگر هیچ وقت نتواند در کشور ما سر بلند کند، اهمیت دارد و ضرور است حل گردد. فکر میکنم وقت آن رسیده است که به کار دفاع خودی واقعی در محلات آغاز کنیم. ما چیز مشخصی در نظر داریم؟

همه شما میدانید که اردو، خارندوی و خاد وظایف معین دارند که ناشی از خصوصیات آنها میباشد. البته ما باید سعی کنیم و دائماً سعی می‌کنیم که همه بخش‌های نیروهای مسلح و تمام مؤسسات نظامی به حیث اجزای متشکله میکانیزم واحد دفاعی کار کنند، یکدیگر را تحکیم نمایند و تقویت بخشند و به صورت منظم، دقیق و مؤثر فعالیت نمایند. همه اینها موضوعات روشن است. اما رفقا، باید به خود مردم امکان داد تا مستقیماً از خود، از خانواده خود، از ده و قریه خود، از

سرك، پل، مؤسسه و اداره در محل خود دفاع کنند. چنانکه در نهمین پلینوم کمیته مرکزی خاطر نشان شد، نباید انتظار داشت که هر رمه گوسفند و خرمن گندم را قطعات مخصوص اردو و ژارندوی حفظ کنند، یا اینکه در عقب هر دهقان در مزرعه و هر چوپان در چراگاه یکنفر سرباز مسلح برای حفاظت گماشته شود. لذا باید نیروهای مردم را در امر دفاع از خود بیرون کشید، از قید رها کرد، رشد و توسعه داد و تحکیم بخشید. اینکار نه تنها برای دفاع خودی مهم است، بلکه راه مهم جلب توده‌های وسیع در امر تکامل انقلاب و دفاع از آن میباشد. این امر مهم و ضرور برای توسعه پایه اجتماعی انقلاب ماست. این مسأله از درون زندگی ما بیرون آمده و نضج یافته است. در حال حاضر ما چنان سیستم دفاع خودی نداریم که در همه جا در همه محلات و به مقیاس سراسر کشور فعالیت نماید. اما عناصر اساسی آن تشکیل یافته با موفقیت عمل میکنند و در پراتیک جنگ‌ها قابلیت رزمی خود را نشان داده اند. اکنون دارای گروه‌هایی نیرومند مدافعین انقلاب و دفاع خودی و سپاهیان انقلاب هستیم. این بخش مربوط به کمیته‌های حزبی ولایتی و لسوالی و علاقهداری، کمیته‌های حزبی ناحیوی و شهری و کمیته‌های حزبی مؤسسات است. بریگادهای نظم اجتماعی مربوط به سازمان دموکراتیک جوانان، قطعات قومی و منطوقی و گروه‌هایی ملیش، عده قابل ملاحظه را می‌سازند. من قبلاً یادآور شدم که تعداد اعضای سابق باندها، اکنون با حاکمیت انقلابی همکاری می‌نمایند. این کار در جهت تجرید و روفت و روب ضدانقلاب که اهمیت خاصی را حایز است، ادامه دارد. اما در واقعیت امر هیچکس کار مشخص سازمانی و سیاسی را با باندهای سابق بعد از عقد پروتوکول پیش نمی‌برد. این یکی از پدیده‌های اساسی رشد جامعه و انقلاب است. درین کار باید نظم را به وجود آورد. فکر می‌کنم که بخش قابل ملاحظه آنها و همچنان قطعات قبایلی باید شامل قطعات منطوقی گردند. مسؤولیت عمومی آن را می‌تواند وزارت دفاع به عهده گیرد.

بخش دگر باندهای سابق که به ما پیوسته اند قرار معلوم می‌توانند که با گروه‌هایی دفاع خودی یا گروه‌هایی مدافعین انقلاب یکجا شوند. تأمین و رهبری میتودیک آنها می‌تواند به عهده وزارت داخله باشد.

اما چنانکه می‌بینید، تا کنون وضع بسیار رنگارنگ و متضاد است. همه این قطعات به ترتیب مختلف و اشکال مختلف تأمین و تربیت می‌شوند. در عده از موارد

نظم درست وجود ندارد. عمل متقابل مفید و مشترک نیز وجود ندارد. در مسایل تأمین مادی و تخنیکی، تربیت و جهت دهی سیاسی، مجازات و مکافات پرسونل و تأمین خانواده بی که نفقه کننده خود را از دست می دهد، برخورد واحد لازم وجود ندارد. دفاع خودی محلات باید متشکل از صدها هزار و حتی میلیون ها فرد باشد. اکنون به یقین کامل، اکثریت مردم می خواهند در اینکار سهیم گردند، اما هنوز نمی دانند چگونه آن را انجام دهند. کار پیچیده بی نیست. گروه‌هایی دفاع خودی در همه جا نظر به محل زیست و محل کار تأسیس می گردد. هسته آنرا اعضای حزب، وطنپرستان واقعی، فعالین جبهه ملی پدر وطن و سازمان‌های اجتماعی و توده‌یی عضو آن، می سازند. مسؤولیت تشکیل این گروه‌های و کنترل بالای آنها قبل از همه به عهده ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی است. البته وزارت دفاع وزارت داخله و خاد موظفند در این کار سهم فعال بگیرند.

به این ترتیب خود سیستم ارگان‌های حاکمیت انقلابی در محلات نیز قوی‌تر، نیرومندتر، با ثبات‌تر و با اتکای بیشتر توده‌یی و در آخرین تحلیل دموکراتیک‌تر خواهند بود. لازم است که مقررات دفاع خودی در محلات طرح گردد و فرمان‌ها و مصوبات مربوط به تصویب برسد تا در آن همه کمپلکس وظایف در جهت سازماندهی، رهبری و تأمین رشد، آماده ساختن و تجدید آمادگی کادرهای ضرور و غیره مدنظر گرفته شود و نباید اینکار را پیچیده ساخت و به تعویق انداخت. چنین سیستم‌ها مدت‌ها در سایر کشورهای انقلابی به وجود آمده و فعالیت می نمایند، درست بودن آنها به اثبات رسیده و وقت آن است که ما نیز چنین سیستمی داشته باشیم.

تشکیل این سیستم مخصوص حالا بیشتر از هر وقت به موقع است. زیرا در افغانستان باندهای بزرگی که پیشبرد عملیات منظم نظامی علیه شان لازم باشد، آنقدر زیاد نیست. باندیت‌ها به شکل گروه‌هایی کوچک و بعضاً به صورت انفرادی عمل میکنند برای کشف و خنثی ساختن آنها و جلوگیری از ایجاد باندهای جدید همیشه نیروهای مسلح هم لازم نیست. برای سازمان دادن کشف، افشاء تعقیب و امحای کامل آنها به طوری که زمین زیر پای باندیت‌ها آتش گیرد. دفاع خودی در محلات لازم است. به همین خاطر هم این سیستم باید خصوصیت سرتاسری ملی داشته باشد. بخصوص این امر در پهلوی قوای مسلح منظم در شرایط جنگ‌های

تجاوزکارانه وسیع ار تجاعی و امپریالیستی اهمیت عظیم در زمینه دفاع ملی کسب مینماید. لازم است که باز هم اهمیت این امر تأکید گردد که باید تمام کار ما در عرصه مبارزه علیه ضدانقلاب مسلح و توسعه و تحکیم حاکمیت در محلات بر مبنای پلان‌های کمپلکس مربوط استوار باشد. در سال گذشته برای مناطق مختلف از این پلان‌ها ترتیب داده بودند و امسال آنها خصوصیت سرتاسری کسب نمودند. چندی قبل بیروی سیاسی جریان اجرای این پلان‌ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. معلوم شد که به موازات بعض نکات مثبت و تجربه اندوخته شده، وظایف مطروحه به طور کامل تطبیق نخواهد شد و ما ناگزیریم در آنها تجدید نظر به عمل آوریم.

چرا این طور واقع شد؟

قبل از همه ما تجربه تدوین چنین پلان‌ها را نداشتیم و هنگام طرح آن در حد قابل ملاحظه و لانتاریزم رخ داده بود. تعداد زیاد تدابیر پلان شده از لحاظ امکانات واقعی نظامی، شرایط مادی، امکانات مالی، کادرها و کارسازمانی، ایدئولوژیک و سیاسی عملی نشده بود. هنگام تهیه پلان سال ۱۳۶۳ باید همه جوانب سنجیده شود و مستدل و هماهنگی گردد. پلان‌ها باید تشدید، اما واقعی باشند. باز پرس از اجرای کامل و بلاقید آنها جدی، سخت و مشخص خواهد بود.

بر علاوه، ارگان‌های مرکزی حزبی و دولتی در زمینه اجرای پلان‌های کمپلکس سطح عالی رهبری را نشان داده نتوانستند. مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود که رفقای مسؤول در این امر مطلب عمده را درک نکردند. برخورد کمپلکسی به این معنی است که وزارت‌ها و ادارات مرکزی باید به کار در محلات و تحکیم حاکمیت انقلابی توجه دایمی و همه روزه داشته باشند. اشخاص مسؤول ما درینجا، در کابل به درستی درک نمیکنند که اکنون مسائل اساسی انقلاب در محلات حل و فصل میشود.

در عین زمان کمیته‌های حزبی در ولایات، شهرهای ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها و ارگان‌های محلی قدرت حاکمه، پیگیری و ابتکار لازم را در استفاده از منابع و امکانات محلی نشان نمی دهند. در کار آنها کمبود حالت تعرضی و رزمنده گی و ضعف روحیه عالی انقلابی احساس می گردد. همه اینها یکبار دگر ثابت میسازد

که برای حزب و قدرت حاکمه واقعاً لازم است که به فزونین و عالی‌تر کار ارتقا نمایند. در همین مقیاس همه اعضای حزب، همه وطنپرستان نیز باید فعالیت روزانه خود را به سطح جدید ارتقا بخشند و به آن محتوای واقعی انقلابی بدهند.

اکنون درباره تقویت هماهنگی (کوردیناسیون) در فعالیت ارگان‌های حزبی، دولتی و نظامی صحبت می‌کنیم. در حال حاضر این مسأله یکی از مبرمترین مسایل است، زیرا بدون هماهنگی، بدون توافق و عمل مشترک هیچ پلان کمپلکس و تحقق آن ممکن نخواهد بود. باید خاطر نشان ساخت که در چارچوب میکانیزم دولتی ما، هر بخش آن باید خصوصیات مربوط به خود را حفظ کند، اما در عین زمان باز هم تأکید می‌کنیم که آنها موظف اند در توافق و هماهنگی رفیقانه عمل نمایند. باز هم تأکید می‌کنم آیا این وضع را میتوان تحمل کرد که قطعات محارب اردو، خاندنوی و خاد سیستم عمل مشترک و متقابل با یکدیگر را ندارند؟ نتیجه این میشود که ما دشمنان خود را نه با مشت محکم و گره شده، بلکه با انگشتان جدا از هم می‌کوبیم و جای تعجب نیست که باندها به ساده‌گی مانند ریگ یا آب از میان انگشتان پراکنده می‌گذرند. وقت آن رسیده است، که برای سال ۱۳۶۳ نظم و ترتیب جدی در فعالیت‌های هماهنگی و توافق شده قطعات و جزوات‌های بخش‌های مختلف قوای مسلح در امر پاک سازی مناطق از باندهای مسلح، توسعه و تحکیم قدرت حاکمه دولتی در محلات، دفاع مطمئن از دستاوردها و تأمین و تحکیم موفقیت‌ها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، ایدئولوژیک و سیاسی برقرار گردد.

چنانکه میدانید، در دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به این مسایل توجه بزرگی صورت گرفت. مطابق به فیصله‌های آن پلینوم در زون‌ها، ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها قرارگاه‌های مربوط جهت هماهنگی امور به وجود آمده و به فعالیت آغاز نموده اند. مقررات این قرارگاه‌ها نیز به تصویب رسیده است. و همین قرارگاه‌ها باید بر اساس صلاحیت‌ها و اختیاراتی که دارند عمل مشترک و هماهنگی ارگان‌ها و خدمات مختلف، استفاده و به کار انداختن کامل منابع و وسایل موجود را سازمان دهند و آمران ارگان‌ها و خدمات اعم از نظامی و ملکی باید بر اساس احکام، دستورها و رهنمودهای قرارگاه‌ها و به نفع اجرای پلان کمپلکسی توسعه و تحکیم قدرت حاکمه در محلات، نه بر اساس فقط منافع ارگان‌های خود، عمل کنند.

از آنجایی که بعضی رفقاً مسأله را کاملاً درک ننموده اند، باید یکبار دیگر تأکید کرد و خاطر نشان نمود که کار قرارگاه‌ها بر اساس رهنمودها و دستورالعمل‌های حزب و تحت رهبری دائمی آن صورت می‌گیرد. همه مسایل مهم و اصولی باید در کمیته‌های حزبی مربوط مورد غور و بررسی قرارگیرد. تأمین فعالیت و عمل مشترك و متقابل برای حل این مسایل وظیفه عمده قرارگاه‌هاست.

اما باید گفت که همین اکنون زندگی و پراتیک کار نشان می‌دهد که این مسأله به صورت غیراصولی حل نشده باقی مانده است. زیرا قرارگاه‌های هماهنگی فقط در سطح زون، ولایت و سطوح پایین‌تر فعالیت میکنند. در مرکز هنوز ارگانی وجود ندارد که اداره دائمی و رهبری عاجل کار قرارگاه‌های پایینی را تحقق بخشید و مساعی وزارتخانه‌ها و ادارات را در حال پروبلم‌های محلات دائماً هماهنگی سازد. مراجعات آمران قرارگاه‌های زون‌ها و ولایات که به عکس‌العمل سریع ارگان‌های مرکزی نیاز دارند، معمولاً به طور بطی و غیرعاجل بررسی می‌گردد و اکثر مسایل مطروحه حل نمی‌شود.

کمیسیونی که به اساس فیصله بیروی سیاسی تحت ریاست رفیق کشتمند تشکیل شده است صلاحیت‌های بزرگی دارد و من متیقن هستم که مسایل اصولی هماهنگ ساختن فعالیت‌ها در امر تحکیم و توسعه قدرت حاکمه در محلات، تهیه پیشنهادها برای بررسی در بیروی سیاسی را حل نموده میتواند و باید هم بتواند در عین زمان واضح است که حل مسایل جاری که هر روز و هر ساعت بروز میکند، کنترول اوپراتیفی و عاجل از اجرای آن، ارتباط با محلات، تعمیم اطلاعات و غیره وظیفه این کمیسیون نه، بلکه وظیفه ارگان کار آن بوده میتواند. بنابراین مفید و معقول خواهد بود اگر مسأله ایجاد قرارگاه مرکزی هماهنگی به حیث ارگان مستقیم اجرایی و ایجاد اپرات آن حل و فصل گردد.

فکر می‌کنم، گروه کارمندان اوپراتیفی این قرارگاه باید بالنسبه کوچک اما برای انجام کمپلکس مسایل اوپراتیفی، فعالیت همه بخش‌های قوای مسلح، قرارگاه‌های زون‌ها و ولایات در ساحه مبارزه علیه ضدانقلاب و استقرار و تحکیم حاکمیت دولتی، کافی باشد. کارمندان قرارگاه مرکزی باید دارای صلاحیت‌های لازم برای اجرای دستورهای کمیسیون باشند. آنان تنها باید تابع کمیسیون و آمرین قرارگاه باشند، نه نمایندگان منافع ادارات جداگانه.

در اخیر این بخش میخوایم ابراز اطمینان کنم که همه ارگان‌های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در محلات، تمام اعضای حزب تشویش و نگرانی ما را از وضع موجود در کشور عمیقاً درک میکنند و هم تدابیر لازم را جهت بهبود آن به نفع مردم، به نام سعادت و رفاه مردم، به نام انسان افغان و برای شگوفانی وطن محبوب مان افغانستان اتخاذ می نمایند.

رفقا!

اجازه دهید، اکنون درباره بعضی از مسایل اصولی تکامل و بهبود بیشتر نظام سیاسی انقلابی ما صحبت نماییم.

حزب ما همیشه معتقد بوده است که در این مرحله تاریخی به عوض رژیم سلطنتی محمد ظاهر و رژیم فیودالی اشرافی و بیروکراتیک داود تنها نظام ملی و دموکراتیک میتواند و باید استقرار یابد. ماهیت آن متکی بر اینست که ترقی ملی وطن تنها از طریق تحولات دموکراتیک تأمین میگردد. یعنی از طریق چنان تحولاتی که منافع اساسی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، ملیت‌ها، اقوام و قبایل و همه زحمتکشان وطن واحد مان افغانستان را منعکس سازد. وسیله و ضامن عمده این تحولات حاکمیت دولتی ماست. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان حاکمیت به حیث قدرتی که بیانگر اراده اتحاد وسیع نیروهای ملی و وطنپرست متکی بر توده‌های زحمتکش و قبل از همه متکی بر اتحاد کارگران و دهقانان به اشتراک همه وطنپرستان واقعی کشور میباشد، تعریف شده است.

استقرار، تحکیم و تکامل چنین حاکمیت انقلابی و سیستم عادلانه اجتماعی که بهترین سنن سیاسی، ملی و فرهنگی وطن ما، منجمله اعتقاد تاریخی اکثریت اهالی کشور به دین اسلام را در خود جمع نماید، کار بسیار پیچیده و طولانی است. برعلاوه ما اینکار را در اوضاع آرام نه، بلکه در شرایط تلاش‌های بلا انقطاع ضدانقلاب به غرض عدم استقرار وضع و جلوگیری از اعمار جامعه نوین و نظام اجتماعی نوین، عادلانه و مترقی انجام میدهیم.

علی‌الرغم همه اینها به طور پیگیر و استوار درین جهت پیش میرویم. برعلاوه لحظه آن فرا رسیده است که بتوانیم گام نویینی را که از مطالبات زندگی و اصول

اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، منافع تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات و دموکراتیزه ساختن بیشتر آن ناشی می‌گردد، برداریم و باید برداریم.

چنانکه شما میدانید، بر اساس احکام برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فیصله‌های دوازدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان چندی قبل شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجلاسیه فوق‌العاده خود قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را به تصویب رسانید. تصویب این قانون اهمیت عظیم سیاسی و عملی دارد و شالوده دموکراسی واقعی (نه دموکراسی فیودالی و بورژوازی) را شیرازه بندی میکند.

باید در نظر داشت که هنوز حاکمیت دولتی زحمتکشان در سراسر کشور استحکام نیافته است و یکی از علل عمده این امر تحریکات، تجاوزات و جنگ اعلان نشده ارتجاع و امپریالیزم و جنگ باندنیزم است. علت تاریخی دگری هم موجود است و آن اینکه در تمام سیر تاریخ کشور تا آخرین دوره رژیم اختناق داود، هیچ وقت در سراسر کشور، در افغانستان، حکومت‌هایی به مفهوم نماینده مرکز وجود نداشته است. و در قسمت اعظمی کشور قانون دولتی و کشوری هیچگاه تطبیق نگردیده است. در واقعیت امر اگر ما مرکز (کابل) را و چند شهری را که در این اواخر، بعد از استقلال افغانستان در آنها چیزی به نام حکومت محلی به وجود آمد استثنا قرار دهیم، باقی در تمام ولسوالی‌ها، در قریه‌ها، ده‌ها و علاقهداری‌ها، در دره‌ها و اطراف و اکناف کشور ارگان‌های قدرت محلی دولت به مفهوم واقعی آن وجود نداشته است. در واقعیت، حکومت‌های مرکزی برای بقای خود دو - سه نماینده خود را به محلات اعزام میداشتند که در کنار طبقات و اقشار حاکم فیودالی، روحانیون مرتجع، صاحبان نفوذ مرتجع محل، دشمنان خلق و دشمنان زحمتکشان کمیته‌یی را تشکیل میدادند و مردم را می‌چاپیدند. در حقیقت این حکومت‌های نامنهاد محلی در کشور، نماینده و مدافع مستقیم طبقات حاکم ستمگرو استثمارگر محل بودند. چنین عاداتی را از کشور محوساختن، توده‌های مردم را به طرف حکومتی که خود را اداره کنند، کشانیدن کار سهل و ساده‌یی نیست. این کار بزرگ و سهمگینی است که در برابر حزب ما و دولت ما قرار دارد. ازینرو باید با تمام قدرت فوق‌العاده انقلابی، بالاتر از امکانات خود در راه ایجاد ارگان‌های محل

قدرت دولتی و اداره در محلات پردازیم.

بدون تکرار آنچه که در اجلاسیه فوق‌العاده تذکر رفت می‌خواهم توجه شما را به نکات ذیل درین رابطه معطوف دارم.

۱- اکنون ما به کار ایجاد ارگان‌های جدید حاکمیت در محلات آغاز می‌کنیم. حزب، همه سازمان‌های اجتماعی عضو جبهه ملی پدروطن، تمام وطنپرستان باید عمیقاً بدانند که اصل موضوع بر سر تعویض نام این ارگان‌ها، مثلاً مبدل کردن والی به رئیس کمیته اجراییوی جرگه (شورا) نیست. نه تنها کلمات و مفاهیم، بلکه خصلت و ماهیت اداره نیز تغییر می‌یابد. قدرت اجراییوی در محلات قدرت جمعی خواهد بود که دانش و فهم افراد با اعتبار، محترم و آگاه محلی را با اصول تقنینی. جاری تلفیق خواهد داد و با در نظر داشت شرایط محلی و قوانین عمومی کشور فعالیت خواهد کرد.

این امر نیز از اهمیت اصولی برخوردار است که جرگه‌ها (شوراها) دارای صلاحیت‌های تقنینی در محل میباشند و اجرای فیصله‌های آن‌ها در صورت عدم تضاد با قوانین جمهوری دموکراتیک افغانستان برای همه مؤسسات و سازمان‌ها و همه افرادی که در ساحه مربوط جرگه (شورا) قرار دارند، حتمی است. همچنان مهم است که قدرت اجراییه، تقنینیه و اداره در محلات در دست نمایندگان منتخب مردم خواهد بود. جرگه‌ها (شوراها) تصمیم میگیرند، کمیته‌های اجراییوی و نمایندگان مردم در جرگه‌ها (شوراها) تعمیم این تصمیم را با جلب قشرهای وسیع زحمتکشان و همه مردم در اجرای وظایف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سازماندهی دفاع خودی و اعمار حیات نوین سازمان میدهند.

۲- برتری دگر ارگان‌های جدید حاکمیت عبارتست از تلفیق معقول سنترالیزم با دموکراسی؛ هیچ نظام استثماری سابق قادر نبود این مسأله را حل کند.

استثمار گران میکانییزم دولتی را علیه زحمتکشان، یعنی علی اکثریت قاطع اهالی کشور به کار می بردند. سنترالیزم آنان خصلت جابرانه ارتجاعی، استبدادی و خصمانه نسبت به مردم را داشت.

برخورد ما نسبت به این مسأله مستقیماً نقطه مقابل برخورد آنهاست. از لحاظ

اصول، هدف ما اینست که توده‌های زحمتکش، خود امور دولتی و اجتماعی را اداره کنند و این چنین خواهد شد. اما اکنون در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک با مناسبات اجتماعی غیررشدیافته‌یی سروکار داریم. توده‌های زحمتکش که بهترین نمایندگان شان به طور آگاهانه و بدون تزلزل زندگی خود را به خاطر انقلاب و وطن فدا می‌سازند، هنوز مهارت‌های اداره جامعه و دولت را فرا نگرفته‌اند و چنین سنتی در گذشته وجود نداشته است. اکنون ما هدف بالنسبه متواضعانه‌تر، ولی واقعی را در برابر خود قرار داده ایم، یعنی موانع مصنوعی را که استثمارگران بین زحمتکشان و میکانیزم دولتی ایجاد کرده‌اند در هم می‌شکنیم، توده‌های زحمتکش را برای اشتراک در کار دولت جلب می‌کنیم به این ترتیب محتوای کار آنرا غنی و دموکراتیک می‌سازیم. گام به گام متناسب به سطح رشد و شعور و آگاهی سیاسی و اجتماعی خلق خود، ماشین کهنه و منسوخ دولتی را در کشور خود می‌شکنیم. هرگاه ما امروز با جنگ اعلان نشده مواجه نمی‌بودیم و خلق ما در شرایط صلح و امنیت زندگی میکرد، میتوانستیم با سرعت بیشتر به این امر پردازیم ما این کار را به صورت آنی و عاجل اجرا نمی‌کنیم، بلکه همگام با پروسه رشد انقلاب سرانجام ماشین اداره دولت در هم می‌شکند و باید در هم شکند.

رهبر کبیر زحمتکشان جهان خاطر نشان می‌ساخت که اتباع باید در اداره کشور اشتراک نمایند و حاکمیت انقلابی را فقط به کمک اعتماد توده‌های بزرگ فقط به این وسیله که تمام توده‌ها به آزادترین، وسیعترین و نیرومندترین شکل برای اشتراک در حاکمیت جلب کردند میتوان حفظ کرد.

۳- لذا جلسات انتخاب کننده گان، انتخاب جرگه‌ها (شوراها) و کمیته‌های اجراییوی آنها نه تنها راهی برای ایجاد ارگان‌های دولتی در محلات و تأمین کار بهتر آنهاست، بلکه وسیله ایست برای جلب خود توده‌ها در حل پروبلم‌های محلی که مستقیماً در برابر شان قرار دارد. این راه توسعه و اشتراک آنان در امر انقلاب و راه تحکیم و توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب است. به این ترتیب ما میتوانیم در امر ساختمان دولتی نیز به فاز جدید و عالیتر وارد شویم. تأکید میکنم که این به آن معنی نیست که ما در راه اداره غیرسازمان یافته و خود به خودی گام می‌گذاریم. به هیچ وجه چنین نیست. ارگان‌های نوین دولتی در محلات توسط رؤسای کمیته‌های اجراییوی جرگه‌ها (شوراها) رهبری میشوند که دارای صلاحیت‌هایی اند و به

خاطر کار درست، به خاطر رعایت بموقع و کامل قوانین دولتی و به خاطر آنکه منافع محلی و فردی و مانورهای خودخواهانه مرتجعین جانشین منافع و اهداف حاکمیت انقلابی نگردد، مسؤولیت فردی دارند. همه این سیستم ارگان‌های محلی زیر کنترل و رهبری لازم از مرکز، از جانب هیأت رئیسه شورای انقلابی و کمیته اجرایی شورای وزیران خواهند بود.

در عین زمان باید مدنظر داشت که ارگان‌های تقنینی مرکزی و ارگان‌های اداره مرکزی همراه با ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی باید یک سیستم واحد به هم مرتبط و منسجم را سازند. این سیستم واحد قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان است که بر اساس اصول سنترالیزم دموکراتیک با اشتراک وسیع توده‌های مردم تحقق اداره دولت را به طور علماً تنظیم شده و متمرکز امکان پذیر میسازد. در این رابطه، در شورای وزیران باید شعبات مربوط وجود داشته باشد تا کمیته‌های اجرایی جرگه‌ها (شوراها) را رهنمایی، کنترل و کمک کند و فعالیت اقتصادی و اداری آنها را تأمین نماید. همچنان در هیأت رئیس شورای انقلابی نیز باید شعبات متصدی امور جرگه‌ها (شوراها) به وجود آید تا به طور دایمی فعالیت آنها را به مثابه ارگان‌های تقنینی در محلات هدایت، رهنمایی و کنترل کند، به آنها کمک میتودیک نماید، کار در جهت فعال ساختن نمایندگان مردم را سازمان دهد و سازماندهی انتخاب و کنترل از رعایت اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و دستورهای شورای انقلابی و هیأت رئیسه آن توسط جرگه‌ها (شوراها) را به عهده گیرد.

۴- کار سیستم نوین ارگان‌های محلی را نباید جدا از وظیفه عمده روز یعنی تقویت و تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب مدنظر گرفت. فکر میکنم اشتباه نیست اگر بگویم دشمنان ما هر روز بیشتر از روز پیش با این حقیقت سرسخت پی میرند که باندهای آنها ممکن نیست علی‌الرغم کمک‌های همه جانبه و رذیلانه امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی در رأس امپریالیزم امریکا بتواند قوای مسلح و انقلاب ما را با شکست مواجه سازد.

اینجا توطئه‌یی در میان است و گرنه اداره قصر سفید، اداره ریاست جمهوری ریگن و تمام محافل حاکم مرتجع جهان و باندها میدانند که محکوم به شکست اند؛ اما آنها سعی می‌ورزند که پروسه پیروزی ما طولانی‌تر شود و افغانستان به حیث یک

منطقه ستراتیژیک تبلیغاتی ضد جنبش‌های آزادیبخش، ضد صلح و سوسیالیسم و ضد اتحادشوروی مورد استفاده قرار گیرد. اینجا مسأله برسر زمان است. ما باید هرچه زودتر در زمان کوتاهتر مسایل انقلاب خودرا حل کنیم و انقلاب خودرا به پیروزی برسانیم پیروزی ما در داخل کشور ضربه کوبنده و شکننده‌ی است بر پیکر ارتجاع، امپریالیسم و هژمونیزم. دشمنان اکنون روی چیزهای دیگری حساب میکنند. آنها تلاش می‌ورزند در همه سلول‌های میکانیزم دولتی و اجتماعی ما، در همه منقذهای آن رخنه کنند، خودرا به حیث عنصر دائمی در آن حفظ نمایند و تحکیم بخشند و به این وسیله ماهیت مثبت انقلاب ما را احاطه کنند و امکان شوگفایی و تبارز نیروی کامل آنرا ندهند و بالاخره میکانیزم دولتی و اجتماعی ما را ضعیف، ناسالم، فاسد، بدون تحرک و غیره فعال بسازند.

در روشنی همه آنچه که گفته شد، ایجاد ارگان‌های نوین محلی و جلب توده‌های وسیع زحمتکشان در فعالیت روزانه آن امر ضروری است تا ضدانقلاب را که ماسک بر چهره کشیده است، افشا نماییم، از کنج و کناری که مخفی شده است بیرون بکشیم، تجرید کنیم و پلان‌های شوم و سیاه آنرا خنثی سازیم. و کسانی را که فریب خورده یا تحت تأثیر ترس و ارعاب ضدانقلاب قرار گرفته اند باید در محل تجدید تربیت کرد، به کارهایی گماشت که مردم در آن ذینفع اند و به کار و زندگی آبرومندانه شریفانه بازگردانید. به طور عموم بخش بزرگ کار با باندیت‌های سابق که با ارگان‌های دولتی پروتوکول عقد نموده و به حاکمیت انقلابی پیوسته اند، به عهده ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی است. این ارگان‌ها باید تدابیری جهت جلب آنان به فعالیت شریفانه و آگاهانه، اشتراک در دفاع خودی محل و تحکیم حاکمیت انقلابی اتخاذ نمایند و به این امر مواظبت نشان دهند.

۵ - تحقق قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی در عمل از یک جهت دگر نیز مهم میباشد و آن عبارتست از پیگیری در کار ساختمان دولتی و از بین بردن عدم تناسبی که در این عرصه بین مرکز و محلات به وجود آمده است. شما میدانید که فوراً بعد از پیروزی انقلاب ثور و مخصوصاً مرحله نوین آن تا حدود ممکن ما سیستم ارگان‌های مرکزی حاکمیت را بر مبنای انقلابی تأسیس کردیم. اما ارگان‌های محلی از لحاظ ساختار خویش تغییر نیافتند و اشکال و میتودهای کار آنها در واقعیت امر مانند سابق باقی ماند. اکنون ما گام بسیار مهمی را برای به انجام رساندن

تشکیل سیستم اداره از بالا تا پایین بر اساس اصول علمی بر میداریم. حالا مهم است که این سیستم به طور واقعاً انقلابی کار کند، مسایل را به نفع مردم به طور مطمئن و مؤثر و با اشتراك فعال و مستقیم خود مردم حل نماید.

۶- ارگان‌های محلی قدرت، تنها ارگان‌های حاکمیت نه، بلکه ارگان‌های اداره نیز میباشند. آنها وظیفه دارند اداره وضع محلات را به عهده گیرند و منجمله به خاطر تولید صنعتی و زراعتی، امور ساختمانی، کار ترانسپورت و مواصلات، مخابرات، تعلیم و تربیه، صحت عامه و غیره پاسخگوی باشند. آنها باید به همه مسایل اجتماعی و اقتصادی محلی بپردازند و تا حد ممکن با اتکا به خود تأمین مواد مورد ضرورت و کمک به محل را سازمان دهند. همه این کارها باید در ارتباط و پیوند نزدیک با وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی صورت گیرد. اکنون وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی نیز به نوبه خود موظفند با اتکا بر ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی بیشتر و بهتر کار کنند و به ارگان‌های مذکور در حل همه مسایل کمک دایمی نمایند. وزرای ما موظفند بدانند که در شرایط جدید باید بین آنان و جرگه (شوراهای) محلی مناسبات نوین برقرار گردد.

اکنون وزارتخانه‌ها باید نه تنها بر اپرات خود در محلات، بلکه بر ارگان‌های جمعی نمایندگان مردم یعنی جرگه‌ها و کمیته‌های اجراییی آن که بیانگر نیازمندی‌ها، توقعات، خواست‌ها و بالاخره اراده مردم است نیز اتکا نمایند. حالا دگر رهبری تمام رشته‌ها و بخش‌های امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محلات تحت کنترل، رهنمایی و هدایت مستقیم ارگان‌های محلی حاکمیت از طریق شعبات محلی وزارتخانه‌ها و ادارات در ساحه مربوطه صورت میگیرد. در عین زمان وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی در بخش کار مربوط مسئولیت خود را نیز دارند، از اینرو آنها باید مناسبات درست، معقول، سازنده و ثمربخش را هم با ارگان‌های محلی حاکمیت و هم با شعبات محلی خود برقرار سازند. تنها به این طریق میتوان از همه مزایای رهبری مرکزی استفاده کرد و منابع و امکانات محلی را برای رشد اقتصاد ملی در مجموع کاملاً جلب نمود. درینجا باید به اطلاع رفقا رسانده شود که ما با تحقق برنامه اقتصادی مطروحه در یازدهمین پلینوم کمیته مرکزی به موفقیت‌های معینی نایل آمده ایم. پلان تولید صنعتی ۹ ماه سال جاری به مقیاس تمام کشور به اندازه ۱۰۱ فیصد اجرا شده است. به مقایسه همین مدت سال گذشته حجم

محصول ناخالص در سکتور دولتی و مختلط بیست و پنج فیصد یا معادل دو میلیارد افغانی افزایش یافته است. بنابر ارقام و معلومات مقدماتی، اگر همه بخش‌ها، وزارتخانه‌ها و ادارات وظایف سپرده شده را اجرا نمایند در اخیر سال جاری سطح سال ۱۳۵۷ در تولید، حاصل می‌گردد. البته باید در نظر داشت که بعد از سال ۱۳۵۷ است که در نتیجه اعمال ضدانقلاب سطح تولید به حد قابل ملاحظه کاهش یافت. در عین زمان بعضی وزارتخانه‌ها و ادارات نتوانسته‌اند وظایف پلانی را اجرا نمایند. مانند سابق در تعداد زیاد مؤسسات، مخصوصاً مؤسسات نساجی از قدرت تولیدی موجود استفاده کامل صورت نمی‌گیرد و در همه جا اراده، پیگیری و ابتکار کافی در حل پروبلم‌های اقتصادی به طور یکسان وجود ندارد باید عمیقاً درک کرد که هر گام در امر بازسازی و رشد اقتصاد ما ضربه‌یی است بر ضدانقلاب که قدرت آن کمتر از عملیات موقفانه نظامی نمی‌باشد. هر کدام از این گام‌ها به مردم کمک مینماید تا بهتر زندگی کنند و کار بهتر و بیشتر را برای تکامل و دفاع انقلاب انجام دهند. ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی نیز موظفند این حکم را رهنمای عمل خویش قرار دهند.

۷- بالاخره درباره اهمیت بین‌المللی تدابیری که در ساحه دموکراتیزه ساختن حاکمیت ملی عملی می‌گردد. واضح است که در جریان رفع دشواری‌های مراحل اولیه انقلاب ملی و دموکراتیک، تحکیم ارگان‌های حاکمیت و اپرات اداره از طریق دموکراتیزه ساختن آنها نشانه نیرومندی انقلاب و نظام اجتماعی و دولتی نوین آن است. این پاسخ نیرومند و کوبنده به آنانی است که تلاش می‌ورزند این نظام را درهم کوبند. و سهم کوچک ما در تحکیم دوستی و همکاری بین همه نیروهای پیشرو عصر ما که می‌خواهند مانند ما زندگی خلق‌ها و کشورهای خود را بر مبنای انقلابی بهبود بخشند، نیز است.

رفقا! ما باید در این پلینوم یک سلسله مسایل سازمانی سیاسی مهم و اصولی را در رابطه با انتخابات آینده ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی حل و فصل نماییم.

قبل از همه تدویر چنین انتخابات باید درست سازمان یابد و از لحاظ سیاسی تأمین گردد. زیرا این اقدام در کشور ما برای نخستین بار عملی می‌گردد و نباید اجازه داد که شکل خود به خودی را بگیرد. همچنان نباید فراموش کرد که بنابر اوضاع موجود نظامی سیاسی و تفاوت شرایط در ولایات و ولسوالی‌های مختلف کشور ما

امکان تدویر فوری، همه گانی و همزمان انتخابات آزاد در همه جا هنوز وجود ندارد. در عین زمان ما نباید منتظر آن بمانیم که این شرایط یکسان و همگون شود و موانع در همه جا رفع گردد. قانون تصویب شده باید قبل از همه در جایی عملی گردد که حاکمیت انقلابی کاملاً وضع را تحت کنترل دارد. در آن ساحات و مناطقی که دشواری‌های وجود دارد نیز باید جرگه‌ها (شوراها) و کمیته‌های اجراییوی آنها انتخاب شوند، گرچه با ترکیب کامل و دربر گیرنده همه قریه‌ها و ده‌های سراسر کشور نباشند. درین حالات باید ترتیبی پیشینی گردد که کرسی‌های جرگه‌های شورا‌های مربوط به طور تدریجی پر شوند و برای این منظور یک تعداد کرسی‌های خالی و ریزرف باقی گذاشته شود. درینجا مهم است تا این مطلب درك گردد که آغاز کار جرگه‌های ولسوالی‌ها، علاقه‌داری‌ها و قریه‌ها در حدود ساحه تحت تسلط و مساعدت واقعی آنها به مردم در حل پروبلم‌ها، خود به انگیزه نیرومند برای توسعه این جرگه‌ها، جلب مردم به رشد اداره اجتماعی از طرف خودشان، دفاع خودی و تکامل انقلاب در مجموع مبدل می‌گردد.

یک مطلب دیگر: در قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان سیستم معرفی کاندیدان نماینده مردم در جرگه‌ها و اصول تدویر انتخابات معین گردیده است. کاملاً واضح است که حزب حاکم ما در انتخابات به مثابه نیروی واقعی رهبری کننده سیستم سیاسی کشور ما در بلاک واحد با همه نیروهای پیشرو و وطنپرست کشور که در جبهه ملی پروطن متحد شده اند، شرکت خواهد کرد. لذا شعارهایی لازم است که این وحدت را انعکاس دهد و کار زنده سیاسی و سازمانی لازم است تا این وحدت را تأمین کند.

در این امر وظیفه اساسی تمام حزب، همه سازمان‌ها و کمیته‌های آن و تمام اعضای حزب متمرکز است. همین کار حزب در میان توده‌ها ست که به مردم کمک میکند تا انتخاب درست نمایند و افراد واقع شایسته و قابل اعتبار و آگاه را در جرگه‌ها برگزینند و از انتخاب دشمنان مردم که می‌خواهند در لباس دوستان آن نفوذ کنند جلوگیری کنند. ارگان‌های جدید و منتخب حاکمیت در عمل باید ارگان‌های اتحاد نیروهای ملی و وطنپرست باشند. در این ارگان‌ها باید نمایندگان کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، منسوبین قوای مسلح، ریش‌سفیدان معزز و اشخاص با اعتبار، روحانیون و علمای وطنپرست، نمایندگان ملیت‌ها، اقوام و قبایل، بهترین نمایندگان

جوانان و سازمان‌های اجتماعی وجود داشته باشند.

درباره آماده‌گی و تدارک برای انتخابات باید به طور خاص صحبت شود. تصویب قانون هنوز به این معنی نیست که ما عملاً برای انتخابات آماده‌گی داریم. کار عظیمی لازم است تا اسناد تقنینی که طرز تدویر و سازماندهی انتخابات، اشکال و شیوه‌های کار جرگه‌ها، کمیته‌های اجرایی و نمایندگان مردم را تنظیم میکند طرح و تدوین گردد و تحقق یابد. حل و فصل همه این مسایل، اکنون باید مقام عمده را در فعالیت هیأت رئیسه شورای انقلابی، شورای وزیران و همه ارگان‌ها و سازمان‌های ذیربط احراز کند. اکنون درباره کار ایدیولوژیک در رابطه با امری که در برابر ما قرار دارد، صحبت میکنیم.

نخست، باید محتوای قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به همه‌گان روشن و تفهیم گردد. ثانیاً اینکه، تدارک و تدویر انتخابات باید از لحاظ ایدیولوژیک تأمین گردد. مردم باید بدانند که با اشتراک در انتخابات و پشتیبانی از بلاک (اتحاد) نیروهای ملی و وطنپرست به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان خودشان نیز جزء ارگانیک آن بوده و تنها از طریق پیروزی این اتحاد به آنچه که نیازمند میباشند و برای خود، خانواده و اولاد خود می‌خواهند، میتوانند برسند. و برای اینکار ضرور است تا تبلیغ و ترویج، همه سیستم ارگان‌ها و وسایل اطلاعات جمعی و تمام مؤسسات ایدیولوژیک در سطح لازم باشند و بهتر، مشخصتر، پربارتر و مؤثرتر از امروز فعالیت نمایند. کمیته‌های حزبی در همه سطوح باید این امر را سازمان دهند و تحت کنترل خود قرار دهند. با تمام جدیت، علاقه‌مندی، جوش و خروش، شور و شوق انقلابی و مردمی به این کار مشغول شوند تا واقعیت ما به عقول و قلوب همه هموطنان شرافتمند، زحمتکش و وطنپرست کشور برسد و نفوذ کند.

رفقا!

اگر آنچه را که گفتیم از لحاظ سیاسی ارزیابی کنیم و به همه مسایل امروز و فردا از موضع منافع انقلاب، خلق و وطن برخورد نماییم، نتیجه‌گیری میتواند فقط یکی باشد و آن اینکه ما واقعاً هم باید بیشتر و بهتر کار کنیم. ما باید به فزونین بهبود کار قویاً ارتقا نماییم و مسؤولیت، دسپلین و اجرای حتمی وظایف را تحکیم بخشیم.

من باید با صراحت بگویم که بدون نظم نوین و انضباط حزبی و دولتی و ایفای وظایف اجتماعی خود، ما نقش خود را به حیث حزب حاکم انقلابی ایفا کرده نمیتوانیم. از موضع طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور و برخورد طبقاتی، اصولی و خلاق انقلابی و فانونین کار در برابر تمام پدیده‌ها و مسایل، در فاش سرخ پیروزی را در وطن پرافتخار خود افغانستان دلیرانه و بی هراس در اهتزاز و سر بلند نگهداریم.

رفقا!

این پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظایف مشخص را در جهت تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب و تحکیم ارگان‌های حاکمیت دولتی در محلات مطرح و معین خواهد ساخت. باید همه اقدامات لازم را انجام داد تا این وظایف را همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب عمیقاً و آگاهانه درک کنند و مردم ما آنرا بدانند.

باید همه تدابیر ضروری را اتخاذ نمود تا کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و تمام حزب در مجموع به طور قاطع و پیگیر برای تحقق اهداف مطروحه مبارزه کنند.

در پلینوم ماه فیروزی ۱۹۸۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی رفیق کنستانتین اوستینوویچ چرنینکو که به اتفاق آرا به حیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی انتخاب شد، در بیانیه خود خاطر نشان ساخت.

«باید قادر بود که نه تنها اهداف درست را طرح کرد، بلکه با پیگیری و رفع هرگونه دشواری به آنها دست یافت. باید آنچه را که حاصل گردیده است با واقعینی و بدون کم بها دادن به آن، ارزیابی کرد. تنها چنین برخوردی ما را از اشتباه در سیاست و از وسوسه گرفتن آرزومندی به جای واقعیت محفوظ داشته و چنانکه لنین میگفت با وضاحت امکان آنرا فراهم میسازد تا دیده شود که ما چه را انجام داده ایم و چه را انجام نداده ایم.» وی همچنان علاوه کرد که تمام حزب باید چون تن واحد عمل کند.

ما باید روحیه آشتی ناپذیری نسبت به کمبودها و نقایص، بازخواست و مطالبه جدی و ارتقای سطح مسؤولیت حزبی و دولتی را از حزب کبیر لنین بیاموزیم.

این همه را ما فرا میگیریم. با این ما به پیش میرویم و با اتکا بر آنچه که حاصل شده است آنرا غنا می بخشیم، اراده و انرژی حزب، زحمتکشان و تمام مردم را برای اجرای وظایف انجام نشده، حل پروبلم‌های کلیدی حال و آینده متمرکز و مترکم میسازیم. با این امر، ما به اهداف کبیر انقلاب ثور، شگوفانی وسعدت وطن محبوب خود می رسیم

رفقا!

ما وظایف ملی و دموکراتیک انقلاب را در کشور خود درک کرده ایم و آنها را مطرح نموده ایم و با اطمینان کامل و با عزم راسخ میگوییم که وظایف ملی و دموکراتیک انقلاب خود را به مثابه وظایف ایجاد شرایط اجتماعی- اقتصادی، مادی و فنی جامعه نوین درین مرحله تاریخی تا پیروزی نهایی ایفا میکنیم و سرانجام به مثابه هدف غایی، افغانستان نوین را ایجاد مینماییم.

پلینوم چهاردهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲۹ سبده ۱۳۶۳

رفقا!

پلینوم نوبتی کمیته مرکزی حزب ما، ح.د.خ.ا مسایل مربوط به تکامل بیشتر انقلاب ما، ارتقای قابل ملاحظه نقش حزب و سطح مسؤولیت همه کمیته‌های حزبی بخاطر اجرای وظایف انقلاب در محلات را مطرح بحث قرار میدهد.

حزب و حاکمیت انقلابی ما سیاست درست و برخورد واقع‌بینانه را در رابطه با مسایل متعدد و حادی که در برابر کشور ما قرار دارد، طرح و تدوین نموده است و امروز ما میتوانیم با جرئت بگوییم که سیاست انقلابی مطروحه ما، یعنی، تشخیص درست تناسب نیروها و آرایش طبقاتی در انقلاب ملی - دموکراتیک افغانستان از لحاظ استراتژی و تاکتیک، اصولیت و حقانیت خود را به اثبات رسانیده است.

در حال حاضر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا از نقطه نظر تحلیل اوضاع سیاسی - اجتماعی داخلی، واقعیت کنونی مرزبندی و آرایش طبقات را در مبارزه بخاطر تحولات انقلابی، غیرقابل بحث و انکارناپذیر می‌شمارد. این روند بتدریج اقشار مختلف دهقانان را نیز در بر می‌گیرد که در وجود پیشرفت اصلاحات دموکراتیک ارضی و جنبش کوپراتیفی در کشور مشخص تر میگردد. در بین توده‌های وطنپرست زحمتکشان کشور، در میان آنانی که در جبهه ملی پدروطن متحد شده اند، اعم از نمایندگان همه طبقات اجتماعی و اقشار ملی و دموکراتیک، اقلیت‌های ملی، قبایل، روحانیون و علماء، جوانان و سازمان‌های دموکراتیک، با گذشت هرروز جریان اتحاد طبقاتی خلق و نفرت و انزجار نسبت به ضدانقلاب داخلی و خارجی که از منافع طبقاتی فیودالان و ملاکین بزرگ، بورژوازی کمپرادور، ارتجاع سیاه، بیروکرات‌های مرتجع وابسته که انقلاب ثور تمام آنها را سرنگون ساخت و همه نیروهای امپریالستی و در راس ایالات متحده امریکا دفاع می‌نمایند، قوت و نیروی بیشتری میگیرد. حزب ما باید در اوضاع و احوال کنونی موقف رهبری کننده

خود را بیشتر از پیش تقویت و تحکیم بخشد. اتحاد طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش، باید هر چه بیشتر به پایه سیاسی اتحاد همه نیروهای وطنپرست خلق در مبارزه باخطر سرکوب قطعی ضدانقلاب مبدل گردد.

نقش رهبری کننده حزب علی‌الرغم تمام دشواری‌ها در جامعه، پیوسته ارتقاء مییابد. ما نیروهای مسلحی را که بخوبی تجهیز شده اند، ایجاد کرده ایم. سکتوردولتی و مختلط در اقتصاد رشد بیشتر می‌یابد و موسسات صنعتی و زراعتی، شفاخانه‌ها، مکاتب و مراکز فرهنگی احیا میگردند. سکتوردولتی ترانسپورت ایجاد گردیده، کوپراتیف‌های دهقانی سازمان می‌یابند، تحقق اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب در راه درست سوق داده شده، برای رشد سرمایه ملی و تشبثات خصوصی تدابیر مساعد لازم اتخاذ گردیده، و اتخاذ میگردد. ارتباط با قبایل و روحانیت توسعه می‌یابد.

امروز ما در پلینوم کمیته مرکزی باید توجه را به تحقق وظایف تأخیرناپذیر خود از نقطه نظر او ضاع بین‌المللی و هم از نظر شرایط موجود تکامل داخلی معطوف داریم، ضعف‌ها و کمبودی‌های کار خود را مخصوصاً با در نظر داشت اینکه حزب ما در مرکز و در محلات و وظایف عمده و مبارزه کنونی خود را چگونه انجام میدهد، و چگونه باید انجام دهد، تحلیل نماییم.

نتایج مقدماتی عملیات محاروبی و در مجموع مبارزه ما علیه ضدانقلاب در سال جاری بیانگر چه چیزی است؟

پس از پلینوم سیزدهم کمیته مرکزی، وضع در کشور تا حدودی بهبود یافته است. نیروهای مسلح ما شکست‌های قابل ملاحظه ای را بر باندهای ضدانقلاب وارد نموده اند. گروپ‌های بزرگ باندها در پنجشیر و اندراب سرکوب شده اند و عملیات نظامی در ولایات هرات، ننگرهار، پکتیا و در شمال کشور با موفقیت انجام یافته است.

تعداد زیاد دیپوهای سلاح و مهمات یا بدست آمده و یا از بین برده شده است. ابتکار در عملیات محاروبی بدست اردو، خاندوی و ارگان‌های امنیتی ما قرار دارد. آنها تجربه خوب حل مستقلانه وظایف پیچیده نظامی را فرا می‌گیرند. اما امروز در پلینوم کمیته مرکزی با صراحت تمام باید گفت که وضع پیچیده هنوز هم در کشور

ادامه دارد.

جنگ طبقاتی در کشور حدت و شدت فوق‌العاده کسب کرده است. ما حق نداریم تصورات واهی ایجاد کنیم و هوشیاری خود را در رابطه با نیت ضدانقلاب، توطئه‌های دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی از دست بدهیم. دشمنان هر شکست خود را در جنگ با خرابکاری، انفجارها، کشتار افراد بیگناه ملکی در شهرها و دهات به اصطلاح جبران میکنند. ما در پراتیک خود به حقانیت این حرف‌های و.ای. لینن یکبار دیگر معتمد میشویم که میگفت: «این قانون به اثبات رسید که نیرومندی انقلاب، تعرض، انرژی، جسارت و عظمت امروزی آن در عین زمان مقاومت بورژوازی را شدید میسازد. هر قدر ما بیشتر پیروز میگردیم، به همان اندازه استثمارگران سرمایه داری می آموزند که متحد گردند و به هجوم سخت تر بپردازند.» باندها کار شدید خود را در جهت تأثیر روانی و ارعاب اهالی، قبایل و نمایندگان روحانیت و علما گسترش میدهند، با تمام وسایل مانع اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب و سایر اقدامات دولت میگردند. خطوط مواصلاتی را تخریب میکنند، وسایط ترانسپورتی را که غرض رفع نیازمندی‌های مردم اموال انتقال میدهند، نابود می سازند، پایه‌های انتقال لین برق را از بین میبرند. این امر شاهد آنست که دشمن نه تنها حیلہ گر و مکار میباشد و در نتیجه ناتوانی خود حاضر است به هر عمل ضد مردمی دست زند، بلکه گویای ضرورت تقویت هشیاری همه ارگان‌ها مخصوصاً ارگان‌های امنیتی و خاندوی نیز است، که باید قادر باشند تا از چنین اعمال اجیران امپریالیزم جلوگیری نمایند.

اکنون بجاست، تا در برابر اعضای کمیته مرکزی و فعالین حزبی یک مسئله اصولی دیگر مطرح گردد: آیا ما طی سال‌های گذشته علی‌الوصف کارهای معین در عرصه اجرای تحولات انقلابی و ایجاد نیروهای مسلح طراز نوین، توانسته ایم که چرخش تعیین کننده را به نفع خود در مبارزه علیه ضدانقلاب به وجود آوریم؟

پاسخ به این پرسش تحلیل وضع بین‌المللی و داخلی را ایجاب میکند و تجربه انکشاف اوضاع بین‌المللی در سال‌های اخیر شاهد آنست که علی‌الرغم اراده خلق‌ها در جهت تحکیم صلح، محافل امپریالیستی به سرکردگی ایالات متحده امریکا و ارتجاع بین‌المللی و منطقه، هر چه بیشتر سیاست تجاوز کارانه و نظامی‌گرانه را تعقیب نموده، مشی خطرناک تشدید تشنج را ادامه داده و کار را بطرف حدت و

شدت بیشتر انکشاف خطرناک اوضاع هم در مقیاس عمومی جهان و هم در مقیاس منطقه میکشانند.

جابجا ساختن سلاح‌های ضربه اول در اروپای غربی به وسیله ایالات متحده امریکا، تشدید تشنج در امریکای مرکزی و حوزه کارابین، در شرق نزدیک و میانه و جنوب افریقا در منطقه خلیج، بحیره احمر و بحر هند، جنوب و جنوب شرق آسیا و شرق دور و دیگر نقاط جهان شاهد این مدعای ما است. موقف امپریالیزم و رژیم‌های ارتجاعی در رابطه با وضع در منطقه و برخوردشان نسبت به انقلاب ثور در کشور ما نیز شاهد سرسخت و زنده این سیاست خطرناک امپریالیزم است. افغانستان انقلابی با وفاداری به سیاست خارجی صلحجویانه خود بطور استوار و قاطع از امر صلح و امنیت در سراسر جهان دفاع نموده از ابتکارات خردمندانه، بموقع و قاطع اتحادشوروی که بوسیله دوست بزرگ ما کنستانتین اوستینوویچ چرنکو مطرح شده است، پشتیبانی میکند و از تحکیم تفاهم متقابل و همکاری با تمام خلق‌ها، منجمله با خلق‌های پاکستان و ایران طرفداری می‌نماید.

اما پیشنهادات ما در باره حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان تا کنون مورد استقبال لازم و توأم با عقل سلیم طرف مقابل قرار نگرفته است. بعد از پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک ثور کارزار وحشیانه و دیوانه‌واری از جانب امپریالیزم، ارتجاع منطقه، هژمون‌نویست‌های چین و سایر دشمنان ترقی علیه کشور و انقلاب ما، علیه خواست ما برای تأمین صلح آزادی، ترقی و سعادت مردم ما براه انداخته شده است.

در آخرین جلسه سرکردگان ضدانقلاب در پشاور با اشتراک نمایندگان (۲۶) کشور، منجمله ایالات متحده امریکا، فرانسه و آلمان فدرال، مصر، پاکستان، ایران، جاپان و با پشتیبانی چین، باز هم تصامیمی مورد بررسی قرار گرفت و اتخاذ گردید که گسترش بیشتر مبارزه علیه انقلاب ما را مطرح می‌سازد. همچنان در این جلسه، طرق و میتودهای مداخله در امور داخلی ما دقیق‌تر و جدی‌تر تنظیم گردید و به نیروهای ضدانقلاب کمک بزرگ مالی و نظامی - تخنیکی و عده داده شد. شما میدانید که چندی قبل کنگرس ایالات متحده امریکا تنها برای یکبار پنجاه میلیون دالر اضافی را برای پشتیبانی از ضدانقلاب محکوم به شکست افغانستان تخصیص داد. در مجموع ضدانقلاب سالانه بیش از یک میلیارد دالر بغرض تجاوز مسلحانه

علیه افغانستان انقلابی در یافت میدارد. ما همه این میلیاردهای امپریالیستی را چنان بخواهیم ساخت که در ویتنام و کیوبا ساخته اند و هم اکنون در نیکاراگوآ، انگولا، ایتوپیا و سایر کشورهای انقلابی آزاد شده، میسازند.

بدین ترتیب ما تنها با باندهای مربوط به دشمنان طبقاتی داخلی خود نه، بلکه با توطئه وسیع امپریالیستی به سر کرده گی ایالات متحده امریکا علیه انقلاب ما مواجه هستیم. امپریالیزم همزمان با تلاش بخاطر تحقق این توطئه از لحاظ نظامی، سیاسی سیستم پایگاه‌ها و مراکز آموزشی جهت تربیت اشرار در پاکستان، ایران و چین را توسعه می بخشد و به موازات آن صدور و ارسال تشدید صدها و هزاران اجیر و تعداد زیاد کاروان‌های سلاح و مهمات به قلمرو کشور ما بمنظور تشدید و توسعه مبارزه ضدانقلابی در سراسر کشور، صورت میگیرد، در مناطق سرحدی با پاکستان غندها و کندک‌های ضربتی، بمنظور عملیات علیه نیروهای مسلح منظم ما، ایجاد میگردد.

بنابراین بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب ما عقیده دارد که بمنظور سرکوب کامل ضدانقلاب فعال در کشور لازم است که تدابیر قاطع و تأخیر ناپذیر در جهت محافظت و دفاع مؤثر از سرحدات ج.د.ا با پاکستان که به پایگاه اساسی تجاوز مسلحانه علیه کشور ما از جانب نیروهای ارتجاعی و امپریالیزم و چین مبدل گردیده است و همچنان محافظت و دفاع مؤثر از سرحدات با ایران اتخاذ گردد. البته رفقا از عمل تحریک‌آمیز و فتنه‌گرانه و تجاوزکارانه محافل مرتجع حاکم ایران در داخل کشور مقدس ما اطلاع دارند این وظیفه را بانیست نه تنها نیروهای مسلح ما، بلکه همه ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات اجراء نمایند، چندروز قبل ما فیصله مشروح بیروی سیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا را در مورد پوشش مؤثر سرحدات با پاکستان و همچنان با ایران به تصویب رسانیدیم.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی در اثر تحلیل از اوضاع موجود این نتیجه گیری را درست میداند که ضدانقلاب داخلی افغانستان بدون پشتیبانی از خارج، از جانب نیروهای امپریالیستی و ارتجاع منطقه که از خاک پاکستان و ایران صورت می گیرد، مواجه با شکست قطعی میگردد. ضدانقلاب داخلی بطور منظم منابع انسانی و مادی خود را بوسیله کمک‌های امپریالیستی تکمیل و قابلیت محاروبی خود را احیا و حفظ میکند و سطح تأمین و تجهیز آن با وسایل تخنیکی و سلاح‌های عصری

ارتقاء می‌یابد. هدف من باند‌های داخل کشور است.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ. عقیده دارد که نیل به چرخش قطعی ممکن است. باین چرخش همه زحمتکشان افغانستان سخت نیاز دارند و خواست مبرم زحمتکشان افغانستان در اوضاع و احوال کنونی همین چرخش است، زیرا راه دیگری برای تأمین سعادت مردم، صلح و آرامش و کار سازنده وجود ندارد.

به این منظور باید سه مسئله که مهمترین مسایل بوده و مرکز ثقل مسایل ما را تشکیل می‌دهند و سرنوشت انقلاب، مردم و وطن به آنها وابستگی دارد، حل کردند:

قبل از همه باید ارتباط حزب با توده‌های مردم را تحکیم بخشید و پایگاه اجتماعی رژیم انقلابی خود را بسط و توسعه داد. ما باید از تیوری پیشرو و انقلابی پیروی کنیم که حکم می‌کند: «بدون پشتیبانی توده‌ها هیچ حزب انقلابی به اهداف مرامی خویش نیل نمی‌گردد، بدون ابتکار خلاقانه توده‌ها که بوسیله رجال وفادار حزبی رهبری گردد، تحقق مشخص دساتیر حزب ممکن نیست، اما پشتیبانی توده‌ها در صورت فهم و در اهداف حزب انقلابی، درک ماهیت تحولات اجتماعی - اقتصادی که حزب انقلابی عملی می‌سازد و بالاخره اشتراك در تحقق و دفاع از این تحولات تا مین شده می‌تواند، تنها به این طریق ضدانقلاب از لحاظ اجتماعی تجرید می‌گردد.

مسئله دومی که باید حل آن در مرکز توجه قرار گیرد و باید بطور دقیق قطعی و تا آخر عمیق درک گردد اینست که تا هنگامی که ضدانقلاب سلاح بر زمین نگذاشته و به جنایات بیشرمانه و بربر منشانه خود در سرزمین ما ادامه می‌دهد، مسئله نظامی برای ما حیاتی بوده و خواهد بود و درین جهت باید قاطع عمل نمود؛ همه فعالیت سیاسی، سازمانی و نظامی باید در جهت سرکوب ضدانقلاب مسلح سمت داده شود و برای اینکار به نیروهای مسلحی که از لحاظ کمیت و کیفیت، مورال، آگاهی سیاسی، دسپلین آهنین نظامی و تخنیکی، آماده‌گی پر قدرت جنگی خوب آماده شده باشد، ضرورت است. این وظیفه همه حزب و نقطه مرکزی استراتژی سیاسی ماست. برای سرکوب ضدانقلاب و امحای نیروهای آن که در داخل کشور به عملیات تخریبی می‌پردازد لازم است که قبل از همه قابلیت محاروبی نیروهای مسلح خود را هم در زمینه جنگ منظم و هم در مبارزه علیه باندتیزم ارتقا بخشیم. ما باید توجه همه ارگان‌های حزبی و دولتی را چه در مرکز و چه در محلات. به این

وظیفه متمرکز سازیم و تمام فعالیت آنها را تابع این امر حیات می‌نماییم.

مسئله سوم چنین مطرح می‌گردد: از آنجای که حزب دموکراتیک خلق افغانستان هسته سیستم سیاسی انقلابی و نوین و منبع عمده حرکت پیشرونده آنرا در راه ترقی ملی و اجتماعی می‌سازد، ضرورت است که حزب و وحدت رزمی و دسپلین آهنین آن همه جانبه و بطور قاطع رشد و تحکیم یابد و سهم فعالانه آن در عادی ساختن اوضاع کشور و نیل به پیروزی کامل افزایش حاصل نماید. بدون یک حزب پیشاهنگ و جنگاور انقلابی حزب طراز نوین طبقه کارگر، پیروزی انقلاب، رهبری خلق و ایجاد یک جامعه نوین ناممکن است. این القای سیاست است، صدها بار رفقا آنرا شنیده و با تجربه خود آنرا تشخیص داده اند. فقط حزب انقلابی سرسخت، فعال و نیرومند، واحد و توده‌ی قادر است که همه نیروهای ملی و وطنپرست را متحد و یکپارچه سازد، آنها را در جهت اجرای وظایف انقلابی بسیج نماید و این وظایف را با اطمینان و موفقانه به نفع زحمتکشان کشور انجام دهند.

حل مسائل اساسی انقلاب ما ایجاب می‌کند که کار فعالانه و قهرمانانه در محلات به سطح نوین ارتقا یابد. باز هم تأکید مینمایم که در محلات. زیرا درین بخش یعنی در محلات کار ما ضعیف‌تر از همه بخش‌ها است. بنابر این توده‌ها نیز اشتراک خود را درین امر ضعیف احساس میکنند، کمتر به آن جلب می‌گردند و محتوای وظایف و اهداف آنرا بخوبی دری نمی‌کنند.

باید تأکید نمایم: نارسایی‌های ما در محلات نه تنها ناشی از کاستی‌ها و نواقص در کار ارگان‌های حزبی و دولتی محلی است بلکه پیامد عدم توجه وزارت‌ها و ادارات و شعبات کمیته مرکزی به مسایل محلی نیز است. این وضع در عین حال ناشی از بقایای برخورد پر تکبر و از خودراضی، مغرورانه و بیوروکراتیک گذشته نسبت به کار در محلات نیز میباشد. بالاخره این وضع ناشی از عدم درک بسیاری از کارمندان رهبری ازین حقیقت ساده است که تصامیم و مصوبات فقط در محلات، در کولکتیف‌های کارگری، در موسسات، در قطعات عسکری، در کوپراتیف‌ها و در قریه‌ها به برکت کار زنده و همه روزه سیاسی و سازمانی کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی تحقق می‌پذیرند و تحقق پذیر میباشد. بنابراین توجه پلینوم کنونی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به تعیین وظایف اشکال و اسلوب کار کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی که منبع عمده تأثیر و نفوذ سیاسی حزب بالای

توده‌های زحمتکش، کولکتیف‌های نظامی، اوضاع در ولایات، و لسوالی‌ها و علاقه داری‌هاست معطوف میگردد. یک بار دیگر تأکید می‌ورزم: نیروی حزب، در نیرومندی، محکمی، استواری و یک پارچگی حلقات پائینی آن در محلات است. انقلابی کبیر و ای لینن این امر را خاطر نشان می‌ساخت، او مینوشت و به آن عمل میکرد که «به پیروزی انقلاب در روسیه این امر مساعدت کرد که حزب بلشویک‌ها همیشه عمده ترین توجه را همانا به حاکمیت در محلات، به تجربه خود محلات» مبذول میداشت.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا مسایل مربوط به تحکیم و رشد سازمان‌های حزبی، بهبود و تکمیل کار کمیته‌های حزبی در محلات را بطور دائمی تحت مراقبت داشته و مورد توجه جدی قرار میدهد و باید هم مورد توجه جدی قرار دهد.

سازمان‌ها و کمیته‌های حزبی نه تنها تطبیق کننده سیاست حزب در محلات اند، بلکه سازمانده اجرای فیصله ارگان‌های بالایی حزب نیز میباشند. آنها کار اعضای حزب را در امر تحقق سیاست و تصامیم حزب سازمان میدهند و اعضای حزب با کار خویش در میان توده‌ها با نمونه و تجربه شخصی خود سیاست حزب را با زندگی، فعالیت و تجربه خود توده‌ها پیوند میدهند، آنها در مبارزه به خاطر اجرای وظایف مطروحه از جانب حزب ستمدهی و رهبری می‌نمایند. من این مسئله را برای آن خاطر نشان می‌سازم که ما در عمل متأسفانه هنوز با تلاش‌های بعضی وزراء، روسا و والیان بر میخوریم که میخواهند بدون تفاهم، هماهنگی و توافق با کمیته‌های مربوطه کارمندان را سبکدوش و مقرر نمایند و تصامیم مهم اجتماعی اقتصادی و اداری را در محلات اتخاذ کنند. نامطلوب‌تر اینست که بسیاری از کارمندان رهبری دولتی، حتی اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی هنگام سفر به ولایات بخود زحمت نمی‌دهند و لازم نمی‌شمارند که به کمیته‌های حزبی از لحاظ حزبیت عطف توجه نمایند، از کمیته‌های حزبی دیدن کنند و با فعالین حزبی ملاقات و در برابر اعضای حزب و مردم صحبت ثمربخش و مفید نمایند.

در زمان خود ولادیمیر ایلیچ لینن می‌گفت که کمیته حزبی باید «همه کارهای محلی، تمام جهات جنبش محلی و تمام موسسات محلی، نیروها و وسایل حزب را رهبری کند و تحت مراقبت داشته باشد.»

حزب کار بزرگ سازمانی را برای ایجاد شبکه وسیع ارگان‌ها و سازمان‌های حزبی محلی انجام داده است. اکنون در حزب دموکراتیک خلق افغانستان ۳۱ کمیته حزبی ولایتی و معادل آن، ۲۶ کمیته شهری، ۳۶ کمیته ناحیوی، بیش از ۲۰۰ کمیته حزبی ولسوالی و علاقه‌داری وجود دارد. پراتیک توسعه ترکیب کمیته‌های حزبی و ایجاد بیروی اجراییه در بسیاری از آنها برای حل مسایل عاجل کاملاً صحت و درستی خود را به اثبات رسانیده است.

اینکار اجازه داد تا فعالیت ارگان‌های حزبی دموکراتیزه گردد، مقیاس آن توسعه یابد و تعداد بیشتر از فعالین به کار حزبی جلب گردند. تعداد سازمان‌ها و گروه‌های حزبی دائماً افزایش می‌یابد. حزب به ایجاد و تحکیم دستگاه حزبی در محلات اهمیت زیاد قابل است، اینها در اکثریت خود افراد ماهر و دارای تجربه لازم سیاسی و رزمندگی اند.

رفقا!

اعضای کمیته‌های حزبی، کارمندان دستگاه حزبی و فعالین حزبی در مجموع نیروی بزرگی میباشند که میتوانند و موظف اند کار حزبی را مؤثرتر، تأثیر و نفوذ حزب را بر توده‌های زحمتکشان قوی‌تر و وسیع‌تر سازند و وضع را در محلات برای کار سازنده و خلاق صلح آمیز پایدارتر و مساعدتر نمایند.

در مجموع کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی بطور قابل ملاحظه تحکیم یافته و تجربه معین کار سازمانی و سیاسی کسب نموده اند و مسایل میرم زندگی و ولایات، شهرها ولسوالی‌ها علاقه‌داری‌ها و کولکتیف‌های زحمتکشان را به طور مشخص‌تر و مؤثرتر حل و فصل می‌نمایند. اعتبار کمیته‌های حزبی دائماً رشد می‌یابد. مردم هرچه بیشتر به کمیته‌های حزبی جهت دریافت مشوره و کمک مراجعه میکنند. در شرایط ما این امر بسیار مهم و شاخص خوبی است که حزب مرجع آمال و آرزوهای توده‌های عظیم مردم گردد. این نشان پیروزی بزرگی برای حزب ماست. مردم در وجود ارگان‌های حزبی ما نیروی سیاسی واقعی را گرچه برایشان نو و غیرمعمول جلوه میکند مینند. آنان در وجود حزب ما نیرو و اتوریته حزب را واقعاً حاکم را به صورت روزافزون تشخیص میدهند.

فعالیت ارگان‌های حزبی نظم، بیشتر کسب میکند و پلانگذاری و کنترل بهبود می

یابد. اصل کار جمعی هنگام بحث و اتخاذ تصمیم، اصل مسئولیت فردی در برابر امر سپرده شده، جلب فعالین حزبی برای تحقق تصمیم اتخاذ شده و غیره بر پایه اصول متداول در پراتیک حزب ما معمول میگردد. همه اینها امکان میدهد که بتدریج محدودیت کار در چارچوب محیط درون حزبی که در گذشته معمول بود رفع گردد و کار در عرصه وسیع جامعه ما بسط و توسعه یابد.

میخواستم در این مورد با تفصیل بیشتر صحبت کنم. کار درون حزبی صرف بخودی خود برای حزب مهم نیست. این کار باید موجب تحکیم هر کمیته حزبی و هر سازمان حزبی و موجب تقویت سازمان و دسپلین درونی برای آن گردد تا این ارگان‌های حزبی بتوانند با مهارت توانایی و موفقیت وظایف مهم مربوط به ولایات شهرها و لسوالی‌ها و علاقه‌داری‌های خود را اجرا کنند، توده‌ها را برای حل مسایل مهم و حیاتی انقلاب سازمان دهند و بسیج نمایند.

متأسفانه در عمل دیده میشود که بسیاری از کمیته‌های حزبی و رهبری آنها این حقیقت صریح را درک نمیکند. احساس می‌گردد که آنها نمی‌توانند بقایای سکتاریزم توجه بیش از حد به صحنه‌های خورد و ریزه درون حزبی، تصادمات مشخص، گفتگوها، آوازه‌ها و افواها و غیره را رفع کنند. توجه آنها معمولاً به مسائل کوچک معطوف گردیده و مسایل عمده و جدی را فراموش میکنند. متأسفانه این نوع برخورد خورده بورژوازی و روشنفکرانه خطرناک و مهیب تا هنوز هم در وجود رفقای ما ریشه دارد. ما نتوانسته ایم در سراسر حزب خصلت‌های پرولتری و مردمی مبتنی بر اصول ایدیولوژیک طبقه کارگر را تعمیم بخشیم.

البته کمیته‌های حزبی در مجموع از کنار مهمترین مسایل زندگی ما نمی‌گذرند. اما اکثراً این مسایل با عجله بدون تحلیل ارقام و امار، بدون داخل شدن درون پدیده‌ها، بدون آمادگی جدی و همه جانبه، گویا حل و فصل می‌گردند، بدون بحث و بررسی علمی و عملی نمیتوان همه پهلوهای مسئله مطروحه را دید، پلان دورنمایی فعالیت برای حل آن تدوین کرد و همه افراد لازم را برای کار مشترک فراخواند.

اما نباید به جانب دیگر افراط نیز لغزید و همه مسایل جاری و عاجل را که خواهان حل و فصل سریع و بطور دورانی است، به بررسی کمیته حزبی کشانیده، جر و بحث طولانی را جانشین اجرای امور نمود و مشکل پسندی و مشکل تراشی را

بجای برش در کار و قبول دلاورانه مسئولیت و ابتکار قرار داد. ابتکار در کارهای ما ضعیف است.

به رفتاری که در ارگان‌های حزبی در محلات کار میکنند لازم است تا با شجاعت، اصرار و سرسختی بیشتر به حل و فصل مسایل مبارزه علیه ضدانقلاب، مسایل زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند. آنان باید طوری طرق حل مسایل را بیاموزند که مردم مواظبت حزب را، دلسوزی حزب را، خدمتگذاری حزب را، قربانی و فداکاری حزب را، لیاقت و شایستگی رهبری حزب را احساس نموده و درک کنند که تنها و تنها سیاست ح.د.خ.ا است که امکان بهبود وضع زندگی ایشانرا میسر می‌سازد. هر ارگان محلی حزبی نماینده با صلاحیت حزب حاکم ما در محل خود است و حزب زمانی بمفهوم کامل کلمه حزب حاکم خواهد بود که ارگان‌های آن در محلات بیاموزند که چگونه مسایل مطروحه را حل و فصل کنند و به انجام برسانند.

امروز باید توجه اساسی کمیته‌های حزبی در جهت عادی ساختن وضع در محلات، افزایش تعداد هواداران و علاقمندان امر انقلاب، تأمین اشتراك فعال آنان در مبارزه به خاطر توسعه و تحکیم حاکمیت خلق، استقرار صلح و امنیت پایدار وطنی معطوف گردد. امر عمده، مبارزه به خاطر توده‌هاست و ارگان‌های حزبی باید توجه بخصوصی را به آن داشته و چنان اسلوب و اشکال کار را جستجو، دریافت و استعمال کنند که بهترین نتیجه را در امر توسعه و تحکیم حاکمیت دولتی هم در جریان پیشبرد عملیات محاروبی و هم از طریق صلح آمیز بدست آورند.

میخواهم در رابطه با این مسئله مطلب ذیل را توضیح کنم. توده‌ها را نمیتوان از خود ساخت و اگر در میان آنها همیشه حاضر نبود رهبر پرولتاریای جهان خاطر نشان می‌ساخت: «کاردر بین توده» کار بسیار پیچیده و متنوع ترویج، تبلیغ و سازماندهی است.

این بدان معنی است که توده‌ها را بانیست با در نظر داشت شرایط محلی، روحیات و سطح شعور و آگاهی آنها سازمان داد. تا آنها بر اساس تجربه خود این حقیقت را دریابند که حزبی‌ها نمونه درخشان وقف، صداقت و جدیت و پیگیری در کار اند. فقط در اینصورت است که مردم بخاطر این حقیقت، حقیقت حزب ما، انقلاب ما و

حقیقت سعادت خود مبارزه خواهند کرد.

آن کمیته‌های حزبی که کار سیاسی را مستقیماً در اعماق توده‌ها، در محل کار و زندگی شان پیش می‌برند و از اشکال مناسب و قابل فهم برای انسان‌های ساده کار می‌گیرند درست حرکت می‌کنند. در شرایط کشور ما از جمله این اشکال منحبث مثال میتوان از سفرهای کارمندان رهبری حزبی و دولتی به محلات، سخنرانی در برابر مردم و توضیح سیاست حزب و دولت و پاسخ دادن به سوالات آنان نام برد. زحمتکشان به کار گروه‌های تبلیغی، ترویجی علاقمندی زیاد نشان می‌دهند. باید اذعان داشت که کارمندان رهبری حزبی و دولتی بیشتر از گذشته به محلات سفر و با مردم دیدن و ملاقات می‌نمایند.

چنین پراتیک قابل هرگونه پشتیبانی است و باید به قاعده و نورم زندگی حزبی مبدل گردد تا اعضای کمیته‌های حزبی، کارمندان اپارات حزبی و دولتی و سازمان‌های اجتماعی به طور منظم به محلات رفته با مردم ملاقات کنند، کار سیاسی را پیش برده و به نتایج مشخص نایل آیند. است در شرایط کشور ما نتایج مشخص عبارتند از توسعه و تحکیم حاکمیت انقلابی و دولتی در ولسوالی‌ها، علاقهداری‌ها و قریه‌ها، تأمین شرایط عادی و صلح آمیز برای مردم و استقرار صلح پایدار وطنی در کشور. پلان‌های کمپلکسی به حصول این اهداف خدمت میکنند. این پلان‌ها باید همه امکانات و منابع موجود در محلات را در یک کل واحد با هم پیوند دهند و بر این اساس حل مسایل محلی را به نفع اهالی، بنفع زحمتکشان تأمین نمایند. بنابراین کمیته‌های حزبی باید توجه بخصوصی را به جهات سیاسی و سازمانی تحقق این پلان‌ها مبذول دارند. و باید خاطر نشان سازم که در اینجا آموختن چگونگی تأمین پیوند کار توده‌یی سیاسی با کار سازمانی مستقیم در بین توده‌ها نیز عمده است. مهم و ضرور است تا کمیته‌های حزبی با اتکا بر توده‌ها و جلب ریش‌سفیدان، اشخاص با اعتبار و محترم در همه جا و قبل از همه در قریه‌ها، گروپ‌های فعالین خود را ایجاد کنند. این گروپ‌ها بمثابة مرکز همکاری حاکمیت خلق فعالیت خواهند کرد که همه روزه و بطور دایمی با استفاده از طرق و مسایل عنعنوی خود با زبان ساده و قابل فهم برای دهقانان حقیقت سیاست حزب و دولت را به آنها رسانیده و ضرورت حیاتی قبول این حاکمیت و همکاری با آنرا برای هر یک از آنها توضیح میکنند. تشکیل و ایجاد چنین گروپ‌های فعالین که

کمیته‌های حزبی بتوانند بالای آنها اتکا نمایند و از طریق آنها سیاست عمومی حزب را عملی سازند امر پیچیده است که خواهان احتیاط بزرگ و توانایی و هنر کار با انسان‌ها میباشد.

سیاست هم علم و هم هنر است. ما با تجربه خود دریافته ایم که فراموش کردن هریک از این جهات پراتیک سیاسی به اشتباهات جبران ناپذیر می‌انجامد، طور مشخص باید گفت که مردم افغانستان سرشار از غرور مناعت طبع و عزت نفس اند. بایست در برخورد با آنها سخت متواضع، فروتن و صادق بود. باید در عمل ثابت کرد که حزب خد متگزار مردم خود است، نه باداران.

همه اینها به هسته های تشکیلاتی که به محلات پاک شده از وجود باندهای ضدانقلابی فرستاده میشوند نیز مربوط میگردد. آنها باید به زودترین فرصت در پیرامون فعالین محلی قرار گیرند، با شجاعت و وسعت نظر با مردم کار نمایند و به این امر نایل آیند که مردم در وجود هسته تشکیلاتی نمایندگان با صلاحیت حاکمیت انقلابی را که برای آنها خیر، آزادی، ترقی، عدالت، صلح، سعادت، خوشبختی، دلسوزی و رفع نیازمندی‌ها و پاسخ به خواست‌های تراکم یافته شانرا به ارمان می آورند، ببینند.

اصل عمده برای حزب حاکم، اعتماد مردم نسبت به آن، وجاهت و محبوبیت آن در میان مردم است. فقط چنین حزبی مستحق رهبری خلق و جامعه است و فقط در این صورت است که توده‌ها یکجا با حزب در برابر بزرگترین قدرت‌های سیاه، بربرمنش و وحشی به هجوم ببیاب و قهرمانانه می پردازند. باید از اشکال عنعنوی خودگردانی چون جرگه‌ها و شوراها و ارگان‌های اجرائیه آن بر مبنای قبول بلاقید و شرط حاکمیت انقلابی و پشتیبانی از آن استفاده وسیع تر صورت گیرد. کمیته‌های حزبی و ارگان‌های حاکمیت ولایات باید از چنین جرگه‌ها، شوراها و عنعنات مردم و خصوصیات شایسته مردم پشتیبانی نموده و برای شان کمک به موقع مبذول دارند. می‌خواهم خاطر نشان نمایم که اینکار مخصوصاً در ارتباط با آمادگی برای اجرای قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی در ج.د.ا. ضرورت اشد دارد.

ناگزیرم در اینباره با تفصیل صحبت کنم زیرا هنوز در اکثریت و ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه داری‌ها وحدت لازم در پیشبرد کار توده‌یی سیاسی و سازمانی ایجاد نشده

است. کمیته‌های حزبی در اکثریت خود به عوض کار همه روزه و پیگیر در جهت توسعه و تحکیم موقف حزب و حاکمیت در بین توده‌ها و در قریه‌ها، به تدابیر یکدفعه‌یی و فی‌المجلس که نتایج آن معمولاً رشد و تحکیم نمی‌یابد محدود و متصل می‌گردند. کمیته‌های حزبی هنوز به سازماندهنده واقعی حل و فصل کمپلکس مسایل مردم مبدل نگردیده‌اند. جهات نظامی، سیاسی، ترویجی، اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و سایر جهات در فعالیت آنها تا امروز در یک کل واحد بهم پیوند داده نمی‌شوند. باید با تأکید یادآور شوم که با وجود همه دشواری‌ها و کمبودها باز هم از امکانات و منابع موجود استفاده بسیار بسیار ضعیف صورت می‌گیرد.

پیگیری، اصرار، قبول مسئولیت، قاطعیت، جدیت و ابتکار لازم در کار ارگان‌های مرکزی و مهم، در کار ارگان‌های محلی حزبی و دولتی وجود ندارد. عدم آرزومندی برای خارج شدن از چارچوب علاقمندی‌ها مختص به یک اداره موجب صدمه جدی به امر عمومی می‌گردد.

باید بطور قطعی آن جاهای که بوسیله قوای مسلح آزاد می‌گردند، بطور مطمئن و استوار توسط حاکمیت انقلابی خلق حفظ شود و کمیته‌های حزبی ارگان‌های دولتی، سازمان‌های توده‌یی اجتماعی و خود زحمتکشان برای این امر بسیج گردند.

ایجاد قرارگاه‌های هماهنگی در زون‌ها، ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها در نتیجه فیصله کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. تصمیمی درست و بموقع بود. واقعیت‌های مشخص شاهد این امر است. مثلاً قرارگاه‌های هماهنگی در شهر کابل، ولایات کابل، جوزجان، بدخشان و یک تعداد دیگر ولایات با موفقیت کار میکنند. اما از یکطرف فی چنین قرارگاه‌ها هنوز در بسیاری از ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها وجود ندارد، از جانب دیگر سازماندهی و نظم فعالیت آنها کند و ضعیف است و بعضی از اعضای قرارگاه‌ها برای خود و ادارات و موسسات خود ادعای وضع خاص و ممتاز را دارند.

آنها اجرای تصامیم اتخاذ شده را حتمی نمی‌شمارند، استقلال خود را بارشک و حسد زیاد دفاع می‌کنند و بدین ترتیب به فعالیت قرارگاه صدمه وارد می‌کنند. بر علاوه بالای کار قرارگاه‌ها برخورد بی‌روکراتیک صوری و فورمالیته و بی

تفاوتی نسبت به امور تأثیر شدیداً مضر دارد.

بسیار واقع شده است که قرارگاه‌ها بجای عکس‌العمل سریع در برابر حوادثی که رخ میدهد و اتخاذ تدابیر عاجل، فعالیت خود را منحصر به تشکیل جلسات پلان شده ساخته و اکثراً در کار خود میتودهای موسسات عادی را تقلید میکنند. قرارگاه هماهنگی، ارگان فوق‌العاده و دارای صلاحیت‌های خاص است. فعالیت آن باید پراتیفی، پرتحرک و مؤثر باشد.

نارسایی‌ها و کمبودها در کار قرارگاه‌ها تا حد زیادی ناشی از رهبری ضعیف آنها از جانب کمیته‌های حزبی است. این رهبری باید قبل از همه در بازخواست جدی از اعضای حزبی قرارگاه بدون در نظر داشت مقام آنان، در کنترل اصولی و دایمی حزبی از اجرای وظایف و وجایب آنها بمتابه عضو ح.د.خ. انعکاس یابد.

رفقا!

یکی از مهمترین جهات فعالیت کمیته‌های حزبی حزب حاکم عبارتست از رهبری حزبی، حل و فصل مسایل زندگی اقتصادی و اجتماعی. زندگی روزمره مردم وابسته به اینست که چگونه حاکمیت دولتی در محلات تحکیم و توسعه می‌یابد و دفاع خودی در برابر اشرار سازمان داده میشود، چگونه فابریکه‌ها، کارخانه‌ها، دستگاه‌های برق، ترانسپورت و مواصلات کار میکنند و اصلاحات ارضی و آب جریان دارد، چگونه کار مکاتب، شفاخانه‌ها و غیره سازمان داده شده است.

مردم به اساس همین امور هم در باره حزب و حاکمیت قضاوت میکنند. بسیاری از کمیته‌های حزبی این مسئله را درک میکنند. مثلاً در کمیته شهر کابل، طی سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ در حدود ۴۰ فیصد تمام مسایل مورد بررسی در بیروی اجراییه مسایل اقتصادی بوده است. در این موارد تصامیم مشخص اتخاذ شده که بطور پیگیر و با شدت تحت رهبری کمیته حزبی شهر و کمیته‌های نواحی تحقق می‌پذیرد.

همه اینها زمینه مساعد را بوجود آورد تا پلان سال ۱۳۶۲ صنایع در شهر بهاندازه ۱۱۵ فیصد اجراء گردد. در سال گذشته در شهر ۷۸۶ اپارتمان اعمارگردیده است که ۳۵ فیصد بیشتر از سال ۱۳۶۱ میباشد.

کمیته‌های حزبی ولایات بلخ، ننگرهار، کندز و بعضی دیگر از ولایات نیز تجربه لازم رهبری امور مربوط به حل و فصل مسایل اجتماعی، اقتصادی را اندوخته اند.

مثلاً، به ابتکار ارگان‌های حزبی و دولتی کندز و بدخشان دستگاه‌های برق در شهرهای اسعدآباد و فیض‌آباد در کمترین مدت به کار انداخته شد. در نتیجه کار پیگیر کمیته حزبی ولایتی جوزجان، کار در معدن گازباشی کورد که مدت مدیدی متوقف بود، از سر گرفته شد. باید متذکر شد که در حل این مسایل اقتصادی شورای وزیران و بعضی وزارت‌ها، منجمله وزارت انرژی برق و همچنان کمک متخصصین اتحاد شوروی نقش مهم را ایفا کرده است.

در ولایت جوزجان پلان اصلاحات ارضی و آب اجراء گردیده کار مؤثر در عرصه امحای بیسوادی پیش برده شده و مسایل مهم دیگر برای اهالی حل و فصل میگردد. اما چنین نمونه‌ها را هنوز کم داریم. بر علاوه کمیته‌های حزبی یاد شده نیز همه اقدامات لازم را برای حل مسایل مبرم اقتصادی انجام نمیدهند.

مانند سابق باز هم دیده میشود که از ظرفیت فابریکه‌ها، کارخانه‌ها و استیشن‌های برق استفاده درست و کافی صورت نمیگیرد. اعمار بسیاری از پروژه‌های مهم یا متوقف است و یا با کندی زیاد پیش میرود، مساعی لازم جهت بازسازی، سرک‌ها، پل‌ها و پائک‌کاری کانال‌ها صورت نمیگیرد و از ترانسپورت استفاده غیر اقتصادی بعمل می‌آید. کار اجرائ اصلاحات ارضی و آب با کندی ناجایز و بدون علاقمندی لازم پیش برده میشود، چنانکه بررسی اخیر ولایات هرات، فراه، کندهار، بلخ و بعضی ولایات دیگر نشان داد، کمیته‌های حزبی در برابر تحقق این امر مهم و حیاتی که ارتباط حزب با مردم تا حد تعیین کننده وابسته به آنست، از خود احساس مسئولیت عالی انقلابی نشان نمیدهند.

علل این همه نارسایی‌ها و کمبودها بسیار است. اما علت عمده آن باز هم کار ضعیف و غیر ابتکاری کمیته‌های حزبی است که معمولاً فعالیت خود را در ساحه حل و فصل پروبلم‌های اجتماعی اقتصادی، به نوشتن تقاضاها و نامه‌ها بکابل محدود ساخته موقف انتظار را اتخاذ نموده و از خود ابتکار و پیگیری نشان نمی‌دهند، ولی باید گفت که در ارگان‌های مرکزی، وزارت‌ها و ادارات نیز باید برخورد

مسئولانه، فعالانه و دلسوزانه نسبت به خواست‌ها و تقاضاهای محلات بوجود آید. زندگی نشان می‌دهد که هنوز این شیوه کار در اجرای وظایف انقلابی ما معمول نشده است. چنین برخورد و روش فقط موجب انزجار مردم از حزب و دولت می‌گردد. رفقای موظف و مسئول این امر از خود پختگی حزبی و سطح لازم درک مطالبات اوضاع و مسئولیت انقلابی را نشان نمی‌دهد. کمیته‌های حزبی این وزارت‌ها ادارات و موسسات نیز مورد انتقاد و مسئول اند. آنها حرفی حزبی خود را بموقع بیان نکرده و تدابیر لازم را اتخاذ ننموده اند. فکر میکنم که رفقا ازین انتقادات نتیجه‌گیری درست نموده و تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد.

باید انتقادات را جدی گرفت، از اشتباهات، کمبودی‌ها و ضعف‌ها در جهت بهبود کار انقلابی درس گرفت، آنها را تصحیح کرد و با روحیه انقلابی به کار انقلابی پرداخت.

برخورد کمیته حزبی نسبت به دساتیر حزب و حکومت، نسبت به خواست‌ها و نیازمندی‌های زحمتکشان باید برخورد حزبی باشد، یعنی صوری و فورمالیته نباشد، باید برخورد فعال و مؤثر باشند. مردم، ولس، خلق باید از فضای کار در ارگان حزبی، برخورد رهبری و اعضای کمیته حزبی و کارمندان اپارات را احساس و لمس کنند و بدانند که همه اینها به خواست‌ها و امور مربوط به زحمتکشان به حل مسایلی که مورد توجه زحمتکشان است علاقمندی و توجه دارند، باید بطور منظم گزارش‌های آمران و روسای موسسات، سازمان‌ها و ادارات در باره کار شان در باره اجرای دساتیر حزب و حکومت و فیصله‌های ارگان‌های حزبی محلی شنیده شود و از اعضای حزب که در ارگان‌های اقتصادی کار میکنند بدون در نظر داشت مقام و وظیفه شان بخاطر امور مربوط بازخواست جدی صورت گیرد. این شیوه و کار ماهیت رهبری سیاسی و کنترل حزبی بالای فعالیت اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

رفقا! اجازه دهید، در باره وظایف کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی در عرصه کار درون حزبی صحبت کنیم. در حقیقت امر، کار درون حزبی است که زندگی و فعالیت حزب انقلابی، سازمان‌پذیری و قابلیت عملی حزب را بمثابة کل واحد تعیین میکند. چه وظایفی مشخصی را باید کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی در این عرصه اجرا نمایند؟

قبل از همه لازم است که در آینده نیز برای تأمین رشد کمی بیشتر حزب کار پیگیر صورت گیرد. حزب دائماً رشد می‌یابد. صفوف اکثر سازمان‌های حزبی ولایتی سازمان‌های حزبی اردو، خارندوی و خاد بصورت دائمی و منظم رشد می‌یابد.

اما اگر جریان انتخاب و پذیرش افراد به حزب را نقادانه بررسی کنیم، ما نمیتوانیم به آنچه که به دست آمده است قناعت کنیم و بیشتر از این نارسایی‌ها و کمبودی‌ها چشم‌پوشی نماییم.

همه این امور را باید با دقت مورد بررسی و تحلیل قرار داد و اصلاح نمود. بطور عمومی روند رشد حزب به طور لازم و شاید و باید از جانب ما تنظیم نمیگردد. سازمان‌ها و کولکتیف‌هایی وجود دارند که در آنها تعداد اعضای حزب آنقدر کم است که عملاً نمیتوانند بالای وضع امور تاثیر اندازند.

این مسئله که اکثریت اعضای حزب در مراکز و ولایات قرار دارند نیز مایه تشویش جدی است. مثلاً در سازمان حزبی بزرگ جوزجان ۸۲ فیصد اعضای حزب در شهر شبرغان تمرکز یافته اند. زمان آن فرا رسیده است که به تحکیم سازمان‌های حزبی و لسوالی‌های علاقه‌داری‌ها توجه جدی مبذول گردد، زیرا بدون آن نمیتوانیم توده اساسی اهالی کشور را در حیطه تأثیر و نفوذ خود داشته باشیم. این وظیفه رزمی حزب است و ما باید در کوتاه‌ترین مدت آنرا اجرا کنیم. کمیته‌های حزبی نه تنها باید رشد کمی صفوف حزب را ثبت و شمار نمایند، بلکه باید سازمان‌های ضعیف را رشد دهند و به آنها توجه درجه یک مبذول دارند.

آنها باید بر علاوه بطور پلان شده و دوامدار، سازمان‌های جدید را مخصوصاً در محل زیست زحمتکشان ایجاد و به آنها کمک نماید تا هرچه زودتر به پای خود استاده شوند، رشد کنند و کار فعال را در بین توده‌ها به پیش برند.

آیا میتوان با این مسئله سازش کرد که سازمان‌های حزبی در قرا با چنین کندی ایجاد گردد؟

باید شبکه سازمان‌های اولیه حزبی و در مجموع نفوذ و تأثیر حزب بالای توده‌ها را با شجاعت و قاطعیت بیشتر توسعه بخشید. نکته دیگر اینست که کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و ارگان‌های سیاسی قوای مسلح باید به این امر توجه روزافزون

داشته باشند که به حزب واقع بهترین نمایندگان زحمتکشان پذیرفته شوند. در صفوف ح.د.خ.ا نمایندگان همه ملیت‌ها و اقوام کشور وجود دارند و ترکیب آن عمدتاً با ترکیب ملی کشور مطابقت دارد. این امر را که تقریباً نیمی از کسانی که به حزب پذیرفته میشوند از سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان اند، با رضایت خاطر نشان می‌سازیم تعداد زنان در حزب افزایش می‌یابد. برای کشور ما این امر فکتور دارای اهمیت است.

اما باید کار در جهت بهبود ترکیب اجتماعی حزب بسود زحمتکشان و به درجه اول کارگران و قابلیت پیکارجویی صفوف آن دائماً جریان داشته باشد و تکمیل گردد. فردای حزب وابسته به آن است که امروز ما چه کسانی را به صفوف آن می‌پذیریم. ما باید در آینده نیز مشی توسعه و افزایش پذیرش کارگران دهقانان، پیشه‌وران و شاگردان پیشه‌وران را به حزب ادامه بدهیم. اما این امر بدان معنی نیست که ما به پذیرش نمایندگان شایسته روشنفکران مترقی، انقلابی معتقد و مجهز با اید یولوژی طبقه کارگر، مامورین و جوانان متعلم و محصل به حزب علاقمندی نداریم و به آن کم بها میدهیم. در صفوف حزب ما برای همه کسانی که آماده اند نه تنها در حرف، بلکه در عمل نیز با وفاداری و ایثار، به انقلاب و ترقی وطن محبوبان خدمت کنند، جای وجود دارد.

درین رابطه لازم است که یکبار دیگر اهمیت کار کمیته‌های حزبی با رهبری سازمان‌های توده‌یی اجتماعی و جبهه ملی پدروطن خاطر نشان گردد، جوهر مطلب درین است که توده‌های مردم نه بطور خود بخودی بلکه از طریق این سازمان‌ها و جبهه ملی پدروطن به تحولات اجتماعی جلب و نزدیک میگردند. این سازمان‌ها نیروی ذخیره حزب اند و حزب کسانی را انتخاب مینماید که نخستین مدرسه تربیت سیاسی را در آنها سپری نموده باشند.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا به کار سازمان‌های توده‌یی و اجتماعی توجه دایمی و جدی دارد. در روزهای نزدیک بیروی سیاسی کمیته مرکزی در مورد ج.م.پ.و مصوبه ایراتصویب خواهد کرد که جهت اساسی کار و وظایف کمیته‌های حزبی را در امر بهبود رهبری حزبی بر آن تعیین خواهد کرد: کمیته‌های حزبی و ارگان‌های دولتی باید با مواظبت و علاقمندی و بطور دایمی از شوراهای جبهه ملی پدروطن پشتیبانی کنند، فعالیت آنها را در نظر داشته و رابطه با آنها را تحکیم

و توسعه بخشند. کمیته‌های حزبی باید فعالیت سازمان‌های توده‌یی اجتماعی را با دقت مورد مطالعه قرار دهند. مسایل مربوط به بهبود و تکمیل فعالیت آنان را دائماً در جلسات بیروی اجراییه بررسی کنند. گزارش‌های اعضای حزبی را که درین سازمان‌ها کار می‌کنند بشنوند و به این سازمان‌ها در امر توسعه شبکه آنها تا سرحد قریه‌ها کمک مؤثر را مبذول دارند. همه اعضای حزب باید فعالانه در کار سازمان‌های اجتماعی اشتراک ورزند.

رفقا!

از همه آنچه گفته شد چنین نتیجه گرفته میشود که کمیته‌های حزبی بمثابة ارگان سیاسی رهبری در محلات واقعاً باید کار خود را به سطح بلندتر ارتقاء دهند. این کار برای آن نیز ضرور است که اوضاع نظامی سیاسی در کشور هنوز هم متشنج باقی مانده و پلان‌های عادی ساختن آن بطور غیرقناعت بخش عملی میگردد.

ضرور است تا قبل از همه تصامیمی که از طرف کمیته‌های حزبی اتخاذ میشود تا آخر اجرا گردد. آن کمیته‌های حزبی درست حرکت میکنند که بخاطر این امر با اصرار و پا فشاری مبارزه نموده و اجرای تصامیم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان و فیصله‌های آنرا سازمان میدهند، بطور دائمی جریان تطبیق آنرا تحت کنترل دارند و سطح بلند بازخواست، مطالبه و اصولیت را از خود نشان میدهند. مثلاً در بیروی اجراییه کمیته حزبی ولایتی کندز کنترل از اجرای تصامیم قبلی در حدود نصف مسایل مورد بررسی جلسات را تشکیل میدهد.

این پراتیک در یک تعداد کمیته‌های حزبی دیگر مانند کمیته حزبی شهر کابل، کمیته‌های حزبی ولایتی ننگرهار، بدخشان و کابل نیز وجود دارد. این کار اجازه میدهد تا سطح مسئولیت کادرها بلند برده شود و امکان آنرا فراهم میسازد که خصوصیات عملی سیاسی و خلاق افراد بطور عینی ارزیابی گردد. بازخواست جدی، سطح بلند مطالبه از جانب بیروهای اجراییه بمثابة ارگان رهبری جمعی به تربیت درست کادرها مساعدت می‌کنند. در صورت اتخاذ چنین پراتیک، احتمال برخورد‌های ذهنی، سمتی، قبیلوی، محلی، خویشاوندی، رفاقت بازی و جناحی کم میگردد. برای حزب ما که در محیط اجتماعی دارای بقایای نیرومند این امراض

عمل میکند، این مسئله اهمیت بخصوص دارد.

بنابر این کمیته‌های حزبی باید به کار کادرها توجه دایمی و فزاینده داشته باشند، در انتخاب، جابجاساختن و تربیت کادرهاست که قبل از همه نقش رهبری کننده حزب در جامعه و دولت منعکس می‌گردد. کمیته‌های حزبی این امر مهم و حیاتی حزب را نباید به هیچکس دیگری اعتماد کنند و بسپارند و هیچکس نمیتواند و نباید مسایل کادرها را بدون توافق با کمیته‌های حزبی حل و فصل کنند.

وضع عملی در این مهمترین عرصه برای ما قناعت بخش نیست. بررسی نشان داد که کار واقعی مطابق به دساتیر حزب با کادرها در همه جا صورت نمی‌گیرد. این نارسایی قبل از همه در این وضع انعکاس می‌یابد که در ارزیابی و پیش کشیدن کادرها هنوز هم بقایای امراض مزمن گذشته گذشته که در بالا به آن اشاره کردم بنظر می‌خورد، بسیاری از کمیته‌های حزبی هنوز بطور واقعی کار مدرسه فعالین حزبی- اقتصادی را سازمان نداده اند، خودآموزی سیاسی کادرها و کار آنها بالای خودشان را کنترل نمی‌کنند. نباید به این خیال واهی بود که کمیته حزبی در یک روز پرشکوه و زیبا کادرهای آماده شده و وفادار را از آسمان در یافت خواهد داشت.

این کار تربیت پیگیر، استوار و دایمی را می‌طلبد. هر کمیته حزبی باید به کانون واقعی تربیت کادرهایی که خوب می‌شناسد و مانند باغبانی دلسوز پرورش میدهد مبدل گردد و ما کار هر کمیته حزبی را منجمله بر اساس آنکه چه تعداد کارمند رهبری را برای خود و برای پیش کشیدن به حزب تربیت کرده است، ارزیابی خواهیم کرد.

رفقا!

کمیته‌های حزبی باید حتماً به هدف ارتقای سطح رزمندگی، فعالیت و دسپلین پذیری سازمان‌های اولیه حزبی نایل آیند. زیرا همین سازمان‌ها اساس حزب را تشکیل میدهند. و کمیته‌های حزبی از طریق این سازمان‌ها سیاست حزب را تحقق می‌بخشند. رهبری سازمان‌های حزبی کار پیچیده ایست که ما هنوز آنرا کاملاً فرانگرفته ایم، لازم است تا بر وضع امور در هر سازمان اولیه با دقت و تفصیل وارد بود، سعی کرد که در هر سازمان جوانب متنوع کار حزبی انجام داده شود،

اعضای آن در برابر هر مسئله و در قبال هرگونه چرخشی در اوضاع، سمتگیری درست نمایند، وظایف خود را تشخیص دهند، بمردم درباره حوادث کشور و وضع بین‌المللی، خصوصیات امپریالیزم و وجایب زرین انقلابی خود مردم برای بهبود زندگی شان توضیح لازم داده بتوانند، اصول و موازین وحدت حزب باید زندگی و فعالیت هر سازمان اولیه را تعیین کند. پلینوم ما باز هم باید به این مسئله حیاتی و مهم توجه جدی مبذول دارد. حزب نیازمندی دارد که کار در جهت تحکیم وحدت صفوف آن انگیزه پر قدرت جدید بیابد.

ما باید جدی‌ترین توجه را به بهبود کار کمیسیون‌های کنترل حزبی معطوف داریم. تا کنون این کمیسیون‌ها در تمام سطوح ضعیف کار می‌کنند. فعالیت کمیسیون‌ها بالای یکپارچگی صفوف حزب و تحکیم دسپلین حزبی تأثیر قابل ملاحظه ندارد. از اینجا باید نتیجه‌گیری‌های عملی بدست آورد. کمیسیون ما دارای همه صلاحیت‌ها و حقوق لازم اند؛ کار آنها باید طوری سازمان داده شود که در عمل به تحکیم وحدت حزب یکپارچگی آن بدور کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، ارتقای دسپلین حزبی و سطح مسئولیت کادرها و فعالین حزبی مساعدت کند. موجز اینکه تمام وظایف و مسئولیت‌های که در اساسنامه حزب ما بعهده کمیسیون کنترل حزبی کمیته مرکزی و کمیسیون‌های پائینتر آن قرار داده شده است باید بصورت قاطع و شجاعانه و دلاورانه در حالیکه کمیته مرکزی و بیروی سیاسی پشتیبان شماسست، دلیرانه به معرض اجراء گذاشته شود.

اکنون ضرور است تا در باره یک مسئله دیگر که برای کار در محلات اهمیت زیاد دارد اما تا کنون به آن توجه لازم صورت نگرفته است، صحبت کنیم.

مسئله عبارتست از مطالعه بررسی و تعمیم تجربه پیشرو و بهتر کار در جهت توسعه و تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات، تشدید فعالیت حزبی و فعالیت دفاع خودی منطقوی، کار توده‌یی - سیاسی و غیره.

مسئله برسر آنست که ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات و رهبری و فعالین آنها باید بدانند که در شرایط ما چگونه بهتر کار کنند تا این وظایف را انجام دهند و برای کاربرد اشکال و اسلوبی که در عمل درستی آنها به اثبات رسیده است چه باید بکنند. هنگام ارزیابی کار کارمندان حزبی و دولتی لازم است تا برخورد و

قابلیت آنها در امر مطالعه، بررسی تعمیم و تعمیل تجربه پیشرو نیز در نظر گرفته شود.

تأکید می‌ورزم که مسئله درست بر سر تعمیم و تعمیل تجربه واقعی و آزمون شده در عمل زندگی در محلات است. این مهمترین امر است. تنها به این شرط کارمندان ما در محلات دقیقاً خواهند دانست که چگونه آنچه را که رفقای دیگر شان در ولسوالی‌ها، علاقدهاری‌ها و قریه‌ها موفقانه انجام داده اند اجراء کنند. رهبر پرولتاریای جهان اهمیت فوق‌العاده این امر را در شرایط انقلاب پیروزمند خاطر نشان می‌ساخت؛ او می‌نوشت:

«مشخص بودن بیشتر و باز هم بیشتر در مطالعه تجربه محلی، اجزاء و ویژه‌گی‌ها، تجربه عملی، تعمق در زندگی واقعی هم ولسوالی، هم علاقدهاری و هم قریه، تحلیل و تجزیه اینکه در کجا، کی و چرا (با استفاده از کدام شیوه‌ها) موفق میگردد. به بهبود واقعی، هر چند کوچک نایل میشود، از افشای اشتباهات و ناتوانی نباید ترسید، با تمام نیرو باید هر کارمند محلی را که تا حدی برجستگی داشته باشد به همه شناساند و رکلام کرد و وی را بحیث نمونه نشان داد.» رهبر پرولتاریای جهان به مطالعه، بررسی، تعمیم و تعمیل تجربه پیشرو چنین اهمیت بزرگی قایل بود. در حالیکه ما هنوز به این کار آغاز نکرده ایم، اما دیگر زمان آن فرا رسیده است.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا لازم می‌شمارد که کمیته‌های ولایتی، ولسوالی، علاقدهاری حزب بطور جدی، معقول و منظم بهترین تجربه کمیته‌های حزبی ارگان‌های حاکمیت دولتی، سازمان‌های اولیه حزبی، شعبات و موسسات، ادارات و قطعات عسکری را مطالعه و پخش کنند، تعمیم بخشند و معمول سازند. به این منظور باید از سیمینارها و جلسات مشورتی، جلسات حزبی، مقالات در روزنامه‌ها، نشرات رادیو تلویزیون، سخنرانی‌های لکچر دهنده‌گان و مبلغین استفاده وسیع صورت گیرد. مخصوصاً باید ضرورت بلندتر ساختن نام و شهرت قهرمانان، دفاع از انقلاب و وطن، پخش تجربه پرافتخار جنگی آنان، قهرمانی‌هایی که آنان بنام انقلاب، مردم و آینده تابناک آن انجام داده اند، مورد تأکید قرار گیرد. روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و سینمای ما هنوز هم در برابر سربازان و افسران شجاع قوای مسلح ما، در برابر همه کسانی که سلاح در دست علیه دشمنان قهرمانانه می‌رزمند، مدیون باقی مانده اند. قهرمانی و خون آنان باید در آثار

برجسته نویسنده‌گان، ژورنالیستان و کارمندان هنری چنان انعکاس روشن یابد که نسل‌های امروز و فردای کشور از وطنپرستی، قهرمانی، کار با شجاعت انقلابی، عشق به خلق و احساس عمیق دوستی افغان - شوروی را بیاموزند.

دربارهٔ یک موضوع دیگر: لازم است که همه ارگان‌های دولتی در محلات کار خود را با درک از وضع محلات و با در نظر داشت حتمی نظریات سازمان‌های حزبی پیش ببرند؛ حزب هسته مرکزی حاکمیت سیاسی انقلابی است. ارگان‌های حزب در محلات نماینده باصلاحیت آنست. بدون این ارگان‌ها کشور را نمیتوان به طور انقلابی اداره کرد. این حقیقت ساده را همه باید بدانند.

رفقا!

امروز حزب دموکراتیک خلق افغانستان - حزبی رزمنده و پیکار جو است. ما تجاوز امپریالیزم و ارتجاع منطقه را که به مداخله در امور داخلی ما ادامه داده و برای اغراض شوم خویش از افراد فروخته شده و بخشی از هموطنان فریب خورده ما استفاده میکنند، دفع و طرد میکنیم. ما به صلح ضرورت داریم اما برای تأمین آن باید در «جنگ اعلان نشده» تحمیلی غداران خارجی قطعاً و هرچه زودتر پیروز گردیم. درست بهمین سبب حزب بهترین فرزندان خود را به قوای مسلح ملی ما داده است. کمک و مساعدت به قوای مسلح در انجام رسالت شریفانه و تاریخی، انقلابی و آزادیبخش آن، امر مقدس، امر مرگ و زندگی، هست و نیست تمام حزب و همهٔ مردم است. لازم شمرده میشود که ارگان‌های حزبی، تمام حکومت و دولت با توجه تمام به توسعه و ارتقای سازماندهی جلب و احضار عسکری بپردازند. حزب همه چیز است و اكمال قوای مسلح در سطح لازم، امر عمیقاً حزبی است. این امر در حال حاضر حایز اهمیت مبرم و حیاتی برای انقلاب ما و وظیفه درجه یک و رسالت ملی و میهنی ما ست.

پلینوم سیزدهم کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا توجه ارگان‌های حزبی را به این مسئله معطوف نموده بود. اما کار بسیار کم صورت گرفته است و امروز بسیاری از کمیته‌های حزبی مثل اینکه نمی بینند که پلان‌های جلب و احضار چگونه عملی میگردد. مراکز جلب و احضار چگونه تجهیز شده اند و کمیساری‌های نظامی چگونه کار میکنند. تأثیر حزبی بالای این مهمترین امر تأمین حزبی - سیاسی، کار

اکمال اردو و خاندنوی و قوای سرحدی باید به سطح لازم و وظایف مطروحه در برابر حزب و حاکمیت انقلابی ارتقا داده شود.

دیگر اینکه سازمان‌های حزبی قوای مسلح، بخشن لاینفک حزب ماست. بنابر این همه آنچه که من درباره ارتقای نقش کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی قبلاً گفتم به شعبات سیاسی کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی قوای مسلح نیز ارتباط دارد. درست از طریق همین ارگان‌هاست که وحدت در امر پیشبرد مشی عمومی حزب در قوای مسلح تأمین میگردد. طی مدت گذشته کار بالنسبه خوبی در جهت ایجاد ارگان‌های حزبی و سیاسی اردو، خاندنوی و خاد در امر گسترش فعالیت حزبی و تقویت تأثیر حزب بالای توده‌های منسوبین عسکری صورت گرفته است. ارگان‌های سیاسی و کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی خاد نیز تحکیم یافته اند. شبکه وسیع ارگان‌های سیاسی امکان میدهد که بتدریج پختگی ایدیولوژیک اعضای حزب، منسوبین عسکری ارتقاء یابد و قابلیت محاروبی آنان افزایش یابد. گرچه باید با صراحت گفت که نتایج این کار تا کنون نمیتواند برای بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا قناعت بخش باشد، فکر می‌کنم که این نتایج برای رفقای رهبری وزارت‌های دفاع و امور داخله و ریاست عمومی خاد و همچنان روسای ریاست‌های سیاسی آنها نیز قناعتبخش نیست و باید هم نباشد. اما در همه این نقایص و کمبودها بموازات سایر علل، نارسایی کار حزبی، سیاسی را نیز می‌بینیم که نمیتوان آنها را از نظر انداخت.

در حال حاضر می‌خواهم فقط یک مسئله را مطرح سازم که به عقیده من تا کنون به آن توجه لازم صورت نگرفته است. این مسئله در باره ارتقای نقش و افزایش سهم کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی در امر فعال ساختن تمام کار حزبی - سیاسی در اردو، خاندنوی و خاد است.

روشن است که فعالیت این کمیته‌ها و سازمان‌ها مستقیماً از طرف شعبات و ریاست‌های سیاسی مر بوط رهبری میگردد. ما فقط به این حلقه توجه لازم مبذول داشته و می‌داریم. اما اکنون که این ادارات سیاسی رشد و تحکیم یافته اند، خود باید تدابیر لازم را برای رونق تمام زندگی حزبی در اردو و خاندنوی و خاد، برای افزایش تأثیر حزبی بالای منسوبین عسکری اتخاذ نمایند و بدون فعال ساختن و تحکیم کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی در غندها، کندک‌ها، تولی‌ها و موسسات و

ادارات اردو، خاندنوی و خاد این وظیفه را نمیتوان انجام داد. کمیته مرکزی ح.د.خ.ا درست در همین امر ذخیره مهمی را برای بهبود کار حزبی - سیاسی در تمام قوای مسلح مشاهده میکند و تشخیص میدهد.

دیگر اینکه کار در جهت ارتباط ارگان‌های سیاسی و کمیته‌های حزبی اردو، خاندنوی و خاد با کمیته‌ها و سازمان‌های محلی حزب صریحاً ضعیف سازمان یافته است. چنین رابطه ضرور است و واضحاً باید دوجانبه باشد.

وقت خود را به بحث غیر ضروری و غیر مثمر که کی باید گام اول را بردارد، نباید صرف کرد. کارمند سیاسی قوای مسلح و کارمند حزبی باید نیازمندی درونی احساس نمایند که یکدیگر را بیابند و تماس مفید و لازم را بخاطر امر مشترک برقرار سازند. تأکید میکنم: امر همه ما مشترک است بر علاوه، تاکنون مسئله تحکیم وحدت قوای مسلح و مردم کاملاً حل نگردیده است. هنوز نزدیکی و اشتراک و پیوند ارگانیک میان مردم و مدافعین آن یعنی قوای مسلح احساس نمیگردد. علت در چیست؟ فکر میکنم که بعد از پیروزی انقلاب ثور ممکن نبود که خصلت مناسبات متقابل بین مردم و نیروهای مسلح را که مدت مدیدی توسط زمامداران مستبد و مرتجع سابق علیه مردم بکار میرفت، تغییر داد. بنابراین نیز ضرور بود که کار حزبی - سیاسی هم در قوای مسلح و هم بیرون از آن، مستقیماً در بین توده‌های مردم گسترش یابد. از لحاظ عینی هم این و هم آنرا خود رشد روند انقلابی در کشور و دفاع از آن بهم نزدیک میسازد.

اما اکنون زمان نزدیکی بیشتر و باز هم بیشتر اردو و خاندنوی و خاد با زحمتکشان، با مردم فرارسیده است. باید توجه و مساعی همه کمیته‌ها و سازمان‌های محلی حزب و همه ارگان‌های حزبی قوای مسلح به این امر معطوف گردد. منشی‌ها و اعضای کمیته‌های حزبی ولایتی، ولسوالی و علاقه‌داری باید شخصاً با همقطاران خویش در قطعات، جزو تام‌ها و ارگان‌های اردو، خاندنوی و خاد آشنا بوده و پلان همکاری مفید داشته باشند. در جلسات حزبی، جلسات فعالین یکدیگر اشتراک و تدابیر مشترک تبلیغی و ترویجی، فرهنگی و ورزشی اتخاذ کنند، تمام مساعی را برای پرورش روحیه عشق و احترام مردم نسبت به قوای مسلح بخرچ دهند. چنین کار باید قبل از همه با جوانانی که در سنین قبل از جلب و احضار عسکری قرار دارند، مخصوصاً در مکاتب و سایر موسسات تعلیمی صورت گیرد.

می‌خواهم اهمیت و ضرورت همکاری منسوبین عسکری با مردم را در امور زمینداری، ترمیم و بازسازی و سایر کارها خاطر نشان سازم. اینکار نیز قوای مسلح را با مردم، و مردم را با آنها نزدیک می‌سازد. امروز یکی از مهمترین، مؤثرترین و ضروری‌ترین اشکال ارتباط قوای مسلح با مردم عبارتست از عمل مشترک در رابطه با دفاع خودی محلی و منطقوی و مدافعین انقلاب.

رفقا!

این یک مسئله اصولی است اولاً اینکه بدین ترتیب ارتباط قوای مسلح با ارگان‌های محلی حزبی و دولتی که مستقیماً مردم را به امر دفاع خودی تأمین امنیت خود جلب می‌نمایند، تحکیم می‌یابد، ثانیاً عمل مشترک قوای مسلح با مردم نه تنها سرکوب و شکست نظامی ضدانقلاب، بلکه تجرید کامل سیاسی و معنوی آنرا در کشور تأمین می‌کند. ثالثاً ایجاد دفاع خودی محلی و منطقوی نیروهای مسلح ما را چندین مرتبه تقویت می‌کند. نزدیکی با مردم قابلیت دفاع آنرا افزایش می‌بخشد.

ارگان‌های محلی حزب، شعبات سیاسی و کمیته‌های حزبی قوای مسلح باید متکی به آنچه که در بالا تذکر یافت، بطور پیگیر و مشخص بالای اجرای وظیفه واحد و مشترک کار کنند، یعنی مشترکاً و در همه جا دفاع خودی محلی و منطقوی را با همه اشکال و انواع آن ایجاد کنند، به تقویت و تحکیم آن کمک نمایند با گروه‌ها و گروپ‌های دفاع خودی، سربازان و مدافعان انقلاب، قطعات قومی و قبایلی ارتباط زنده و دایمی داشته باشند، در بین آنها کار توده‌یی - سیاسی را پیش برده و قابلیت محاربوی آنها را ارتقاء بخشند. شورای وزیران و قبل از همه وزارت‌های دفاع و امور داخله باید امور تجهیز، آموزشی و رهبری عمومی سیستم دفاع خودی منطقوی و محلی را بهبود بخشیده در کوتاهترین مدت وظایف ادارات مربوط را مشخص سازند.

در تمام فعالیت‌های ما ضرور است که ارتباط ارگان‌های حزبی و دولتی مخصوصاً در محلات با قوای مسلح هر چه بیشتر و قوی‌تر تحکیم یا بد و عمل مشترک فعالانه در امر سرکوب قطعی باندهای ضدانقلاب تأمین گردد.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید در همه امور خصوصیت تکامل تاریخی افغانستان، مناسبات طبقاتی و ملی، مسئله قبایل مخصوصاً در مناطق سرحدی را

در نظر داشته باشند. قبایل سرحدی پشتون و بلوچ یکجا با دیگر برادران هموطن خود همیشه در سنگر مقدم، نقش مدافع وطن را در برابر تجاوزگران خارجی که از طرف شرق، جنوب و غرب صورت گرفته است ایفا کرده اند. اکنون که تجاوزگران به کمک وسیع باداران خارجی خود دارای عصری‌ترین سلاح‌ها و وسایل اند، مدافعان تاریخی سرحدی کشور یعنی قبایل پشتون و بلوچ به کمک و پشتیبانی قاطع، مؤثر و همه جانبه از طرف حزب و حاکمیت انقلابی ج.د.ا ضرورت دارند. ارگان‌های حزبی و دولتی همیشه باید این مطلب را بیاد داشته باشند و رهنمای عمل خویش قرار دهند. ما همه باید بدانیم که برای افغانستان انقلابی موجودیت اهالی که اکثریت شان بیسواد هستند و ستمگران و فیودالان و سران و سرداران و سلطنت پرستان و نوکران شان آنانرا در شناخت دوست و دشمن واقعی افغانستان فریب می دهند، چه اهمیت دارد. باید در مبارزه علیه شعارهای ضد شوروی که در میان بعضی از بخش‌های اهالی کشور از جانب دشمنان پخش می گردد از خود قاطعیت عالی و هشیاری حزبی نشان داد.

کشور ما حاکمیت ملی و حقوقی، غرور و روح آزاد و آزادی خواهی خود را حفظ کرده و میکند. برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیک افغانستان از جانب ۸۰ کشور جهان اثبات کننده این امر است.

من این حقایق روشن و آشکار را برای آن نمی گویم که گویا کسی از شما آنرا نمیداند بلکه برای آن تذکر میدهم که این حقایق بشکل غیرقناعت بخشی در محلات، در بین مردم انعکاس می‌یابد. ما تبلیغات رزمجویانه انقلابی نیروهای محرکه انقلاب را براه نیانداخته ایم و بعضی از قشرهای اهالی همیشه درست درک نمی کنند که دوست ما کی و دشمن ما کیست؟ باید تمام حزب در زمینه برخورد خود با مردم و تبلیغات، از تمام وسایل ممکنه در جهت تفهیم این مطلب که دوستان افغانستان مستقل و آزاد کیانند و دشمنان آن کیانند، استفاده کنند. این مطلب را باید با دلایل روشن و مستدل و با تواضع و فروتنی با منطق ساده و با دلایل روشن به مردم توضیح دهید. این نه تنها وظیفه جدی مبرم روز ما است. بلکه عامل نیرومند و تعیین کننده در ایجاد جامعه نوین در کشور ماست.

رفقا!

چندی بعد جشن بزرگ یازدهم جدی، بیستمین سالگرد تأسیس حزب ماست. ما این سالگرد پر افتخار را در شرایط دشواری استقبال می‌کنیم. ما به اهداف اولیه خود که حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای آن تأسیس شده بود یعنی حاکمیت خلق رسیده ایم. ما آخرین رژیم استعمارگر سلطنتی را در تاریخ وطن خود برای ابد سرنگون ساختیم و راه آینده تابناک و پر سعادت کشور، راه محو کامل استعمار فرد از فرد را گشودیم. این راه یگانه راه مطمئن و درست تکامل ملی و دموکراتیک است. ما در این راه بطور قطعی و برگشت ناپذیر قرار گرفته ایم و باز هم در جهت تحولات بزرگ اجتماعی به پیش می‌رویم.

بیستمین سالگرد ح.د.خ.ا چنانچه در سند کمیته مرکزی حزب به این مناسبت خاطر نشان می‌گردد، نه تنها جشن همه مردم بلکه روز بررسی و برخورد جدی انتقادی، استخراج درس‌های بزرگ انقلابی و گرفتن نتایج حاصله از راه‌های پریچ و خم، از نشیب‌ها و فرازها، از ناکامی‌ها و پیروزی‌های سترگی که در جزء پروسه انقلاب‌های جهان عموماً و در عرصه ملی بصورت خاصی سپری نموده ایم، خواهد بود. ما در این سالروز پرشکوه در دهه حزب خود نقایص و کمبودی‌های خود را ارزیابی می‌کنیم و از آن می‌آموزیم. ما ضعف‌ها و اشتباهات خود را ماست مالی نخواهیم کرد بلکه با صرف همه انرژی برای رفع آن کار می‌کنیم و از تکرار آن احتراز می‌جوئیم.

رفقا!

بررسی مسئله مربوط به ارتقای نقش و مسئولیت کمیته‌های حزبی در این پلینوم باید افق‌های نوین خوشبینی‌ها و شور و شوق انقلابی نوین را در برابر همه حزب باز کند. در ماهیت امر اصل مسئله اینست که حل مسایل و اجرای وظایف حزبی واقعاً باید همه حزب، همه نیرو و حلقات آنرا در بر گیرد.

بگذار این چهاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا به انگیزه نیرومند برای بسیج حزب و مردم برای قهرمانی‌های بزرگ حماسه‌ترین و برای استقبال شایسته از بیستمین سالگرد حزب مبدل گردد.

زنده باد وحدت حزب و خلق افتخار به قوای مسلح ج.د.ا تحت رهبری عام وتام ح.د.خ.ا!

زنده باد حزب ما (حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان افغانستان)!

زنده باد خلق! زنده باد وطن واحد مان افغانستان محبوب و انقلابی و نوین!

زنده باد انقلاب!

رفقا همه فشرده دست بدست هم با سرود ظفرآفرین انقلابی در راه رشد و تکامل

حزب ما به مرا حل عالی حزب طراز نوین طبقه کارگر به پیش!

مصوبه پلینوم چهاردهم کمیته مرکزی ح.د.خ. لایحه:

«التماسی نقش کمیته با وسائلی حزبی و مسئولیت آنها بخاطر بهبود وضع امور در محلات»

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا خاطر نشانه می‌سازد که ارگان‌های حزبی و دولتی چه در مرکز و چه در محلات با تعمیم مصوبات پلینوم‌های دوازدهم و سیزدهم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا اکنون به صورت فعالتر و مشخص‌تر کار می‌نمایند و به حل مسایل مربوط به عادی شدن اوضاع در کشور توجه بیشتر مبذول میدارند.

علی‌الرغم تلاش‌های ارتجاع داخلی و بین‌المللی که سعی می‌ورزند رنج‌ها و آلام جدیدی را بر مردم ما تحمیل نمایند، حزب و حاکمیت انقلابی با اطمینان و جدیت مشی حل و فصل مسایل اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و استقرار صلح پایدار وطنی را در کشور به پیش می‌برند. وضع نظامی - سیاسی با تفوق هر چه بیشتر ستراتیژیک نیروهای انقلاب نسبت به ضدانقلاب ارزیابی می‌گردد که در آخرین تحلیل ناگزیر به شکست کامل و قطعی ضدانقلاب می‌انجامد.

نقش رهبری کننده ح.د.خ.ا در دولت و جامعه بلاانحراف ارتقا نموده و صفوف آن تحکیم توسعه می‌یابد. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی تجارب معین کارسازمانی و سیاسی را اندوخته‌اند و مسایل مبرم زندگی و لایات، شهرها، ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها و کلکتیف‌های زحمتکشان را بصورت بهتر حل می‌نمایند. نفوذ و تأثیر ارگان‌های حزبی که مردم در وجود آنها نیروی واقعی سیاسی، مدافع منافع زحمتکشان را می‌بیند، پیوسته افزایش کسب مینماید. حزب و حاکمیت انقلابی به مسایل مبارزه علیه ضدانقلاب، تقویت نیروهای مسلح، جدیت کار ارگان‌های سیاسی آنها، کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، رشد و تقویت دفاع خودی و محلی و گسترش روابط قوای مسلح با مردم توجه درجه یک معطوف میدارند. توأم با این مطلب پلینوم توجه کلیه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی ح.د.خ.ا تمام اعضای حزب را به ناکافی بودن مساعی اتخاذ شده جلب می‌نمایند. برخی از کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی کار سازمانی و سیاسی را در میان توده‌های وسیع مردم بطور ضعیف پیش می‌برند و تدابیر لازم جهت بسیج آنها در حل و فصل مسایلی که در برابر و طن قرار دارد ناکافی است. ارگان‌های سیاسی، کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی قوای

مسلح در فعالیت خویش پیگیری و جدیت لازم را در امر ارتقای نقش پیشاهنگی اعضای اصلی و آزمایشی حزب، گسترش و تعمیق نفوذ و تأثیر آنها بر منسوبین اردو، بخرچ نمیدهد.

پلینوم متذکر میشود در فعالیت کمیته‌های حزبی اکثر مسایل مبرم و مهمی که تعیین کننده وضع در محلات میباشد، مدنظر گرفته نمیشود. در اکثر کمیته‌ها و در سازمان‌های حزبی نظم درست و لازم در کنترل سازماندهی اجرای فیصله‌های حزب و حکومت و مصوبات خودشان برقرار نمیشود. در زمینه کار با اعضای آزمایشی حزب و گروه‌های علاقه‌مندان ارتقای مؤثریت آموزش حزبی و پختگی ایدیولوژیک کادرها کماکان توجه کم مبذول میگردد.

اکثر سازمان‌های حزبی ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه داری‌ها هنوز هم دارای کمیت محدود بوده و بر وضع امور در محلات تأثیرات لازم نمی‌بخشند. رشد، گسترش و افزایش شبکه‌های سازمان‌های اولیه حزبی خاصاً سازمان‌های محلزیست زحمتکشان و قبل از همه در قرا بطی است.

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا تصویب میدارد:

احکام و نتیجه گیری‌های مندرج بیانیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا تائید است و مورد اجرای بدون قید و شرط قرار گیرد.

سیاست داخلی و خارجی که از جانب بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و حکومت انقلابی ج.د.ا پیش برده میشود، تائید است. از پیشنهادات صلح آمیز ج.د.ا در جهت تأمین عادی شدن سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و کاهش تشنج در منطقه و جهان پیشتیبانی صورت گیرد.

توجه و مساعی کلیه کمیته‌ها و سازمان‌های ح.د.خ.ا تمام اعضای حزب به امر توسعه و تحکیم مواضع حزب و حاکمیت انقلابی در بین توده‌های مردم و جلب هرچه وسیع‌تر آنان در امر رشد و تکامل انقلاب ثور و دفاع از آن متمرکز گردد. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید توسعه و تحکیم قدرت انقلابی را در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها باتدابیر و اقدامات سازمانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأمین نمایند. ارگان‌های حزبی باید جریان اجرای پلان‌های کمپلکس

استقرار و توسعه قدرت انقلابی مردمی در محلات را در مرکز توجه و تحت کنترل جدی و دایمی خویش قرار دهند و آنرا بمثابه مسأله پراهمیت و درجه یک محسوب نمایند. بدین منظور به کار قرارگاه‌های هماهنگی مساعدت همه جانبه مبذول گردد، سطح تقاضا و مطالبات به خاطر اجرای کامل و بدون قید و شرط فیصله‌ها و تصامیم آنها از جانب کلیه ارگان‌های محلی دولتی و آمرین شان افزایش یابد.

از آنجائیکه مواظبت دایمی نسبت به زحمتکشان ماهیت انقلاب ما را تشکیل میدهد کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی مسایل تولید، اقتصاد، تأمینات، ترانسپورت مسایل توزیع درست و عادلانه زمین، آب، تخم‌های بذری، کود، کریدت‌ها و قروض، کار مکاتب، شفاخانه‌ها، کتابخانه‌ها، کورس‌های امحای بیسوادی و سایر مسایلی را که برای زحمتکشان مهم است، مورد توجه دایمی قرار دهند. این مسایل بصورت منظم در جلسات کمیته‌های حزبی و بیرونی‌های اجرایی آنها و در جلسات حزبی مورد بحث قرارگیرد و باید در حل آنها سعی جدی بعمل آید.

کمیته‌های حزبی، ارگان‌های سیاسی قوای مسلح و سازمان‌های حزبی، همه اعضا و علاقمندان حزب باید بوسیله حرف و عمل اهداف عالی حزب و حاکمیت انقلابی را تبلیغ نمایند.

فعالیت سیاسی و سازماندهی کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید در جهت جلب زحمتکشان در امر تحقق سیاست حزب و حاکمیت انقلابی در هر ولایت، ولسوالی، علاقه‌مداری وقریه، ایجاد، دفاع خودی محلی، حفظ نظم در محلات و تأمین شرایط آرام و صلح آمیز زندگی اهالی سوق یابد و ارگان‌های سیاسی، کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی قوای مسلح، کارمندان سیاسی، قوماندانان قطعات و جزوات‌ها کار در جهت تحکیم انضباط ارتقاء روحیه رزمی قطعات، آبدیدگی مورال سیاسی، پایداری و قابلیت محاروبی افراد را بهبود و تشدید بخشند. نقش و اهمیت سازمان‌ها و گروپ‌های حزبی در بلوک‌ها، تولی‌ها، کندک‌ها و لواها و تأثیرشان بر افراد ارتقاء داده شود.

رابطه زنده سازمان‌های محلی حزبی و سازمان‌های حزبی قوای مسلح را تأمین نموده سعی بعمل آید تا در هر جایی که قطعات و ارگان‌های اردو، خارندوی و خاد

موجود اند، فضای وحدت و اعتماد تفاهم و همکاری متقابل، دوستی و صمیمیت بین اعضای حزب تقویت یابد، به مسئله جلب و احضار خصلت جنبش وطن پرستانه همه مردمی داده شود، افراد تحت جلب مورد توجه، مواظبت و محبت قرار گیرند. در مراکز جلب و احضار شرایط مساعد بوجود آورده شود و به کار کمیساری‌های نظامی کمک همه جانبه صورت گیرد.

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا به تحکیم ح.د.خ.ا بمثابه نیروی رهبری کننده جامعه و دولت اهمیت بس مهم قایل بوده، توجه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی را به ضرورت تأمین رشد و افزایش هر چه بیشتر صفوف حزب بحساب پذیرش بهترین نمایندگان زحمتکشان و همه و طنپرستان واقعی که بخاطر ترقی وطن میرز مند، جلب مینماید، در سازمان‌های دارای کمیت محدود به امر توسعه پذیرش به حزب توجه خاص صورت گیرد.گروپ علاقمندان خاصاً در سازمان‌های حزبی جدید ایجاد میگردند، از دیاد یابد.

با در نظر داشت اینکه رابطه حزب با توده‌های وسیع زحمتکشان ده عمدتاً از طریق سازمان‌های حزبی ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها تأمین میگردد، بناء باید به امر رشد گسترش و تحکیم این سازمان‌ها توجه جدی صورت گیرد.

کمیته‌های حزبی ولایتی، شهری، ناحیوی، ولسوالی و علاقهداری باید تدابیر مشخص و عملی جهت توسعه شبکه سازمان‌های اولیه حزبی قبل از همه در قرا و قصبات برای زحمتکشان ده و بخصوص دهقانان و نظر به محل زیست برای سایر کتگوری‌های زحمتکشان در گروه‌های ملیشه‌ها و سایر تشکیلاتی مسلح منطقوی اتخاذ نمایند.

سطح رهبری سازمان‌های اولیه حزبی ارتقا یابد و اشتراک و فعالیت شان در کلیه تدابیر و اقدامات حزب و حاکمیت انقلابی تأمین گردد.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی کار در زمینه آموزش عمیق اساسات تیوری علمی انقلابی را توسط اعضای اصلی و آزمایشی حزب، ارتقای سطح آگاهی سیاسی اعضای حزب، استفاده اصولی و درست از تجارب مبارزات انقلابی احزاب برادر را تقویت بخشند.

سعی بعمل آید تا وحدت ارگانیک و خلل ناپذیر حزب، رعایت جدی انضباط حزبی، تقاضای عالی از اعضای حزب و مسئولیت آنها از اجرای وظایف حزبی، دساتیر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، تصامیم کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی به قانون جدی و خدشه‌ناپذیر زندگی حزبی قرار گیرد. و کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید به زندگی و فعالیت سازمان‌های وسیع اجتماعی و جبهه ملی پروطن توجه بیشتر مبذول دارند و کار در جهت بذل مساعدت و همکاری به آنها را در امر توسعه و تحکیم شان بمثابه مهمترین امر بررسی نمایند، زیرا جلب توده‌های زحمتکش به امر دگرگونی‌های انقلابی افغانستان عمده‌تاً از طریق آنها صورت می‌گیرد. کار اعضای حزب در سازمان‌های وسیع اجتماعی و جبهه ملی پروطن بمثابه مهمترین وظیفه حزبی ارزیابی شود.

پلینوم به مسئله تحقق سیاست اصولی در مورد کادرها اهمیت خاصی قایل بوده کلیه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی را موظف می‌سازد تا خصایص عملی و سیاسی کارمندان را عمیقاً مطالعه نموده، آنها را در فعالیت عملی مورد آزمایش قرار دهند. در مورد رشد ایدیولوژیک سیاسی و کاردانی آنها هرچه بیشتر توجه نمایند، کادرها را با علاقمندی، دقت و تقاضامندی رشد دهند، علیه تلاشها جهت پیش کشیدن و ارزیابی کادرها نه نظر به خدمات و کار وی بلکه نظر به علایم وفاداری بشخص خود و یا نظر به تصورات ذهنی گرایانه قبیلوی، سمتی، خانوادگی و غیره مبارزه آشتی ناپذیر، جدی، پیگیر و اصولی نمایند.

کمیته‌های حزبی و کارمندان دستگاه حزب باید کار دقیق و منظم کلیه اعضای حزب را در جهت حل وظایف محوله سازمان دهند، زندگی و فعالیت کلیه ارگان‌های حزبی، سازمان‌های اجتماعی، دولتی و اقتصادی را عمیقاً مطالعه نموده و آنرا خوب بدانند، تجربه پیشرو کار را تعمیم، پخش و بکار بندند، از اجرای فیصله‌ها و تصامیم حزب و حکومت کنترل بعمل آورده و آنها را در عمل تحقق بخشند.

شورای وزیران ج.د.ا، وزارت‌ها و ادارات، شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حل مسایل در محلات توجه هرچه بیشتر مبذول دارند و هرچه فعالیت و ثمربخش‌تر بر اوضاع به نفع انقلاب و زحمتکشان تا ثیر وارد نمایند.

تقاضا و مراجعه ارگان‌های محلی حزبی و دولتی باید با علاقمندی و جدیت، دلسوزانه و بموقع مورد بحث و بررسی قرار گیرد، در زمینه تدابیر لازم اتخاذ و عملی گردد و از جریان آن بطور دایمی و جدی کنترل صورت گیرد. آمرین وزارت‌ها و ادارات و کمیته‌های حزبی آنها باید مسئولیت کارمندان دستگاه دولتی را بخاطر تحقق این امر بالا ببرند.

کمیته‌های حزبی باید تقاضا را نسبت به کادرهای رهبری ارگان‌های دولتی و اقتصادی بخاطر اجرای بلاقید و شرط پلان‌ها و وظایف، استفاده کامل از قدرت تولید، وسایل ترانسپورتی و ذخایر مادی، ارتقا دهند.

کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی نقش و مسئولیت خود را بخاطر بهبود وضع امور در محلات پیوسته ارتقا دهند، بطور فعال، قاطع و شجاعانه هرچه زودتر به عادی شدن اوضاع و بهبود وضع زحمت کشان نایل گردند.

پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ. اطمینان راسخ دارد که حزب و مردم باز هم هر چه فشرده تر صفوف خود را بدور کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا یکپارچه ساخته تمام مساعی خویش را بخاطر تعمیل فیصله‌ها و تصامیم پلینوم بخرج میدهند. منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

ببرک کارمل

پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، درباره

«تشیدکار حزب در پیشبرد توده‌های مردم و ارتقای سطح فعالیت آن‌ها در دفاع از وطن و انقلاب»

۲۹ حوت سال ۱۳۶۳

رفقا!

مشخصه مدت زمان بعد از چهاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا را قبل از همه آماده‌گی و تجلیل از بیستمین سالگرد حزب ما تشکیل میدهد. این حادثه به انگیز فنوین و تکان‌دهنده برای تحکیم یک پارچگی و بسیج نیروهای حزبی و همه وطنپرستان در جهت تکامل انقلاب و دفاع از آن مبدل گردید.

تجلیل از بیستمین سالگرد حزب دموکراتیک خلق افغانستان نشان داد:

- که حزب ما نسبت به هروقت دیگر بیشتر توده‌یی، یکپارچه و سازمان یافته گردیده است.

- که اتوریته و اعتبار حزب ما به مثابه پیشاهنگ سیاسی شناخته شده جامعه به طور بلاوقفه افزایش یافته، نقش رهبری کننده آن در دولت ارتقاء حاصل کرده و ارتباط آن با توده‌های وسیع مردم توسعه و تحکیم مییابد.

- که حزب ما و افغانستان انقلابی موضع محکم بین‌المللی دارد، همبستگی انترناسیونالیستی با افغانستان دایماً رشد می‌یابد و تعداد دوستان ما در خارج علی‌الرغم تلاش‌های دشمنان طبقاتی ما، امپریالیزم و ارتجاع افزایش حاصل می‌کند. همه اینها برای ما احساس برحق غرور را به خاطر انقلاب ملی - دموکراتیک پیروزمند در افغانستان بوجود می‌آورد و نیروی ما را، اراده و تصمیم خلل ناپذیر ما را برای رشد و تکامل و دفاع از وطن و انقلاب تقویت می‌بخشد.

در سه پلینوم قبلی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا جوانب مختلف فعالیت ارگان‌های حزبی و دولتی در امر تحکیم قوای مسلح، تقویت و تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب، بهبود کار حزب و دولت در امر جلب توده‌ها به طرف انقلاب و در دفاع از وطن و انقلاب، ارتقای سطح فعالیت ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات، مورد بررسی قرار گرفت.

پلان‌های مشخص تدابیر به منظور تحقق تصامیم اتخاذ شده، طرح و ترتیب گردید که تا حد معینی امکان داد تا مساعی ارگان‌های حزبی و دولتی، سازمان‌های اجتماعی متحد و هماهنگ گردد. تمام کارهای ما مؤثرتر گشت و خصوصیت بیشتر پلان شده و منظم کسب نموده و هدفمندی آن ارتقاء یافت. بدین ترتیب نتایج مشخصی بدست آمده است.

قبل از همه این نتایج در مسأله مهمی چون توسعه و تحکیم حاکمیت دولتی در محلات تبارز می‌کند. در جریان سال ۱۳۶۳ در عده‌یی از ولسوالی‌ها و علاقهداری‌ها ارگان‌های حاکمیت مستقر و در عده دیگر حاکمیت دولتی توسعه یافته است. تعداد زیاد قریه‌ها از تسلط باندهای ضدانقلاب آزاد شده است. توسعه و تحکیم دایمی حاکمیت دولتی تأثیر نیرومندی بالای عقول و قلوب انسان‌ها وارد مینماید. ضدانقلاب هر چه بیشتر محیط تأمین و زیست خود را از دست داده و از لحاظ اجتماعی تجرید می‌گردد. انسان‌ها با دیدن بیهودگی فعالیت خونین و ننگین ضدانقلاب از آن روی بر می‌گردانند. در جریان این سال ده‌ها باند و صدها تن از فریب‌خورده‌ها یا به حاکمیت انقلابی پیوستند و یا سلاح بز مین گذاشته، فعالیت مسلحانه علیه دولت را قطع کردند.

تحکیم و تقویت قوای مسلح ما و افزایش مؤثریت فعالیت جنگی آن ادامه دارد: در سال ۱۳۶۳ اردوی ما عملیات‌های فراوان نظامی را انجام داده است و نیروهای خارتندی طی عملیات‌های متعدد حملات باندهای ضدانقلاب را دفع کرده است. مؤثریت و نتایج فعالیت خدمات اطلاعات دولتی افزایش قابل توجه یافته است. همه اینها امکان داد تا پلان‌های شوم ضدانقلاب در جهت تشدید تشنج اوضاع در کشور برهم بخورد.

نتایج معین مثبت در حل و فصل پروبلم‌های اجتماعی - اقتصادی نیز بدست آمده

است. پلان سال ۱۳۶۳ به ملاحظه شاخص‌های اساسی تحقق یافته است. برای نخستین بار بعد از انقلاب پلان سال ۱۳۶۳ در بخش محصول ناخالص ملی و درآمد ملی اجرا شده است. حجم تولید صنعتی در ظرف یکسال ۶،۴ فیصد افزایش یافته و از سطح قبل از انقلاب به اندازه ۵ فیصد بیشتر گردیده است. زراعت از ثبات و استقرار برخوردار است و در سال جاری توانست مردم ما را از لحاظ مواد اساسی غذایی تأمین کند. ساختمان، ترانسپورت و مخابرات رشد بیشتر یافت. نتایج سال ۱۳۶۳ به وضاحت نشان میدهد که ضدانقلاب مسلح و بادران خارجی آن مطابق به نقشه‌های پلیدی که داشتند به هدف‌های خائنانه خود یعنی برهم زدن اقتصاد، ایجاد ویرانی، قحطی و گرسنگی نایل نگردیدند. اقتصاد ما در نتیجه مساعی حزب، حاکمیت انقلابی و میلیون‌ها زحمتکش افغان آزمایش تحمیل شده را در سال جاری از سر گذراند و ما در نظر داریم در سال آینده گام‌های نوینی را در جهت اجرای وظایف اجتماعی - اقتصادی برداریم.

اما، اگر به آنچه که بدست آمده است، راضی میشدیم، انقلابیون واقعی نمی بودیم. ما بروشنی درک می‌کنیم و اذعان میداریم که هنوز در آغاز راه قرار داریم. مردم از ما انتظار دارند تا شرایط کامل کار و زندگی صلح آمیز را برای آنان فراهم کنیم.

در ارزیابی اوضاع موجود انقلابی و جنگ اعلام نشده ارتجاع و امپریالیزم علیه کشور ما باید با حد اعلای احساس مسئولیت و مطالبات جدی، دسپلین انقلابی و همبستگی و تعقیب اصل کنترل در تمام سطوح کار برخورد نماییم. اینها نقاط ضعف ماست که تاکنون علی‌الرغم جدی گرفتن آن از طرف رهبری حزبی و دولتی با آن برخورد قاطع صورت نگرفته است. اما در پلینوم‌های قبلی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و همچنان در مراسم تجلیل از بیستمین سالگرد حزب بر ضرورت تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب و استقرار و تحکیم حاکمیت انقلابی و تسریع تحولات اجتماعی - اقتصادی تأکید جدی بعمل آوردیم.

باید با صراحت گفت که در اجرای تصامیم اتخاذ شده و پلان‌های مطروحه نارسایی‌ها و نواقصی وجود دارد. چرخش لازم در مبارزه به خاطر عادی ساختن اوضاع در کشور هنوز هم به میان نیامده است، و تا حد قاطعی این وضع ناشی از آنست که توده‌های وسیع مردم تا هنوز در امر تکامل انقلاب و دفاع از آن جلب

نشده اند. ما هنوز مبارزه به خاطر توده‌ها را به پیروزی قطعی نرسانده ایم. ما باید به طور عاجل و فوری تدابیری را جهت تقویت و تشدید کار حزبی در بین توده‌ها اتخاذ نماییم و توجه همه ارگان‌های حاکمیت دولتی، تمام سازمان‌های اجتماعی را به این مهمترین مسأله جداً افزایش بخشیم. ارتقای سطح فعالیت سیاسی توده‌ها باید حتماً تأمین گردد. ما باید امکانات و شرایط را برای اشتراك توده‌های وسیع در مبارزه علیه ضدانقلاب مسلح مهیا سازیم و توسعه بدهیم. این امر شکست و سرکوب قطعی ضدانقلاب را تأمین می‌کند. تضمین بنیادی پیروزی نهایی انقلاب ما در این امر نهفته است. به همین سبب نیز بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا در پانزدهمین پلینوم نوبتی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، مسأله «تشدید کار حزبی در بین توده‌های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب» را جهت بررسی مطرح می‌سازد.

رفقا!

حزب ما مفهوم و هدف فعالیت خود را در آن می‌بیند که شرایط زندگی مردم را بهبود بخشد و تمام زحمتکشان افغان به مفهوم واقعی و راستین و کامل کلمه به صاحبان واقعی سرنوشت خود و کشور خود نایل شوند. تنها در صورت اشتراك وسیع، فعال و مستقیم خود توده‌های مردم می‌توان به این هدف نایل شد.

کار حزب در بین توده‌ها باید در جهت تحريك فعالیت اجتماعی - سیاسی آنان و در جهت این امر سوق یابد که مردم ما مفهوم حوادث جاری را درست درک کنند، آگاهی انتخاب خود را به نفع صلح و کار پرثمر و پرسعادت در سرزمین خود و به نفع حاکمیت انقلابی خود که این شرایط را مهیا می‌سازد، ارتقا بخشند و این پروسه به صورت پیگیر ادامه داشته باشد.

حزب ما در جریان سال‌های اخیر و مخصوصاً بعد از کنفرانس سراسری حزب توجه هرچه بیشتر را به تقویت کار سیاسی و سازمانی در بین توده‌ها، بهبود و تکمیل اشکال و میتودهای آن و تثبیت و تکامل نتایج حاصله معطوف میدارد. کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، فعالیت همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و تمام اعضای حزب را در این جهت سوق میدهد، ما عقیده داریم که تقویت و تشدید کار سیاسی و سازمانی در بین توده‌ها کار موقتی نه، بلکه دایمی است و ضمناً مهمترین جهت

کار حزب را تشکیل میدهد.

واقعاً کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی با هدفمندی بیشتر و به طور فعالتر به مسایل کارتودهی سیاسی می‌پردازند. اکنون ارگان‌ها و وسایل اطلاعات جمعی و اقلیت سیاست حزب و حاکمیت انقلابی را مشخص تر و به طور قابل فهم به توده‌ها توضیح میدهند. اشکال و میتودهای کار توده‌یی - سیاسی تا حدودی متنوع تر و مؤثرتر شده است. همه اینها امکان داد تا نتایج معین مثبت در تحرک و فعالیت سیاسی توده‌ها و جلب آنان به طرف انقلاب حاصل گردد. به طور مثال پذیرش زحمتکشان به حزب و سازمان‌های اجتماعی به طور دائمی و پایدار افزایش می‌یابد. ح.د.خ.ا در جریان سال ۱۳۶۳ بیش از سی هزار تن را به عضویت آزمایشی پذیرفت و اکنون در صفوف حزب بیش از ۱۳۰ هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارد. تعداد اعضای اتحادیه‌های صنفی بیش از ۲۰۰ هزار تن، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بیش از ۱۵۰ هزار تن، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در حدود ۴۰ هزار تن و تعداد اعضای جبهه ملی پدروطن از ۷۰۰ هزار تن متجاوز است.

زحمتکشان، باشندگان شهرها و قریه‌ها هرچه بیشتر و وسیعتر به گروه‌های مدافعین انقلاب، دفاع خودی و سایر نیروهای مسلح ملکی می‌پیوندند و در تحکیم حاکمیت در محلات مربوط در دفاع از نظم انقلابی، تأمین شرایط عادی و آرام زندگی و کار اشتراک می‌ورزند.

این امر نیز مهم است که فعالیت و علاقمندی زحمتکشان در اجرای تدابیر اجتماعی - اقتصادی، در رشد تولید، در برآه انداختن حشرها به خاطر بازسازی و ساختمان مکاتب، شفاخانه‌ها، مساجد، تأسیسات و تجهیزات آبیاری و انرژی، سربندها، پل‌ها و غیره و افزایش می‌یابد. کار اجرای اصلاحات ارضی - آب به طور قابل ملاحظه اعتلا یافته است. ما درینجا نیز دموکراتیزه شدن این کار، توسعه اشتراک خود دهقانان در آن از طریق شوراهای دهقانی و مساعدت به این اصلاحات را به مثابه نکته بسیار مهم و نوین خاطر نشان می‌سازیم. همچنان این کار امریست که امروز در آن صدها هزار انسان اشتراک می‌ورزند.

اما در باره جنبش ملی امحای بیسوادی؛ در حال حاضر در کشور ۲۰ هزار کورس

فعال است، که در آنها ۳۸۰ هزار نفر سواد می‌آموزند. در مجموع بعد از انقلاب یک میلیون و یکصد هزار نفر باسواد شده‌اند. ما در آینده نیز امر نجیبانه امحای بیسوادی در کشور را به طور ثابت و پیگیر توسعه بخشیده و آنرا ادامه می‌دهیم و به انجام موفقانه آن تا اخیر اطمینان داریم.

بدین ترتیب انقلاب ثور بخصوص مرحله نوین آن واقعاً توده‌های وسیع مردم را به جنبش در آورد و به آگاهی و فعالیت سیاسی آنان و همچنان جلب آنان به اشتراک و در تکامل انقلاب، و دفاع از آن تکان نیرومند داد که طی ده‌ها سال عادی زندگی نمی‌توانست بدین سطح نایل آیند.

ولی ما آنچه را که بدست آمده است بیش از حدود آن خوشبینانه ارزیابی نمی‌کنیم و اذعان می‌داریم که کارهای انقلابی ما طور لازم و در حدود امکاناتی که موجود است به پیش نمی‌رود و فراموش نمی‌کنیم که:

- مبارزه به خاطر جلب توده‌ها را صرف ما به پیش نمی‌بریم. دشمنان طبقاتی ما امپریالیزم، ارتجاع، فئودال‌ها، بیروکرات‌های دوران سلطنت و کمپرادورهای سرنگون شده در کشور تلاش می‌ورزند که توده‌های مردم را به هر قیمتی و با توسل به همه وسایل ردیالنه و خایانه به جانب خود بکشانند. آنها با استفاده از باندهای ضدانقلابی که خود ایجاد کرده‌اند به ترور و زورگویی در برابر انسان‌های ساده و مومن متوسل می‌گردند، خون انسان‌های بیگناه را می‌ریزند و بی‌رحمی را همراه با دروغ و فریب بکار می‌برند. و هنوز هم هستند کسانی که در اردوگاه آنها قرار دارند. ما وظیفه داریم که این انسان‌ها را از تحت تأثیر ضدانقلاب نجات دهیم. حتماً ما به این امر نایل می‌گردیم، زیرا حقیقت و عدالت به طرف ماست. گمراهی اکثریت قاطع آنان موقتی است. اما مساعی جدی، پیگیر و هدفمند از جانب ما لازم است تا این هدف حاصل گردد.

بخشی از اهالی هنوز مزایای زندگی نوین انقلابی را طور شاید و باید درک نکرده‌اند. هنوز آن‌ها از ستم باندهای ضدانقلاب با اشکال گوناگون رنج می‌برند، در بعضی محلات تا هنوز باندهای ضدانقلاب با زور و ظلم جوانان را مجبور به شامل شدن در صفوف خود و اهالی را مجبور به تغذیه و نگهداری این باندها می‌سازند.

باید صریحاً گفت که حاکمیت انقلابی در برابر این بخش اهالی همه مساعی لازم

را که باید انجام میداد هنوز انجام نداده است. اما باید هر چه نیرومندتر از این بخش اهالی در برابر باندهای تروریست صادر شده از خارج، دفاع کنیم ما هنوز حقیقت در باره اهداف عالی و نجیبانه حزب، انقلاب و حاکمیت انقلابی را به گوش آن بخش اهالی نرسانده ایم. ما تا هنوز نتوانسته ایم آنان را کاملاً برای مبارزه علیه دشمنان طبقاتی شان، برای اشتراك در اعمار زندگی نوین متشکل سازیم. و روشن است که این ساحات و باشندگان آن باید مورد توجه خاص حزب و حاکمیت انقلابی قرار گیرند. اگر فوراً به کار جدی انقلابی در این مناطق کشور پرداخته نشود، از این کمبودی دشمن طبقاتی ما استفاده کرده و همه اقدامات ممکن را برای تشدید ستم و فشار بر آنها انجام میدهد.

بالاخره ما در آن مناطقی که دشمن نمی تواند موانع جدی را ایجاد کند نیز کمبودی‌ها و نارسایی‌های جدی در کار با مردم داریم که بر عدم کفایت و شایستگی کار سازمان‌های حزبی در بین توده‌ها دلالت می کند. تحلیل و ارزیابی کار حزب در بین توده‌ها نشان میدهد:

ارگان‌های حزبی و دولتی، سازمان‌های اجتماعی، بسیاری از اعضای حزب تا هنوز هم به کار متداوم، پیگیر و جدی در بین توده‌ها کم بها داده اکثراً به نیامندی‌ها و خواست‌های روزمره زحمتکشان با بی علاقه‌گی و به طور سطحی برخورد نموده و کار برای حل و فصل مسایلی را که می توانند و باید در محلات به نفع زحمتکشان اجرا نمایند سازمان نمی دهند. ما با این شیوه، پشتیبانی توده‌ها را از انقلاب و حاکمیت انقلابی توسعه نه بخشیده، بلکه برعکس توده‌ها را از خود دور می سازیم.

در کار میان توده‌ها هنوز هم شکل‌گرایی، سروصداهای سیاسی، لاف زنی و پرحرفی بیهوده زیاد وجود دارد. هنوز وحدت لازم و ضرور کار سیاسی و سازمانی در بین توده‌ها وجود ندارد. شعارها و تدابیر سیاسی با بسیج توده‌ها برای حل و فصل پرابلم‌های مشخص و مبرم، مانند ایجاد دفاع خودی در محل، تحکیم و توسعه حاکمیت دولتی، ترمیم و بازسازی پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی و غیره تقویت و تثبیت نمی گردد.

- بهبودی بیشتر و زیادتر در سازماندهی کارتوده‌یی - سیاسی نیز خواست جدی

است. اشکال و میثودهای مورد استفاده معمولاً یکنواخت و بیروح اند. زحمتکشان و اهالی در باره اهداف حزب و حاکمیت انقلابی، در باره تدابیری که به منظور حصول این اهداف و بهبود شرایط زندگی مردم و مبارزه علیه ضد انقلاب مسلم اتخاذ می گردد، اطلاعات و معلومات کم دارند. آنان مقام و سهم خود را در تمام این تدابیر به خوبی، بدستی و دقت درک نمی کنند. خصوصیات اقشار و گروه‌های مختلف اهالی کاملاً و به خوبی مدنظر گرفته نمی شود. اشکال قابل فهم کار برای توده‌ها، مدنظر گرفتن سنن و خصوصیات محلی هنوز کفایت نمی کند. با کادرهای تبلیغ و ترویج، مبلغین، لکچر دهندگان، معلمان علوم اجتماعی کار کافی صورت نمی گیرد. به جلب افراد ریش سفید و صاحبان اعتبار و نفوذ، علما و روحانیون در محلات، به کار توضیحی در بین اهالی توجه کمتر معطوف می شود.

به فکر من همه این مطالب و بسیاری مسایل دیگر مربوط به بهبود و تکمیل کار تبلیغی و ترویجی، ارتقای آن به سطح مطالبات اوضاع باید در سیمینار سراسری ایدیولوژیک که در آینده قریب دایر خواهد شد، به طور وسیع، همه جانبه و مشخص مورد ارزیابی و بررسی قرار داده شود.

اجازه دهید اکنون به وظایف اساسی در عرصه بهبودی کار حزب در بین توده‌ها بپردازیم.

قبل از همه کار توده‌یی - سیاسی خود به خود پیش نمی رود و تحقق نمی پذیرد. این کار را نمی توان از وضع عمومی حزب حاکم و حاکمیت انقلابی جدا ساخت. کار توده‌یی - سیاسی تنها در آن صورت می تواند موفق و مؤثر باشد و به هدف برسد که حزب و حاکمیت انقلابی با رسالت عالی ملی تاریخی خویش مطابقت داشته باشند. به عبارت دیگر حزب نباید فاصله و گسست میان حرف و عمل را اجازه دهد. اعضای حزب باید نمونه و مثال دسپلین پذیری، سازمان پذیری، فداکاری، دقت در کار و فروتنی در زندگی باشند. ارگان‌های حاکمیت دولتی باید به طور مطمئن و استوار عمل کنند. فعالیت آنان باید به طور عام و تام، تابع منافع انقلاب، حزب و خلق، تابع اصل وطن پرستی و انترناسیونالیستی باشد. زحمتکشان باید نزدیکی حزب و دولت، مواظبت و توجه آنها را ببینند و احساس نمایند و در عمل معتقد شوند که حزب، حزب خودشان و دولت، دولت خودشان است. در آن صورت زحمتکشان آگاهانه و با آمادگی به امر رشد و تکامل انقلاب و دفاع از آن سهیم میگردند.

متأسفانه ما در عمل گاهی با تخلفات جدی و خشن از اصول عالی حزب ما و حاکمیت انقلابی بر میخوریم. افرادی که بعضاً مقامات حزبی و دولتی نیز دارند، مسئولیتی را که این مقامات بعهده شان می گذارد، فراموش نموده و فقط ب فکر مزایا و امتیازات برای خود، خانواده و خویشانان خود، برای دوستان گرم محفلی و سمتی خود هستند. آنها تقوای انقلابی را فراموش میکنند. از موقف و وظیفه سوء استفاده می نمایند و همه اینها در برابر چشمان انسان های ساده ای که بعد از طرف همین اشخاص برای خدمت به انقلاب فراخوانده میشوند، صورت میگیرد. آیا زحمتکشان به چنین اشخاص و اعمال زشت و زنند آنها اعتماد میکنند؟

یک فاکت مشخص را من حیث نمونه می بینیم: اکثریت کارگران مصروف در کارهای تفحص و برمه کاری جهت استخراج گاز در ولایت جوزجان در زیرزمینی ها زندگی نموده، لباس مخصوص کار، بوت، رختخواب و بستر ندارند، تغذیه شان درست سازمان نیافته و از خدمات صحی محروم اند، و هیچگونه تدابیر مؤثر برای رفع این نیازمندی ها و بهبود شرایط کارشان از طرف ریاست تفحصات نفت و گاز و وزارت معادن و صنایع اتخاذ نمی گردد، گرچه همه ضروریات برای ایجاد شرایط عادی کار برای کارگران وجود دارد. این مثال صریح برخورد تحقیر آمیز، بی پروایی و عدم علاقه نسبت به زحمتکشان است. متأسفانه این نمونه ها در سایر وزارتخانه ها نیز، وجود دارد. سوال به میان می آید که کمیته حزبی و سازمان صنفی مصروف چه کار اند! فکر می کنم که ارگان های مرکزی نیز باید بالای همه این مسایل جداً فکر کنند و تدابیر لازم اتخاذ نمایند.

باید بگویم که مبارزه ما با بی دسپلینی، عدم انضباط، برخورد غیرمسئولانه به امور، عدم اجرای وظایف، عدم کنترول در حزب و دولت در سطح نازلی قرار دارد. و با وسعت و پیگیری، با قاطعیت و اصولیت کافی پیش برده نمی شود. چنانکه معلوم میشود بسیاری آنرا کارزار موقتی شمرده اند که میشود انتظار کشید و از سر گذراند و با وعده های شفاهی و شکلی از آن نجات یافت و در عمل به شیوه نادرست گذشته دوام داد. اما در نیمه راه توقف نمی کنیم و حتماً علیه تمام بیماری ها و بی اصولیتی ها پیکار میکنیم و ریشه های زهر آگین سوء استفاده ها را قطع می نماییم. برای جلب توده ها، داشتن آنان با خود و جلب اعتماد و پشتیبانی آنان، باید پاکی و وجدان بلورین داشت و فعال و اصولی بود، پس بیایید شایسته

اعتماد و پشتیبانی توده‌های افغان باشیم! باید آگاه بود کسانی که با خلق، با زحمتکشان نیستند با حزب و با ما نخواهند بود.

کمیته‌های حزبی باید به مراکز واقعی تربیت و پرورش خصوصیات و سجایای عالی سیاسی و اخلاقی هر عضو اصلی و آزمایشی حزب و به مبارزان سرسخت علیه مظاهر و بقایای بلند پروازی و تکبر و بیکاره‌گی، علیه سوءاستفاده، عیاشی و تجمل‌پرستی، علیه دسپلین‌ناپذیری و بی‌اصولیتی مبدل گردند. کمیسیون‌های کنترل حزبی باید بالای ضعف‌های خود غلبه کنند. و در برابر همه موارد تخلف از اساسنامه ح.د.خ.ا و نقض معیارهای حیات حزبی عکس‌العمل جدی دایمی و اصولی نشان دهند. محاکم و څارنوالی‌ها موظف اند موارد تخلف از قوانین انقلابی را دایماً جلوگیری و آنهایی را که به حاکمیت انقلابی لطمه وارد می کنند، شدیداً مجازات نمایند. محاکم و څارنوالی باید از ریشه بخود تکان دهند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان همیشه سعی می ورزد که شرایط برای جلب توده‌های وسیع زحمتکشان به اداره دولتی ایجاد گردد. در اصول اساسی ج.د.ا که پنجسال قبل تصویب شده این امر درج است. در سال ۱۳۶۲ در اجلاس فوق‌العاده شورای انقلابی ج.د.ا، قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی به تصویب رسید که تشکیل این ارگان‌ها را از طریق انتخابات دموکراتیک پیش بینی میکند.

در سال ۱۳۶۳ در سیزدهمین و چهاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، برخورد مشخص نسبت به عملی ساختن این قانون صورت گرفت. کمیته‌های حزبی باید متوجه ساخته شوند تا مساعدت همه جانبه را برای تدویر انتخابات جرگه‌های محلی در محلاتی که امکان آن موجود است، مبذول دارند. منافع رشد انقلاب، تحکیم حاکمیت خلق و توسعه پایه اجتماعی آن حکم میکند که روند انتخاب جرگه‌های محلی توسط زحمتکشان و اهالی متوقف نگردید، بلکه برعکس دایماً قوت و نیرو گیرد. اکنون حلقه عمده در این مهمترین امر عبارت است از انتخاب جرگه در قریه‌ها، زیرا بدون آن انتخاب نمایندگان مردم در جرگه‌های علاقه‌داری، ولسوالی و ولایت پایه‌های استوار نخواهد داشت.

تا کنون صدها جرگه قریه ایجاد گردید و قریه داران انتخاب شده اند، چنانکه دیده می شود این تعداد بسیار کم است. این امر فوق العاده مهم است که تأثیر کمیته‌های

حزبی بر روند تشکیل و تأسیس ارگان‌های نوین و دموکراتیک حاکمیت افزایش یابد و این روند تحت رهبری آنها رخ دهد و ارگان‌های دولتی به آن کمک مؤثر نمایند.

درینجا ضرور است تا در باره نقش و اهمیت ارگان‌های محلی حزبی و سازمان‌های اولیه بطور خاص صحبت شود. این ارگان‌ها و سازمان‌ها باید کار اساسی با اهالی را در محلات زیست شان پیش ببرند، در جایی کار کنند که توده‌ها وجود دارد، اعتماد، احترام و پشتیبانی زحمتکشان را جلب نمایند. اکنون در حزب چندین هزار سازمان اولیه و سازمان شعبوی وجود دارد. افزایش تعداد آنها ادامه دارد اما در این روندی که در مجموع رشد آن مثبت بشمار میرود، مانند سابق حلقه قریه ضعیف باقی مانده است. در قریه‌ها، در محل زیست دهقانان، تعداد سازمان‌های حزبی و اعضای حزب کمتر از شهرهاست. در این میان در اکثریت و لسوالی‌ها و علاقه داری‌ها سازمان‌های حزبی دارای تعداد کم اعضای حزب اند.

لازم است تا فوراً توجه کمیته‌های حزبی ولایتی، شهری، ولسوالی، علاقه‌داری به ایجاد شبکه وسیع و گسترده سازمان‌های اولیه در محلات زیست زحمتکشان مخصوصاً قریه‌ها افزایش یابد، همه ما باید بدانیم که تنها به این ترتیب می‌توانیم سازمان‌های حزبی منطقی را تحکیم بخشیم و ارتباط مؤثر، دایمی و محکم حزب با توده‌های مردم را تأمین نماییم. حرف‌های ولادیمیر ایلیچ لنین را بیاد خواهیم داشت که: تنها سازمان‌های حزبی که پیوند محکم با یکدیگر و با مرکز حزب داشته باشند، با تبادل تجربه خود کار تبلیغی، ترویجی، سازمانی را تحقق می‌بخشند و با تطبیق قاطع آن نسبت به همه بخش‌ها و گروه‌های توده زحمتکش باید به طور سیستماتیک هم حزب، هم طبقه و هم توده‌ها را تربیت نمایند.

اکنون درباره بعضی از سایر مسایل مهم کار کمیته‌های حزبی و ارگان‌های حاکمیت دولتی در بین توده‌ها حرف می‌زنیم.

نخست اینکه: کار توده سیاسی کارزار موقتی نیست که به مناسبت اجرای تدابیر مختلف مانند میتنگ، مارش، جلسه و غیره، پیشبرده شود. در حزب ما اکثر بعد از هر پلینوم نوبتی کمیته مرکزی اعتلا و رونق شدید این کار و بعداً کندی آن تا پلینوم بعدی به مشاهده میرسد.

کار توده‌یی - سیاسی با ید به طور دایمی و در همه جا، توسط همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، توسط تمام اعضای حزب و همه ارگان‌های دولتی پیش برده شود. ضمناً به اشکال فعال تعرضی و تصویری، زنده و مجسم‌کننده رجحان داده شود.

منحیث مثال می‌توان از گروه‌های پرافتخار تبلیغاتی و ترویجی یادآور شد. فعالیت آنها در همه جایی که می‌روند مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد.

اما يك نکته ضعیف در آنست که سازمان‌های حزبی و ارگان‌های سیاسی قوای مسلح با ارگان‌های منطقوی و محلی حزبی اشتراک عمل لازم نداشته و کار خود را با آنها طور لازم و کافی توافق نمی‌بخشند. در حالیکه فقط فعالیت و عمل مشترک و موافقت گروه‌های تبلیغاتی و ترویجی و گروه‌های قوای مسلح با کمیته محلی حزبی زیاترین موثریت را در امر تحکیم و توسعه مواضع حاکمیت انقلابی بوجود می‌آورد. چنین پراتیک یعنی فعالیت مشترک و موافق، تفاهم متقابل، همکاری و هماهنگی و تعقیب کار يك دیگر باید طبق خواست فیصله‌های چاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، در همه جا به میان آید و استقرار یابد.

دوم اینکه تا کنون سیستم مؤثر ارسال و پخش ادبیات سیاسی، نشرات حزبی، اوراق تبلیغاتی و مواد میتودیک ایجاد نگردیده و این نارسایی بسیار جدی است. و اگر آثار و نشرات منظم به مراکز ولایات برسد، باز هم به خوانندگان اساسی، به کارمندان سازمان‌های پائینی حزبی، به مبلغین و فعالین حزبی نمی‌رسد. بیاد می‌آوریم که وای. لنین به پخش ادبیات و آثار سیاسی چه اهمیتی را قایل بود. او خاطر نشان می‌ساخت: «... لازم است، تا انسان روزنامه‌ها و رساله‌های تبلیغی را در اختیار داشته باشد، تا این آثار درست پخش شده و به مردم برسد، تا در راه از بین نرود، زیرا آنها بیشتر از نصف آنرا نمی‌خوانند و در بعضی کارهای دفترداری بکار می‌برند و ممکن است يك چهارم آن به مردم نرسد.»

اما در کشور ما چه رخ می‌دهد؟ آثار سیاسی، آموزشی، پلاکات‌ها، اوراق تبلیغاتی، رساله‌ها که فعالین در ولایات، ولسوالی‌ها و علاقه‌داری‌ها به آن‌ها اشد ضرورت دارند، در تحویلخانه‌ها افتیده و از بین می‌روند، و از آنچه که به محلات می‌رسد، باز هم اطمینان وجود ندارد که تعداد زیاد آن بدست مردم برسد. چنین وضعی را

دیگر نمی توان تحمل کرد و تدابیر عاجل ضرورت است.

چنین معلوم می شود که لازم است تا در این موضوع مصوبه خاص بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، صادر گردد. باید از تمام وسایل ترانسپورتی برای انتقال این آثار استفاده صورت گیرد.

برای انتقال مواد باید نظم خاص ایجاد گردد و تخلف از این نظم باید مطابق به قوانین انقلابی و زمان جنگ مجازات گردد. منشی های کمیته های حزبی ولایتی، شهری، ولسوالی علاقه دار ی در قبال سازماندهی پخش و ارسال آثار سیاسی و آموزشی مسئولیت فردی دارند. بالاخره در این امر باید نظم انقلابی بوجود آید.

رفقای که در محلات کار می نمایند در مورد ضعف تأمین مادی - تخنیکی کار تبلیغی و ترویجی ما انتقادات عادلانه وارد می سازند. آنها کاملاً برحق اند. در واقعیت هم تاکنون در بسیاری از کمیته های ولایتی ح.د.خ.ا وسایل تکثیر، وجود ندارد. البته در باره وسایل تکثیر پیشرفته هنوز حرفی نمی توان گفت. وضع مطابع بسیار خراب است، به صورت در ست مجهز نشده اند و در تمام ولایات نیز فعال نیستند. کیفیت پلاکاتها و اوراق تبلیغاتی که در محلات به چاپ میرسند بسیار پائین است.

مطالب فوق الذکر در مورد رادیوهای محلی و تجهیزات گروه ها و گروپ های تبلیغاتی و ترویجی نیز صدق می کند. زندگی نشان میدهد: در جایی که به طور شاید و باید و به طور حزبی کار صورت گیرد، امر مربوط تا آخر رسانده می شود. مثلاً در جریان سال ۱۳۶۳ در مدت کوتاه به مراکز تلویزیون کندهار، هرات، جلال آباد، غزنی تجهیز و بکار انداخته شد. اکنون مراکز مذکور در فراه، خوست و فیض آباد اعمار می گردد. لذا باید در دیگر مسایلی مربوط به سازماندهی و تجهیز کار تبلیغاتی انرژی و پایداری بیشتر بکار برده و احساس مسئولیت حزبی نشان داده شود. در آنصورت اجرای وظایف مطروحه حتماً میسر می گردد. از همه مطالب فوق الذکر باید رفقای مربوط نتیجه گیری های لازم را بنمایند.

سوم اینکه: سطح کار تودهیی - سیاسی تا حد زیادی وابسته به سطح آمادهگی ایدیولوژیک سیاسی خود اعضای حزب و هر سازمان حزبی، بخصوص آن بخشی است که مستقیماً مصروف فعالیت - تبلیغی و ترویجی اند. در حزب ما این نوع

آمادگی قبل از همه در سیستم آموزش حزبی فراگرفته میشود. در حال حاضر در این سیستم هفتاد و پنج هزار تن از اعضای اصلی و آزمایشی ح.د.خ.ا، مشغول فراگیری اند و ۴۴۹۵ کورس آموزشی و سیمینار وجود دارد. سازماندهی آموزش حزبی بهبود حاصل میکند، نشر مواد میتودیک نظم می‌یابد، سیمینارهای آموزشی و میتودیک با آموزگاران کورس‌های آموزشی منظم‌اً دایر می‌گردد، آثار کلاسیک جهان بینی علمی و اسناد اساسی ح.د.خ.ا، برای کمک به آموزش حزبی بیش از هر وقت دیگر به چاپ میرسد. تدابیری جهت توسعه آمادگی کادرهای ورزیده مسلکی در امور تبلیغی و ترویجی اتخاذ می‌گردد. به این منظور در انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب شعبات مخصوص ایجاد شده که تا کنون صدها تن از آنها فارغ شده اند. در سال تحصیلی ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ برای نخستین بار آموزش حزبی بشکل تصنیفی با در نظر داشت سطح سواد و آمادگی اعضای اصلی و آزمایشی صورت می‌گیرد.

همه اینها خوبست. اما یک سلسله مسایل مهم هنوز حل نگردیده که مؤثریت و کیفیت آموزش حزبی تا حد زیادی وابسته به آنهاست.

مانند گذشته هنوز هم این آموزش تمام حزب را در بر نمی‌گیرد. بسیاری از اعضای حزب مخصوصاً آنانی که در این اواخر پذیرفته شده اند، شامل کورس‌های آموزشی و سیمینارها نیستند. سطح حاضری در کورس‌های آموزشی نیز باید ارتقا یابد. عمده این است که تا کنون ارتباط و پیوند لازم آموزشی حزبی در کورس‌های آموزشی و سیمینارها با تنویر سیاسی توده‌ها، با کار سیاسی و سازمانی در بین توده‌ها تأمین نشده است. زیرا چنین هم به وقوع می‌پیوندد که عضو حزب در محیط حزبی، در همان کورس آموزشی و یا سیمینار، حرف‌های درست را بخوبی افاده میکند. اما مفهوم این حرف‌ها را به همکار غیر حزبی خود، به همسایه خود، خلاصه به نماینده آنانی که ما «توده» می‌نامیم، نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد بنابر عدم احساس مسئولیت انقلابی و وجدانی توضیح دهد.

صریحاً باید گفت که: کمیته‌های حزبی در این امر که اعضای حزب، همه فعالین سازمان‌های اجتماعی در برابر غیر حزبی‌ها، در برابر توده‌های وسیع زحمتکشان صحبت و سخنرانی کنند، در بین شان کار تبلیغی، ترویجی و توضیحی را پیش ببرند، مفهوم سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، اوضاع جاری، ضرورت اتحاد

نیروهای ملی و وطنپرست بر مبنای مبارزه علیه ضدانقلاب، مسلح، به خاطر عادی ساختن اوضاع در کشور را توضیح دهند، هنوز پایداری و پیگیری لازم نشان نمیدهند. پیشبرد این کار هم در کولکتیف‌ها و هم بشکل انفرادی باید به حیث مهمترین وظیفه حزبی تلقی گردد. و کمیته حزبی موظف است این کار را سازمان دهد، کنترل کند، نتایج مشخص را طلب نماید که در آخرین تحلیل باید در جلب فعالیت و وسعت زحمتکشان و اهالی در امر دفاع از انقلاب، ابراز پشتیبانی فزاینده به امر حزب و حاکمیت انقلابی تبارز یابد.

اعتقاد آتشین به حقانیت امر حزب، اطمینان خدشه‌ناپذیر به پیروزی این امر و هم چنان وفاداری عمیق و صمیمانه به وحدت ایدیولوژیک، سیاسی و سازمانی حزب لازم است. مدرسه آموزش حزبی در عین حال مدرسه و وحدت حزبی است. تنها حزب واحد یکپارچه و با دسپلین آهنین قادر است توده‌های وسیع زحمتکشان را بدور خویش متحد سازد. توده‌های وسیع با فهم این امر و با معتقد شدن روزمره به یک پارچگی و محکمی صفوف حزبی، خود نیز وحدت حاصل میکنند، پراگندگی را که بقایای فیودالیزم و مناسبات طایفیمی و قبیلوی ایجاد نموده است، رفع می‌نمایند، عدم اعتماد به قابلیت و استعداد انسان‌های ساده برای تأثیر بالای امور دولتی - اجتماعی را که طبقات استثمارگر اشاعه کرده اند، از بین می‌برند و به اشتراك‌کننده گان آگاه دگرگونی‌های انقلابی وطن و دفاع از آن در برابر ضدانقلاب مبدل میگردند.

این امری است که کمیته‌های حزبی، با سمت دهی کار سیستم آموزش حزبی و با پیوند دادن آن با کار سیاسی و سازمانی در بین توده‌ها باید مواظبت از آنرا بدوش گیرند.

چهارم اینکه: جلب و تسخیر توده‌ها، توسعه اشتراك آنان در تکامل انقلاب و دفاع از آن تا حد قابل ملاحظه‌یی وابسته به آنست که سیاست اجتماعی اقتصادی حزب در عمل تا چه حد موفقانه تحقق می‌یابد. بنابراین مهمترین سمت کار توده‌یی - سیاسی عبارتست از بسیج زحمتکشان برای انجام وظایف مشخص: اجرای پلان‌های تولیدی، بازسازی پروژه‌هایی که توسط ضد انقلاب تخریب شده، اجرای اصلاحات ارضی و آب، انجام امور آبیاری، ایجاد کوپراتیف‌ها، رشد صنایع محلی و پیشموری و غیره. برای اعتلا و رونق زندگی اقتصادی مساعی بزرگ لازم است.

بدون آن، شعارهای ما در فضا معلق خواهند ماند و توده‌ها بدنبال ما نه خواهند رفت. به همین سبب است که باید کار توده‌یی - سیاسی با فعالیت مشخص، جدی و ثمر بخش اقتصادی پیوند داده شود.

متأسفانه در پراتیک کار، بسیاری از کمیته‌های حزبی به این امر توجه لازم مبذول نمی‌گردد. کار تبلیغی و ترویجی عمدتاً به تدابیر جداگانه، پراکنده و یکباره منتهی می‌گردد و در جهت ارتقای سطح فعالیت زحمتکشان در اجرای وظایف مشخص اجتماعی - اقتصادی سوق داده نمی‌شود.

شما اطلاع دارید که فردا در اجلاس هیئت شورای انقلابی، پلان رشد اقتصادی و اجتماعی ج.د.ا، برای سال ۱۳۶۴، مورد بررسی قرار می‌گیرد. وظایف جدی مطرح است. مخصوصاً به خاطر اینکه از سال ۱۳۶۵ اجرای پلان پنجساله که همین اکنون تحت طرح و تدوین قرار دارد، آغاز می‌یابد، و ما باید در سال آینده مبنای لازم را برای تعرض وسیع بر علیه عقبماندگی، عدم رشد اقتصادی و برای تأمین ترقی همه جانبه وطن محبوب مان افغانستان مهیا سازیم. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی باید همه اقدامات لازم را در جهت بسیج توده‌ها برای اجرای پلان‌های مطروحه برای ارتقای سطح فعالیت زحمتکشان در این مهمترین امر انجام دهند.

رفقا!

تقویت و تشدید کار سیاسی حزب در بین توده‌ها و ارتقای سطح فعالیت سیاسی آنان شرط ضروری حل پرابلم عمده ما یعنی پروبلم عادی ساختن اوضاع در کشور، سرکوب ضدانقلاب و استقرار صلح پایدار است.

زندگی نشان میدهد که منبع اساسی قابلیت نسبی حیات و فعالیت باندهای ضدانقلاب، کمکی است که از خارج دریافت میدارند. اگر جریان دایمی پولی، وسایل مادی - تخنیکی، کادرهای خرابکاری که تربیت مخصوص دیده اند، از خارج وجود نمی‌داشت، تا کنون باندهای ضدانقلاب سریع از پا می‌افتیدند، امکان تجدید و احیای ضایعات انسانی و مادی را از دست می‌دادند و مجبور میشدند که مقاومت در برابر حاکمیت انقلابی را قطع کنند.

ما می بینیم که محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا، بعضی از کشورهای ناتو و وابسته، چین و همچنان ارتجاع منطقه کمک به ضدانقلاب افغانی را به طور قابل ملاحظه افزایش بخشیده اند. در چند سال اخیر امپریالیزم آمریکا و متحدین آن بیش از یک میلیارد دلار را برای پیشبرد جنگ اعلام ناشده علیه افغانستان به مصرف رسانیده اند. این مبلغ شش برابر با اصطلاح کمک ایالات متحده آمریکا به افغانستان در ظرف بیست سال قبل از انقلاب ثور است. ایالات متحده تنها در سال ۱۳۶۴ به صورت علنی برای ضدانقلاب افغانستان مبلغ ۲۸۰ میلیون دلار را تخصیص داده است. این یک واقعیت است که مقیاس جنگ اعلام نشده ارتجاع و امپریالیزم علیه افغانستان دایماً توسعه می یابد.

باندهای ضدانقلاب به کمک امپریالیزم جهانی و ارتجاع منطقه امکان ارتقای سطح تجهیز خود را با جدیدترین سلاح ها و وسایل تکنیکی بدست می آورند. از مراکز آموزشی و تسلیحاتی که در خاک پاکستان و ایران قرار دارند سالانه هزاران اجیر که به وسیله مربیون نظامی خارجی تربیت شده اند و با مقدار بزرگی سلاح، مهمات و سایر وسایل نظامی به قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان اعزام می گردند. در این اواخر ارسال انواع مختلف سلاح های ثقیل منجمله وسایل مدرن ضد هوایی و ضد تانک افزایش قابل ملاحظه یافته است. فقط چند مثال می آوریم. در سال جاری در جریان عملیات نظامی اردوی ما به تعداد زیاد انواع سلاح ها و مهمات یا از نزد ضدانقلاب بدست آورده است و یا آنرا نابود کرده است. سوال می شود: آیا باندهای ضدانقلاب می توانستند این ضایعات را جبران کنند، اگر کمک دایمی و روزافزون از خارج کشور وجود نمی داشت؟

تاکتیک ضدانقلاب مسلح چگونه است؟

عمدتاً ضدانقلاب بالای جنگ طولانی فرساینده اتکا دارد. تاکتیک آن ها چنین است که از مقابله مستقیم با نیروی های منظم دولتی که تفوق دارند، دوری می جویند، اما تلاش می ورزند تا با تمام وسایل و از همه طرق اوضاع را با عدم استقرار مواجه سازند، بشکل گروپ های کوچک تخریبی و ترویستی عمل نمایند، پروژه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تخریب کنند، طرفداران حاکمیت انقلابی را از بین ببرند، اهالی را تحت فشار قرار دهند و تأمینات و انتقالات ترانسپورتی را برهم زنند.

تجربه تاریخی نه تنها انقلاب ما، بلکه سایر انقلاب‌ها می آموزد: سرکوب ضد انقلاب مسلح که از خارج نفوذ میکند تنها با عمل مشترک از نیروهای مسلح و نیروی خلق ممکن است. این حقیقت در مورد ما نیز صدق میکند. مهمترین سمت کار توده‌یی سیاسی و دفاعی ما نیز از همین امر ناشی میگردد.

لذا برای سرنوشت انقلاب ما، برای تکامل آن و دفاع از آن کار سیاسی و سازمانی در بین مردم اهمیت مرگ و زندگی دارد که قبلاً در باره آن صحبت شد.

جنگ اعلام نشده علیه افغانستان، جنگی است که در آن از جدیدترین سلاح‌ها و اجیران و قاتلین حرفوی خاص و باندهای تربیت شده علیه ما استفاده میشود. مبارزه با آنها قوای مسلح بزرگ و قوی را می طلبد. همین نیروهای مسلح هم مسئولیت اساسی به خاطر دفاع از وطن و تأمین امنیت آنرا در برابر دشمنان تجاوزگر خارجی بدوش دارند. بنابراین در وضع کنونی تحکیم قوای مسلح مهمترین، اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین وظیفه حزب و حکومت، تمام ارگان‌های حزبی و دولتی و تمام سازمان‌های اجتماعی هم در مرکز و هم در محلات، بوده، هست و خواهد بود. در این عرصه بدرجه اول مسأله جلب و احضار به اردو، خاندوی و خاد امریست که باید مورد توجه عملی جدی و در دستور روز قرار داشته باشد.

یکی از علل ضعف در این است که ارگان‌های حزبی و دولتی ایکه جلب و احضار را پیش میبرند، به آن تنها به حیث اقدام سازمانی و تکنیکی برخورد نموده و فراموش میکنند که جلب و احضار امر جدی سیاسی است که با اجرای وجیبه و وطنپرستانه ارتباط دارد. این بدان معنی است که پرورش احساس وطن پرستی در مردم ما و آمادگی برای به پا خاستن برای دفاع از وطن در لحظات ضروری، پرورش عشق و فداکاری درونی برای قرار گرفتن در صفوف قوای مسلح پرافتخار ما بخصوص هنگامی که وطن در برابر خطر قرار دارد، هنوز ضعیف است. مؤثریت کار توده‌یی- سیاسی در بین اهالی، تربیت نظامی - وطنپرستانه جوانان هنوز هم در سطح خیلی نازل باقیمانده است.

فقط در این اواخر نخستین گروه افسران برای تدریس امور نظامی به موسسات تعلیمی معرفی شدند. ضمناً اکثریت آنان هنوز کار عملی را آغاز نکرده اند، این يك مثال برخورد غیرمسئولانه، غفلت و بی پروایی نسبت به امر مهم تربیت نظامی

و وطنپرستانه از جانب رفقای میباید که اینکار به ایشان سپرده شده است.

علت دردناک و جدی دیگر ضعف کار جلب و احضار در این است که کمیساری‌های موظف برای این امر مقدس هنوز به مراکز واقعی ثبت و شمار مجلوبین، کار نظامی وطن پرستانه با آنان و سازماندهی جلب و احضار آنان به قوای مسلح مبدل نشده اند. میتوذهای فعالیت کمیساری ما هنوز هم شکلی دفع کننده نه جلب کننده و بیروکراتیک است.

در اکثریت ولایات بین ارگان‌های حزبی و دولتی، سازمان‌های اجتماعی و کمیساری‌های نظامی مناسبات لازم برای کار و فعالیت وطن پرستانه بوجود نیامده است. آنها جدا و مجزا از یکدیگر عمل میکنند، تدابیر مشترک مخصوصاً در عرصه کار با مجلوبین و اهالی را به ندرت سازمان میدهند.

ارگان‌های حزبی و دولتی - نیز به نوبه خود باید برای اجرای پلان‌های مطروحه جلب و احضار، فعال‌تر، وطن پرستانه‌تر، انقلابی‌تر و با علاقه‌مندی بیشتر کار کنند. کمیسیون بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در امور جلب و احضار و شعبه دفاع و عدل کمیته مرکزی باید کار وزارت‌ها و ادارات، ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات را در مورد اكمال صفوف قوای مسلح ج.ا.د، به طور جدی‌تر و مشخص‌تر کنترل نمایند، سازمان دهند و هم آهنگ سازند.

یک علت دیگر را نیز خاطر نشان می‌سازم، تا هنوز هم بالای اكمال قوای مسلح ما این وضع تأثیر منفی دارد که قوماندانی‌ها، ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی اردو، خاندوی و خاد برای تحکیم و توسعه ارتباط و پیوند قطعات و جزوتام‌ها با زحمتکشان و اهالی کار مؤثر و پیگیر نمی نمایند.

درین باره در چهاردهمین پلینوم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا، با تفصیل صحبت شد.

باید یادآور شد که هنوز هم در عرصه برقراری و توسعه ارتباط بین قوای مسلح و اهالی بدستی پیش برده نمیشود. یعنی وحدت قوای مسلح با مردم هنوز طور شاید و باید وجود ندارد و همین امر بر بهبودی وضع اكمال قوای مسلح تأثیر منفی وارد میکند.

درست است که وقتاً فوقتاً کار با مردم پیش برده میشود ولی مهمتر از همه این است که نتایج آن تثبیت و توسعه نمی‌یابد. قوماندانی‌ها، ارگان‌های سیاسی، سازمان‌های حزبی، قطعات و جزوات‌های قوای مسلح همراه با ارگان‌های محلی حزبی موظف اند که خصلت دائمی، پلان شده، پیگیر و متداوم این کار را تأمین کنند تا به طور حتمی موجب تحکیم و توسعه پیوند قوای مسلح با مردم، ارتقای اعتبار خدمت بوطن در صفوف قوای مسلح گردد. باید در زمینه، رهنمودهای صریح و عملی برای قوماندانان، آمرین سیاسی تدوین گردد که مطابق به آن باید میتود و اسلوب کار و برخورد با مردم را در سطح عالی پرولتاری یک قوای مسلح طراز نوین مشخص سازد. به تأکید خاطر نشان می‌گردد که باید از جانب قوماندانی‌ها، ارگان‌های سیاسی، کمیته‌های حزبی قطعات و جزوات‌های اردو، خاندوی، خاد به امر اکمال قوای مسلح و به وضع مجلوبین توجه بزرگ، برخورد واقعاً دلسوزانه، برادرانه و علاقمندی نشان داده شود. اما چنین برخوردی هنوز، همیشه صورت نمی‌گیرد.

موازی با تحکیم و تقویت اردو، خاندوی و خاد که باید به صورت عام و تام تحت رهبری حزب اجرای وظیفه نماید، لازم است جدی‌ترین توجه به رشد بیشتر همه اشکال اشتراک زحمتکشان و اهالی در دفاع از انقلاب صورت گیرد. در این امر قبل از همه نتایج کار سیاسی ما در بین توده‌ها در شرایط مبارزه علیه باندهای ضد انقلاب، انعکاس مشخص می‌یابد. در جریان امسال در تعداد افراد، گروه‌های دفاع از انقلاب هزاران تن افزوده شده است. تشکیلات دفاع خودی به طور نسبی رشد نموده، بریگادهای حفظ نظم اجتماعی جوانان افزایش یافته و همچنان تعداد افراد قطعات منطقوی و ملیشا نیز افزایش می‌یابد.

چنانکه می‌بینید پیشرفت وجود دارد. اما آیا این پیشرفت می‌تواند موجب رضایت ما گردد؟ در حالیکه وظیفه عمده اجرا نشده است. زیرا اهمیت اصلی اشکال ملکی و توده‌یی دفاع از انقلاب در آنست که در همه‌جا وجود داشته و فعالیت نمایند، تا باندهای مسلح ضدانقلاب هیچگاهی امنیت و مصونیت احساس نکنند، تا در هر جایی که آنها تلاش ورزند اعمال سیاه و ننگین را انجام دهند مواجه با پاسخ دندان شکن گردند. کار را این طور باید سازمان داد.

همه کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی، ارگان‌های دولتی، ارگان‌های قوای مسلح و

سازمان‌های اجتماعی موظف اند برای جلب توده‌ها به امر دفاع از انقلاب بطور دایمی، روزمره و پیگیر کار نمایند، همه اشکال اشتراك توده‌ها را در این مهمترین امر تحکیم و توسعه بخشیده فعال سازند، به تأمین مادی - تخنیکي مشکلات مسلح ملکی، به سازماندهی درست فعالیت آنها، به کار سیاسی در بین آنها توجه جدی مبذول دارند.

رفقا!

اکنون اجازه دهید در باره مسأله بسیار مهم ملی - تاریخی یعنی در باره تدابیر خاصی که ما باید جهت تأمین امنیت ج.د.ا، بنابر توسعه مقیاسی جنگ اعلام نشده علیه افغانستان و نفوذ ضدانقلاب مسلح از خارج اتخاذ نماییم و تحقق بخشیم، صحبت کنیم.

ما باید در برابر تلاش‌های امپریالیزم و ارتجاع منطقه جهت دوام خونریزی و رنج و عذاب مردم و جلوگیری از عادی شدن اوضاع در کشور ما سد استوار و مطمئن ایجاد کنیم.

بیوروی سیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا، بر مبنای منافع علیای حاکمیت دولتی ج.د.ا، و حاکمیت ملی، انقلاب و امنیت وطن و دفاع از وجب و جب خاک وطن و به منظور سرکوب قطعی ضدانقلاب، صادر شده از خارج ضرور می‌شمارد تا جهت محافظت، ستر و دفاع مؤثر سرحدات جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان که نیروهای امپریالیستی و چین آنرا به پایگاه اساسی تجاوز و مداخله خارجی در امور داخلی ما مبدل ساخته اند، همچنان جهت محافظت بخش‌های سرحدات با ایران تدابیر قاطع و عاجل اتخاذ گردد. باید توجه داشت که در تمام سیر تاریخ ملی کشور ما این اولین گام و نخستین و حیاتی‌ترین تصمیم قاطع افغانستان بنابر اراده ملی خلق افغان بشمار می‌رود. اکنون در باره بعضی مسایل اصولی تدابیری که اتخاذ می‌گردد، صحبت می‌کنم.

نخست اینکه هدف و ماهیت این تدابیر را قطع نفوذ باندهای مسلح ضدانقلاب صادر شده از خارج به قلمرو افغانستان، جلوگیری از ارسال اسلحه و مهمات به این باندها تشکیل می‌دهد. در حال حاضر صدور وسایل کشنده و خرابکارانه ضد انقلاب مسلح به خاک کشور ما از پاکستان عملاً صورت می‌گیرد. ما باید قوای سرحدی خود را

تحکیم و تقویت بخشیم و خوب مجهز سازیم. باید اشتراک مساعی مطمئن را بین آنها از یک جانب و قطعات و جزواتم های اردو خاندوی و خاد را از جانب دیگر تأمین و برقرار سازیم و به وضعی نایل آیم که دشمن در صورت تجاوز بر سرحدات ما با دفاع نیرومند همه جانبه، پیگیر و پایدار مواجه گردد.

دوم اینکه محافظت و دفاع از سرحدات ما نه تنها باید کار قوای سرحدی، اردو، خاندوی و خاد باشد، بلکه به امر حیاتی اهالی به امر دفاع از شرف و ناموس و خاک مقدس وطن، یعنی به امر قبایل ساکن این مناطق سرحدی مبدل گردد. در این امر منافع اساسی قبایل غیرتمند و دلیر و شریف پشتون و بلوچ و دیگر اقوام و وطنپرست افغان بطور عام و تام و کاملاً با منافع و اهدافی حاکمیت انقلابی ما مطابقت دارد. ضدانقلاب مسلح و باداران خارجی آن می خواهند مناطق قبایلی را به مناطق جنگ و خونریزی مبدل سازند، پلانهای آنها تنها تخریب، خونریزی و مرگ بیار می آورد.

موقف دولت ما صریح و دقیق بیان شده است. ما طرفدار صلح در کشور و در سرحدات خود میباشیم. ما طرفدار مناسبات پایدار و متقابلاً مفید با قبایل نجیب میباشیم و در وجود آنها مدافعین ملی - تاریخی آزادی و استقلال وطن مشترک و واحد مان افغانستان را در سرحدات آن می بینیم. آرامش و نظم در سراسر مناطق سرحدی ضرورت است. توافق هموطن و تفاهم و همکاری پایدار میان قبایل و حاکمیت انقلابی لازم است.

سوم اینکه حزب و حاکمیت انقلابی ما با اتخاذ تدابیر ضروری جهت محافظت و دفاع سرحدات اعلام میدارد و تضمین می کند که هنگام تحقق این تدابیر منافع تاریخی - ملتی عنعنوی قبایل توأم با موقف وفاداری و همکاری آنها با دولت ج.د.ای مدنظر گرفته میشود و رعایت میگردد. به هیچکس حق مداخله و تجاوز به امور عنعنوی، رسوم، اصول افغانیت و عقاید قبایل اجازه داده نمیشود. پیوندها و روابط سنتی موجود قبایلی، تجاری، اقتصادی، فرهنگی و خویشاوندی و همچنان راههای عبور کوچیها از جمله اهالی بومی حفظ خواهد شد. در عین زمان کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. و حکومت ج.د.ا.، متکی برآنند که قبایل سرحدی در مجموع جمهوری دموکراتیک افغانستان را وطن خود میدانند، از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی آن پشتیبانی می نمایند و هیچگاه به میل و اراده خود به اقدام مسلحانه علیه نظام -

انقلابی ج.د.ا، دست نمیزنند.

چهارم اینکه ارگان‌های حزبی و دولتی موظف اند سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت ج.د.ا، در رابطه با قبایل و اقوام را بطور اصولی، پیگیر و عادلانه تحقق بخشند. وظیفه آنهاست تا مناسبات با قبایل را در حدود صلاحیت خویش سازمان دهند و تحکیم و رشد بخشند. همه مواد پروتوکول‌ها و توافقات با قبایل باید از طرف همه ارگان‌های دولتی به طور بلاقید و شرط رعایت گردد. مواد غذایی، مواد سوخت، البسه و سایر کالاها که برای قبایل به منظور تجارت با آنها و یا بشکل کمک تخصیص داده شده و می شود باید کاملاً و در مدت تعیین شده در محل به ریش سفیدان و یا نمایندگان باصلاحیت قبایل تسلیم گردد. به اساس توافق و افتخار قبایل در عرصه صحت و تعلیم و تربیه و دیگر خدمات اجتماعی و کلتوری و کمک‌ها بمنظور رشد اقتصادی بذل کمک صورت گیرد.

در این رابطه بیوروی سیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا، موارد عدم اجرای تعهدات ارگان‌های دولتی را هیچگاه اجازه نخواهد داد.

تمام سیاست ما که احکام اساسی آن در اسناد کمیته مرکزی ج.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا، در مورد، اقوام و قبایل طرح و توضیح شده است ناشی از اعتماد توجه و مواظبت به آنها توجه به آینده سعادت‌مند آنها می گردد. اما این بدان معنی نیست که حکومت ج.د.ا، نسبت به کسانی که از این اعتماد و توجه سوء استفاده می کنند، برخورد بیش از حد نرم می نماید. بگذار هیچکس اشتباه نکند و تردید نداشته باشد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت انقلابی کسانی را که تلاش ورزند در قبایل جدایی طلبی را تحریک کنند، آنها را در برابر انقلاب مردم و وطن واحد و مشترک مان قرار دهند عادلانه و به طور کامل مجازات خواهند کرد.

دفاع از منافع حیاتی قبایل، دفاع از مناطق زندگی و کوچ آنها در برابر تجاوز مسلحانه و مداخله از خارج وظیفه همه ارگان‌های حزبی و دولتی است. این خواست سیاسی و حزبی ماست.

قوماندانان جزوتام‌های سرحدی وارد و باید با اشخاص با اعتبار و با نفوذ و ریش سفیدان قبایل تماس‌های محکم داشته نسبت به نیازمندی‌ها و خواسته‌های اهالی قبایل با احترام و تفاهم برخورد نموده و از فعالیت‌هایی که موجب خساره غیرموجه

به قبایل می‌گردد، جلوگیری کنند. البته در هر حالتی و شرایطی باید خدمت سرحدی با هشیاری و به طور مؤثر پیش برده شود و وظایفی که در برابر قوای سرحدی قرار دارد به طور بلا قید و شرط اجرا گردد.

پنجم اینکه محافظت و دفاع مطمئن سرحدات ما، پروبلم کمپلکس و نوجوانب است که نه تنها اقدامات نظامی - تخنیکی بلکه تدابیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر میگیرد.

موفقیت ما در مبارزه علیه ضدانقلاب در داخل کشور، در امر اعتلا و تحکیم اقتصاد و ارتقای سطح زندگی مردم وابسته به اجرای فوری و مؤثر این تدابیر است.

از همین جا وظایف فوری و جدی حزب، همه ارگان‌های حزبی و دولتی، وزارت‌ها، ادارات، سازمان‌های اجتماعی در مناطق سرحدی نیز روشن می‌شود.

وزارت دفاع باید تدابیر جدی را برای ارتقای سطح آمادگی قوای سرحدی و بهبود زندگی منسوبین و خانواده‌های آنان اتخاذ نماید. توجه بخصوصی به بهبودی کار سیاسی- تربیتی در قوای سرحدی، ارتقای سطح دسپلین و سازمان پذیری آنها مبذول دارد.

قوای سرحدی در امر محافظت و دفاع سرحدات باید بر اهالی اتکاء و با آنها پیوند و ارتباط دایمی و زنده داشته باشند. این امر کار بزرگ تبلیغی، ترویجی و سازمانی از جانب کمیته‌های حزبی منطقوی، ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی قوای سرحدی را می‌طلبد، لازم است که اهالی منسوبین قوای سرحدی خود را بشناسند، در باره کار قوای سرحدی بدانند و مفهوم عالی این وظیفه را درک کنند و به آن مساعدت نمایند.

اشکال مؤثر، قابل درک برای اهالی و عنعنه پرافتخار و اشتراک اهالی مناطق قبایل در امر دفاع از امنیت وطن و استقلال آن وجود دارد. اینها قطعات داوطلب قبایلی و ملیشای سرحدی اند. اکنون که قوای سرحدی ایجاد شده و فعالیت میکنند، این تشکیلات داوطلب شامل سیستم عمومی ملی محافظت و دفاع سرحدات گردیده و در آن مقام شایسته و محترم را احراز مینمایند. وزارت اقوام و قبایل ج.د.ا ارگان‌های

حزبی و دولتی در محلات موظف اند همه نیرو و مساعی خویش را برای سازماندهی و تأمین این تشکیلات وطن پرستانه بخرچ دهند، به افزایش تعداد و آمادگی آنان کمک نمایند. کار سیاسی در بین آنها اهمیت فوق العاده دارد. هر جزو تام قبایلی، هر قطعه ملیشای سرحدی اتحاد وطنپرستانی است که باید تأثیر و نفوذ آن بر اهالی مناطق قبایلی دایم روبه افزایش باشد. کارکنان سیاسی که به این تشکیلات فرستاده میشوند باید بطور پیگیر، با حوصله و با تهذیب و ادب و رعایت عنعنات برای رشد خودآگاهی سیاسی پرسونل این جزو تامها و قطعات و برای ایجاد سازمانهای حزبی در بین آنها کار کنند. بر علاوه خود زندگی، تحکیم ارگانهای حزبی و دولتی را در مناطق سرحدی و مخصوصاً در ولسوالیها و علاقه داریهای سرحدی می طلبد. این ارگانها با اهالی پیوند ضعیف دارند. نمایندگان وزارت اقوام و قبایل در محلات در اکثر موارد بطور غیر فعال، با سستی و کندی کار میکنند. فعالیت آنان در امر ایجاد ارتباط با قبایل و طرح مسایل بشکل کمپلکس در برابر کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و حکومت جهت تحقق کنترول و سازماندهی اجرای تصمیم دولتی در رابطه با مناطق مذکور مؤثریت کافی ندارد و بالای وضع امور اثر قابل ملاحظه نمی گذارد. چنین وضع غیر قابل تحمل است. شعبات کمیته مرکزی، شورای وزیران، کمیتههای حزبی ولایتی، ارگانهای محلی حاکمیت باید برخورد خود را نسبت به کار در مناطق سرحدی از ریشه تغییر داده و تدابیر مؤثری را جهت بهبود وضع موجود اتخاذ نمایند.

باید به ایجاد توسعه و تحکیم مناسبات با بزرگان و سرکردگان قبایل، با ملاها و روحانیون مناطق قبایلی، توجه جدی و درجه یک مبذول گردد، در سال جاری در نتیجه مساعی وزارت اقوام و قبایل، قرارگاههای زونها و ولایات تعداد زیاد جرگههای دایمی سران و ریش سفیدان در ولسوالیها و علاقه داریهای ولایات سرحدی کشور ایجاد گردیده است. وظیفه اینست که نقش این جرگهها در تحکیم روابط ارگانهای حزبی و دولتی با اهالی، در حل پرابلمهای مبرم مناطق سرحدی ارتقا یابد.

لازم است که سران قبایل، اعضای جرگههای دایمی با اجرات بیشتر در ارگانهای محلی حاکمیت در ولایات، ولسوالیها و علاقه داریها، در ارگانهای رهبری جبهه ملی پدر وطن پیش کشیده شوند. یعنی آنان به همکاری فعال با حاکمیت انقلابی بر

مبنای علاقمندی مشترك در حل پروبلم‌های محلی و رفع نیازمندی‌ها و ضروریات مبرم اهالی جلب گردند.

در آنجایی که ارگان‌های محلی حاکمیت دولتی در همکاری با جرگه‌های سران و ریش سفیدان انتخاب و انتصاب، قریه‌داران، ولسوالی‌ها و علاقه داران را سازمان می‌دهند و از طریق آنها پرابلم‌های مبرم اهالی را حل و فصل می‌کنند، در آنجا مردم نیز به همکاری فعال با حکومت آغاز می‌نمایند و ارگان‌های حزبی و دولتی تأثیر و نفوذ خود را بر توده‌های قبایلی تحکیم می‌بخشند.

در کار با اهالی مناطق سرحدی که از لحاظ اقتصادی شدیداً عقب مانده است، لازم است تا برنامه رشد این مناطق با پیگیری تعقیب و تدابیر مؤثر اقتصادی اتخاذ گردد، سعی حتمی صورت گیرد که اهالی توجه و مواظبت حزب و حاکمیت را احساس نمایند و ببینند که مسایل مهم آنها واقعاً به نفع و به اشتراك خودشان حل و فصل می‌گردد.

حکومت ج.د.ا، علی‌الرغم محدودیت موقتی امکانات ما در شرایط جنگی اعلام نشده و ترور اقتصادی باندهای ضدانقلاب باز هم دائماً مواد غذایی، لباس و سایر کالاها و مواد را به مقدار قابل ملاحظه برای اهالی قبایلی تخصیص می‌دهد، تدابیری جهت حفر و ساختمان چاه‌های آرتیزین برای آبیاری چراگاه‌ها، بهبودی خدمات و ترنری، سازماندهی مراکز صحتی، اعمار مکاتب و غیره طرح و تحقق پذیرفته است.

اما در عمل ما مواردی از عدم اجرای فیصله‌های دولتی در جهت اعطای مساعدت اقتصادی در مناطق قبایلی را مشاهده می‌کنیم. ما از سازمان‌های حزبی و دولتی تطبیق نظم و انضباط جدی را درین مسأله می‌طلبیم.

لازم است که سیستم انتقال، ذخیره کردن، حفظ و نگهداشت و توزیع کالاهای مورد ضرورت اولیه در ولایات سرحدی به جدی‌ترین ترتیب تکمیل و بهبود یابد. این کالاها و همچنان کمک‌های بلاعوض بدرجه اول باید در بین اهالی قبایلی که با حکومت ج.د.ا فعالانه همکاری دارند، در بین خانواده‌های آنانیکه مسلحانه از دستاوردهای انقلاب ثور دفاع می‌نمایند، عادلانه توزیع شوند.

مسأله دریافت و بسیج وسایل ترانسپورتی بشمول ترانسپورت قبایلی برای ارسال کالاها به مناطق سرحدی کشور و انتقال محصولات مناطق قبایلی به کابل و سایر مناطق کشور باید مورد توجه خاص قرارگیرد. نه تنها رهبری وزارت ترانسپورت، بلکه قوماندانی قوای مسلح کشور نیز می توانند و باید این مسایل مهم را حل و فصل کنند.

به طور عموم کمپلکس مغلق و پیچیده تدابیر دارای خصلت سازمانی - سیاسی، اجتماعی - اقتصادی، تبلیغی و ترویجی بهبودی بیشتر و قاطع فعالیت و رشد هم آهنگی وزارت‌ها، ادارات، ارگان‌های محلی حزبی و دولتی را می طلبد.

بیوروی سیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ. اهمیت درجه یک را به حل و فصل پروبلم های اجتماعی - اقتصادی - اهالی مناطق سرحدی قایل است و آنرا امر تمام حزب، امر دارای اهمیت برای حاکمیت دولتی میدانند.

بالاخره باید اهالی مناطق قبایلی در باره حقیقت سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، در باره وضع کشور، جنایات ضدانقلاب و پلان‌ها و توطئه‌های شوم و سیاه با داران خار جی آن که تلاش می ورزند انقلاب ثور ما را سرکوب و وطن ما را به خون وطنپرستان آغشته و بعد آنرا تجزیه کنند، بهتر آگاه و مطلع شوند. باید در نظر داشت که مناطق سرحدی مورد تجاوز و مداخله و به خصوص مداخله شدید ایدیولوژیک امپریالیزم و ارتجاع منطقه قرار دارند. آنان تلاش می‌ورزند عدم اعتماد و خصومت نسبت به انقلاب ما و نظام نوین مولود انقلاب را به اهالی این مناطق تلقین و تحمیل کنند، ماهیت سیاست حزب و حکومت ج.د.ا را تحریف و این موضوع را تلقین نمایند که گو یا نظام انقلابی دشمن سنن مردم و دین مقدس اسلام است و ما باید به این خرابکاری های ایدیولوژیک پاسخ لازم بدهیم. با اهالی قبایل بزبان ساده و قابل فهم صحبت کنیم و حقیقت انقلاب را با طرق و شیوه‌های مؤثر با قلوب و عقول انسان‌های ساده یکجا سازیم. همزمان با بهبودی تبلیغات و ضد پروپا گند، افشای مداخلات امپریالیستی و ارتجاعی در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان، لازم است توضیح درست خصلت مثبت و ضروری تدابیر در جهت ستر سرحدات دولتی ج.د.ا که بنفع اهالی زحمتکش قبایل صورت می گیرد، پیش بینی گردد.

کمیته دولتی رادیو- تلویزیون و سینماتوگرافی و وزارت مخابرات باید هر چه زودتر رادیوهای محلی را از لحاظ وسایل مادی - تکنیکی تأمین نمایند. ما باید در مجموع کار تبلیغی و ترویجی خود را در تمام جهات فعالتر ساخته و به سطح نوین و عالی‌تر ارتقا بخشیم و آنرا به سلاح نیرومند مبارزه علیه خرابکاری‌های ایدیولوژیک امپریالیزم، هژمونیت‌های چین و ارتجاع منطقه، به سلاح مبارزه بخاطر آرمان‌های انقلابی ما، به خاطر دفاع از حق ما برای اعمار آینده درخشان به انتخاب و اراده خود، مبدل سازیم. برای این کار باید همه وسایل اطلاعات جمعی ما، همه ارگان‌های حزبی و دولتی و سازمان‌های اجتماعی بسیج شوند.

رفقا!

تشدید کار حزب در بین توده‌ها و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از انقلاب مسأله کلیدی است که تسریع پیروزی ما وابسته به آن می باشد. این حقیقت را باید همه کمیته‌های سازمان‌های حزبی تمام اعضای حزب عمیقاً درک کنند و رهنمای عمل خود قرار دهند و با انرژی تازه، با شور و شوق نوین انقلابی، با اعتقاد به حقانیت امر ما و پیروزی آن در بین توده‌ها بروند، در اعماق توده‌ها کار نمایند، توده‌ها را از لحاظ سیاسی تنویر کنند و برای مبارزه بخاطر امر حزب که امر حیاتی خودشان نیز است، سازمان دهند. ولادیمیر ایلچ لنین رفتن در بین همه طبقات اهالی، یادگرفتن برخورد مخصوص پرحوصله و محتاط را برای درک خصوصیات، ممیزات روانی مخصوص هر قشر و هر حرفه توصیه می کرد. ما در کشور دارای ترکیب پیچیده اجتماعی اهالی بوده، در کشوری که قبایل، اقوام و ملیت‌های زیاد دارد کار می کنیم. وظیفه ما اینست که آنها را بر مبنای وطنپرستی و انقلابی بخاطر منافع وطن واحد و مشترک مان، بخاطر منافع خودشان متحد و یکپارچه سازیم. به همین سبب نیز بهبود کار توده‌یی - سیاسی ما و پیشبرد پیگیری، با حوصله و متداوم آن با در نظر داشت خصوصیات، ممیزات عنعنات و سنن محلی و نیل حتمی به این امر که خود زحمتکشان، اهالی به اشتراک کنندگان فعال تحولات انقلابی، دفاع از انقلاب و وطن مبدل شوند، خواست زمان و ضرورت جدی است. مبارزه به خاطر زحمت کشان، کلید پیروزی هر انقلاب است. ما حتماً به اتحاد و همبستگی هر چه وسیعتر و نزدیکتر با توده‌های زحمتکش، با همه نیروهای ملی، وطن پرست کشور نایل می گردیم و بر مبنای آن باندهای ضدانقلاب را قلع و قمع می کنیم و به مردم

صلح، دوستی، برادری، برابری، آزادی و ترقی و شگوفانی به ارمغان می آوریم!
زیرا راه پیروزی نهایی انقلاب ملی و دموکراتیک ما راهیست بسوی جامعه عادلانه
نوین!

بیانیه ائتتتامیه رفیق سرک کارمل در پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی ج.د.خ.ا.

رفقای گرامی!

نخست میخواستیم در این بخش کار پلینوم ما روی یک مسئله مهم صحبت نمایم. آشکار است که افغانها در اندوه و شادی برادران - شوروی خود شریک اند. طوریکه اطلاع دارید اینجانب اخیراً به نمایندگی از کمیته مرکزی ج.د.خ.ا و دولت ج.د.ا در مراسم تدفین فقید کنستانتین اوستینوویچ چرنینکو سابق منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شرکت ورزیده و مراتب تأثرات عمیق و تسلیت کمیته مرکزی حزب ما، حکومت و مردم افغانستان را به مناسبت این ضایعه بزرگ ابراز داشتم.

در جریان مسافرت، فرصت دست داد تا با رفیق میخائیل سرگیویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی ملاقات نمایم. کمیته مرکزی لنینی حزب کمونیست اتحادشوروی تصمیم بجا و خردمندانه با انتخاب رفیق گرباچف شخصیت برجسته و سیمای درخشان دارای خصوصیات طراز لنینی در پست عالی منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اتخاذ کرده است. این مطلب را من صمیمانه در جریان ملاقات ابراز داشتم. رفیق گرباچف صمیمانه موضع اصولی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی را در رابطه به پشتیبانی از انقلاب، آزادی و استقلال ملی و منافع مردم افغانستان و کمکهای همه جانبه اتحادشوروی را به ج.د.ا ابراز داشت و بر دوستی عنعنوی برادرانه افغان - شوروی و توسعه و تحکیم هر چه بیشتر آن تأکید ورزید.

رفیق گرباچف ابراز نمود که رهبری افغان خود در موارد گوناگون کشور خویش مستقلانه تصمیم میگیرند و آنها اند که خود مسئولین امور کشور خویش هستند و با احساس عمیق مسئولیت فعالیت می نمایند.

این سخنان بازهم به ما نشان میدهد که حزب، دولت، خلق برادر اتحادشوروی، رهبری شوروی از اعماق قلب و روح خود در دوستی صادقانه و

بی‌غرضانه افغان - شوروی به شیوه لنینی همیشه وفادار اند.

من در جریان مسافرت اخیر در مسکو و در جریان ملاقات‌ها پرستیژ عالی بین‌المللی کشور مستقل انقلابی خویش را یکبار دیگر درک و لمس کردم و پشتیبانی همه‌جانبه اتحاد شوروی را از حزب، دولت، انقلاب و آرمان‌های مردم ما و آمادگی برای کمک‌های بیشتر، باز هم نیرومندتر احساسی نمودم که باید از آن صمیمانه و جاودانه سپاسگذار بود. موضع اصولی اتحاد شوروی در قبال مسایل اطراف افغانستان یکبار دیگر پس از ملاقات م.س. گرباچف با اینجانب و همچنان با ضیاءالحق با قاطعیت و صراحت ابراز گردید. رفیق م.س. گرباچف در جلسه پلینوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۸۵ (۲۱ حوت ۱۳۶۳) اظهار داشت:

«حزب کمونیست اتحاد شوروی ماهیتاً یک حزب انترناسیونالیست است؛ دوستان ما که در خارج عین نظرات را دارند میتوانند مطمئن باشند که در مبارزه بخاطر صلح و ترقی اجتماعی، حزب لنینی مانند گذشته با احزاب برادر کمونیستی، کارگری و انقلابی و دموکراتیک از نزدیک همکاری کرده و در راه اتحاد و همکاری فعال نیروهای انقلابی می‌رزمند.» واقعاً که چنین است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان حکومت و مردم افغانستان نیز چنین اطمینان را دارند.

در جلسه پلینوم حاضر کمیته مرکزی حزب ما موضوع خیلی با اهمیت یعنی تشدید کار حزب در بین توده‌های مردم و ارتقای فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. اکنون که به پایان جلسه میرسیم لازم است تا نکات اساسی در رابطه به موضوع مورد بحث جمع‌بندی و برجسته گردد.

فکر میکنم که اکنون دیگر ضرورت تشدید کار حزب در بین توده‌ها، نقش و وظایف حزب، ارگان‌های دولتی و سازمان‌های اجتماعی - توده‌ای در بسیج نمودن زحمتکشان، در مبارزه بخاطر ایجاد شرایط صلح آمیز برای کار و زندگی مردم بدرستی درک شده باشد. زیرا در این ارتباط کار زیادی در حزب انجام گرفته و فیصله‌های متعددی بعمل آمده است.

ضرورت تشدید مبارزه علیه باندهای ضدانقلابی مسلح، تجرید اجتماعی و قطع نفوذ آنها در بین مردم و پایان بخشیدن به جنگ اعلام نشده علیه افغانستان، کار

وسیع و پیگیر سیاسی را از جانب ما در میان توده‌های مردم بخاطر ارتقای سطح فعالیت آنها و جلب آنها در پروسه انقلابی و به دفاع از انقلاب، میطلبد.

کار سیاسی و تربیتی در بین توده‌ها و اجرای وظایف مربوط به سمت‌دهی سیاسی آنها به اشکال و طرق متنوع باید انجام گیرد. رعایت بلاانحراف منافع زحمتکشان نه تنها یکی از اشکال مهم جلب اعتماد مردم بلکه وظیفه اساسی هر انقلاب واقعی و هر انقلابی واقعی است در نظر گرفتن خصوصیات، سنن و عنعنات ملی و مذهبی مردم به منظور تشدید تأثیر ایدیولوژیک بالای توده‌ها و جلب ایشان بخاطر اعمار یک افغانستان نوین یکی از شیوه‌های مؤثر انجام کار توده‌ای - سیاسی در بین اقشار مختلف مردم می‌باشد.

سازمان‌های حزبی نه تنها سازماندهنده کار توده‌ای میان مردم بلکه نیروی عمده پیش‌برنده این امر نیز هستند. بدین جهت لازم است که حزب و وحدت آن بیش از پیش از لحاظ ایدیولوژیک، سیاسی و سازمانی تحکیم یابد، صفوف حزبی و شبکه‌های سازمان‌های حزبی در محلات رشد نمایند و فعالیت آنها تشدید گردد. برای کسب آمادگی جهت انجام کار توده‌ای - سیاسی میان مردم ضرورت است که در محیط حزبی وظایف مربوط به تقویت کار ایدیولوژیک، سیاسی و تربیتی انجام گیرد، سیستم تعلیم و تربیت حزبی بهبود یابد، با کادرهای تبلیغ و ترویج کار عمیق تربیتی صورت گیرد، شیوه‌های کار با علاقمندان و هواداران حزب بهتر گردد و رهبری حزبی بر وسایل ارتباط جمعی تأمین شود.

باید در نظر گرفت که فعالیت‌های سیاسی میهن مردم نتایج مشخص ببار آورد. جلب توده‌های مردم و نزدیکی آنها ن پیرامون حزب و دولت انقلابی باین معنی است که به طور مؤثر و وسیع از مشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حاکمیت انقلابی پشتیبانی نمایند، به دفاع از انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب به اشکال و شیوه‌های مختلف برخیزند، در امر اجرای تحولات اجتماعی - اقتصادی در جامعه شرکت ورزند و عملاً به سازمان‌ها و صفوف جبهه ملی پدروطن و سازمان‌های اجتماعی بپیوندند، با مشاهده این چنین نتایج است که میتوان مؤثریت فعالیت ایدیولوژیک توده‌ای - سیاسی سازمان‌ها و اعضای حزب را ارزیابی کرد.

یکی از جهات بسیار عمده کار سیاسی - اجتماعی میان مردم و جلب توده‌ها بسوی

انقلاب، توسعه و تحکیم حاکمیت انقلابی در محلات، تشکیل ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی است. انجام انتخابات جرگه‌ها (شوراهای) محلی قدرت و اداره دولتی و کمیته‌های اجرایی آنها از سطح قراء تا ولایات که در دستور روز ما قرار دارد، راه را برای توسعه و تحکیم حاکمیت انقلابی دولتی هموار میسازد، سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی و فعالیت آنها را ارتقا می‌بخشد و امکانات برای شرکت نمایندگان مردم را در اداره امور دولت فراهم مینماید.

کار در میان قبایل مخصوصاً در مناطق سرحدی یکی از بخش‌های خیلی عمده فعالیت توده‌ای - سیاسی ما را تشکیل میدهد که باید با کار اقتصادی، خدمات اجتماعی و فرهنگی، اداری و سازمانی توأم گردد. خصوصیات کار در قبایل را ارگان‌های حزبی و دولتی ما در مناطق قبایلی باید بدستی درک نمایند. همکاری مؤثر و دوامدار مشران، روحانیون و افراد با اعتبار قبایل با حاکمیت انقلابی باید بر مبنای علاقه‌مندی مشترک در حل مسایل محلی جلب گردد. یکی از اشکال عمده کار با قبایل و جلب همکاری آنها ایجاد جرگه‌های عنعنوی آنهاست. خیلی مهم است که خصوصیات، سنن، عنعنات و مطالبات به خصوص قبایل و اشکال خاص مناسبات قبایل با حاکمیت دولتی جداً در نظر گرفته شود.

اهداف عمده کار با قبایل، ارتقای سطح آگاهی سیاسی ساکنین مناطق قبایلی و جلب آنان بسوی حاکمیت انقلابی، مبارز و بر ضد تبلیغات خارجی، افشای مداخلات امپریالیستی در امور داخلی ما، قطع نفوذ ضدانقلاب مسلح از خارج کشور و ستر سرحدات دولتی ج.د.ا می‌باشد. باید از طریق تشدید و توسعه تأثیر ایدیولوژیک بالای اهالی مناطق سرحدی اهمیت و خصلت مثبت و ضروری اقدامات ما جهت ستر سرحدات دولتی درک گردد و با آن همکاری صورت گیرد.

تدابیر جدی جهت قطع صدور و نفوذ ضدانقلاب مسلح از خارج کشور و ستر سرحدات از جانب حزب و حکومت اتخاذ میگردد. ولی اشتراک و مساعی ارگان‌های حزبی و دولتی و قوای مسلح (اردو،، خاد و خاندوی) شرط ضرور برای اجرای موفقانه این وظیفه میباشد. ارگان‌های حزبی و دولتی باید وظایف مبرم خویش را در امر دفاع از انقلاب و تحکیم قوای مسلح تشخیص نمایند. تسریع و تشدید پروسه جلب و احضار افراد و تکمیل و تقویت صفوف قوای مسلح، تشکیل قطعات ملیشه و قوت‌های منطقوی و قبایلی گروه‌های مدافعین انقلاب و دفاع خودی

یکی از اشکال و شیوه‌های عمده جلب توده‌ها در مبارزه فعال علیه ضدانقلاب مسلح می‌باشد. آنچه در اوضاع و احوال کنونی وظیفه مبرم و جدی و درجه اول تمام ارگان‌های حزبی و دولتی شمرده می‌شود و با وظایف دیگر مقایسه شده نمی‌تواند، وظیفه جلب و احضار و اكمال صفوف قوای مسلح کشور است. هنگامی که از توجه و مواظبت اكمال قوای مسلح ارتقای سطح قابلیت محاربه‌ی آن، بسیج اهالی و منابع مادی جهت تقویت قوای مسلح به حیث وظیفه درجه اول صحبت می‌شود و هنگامی که بر اهمیت کار سیاسی - تبلیغی میان مردم تأکید می‌شود. باید در نظر داشت که این همه به خاطر دفاع از سرزمین آبیایی ما و در جهت حمایت از منافع زحمتکشان صورت می‌گیرد.

تا زمانی که مداخلات بیشرمانه امپریالیزم جهانی و متحدین منطوقی آن در امور افغانستان انقلابی قطع نگردد و تجهیز، تربیت و صدور باندهای ضدانقلاب متوقف ساخته نشود، تقویت صفوف قوای مسلح و نیرومندی آنها از وظایف تأخیرناپذیر ما شمرده می‌شود.

اجرای وظایف بزرگ مطروحه در پلینوم حاضر کار و مساعی بزرگی را از جانب ما می‌طلبد. اعضای حزب و به نوبه اول کادرهای حزب و شخصیت‌های حزبی و دولتی باید در همه جا در امر اجرای وظایف وطنی به نفع جامعه و توده‌های مردم نمونه باشند. حزب مشی خویش را در جهت تحکیم دسپلین و ارتقای سطح مسئولیت در برابر وظایف محوله تعقیب مینماید و علیه هرگونه بی‌اعتنایی در برابر وظایف و عدم مسئولیت و تخلف از موازین دسپلین حزبی و دولتی مبارزه میکند.

ملاک عمل مترقی بودن، وطنپرست بودن، عضو حزب بودن، خدمت صادقانه به مردم، اجرای وظایف از روی وجدان پاک انقلابی، رعایت جدی نظم و قانونیت و دسپلین حزبی و دولتی، کار برای ارتقای آگاهی سیاسی و فعالیت مردم، رشد ابتکارات آنها و تربیت آنها با روح وطن پرستی و انترناسیونالیستی می‌باشد.

با آرزوی موفقیت‌های درخشان جهت اجرای وظایف مطروحه در پلینوم و فیصله‌های آن، کار پلینوم پانزدهم حزب پر افتخار خویش، حزب دموکراتیک خلق افغانستان را با پخش سرود انترناسیونال ختم اعلام میدارم.

پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۳۰ عترب ۱۳۶۴

فشرده بیانیہ رفیق ببرک کارمل

«درباره توسعه پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق و تدابیر مزید جهت عادی ساختن اوضاع در کشور»

رفقا!

هشت ماه از پلینوم قبلی یعنی پانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان میگذرد، در این مدت همه ما حزب، حکومت، سازمان‌های اجتماعی، و وطنپرستان افغانستان انقلابی کار زیادی را انجام داده ایم. نتایج هم بدست آمده است. و در همه عرصه‌های فعالیت ما، پیشرفت به مشاهده رسیده است.

ثمربخشی عملیات محاروبی قوای مسلح ارتقا یافته و ضربات قابل ملاحظه به دشمن وارد آمده است.

علی‌الرغم دشواری‌هایی که در نتیجه جنگ اعلام نشده ایجاد شده باز هم موفقیت‌های اجتماعی، اقتصادی مهمی بدست آمده و تولید محصولات صنعتی از سطح پیش از انقلاب افزایش یافته است. پلان تولید محصولات صنعتی در ششماه اول سال جاری مجموعاً به اندازه (۱۰۷) فیصد افزایش یافته است.

سال جاری در تاریخ افغانستان بحیث سال لویه جرگه و جرگه عالی قبائل سرحدی درج تاریخ افغانستان نوین خواهد شد. این جرگه‌ها مظهر عالی وحدت خلق و همه وطنپرستان کشور که در لحظه کنونی بیش از هر چیز ضرور است، بودند. حزب و مردم از تصمیم فرستاده‌گان نجیب قبایل پشتون، بلوچ، نورستانی و سایر قبایل شجاع کشور مبنی بر دفاع از آزادی، استقلال، تمامیت ارضی، شرف و ناموس

جمهوری دموکراتیک افغانستان به گرمی استقبال و قدردانی نمودند.

خلق افغان همیشه بخاطر خواهد داشت که سال ۱۳۶۴ سال نخستین انتخابات آزاد و دموکراتیک در ارگان‌های نوین حاکمیت و اداره دولتی در محلات است. افغانستان وطن جرگه‌هاست و انقلاب بطور کامل ازین شکل عنعنوی حاکمیت خلق استفاده میکند و آن را بمثابة شکلی از حاکمیت خلق زحمتکش رشد و تکامل خواهد بخشید.

از همه مسرت بخش اینست که ما شاهد رشد حزب هستیم، در ظرف ششماه اول سال جاری بر تعداد اعضای حزب ۸،۵ هزار نفر افزود گردیده و کنون در صفوف حزب ما ۱۴۲ هزار عضو اصلی و آزمایشی وجود دارد.

درباره وضع سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید گفت: در این مدت دور پنجم مذاکرات با پاکستان در ژنو برگزار گردید. در چهلمین اجلاس اسامبله عمومی سازمان ملل متحد، از منافع کشور به کمک دوستان ما دفاع صورت گرفت. در این مدت بتعداد (۶۳) هیات حزبی و دولتی و سی گروپ ژورنالیست‌ها از افغانستان دیدن کردند.

دوستی عنعنوی و برادری ما با اتحاد شوروی بزرگ و حزب لنین که در این روزها مسوده اسناد برنامه‌ی خود را مورد بحث و وسیع قرار داده و فعالانه برای بیست و هفتمین کنگره خود آماده گی میگیرند، تحکیم و توسعه می‌یابد.

حقایق دیگر نیز وجود دارد که حاکی از پیشرفت وطن ما و مبارزه دلیرانه وطنپرستان کشور در جبهه کار و پیکار انقلابی است. مایه افتخار و اطمینان ماست که خلق افغان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ضد انقلاب را روز تا روز سرکوب مینماید و به قطع خونریزی و استقرار صلح و توافق ملی در کشور نایل میگردد.

اما اگر دستاوردهای خود را با آن وظایف انقلابی که چند سال قبل در برابر خویش قرار داده ایم، مقایسه کنیم بوضاحت دیده میشود که در بعضی عرصه‌های زندگی موفقیت‌های ما چشمگیر نیست. بخشی از اهالی کشور هنوز ثمرات واقعی انقلاب را احساس نکرده اند.

مسئله کندی توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب باید به صورت اساسی و بنیادی حل گردد.

بهمین سبب نیز اکنون مهم آنست که نه تنها از موضع واقع‌بینی سیاسی و مسئولیت عالی و برخورد قاطع نقایص، ضعف‌ها و کمبودی‌ها مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، بلکه با درک تجربه حاصله و با مجهز شدن با تیوری علمی انقلابی بطور دستجمعی و دوراندیشانه تأخیر ناپذیرترین تدابیر جهت توسعه و تحکیم پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی و عادی ساختن هر چه زودتر اوضاع در افغانستان طرح و پی‌ریزی گردد. باید طی ششماه آینده تغییرات مثبت و اساسی در کار ما بوجود آید.

طوریکه ببرک کارمل به نمایندگی از حزب و دولت بتاريخ ۱۸ عقرب سال جاری طی بیانیه ده تیزس را در بارهٔ خصلت ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی انقلاب ما و وظایف تأخیر ناپذیر آن در شرایط کنونی اعلام داشته بودند در اینباره در بیانیه شان در پلینوم گفتند:

این احکام از «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان»، «برنامهٔ عمل حزب دموکراتیک خلق افغانستان» ناشی گردیده و بنابر وضع جدید باید آنها را بسط و تکامل بخشید. بیانیه، در بین تمام اقشار و گروه‌های اجتماعی در داخل کشور و هموطنان ما در خارج کشور و افکار عامه مترقی بین‌المللی انعکاس وسیع یافت. تنها در ظرف دوازده روز بعد از آن به کمیته مرکزی، کمیته‌های حزبی، ارگان‌های دولتی، به روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون بیش از (۳) هزار نامه و پیشنهاد مواصلت کرده است، تاکنون هیچ سندی با چنین فعالیت وسیع سیاسی مواجه نشده بود. اکنون که بر اساس بیانیه و تیزس‌های مذکور اعلامیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان صادر شده وظیفهٔ اساسی اینست که با استفاده از تمام وسایل تبلیغ و ترویج مفهوم و اهمیت حیاتی و انسانی برخورد جدید و عادلانه بودن آن از لحاظ اجتماعی به سمع هر فرد افغان رسانیده شود. اعلامیه شورای انقلابی در ماهیت امر مبنای قانون اساسی آینده کشور را تشکیل میدهد که باید به طرح آن آغاز کنیم و بعد به آرای عمومی جهت ابراز نظر ارائه نمایم. اکنون وظیفه فوری اینست که بطور خستگی ناپذیر توضیح داده شود که انقلاب ملی و دموکراتیک به نفع کدام طبقه، قشر، ملیت، قوم و یا قبیله خاص نه، بلکه به نفع تمام

خلق‌های افغانستان بوده و وسیعاً رشد و توسعه می‌یابد، در خانه بزرگ و مشترک ما جمهوری دموکراتیک افغانستان برای همه افغان‌ها جای وسیع و کافی وجود دارد. انقلاب برای هر گروه اجتماعی و فرد افغان چیزی که به آن ضرورت دارد یعنی صلح، امنیت، کار و رفاهیت، زندگی شرافتمندانه و سعادت را به ارمغان می‌آورد. مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک دشوار و یک پروسه طولانی است. ما باید حزب خود را از شتاب‌ها و جهش‌های چپ‌روانه و فراجهبیدن از مرا حل ضروری انقلاب اجتماعی حفظ کنیم. اکنون با در نظر داشت آنچه که در اجلاس وسیع و فوق‌العاده شورای انقلابی متذکر شده‌ام، در باره خصلت ملی و دموکراتیک انقلاب و مسایل کلیدی ناشی از آن برای توسعه و تحکیم پایه‌های اجتماعی حاکمیت نوین انقلابی صحبت می‌کنیم.

هر انقلاب واقعی فقط زمانی می‌تواند زنده بماند و رشد کند که از خود دفاع کرده بتواند و مورد پشتیبانی اکثریت عظیم مردم، طبقه کارگر، دهقانان و همچنان سایر اقشار و وطنپرست اجتماعی جامعه قرارگیرد. لیکن ما هنوز برای این امر برای جلب آنان بطرف حاکمیت انقلابی خلق و جدا ساختن آنان از دشمنان کار کافی و پیگیر انقلابی و توده‌یی نکرده ایم.

این معضله بنیادی است که فوراً در کوتاه‌ترین زمان باید به حل و فصل آن با تمام نیروی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، جبهه، سازمانهای اجتماعی، همراه با تمام نیروهای ملی و وطنپرست و متحدین بالقوه و بالفعل پرداخت.

ببرک کارمل درباره پایه اجتماعی حاکمیت مردم گفتند: اگر به این سوال پاسخ موجز داده شود باید گفت که آن بخش عظیمی از اهالی است که در وجود حاکمیت انقلابی واقعاً منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معنوی و فرهنگی خود را می‌بیند و آرزوها و آرمان‌های خود را با آن پیوند میدهد و حاضر اند در حرف و عمل از حاکمیت انقلابی خود دفاع نمایند و از روی درک خود بگویند که این نظام، این حاکمیت انقلابی، حاکمیت خود ما، حاکمیت خلق افغان است.

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور اهداف واضح و روشن را در برابر خود قرار داده که در اسناد معتبر حزبی و دولتی توضیح گردیده است و هدف اساسی آن خوشبختی و بازهم خوشبختی مادی و معنوی مردم و ساختمان وطن آباد و شگوفان پرافتخار

ماست. این هدف والای انقلاب کاملاً با منافع بنیادی اکثریت عظیم ساکنین کشور مطابقت دارد. در آخرین تحلیل همین اکثریت باید پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق را تشکیل بدهد.

چنین به نظر میرسد که همه چیز روشن و واضح است اما در عمل همه چیز به مراتب پیچیده تر و غامض تر است. زیرا پایه‌های اجتماعی انقلاب پیروزمند فوراً و خود بخود و به صورت غیر آگاهانه تشکل نمی‌یابد. زمان و کار پیگیری هدفمند و خستگی ناپذیر حزب و دولت انقلابی در بین توده‌ها لازم است تا اکثریت مردم درک نمایند که انقلاب ثور انقلاب خود آنها می‌باشد و تنها انقلاب قادر است که بهبود زندگی آنان، اطفال خانواده‌های آنان و نسل‌های آینده افغان‌ها را تأمین نماید.

باید پشتیبانی همه اهالی را از انقلاب ملی و دموکراتیک ما که در مراحل اولیه تکامل خود قرار دارد جلب نمود. این واقعیت است که هنوز بخشی از دهقانان از مزایای اصلاحات عادلانه زمین و آب برخوردار نشده‌اند. همچنان سایر دگرگونی‌های که از طرف حاکمیت انقلابی اعلام شده و پاسخگوی منافع بنیادی زحمتکشان است تاکنون بطور کامل، وسیع و پیگیر تحقق نپذیرفته است. وظیفه عمده اینست که مزایای حاکمیت مردم بطور کل توضیح و مردم به فعالیت خلاق و آگاهانه جلب گردند. وظیفه اساسی انقلاب توسعه تأثیر بالای توده‌ها، کسب دوستان و متحدین و همراهان اجتماعی و سیاسی جدید است و تنها به این طریق و به این وسیله میتوانیم نیروهای ضد انقلاب را نخست تجرید و بعداً سرکوب کنیم. تمام مسئله بر سر اینست که چگونه میتوان عقول و قلوب اکثریت افغان‌ها را بجانب انقلاب جذب و جلب کرد. برای اینکار باید در همه جا در بین توده‌ها کار کرد. اینکار باید فعالانه و مشخص باشد. خوبست بدانیم که پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق متشکل از کدام طبقات، قشرها و گروه‌هاست.

بیرک کارمل درباره ترکیب پایه‌های اجتماعی نظام جدید گفتند: طبقه کارگر جوان کشور که بالغ بر ۴۲۰ هزار نفر اند و دهقانان که به ۳،۶ میلیون میرسند عمدتاً بحساب دهقانان باید توسعه پایه‌های اجتماعی صورت گیرد. در کشور زراعتی ما اینان بزرگترین طبقه و اقشار اجتماعی اند ما باید کار با دهقانان را در همه جهات با کار صد چند بیشتر بهبود بخشیم. پیشه‌وران که در حدود سه صد هزار نفر هستند. اینها هستند نیروهای عمده و ذخایر انقلاب ما.

تجار و متشبهین خصوصی ملی در کشور بالغ بر ۳۸۲ هزار نفر میشوند. روشنفکران ۱۹۰ هزار نفر اند. روحانیون گروه با اهمیت و خاصی اند که در حدود ۲۵۰ هزار نفر اند که باید بحیث نیروی بزرگ معنوی در تربیت و طنپرستانه و انقلابی مردم نقش برادری و برابری و کار صلح آمیز را ایفا نمایند. میتوان علاوه کرد که در کشور ۹،۸ میلیون طفل و جوان، (تا ۲۹ سال) و ۷،۵ میلیون زن وجود دارند. کوچیان کشور قشر دیگر اجتماعیست که نباید آنرا فراموش کرد.

حتی تحلیل سطحی نشان می دهد که هر یک از این گروه های اجتماعی دارای آگاهی بخصوص و منافع خاص اند و نسبت به انقلاب برخورد متفاوت دارند. اعضای حزب باید همه اینها را بدرستی و وضاحت درک کنند و نسبت به کار در بین هر گروه برخورد مشخص و جداگانه داشته باشند. تکنیک و استراتژی درست و اصولی حزب ما در مرحله کنونی انقلاب ملی و دموکراتیک از لحاظ تیوری انقلابی در برخورد با این طبقات و اقشار اجتماعی کشور علماً و عملاً تدوین میگردد.

ببرک کارمل گفتند: بطور مشخص مقصد ما از برخورد نوین نسبت به مسئله توسعه پایه اجتماعی موجود چیست ؟

من سعی میکنم به این سوال با تفصیل و مستدل پاسخ بگویم. هدف ما قطع خونریزی و استقرار صلح و امنیت سراسری و وطنی است یعنی حزب و دولت باید در چوکات برخورد نوین همه اقدامات لازم را با در نظر داشت اصل منافع طبقات زحمتکش کشور اعم از کارگران و دهقانان انجام داده و هر چه زودتر شرایط اتحاد و همکاری وسیع ملی را با نظر وسیع و شجاعانه بخاطر آرامی، کار صلح آمیز، ساختمان جامعه دموکراتیک و نوین و سعادت تمام خلق جمهوری دموکراتیک افغانستان تأمین کند و بخصوص در جبهه ملی پدروطن اتحاد تمام نیروهای وطنپرست را با گذشت های اصولی بدون تنگ نظری و بلندپروازی صادقانه و با فروتنی سازمان دهد. بخصوص بدرجه اول حل این مهمترین پروبلم بهبود و فعالتر ساختن کار با آن گروه های از اهالی را می طلبد که تا کنون بنابر ضعف کار انقلابی ما موقف بیطرفانه دارند. این ذخیره مهم و بزرگ است این عناصر در جانبداری از ضد انقلاب قرار ندارند اما هنوز در مبارزه بخاطر تحکیم حاکمیت انقلابی قانونی و مستحکم در محلات جلب نشده اند. برخورد نوین نه تنها استقرار

تماس و همکاری با عناصر و سازمان‌های غیرانقلابی بلکه با آن بخش از نیروهای را که هنوز مواضع خصمانه دارند، می‌طلبید. در چنین اوضاع و احوال اختلافات ممکن و حتی ناگزیر است. لیکن ما هدف داریم که این اختلافات رانه با توسل به سلاح بلکه از طریق گفت و شنود سازنده و تا جای ممکن اقتناع‌کننده بر مبنای منافع و وفاداری بوطن و احد افغان‌ها، حفظ آزادی و استدلال کشور، حفظ غرور و شرف افغان‌ها، صیانت حق زندگی مردم، حفظ اصل انسانیت و اسلامیت حل و فصل نماییم.

در جریان این گفت و شنود و مفاهمه دقیق ساختن اشکال و میتودهای اعمار افغانستان نوین در نظرگرفتن خصوصیات ملی، تاریخی، دینی و مذهبی، سنن و عنعنات مردم و حتی بعضی‌گذشت‌های معقول اصولی و پراعتطاف به خاطر توافق ملی و صلح، کاملاً مجاز است. اما در عین زمان دقیق‌تر میسازیم که مسئله بر سر آن طرح‌ها و تحقق آن واریانت‌های مصالحه و گذشت است که امکان تأمین و جلب متحدین سیاسی را فراهم آورد و پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق را بسط و توسعه و تعمیق و تحکیم بخشد.

برخورد نوین مصرانه می‌طلبید که حزب باید در بین مردم نفوذ کند با تواضع و صادقانه اعتماد مردم را به طرف حزب، انقلاب و دولت جلب کند و در خدمت مردم قرار گیرد. کار در بین توده‌ها و در سازمان‌های اجتماعی مهمترین حلقه رهبری سیاسی است و ما باید از مجموع کمپلکسی مجتمع تأثیر و نفوذ بالای توده‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، سازمانی، معنوی، مذهبی، عنعنوی، ایدیولوژیک یعنی تبلیغی و ترویجی سیاسی خارجی و غیره حسن استفاده نماییم و بدون عوامفریبی بطور قانونی، اصولی، مشروع و صادقانه و با تقوای عالی انسانی به نفع انقلاب، خلق و وطن بهره‌گیریم.

بیرک کارمل گفتند: اکنون جوانب سیاسی توسعه پایه اجتماعی را مورد بررسی قرار میدهیم که قبل از همه عبارت است از تشکل و تحکیم ارگان‌های اداره و حاکمیت مردم در محلات. در شهر و ولایت کابل، ولایت بدخشان و نیمروز و ننگرهار انتخابات ارگان‌های محلی اداره و حاکمیت دولتی به پایان رسیده است. مردم از سیاست داخلی و خارجی حزب و دولت پشتیبانی کامل ابراز داشتند. انتخابات مظهر روشن توسعه و تحکیم روابط دولت انقلابی با اهالی است. این

واقعیت که در بین نمایندگان منتخب در ارگان‌های محلی، ۷۵ فیصد غیرحزبی اند؛ بیانگر این امر مهم است که در آینده نیز آمادگی لازم برای انتخابات گرفته شود و در آن مناطقی که شرایط لازم وجود دارد عملی گردد. این نکته مهم را نباید فراموش کرد که لویه جرگه و جرگه عالی قبایل و انتخابات محلی و اجتماعات مردم و استقبال گرم و صمیمی مردم از رهبران حزبی و دولتی بیانگر این حقیقت است که مردم با ماست. بعضاً نقص ما در پیوند ارگانیک با مردم و ضعف سازماندهی و باز هم سازماندهی اقشار و طبقات مردم در دفاع از انقلاب علیه ضد انقلاب داخلی و خارجی است.

اوضاع و احوال مشخص، برخورد خلاق را نسبت به تعیین ترکیب کمیته‌های اجراییه جرگه‌های شوراهای نمایندگان مردم می‌طلبد. مثلاً اگر یکی از روحانیون و یا ملاهای مشهور به زهد و تقوی و حکمت و وطنپرستی بحیث یکی از معاونین رئیس کمیته اجراییه تعیین می‌گردد، روشن است که اکثریت اهالی این برخورد را تائید و پشتیبانی میکنند. این کار خوبی است. از توصیه‌های موسفیدان که هم اکنون در بعضی مناطق انتخاب میشوند نیز باید به نفع توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب استفاده کرد.

ارگان‌های حزبی و دولتی وظیفه دارند به شوراهای (جرگه‌های محلی) در امر استقرار شرایط عادی جهت کار و تجارت، بهبودی راه‌ها و ترانسپورت، اعمار موسسات دارای ارزش حیاتی کمک و مساعدت نمایند. مسئولیت خاصی متوجه قطعات و جزوات‌های اردو، خاد و خاندوی می‌گردد. زیرا آنها وظیفه دارند که شرایط آرام و امنیت را تأمین نمایند.

حتمی نیست که اشخاص با اعتباری که قادر به کشاندن مردم به عقب خود هستند حزبی باشند. آنانیکه وفادار به وطن و علیه خونریزی و برادرکشی و طرفدار زندگی صلح‌آمیز اند باید به ارگان‌های محلی حاکمیت و مخصوصاً به این ارگان‌ها جلب گردند.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمنظور توسعه شرکت مردم در امور دولت پیشنهاد مینماید که در ترکیب شورای انقلابی، شورای وزیران، وزارت‌ها و ادارات مرکزی و محلی نمایندگان و مشران شایسته، آگاه و

غیرحزبی، باز هم تأکید میکنم غیرحزبی طبقات و اقشار زحمتکش و غیرزحمتکش اعم از ملیت‌ها، اقوام، قبایل، محافل ملی تجاری و صنعتی، روشنفکران، پیشه‌وران، زمینداران متوسط که بیانگر منافع اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی باشند شامل گردند. لازم است که مردم ببینند که نمایندگان شان از صلاحیت‌های واقعی و استقلال لازم برخوردارند.

بر علاوه لازم است که کمبود کارمندان را در ارگان‌های محلی تکمیل نمایم. ما باید در مورد اشخاص با اعتبار در بین خلق مواظبت لازم را نشان بدهیم. فکر میکنم زمان آن رسیده است که دموکراسی وسیع واقعی که واقعاً تمام مردم کشور، انقلاب و حاکمیت انقلابی یا به عباره دیگر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را از خود بدانند در عمل تحقق یابد.

رفیق ببرک کارمل در ادامه صحبت شان درباره نقش جبهه ملی پروطن و سازمان‌های اجتماعی در امر مبارزه بخاطر عادی ساختن اوضاع در کشور جلب توجه‌ها بسوی انقلاب، گفت:

مسئله در آنست که سازمان‌های اجتماعی ما باید بحد کافی توده‌یی شوند و بنابر این تأثیر لازم را بالای وضع امور وارد سازند. هنوز میکانیزم روابط متقا بله این سازمان‌ها در چارچوب جبهه ملی پروطن که عضو آن هستند کاملاً مشخص نشده است.

جبهه ملی پروطن باید قادر شود که آن قشرها و گروه‌های اهالی را که بنا بر انگیزه‌های مختلف اجتماعی، ملی و مذهبی بیرون از پروسه انقلابی قرار دارند و یا حتی با آن مخالفت دارند، در بر گیرد.

چنانکه می بینید زمان زیادی سپری شده و حرف‌های زیادی گفته شده است، اما امر ما هنوز سرعت لازم را ندارد. مثلاً اگر پیشه‌وران را مثال بیاوریم، پیشه‌وران تعداد زیاد پروبلم‌ها و نیازمندی‌های مخصوص بخود را دارند. چگونه به آنها کمک کنیم. شاید لازم باشد که اتحادیه ملی پیشه‌وران و یا اتحادیه صنفی پیشه‌وران را بحیث عضو دستجمعی جبهه ملی پروطن ایجاد کنیم. بر همین اساس میتوان اتحادیه‌های دکانداران، صاحبان ترانسپورت خصوصی و کارگاه‌های خصوصی را ایجاد کرد.

به کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان نامه‌های زیادی در باره ایجاد اتحادیه زنان و مادران شهدای راه انقلاب تحت رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان میرسد. این سازمان بخصوص و بشردوستانه انقلابی خواهد بود. در این اتحادیه زنانی که شوهران، پدران، فرزندان، برادران و اطفال خود را بخاطر صلح و سعادت وطن و آینده تابناک آن از دست داده اند متحد خواهند شد. این اتحادیه نباید سازمان اشک و ماتم، بلکه باید اتحادیه زنان وطنپرست و پرافتخار وطن باشد. جمهوری دموکراتیک افغانستان، حزب و حکومت هنوز در برابر زنان نجیب افغان وظایف خود را کاملاً انجام نداده اند، باید به آنها کمک صورت گیرد و ما در اجرای این وظیفه مقدس از سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان انتظار پیشنهادات مشخص را داریم.

چندی قبل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت از تشکیل انجمن حقوق دانان افغان پشتیبانی کردند. تشکیل سایر سازمان‌های اجتماعی سیاسی نیز ممکن است. حزب از تشکیل چنین سازمان‌ها استقبال خواهد کرد. مشروط بر اینکه به آرمان‌های انقلاب شور و وفا دار باشند و با حاکمیت خلق همکاری کنند و قوانین آنرا رعایت نمایند و در جبهه ملی پدروطن اشتراک کنند. روسای جرگه‌های ولایتی باید در ترکیب ارگان‌های رهبری جبهه ملی پدروطن شامل و با اعتبارترین و آگاهترین اشخاص آن بحیث معاونین رئیس شورای مرکزی جبهه انتخاب شوند.

این امر بدون شک به ارتقای نقش جبهه کمک میکند. این امر را همه درک میکنند. اکنون این امر مهم است که جبهه ملی پدروطن به سازمان پیکار جو و واقعاً توده‌یی مبدل گردد و خواست‌ها و امیال تمام مردم را انعکاس دهد نه اینکه برای عوام فریبی و نام نهاد باشد و به ضمیمه ناجور و بیروکراتیک اپارات دولتی مبدل گردد. پیشبینی می‌گردد که این مسایل در بیروی سیاسی و در صورت ضرورت در پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد بررسی قرار گیرند. باید در مورد اصول مرامی و سازمانی شیوه و سبک کار مؤثر و تدوین مقررات جبهه ملی پدروطن مطابق به وضع نوین و توسعه پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی تحولی بوجود آید تا خلق به جبهه اعتماد و اتکای واقعی بنماید و جبهه ملی پدروطن به مثابه جبهه میلیونی تمام خلق افغان رشد و تحکیم یابد.

رفیق ببرک کارمل درباره جهات اقتصادی کار آینده گفت :

رشد موفقانه تولید صنعتی و زراعتی، ساختمان ترانسپورت، مخابرات، آبیاری، انرژی، تجارت و سایر عرصه ها مبنای اقتصادی توسعه پایه اجتماعی انقلاب را تشکیل میدهد. مردم را تنها نتایج مشخص بطور قانع کننده معتقد میسازد که حاکمیت خلق یا دولت مردمی درباره خواست ها و نیازمندی های شان اطلاع دارد و سعی می ورزد که آنها برآورده سازد.

موجب مسرت است که در جبهه اقتصادی پیشروی نسبی آغاز شده است اما امروز ارقام عام برای ما کافی نیست.

وظیفه ما بهبودی زندگی زحمتکشان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و مخصوصاً نادارترین اقشار اهالی است، اما در عمل اکثراً به محلات کمک قابل لمس نمی رسد، البته مردم دشواری های تأمینات و ترانسپورت را در شرایط جنگ اعلام ناشده و راهزنی ضد انقلاب درک میکنند، اما مردم نمیتوانند جاه طلبی، بی تفاوتی، غرور و از خود راضی بودن، عیاشی، عربده کشی، اختلاس، برخورد غیرمسئولانه، رفاقت بازی؛ خویش خوری، خشونت، رشوه ستانی، سواستفاده از ملکیت عامه و اشخاص، محل پرستی، بی انضباطی، تمایز طلبی و پراگنده گی کارکنان عده‌یی از ارگان های حزبی و دولتی را نادیده بگیرند و به آنان آشتی کنند. سوال بمیان می آید که ارگان های حزبی و دولتی ما، کمیسیون کنترل حزبی، خارنوالی و قضای ما به چه کاری مشغولند. چرا تاکنون هیچ یک از مسئولان محلی بخاطر عدم اجرای وظایف پلانی مورد بازخواست قرار نگرفته است.

بیروکرات های که از دستگاه دولتی سابق بمیراث مانده اند هنوز هم مانند سابق کار میکنند، بعضی از افراد سبکدوش گردیده اند و مشوره من به دیگران اعم از حزبی و غیرحزبی اینست که بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب را مورد آزمایش قرار ندهند. بیروی سیاسی نیرو و قاطعیت و اراده و اصولیت لازم را دارد که هر کدام از رهبران و مسئولان حزبی و دولتی را در جایش قرار دهد.

در آخرین تحلیل مبنای اقتصادی نظام ما را دگرگونی های عمیق و علماً سنجیده شده و استفاده از تجارب برای زمان نسبتاً طولانی و دارای خصلت ملی و دموکراتیک تشکیل میدهد. قبل از همه توزیع و تجدید توزیع عادلانه زمین و آب

مطرح است. دهقانان ما در طول قرن‌های متمادی این آرزو را داشته اند، دین اسلام نیز این امر را واجب التعمیل میدانند، اصول ملی و دموکراتیک انقلاب مان نیز این امر را می‌طلبد.

علی‌القا عده تاکنون ۳۱۳ هزار خانواده مستحق دهقانی ۱،۷ میلیون جریب زمین لامالک و زمین‌های مصادره شده از فیودالان و ملاکین بزرگ استثمرگر را دریافت داشته اند. آیا این رقم زیاد است یا کم، باید گفت این رقم کمتر از نصف خانواده‌های مستحق کم زمین و بی زمین دهقانان را تشکیل میدهد چرا آنانی که از لحاظ وظیفه مسئول اصلاحات ارضی و آب اند، به کمک هموطنان شتاب ندارند همه چیز روشن است؛ دهقان زمین و آب لازم را ندارد تا خانواده خود را تأمین کند. چگونه پشتیبانی را میتوان از دهقانان انتظار داشت. در اینجا محلی برای لفاظی و وکالت دعوای نیست بلکه کار و عمل، اندیشه و ابتکار روزمره و پیگیر لازم است. زمین و آب، کمک مالی و مادی و تخنیکی برای دهقانان کم زمین و دهقانان متوسط و همچنان به کوپراتیف‌ها ضرورت است. ما باید برای مجاز دانستن اجاره داری زمین در دهات اسناد تقنینی لازم را به تصویب رسانیم و فعالیت کوپراتیف‌های دهقانی دهقانان را توسعه بخشیم، حفظ منابع آب و ساختمان منابع جدید را تأمین کنیم و دهقانان را هرچه وسیعتر برای حفظ و ساختمان آنها جلب نمایم. بالای اهمیت جلب سرمایه ملی و سرمایه گذاری در پروژه‌های آبیاری، ایجاد شرکت‌های مختلط و خصوصی زراعتی و رجحان دادن به کشت پنبه تأکید بخصوص صورت گرفته است: برای اینکه همه هموطنان به پروسه انقلابی جلب گردند لازم است، تا با آنان کار صورت گیرد و از وضع شان مواظبت بعمل آید. آیا کارگران و کارمندان صنایع، ترانسپورت و ساختمان و در درجه اول در سکتور دولتی ضرورت به توجه و مواظبت ندارند. ما قادر به اقدامات بسیار جدی برای بهبود شرایط کار و زندگی آنان منجمله بهبود شرایط مسکن و معیشت آنان هستیم. پلینوم کمیته مرکزی به کمیته دولتی پلانگذاری، شورای مرکزی اتحادیه‌های صنفی افغانستان و به وزارت‌ها و ادارات مربوط وظیفه میدهد که فوراً پیشنهادات مشخصی را در زمینه ارائه نمایند.

مسئله برخورد با سرمایه‌داران ملی، تجاری و صنعتی خصوصی که نقش قابل ملاحظه را در تولید، ترانسپورت و تجارت ایفا می‌نمایند، جای بخصوص را دارد،

متشبهین خصوصی ملی مکلفیت دارند که سهم خود را در عادی ساختن اوضاع در کشور و رشد اقتصاد ملی ایفا نمایند. مهم است که ارگان‌های حکومتی نیز در وعده‌های خویش پیگیر بوده و به سکتور خصوصی مقام شایسته را در اقتصاد کشور تأمین نموده و به تاجران، عموماً تاجران کوچک و متوسط کربدتهای لازم را جهت تشویق فعالیت شان اعطا نمایند، لازم است تا کار شورای مشورتی اقتصادی فعالتر گردد.

رفیق ببرک کارمل در باره جوانب معنوی و عرصه‌های ایدیولوژیکی توسعه پایه‌های اجتماعی صحبت نموده گفتند: اساس کار تربیتی ما باتوده‌ها را احترام و عزت به عنعنات تاریخی و فرهنگی، مدنظر داشتن روان ملی، اعتقاد و وفاداری مردم به دین مقدس اسلام، به سنن و عنعنات شایسته و رسوم پدران و نیاکان ما تشکیل میدهد.

حزب و دولت از فعالیت شریفانه و نجیبانه ملاها و روحانیون صلحجو و وطندوست که اعتبار کشور ما و اعتماد خلق ما سخت به آن ضرورت دارد، قدردانی میکنند. به نیازمندی‌های ملاهای دهات، به اعمار و تجدید ساختمان مساجد و مدارس که از طرف ضد انقلاب وحشیانه تخریب شده است توجه و مواظبت جدی را مبذول میداریم.

بیانید گام نوینی را برداریم و به حکومت وظیفه دهیم که مطابق به امکانات اقتصادی کشور پیشنهادهاتی را جهت کمک و تحت تأمین قراردادن تعداد هرچه بیشتر ملاها و منجمله ملاهای قطعات عسکری طرح و تدوین نماید. گرچه این امر میلیون‌ها افغانی مصرف را میخواهد اما چنین گامی ضروری است زیرا کشور ما اسلامی است به این ترتیب بار دیگر احترام خود را به دین مقدس اسلام با صداقت تأکید مینمائیم، بگذار دشمنان شیطان صفت و منافق و مخالف هر چه میخواهند به دستور بادران خود علیه اسلامیت و انسانیت ما بی‌شرمانه دروغ پراگنی کنند. مردم ما تجربه نهضت امانی را با خود دارند که استعمار و امپریالیزم چگونه بنام مقدس اسلام و سوء استفاده از دین، از تجاع سیاه قرون وسطایی را بالای کشور ما تحمیل میکند.

ما باید جهت توسعه و تحکیم پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی هر چه بیشتر با

علما و روحانیون به صحبت پردازیم و به آنان با حوصله فراخ، توضیح دهیم که اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک خلق افغان با احکام اساسی اسلام در باره استقرار صلح و امنیت ملی، برادری و برابری، ترقی و عدالت اجتماعی در تضاد نیست. افغان‌ها علمای متبحر اسلامی دارند، پیشنهاد ایجاد انستیتوت اسلام واقعی نه اسلام امریکایی، امپریالیستی و استعماری که به تربیت روحانیون جوان و وطنپرست پردازد ارائه گردد، جلسات و کنفرانس‌های اسلامی منطقه‌یی و بین‌المللی در کابل تشکیل گردد. باید به اعتبار و حیثیت شورای عالی علما و روحانیون افزوده شود و علما و روحانیون با دقت و سنجش بسوی حاکمیت دموکراتیک و انقلابی جلب کردند. علما، دانشمندان و مبارزان وطنپرست سرزمین افغان‌ها در طول تاریخ شهرت جهانی دارند و بیش از هزار سال است که دین از نفوذ عظیمی در کشور ما برخوردار است، وضع چنین است و باید آن را از لحاظ پایگاه اجتماعی در نظر داشت.

توسعه پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی بطور گسست ناپذیر با امحای بیسوادی ارتباط دارد. ما در این زمینه تجربه خوب داریم باید به مساعی خود در این رابطه بیافزاییم، علم و دانش در زندگی انسان مانند سلاح برای سرباز در جنگ ضرور است و حقیقت در باره حزب، اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک و حاکمیت خلق باید هر چه وسیعتر و بطور پیشرونده پخش و جنایات ضد انقلاب مسلح داخلی و خارجی افشا گردد. این کار را قبلاً نیز انجام میدادیم اما اکنون در این کار دشوار باید اعتقاد، حوصله مندی و جوش و خروش بیشتر دیده شود و باید با تمام قوت و با استفاده از سلاح نیرومند واقعیت‌ها در بین مردم به کار پرداخته شود و هر عضو حزب به مبلغین واقعی سیاسی مبدل گردند.

درست خواهد بود اگر حکومت تدابیر عملی را کمک بمکاتب، شفاخانه‌ها، کودکانستان‌ها و پرورشگاه‌ها اتخاذ نماید. اینکار باید در پلان رشد اقتصادی و اجتماعی برای سال آینده و در پلان پنجساله گنجانیده شود. به مناطق سکونت قبایل و هزاره جات و دیگر مناطق بسیار عقبمانده کشور باید توجه بخصوص صورت گیرد. عنعنه عالی که همه باهم یکجا به اعمار مکاتب می پرداختند باز هم باید احیا گردد، خلق خاطره شریفانه وطنپرستان و دموکرات‌هایی را که برای رشد پایه‌های مادی معارف و فرهنگ کمک‌های مالی مینمودند، هیچگاه فراموش نمیکنند.

در تاریخ جامعه ما همیشه قبایل که در یک منطقه وسیع سرزمین تاریخی ملی ما زیست می‌نمایند نقش فوق العاده مهمی را ایفا نموده اند، بدون قبایل توسعه و تعمیق پایه‌های اجتماعی افغانستان نوین بی مفهوم خواهد بود، دولت روابط خود را با قبایل بر اساس در نظر داشت و تأمین منافع اقتصادی، تجاری، مذهبی و عنعنوی شان بر مبنای عقد پروتوکول‌های همکاری و جلب گروه‌های مسلح آنان برای دفاع از وطن و احترام بخودگردانی قبایلی برقرار می‌سازد. کار مؤثر و سازنده در میان قبایل پشتون و بلوچ ضامن تحکیم استقلال و فروزانی مشعل انقلاب ملی و دموکراتیک خلق افغان است که هشیاری فوق العاده، زحمت فراوان و جدیت خاص ارگان‌های حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان را در ولایات سرحدی جداً می‌طلبد.

اما متأسفانه چنین نیز رخ میدهد که تماس‌ها و توافقات موجود با قبایل بخاطر عدم اجرای مواد پروتوکول‌ها از طرف وزارت‌ها و ادارات از بین می‌رود. اینکار باعث وارد آمدن لطمه به حیثیت و اعتبار دولت در نزد قبایل می‌گردد و مساعی سال‌های متمادی را مبدل به هیچ می‌سازد. شورای وزیران وظیفه دارد که این حقایق را مورد بررسی دقیق قرار داده و از مقصرین با خواست جدی بعمل آورد.

بعضاً این وقایع بنا بر عدم موجودیت هماهنگی و توافق در کار ارگان‌های دولتی در مناطق سکونت قبایل نیز رخ میدهد. کمیسیون هماهنگی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان جهت کار با قبایل نیز وظایف خود را با ید با جدیت کامل اجرا نماید و سطح مطالبات و کنترل را در عرصه کار میان قبایل مناطق سرحدی ارتقا دهد. تجربه حکم میکند که در جنب این کمیسیون باید گروه اپراتیفی کارمندان مسئول دارای صلاحیت‌ها و اختیارات کافی وجود داشته باشد تا بسیاری از مسایل را مستقیماً در محلات حل و فصل نمایند. مسئله وظایف گروه اپراتیفی کمیته کار قبایل کمیسیون در یک مجتمع باید بصورت مؤثر حل گردد.

لازم است تا کار توضیحی در بین قبایل آزاد پشتون و بلوچ سرحدی تقویت یابد. در ضمن باید دوربینی سیاسی احتیاط و واقع بینی فراموش نگردد و اوضاع پیچیده نظامی، سیاسی و نظام عنعنوی، تاریخی آزاد قبایل در منطقه سرحدی مدنظر گرفته شود.

وزارت امور اقوام و قبایل جمهوری دموکراتیک افغانستان در حل و فصل همه این مسایل مسئولیت و مقام خاصی را دارد. لازم است تا مسئولیت و صلاحیت‌های آن دقیق‌تر گردد و فوراً با فرستادن یکتعداد کادرهای ورزیده از دستگاه حزبی و دولتی که از مناطق قبایلی بوده و با خود قبایل مربوط باشد و در مسایل قبایل عمیقاً آگاهی داشته باشند جهت تقویت وزارت موصوف مقرر و تعیین گردد. همچنان بجاست اگر وزارت مذکور از لحاظ مادی نیز تقویت شود و کادرهای محلات که مستقیماً در مناطق قبایلی برای تشکیل قطعات سرحدی و ملیشا از بین افراد قبایلی اجرای وظیفه می‌نمایند مورد تشویق قرارگیرند. شورای انقلابی باید بر اساس پیشنهادات جرگه عالی قبایل سرحدی فرمانی را مبنی بر رعایت حقوق و آزادی‌های عنعنوی پشتون‌ها، ساختار موجود مناسبات درون قبایلی و بین قبایل صادر نماید.

نبايد فراموش کرد وقتی میتوانیم قبایل را با خود داشته باشیم که در ارگان‌های مرکزی و محلی سران و نمایندگان با اعتبار شان وجود داشته باشند. باید کار وزارت اقوام و قبایل تحت رهبری و مراقبت و مواظبت جدی مقام‌های رهبری حزبی و دولتی قرار گیرد. کار با قبائل سرحدی توأم با ستر سرحدات و جلب قبایل به جانب دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان باید در راس وظایف ارگان‌های محلی دولت و حزب بخصوص قوای مسلح و جبهه ملی پروطن در ولایات سرحدی قرار گیرد. همکاری و هماهنگی کار با ارگان‌های وزارت اقوام و قبایل در ولایات سرحدی پشتون و بلوچ وظیفه ملی وطنپرستانه ارگان‌های مربوط حزبی و دولتی بخصوص قوای مسلح میباشد.

ببرک کارمل گفتند: جوانب نظامی - سیاسی عادی ساختن اوضاع در کشور و توسعه پایه‌های اجتماعی توجه خاصی را می‌طلبد. قوای مسلح ج.د.ا تحت رهبری ح.د.خ.ا و به کمک انترناسیونالیستی و برادرانه اتحاد شوروی تا حدودی ثمربخشی عملیات جنگی را ارتقا بخشیده اند. اردو به نیروی عمده مبارزه با ضد انقلاب مبدل میگردد؛ قشر حزبی در قوای مسلح رشد می‌یابد. ساختار ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی آن بهبودی حاصل و تکامل میکند، اکنون اعضای اصلی و آزمایشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در اردو، خاندوی و خاد پرسونل قابل ملاحظه را تشکیل میدهند. بصورت مجموع ۶۲ فیصد اعضای حزب در قوای مسلح ج.د.ا اجرای وظیفه می‌نمایند.

لیکن ما باید با صراحت کامل و راساً این نتیجه گیری تلخ، اما عینی را نماییم که با وجود برتری تناسب قوای مسلح ما بالای دشمن هم از لحاظ نیروی انسانی و هم از لحاظ سلاح و وسایط جنگی، هنوز قوای مسلح ما چرخش بنیادی را در مبارز علیه ضد انقلاب مسلح بوجود نیاورده است، میدانید کسی یا خلقی راکه نتواند از خانه و کاشانه خود، از کانون خانواده خود از وطن خود دفاع نماید، به چه نام یاد میکنند. پدران و نیاکان ما چگونه توانستند شجاعانه و دلیرانه علیه اشغالگران استعمارگر خارجی بجنگند و چرا ما نمی‌توانیم اکنون اگر رهبران ملی مشهور نظامی و رهبران خلق افغان چون وزیر اکبرخان، میر مسجدی خان کوهستانی، امام بردی ازبک، میرزا احمد قندهاری، امین الله خان نایب لوگری، محمد عثمان خان پروانی، عبدالله خان، ببرک خان جنوبی، محمدجان خان وردک، ملامشک عالم و ایوب خان و دیگر قهرمانان با نام و گمنام تاریخ ملی ما که بارها اشغالگران انگلیسی را با شکست شرم‌آور مواجه ساخته اند زنده می‌بودند در باره قوماندانان ما چه قضاوتی میکردند.

نتیجه گیری یکی است و آن اینکه باید همه اقدامات لازم صورت گیرد تا قوای مسلح ما قادر به حل و فصل مسایل مربوط به دفاع از جمهوری دموکراتیک افغانستان، سرکوب باندهای صادر شده دشمن از خارج باشند و به نیروی شکست ناپذیر پیرومند انقلاب مبدل گردند.

با اعتقاد راسخ اعلام میدارم، ما همه شرایط و امکانات لازم را داریم که این وظیفه عمومی ملی را حل و فصل نماییم، ما کاملاً در حرف و عمل به اردوی آزادی بخش ملی خود اعتماد کامل داریم و از آن مواظبت دایمی مینماییم و به قوای مسلح انقلابی خود افتخار میکنیم، قوای مسلح مستقلانه میتواند از انقلاب دفاع کند و دفاع هم میکند. ولی باز هم در راه نیرومندی بیشتر اردوی خود سعی جدی را مبذول داریم، به آسانی میتوان دید که راه تحقق این پلان‌ها همان یگانه راهی است که در باره آن صحبت میکنیم، یعنی توسعه دایمی پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی و تحکیم همه جانبه ارتباط اردو با مردم، وحدت و دسپلین آهنین در قوای مسلح، همکاری و هماهنگی کامل و مطلق میان آنان، تنها به این ترتیب میتوان اكمال درست و واقعی قوای مسلح را تأمین کرد.

لازم است تامساعی تمام ارگان‌های حزبی و دولتی در اجرای جلب و احضار

گسترش مراکز تجمع بکار انداخته شود، وظایف هر ولایت مشخص گردیده و کنترل و بازپرسی تشدید یابد. توصیه میکنیم که به این مسایل در جلسات بیروی اجراییه کمیته‌های حزبی مورد ارزیابی قرار گیرد و پیشنهادات و نظریات در زمینه به کمیته مرکزی، شورای وزیران و وزارت دفاع فرستاده شود. در این کار کمیساری‌های نظامی نقش عظیم را دارا میباشند. لنین درباره همین کمیساری‌ها گفته است که «بدون کمیساری‌های نظامی ما صاحب اردو نمی بودیم»

سازماندهی موفقانه جلب و احضار مهمترین شاخص تمام کار حزبی، سیاسی و دولتی، هر کمیته ولایتی و هر ولایت است، بعد از پلینوم حتی فردا باید با تمام فعالین حزبی جمع شویم و این مساله را بطور اپراتیفی حل و فصل کنیم. روشن است که اگر پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی و ارتباط اردو با مردم توسعه حاصل کند جریان داوطلبان نیز افزایش می‌یابد، با تحکیم ارتباط اردو با مردم و مواظبت دایمی شب و روز قوماندانان و معاونان سیاسی روحیه و مورال سربازان و افسران نیز ارتقا می‌یابد. یک سلسله علل دیگر نیز وجود دارد اما ریشه همه آنها یکی و عبارت از ارتباط ضعیف اردو با مردم و عدم وسعت کافی پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی است؛ چرا قوای مسلح با پاکسازی مناطق یا ولسوالی و یا علاقه‌داری از وجود اشرار به تحکیم حاکمیت مردم در آن محلات کمک نمی‌کنند و از کار سیاسی در بین توده شانه خالی می‌نمایند، صحبت با مردم ترمیم پل‌ها، مکاتب و غیره وقت زیاد را نخواهد گرفت، اما از این کارها در نظر اول کوچک سیاست بزرگ یعنی تحکیم ارتباط اردو با مردم بدست می‌آید.

وزارت امور اقوام و قبایل، همه ارگان‌های حزبی و دولتی و مسئولین زون‌ها موظف اند تدابیر فوری را جهت اكمال گروه‌های مسلح سرحدی اتخاذ نمایند، ملاک مؤثر بودن و فعال بودن وزارت اقوام و قبایل کار سازماندهی و بازهم سازماندهی کار تبلیغی و ترویجی در میان قبایل است، ارگان‌های محلی باید در کار ستر سرحدات از پشتیبانی اردو، خاندنوی و خاد برخوردار باشند.

بیروی سیاسی به وزارت‌های دفاع و امور داخله و ریاست عمومی امور سیاسی و وظیفه می‌سپارد تا در هر ربع سال مجموعی مسایل مربوط به ستر سرحدات را در جلسه هماهنگی و همکاری مشورتی مشترک مورد ارزیابی قرار دهند و به عمل و کار اپراتیفی بپردازند.

اردوی ما و سرباز اردوی ما به آغوش گرم و مواظبت دایمی تمام مردم و به دولت و تمام رهبران و فعالین بخصوص حزبی‌ها ضرورت دارد و باید اردوی پرافتخار خود را دوست داشته باشند و سربازان را هنگام عزیمت جانب عملیات محاروبی و هنگام مواصلت از آن با شور و شوق استقبال نمایند، باید کار چنان سازمان داده شود که مردم برای هم قشلاقان و رفقای خود که در قوای مسلح خدمت میکنند نامه‌های وطنپرستانه و تحایف بفرستند، ما انتظار داریم که اردو، وزارت تعلیم و تربیه و مخصوصاً سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان کار وسیع را جهت تربیت نظامی و وطنپرستانه جوانان با نشان دادن مثال‌های قهرمانی سربازان و افسران قوای مسلح سازمان دهند و بر علاوه مردم باید درباره مبارزه با ضد انقلاب نه از طریق آوازه‌ها و شایعات بلکه از منابع رسمی، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها و سخنوری‌های شفاهی به زبان ساده خودشان مطلع شوند، متأسفانه در چنین زمان دشوار و پیکار عادلانه انقلابی تلویزیون ما پر از برنامه‌های تفریحی است، افغانستان مبارز باید چهره جدی و مردانه داشته باشد، روحیه رزمی و انقلابی مردم را بایدار تقا بخشید، به کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نامه‌ها و نظریات کارگران و منسوبین عسکری درباره تعیین روز جشن سرتاسری نیروهای مسلح ج.د.ا مواصلت میورزد، آماده‌گی و برگزاری چنین روزی به تربیت حس احترام مردم نسبت به اردو، خاندنوی و خاد مساعدت خواهد کرد.

کمیته مرکزی ج.د.خ.ا، شورای انقلابی و شورای وزیران ج.د.ا تصمیم دارند که در آینده نیز مواظبت لازم را در زمینه بهبودی ترکیب کادرهای اردو میذول دارند و در عین حالی که بازپرس و مطالبه جدی را باید ارتقاء دهند، در کارشان کمک‌های لازم را نیز به عمل آورند. معیار اساسی برای ارتقای افسران باید وفاداری به امر انقلاب آشتی ناپذیری با ضد انقلاب داخلی و خارجی، توانایی رهبری، سوق و اداره ماهرانه قطعات و جزوتام‌ها، وحدت و دسپلین پذیری آهنین باشد.

افسران ما باید بدانند عدم اجرای وظایف، مورد بازپرس جدی قرار گیرد. آنان صرف بر خدمات محاروبی و اجرای درست وظیفه نظامی خود افتخار کرده می‌توانند؛ در این صورت مورد احترام و اعتماد، رهبری حزبی و دولتی و مردم قرار میگیرند.

حزب و حکومت در آینده نیز توجه خواهند نمود که قوت محاربوی قوای مسلح متشکل از افراد دارای مهارت عالی محاربوی سازمان پذیری، دسپلین عالی و وفاداری به وطن و وظیفه وطنپرستانه باشند، حزب تأثیر سازماندهنده و سمت دهنده خود را بالای فعالیت قوای مسلح تقویت و اصول رهبری واحد را تحکیم و نقش ارگان‌های سیاسی و سازمان‌های حزبی اردو، خارندوی و خاد را ارتقا می‌بخشد، سعی خواهد شد که ارتباط آنان با توده‌های مردم تحکیم و تقویت یابد، قوماندانان و رهبران قوای مسلح باید آگاه باشند که قوای مسلح ما باید قوای مسلح طراز نوین انقلابی باشد و تحت رهبری حزب و اطاعت از رهبری حزبی و وظیفه مقدس ملی و انقلابی خود را وطنپرستانه و فداکارانه اجرا می‌نمایند و هم باید اجراء نمایند.

کمیته مرکزی حزب مطمئن است که سازمان‌های حزبی، دولتی، ارگان‌های حاکمیت محلی و هر وطنپرست کشور به تحکیم و تقویت اردو، خارندوی و خاد و ارتقای قابلیت محاربوی آنان کمک خواهند کرد، بجاست درینجا حرفهای لنین را بیاد آوریم که می‌گفت: «هر آن کس که بطور کامل و با از خود گذری به اردو کمک نمیکند و با تمام نیرو از نظم و دسپلین در بین آن پشتیبانی نمی‌نماید خاین و وطن فروش است.» در شرایط مغلق و پیچیده کنونی باید رابطه با اردو همین طور مطرح شود، فقط همین طور، اعتماد و باز هم اعتماد به قوماندانان و معاونان سیاسی و تمام منسوبین قوای مسلح توأم با سازماندهی درست نظامی، بازخواست و مطالبه جدی از آنها در امر تقویت اردو و افزایش مؤثریت آن با اشرار مسلح بدرجه عالی و کشف ایجننت‌های دشمن در قوای مسلح، وحدت عام و تام و برخورد عادلانه و عینی در برابر افسران بدون جانبداری‌های این و آن. این است دستور حزب.

حزب و دولت ایجاد سیستم و احد و کمپلکس دفاعی را که اردو، خارندوی، خاد، گروه‌های مدافعین انقلاب، گروپ‌های دفاع خودی و قوت‌های قبایلی و ملیشا اجزای مرکبه آن را بسازند، تسریع می‌بخشد، حزب تمام نیروها را در یک مشت جمع میکند و بر مینای رعایت قاطع و جدی اصل کار دستجمعی در مسائل اصولی و رفع این و آن سو تفاهم این مشت متحد، واحد و پر قدرت را به نیروی دشمن شکن مبدل میکند. یک گام هم نباید عقب گذاشت.

ببرک کارمل ضمن صحبت در باره جوانب بین‌المللی عادی ساختن اوضاع در

افغانستان و اطراف آن گفت :

اصول سیاست خارجی ما با صراحت فورمولبندی شده است و به همه کس روشن است، خلق افغان که آماج مداخله مسلحانه امپریالیزم و ارتجاع و هژمونیزم عمدتاً امریکا، پاکستان، ایران و چین قرار گرفته است همراه با تمام انسان‌های با وجدان سیاره ما بانگ رسای خود را در دفاع از صلح و امنیت، جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی و بخاطر همکاری بین‌المللی بلند میکند.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطابق به اراده تمام مردم کشور از پیشنهادات سازنده و ابتکارات صلح جویانه اتحادشوروی که میخایل سرگیویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مذاکرات ژنیو با رئیس جمهور ایالات متحده ریگن مطرح ساخته است کاملاً پشتیبانی میکند، ما عقیده راسخ داریم که سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای همبستگی سوسیالیستی راه‌های واقعی را بسوی تغییرات مثبت در اوضاع جهان و منطقه ما نشان میدهد.

توسعه و تحکیم مواضع بین‌المللی ح.د.خ.ا و جمهوری دموکراتیک افغانستان رشد جنبش همبستگی با مبارزه خلق افغان علیه امپریالیزم و ارتجاع خارجی وظیفه مبرم است، برای اینکار باید اندیشه‌های انقلاب ملی و دموکراتیک ثور و تحولات جاری در کشور با پیگیری بیشتر تبلیغ گردد و مداخلات ایالات متحده امریکا، چین، پاکستان و ایران و سایر کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی وابسته به آنها در امور داخلی کشور ما وسیعاً افشا شود.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان با بیش از ۱۳۵ حزب و سازمان کمونیستی، کارگری و دموکراتیک انقلابی ارتباط دارد ولی هنوز بصورت وسیع و همه جانبه از این روابط استفاده لازم به عمل نمی آید، فوق‌العاده مهم و مفید است که تماس‌ها با کشورهای غیرمنسلک و مخصوصاً کشورهای اسلامی و سازمان‌های کشورهای اسلامی، توسعه و تحکیم حاصل نماید، لازم است که روابط بین‌المللی جبهه ملی پدروطن، سازمان صلح، همبستگی و دوستی، اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و اتحادیه‌های روشنفکران ایجادگر، وزارت ثنون اسلامی و اوقاف و شورای علما و روحانیون

بسط و توسعه یابند، هر هیات و یا فرد دولتی و حزبی که خارج می‌رود باید مطابق رهنمود های تدویر شده وظایف و ظنیرستانه انقلابی خود را در عرصه بین‌المللی ایفا کند، وزارت خارجه و نماینده‌گی‌های سیاسی ما در خارج کشور ضعیف کار میکنند در حالیکه میتوانند کار به مراتب بیشتر را برای تحکیم مواضع بین‌المللی جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام دهند.

سرنوشت هموطنان ما که بنابر علل مختلف در خاک‌های کشورهای همسایه و مخصوصاً پاکستان و ایران قرار دارند موضوع مورد علاقه و مسئولیت خاص حزب و دولت است، در ظرف سال ۱۳۶۳ و نیمه اول سال جاری هزاران نفر به وطن مراجعه نموده اند، برای حل و فصل تمام مسائل مربوط به پذیرش این هموطنان باید کار کمیسیون خاص شورای وزیران و مخصوصاً نماینده‌گی‌های آن در محلات تقویت یابد.

اجرای موفقانه وظایف بخاطر ایجاد پایه‌های اجتماعی نیرومند و عادی ساختن اوضاع در کشور مستلزم ارتقای بیشتر نقش رهبری کننده حزب دموکراتیک خلق افغانستان است، حزب نیروی جهت دهنده و سازمانده جامعه ما بوده و بیانگر منافع بنیادی و طویل‌المدت دولتی و ملی خلق است. اعضای حزب امتیاز بجز قرار گرفتن در صفوف نخستین مبارزان شجاع بخاطر دفاع از انقلاب، مصالح ملی، منافع خلق و فرزندان افغان، سعادت و شگوفایی و ترقی وطن ندارند. حزب دموکراتیک خلق افغانستان اصول و نظریات خود را بر هیچکس تحمیل نکرده و به نظریات همه وطن پرستان ترقیخواه دموکراتیک و ملی احترام می‌گذارد، حزب مناسبات با تمام اقشار و طن پرست جامعه، با سازمان‌های اجتماعی را بر اساس همکاری سازنده و احترام متقابل استوار می‌سازد، حزب دموکراتیک خلق افغانستان در شرایط مشخص کنونی باید مقام خویش را در جامعه دقیق سازد و مسئولیت عظیم بخاطر حال و آینده وطن را با متحدین خود بطور اصولی و عادلانه مشترک سازد و آنانرا بخاطر امر سترگ ملی مشترک جلب کند، باید مؤثریت کار تمام سیستم سیاسی، هر سازمان اجتماعی و قبل از همه جبهه ملی پدر وطن، اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان و سازمان دموکراتیک زنان ارتقا یابد. لازم است که حزب با کار عملی خویش به اجرای وظایف متذکره مساعدت نماید.

حزب و قبل از همه فعالین و کمیته مرکزی آن باید محدودیت و تنگ نظری را رفع نمایند، لازم است تا از اعلام شعارها و فراخوانی‌ها و دعوت‌ها در حرف بگذریم و به عمل بپردازیم. در آنجایی که سرنوشت انقلاب حل و فصل میشود، باید بحیث مرکز کار حزبی، سیاسی ما مبدل گردد، حزب باید بر کلیه شکل‌های فعالیت اجتماعی و مسایل مبارزه مسلط با شد.

یکی از مسایل مهم اینست که پایه اجتماعی حزب به حساب جلب وسیع و فراوان نمایندگان آگاه خلق زحمتکش و در درجه اول کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، سربازان و خوردضابطان و نمایندگان با اعتبار و آگاه تمام ملیت‌ها، اقوام و قبایل کشور توسعه یابد.

هنگامی که در باره ضرورت چرخش حزب بسوی مردم حرف زده میشود قبل از همه به این معنی است که اعضای حزب و سازمان‌های حزبی در همه جا، در بین توده‌ها کار کنند و آنها را بر پایه تجربه خودشان آموزش داد و روحیه و خواست مردم را بدانند و به موقع در برابر آن عکس‌العمل مطلوب و لازم نشان دهند، باید علاوه کرد که سازمان اولیه حلقه اساسی ارتباط حزب با توده‌های مردم در شهرها و مخصوصاً در ادارات دولتی است.

کار با گروپ‌های هواداران و علاقمندان حزب به کندی پیش میرود، این وظیفه سازمان‌های حزبی است، این امر را طوری که اساسنامه حزب به آن حکم میکند سرعت بخشند.

سفر اعضای بیروی سیاسی و منشی‌های کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و وزرا به ولایات باید به امر روزمره و دایمی مبدل گردد، در حال حاضر ثمربخشی چنین سفرها پذیرش مردم و صحبت‌های اعضای بیروی سیاسی و منشی‌های کمیته مرکزی در کلکتیف‌های زحمت‌کشان، نظامیان و محصلان یک امر ضروری و بسیار با اهمیت است، باید گفت که کار ایدیولوژیک سیاسی توده‌ای حزب دموکراتیک خلق افغانستان هنوز پاسخگوی مقتضیات زمان نیست، به تربیت سیاسی و وطنپرستانه به صورت وسیع و همه‌جانبه کمکت نمی‌رساند و آماده‌گی برای دفاع از وطن و انقلاب را به شکل بنیادی پرورش نمیدهد. کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و موسسات ایدیولوژیک به مسایل استقرار و تحکیم معیارهای اخلاقی و مورال انقلابی و

توسعه دید سیاسی زحمتکشان ارزش لازم قایل نیستند، نقش سازماندهنده و بسیج کننده وسایل اطلاعات جمعی کاهش یافته و فعالیت ایدیولوژیک به کار روز مره هر سازمان حزبی و هر یک از کارمندان حزبی مبدل نگردیده است، ما غرق حرف‌ها و شعارهای عمومی شده ایم، اما زندگی کار مشخص را می طلبد، یک سلسله مسایل خاص وجود دارد که باید در جلسه سراسری ایدیولوژیک در ماه جدی مطرح شود، کار ایدیولوژیک و سیاسی توده‌ای کار، همیشگی و پیگیر همه روزه و همیشه حزب است.

جهت اساسی کار درون حزبی را مانند سابق باید تحکیم وحدت صفوف حزب تشکیل دهد. باید مبارزه با عدم اصولیت و دورویی و انتریک بازی و اختلافات بچگانه را تقویت بخشید و با هرگونه اشکال مظاهر مسایل قبیلوی، محلی، فامیل پرستی، خویش خوری، رفاقت بازی شخصی، محفل سازی و فراکسیون بازی آن هم به شکل جاهلانه و بی فرهنگ، خودسرانه، خودخواهانه، مقام پرستی و رتبه پرستی، جلب ناراضی‌ها و طردشده‌گان در حزب، علیه حزب و تمام آنچه که حزب را از مبارزه بخاطر اهداف و آرمان‌های آن باز میدارد، پیکار جدی نمود. زندگی می آموزد که وحدت حزب مربوط به آماده گی و دسپلین پذیری اعضای حزب است آنانی که از تصامیم حزبی اطاعت نمیکند. اساسنامه و خواست حزب را زیرپا میگذارند در حزب ما جا ندارند و ما تصمیم نداریم که از این فیصله پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب عقب نشینی کنیم.

بیرک کارمل گفتند: باید اصول حزبی انتصاب و انتخاب و جابجا ساختن کادرها همیشه مد نظر باشد. باید کادرهای رهبری ثابت قدم را پرورش داد، تلفیق اصل حسن اعتماد و برخورد و رفیقانه و عینی با بازپرسی و دسپلین شدید حزبی باید اساس کار ما با کادرهای رهبری را تشکیل دهد، کمیته‌های حزبی موظف اند تا کارگران، دهقانان، زنان و جوانان را به کار رهبری حزبی پیش بکشند و آنانی که نمیخواهند بطور حزبی و با روحیه قوی انقلابی کار کنند باید عقب بروند، درختی که میوه آن چیده شده است نباید تکانده شود.

در مسأله نماینده‌گی اقلیت‌های ملی در ارگان‌های رهبری کشور ضعف‌ها و کمبودهای جدی وجود دارد. کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی با اتکا بر اسناد برنامه‌ی حزب در مرحله انقلاب ملی و

دموکراتیک و با در نظر داشتن شرایط واقعی مناسبات ملی، عنعنات و فرهنگ مردمان کشور به نفع تحکیم وطن و احد مان افغانستان مستقل و تحکیم وحدت ملی خلق‌های افغان و ایجاد اعتماد متقابل برادرانه و عملی آنها تشخیص و تعیین خواهد کرد. دورنمای حل عملی و علمی و بنیادی مساله ملی در کشور به اساس اراده توده‌های عظیم خلق روشن و واضح است که جای هیچگونه سوال و عوامفریبی را بوجود آورده نمیتواند؛ دوستی و برادری و برابری و وحدت خلل ناپذیر خلق‌های افغان در عمل تضمین است این ناشی از اراده خود خلق‌های کشور ماست.

کار عظیم سازمانی و عملی جهت توضیح تصامیم شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در برابر ما قرار دارد، فکر میکنم که مواد پلینوم محتوی اساسی جلسات سازمان‌های اولیه حزبی را در ماه‌های قوس و جدی تشکیل خواهد داد، در جریان این جلسات باید توجه اساسی به اشکال و میتودها، شیوه‌ها و سبک‌های درست کار با توده‌های مردم صورت گیرد.

لازم است که زمینه را برای انتقاد سالم و عینی، سازنده و مؤثر و همچنان انتقاد از خود و اعتراف به اشتباهات و تصحیح در جلسات گزارشدهی آینده آماده سازیم، وطنپرست واقعی که کشور خود را دوست دارد و با کمبودی‌ها موجود بطور واقعی مبارزه میکنند، تلاش دارد که جامعه ما سالم باشد و شخصاً انقلابی شرافتمند و فداکار باشد، بیایید که در برابر انتقاد سالم سر فرود آوریم، با ید برای انتقاد و انتقاد از خود بطور رو در روی و اصولی زمینه را مساعد ساخته یک حزب طراز نوین انقلابی و واقعی که انقلاب و جامعه را رهبری میکند، بوطن و مردم خود عشق دارد و با نقایص بطور خستگی‌ناپذیر مبارزه میکند میخواهد که جامعه و کشور خود را آرام، پر غرور و سربلند و مترقی ببیند و وطن نوین خود را ایجاد کند، بیایید که در برابر انتقاد اصولی و به موقع سر احترام را فرود آوریم. حق گوی باشیم. اصولیت و قانونیت انقلابی را نجیبانه رعایت کنیم.

کمیته مرکزی دربارهٔ انسان‌ها، کادرهای رهبری و کارمندان حزبی و دولتی بر اساس کار شان و ثمربخشی فعالیت شان در کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی و دولتی و وزارت‌ها قضاوت خواهد کرد. باید کار اپارات کمیته مرکزی را بطور بنیادی بهبود بخشید و وظایف منشی‌های کمیته مرکزی را مشخص تر و جدی تر و فعالتر و مؤثرتر ساخت، بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب

دموکراتیک خلق افغانستان چنان عمل خواهند کرد که در همه جا کنترول و باز پرس حزبی و بازپرسی اشخاص و اجرای واقعی کار، انضباط آهنین و اراده متین حزب را درک کنند، تحقق وظایف که پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان مطرح می سازد آزمایش قابلیت و توانایی همه کادرهای حزبی از پائین تا به بالا است.

پلینوم مایک سلسله برخوردهای نوین را در قسمت اجرای وظایف عمده انقلاب ثور مطرح میسازد، ارگانهای حزبی و دولتی تمام اعضای حزب موظف اند که در اوضاع و احوال کنونی سمت درست فعالیت را دریابند و خود را موافق با وظایف و مطالبات نوین عیار سازند، احکام پلینوم کمیته مرکزی و اعلامیه شورای انقلابی ج.د.ا باید کاملاً و بطور بلا انحراف مورد تطبیق قرار گیرند.

در این امر مسئولین زونها، منشیهای کمیتههای ولایتی، والیها و روسای کمیتههای اجراییه جرگهها (شورا) نقش قاطع و فیصله کن را دارند، توانایی آنان برای انجام امر آغاز شده و قابلیت شان برای اجرای وظایف، سرنوشت پلانهای ما را تعیین میکند، بارها شنیده میشود که در نتیجه همکاری و هماهنگی ضعیف ارگانها و مسئولان حزبی و دولتی و قوای مسلح در محلات وظایف جدی و مبرم عملی نمیگردد، اما هماهنگی و همکاری را نمیتوان از کابل فرمان داد، چرا در زون شمال همه کس از دساتیر رفیق میهن پرست پیروی میکنند، زیرا که سازمانده پراورزی و توانا و با ابتکار از به عهده گرفتن مسئولیت نمی ترسد و همیشه روابط با خلق را تحکیم می بخشد، موفقیت کار همیشه مربوط به اعتبار و توانایی شخص هماهنگ سازنده است، از این نمونه ها باید الهام گرفت و آموخت، این نمونهها باید به رهنمای عمل هر رهبر، هر وطنپرست، هر کولکتیف و هر سازمان حزبی مبدل گردد.

ما با برانگیختن حزب بخاطر برخورد نوین نسبت به مساله توسعه و تحکیم پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق همیشه این توصیه لنین را بیاد داریم که میگفت: «حزب با حفظ خون سردی و تحمل، با تصحیح اشتباهات گذشته بطور قطع اکثریت را در میان تودهها حاصل خواهد کرد و با حوصله مندی روابطی را ایجاد خواهد کرد که توانایی رهبری توده ها را در همه شرایط داشته باشند.» درین مورد میتوان علاوه کرد که حزب باید تاکتیک خود را به سرعت تغییر دهد و اشکال و میتودها

و سبک‌های لازم مبارزه را مطابق به شرایط و وضع جستجو نماید.

درین زمینه باید به یاد داشت که حرکت به پیش بسوی ترقی اقتصادی و اجتماعی بطور بلانحراف و دایمی تأمین گردد. سرنوشت انقلاب مربوط به آن است که پایگاه اجتماعی حاکمیت خلق را بسط و توسعه داده میتوانیم یا نه؟ اگر انقلاب از پشتیبانی همه جانبه توده‌ها برخوردار گردد در آنصورت مبارزه بخاطر صلح و آرامش و عادی ساختن اوضاع در کشور شکل دیگر را خواهد گرفت که به حل و فصل اوضاع اطراف افغانستان از لحاظ بین‌المللی نیز تأثیر وارد میکند، تحکیم ارتباط حزب با مردم وظیفه دولتی است و برای کادرهای حزب، کادرهای انقلاب آزمایش توانایی شان میباشد.

در خاتمه می‌خواهم خاطر نشان کنم که همه ما از رهبران تا صفوف باید برخورد خود را با توده‌های مردم تغییر دهیم ما حق نداریم آنچه که امروز انجام داده میتوانیم به فردا موکول سازیم، وظیفه ستراتیژیکی ما این است که با احتیاط لازم ولی خلاق و با قبول مسئولیت دلیرانه به پیش برویم. این وظیفه، حکم اوضاع و احوال داخلی و خارجی است، توقف در جای خود بشکل، شیوه و سبک کارکردن دیروز که بدرد امروز و فردا نمیخورد، حکم مرگ را دارد. ما زمان زیادی را از دست داده ایم اکنون باید حساب خود را از سال‌ها و ماه‌ها پیش ببریم؛ اشتباهات و انحرافات گذشته را هرچه سریع‌تر باید تصحیح و جبران کنیم و تمام امراض و انحرافات و گروه‌بندی‌های گذشته را در هر سطحی که باشد قاطعانه برطرف سازیم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی معتقد است که هر عضو کمیته مرکزی حزب و هر عضو حزب حساسیت و اهمیت حیاتی وضع کنونی را درک نموده، تمام تدابیر لازم را انجام بدهد تا امر انقلاب تقویت و تحکیم پذیرد و دوستان ما خشنود و آتش در جان دشمنان ما بیافند، اعضای حزب باید برای همه خلق مانومنه باشند این عمده‌ترین مطلب است.

توسعه و تحکیم پایه اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق بخاطر قطع فوری مبارزه مسلحانه، بخاطر انسان و استقرار صلح و امنیت و عادی شدن هر چه سریعتر اوضاع در جمهوری دموکراتیک افغانستان باید به امر مقدس و تلاش فداکارانه هر روز ما مبدل گردد. این فورمولبندی ماهیت مشی کنونی حزب ما را مشخص میسازد.

با توجه و بصورت جدی باید شب و روز کار کرد و قهرمانانه و دلیرانه مبارزه نمود، با عشق سوزان انقلابی از یک پیروزی به پیروزی دیگر با موفقیت و صلابت گام نهاد و به جلورفت. این شعار امروز حزب است، این وظیفه، مشی نوین و نتیجه گیری از اوضاع و احوال سیاسی در کشور است که بیروی سیاسی در برابر پلینوم کمیته مرکزی حزب ما حزب دموکراتیک خلق افغانستان میگذارد تا دربارہ تصمیم صریح و قاطع اتخاذ گردد.

قشرده مصوبه شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در باره:

«توسعه پایه های اجتماعی کمیت انقلابی خلق و تبلیغ مزید جهت عادی ساختن موضوع در کشور»

کابل ۳۰ عقرب ۱۳۶۴

پلینوم فیصله کرد تا هدیایات و نتیجه گیری های مندرج بیانیه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بصورت بلاانحراف ملاک عمل قرار گیرد و نتایج کار پلینوم در جلسات فعالین و پلینوم های کمیته های حزبی ولایتی و معادل آن، شهری، نواحی، ولسوالی، علاقه داری، ارگان های سیاسی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و در تمام سازمان های اولیه حزبی در ماه های قوس و جدی ۱۳۶۴ مطرح بحث قرار گیرد و دارالانشا کمیته مرکزی و شعبات کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کمیته های حزبی ولایتی، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، وزارتخانه ها و ادارات و سازمان های اجتماعی، تدابیر مشخص را جهت تطبیق و وظایف مطروحه در پلینوم اتخاذ نمایند.

پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز س های ببرک کارمل را که در جلسه فوق العاده و وسیع شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مورخ ۱۸ عقرب ۱۳۶۴ رایه نمودند و اعلامیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان مورخ ۲۳ عقرب ۱۳۶۴ را در مورد خصلت ملی و دموکراتیک انقلاب ثور و وظایف آن در شرایط کنونی کاملاً تأیید نمود.

پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تأکید نمود که تحکیم و توسعه پایه های اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق، جلب متحدین سیاسی از بین تمام اقشار جامعه، همکاری وسیع سراسری ملی به نفع قطع خونریزی، اعاده صلح و آرامش در سر زمین افغان ها و وظیفه عمده حزب و دولت بحساب میرود.

به ارگان های حزبی و دولتی، سازمان های اجتماعی و وظیفه داده شده است تا کار

وسیع را جهت مطالعه و تشریح اسناد و مواد شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اعلامیه شورای انقلابی و همچنان بسیج زحمت کشان بخاطر تطبیق بلاقید و شرط آن رویدست گیرند.

برخورد جدید نسبت به تشکیل ارگان‌های رهبری به نفع توسعه پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی عملی خواهد گردید. تدابیر مشخص جهت تکمیل فعالیت آنها هم در مرکز و هم در محلات اتخاذ شده است.

پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ارگان‌های حزبی توصیه کرد، کار هدفمند را جهت تشکیل و تحکیم حاکمیت انقلابی خلق در محلات به پیش برند، شکل عنعنوی حاکمیت مردمی که عبارت از جرگه‌های محلی میباشند، بصورت همه جانبه رشد داده شود و با آنها کمک‌های لازم غرض ایجاد شرایط کار صلح‌آمیز و بهبود عرضه خدمات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای اهالی مجذول گردد.

پلینوم کمیته مرکزی تصویب نمود تا کار تدویر انتخابات ارگان‌های محلی قدرت دولتی تشدید یابد و از شوراهای موسفیدان استفاده فعالتر بعمل آید. به هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظیفه داد تا مسئله وارد آوردن تعديلات لازم در قانون ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی را بغرض قانونیت بخشیدن به شوراهای موسفیدان مورد مطالعه قرار دهد. نمایندگی مسئولین جرگه‌های ولایتی در ارگان‌های رهبری جبهه ملی پدروطن پیشبینی گردد.

پلینوم به بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، وزارتخانه‌ها، ارگان‌های حزبی و دولتی در محلات وظیفه داد تا در مورد برخورد جدید نسبت به تحکیم پایه‌های اقتصادی و اجتماعی حاکمیت مردمی تدابیر اتخاذ نمایند و کار تطبیق اصلاحات ارضی و آب قبل از همه در محلاتی که از وجود اشرار پاک میگردد، تشدید یابد. کمک‌های مالی و تخنیکی به دهقانان کم زمین و متوسط‌الحال بمنظور افزایش تولید محصولات و فروش قسمت اضافی آن مجذول گردد. به حفظ و دفاع از منابع آب و تأسیسات آبیاری توجه خاص معطوف گردد. فعالیت کوپراتیف‌های دهقانی جهت عرضه قرضه مالی به دهاقین که از جانب دولت حمایت میگردند وسیعاً گسترش

یابد. پلینوم به بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان وظیفه داد الی اخیر سال ۱۳۶۴ جریان تحکیم و توسعه نتایج لویه جرگه تاریخی، جرگه عالی قبایل سرحدی را مورد بررسی قرار دهند. مشی تأمین پیوند هرچه نزدیکتر با قبایل، اقوام و ملیت‌های کشور هرچه پیگیر تعقیب گردد.

همکاری با اقوام و قبایل توسعه یابد، شرایط لازم برای آنها جهت حفظ سرحدات وطن و تبدیل مناطق قبایل نشین به منطقه صلح ایجاد گردد.

شورای وزیران و وزارتخانه‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان شرایط پروتوکول‌هایی را که با اقوام و قبایل عقد میگردد، جداً رعایت نمایند. جهت تسریع انکشاف صنایع، زراعت، ترانسپورت، تجارت و حفظ الصحه در ولایات سرحدی تدابیر لازم اتخاذ گردد، کمک‌های لازم به مکاتب، شفاخانه‌ها و تأسیسات برای اطفال در مناطق قبایل نشین و هزاره جات و دیگر مناطق بسیار عقب مانده کشور مبذول گردد. غرض عودت مهاجرین به وطن تدابیر مزید بشمول اقدامات مادی اتخاذ گردد.

پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان فیصله نمود تا سطح مسئولیت ارگان‌های حزبی و دولتی هم در مرکز و هم در ولایات از وضع اردو، خاوندوی و خاد و نخست از همه اکمال شان ارتقا یابد، مردم با روحیه احترام به قوای مسلح ج.د.ا به مثابه مدافع مطمئن دستاوردهای انقلاب ملی و دموکراتیک هرچه پیگیرتر تربیه گردند.

در جلسات بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، هیات رئیسه شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، بیروهای اجرائیه کمیته‌های حزبی ولایتی و همچنان در اورگان‌های محلی اداره و قدرت دولتی مسایل بذل کمک به قوای مسلح و نگهداشت سطح قابلیت محاربوی و تحکیم پیوند آنها با مردم مورد بررسی قرار گیرد.

به وزارت دفاع، وزارت امورداخله و ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی ج.د.ا وظیفه داده میشود تا یکجا با کمیته‌های حزبی ولایتی کار کمیسیون‌های جلب و احضار کمیساری‌های نظامی را بهبود بخشند.

به وزارت دفاع ج.د.ا وظیفه داده شد تا تدابیر تأخیرناپذیر را جهت ارتقای سطح قابلیت محاربه‌ی قوای سرحدی اتخاذ نماید، آنها باید بصورت کل اکمال و با اسلحه و وسایط تکنیکی مجهز گردند. ملیشه‌ها، کندک‌ها و غندهای داوطلب به امر محافظت سرحدات هرچه وسیعتر جلب شوند.

پلینوم کمیته مرکزی توجه وزارت‌های دفاع، وزارت امور داخله و ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی و همچنان کمیته‌های حزبی ولایتی را به ضرورت ستر مطمئن سرحدات ج.د.ا با پاکستان و ایران جلب نمود.

پلینوم تأکید نمود تا در سیاست خارجی حزب و دولت تحکیم موقف و اعتبار ج.د.ا در عرصه بین‌المللی، افشای مداخلات ایالات متحده امریکا، چین، پاکستان، ایران و سایر کشورهای وابسته در امور داخلی ج.د.ا عمده‌ترین جهات را احتوا نماید. علیه تلاش‌های امریکا غرض تهدید به اصطلاح مسأله افغانستان، در سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی فعالانه کار دیپلوماتیک بعمل آید.

در فعالیت سیاست خارجی به پشتیبانی از ابتکارات صلح جویانه جدید اتحادشوروی، مبارزه اتحاد شوروی بخاطر تحکیم صلح و امنیت خلق‌ها که در مذاکرات منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق م. س. گرباچف با رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکاریگن در ژنیو پیشنهاد گردید، توجه خاص مبذول گردد. به کمیته‌ها و سازمان‌های حزبی وظیفه داده شده تا اشکال و شیوه‌های کار خود را در زمینه توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب، تحکیم قوای مسلح، رشد و انکشاف اقتصاد، عادی ساختن اوضاع در کشور تکمیل و بهبود بخشند.

به بیروی سیاسی، دارالانشا و کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان وظیفه داده شده تا طرح اسناد مرامی را با سازماندهی عملی آنها تلفیق نموده و مطالبات در برابر کمیته‌های حزبی بخاطر اجرای بلاقید و شرط مصوبات حزب و دولت و فیصله‌های خودشان را ارتقاء دهند.

به تحکیم قدرت سازمانی و سیاسی حزب و وحدت صفوف آن توجه جدی مبذول گردد.

به افزایش سهم کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، سربازان و خوردضابطان در بین

آنانی که به حزب پذیرفته میشوند توسعه شبکه‌های سازمان‌های اولیه حزبی در مناطق روستایی، میان پیشه‌وران و تاجران، در موسسات سکتور خصوصی، در مناطق سرحدی توجه جدی مبذول گردد.

نقش کمیته‌های حزبی به مثابه ارگان‌های رهبری سیاسی ارتقاء یابد، رعایت جدی و بدون انحراف اصول حزبی در انتصاب و انتخاب، پیش کشیدن و آماده ساختن کادرهای رهبری کننده تأمین گردد، ضرور است تا هر یک از مسئولین شیوه‌های معاصر رهبری را بصورت جدی کسب نمایند.

انتقاد سالم و سازنده و انتقاد از خود بمثابه عمده ترین شیوه آبدیده گی و تریبه کادرها وسیعاً گسترش داده شود.

با جرئت بیشتر جوانان، کارگران، دهقانان، زنان و نمایندگان اقلیت‌های ملی به مقامات حزبی و دولتی پیش کشیده شوند.

سعی بعمل آید تا سهم سازمان‌های توده‌یی - اجتماعی یعنی جبهه ملی پدر وطن، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های جوانان و زنان در امر توسعه پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی و جلب توده‌های وسیع مردم به پروسه انکشاف انقلاب و دفاع از آن افزایش یابد.

جهت تحکیم سازمان‌های فوق الذکر از لحاظ کادر و برقراری پیوند وسیع با مردم و بخصوص با اقوام و قبایل و اقلیت‌های ملی و همچنان غرض افزایش اعضای جدیدالشمول و گسترش شبکه سازمان‌های شان در قریه‌جات، علاقه داری‌ها و ولسوالی‌ها تدابیر لازم اتخاذ گردد.

پلینوم کمیته مرکزی وظایف در عرصه ایدیو لوژیک را مشخص ساخت. پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان با اطمینان راسخ ابراز داشت که تمام اعضای حزب و وطنپرستان کشور فیصله‌های این پلینوم را به مثابه یگانه برنامه درست رزمی خویش بخاطر صلح، آرامش و توافق ملی در وطن محبوب مان و عادی ساختن اوضاع کشور میپذیرند.

وحدت حزب، با اکثریت عظیم خلق ضامن پیروزی ما در زمینه تسریع پروسه عادی ساختن اوضاع در جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره پانزدهم رفیق سرک کارل نشر عموم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۷ جل ۱۳۶۵

چنانکه شما میدانید، بیست و هفتمین کنگره حزب کمونست اتحاد شوروی، از تاریخ ۷ الی ۱۱ حوت سال ۱۳۶۴ در مسکو دایر گردید. در تاریخ مدنیت بشری، حوادث و رویدادهایی وجود دارد که شمارش زمان جدید از آنها آغاز میگردد. بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، از جمله چنین حوادث است که به تبارز و تجلی برجسته اتحاد و همبستگی انترناسیونالیستی نیروهای مترقی و انقلابیون سراسر کره زمین میدل گردید. این کنگره اهداف برنامه‌ی حزب لنین را فورمولبندی نمود و خصلت پیشرفت جامعه شوروی را در راه ایجادگری مترقی مشخص ساخت.

تصامیم ستراتیژیک کنگره به تحکیم مواضع سوسیالیزم، تقویت مبارزه تمام بشریت مترقی برای جلوگیری از خطر جنگ هسته‌یی، مساعدت فعالی خواهد نمود.

کنگره از لحاظ تعداد مهمانان خارجی که در آن حضور داشتند، حادثه عظیم در مقیاس بین‌المللی بود. در کار کنگره ۱۵۲ هیات از احزاب کمونیستی کارگری، انقلابی - دموکراتیک، سوسیالیستی، سوسیال دموکرات، لیبرالیست و غیره، از ۱۱۳ کشور جهان اشتراک داشتند. در هیچ یک از کنگره‌های قبلی به این تعداد نمایندگان نیروهای مترقی جهان اشتراک نداشتند. این امر به وضاحت و به طور قانع کننده حاکی از تحکیم و توسعه مواضع و مناسبات بین‌المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی، افزایش اعتبار آن در عرصه بین‌المللی، پذیرش نقش تاریخی آن در جهان کنونی میباشد.

بیست و هفتمین کنگره، کار عظیم و بسیار ثمربخش را انجام داد. محور اساسی

کار آنرا گزارش سیاسی کمیته مرکزی تشکیل میداد که توسط میخائیل سرگیویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه گردید. گزارش سیاسی به کنگره سندی پربهای تیوری علمی انقلابی خلاق، مظهر درخشان برخورد انقلابی و طبقاتی در شرایط معاصر است. در این سند خرد و تجربه جمعی حزب کمونیست اتحاد شوروی انعکاس و تجلی یافته، اصول اساسی طرز تفکر نوین سیاسی مطرح گردید و صفحه عظیم فعالیت ایجادگرانه باز شد. در گزارش تمام کمپلکس مسایل حزبی، دولتی و زندگی اجتماعی مورد تحلیل و ارزیابی مجدد قرار گرفت، توانمندی و قدرت تحکیم یابنده سیستم جهانی سوسیالیزم نشان داده شد و تصویر عینی پروسه انقلابی انعکاس یافت. این سند، همه مبارزان راه صلح و ترقی اجتماعی را به استراتژی و تاکتیک معاصر مبارزه و احکام و استنتاجات عملی دارای نیروی بزرگ بسیج کننده مجهز می سازد.

در کنگره متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی و اساسنامه با تعدیلات وارده در آن مورد بررسی قرار گرفته و به اتفاق آراء به تصویب رسید. این اسناد سلاح نیرومند انقلابیون در مبارزه به خاطر تسریع رشد اجتماعی و اقتصادی و بازسازی کیفی جامعه است. میخوام خاطر نشان سازم که در جریان بحث روی این اسناد بیش از ۶ میلیون نظر و پیشنهاد مواصلت نموده بود. برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی - برنامه تکمیل و بهبود پلان شده و همه جانبه سوسیالیزم، پیشرفت بعدی جامعه شوروی به سوی عالیترین نوع عدالت اجتماعی بر مبنای تسریع و تشدید آهنگ رشد اجتماعی- اقتصادی، برنامه صلح و ایجادگری میباشد. تحقق احکام و مواد برنامه حزب و اساسنامه به ارتقای بیشتر نقش رهبری کننده حزب کمونیست اتحاد شوروی مساعدت خواهد کرد.

در بیست و هفتمین کنگره جهات اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر - شوروی سوسیالیستی در سالهای ۱۹۸۶-۱۹۹۰ و تا سال ۲۰۰۰ مورد بررسی و پشتیبانی کامل قرار گرفت. در این مورد رفیق ریژکوف عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رئیس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بیانیه داد. خاطر نشان گردید که در طرف ۲۵ سال بعد از تصویب سومین برنامه، اتحاد شوروی به موفقیت‌های قابل ملاحظه نایل گردیده است. فوندهای اساسی اقتصاد ملی هفت بار افزایش یافته و هزاران موسسه جدید اعمار

گردیده است. عاید ملی تقریباً ۴ مرتبه، تولید صنعتی ۵ مرتبه و تولید زراعتی ۷، ۱ مرتبه افزایش یافته است.

این دستاوردها که نتیجه مساعی عظیم مردم شوروی است، امکان آنرا فراهم ساخت تا سطح رفاه مردم به طور قابل ملاحظه ارتقا یابد. در ظرف ربع قرن درآمد حقیقی سرانه ۲،۶ مرتبه، фонدهای اجتماعی مصرف بیش از ۵ مرتبه افزایش یافته و ۵۴ ملیون آپارتمان جدید اعمار گردیده است. علوم، طب و فرهنگ با موفقیت رشد یافته و در عرصه مناسبات اجتماعی و ملی و رشد دموکراسی تغییرات عمیق مثبت رخ داده است.

در عین زمان، در کنگره علل تنزیل معین آهنگ‌های رشد پلان شده که در سال‌های ۷۰ رخ داد، مورد تحلیل همه جانبه انتقادی قرار گرفت و استراتژی تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی کشور مشخص گردید. ماهیت تسریع را چه چیزی می‌سازد؛ قبل از همه کیفیت نوین رشد، بازسازی تخنیکی اقتصاد ملی بر مبنای جدیدترین دستاوردهای علمی، گذار به اقتصاد متکی بر سازماندهی عالی، رشد همه جانبه نیروهای مولده و مناسبات تولید مدنظر است و کنگره متکی بر آن این وظیفه را مطرح ساخت که باید تا اخیر این سده عاید ملی تقریباً دوچند و مولدیت کار ۲،۵ مرتبه افزایش یابد.

در گزارش‌ها و بیانیه‌ها به تحقق سیاست زراعتی و اجرای برنامه غذایی توجه زیاد صورت گرفت. پیشبینی گردیده است که در ظرف همین پلان پنج ساله نوبتی آهنگ رشد تولید زراعتی بیش از دوچند افزایش کسب خواهد کرد. نقش تصدی‌ها ارتقاء خواهد یافت، قراردادهای سیستم اکورد و همچنان تثبیت و تعیین وسایل تولید و زمین برای بریگادها و خانواده‌ها توسعه حاصل خواهد کرد. پروبلم کیفیت و بازسازی میکانیسم اقتصادی به حیث وظیفه درجه اول برجسته شده است.

کنگره با مسأله رشد عرصه فرهنگی، طرح و تدوین سیاست اجتماعی نیرومند که همه جوانب زندگی از کار و معیشت، صحت و تفریح و استراحت، مناسبات طبقاتی و ملی را در بر گرفته و به ثبات سیاسی جامعه، پرورش انسان نوین، تسلط کامل شیوه زندگی سوسیالیستی و عدالت اجتماعی مساعدت رساند، به طور سازنده و به شکل نوین برخورد نمود.

تصامیم و فیصله های بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بار دیگر به اثبات میرساند که تنها حزبی که زندگی آنرا منافع مردم تشکیل دهد. و با برنامه مستدل علمی مجهز باشد، قادر است چنین وظایف عظیم را از لحاظ مقیاس خود تحقق بخشد. کنگره نظریه بازسازی کار حزبی را پیش کشید که جوهر آنرا تعمیل پیگیر اصول، شیوه‌ها، اشکال و میتودهای بلشویکی در زندگی، بسط و توسعه فضای ایجادگری، گسترش انتقاد و انتقاد از خود می‌سازد. اهمیت مبارزه دایمی به خاطر سیمای پاک، شریفانه و نجیبانه عضو حزب، تشدید تربیت ایدیولوژیک آنان، اجرای بلاانحراف و بلا قید و شرط مطالبات اساسنامه، تصفیه حزب از عناصر تصادفی که بر مبنای انگیزه‌های مقام طلبی و سوءاستفاده شامل آن شده اند، جدأ خاطر نشان گردیده است. کنگره بر ضرورت این امر که در آینده نیز وحدت حرف و عمل، ارتباط تبلیغ و ترویج بازندگی تحکیم یا بد، تأکید ورزید.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در کار ایدیولوژیک، پرورش مردم با روحیه عالی، صفای اندیشه و وفاداری به اندیشه‌های پیشرو و عصر ما، برخورد آگاهانه نسبت کار و ثروت اجتماعی، وطنپرستی - انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی را امر اساسی می‌شمارد.

در سر تاسر کنگره اندیشه عمده این بود که قرن بیست و یک بدون سلاح هسته‌یی، کیمیاوی و سایر سلاح‌های امحای جمعی آغاز گردد و بشریت از هراس دایمی نسبت به آینده خود نجات داده شود و وسایل عظیمی که در راه مسابقات تسلیحاتی به مصرف میرسد، برای نیامندی‌های صلح‌آمیز انسان مورد استفاده قرار گیرد.

از عقب تریبون کنگره پیشنهادات جدید صلحخواهانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در باره ایجاد سیستم همه جانبه امنیت بین‌المللی اعلام و اساسات اصولی آن طرح گردید. انقلابیون سراسر جهان با افتخار و سربلندی، این حرف‌های میخائیل سرگیویچ گرباچف را شنیدند که سیمای قرن حاضر را انقلاب رهایی‌بخش مردمی که با اکتوبر کبیر آغاز گردیده، مشخص می‌سازد. ما به این امر می‌بالیم که حزب لنین با صدای رسا در برابر تمام جهان اعلام داشت که باید جنگ را از زندگی بشریت منتفی نمود و امنیت همگانی را برقرار ساخت. این تصامیم واقعاً دوران ساز اند. مشی سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی در عین حال مشی همبستگی با نیروهای آزادی اجتماعی و ملی، مشی همکاری و

همیاری نزدیک با کشورهای دارای سمتگیری سوسیالیستی، با احزاب انقلابی دموکراتیک، با جنبش عدم انسلاک، مشی توسعه روابط با همه آنهایی که علیه جنگ و به طرفداری از امنیت بین‌المللی قرار دارند، میباشد. واقعاً آرمان عمده و عظیم کنگره صلح بود. در کنگره سهم عظیم حزب کمونیست اتحادشوروی و دولت شوروی در مبارزه به خاطر حفظ صلح در زمین مورد شناسایی، تأیید و پشتیبانی همگانی قرار گرفت.

مردم افغانستان و تمام اعضای حزب ما با توجه بزرگ کار کنگره را تعقیب نموده و از گزارش بسیار عالی میخانیل سرگیویچ گرباچف صمیمانه استقبال کردند. مخصوصاً حرف‌های وی را در ارتباط با کشور ما هر چه نزدیکتر به قلب خویش پذیرفتند. در گزارش سیاسی آمده است که:

«ضدانقلاب و امپریالیزم، افغانستان را به زخم خونین مبدل ساخته اند. اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی از مساعی این کشور در جهت دفاع از حاکمیت خویش حمایت مینماید. ما میخواستیم تا در آینده خیلی نزدیک قطعات نظامی شوروی را که بنابر تقاضای حکومت افغانستان در آن کشور قرار دارند، بوطن باز گردانیم. در مورد مواعید خروج مرحله به مرحله آنها به مجرد حصول حل و فصل سیاسی که قطع واقعی مداخله مسلحانه از خارج در امور داخلی ج.د.ا. را تأمین و عدم تکرار آنها به طور مطمئن تضمین نماید با جانب افغانی توافق بعمل آمده است.»

این موقف اصولی حزب کمونیست اتحادشوروی را باید به آگاهی همه اعضای حزب و تمام زحمتکشان رسانید. تنها و تنها دوست وفادار و مطمئن و برادر قادر است چنین مواظبت را در مورد کشور ما تبارز دهد. اتحادشوروی بیش از ۶۵ سال دوست درجه اول و طراز عالی، صدیق و کبیر و برادر خلق ما است. ما به نماینده‌گی از تمام مردم افغانستان در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحادشوروی به زحمتکشان کشور شوراهای امتنان عظیم خود را به خاطر کمک‌های همه جانبه انترناسیونالیستی که به برکت آن افغانستان انقلابی زنده است، مبارزه میکند و پیروز میگردد اعلام داشتیم. حزب دموکراتیک خلق افغانستان در وجود پلینوم کنونی از تصامیم و فیصله‌های کنگره تاریخی بیست و هفت تأیید و پشتیبانی گرم و کامل بعمل آورده و برای مردم برادر شوروی، حزب لنین، کمیته مرکزی و منشی عمومی آن رفیق میخانیل سرگیویچ گرباچف موفقیت‌های بزرگ را در

تحقق آنها آرزو میکند.

در حقیقت همه سخنرانان کنگره، اعم از شوروی و خارجی با تأیید از گزارش سیاسی، بخش مربوط به کشور ما را نیز مورد تأیید قرار دادند. ما از همه آنان سپاسگزار هستیم و منجمله به رهبران احزاب کمونیست کیوبا و ایالات متحده امریکا، همچنان حزب کمونیست پاکستان، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگران که به طور مشخص از داعیه مردم افغانستان پشتیبانی بعمل آوردند، مراتب امتنان قلبی خود را ابراز مینمائیم.

در روزهای کنگره در تعداد زیادی از موسسات و کلکتیف های کشور ما میتنگ‌ها و گردهم‌آیی های انترناسیونالیستی تشکیل گردید. زحمتکشان کارخانجات جنگلک، فابریکه کودکیمیای مزار شریف، مجتمع آبیاری جلال‌آباد، کوپراتیف ذکر الله شهید، محصلان و استادان پوهنتون کابل و انستیتوت پولی‌تخنیک، همچنان محترم هاتف، خمکنی و رفیق اناهیتا راتبزاد به نماینده‌گی از سازمان‌های خویش پیام‌های شادباش عنوانی کنگره ارسال نمودند. در این جریان ملاقات‌ها و صحبت‌های دلچسپ در اطاق‌های دوستی افغان شوروی تدویر یافت. تعداد این ملاقات‌ها و صحبت‌ها در این اواخر به طور قابل ملاحظه افزایش یافته است. هفته دوستی و برادری رزمی منسوبین نظامی افغان و شوروی باشور و شوق عالی انترناسیونالیستی برگزار گردید. اینها همه مثال‌ها و نمونه‌های زنده دوستی روزافزون میان خلق‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که باید آنرا بیشتر از پیش با عمق و ابعاد وسیع بسط و توسعه داد. زیرا این امر منظم، دقیق و دایمی پرورش وطنپرستانه و انترناسیونالیستی و اصل دایمی مردم ما است.

با در نظر داشت تقاضای حزب، بیروی سیاسی تصمیم اتخاذ نمود که گزارش سیاسی کمیته مرکزی و برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را هم‌زمان با کار کنگره و سایر اسناد کنگره را بزبان‌های دری و پشتو به چاپ برساند. بگذار اعضای حزب ما سلاح نیرومند دانش علمی انقلابی و خلاق را هر چه عمیق‌تر فراگیرند و استفاده از تمام غنای تجربه و اندیشه حزب کمونیست اتحاد شوروی را در عمل، در شرایط دشوار و خاص ما بیا موزند. آنرا به صورت خلاق در شرایط مشخص و مراحل انقلاب به خاطر بهبود زندگی زحمتکشان کشور ما تطبیق کنند.

بنا بر دعوت کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و براساس مصوبه بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا هیات حزب ما متشکل از رفقا کارمل، کشتمند، زیری و نجیب در بیست و هفتمین کنگره اشتراک نمود. میخوام به رفقا، به کمیته مرکزی در باره کاری که هیات در مسکو انجام داد، گزارش ارائه نمایم. قبل از همه باید بگویم که انسان‌های شوروی از ما فرستاده گان حزب رزمنده ما، به طور صمیمانه و برادروار پذیرایی و استقبال گرم کردند. ما اینرا در همه جا، در قصر کرملین، در موسسات و در قطعات نظامی در میان شهریان مسکو می دیدیم و احساس میکردیم.

ما در ظرف یازده روز اقامت در مسکو در جلسه رسمی به مناسبت ۶۵مین سالگرد عقد قرارداد دوستی افغان - شوروی، در میتنگ‌های سربازان و افسران فرقه مشهور تامانی، زحمتکشان ناحیه کراسناگور بخش مسکو اشتراک نمودیم. ملاقات‌هایی با شاملین مکتب بین‌المللی لنینی، محصلان افغانی در مسکو، با ژورنالستان در مرکز مطبوعاتی بیست و هفتمین کنگره صورت گرفت. اعضای هیات ۱۸ بار با خبرنگاران تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها و مجلات مصاحبه نمودند، در جریان کنگره ده‌ها ملاقات با هیات‌های احزاب برادر صورت گرفته و ۱۹ پروتوکول همکاری حزبی به امضا رسید. هیات ما به نمایندگی از کمیته مرکزی معلومات مفصل در باره فعالیت ح.د.خ.ا و مقدار زیاد مواد تبلیغاتی را در کنگره توزیع نمود که مورد علاقمندی و استقبال دوستان قرار گرفت.

در آستانه افتتاح کنگره، هیات حزب ما به میدان سرخ رفت تا در مراسم گل گذاری بر آرامگاه لنین کبیر اشتراک نماید. در آنجا، در برابر این محل الهام بخش جهان این فکر در ذهن خطور مینمود که ما این اکیلل گل را به نشانه سپاسگزاری و احترام همه نسل‌های افغان‌ها که در طول چندین دهه نام این رجل کبیر و ساده و دوست زحمتکشان را در قلب خود حفظ دارند، می‌گذاریم. نام و امر لنین همه انسان‌های زحمتکش سراسر جهان را متحد می‌سازد. ما اکیلل گل را به نام پدران و نیاکان خود که مشعل دوستی جاودانه نسبت به کشور لنین را به ما واگذار شده اند، گذاشتیم. ما اکیلل گل را به نام سربازان و افسران، کارگران و دهقانان، پیشموران و تاجران، روشنفکران و تمام وطنپرستان کشور خود، به نمایندگی از تمام اعضای حزب و مردم ج.د.ا بر مقبره لنین گذاشتیم. ما اکیلل گل را به نمایندگی

از شما رفقای گرامی، اعضای کمیته مرکزی گذاشتیم.

پلینوم کنونی به مثابه نقطه معینی از ختم سال ۱۳۶۴ نتیجه گیری مینماید: این سال کار شدید و مملو از حوادث بزرگ به تاریخ پیوست. ممکن است سال گذشته، سال دشواری بوده باشد، اما در عین زمان بدون شک پربارترین سال بود.

ساختمان قوای مسلح طراز نوین ادامه یافت، قدرت محاربوی آن تحکیم و تقویت حاصل نمود. این سال در تاریخ به حیث سال لویه جرگه و جرگه عالی قبایل سرحدی که از سیاست داخلی و خارجی ما پشتیبانی عام و تام بعمل آوردند ثبت خواهد شد. آهنگ رشد اجتماعی اقتصادی کشور سرعت گرفت.

کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و حکومت مساعی خود را در امر برخورد نوین نسبت به توسعه پایه‌های اجتماعی نظام انقلابی متمرکز ساختند. این برخورد در تیزس‌های ده‌گانه مطرح گردید و بعداً در اعلامیه شورای انقلابی قوت قانونی به خود گرفت. شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی ماهیت برخورد نوین را به حزب توضیح نموده آنرا مشخص ساخت و تدابیر و اقدامات عملی در زمینه را مطرح نمود. توسعه ترکیب شورای انقلابی و شورای وزیران، ادامه انتخابات دموکراتیک در ارگان‌های محلی، ایجاد سازمان‌های جدید اجتماعی همه اینها اقدامات مشخصی اند که به اثبات میرساند که حزب تصامیم خود و وعده‌هایی را که به مردم داده است، انجام میدهد.

متشبتین ملی همکاری فعالتر را با حاکمیت مردمی آغاز نمودند. در ظرف چار ماه اخیر آنها ۳۰۰ میلیون افغانی را برای انکشاف ۵۳ پروژه تخصیص داده و ۱،۷ میلیون افغانی را به سازمان‌های اجتماعی داده اند. شورای انقلابی و حکومت امتنان صمیمانه به همه آنان ابراز داشته و یقین دارند که دیگران نیز از این نمونه شریفانه پیروی خواهند نمود.

ما موفق شدیم که در قلب تعداد زیادی از افغانان که در خارج بسر می‌برند، احساس عدالت و وطنپرستی را بیدار سازیم. این واقعیت که تعداد هرچه بیشتر مهاجرین بوطن باز میگردند، موجب خرسندی است. توقف در مذاکرات با پاکستان در ژنو رفع گردیده است.

در سال گذشته رشد صفوف حزب ادامه یافت. امروز تعداد اعضای اصلی و آزمایشی حزب بیش از ۱۵۰ هزار نفر است. سازمان‌های اولیه حزب بی‌رشد قابل ملاحظه نموده است.

چنین است بعضی از نتایج کار ما، اما اگر فعالیت ما از موضع خواست عالی و آن درس‌های که کنگره به تمام انقلابیون داد مورد تحلیل قرار گیرد، روشن می‌گردد که ما باید با مطالبات تأخیرناپذیر زمان همگام شویم، برای یافتن نمونه و مثال لازم نیست بسیار دور برویم و جستجو کنیم. ما چهار ماه قبل شانزدهمین پلینوم کمیته مرکزی را دایر کردیم و مصوبه دارای اهمیت فوق‌العاده را به تصویب رسانیدیم. همه ما به طرفداری از این مصوبه رای دادیم. و اکنون یکجا باهم می‌بینیم که احکام اساسی آن چگونه عملی می‌گردد.

در باره اوضاع نظامی-سیاسی در کشور، پلان کمپلکس توسعه و تحکیم حاکمیت دولتی در سال گذشته تقریباً تطبیق شده است.

ببینیم اكمال قوای مسلح در مجموع چگونه صورت می‌گیرد. کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، شورای انقلابی و شورای وزیران جداً تصامیم مهمی در این زمینه اتخاذ نموده و فوراً بعد از پلینوم جلسه مشورتی را دایر کردند. اما پلان جلب و احضار یازده ماه در مجموع کشور قسماً تطبیق گردیده ولی مستلزم کار بیشتر است. تصمیم گرفته شد که کمیسار نظامی کندهار بنابر عدم موفقیت در وظیفه سبکدوش گردد. میتوان دیگران را نیز سبکدوش ساخت.

در هر ولایت تعداد منسوبین اردو، خاندوی، امنیت دولتی قطعات منطوقی، ملیشه، سپاهیان و مدافعین انقلاب، دفاع خودی و دفاع ملکی نسبت به تعداد باندیت‌ها بیشتر است. اما این قطعات با تابعیت از ارگان‌های مختلف بطور جداگانه، متفرق و بدون توافق باهم عمل میکنند. باید هماهنگی جدی‌تر به میان آید.

تمام فعالیت قطعات نظامی باید تابع وظیفه توسعه حاکمیت مردم گردد. اردو بر علاوه وظایف مستقیم در سرکوب اشرا و تأمین امنیت مکلف است و وظایف اجتماعی یعنی وظایف سازمانی و سیاسی را نیز انجام دهد. لازم است که ساختار قطعات و جزوات‌ها نیز مطابق به خصلت وظایفی که انجام داده میشود، باشد. اگر به جزوات‌ها و مفرزه‌های خاص، تولی‌ها یا کندک‌های استقرار او ضاع که قادر به

از بین بردن باندهای کوچک و پیشبرد کار سیاسی در بین مردم باشند، ضرورت است، پس بیایید که آنها را ایجاد کنیم.

در کار با قبایل سرحدی نیز کمبودی‌ها و نارسایی‌ها وجود دارد. جرگه‌های مشورتی به طور منظم دایر نمی‌گردد. ارتقای سطح خودآگاهی قبایل آزاد پشتون، خواست آنها مبنی بر رعایت حقوق و عنعنات شان، تقویت خوشبینی آنها نسبت به انقلاب ما موجب عکس‌العمل غضب آلود و وحشیانه رژیم پاکستان می‌گردد. اسلام آباد و دول امپریالیستی پشتیبان آن برای اتحاد نیروهای ضدانقلاب با بخش ارتجاعی پشتون‌ها تلاش خواهند ورزید. ما باید طرح و برخورد جدید را در کار با قبایل آزاد مشخص سازیم. به طور اختصار اوضاع نظامی سیاسی چنین است، پیروزی‌های معین نصیب خلق ما شده است ولی نواقصی جدی نیز وجود دارد که باید آنرا رفع نمود.

توسعه پایه‌های اجتماعی و برخورد نوین نسبت به آن مسأله خاص است. از کاری که انجام یافته است چه درس‌هایی را میتوان استخراج کرد. این کار باید خصلت همگانی و مقیاس وسیع را به خود بگیرد و عملاً از مرکز و شهرها به ولسوالی‌ها، علاقداری‌ها و قراء انکشاف و ادامه یابد. باید گفت که ذخایر برای توسعه پایه‌های اجتماعی عمدتاً در محلات، در دهات در میان توده‌های عظیم ملیونی دهقانان است. بر علاوه، ما افراد شایسته را در رهبری نه برای نمایش و نماینده‌گی، بلکه برای کاری که موجب نزدیکی حاکمیت با مردم گردد، جلب می‌کنیم.

مشی توسعه پایه‌های اجتماعی مشی طویل‌المدت و استراتژیک میباشد. ما همه اقدامات لازم را برای تحقق این مشی بعمل خواهیم آورد.

لازم است تا تأثیر و نفوذ ما بالای دهقانان تقویت یابد. کار حزب باید در این عرصه بهبود بیشتر یابد. در بین توده‌های چندین ملیونی دهقانان تعداد اعضای حزب هنوز کم است. پایگاه دشمنان ما با استفاده از سطح نازل فهم دهقانان در قریه‌ها قرار دارد و از آنجا باندهای خود را اكمال میکنند.

کادرهای حزبی منجمله کارمندان کمیته مرکزی هنگام سفر به محلات باید تا قریه‌ها بروند، به آمیزش با دهقانان و رفع نیازمندی‌های آنان بپردازند. این نیازمندی‌ها توأم با گرایش سریع دهقانان در دفاع از انقلاب با گذشت هر روز افزایش می‌یابد.

ارگان‌های دولتی باید پلان‌هایی را که به خاطر بهبود زندگی مردم بخصوص دهقانان در محلات اتخاذ شده است تطبیق نمایند، هرگونه سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی در این امر قابل چشم‌پوشی و گذشت نیست.

تمام این مسایل و یک عده مسایل دیگر در سیمیناری که چندی قبل شورای وزیران ج.د.ا، دایر کرد، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت، اکنون وظیفه آنست که اجرای تمام توافقات سازمان داده شود و به این ترتیب تأثیر مثبت بالای مسئله عمده زراعتی یعنی پیشبرد اصلاحات ارضی و آب وارد گردد.

ما باید مرکز ثقل تمام فعالیت سیاسی و اجتماع اقتصادی حزب را به قریه به جائیکه اکثریت اهالی کشور زندگی و کار می‌نمایند، انتقال دهیم.

باید کار سیاسی مؤثر با پیشه‌وران، روشنفکران، معلمان و سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی جامعه ماصورت گیرد. در توسعه پایه‌های اجتماعی از امکانات مصالحه (کمپرامیز) نیز آنطور که باید و شاید استفاده شود. ما حاضریم به خاطر قطع خونریزی به مصالحه بپردازیم. درست گفته اند که خون را باید با آب شست نه باخون. قبل از پلینوم من یکبار دیگر یکی از آثار لنین را خواندم و باز هم معتقد شدم که تعداد زیادی از کادرها مسئله مصالحه (کمپرامیز) را درست درک نمی‌کنند. اما لنین مینویسد: «مصالحه را از نظر اصولی نفی کردن و هیچگونه مصالحه‌یی را به طور کلی جایز نشمردن، آنچنان عمل کودکانه‌یی است که حتی مشکل است آنرا جدی تلقی نمود» (منتخابات آثار لنین بزبان فارسی جلد ۲ قسمت ۲ صفحه ۴۲۹).

ما حق نداریم و نباید مصالحه را رد کنیم اگر موجب رسیدن به هدف عمده یعنی استقرار صلح سراسری و امنیت می‌گردد. این مشی کاملاً با احکام و نتیجه‌گیری‌های برنامه عمل حزب ما و مشی اصولی ما مطابقت دارد. تنها احزاب نیرومند به مصالحه تن می‌دهند. ما با اصول تجارت نمی‌کنیم و تصمیم نداریم تجارت کنیم. این امر باید هم به دوستان و هم بدشمنان روشن باشد!

این سوال کاملاً قانونمند است که جبهه ملی پدروطن، اتحادیه‌های صنفی، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان چه کارهایی را برای توسعه پایه‌های اجتماعی انجام داده اند.

سازمان‌های اجتماعی باید به طور ابتکاری، عمدتاً متکی به نیروی توده‌های مردم و با رفتن در بین توده‌ها کار نمایند.

رفقا! حزب ما باید حزب عمل انقلابی باشد.

در تحقق برخورد نوین نقش پیش رونده را به موازات تدابیر سیاسی، اقدامات اجتماعی - اقتصادی ایفاء مینماید. طرح و تدوین (جهات اساسی رشد اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای سال‌های (۱۳۶۵ - ۱۳۶۹) حادثه بسیار مهم در زندگی کشور است.

امروز در پلینوم کمیته مرکزی رفیق کشتمند گزارش مفصل را در باره «جهات اساسی» ایراد خواهد کرد. من فقط خاطر نشان می‌سازم که اجرای پلان پنج ساله وظیفه درجه یک حزب و تمام مردم است. ما باید اهمیت و بزرگی نخستین پلان پنجساله بعد از انقلاب را به سمع همه مردم برسانیم. باید توضیح کنیم که این پلان‌ها فقط در صورت کار صادقانه هر افغان، در هر جایی که ایفای وظیفه مینماید در هر مقامی که باشد، تحقق می‌پذیرد.

قبل از همه می‌خواهم درباره وظیفه عمده پلان پنجساله صحبت نمایم، به نظر ما وظیفه عمده پلان عبارتست از تحقق پلان شده مشی ح.د.خ.ا برای رفع عقب مانده‌گی اقتصادی و تکنیکی کشور، ارتقای سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم بر مبنای بازسازی موسسات غیرفعال و ایجاد موسسات تولیدی جدید. هدف ما تسریع رشد همه بخش‌ها و عرصه‌های اقتصاد ملی، قبل از همه سکنتورهای دولتی و کوپراتیفی به حیث اساس ملکیت عمومی دولتی، جلب همه اشکال اقتصادی در تجارت و مناسبات کالایی - پولی و به بازار عمومی ملی است.

در ظرف پنجسال حجم عاید ملی ۲۵ فیصد، تولید محصولات صنعتی ۳۸ فیصد، محصولات زراعتی ۱۴ - ۱۶ فیصد افزایش می‌یابد. توجه خاص به زراعت و آبیاری - صورت خواهد گرفت. سرمایه گذاری در این عرصه ها ۱۰،۷ بار افزایش خواهد یافت.

در آینده نیز کمک همه جانبه کشورهای دوست و قبل از همه اتحاد شوروی که دو ثلث کمک خارجی را تأمین خواهد کرد، مهمترین نقش را ایفاء خواهد کرد. افراد

ساده به خوبی میتوانند مقایسه نمایند که برای مردم انقلاب ثور چه میدهد و رژیم ضیاءالحق در پاکستان چه پیشنهاد میکند. پلان‌های آنها پلان تجاوز، و صدور ضدانقلاب است. پلان‌های ما - پلان صلح و ایجاد گری است.

اکنون به مسئله سوم یعنی کار حزبی سیاسی میپردازیم.

در اوضاع مشخصی که ما قراردادیم، نوار خاص پروسه تاریخی است که مردم ما از آن میگذرد و نشان میدهد که پروبلم‌ها را فقط میتوان از طریق سیاسی حل و فصل نمود. میتودها و وسایل سیاسی باید موقف اساسی و نقش پیشرونده را در کار با توده‌ها داشته باشد. از همین جهت نیز ضرورت حاد بازسازی کار حزبی - سیاسی پیش می‌آید. مهمترین امر در این بازسازی باید از حرف به عمل پرداختن، از کاغذ پرانی بریدن و به سوی مردم رفتن، ترك جلسات یکنواخت و فورمالیتی و به کار زنده در محلات مشغول شدن، باشد. بگذار تعداد فیصله‌ها و مصوبات کمتر باشد، اما هر کدام از آنها تا آخر در عمل پیاده گردد. بعوض حرف‌ها و وعده‌های میان تهی باید وظایف و راه‌های مشخص اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد. و بالاخره کنترل شدید از بالا تا پایین و از پایین تا بالا، و بازهم کنترل برقرار گردد.

مفهوم اصلی بازسازی را کارآیی، مشخص بودن، ارتقای سطح مطالبه حصول نتایج در کار هر یک از اعضای حزب و تمام حزب در مجموع می‌سازد.

باید مشی ارتقای همه جانبه نقش و مسئولیت کمیته‌های ولایتی حزبی ادامه یابد و این کمیته‌ها به مراکز واقعی رهبری مبدل گردند.

کمیته‌های حزبی تنظیم کننده تمام زندگی سیاسی در ولایات اند. آنها در برابر همه مسایل پاسخگوی اند. ارگان‌های مرکزی موظف اند به آنها کمک کنند و نظریات و پیشنهادات شانرا مد نظر گیرند. شعبات کمیته مرکزی مکلف اند کار کمیته‌های حزبی را مورد تحلیل و ارزیابی عمیق‌تر قرار دهند و از مسئولین آن بازپرس بعمل آورند.

میخواهم به مسئولین وزارت‌ها و ادارات که در محلات میروند و مسایل مربوط به اداره خود را حل و فصل می‌نمایند، اما به کمیته حزبی سر نمی‌زنند نیز هشدار دهیم.

بیروکراتیزم رشد یابنده در آپارات حزبی و دولتی سخت مانع رشد و تکامل ما میگردد. تعداد زیاد کارمندان بعوض کار سازمانی مصروف کاغذ پرانی اند. موج عظیمی از کاغذ به کمیته های حزبی ولایات میرسد. ما بیروکراتیزم در وزارت ها و ادارات، موجب عدم حل و فصل قضایای عاجل برای مدت طولانی میگردد. در مبارزه علیه عدم مسئولیت و بی تفاوتی باید نقش انتقاد و انتقاد از خود ارتقا بخشیده شود. در عین زمان که ما طرفدار انتقاد سازنده هستیم و انتقاد خشک و غیر اصولی را مردود می شماریم از جانب دیگر این امر اهمیت اصولی دارد که چه کسی انتقاد میکند. شخص بداخلاق و خودپرست، حق ندارد برای دیگران درس اخلاق و از خودگذری دهد.

هر سازمان و هر عضو حزب و همه مسئولین و رهبران باید تحت کنترل و قابل انتقاد حزبی باشند. اگر ما بیکدیگر خود ارزش قابل هستیم و میخواهیم یکدیگر را کمک کنیم باید به انتقاد نیز ارزش لازم قابل باشیم. لیکن انتقاد نه از روی منافع شخصی، محفلی و رفاقت بازی!

در بیروی سیاسی بارها مسئله مربوط به ضرورت تقویت مبارزه علیه اختلاس که متأسفانه بعضی از کارمندان مسئول به آن مبتلا شده اند، مورد بررسی قرار گرفت. نظر به دستور بیروی سیاسی، ثارنوالی اختصاصی انقلابی در مورد رسیده گی مینماید. ما اشخاصی را می شناسیم که به حساب جنگ، بحساب اشک و خون و ماتم مردم ثروتمند میشوند. زمان آن فرا خواهد رسید که ما نام های سیاه این اشخاص را برملا سازیم. اما هنوز وقت است که آنان نیز متوقف شوند و دیگر جیب دولت را جیب شخصی خود ندانند هر قدر هم اختلاس و رشوه ستانی دوام کند باز هم روز پایان می یابد. ولی این پایان سخت ناگوار است. و در آن صورت هیچکس نه دوستان با نفوذ و نه خدمات گذشته کمک نموده نمیتواند. باز هم تکرار میکنم تا دیر نشده چنین اشخاص فکر کنند.

مسئله دیگر در باره زندگی ساده و بدون زرق و برق رهبران حزبی نیز مطرح میشود. زندگی انقلابی - زندگی ساده و بی پیرایه است. اما بعضی ها تلاش میورزند به حساب دولت صاحب موترهای لوکس شوند و موتر دولتی را در خدمت خانواده و اطفال خود قرار میدهند. اشتباهی بعضی ها در تنظیم و ترتیب اطاق کار و هنگام

سفرهای خدمتی در ولایات پایان ندارد. هم اکنون کمیسیون کنترل - حزبی در مورد این سوء استفاده‌ها موادی را تحت کار دارد.

چند کلمه در باره عرصه معنوی و کار سیاسی - تربیتی صحبت میکنیم. در این عرصه مسایل تأخیر ناپذیر زیادی وجود دارد. اکنون که پروسه‌های بسیار عمیق و قابل ملاحظه در کشور جریان دارد، هنگامی که بسیاری از مسایل باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و از فاكت‌های جدید تحلیل مجموعی بعمل آید، کمیته مرکزی حق دارد تا از علما، مورخین، فلاسفه و اقتصاددانان طلب کمک کند. اما متأسفانه عده‌یی از دانشمندان علوم اجتماعی که در اکادمی علوم، انستیتوت علوم اجتماعی و موسسات تحصیلات عالی کار میکنند، از موضوعات مشخص و مبرم زندگی بدور اند. اگر جدی بگویم، ما به علوم عملی و پراتیک نیاز داریم نه به حرف‌های میان‌تهی، در سیمینار ایدیولوژیک پراتیک کار تربیتی در بین توده‌ها، مورد تعمیم قرار گرفت. این کار خوب است. اما از جانب دیگر، سیمینار نشان داد که تفکر و کار تئوریک در مجموع و بررسی تئوریک مسایل انقلاب ملی- دموکراتیک به طور خاص عقب مانده است.

در نشرات و نوشته های علمی اکثراً موضوعگیری‌های غیرطبقاتی و تحت تأثیر اوضاع و احوال به نظر میخورد. ما البته سانسور دولتی نداریم. اما تمام مسایل نشر و چاپ آثار توسط افراد مسئول رهبری میشود. یعنی افراد مسئول وجود دارد که باید مورد بازخواست قرار گیرند. و من فکر میکنم که وقت بازخواست رسیده است.

ادارات و سازمان‌های ایدیولوژیک باید مسایل مربوط به مبارزه با بیسوادی، تنظیم تدریس در مکاتب، تقویت و تشدید کار تربیتی در مکاتب و موسسات تحصیلات عالی را تحت کنترل روزمره قرار دهند. در سال‌جاری درسی باید کار حزب، سازمان دموکراتیک جوانان، سازمان دموکراتیک زنان و اتحادیه‌های صنفی با متعلمان و محصلان جوان به طور بنیادی تقویت یابد، این راه مطمئن و استراتژییک توسعه پایه‌های اجتماعی است. انقلاب به جوانان - این مسئله‌یی است که سر تا پا در برابر حزب قرار دارد. ضرورت است تا پرورش ایدیولوژیک، وطنپرستانه و حزبی، مواظبت و توجه پدرا نه نسبت به جوانان تقویت یابد.

یکی از ممیزات و مشخصات حزب ما - قابلیت آن برای آموزش، آموزش از دوستان، تا آموزش از زندگی و تاریخ است، تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معلم بزرگی است. این تجربه را باید به طور خستگی ناپذیر فراگرفت و به طور خلاق بدون برخورد دگماتیک و میخانیکی مورد استفاده قرار داد.

بگذار همه کس کار و روش، خود را مورد ارزیابی انتقادی قرار دهد بیاد باید داشت که رهبری حزب نه تنها از آنچه که خوب است بلکه از همه آنچه که در کشور بد است نیز پاسخگوی میباشد.

یک نتیجه گیری دیگر، پروبلم‌ها سریعتر از آنچه که حل میگردند، رشد می کنند. از توانمندی دفاعی و اقتصادی ما استفاده کامل صورت نمی گیرد.

اجرای اصلاحات ارضی و آب، استقرار، تحکیم و توسعه قدرت دولتی، ستر سرحداث، عادی ساختن اوضاع در کشور همه و همه باید آهنگ سریع صورت گیرد.

با صراحت میگویم بعضی از رهبران و مسئولین ما در مرکز و ولایات عادت نکرده اند که در برابر امر سپرده شده با خرد خود، با وجدان خود، با کارت عضویت حزبی خود پاسخ بگویند. در عین زمان آنان به قدرت و حاکمیت شخصی خود، به اتاق‌های کار خود شدیداً علاقه و عشق دارند. اما مسئولیت خود را فراموش کرده اند. بیروی سیاسی تدابیر اضافی به منظور بسط و گسترش علنیت در کار کادرهای رهبری ارگان‌های مرکزی حاکمیت اتخاذ خواهد کرد. اما وقتی در این موارد صحبت میشود و بعضی‌ها عصبانی میشوند و مشوره میدهند که در باره نارسایی‌ها و کمبودها کمتر صحبت شود، پاسخ در اینجا یکی میتواند باشد و آن اینکه هر چیز را باید به نام خودش یاد کرد و حقایق را به حزب و خلق گفت، برای ما همیشه و در همه اوضاع و احوال حقیقت لازم است. لنین می آموخت که تلخ ترین حقیقت صدبار بهتر از هر گونه دروغ شیرین است.

ما باید آستین‌ها را بر کشیده و به کار بپردازیم تا آنچه را که از دست داده ایم جبران کنیم، تحولات را نمیتوان با اقدامات نیمبند عملی ساخت. و اگر خانه اعمار میکنی پس سقف و پوشش آنرا نیز اعمار کن یعنی کار را باید تا آخر انجام داد. ما باید به انقلاب خود سرعت جدی ببخشیم. این سرعت به مفهوم جستن و جلورفتن

بی موجب نیست. بلکه باید مسایل کهنه و نو را با سرعت بیشتر حل نمود. هر عضو حزب، هر علاقمند حزب و هر وطنپرست باید با سرعت بیشتر کار کند. هر کدام باید بی تفاوتی، عدم فعالیت و تنبلی را قویاً از خود دور سازد. وطن و خلق خون میریزند، دشمن بیداد میکند و در این شرایط دشوار و زمان جنگی و انقلاب، رهبرانی هم یافت میشوند که نیمبند و با انرژی بسیار کم یا در ساعات معین و بدون یک دقیقه بیشتر، با استفاده از روزهای رخصتی و حتی رخصتی‌های طولی‌المدت و یا در گفت و شنودهای بی ثمر و حتی مضر کار میکنند، اینها چگونه انقلابی اند؟
رفقای گرامی!

وطن عزیز ما سال ۱۳۶۵ را آغاز نموده است. در این سال که دشواری و پیچیده‌گی آن و وظایف بزرگ و وسیع آن کمتر از سال‌های قبل نخواهد بود، چه باید کرد؟ سال جدید باید سال فیصله کن و قاطع در امر تحقق برخورد نوین نسبت به توسعه پایه‌های اجتماعی نظام انقلابی باشد و ما را به مرزی که دیر زمان منتظر آن هستیم یعنی قطع خونریزی و استقرار صلح و امنیت در سر زمین بلا کشیده ما نزدیک سازد. برای اینکار ما مکلف هستیم:.

در عرصه نظامی:

تعداد قوای مسلح را به اندازه پیشبینی شده برسانیم، ستر سرحدات را عمدتاً انجام دهیم تا قوای مسلح مساعی خود را متوجه مبارزه با باندیتیزم در داخل کشور و تأمین شرایط صلح آمیز و امن کار افغان‌ها سازد. این وظایف نه تنها نظامی، بلکه سیاسی نیز است. اجرای آن وجیبه عمده وطنپرستانه و انترناسیونالیستی ماست.

در عرصه سیاست داخلی:

قبل از ختم سال انتخابات در ارگان‌های محلی قدرت و اداره دولتی را باید خاتمه داد، تا آن زمان باید مسوده قانون اساسی ج.د.ا نیز آماده گردد، تا بعد از بررسی و نظرخواهی همه‌گانی مردم به ترتیبی که پیشبینی خواهد شد، به تصویب برسد.

در عرصه اجتماعی اقتصادی:

سال اول پلان پنجساله اول ما بعد از انقلاب آغاز شده است، وظیفه حزب و دولت

است که تمام مساعی خود را در راه تحقق آن به کار اندازند و تمام زحماتشان باید نشان بدهند که میتوانند برای خود، برای دولت و تمام خلق ج.د.ا صادقانه کار کنند.

در عرصه معنوی:

وظیفه عمده اتحاد و یکپارچگی مردم، تبلیغ اندیشه وحدت، پرورش انقلابی و وطنپرستانه، تشدید توجه به فرهنگ همه خلق‌های ساکن افغانستان است.

در عرصه حزبی و سیاسی:

بهبود بنیادی اشکال و میتوذهای کار حزب و سازمان‌های اجتماعی است، و باز هم تحکیم وحدت حزب از بالا تا پائین به حیث اصل عمده کار ما در مرکز توجه قرار دارد. در عرصه سیاست خارجی همه نیروها باید متوجه حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان گردد.

به پیروی از سیاست صلح‌خواهانه خود جمهوری دموکراتیک افغانستان هرگونه مساعی لازم را در جهت یا فتن راه حل سیاسی از طریق مذاکرات برای اوضاع افغانستان بعمل آورده است. در نتیجه ابتکارات جمهوری دموکراتیک افغانستان به خصوص اعلامیه‌های معروف ۱۴ می ۱۹۸۰ و اگست ۱۹۸۱ بود که راه برای آغاز مذاکرات بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان باز گردید. از همان آغاز پروسه مذاکرات ژنیو جمهوری دموکراتیک افغانستان همواره با تبارز حسن نیت و اراده واقعی سیاسی در آن شرکت ورزیده و در جریان پروسه به صورت عملی به پیشرفت آن مساعدت نموده است. اما متأسفانه در نتیجه موضعگیری منفی جانب پاکستان که تحت فشار امپریالیزم امریکا، هژمونیزم و ارتجاع به بهانه‌های مختلف از مذاکرات مستقیم و سازنده سر باز میزند، با وجود پیشرفت‌های بالنسبه مهم پروسه مذاکرات به کندی پیشرفت میکند.

ما باید در همه عرصه‌های زندگی حزبی، دولتی و اجتماعی و در امور بین‌المللی بهتر، با صرف همه انرژی و توانایی، بدون خستگی کار نماییم.

تنها در این صورت شعار ما که انقلاب ادامه دارد، نیروی حقیقی را خواهد داشت!

فهرست

شماره	صفحه
۱.	درباره این
۲.	پلینوم اول کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۳.	پلینوم دوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۴.	د افغانستان د خلق دموکراتیک گوند د مرکزی کمیٹی دریم پلینوم
۵.	پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۶.	پلینوم پنجم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۷.	پلینوم ششم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۸.	پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۹.	پلینوم هشتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۱۰.	پلینوم نهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «در باره وظایف حزب در باره مسایل ایدئولوژیک و تقویت کارسیاسی در میان توده‌ها»
۱۰۸	پلینوم دهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «در باره تکامل و استحکام هرچه بیشتر حزب»
۱۴۴	پلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «در باره وظایف تأخیر ناپذیر حزب در زمینه تطبیق سیاست اقتصادی مطروحه در برنامه عمل د.خ.ا.»
۱۶۵	پلینوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «در باره وضع در کشور و وظایف میرم حزب و قدرت دولتی»
۱۹۳	پلینوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «در باره تشدید مبارزه علیه ضدانقلاب و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت دولتی»
۲۲۶	پلینوم چهاردهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «مسایل مربوط به تکامل بیشتر انقلاب ما، ارتقای قابل ملاحظه نقش حزب و سطح مسؤولیت همه کمیته‌های حزبی بخاطر اجرای وظایف انقلاب در محلات»
۲۶۱	پلینوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «تشدید کارحزب در بین توده‌های مردم و ارتقای سطح فعالیت آنها در دفاع از وطن و انقلاب»
۲۹۷	پلینوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان «درباره توسعه پایه‌های اجتماعی حاکمیت انقلابی خلق و تدابیر مزید جهت عادی ساختن اوضاع در کشور»
۳۳۱	پلینوم هفدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
۳۶۴	

داده‌ها
پایه
جمع

باید ثروت‌های متعلق به مردم اعم از قابریک‌ها، کارخانه‌ها، پل‌ها، سرک‌ها، دستگاه‌های برق، کانال‌های آبیاری، مکاتب شفاخانه‌ها و غیره را از تعرض دشمنان مصئون ساخت. دشمنان آنها را تخریب میکنند تا بکمک ویرانی وضع جنگ را ادامه دهند. آنان در برابر رنج، بدبختی و فقر مردم بی تفاوت اند، نجات وطن محبوب از غارت و ویرانی امر مربوط به شرف، حیثیت و ناموس همه مسلمانان و وطنپرستان نجیب افغانستان است. بپرک کارمل

انتشارات راه پرچم

<http://rahparcham1.org>